تروریسم اقتصادی

Economic Terrorism

تهیه و ترتیب

ابن عبداللطیف بابکرخیل

-أبو مصعب الخراسانی-

ترويسم اقتصادی

Economic Terrorism

تأليف
يما ابن عبداللطيف بابكرخيل
-أبومصعب الخراسانی-

مقدمه :

ان الحمد لله نحمـده و نسـتعينه و نسـتغفره و نعـوذ بالله من شـرور أنفسـنا و من سـيئات أعمالنا من يهـده الله فلا مضل له و من يضـلله فلا هـادی له و أشـهد أن لا إله إلا الله و أشـهد أن محمـدا عبـده و رسـوله، صلوات الله عليه و على آله و أصحابه و سلم تسليما كثيرا . . . و بعد

{**يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُـواْ اتَّقُـواْ اللّـهَ حَـقَّ تُقَاتِـهِ وَلاَ تَمُـوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ**}.. (ال عمران) ، الاية : 102

ترجمه:ای کسانیکه ایمان آورده اید! از اللـه آنگونـه کـه ترسـیدن از او است، بترسید و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید.

{**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُـوا اللَّهَ وَقُولُـوا قَـوْلًا سَـدِيدًا، يُصْـلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُـوبَكُمْ وَمَنْ يُطِـعِ اللَّهَ وَرَسُـولَهُ فَقَـدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا**}...الاحزاب، الاية : 70-71

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید! از الله بترسید، و سخن درست (وحق) بگویید، تا الله کارهایتان را برای تان اصـلاح کنـد، و گناهـان تـان را بیآمرزد، وهرکس که از الله و رسول اش اطاعت کنـد، یقینـاً بـه کامیـابی عظیمی نائل شده است.

{**يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُــــوا اتَّقُــــوا اللَّهَ وَكُونُــــوا مَــــعَ الصَّادِقِينَ**}...)التوبة(الاية : 119

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده ایـد از اللـه بترسـید و بـا راسـتگویان باشید.

{**يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يضُـرُّكُمْ مَنْ ضَـلَّ إِذَا اهْتَدَيتُمْ إِلَى اللَّهِ مَـرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَينَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُـونَ**}... (المائده)، الاية 105

ترجمه: ای کسانیکه ایمـان آورده ایـد! مـراقب خـود باشـید اگـر شـما هدایت یافته باشید، گمراهی کسانی که گمـراه شـده انـد بـه شـما زیـانی نمی رساند، بازگشت همه ی شما به سـوی اللـه اسـت، آنگـاه شـما را از آنچه عمل کردید؛ آگاه می سازد.

{**يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُـوا ادْخُلُـوا فِى السِّـلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُـوا خُطُوَاتِ الشَّيطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ**}...(البقره) ، الاية : 208

ترجمـه: ای کسـانیکه ایمـان آورده ایـد! همگی بـه اسـلام (و اطـاعت کامل الله) در آییـد، و گامهـای شـیطان را پـیروی نکنیـد، بدرسـتی کـه او برای شما دشمن آشکار است.

{**يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُـوا إِنْ تُطِيعُـوا الَّذِينَ كَفَـرُوا يـرُدُّوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ**}...(آل عمران)، الاية : 149

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید! اگر از کسانیکه کـافر شـده انـد، اطاعت کنید، شما را (به کفـر) بـر میگرداننـد، آنگـاه زیـان دیـده بـر می گردید.

پس از شکست کمونیسیم و سوسیالیزم توسط مجاهدین مسلمان در افغانستان و فروپاشی نظام کمونستی در سراسر جهان غرب به رهبری امریکا و به دستور نظام صهیونستی یهود خواست درین موقع حساس بدیلی بعد از رهائی بشریت از چنگال نظام الحاد و بی دینی کمونیسیم برای نظام سیاسی اقتصادی کشور ها که به مثابه فرزندان کمونسیم بودند و حالا یتیم شده بودند و در راستای تطبیق برنامه های کمونستی و سوسیالیستی حامی پیش کش نمایند. و این دقیقاً نتایج همان کنفرانس سال 1897 م می باشد که بزرگان یهود در زمینه تقدیر و تغیر و برنامه ریزی سیاست و اقتصاد جهانی در طویل المدت برگذار نموده بودند، و هیچ جای شك نمی باشد که یهود امروزه بیش از 75% سرمایه و نظام اقتصادی جهان را تحت کنترول دارد و اُعمال و نیرو های نظامی امریکا به مثابه لشکریانشان از منافع علیا یهود در مقابل جهان خصوصاً مسلمانان به دفاع پرداخته است . و امریکا امروز به دستور یهودیان (صهیونیزم) به مانند فرعون سر بلند کرده است و جهان را زیر پا می کند – گویند از فرعون پرسیدند که چه چیزی ترا فرعون گردانیده است؟ گفت کسی نبود تا جلو مرا گیرد!!!

و دقیقاً امروز یهودیان همین احساس را دارند ، و از راه های مختلف ظلم ، وحشت ، دهشت را در عالم عام ساخته اند ، که بر اساس دو وسیله جنایات خویش را بالای بشریت اِعمال می نماید :

- سیاست جهانی
- اقتصاد جهانی

که به صراحت گفته می توانیم این امور را توسط مزدوران خویش در کشور های جهان انجام می دهند و صریحاً در تعین زعیم کشور ها و تعین نظام سیاسی و اقتصادی شان تصمیم گیرنده یهودیان می باشد...

اما برای عالم اسلام جای دقت است که چگونه توانسته اند رهبری و یکه تازی غرب و یهودیان را بر بالای خویش بپذیرد ، در حالیکه در نزد شان نظام کامل سیاسی- اقتصادی -عبادی... و روش های تطبیقی خلفای راشده و سلف صالح رضوان الله علیم اجمعین و سایر امیران و خلفای اسلام موجود می باشد.

امروز غرب کوشش می کند تا نظام اقتصادی سرمایه داری (امپریالیزم ویا ایکونومیک- لبیرالیزم) و نظام سیاسی (دموکراسی) را در جوامع اسلامی به محك امتحان گیرند ، و کسانیکه نسبت به دین اسلام جاهل محض هستند و الفبای اسلام را نمی دانند درین راستا غرب را

خوش آمدید گفته اند غافل از این که اسـلام با این برنامه هـای شـان ذره ای سرسازش نداشته و قبول آن را کفر می داند و تطـبیق آنـرا در جوامع اسلامی باعث بی نظمی و در هم آمیختگی اجتماعی می داند.

زیـرا اسـلام به عنـوان دین کامل و تجزیه ناپـذیر هرگز نمی پـذیرد در صورت موجودیت گوشه آن حذف گردیده و چیزی ناقص دیگر وصل گردد ، و یا به سویش به گونه متهم نگریسـته شـود گویا اسـلام در زمینه نظـام سیاسی برنامه ندارد و یا در زمینه اقتصاد احکام اسلام محدود و غیر قابل تطبیق می باشد .

جا دارد بگویم اسلام به عنوان دین فطـرت و به عنـوان عقیـده برتر و بالاخره به عنوان چراغی که بشـریت را از بی نظمی و بی نظـامی ظلم ، وحشت و دهشت نجــات داده است ضــرورت به پنــاه بــردن به نظــام کمونستی و یا سرمایه داری لبرالیزم غرب نـدارد ، و هر گونه رابطه قایل شدن میان اسلام و لبرالیزم و یا اسلام و دموکراسی و... جهالت محض و گمراهی عظیم می باشد.

چون این نظام ها به عنوان یك پدیـده در یك مقطع ای از زمـان بـرای رفع مشــکلات مردمــان که دین الله را نه پذیرفته اند پدیــده می آید و با گذشت زمـان با آشـکار شـدن نـواقص آن به شـکل تـوهین آمـیز و اسف برانگیز آن از طرف آینده گان شان متروك قـرار گرفته و هرگز بـرای بـار دوم مورد امتحان قرار نگرفته و بدینصورت رنگ از صحنه گیـتی بر بسـته است.

ولی اسـلام به عنـوان یك دین (نظـام کـاملی که تمـام جنبه ها و ابعـاد زندگی انسان را چه از سیاست باشید یا اقتصاد ، یا اعتقاد و یا اعمال ...) از آغاز بشریت تا معاد قیامت استوار بوده و همواره توسط رســولان الله علیهم السلام تبلیغ گردیده و در شرایط مختلفت حلال مشـکلات عقیـدوی ، سیاسی ، اقتصــادی ، اجتمــاعی ... بــوده است و بر آن که ثبــات را در جامعه به وجـود می آورد و به خـیر و صـلاح بشـریت بـوده امر می نماید: {**إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يهْدِى لِلَّتِى هِى أَقْوَمُ**}...الاسراء/ الاية : 9

ترجمـه: بیگمـان این قـرآن بـه راهی کـه آن اسـتوارترین راههاسـت ، هدایت میکند.

بنـــاً اســـلام به مثابه یگانه دین و یگانه نظـــام برتر نـــزد الله و حلال مشکلات بوده است بشرط آنکه حق اسلام و حق کلام الله توسط پیروان آن اداء گردیـده باشد تا حد که بمنظـور دفـاع از منـافع آن حاضر به دادن جان خویش نیز باشند.

اقتصادی

آنانکه در جستجوی راه حل های سیاسی-اقتصادی برای بیرون رفت ازین معضل که در فراروی جهان به خصوص مسلمان خلق گردیده است، تحت بیرق غرب زده گی و مزدوری غرب که به شکل يك طاغوت در برابر عقاید مسلمانان قرار گرفته است می پردازند باید گفت به تمام معنی در اشتباه محض می باشند.

و یا آنانکه از پیشرفت های غرب و بی دینان و ملحدان متاثر گردیده اند در خطاء بزرگ واقع شده اند زیرا ایشان هرگز ضعف را در خود نمی بینند ولی تقصیر را از اسلام می دانند ، هرگز اسلام را به معنی واقعی آن نپذیرفته اند ولی به نقص و کمبودی برنامه و نظام متهم می سازند ، هرگز اسلام را در جامعه تطبیق نمی کنند ولی اسلام را در عدم کنترول آن مسئول قرار می دهند .

یقیناً که اسلام امریکائی ... و اسلام که از طرف غرب به ما معرفی گردیده است چنین نواقص را دارا است.

باید گفت امروز غرب به رهبری امریکا و به دستور صهیونیزم هرگز به کمك ما نیامده اند و هر گز کوشش آبادی ما را ندارند بلکه آمده اند تا ما را (ظاهراً) در آغوش دوستی خویش محکم گرفته تا دشمنان ما به ساده گی موقع این را پیدا کنند که از عقب به ضربات محکمی ما از پا بیندازد.

و واضح است که غرب به موقعیت استراتیژيك اسلام نیاز دارد و لازم می داند تا برنامه های سیاسی- اقتصادی خویش را تا مدتی که توقف می نماید بالای مردم تطبیق نماید تا هرگز موقع تفکر در منابع اسلامی را پیدا نکنند.

زیرا ایمان را که اصحاب رسول صلی الله علیه وسلم و سلف صالح ایشان رضوان الله علیهم اجمعین در قلب های ما جا داده اند می خواهند به شکل زیرکانه آنرا از ما بربایند و به چهره های متفاوت با اسلام به مبارزه می پردازد ، چرا که اسلام یگانه دشمن شان است که بالای آن اتفاق نموده اند چون در برابر برنامه های امپریالیستی و استعماری شان تنها اسلام است که به مبارزه و به رهائی بشر از قید بندگی بنده می پردازد.

امروز غرب می خواهد به ادامه دشمنی های که از جنگ های صلیبی برایشان میراث مانده است و به شکل فجع آن شکست خورده بودن را این بار ستون فقرات جوامع انسانی را به حیث سلاح انتخاب نموده و مسلمانان و دشمنان خویش را مورد حمله قرار دهند.

و خویش را به عنوان پیش قدم در عرصه هـای اقتصـادی –سیاسی به اثبـات برسـانند و این را بـرای ما تلقین نمایند نظـام که اثبـات دارد همانا لیبرالـــیزم اقتصـــاد و دموکراسی می باشد و ملت ها هیچ راهی بجز از پذیرفتن این نظام ندارند .

و الله تعالی می فرماید:{ **وَلَا يحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يعْجِزُونَ**}...(الانفال) ، الاية:59

ترجمه: وکسانی که کافر شـدند، نپنداریـد کـه پیشـی گرفتـه انـد، آنهـا هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد.

و در آیة دیگــری می فرماید:{**لَا يغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَــرُوا فِى الْبِلَادِ ، مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَـادُ**}...آل عمـران: 196-197

ترجمه: رفت و آمد کافران در شهرها تو را نفریبـد! این متـاع نـاچیزی است، پس جایگاهشان جهنم است، و چه بد جایگاهی است.

الله رسول خویش و مؤمنان را اطمینـان می دهد که ایشـان در شـهر شما در کشور شما می آید ولی هرگز بالای شما غالب آمده نمی تواند در صورت که شما الله را ترك نکنید الله را با تطبیق احکام قران یـاری دهید و الله شما را علیه ایشان یاری می دهد.

زیـرا اسـلام همیشه مبـارزه می کند تا انقلابی را به وجـود بیـاورد بر خلاف انقلاب دیگر چرا که انقلاب اسلام منشه و منبع از اسلام و شـریعت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم دارد و اساس آنرا عدالت و نجات بشـریت از ظلم صـهیونیزم –بی دینـان- مشـرکین به الله – و مادیگرایـان تشکیل می دهند

زیرا دقیقاً امروز جهـان به سه قطب علیه مسـلمانان تقسـیم گردیـده است

- اسـرائیل به عنـوان پایگـاه تروریسـتی و مشـورتی با تمـام قـدرت توسط حرکت صهیونیزم به منظـور دسـتیابی به اهـداف اعتقـادی خـویش پرداخته است.
- غرب به رهبری امریکا به عنوان کسـانی که دین را نمی شناسـند و به قدرت مافوق خـویش اعتقـاد ندارند رو به مـادیگری نمـوده و به کسب منافع مادی به قیمت کشته شدن میلیون ها بی گناه و اشغال سرزمین ها پرداخته است.
- و گروه سوم آن عده از ظالمان و منافقانی و مرتدان هستند که در حال حاضر بالای مسلمانان حکومت میکنند .

- و گروه چهارم همان طائفه منصوره است که همـوراه بـا ایشـان میجنگند و با ایشان مخالفت میکنند و قیامت پرپا میشود در حالیکه ایشان در جهاد و قتال با ایشان قرار دارند.

زیرا ایشان بـالای اعتقـاد خـویش پا گذاشـته و به خـدمت نظـام کفر و صهیونسـتی پرداخته است و ایشـان مسـلمانانی هسـتند که اسـلام را از والدین خویش به ارث برده اند بی خبر از اینکه اسـلام به ارث بـرده نمی شـود به آنچه که تمائل داشـته باشی و آنـرا دوست داشـته باشی و از آن اطاعت کنی همان رب تو و همان دین تو است. و الله تعالی این گروه را از اسـلام بـیرون کـرده و نسـبت مسـلمان را از ایشا ن گرفته است:{**یا أَیهَا الَّذِینَ آَمَنُـوا لَا تَتَّخِـذُوا الْیهُـودَ وَالنَّصَـارَى أَوْلِیـاءَ بَعْضُـهُمْ أَوْلِیـــاءُ بَعْضٍ وَمَنْ یتَـــوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا یهْـــدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ**}...(المائدة) ، الایة : 51

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید! یهود و نصاری را بـه دوسـتی بـر نگزینید، آنان دوستان یکدیگرند، و کسانیکه از شما با آنها دوستی کننـد، از آنها هستند، همانا الله گروه ستمگار را هدایت نمی کند.

بناً ما را با ایشان کاری نیست ، چرا که در معانی حاکمیت در اسلام و عبادت در شریعت اسلام هیچ شبهه ای وجود ندارد هر کسی حاکمیت غیر الله غیر قرآن را بالای خـویش پـذیرفت به حکم قـرآن وی کـافر است ، و هر کسی که نظام اقتصادی –سیاسی – اجتمـاعی ... را به غـیر از اسـلام جستجو کرد کافر است و هر کسی قرآن را تحریف کرد (بر بنیاد مصــالح شان تأویل نمود) به حکم قرآن کافر است، و بلاخـره هر کسی که اسـلام را به عنوان یگانه راه حل در تمام شـئون زنـدگی خـویش نپـذیرفت کـافر بوده و از اسلام ایشان را بهره ای نیست.

و هر کسی قرآن را تـرك نمـوده و به دنبـال سوسـیالیزم ، لبیرالـیزم ، دموکراسی ، کمونــیزم ، مارکســیزم ، مائوییسم و یا پلورالیسم دیــنی و سیاسی.....رفت در حقیقت حـــاکمیت الله را نپـــذیرفت و خواست که از اسلام خارج گردد ، و بنده گی جیمز میل ، لینن ، کـارل مـارکس ، و مـائو و هارولد لاسول و رابرت دال را پبذیرد.

زیرا قــرآن درین زمینه صـراحت دارد :{**إِنَّ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَـــادٌ أَمْثَـــالُكُمْ فَـــادْعُوهُمْ فَلْیسْـــتَجِیبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِینَ**}...(الاعراف) ، الایة: 194

ترجمه: بی گمان آنهایی را که غیر از اللـه میخوانیـد، بنـدگانی همچـون شـما هسـتند،پس آنهـا را بخوانیـد، اگـر راسـت می گوییـد، (و آنهـا الـه هستند)، پس باید (دعای) شما را اجابت کنند.

{**وَلِلَّهِ غَيبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيهِ يرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيهِ**}...(هود) الاية: 123

ترجمه: و آگاهی از غیب آسمان ها و زمین ، از آن اللـه اسـت، و همـه ی کارها به سوی او باز گردانده می شود، پس او را بپرست و بر او توکل کن ، و الله از آنچه می کنید، هرگز غافل نیست.

{**إِنْ يتَّبِعُـونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْـوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَـدْ جَـاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى**}...(النجم)، الاية: 23

ترجمه: آنها جز گمـان (هـای بـد و بی اسـاس) و هـوای نفس پـیروی نمیکنند، در حالی که هدایت از سوی رب ایشان برای آنها آمده است.

پس آنچه مورد نظر ماست تطبیق قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسـلم و برنامه هـای عملی اصـحاب رضـوان الله علیهم اجمعین و سلف صالح می باشد . و مسلمانرا که برای تطبیق برنامه های قـرآنی در زمینه های اقتصادی و سیاسی آرزو داریم مسلمانی است که آغاز کـارش از لا اله الا الله شروع شـود به همین جا ختم گـردد ، و عبـودیت را بـرای رب العالمیان تدبیر کننده امور جهانیـان خـالص گرداند . قـرآن را بداند نه به مثابه این که در اندوخته هـای علمی اش افـزوده گـردد بلکه به هـدف تطبیق آن بالای خویش و جامعه ای خویش بداند ، در روایت که از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه شده است نمونه این نسل قـرآنی را می بیـنیم وی می گوید : هر بار از قـرآن ده آیت تلاوت می نمـودم زیـرا تا زمانیکه آن ده آیت را بر خویش تطبیق نمی کردم بـار دیگر به قـرآن مراجعه نمی کردم .

و هدف ما از تـالیف و ترجمه این کتـاب همین امر است تا احکـام الله را در زندگی خویش خصوصاً در ابعـاد اقتصـادی-سیاسی –اجتمـاعی –امر بـاالمعروف... و فـردی آنچه به خـود شـخص تعلق دارد تطـبیق نمـایم . و فریضه های که بالای ما قرار داده شده است بـدون هیچ حـرجی ایمـان را به انجام آن تقویت بخشیم و عبادت و حاکمیت را به الله خالص کردانیم و به تطبیق آن مبادرت جویم .

زیـرا در اسـلام هیچ امـری وجـود نـدارد تا ما از آن بشـرمیم و خجل باشیم و از آن دفاع کنیم و به فریب و دسیسه و پنهان کردن چهره واقعی آن پرداخته و بالای دیگران آنرا بقبولانیم – بلکه یقین داشته باشیم که این

دین از الله است و حافظ این دین الله میباشد ، نباید وقت و نـــــــیروی خویش را بی مورد به هـدر دهیم و اتهامـات را از دین اسـلام دور کـنیم و کسانیکه جاهلانه به دور کـردن اتهـام از دین حق که به مانند آفتـاب روش است و هیچ شبهه ای در احکام آن موجود نیست در اسلام تردید دارند ؛ و دشمنان اسلام را نمی شناسند که فطرت شان این است با وجودیکه حق بودن این دین را می دانند ولی جاهلانه در مقابل این دین طغیان کرده اند !!!

و اسلام به دفاع من و تو ضـرورت نـدارد بلکه قـرآن و اسـلام از خـود دفاع می کند کافی است که ما مسئولیت خویش را درك نموده و به آنچه امر شده ایم ، که تطبیق احکام قرآن در روی زمین و نپـذیرفتن حـاکمیت و سرپرستی یهود و نصاری توام با ذلت می باشد مبادرت جویم .

این کتاب در اصل مجموعه از تحقیقـات زید زمـان حامد محقق امـور اسلامی، سیاسی و اقتصادی و نظامی می باشد که در یک DVD به زبـــان اردو بشکل تقریر در دسترس ما قرار داده شد، که ما آنرا در 150 صفحه ترجمه نمودیم و با تحقیقـات بیشـتر و کـاملتر درین زمینـه آنـرا بـه شـکل همین کتاب که اکنون در دست قرار دارد در آوردیم تا همه مردم فارســی زبان بتوانند از مستفاد آن بهره مند گردند. که مجموعاً این کتاب در حدود هفده مبحث و دوم فصل می باشد ، کـه فصـل یـا بخش اول آن در مـورد افشای چهره خطرناک یهـود(صـهیونیزم) و غـرب بـه رهـبری امریکـا و آن تعداد کسانیکه برده گی و مزدوری ایشـان را قبـول نمـوده انـد اختصـاص یافته است که شامل ده مبحث نخست این مجموعه میباشد و باقی هفت مبحث بعدی که فصـل یـا بخش دوم این مجموعـه را تشـکیل می دهـد در مورد اصول و اساسـات اقتصـاد اسـلام تنظیم گردیـده اسـت کـه از یـک جهت بتواند بدیلی برای اقتصاد از هم پاشیده غرب باشـد و از جهت دیگـر با قبول نمودن آن امر الله را اطاعت نمـوده و خـویش را درین عرصـه از مسئول بودن نزد الله تبرئـه کـرده باشـیم . و طـبیعی اسـت کـه کمبـود و نقصان از فطرت بشری و انسانی می باشد و این مجموعه یقیناً از کمبود ها و نقصان خالی نبوده ولی آنچه در توان داشتیم برای نجات انسـانیت از چنگال خون آلود تروریسم اقتصاد به خـرچ داده ایم ، تـا کوششـی باشـید برای رهائی از سایه ظلم و فساد یهود و یهودیت غـرب کـه از هیچ ظلم و خونریزی در طول تاریخ دریغ نکرده اند.

و در پایان از همکاری و زحمات غـیر قابل جـبران نثاراحمد «منصـف» مسئول کتاب خانه منصف که با وجود مصـروفیت هـای زیـادی که داشـتند

مراحل چاپ این رساله را بدوش گرفتنه انـد سپاسـگزای کـرده و از ذات اقدس الهی برای شان موفقیت های بیشتر در راسـتای خـدمت به اسـلام آروزمندم.

یما بابکرخیل

کابل

الجمعة، 18 ربیع الثانی، 1432

فصل اول

مبحث اول : عوامل و عاملین فساد اقتصاد جهانی

جهان (اسلامی و غیر اسلامی) در طول دو صد سال آخیر با دسایسی دست و پنجه نرم میکنند که توسط یهودیان برنامه ریزی شده و بـر بـالای مردمان آن تحمیل میگردد، و اگر دقت کرده باشـیم در هـر مکـانی از این جهان از طریق رسـانه هـا مبـاحث اقتصـادی ، تجـارت ، بانکـداری کـه بـه چشم و گوش مردم میرسد دیده میشود که در هیچ کدام از آنها در رابطه به نظام اقتصاد اسلامی بحثی صورت نمی گیرد . زیرا نظام اقتصاد جاری که مصایب، جنگها و غلام شـدن اقـوام را دامن زده اسـت بنیـاد آن روش غیر قرآنی میباشد. و اینکه مستقیماً در عقب آن بانک جهانی به چه اندازه دخیل است و به چی اندازه «IMF[1]» ازین امر سود میبرد و سازمان ملل متحد چگونه از آن حمایت می کند و اینکه این نهاد ها چطور (طلا و نقره) را به پول کاغذی تبـدیل کردنـد و چگونـه یهودیـان توسـط انگلیسـها می خواهند نظام و سـیطره ئی کفـری خـود را بـه روی زمین مسـتقر و قـایم بسازند و...غیره ؟! همه و همه بحثهای و پرسش هایی هستند که در ادامه این کتاب برای شما پاسخ داده خواهد شد.

اولاً: باید دانست کسانیکه این برنامه ها را سازمان دهی میکنند سخت به مسیحا ایمان دارند. لیکن طبـق احـادیث صـحیح نـبی صـلی اللـه علیـه وسلم نزد مسلمانان این موجـود شـریر را بـه اسـم «مسـیح دجـال» می شناسند . و ضمناً نـبی صـلی اللـه علیـه وسـلم نـیز مسـلمانان را از فتنـه دجال با خبر ساخته و راه نجات از فتنه های آنرا نیز برای مـا بیـان نمـوده است. و آن عده از مسلمانانی که به منهج نبی صـلی اللـه علیـه وسـلم و اصحاب قرار داشته باشند إن شاء الله از این ابتلاءات و آزمایشان سـخت بیرون خواهند آمد.

ثانیاً:باید دانست که هدف یهودیان با تأسیس کشور تحت نام اســرائیل و حالا با اداره نمودن اقتصاد جهانی گسترش نظام و حکـومت خـویش بـر تمام جهان و صهیونی سازی و ببردگی کشاندن غیر یهودیان میباشد.

اما ما به لطف الله تبارک و تعالی این دسیسه را شکستانده و مــردم را از فتنه ی یهودیان و طرز مقابله با آنها در ادامه ی ایم کتاب با خبر می سازیم - ان شاء الله.

---

[1] . صندوق بين‌المللي پول يا (International Monetery fund) در جون سال 1944 تأسيس شد، مقر صندوق در شهر واشنگتن، پايتخت ايالات متحده آمريكا است و گرچه از مؤسسات وابسته به سازمان ملل به‌شمار مي‌آيد، ولي به موجب اساسنامه از استقلال كامل برخوردار است. اهداف صندوق بين‌المللي پول عبارتند از: تدوين مقررات براي نظام پولي بين‌المللي و نظارت بر اجراي آن – بررسي و اداره حجم نقدينگي بين‌المللي – اعطاي وام كوتاه مدت و بلند مدت به‌كشورهاي عضو.

سؤال: از دیدگاه تـاریخی و قـرآنی حکم نظـام اسـلامی در مـورد منـع سود «الربا» چیست ؟

جواب: از هزاران سال قبل به این سو این انسـانها بودنـد کـه اسـاس تمـدنها و نظامهـا را گذاشـتند. طوریکـه چنگیزخـان در رأس امـپراطوری مغول حکومت خود را از منگولیا تا امپراطوری رومانی توسعه بخشید و یا اقتدار امپراطوری اش در روی کره ی زمین الی چند صد سال باقی ماند، و از آن قبـل رومی هـا و فارسـی هـا و بِربِـر هـا و مصـریان و اسـکندر مقدونی... امپراطوری ها بـزرگی را سـاخته بودنـد و همچنـان دولت هـای کوچک و اجتماعات انسانی و بشری در نقاط مختلـف زمین وجـود داشـت که در بین مردم درین ادوار مختلف روابط تجاری، اقتصـادی ، اجتمـاعی ، فرهنگی و... بدون توقف در جریان بود. ولی مطلبی که مـا میخـواهیم بـه آن اشاره کنیم این است که اسـاس ارتباطـات اقتصـادی آنهـا بـر اسـاس «سکه های طلا و نقره» اسـتوار بـود و فـرقی نمی کـرد کـه آن سـکه در چین ضرب زده میشد و یا جزیزة العـرب و یـا افریقـا ویـا روم و فـارس ، مهم آنست که طلا همان یک طلا بود و نقره نیز همان یک نقره و انســانها همیشه از این استندرد استفاده میکردند.

بنابراین نخست از همه دانسـتن این موضـوع ضـروری اسـت کـه چـرا «طلا و نقره» را از نظام اقتصاد مردم بیرون ساختند ؟

بخاطری که بنیاد نظام کفری یهودیان بر اساس این اصـول اسـتوار است کـه معیـار طلا و نقـره را از بین ببرنـد تـا حکـومت کفـری شـان در سرتاسر دنیا حاکم شود.

نا گفته نباید گذاشت که در تمدنهای نخست جهانی رفع نیازمندی هـای مادی مردم بر اساس تبادله ی جنس به جنس صورت میگرفت مثلاً گنـدم در مقابل برنج ، جو در مقابل جواری ...وغیره ، که بعـداً جـای آنـرا سـکه های طلا و نقره پُر ساخت، روی همین دلایـل بـود کـه نظـام اقتصـادی در بین مـردم جهـان چنـدین صـد سـال بـا ثبـات بـاقی بـود و انفلاسـیون و دفلاسیون (گاهش و افزایش در ارزش پول) بوجود نمیآمد.

و الله تبارک و تعالی در قرآن و رسـول او صـلی اللـه علیـه وسـلم در احادیث شان محاسـبات زکـات و امـور مـالی را توسـط طلا و نقـره ذکـر کرده و بالای طلا و نقره تاکید زیادی شده است، الله متعـال می فرمایـد: {**وَالَّذِينَ يكْنِزُونَ الـذَّهَبَ وَالْفِضَّـةَ وَلَا ينْفِقُونَهَا فِى سَـبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ**}- التوبه/34.

ترجمـه: آنانکه ذخـیره می کنند زر و نقـره را و خـرج نمی نمایند آن را در راهِ الله بشارت ده این جماعه را به عذاب دردناک.

و همچنان می فرمایند: {**وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيسَ عَلَينَا فِي الْأُمِّيينَ سَبِيلٌ وَيقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يعْلَمُونَ**}- آل عمران/75.

ترجمه: و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فـراوانی امین شمری ، آنرا به تو باز می گرداند، و از آنان کسی است کـه اگـر او را بـر دیناری امین شمری آنرا بـر تـو بـاز نمی گردانـد ، مگـر تـا زمـانی کـه بـر (سر) او ایستاده باشی ، این بدان خـاطر اسـت کـه آنـان می گوینـد: در مورد (خوردن مـال و .....) امـیین (عربهـای، غـیر یهـود) گنـاهی بـر مـا نیست.

همچنان در سوره یوسـف در بیـان عمـل بـردارن یوسـف میفرماینـد: {**وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ**}- یوسف/20.

ترجمه: و (سر انجام) او را به بهای اندک – چنـد درهم فروختنـد ، و در (باره ی) او بی رغبت بودند.

و از نبی صلی الله علیه وسلم روایت است: «**عن مالـك بن أوس ، أخبره : أنه التمس صرفا بمائة دينار، فـدعانی طلحـة بن عبيـد الله ، فتراوضنا حتی اصطرف منی ، فأخـذ الـذهب يقلبهـا فی يـده ، ثم قـال : حـتی يـأتی خـازنی من الغابـة ، وعمـر يسـمع ذلك ، فقال : و الله لا تفارقه حتى تأخذ منه ، قال رسول الله صلى الله عليـه وسـلم : " الـذهب بالـذهب ربـا إلا هـاء وهـاء ، والـبر بـالبر ربـا إلا هـاء وهـاء ، والشـعير بالشـعير ربـا إلا هـاء وهاء ، والتمر بالتمر ربا إلا هاء وهاء**»[1].

ترجمه: از ابن شهاب روایت است که گفت: مالک بن اوس به او گفته بود که وی می خواهد که صد دینار خود را به درهم مبادله نماید ، و سپس گفت : طلحه بن عبیدالله مرا فرا خواند و ما در این بـاره مـذاکره کـردیم آنکه به بیع صرف (نقد به نقد) توافـق کـردیم و او طلاهـا را گـرفت و در دست خود زیر و رو می کرد و سپس گفت : انتظار بکش تا خزانه دار من از غابه بیاید ، و عمر که این گفت و گوی را می شنید گفت به الله سوگند

---

[1] . بخاری (2086) و مسلم (1584).

که از طلحه جدا نمی شوی تـا آنکـه همـه طلا هـا را از وی بگـیری ، زیـرا رسول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم فرمـوده : فـروش طلا بـه طلا سـود است ، مگر آنکه معامله دست به دست باشد ، و فـروش گنـدم بـه گنـدم سود است تا آنکه مگر معامله دست به دست باشد و فروش جـو بـه جـو سود است مگر آنکه معامله دست به دست باشد و فروش خرما به خرما سود است تا آنکه معامله دست به دست باشد.

و همچنان در باب معاملات در کتاب صحیح بخـاری میخـوانیم کـه امـام مسلم نیز این حدیث را روایت نموده اسـت: [**عن أبی سـعید الخـدری رضی الله عنه: أن رسول الله صلی اللـه علیـه وسـلم قـال: لا تـبیعوا الـذهب بالـذهب إلا مثلا بمثـل، ولا تشـفوا بعضـها علی بعض، ولا تبیعوا الورق بالورق إلا مثلا بمثل ، ولا تشفوا بعضها علی بعض، ولا تبیعوا منها غائبا بناجز**].

ترجمه: از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول اللـه صلی الله علیه وسلم فرمود : طلا را به طلا نفروشید مگر اینکه وزن هر یـک برابـر بـا وزن دیگـری باشـد و پـاره ای از یکی را بـر پـاره دیگـری میفزاید ، و نقره را به نقره نفروشید مگر اینکـه وزن هـر یـک را برابـر بـا وزن دیگـری باشـد و پـارۀای از یکی را بـر پـارۀ دیگـری نیفزایـد و نقـود (پولهای) موجود را به نقود غایب نفروشید.

یا در حدیث دیگری میخوانیم که امـام ابن ابی شـیبه از عایشـه رضـی الله عنها روایت کـرده اسـت: [**عن عمرة ، عن عائشـة ، عن النـبی صلی الله علیه وسلم قال : یقطع فی ربع دینار فصاعدا**].

ترجمه: نبی صلی الله علیه وسـلم گفت: کسـی کـه ربـع (4/1) حصـه دینار را دزدیده باشد دست وی را از صاعد قطع کنید.

و به همین طور نصوص شرعی زیادی اند که محاسبات زکـات ، حـدود و غیره امور مـالی اسـلامی همـه بـر اسـاس طلا و نقـره شـده انـد، و از طرف دیگر استدرد طلا و نقره استندرد جهانی بوده و طوری کـه قبلاً نـیز اشـاره کـردیم یگانـه پـولی اسـت کـه در انفلاسـیون و دیفلاسـیون قـرار نمیگیرد از همین جهت اسلام نیز این واحد پولی را قبول (adopt) کـرده است.

امـا در نخسـت بـه جنبـه هـای تـاریخی اسـتفاده اسـتندرد طلا و نقـره میپردازیم که امپراطوری های بزرگ هم از اسلامی و غـیر اسـلامی قـرن ها و بدون نگـرانی از ناحیـه ارزش پـول شـان بـر اسـاس همین اسـتندرد استوار بودند.

طوریکه امپراطوری روم قـدیم و فـارس و امـپراطوری مغـول و عثمـانی همه از سکه های نقره استفاده میکردند و حتی تـا قـرن بیسـتم در نظـام اقتصادی بعضی از کشورها نظـام پـولی بـر اسـاس اسـتندرد طلا و نقـره بود ، از همین جهت از بحران مالی و پولی هیچ خبری نبود .

زیرا برای نظام ثابت پولی و اقتصادی چند نیازمندی وجود دارد:

اولاً- پول رایج باید از جنس با ارزش باشد که طلا و نقره برخلاف بانک نـوت هـای داری این خصوصـیت اسـت ، یعـنی در ذات خـود دارای ارزش است و یا گندم خود دارای قیمت است کـه میتـوانیم هم از آن غـذا آمـاده سازیم و همچنان میتوانیم با سایر اجناس آنرا معاوضه نمایم، و همینطــور طلا و نقره همیشه دارای ارزش میباشد و معاملات بـا آن آزادانـه صـورت میگیرد. یک دینار در جریرة العـرب هم یـک دینـار اسـت و در چین هم یـک دینار ارزش دارد و در مصر نیز یک دینا است، به این مفهوم کـه در ارزش آن تغیری متصور نیست، در حالیکه یک افغانی در افغانسـتان یـک افغـانی ولی در چین هیچ ارزشی ندارد و نمیتوان با آن چیزی را خریداری کرد.

پس طلا در هـر منطقـه و گوشـه ای از دنیـا پـول قابـل قبـول بـوده و دارای ارزش میباشد و امکان نداشت تا در جریـان تبادلـه ی آن فـردی در چین تجارت کند و یهود در امریکا حصه خـود را از آن بـیرون سـازد . و یـا امکان نداشت در صورت روی کار بودن طلا در بازار یک فرد بتواند مـردم یک کشور بزرگ را غلام و تابع خود گردانند.

البته در آن ایام انسانها میتوانستند آزادانه پول خـود را بـا خـود انتقـال دهند و یا هرگاه میخواستند طلا خود را بـه زمین دفن می کردنـد و صـدها سال بعد نواسـه هـای آنهـا پـول را بـیرون آورده از آن اسـتفاده میکردنـد بدون آنکه آن پول ارزش خود را ازدسـت داده باشـد زیـرا طلا همـان طلا بود و ارزش آن نیز همانطور ثابت .

پس آن ایام اگر پادشاهی میخواست تا برنامه یا جنگی را سـازماندهی کند باید نخست در جستجوی طلا و سرمایه ای واقعی میشد، نه اینکـه بـه فکر چاپ بانک نوتهای جعلی کاغذی بیافتد.

منظور ما از گفتن این همه اینست تا ثابت کنیم که پر ثبات ترین نظام مالی در دنیا همانا نظام پولی بر اساس اسـتندرد «طلا و نقـره » میباشـد که برای بدست آوردن آن زحمت بکار میباشد نه نیرنک و فـریب، از همین جهت اللــه تعــالی در ســوره حج میفرمایــد: {**فَــإِذَا قُضِــيَتِ الصَّــلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِــيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**} (الحج/10)

ترجمـه: و چـون از نمـاز فـارغ شـدید پس در روی زمین (بـه منظـور کسب روزی حلال) منتشر شوید و بجوید از فضل و نعمت های اللـه و یـاد کنید و سپاس گزار باشید الله را بسیار اگر از رستگاران هستید.

سود یا «الربا»چیست ؟

اصل ماده کلمه ربا که در قرآن کریم از آن ذکر شده است، عبارت از [ر- ب - ا] است که معنای زیادت، نمو ، ارتفاع و بلندی را دارد .

مثلاً وقتیکه مال و ثروت زیاده شود در عربی می گویند «ربا المـال» و وقتیکه کسـی بـه یـک مقـام و عـزت بلنـدتر برسـد می گوینـد: «ربـا فلان رابیتة» و وقتیکه طفلی را در آغوش خود تربیه و بـزرگ نمایـد می گوینـد: «ربا فی حجرة» و هنگامیکـه چـیزی را نمـو و انکشـاف دهیـد می گوینـد: «اربی فلان الشی ء« [1].

ابن حجـر الهیثمی در کتـاب الزواجـر و امـام رازی در تفسـیر کبـیر میگویند: ربای نسیه یا تأجیل که در زمان جاهلیت در بین اعـراب معـروف و متداول بود چنین شکل داشـت کـه شخصـی مـال خـود را بـدیگری بیـک وقت معینی قرض می داد بشرطیکه هر ماه از وی یک اندازه معین مفـاد بستاند و سرمایه بحال خودش بدون کم و کاست باقی می ماند و وقتیکـه زمان تادیه آن فرا میرسد همه سرمایه را مطالبه می نمود و اگر تادیه آن ناممکن می شد در وقت تاجیل نموده و در مفاد (سود) آن هم می افـزود .[2]

الله متعال در بیـان معـنی سـود فرمـوده اسـت: {**وَمَا آَتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ**}-الروم/39.

ترجمه: و آنچه (به قصد) ربا میدهید تا در اموال مردم فـزونی یابـد ، نزد الله فزونی نخواهد یافت.

بناً سود به معنی ساده آن این است که فرضـاً بـه کسـی 100 افغـانی قرضه بدهی و بعداً 120 افغانی از او بگیری.

نا کفته نباید گذاشت حتی زمـانی کـه معیـار تبـادلات بـر اسـاس طلا استوار نیز بوده یهودیان در زیر یک سقف جمع میشدند و خلاف امـر اللـه متعال معاملات ربا را انجـام می داننـد و سـود را بـرای خـویش حلال می دانستند .

در حالی که الله در مورد سـود خـوران این چـنین میفرمایـند: {**الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ**

---

[1] سود از نظر اسلام و اقتصاد ص 93 / أبوعلی المودودی.

[2] . الزواجز ، ج2ص 351.

مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ}، البقرة/275.

ترجمه: کسانیکه ربا میخورند (روز قیامت از قبر های خویش) بر نمیخیزند ، مگر مانند برخاستن کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده (و نمیتوانند تعادل خود را حفظ کند) این بدان سبب است که آنان گفتند: همانا داود و ستد هم مثل ربا است ، در حالیکه الله داد و ستد را حلال کرده و ربا را حرام ، پس همانا هر کس که از جانب الله پندی بر او برسد ، آنگاه (از ربا خواری) باز ایستاد ، آنچه گذشته (و قبل از نزول حکم دریافت کرده است) از آن اوست ، و کارش به الله واگذار میشود ، و کسی که به ربا خواری باز گردد آنان اهل آتش اند و در آن جاویدان خواهند بود.

بر علاوه الله تعالی آنقدر بالای تحریم سود خوری تاکید کرده است که حتی انسان سود خور و سود ده را دشمن خویش و رسول خویش خطاب نموده است او را به جنگ خویش با خود خبر داده است ، و این واضح است که هیچ مخلوقی توانان آنرا ندارد که در برابر خالق بجنگد ولی این آیت شدت تحریم سود را از جانب شارع بیان می کند طوریکه میفرماید: {**يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِى مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ**}- البقره/278-279.

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید ، از الله بترسید و آنچه از (مطالبات) ربا در میان شما باقی مانده است رها کنید اگر مؤمن هستند، پس اگر (چنین) نکردید ، پس بجنگی از طرف الله و رسولش باخبر باشد ، و اگر توبه کردید اصل سرمایه هایتان از آن شماست نه ستم می کنید و نه بر شما ستم وارد میشود.

همچنان از نبی صلی الله علیه وسلم روایت است که میگوید: [**اجتنبوا السبع الموبقات " قالوا : يا رسول الله ، وما هن ؟ قال : " الشرك بالله ، والسحر، و قتل النفس التى حرم الله إلا بالحق ، وأكل الربا ، وأكل مال اليتيم ، والتولى يوم الزحف ، وقذف المحصنات المؤمنات الغافلات**][1].

---
[1] . متفق علیه.

ترجمه: دوری اختیار کنید از هفت گناه بزرگ، اصحاب گفتند یا رسول الله آنها چه هستند؟ فرمود : شریک قرار دادن بالله ، سحر(جادو) ، کشتن کسی بناحق که الله تعالی حرام قرار داده است ، و خوردن سود ، و خوردن مال یتیم ، بازگشت از میدان جهاد ، تهمت زدن به زنان مؤمنه صالحه.

و همچنان امام احمد ، ابوداود ، ترمذی ، نسائی ، ابن ماجه حدیثی را از رسول الله روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: [**لعن الله أكل الربا و مؤكله و شاهديه و كاتبه**].

ترجمه: الله ، سود خور و کسی که وام ربوی را می گیرد ، و شاهد و نویسنده آن را لعنت کرده است.

همچنان در حدیث دیگری آمده است: [**إذا ظهر الزنا والربا فی قرية ، فقد أحلوا بأنفسهم عذاب الله**][1].

ترجمه: هر گاه ربا و زنا در شهری و منطقه ای ظهور کند همانا اهل آن منطقه عذاب الله را خود بالای خویش حلال گردانیده اند.

البته در بین شرائع تنها شریعت محمد صلی الله علیه وسلم نیست که به مبارزه علیه ربا بر خاسته است بلکه در شریعت یهود در عهد قدیم نیز تحریم ربا موجود میباشد طوریکه در تورات آمده است: « **هرگاه برادر شما فقیر شد او را کمک کنید و از او بهره درخواست ننماید**»[2].

و همچنان در دین مسیح ، در انجیل لوقا چنین آمده است: «**کار های خیر و نیک را انجام دهید به دیگران قرض بدهید و انتظار سود و نفع آن را نداشته باشید ، آن وقت ثواب شما بیشتر خواهد بود**»[3].

ولی با تحریف و خیانت به کلام الله متعال یهودیان گرفتن ربا را از غیر یهودیان برای خویش حلال قرار دادند طوری که در آیه های 19-23 تورات می آید: «**از بیگانه گان [یعنی:غیر یهودیان] ربا را بگیرید ولی نباید از برادرانتان [یعنی:یهودیان] ربا بگیرید**»[4].

از همین جهت دانستن این امر ضروری است تا هر فرد بداند که بنیاد نظام کفری بالای سود استوار بوده و با روشهای گوناگون مردم مسلمان را به سود خوری که الله تعالی آنرا حرام قرار داده تشویق و وادار می

[1] . صحیح الجامع (679) ، و صحیح الترغیب (1859).
[2] . آیه 2 فصل 22 سفر خروج.
[3] . آیه 25-26 فصل 6.
[4]. حلال و حرام در اسلام ص326 / دکتور یوسف قرضاوی.

کنند در حالیکه مردم اکثراً نمی دانند که ماهیتاً چنین روش ها کـاملاً روش های سود و حرام است.

اما پول چیست[1] ؟

هر چیزی که عرفاً وسیله تبادلـه و ارزیـابی بـوده و حفـظ مـالکیت بـه وسیله آن ممکن باشد، پـول گفتـه می شـود و یـا پـول ثـروت واقعی یـک شخص میباشد که بر اساس آن تجارت و معاملات خود را در بـازار انجـام می دهد. یعنی جنسی را که مـا میخـواهیم خریـداری نمـاییم دارای ارزش است و ارزش آن را یا با جنسی شبه به آن و یا با سکه هایی طلا و نقــره که ارزش واقعی بخصوص خود را دارند بپردازیم .

ولی باید دانست که بانک نوت ها پول نیست زیرا ارزش واقعی ندارد ، که بعداً در مورد این موضوع به تفصـیل صـحبت میکـنیم ، امـا قبـل از آن باید بدانیم که سر چشمه ی بانک نوت ها «اسـناد بـانکی» از کجـا بـوده و چگونه و چرا در جامعه رایج گردید ؟

هرگاه بخواهیم از طبیعت و مفهـوم نظـام هـای جدیـد بـانکی و اسـناد بانکی اطلاع حاصل کنیم لازم است تاریخ پیدایش آنرا از نظر بگذرانیم .

در حدود چند قـرن قبـل کـاملاً خریـد و فـروش در بازارهـا بـر اسـاس استندرد «طلا و نقره» صورت می گرفت، گروهی دکـانی بـاز کـرد و نـام آنرا گذاشتند بانک (Bank) [2]بعد از آن آهسته آهسته به مردم تلقین کردند که شما میتوانید سکه های «طلا و نقره» خود را بطور امـانت در نـزد مـا بگذارید و در بدل آن ما به شما اسنادی را ترتیب میکنیم که در آن امضـاء همراه با مهر و امضاء شما موجود باشد. تا به این اساس سکه های شــما

---

[1]- پول به عنوان وسيله‌ي مبادله: در اكثر قريب به اتفاق جوامع امروزي امر مبادله‌ي كالاها و خدمات در ازاي مقدار معيني پول صورت مي‌گيرد و قيمت كالاها و خدمات چيزي جز بيان ارزش كالاها و خدمات بر حسب پول نيست- اقتصاد اسلامی / تقی الدین عثمانی ص133.

[2] . برای نخستين بار بانک در سال 1401 ميلادي به نام بانک بارسلون توسط دولت اسپانيا تأسيس شده است. اين بانک علاوه بر فعاليت هاي رايج در آن زمان، به عمليات صندوق داري دولت نيز مبادرت مي‌ورزيد- اصول بانكداري/ صدقي، ص 9.

اولين تجربه بانكداري به‌شكل جديد آن در سال 1716 ميلادي و در كشور فرانسه صورت عملي به خود گرفت. «جان لا» كه مردي اسكاتلندي بود با طراحي براي ايجاد یک بانک به فرانسه آمد و لويي چهاردهم (پادشاه فرانسه) كه وضع مالي اسفباري داشت، تقاضاي «جان لا» را براي تأسيس بانک و انتشار اسكناس پذيرفت. فعاليت بانكي كه وي ايجاد كرد گسترش يافت، اما «جان لا» به همين حد بسنده نكرد و با افزايش تقاضاي مردم براي وام از سوي مشتريان، به انتشار پول جديد دست زد. در اوايل سال 1720میلادی يكي از مشتريان بزرگ بانک به دليل كدورتي كه با وي داشته بود، محموله‌ي بسيار بزرگي از اسكناس هاي منتشر شده را به «جان لا» ارائه داد و در مقابل در خواست طلا نمود، وي از تحويل مقدار زيادي طلا در مقابل اسكناس ناتوان شد و اين امور موجب شد كه مردم براي دريافت طلا به بانک مراجعه نمايند و بانک مزبور ورشكسته شد و «جان لا» پنهان شد و بعداً از فرانسه گريخت.

از خطر حوادث در امان بوده و شما به سادگی معاملات و تجارت خـویش را به اساس رسیدات و سند های بانکی انجام بدهید، و به این ترتیب پــول هـای شـما محفـوظ میمانـد، مـردم هم این پیشـنهاد را عقلانی شـمرده و قبول نمودند و معاملات را بر اساس اسناد و رسیدات بانکی شروع کردند و سکه های خود را در بانک امانت گذاشتند.

علامه ابوالاعلی مودودی در مورد چگونگی پیدایش اسناد بـانکی چـنین می گوید: «در ممالـک غـربی وقتیکـه اوراق مـالی هنـوز رواج نیافتـه بـود مردم ثروت های شان را بشکل طلا در آورده و در نزد صرافان (money changers) به غرض حفاظت می سپردند و این صرافان در کاغذ سـندی برای آنها میدادند و در آن تصریح می کردند برای حامل این سـند چـنین و چنان مبلغ داده می شود و مبلغ مذکور هم قسم امـانت نـزد فلان صـراف موجود است این امر به تدریج پیشرفت کرد بقسمیکه خود این سندات در معاملات تجارتی و قـروض و تصـفیه حسـابات مـورد تـداول و داد و سـتد قرار گرفت زیرا معامله توسط این اسناد آسان تر و سهل تر از آن بود تا بـا طلا این معاملـه را انجـام بدهـد و بـه پیمانـه هـای زیـاد طلا را بهمـراه خویش حمل کنند، باین قسم نزد آنها چنین پنداشته شد که دادن سند بیک نفر عین دادن طلا است و بین این دو کـدام فـرقی وجـود نـدارد کـه بـاین ترتیب این سندها خود بتدریج جای طلا را گرفته و کمتر ضرورت می افتید که طلا را از صراف پس گرفته و بمتاع دیگری تبادله کننـد و فقـط کسـی طلا را می گرفت که بذات آن ضرورت می داشت زیـرا تمـام معاملاتیکـه در سابق توسط طلا انجام میگرفت حالا توسـط همین اسـناد و اوراق بـه پیش میرفت و حمـل و نقـل این اوراق آسـانتر و محفـوظ بـود و نـزد هـر کسیکه این اوراق وجود می داشت معنایش این بـود کـه وی مالـک همـان مقدار معین طلا نوشته شده در سند است[1] .

اما هرگاه واقعاً چنین می بود کـه بانکـداران سـکه هـای طلا (یـا پـول های واقعی) مردم را بطور امانت حفظ میکردنـد و هـر وقـتی کـه مـردم نیاز دوباره به آنها پیدا میکردند هر سکه با امانت کامل برای شان مسـترد میشد ، بدون شک که در این داد و معامله هیچ گونـه مشـکلی وجـود نمی داشــت و حــتی ســهولتهای زیــادی بــرای مــردم فــراهم میگردیــد . ولی متاسفانه که اینطور نشد یعنی زمانیکه مردم در مقابل تحویلی 100 سکه ی طلا کاغذی که ارزش آن به 100 سکه طلا تخمین شد بود را به دســت آوردند. به دنبال آن مردم آهسته آهسته با اسناد دست داشته در بین خـود

[1] سود از نظر اسلام و اقتصاد ص74-75

آغاز به داد و ستد کردند. به همین ترتیب در سالیان نخست برای دوباره گرفتن طلا و نقره یی خود از بانک چندان تمایلی نشان ندادند . که مشکل اصلی در این سیستم از همین جا آغاز شد بانکداران خواستند از بی خبری مردم استفاده سوء نمایند. چرا که مردم دیر زمانی برای گرفتن دوباره یی طلا و نقره خود به دوکانهای آنها مراجعه نکردند، لذا آنان به نشر بانک نوتهای جعلی پرداختند. طوری که شخصی آمد و 100 سکه ای طلا به بانک داد، صاحب بانک در مقابل سند هزار سکه ئی که ارزش 1000 سکه را داشت را به چاپ رساند 100 آنرا به همان شخص تحویل داد و 900 دیگر آنرا به طور جعلی در بازار عرضه و تقاضا به جریان انداخت، که بعد از همین عمل سیستم بانکداری غیر مشروع در بین جامعه نشأت و انتشار پیدا کرد.

اقدام بعدی بانکداران غایب کردن طلا از منطقه ای مربوطه بود، چون اسناد بانکی به بسیار راحتی در میان مردم جریان پیدا کرد و هیچ کس به منظور گرفتن طلای خود به طرف بانک مراجعه نمیکردند، و باورمند شده بودند که پشتوانه یی اسناد دست داشته یی شان حتماً طلا های موجود در بانک است، در حالیکه در بانک هیچ طلای موجود نبوده و همه یی آنرا به مقصد تجارت به کشور های دیگر انتقال داده شده بودند.

زمانیکه مردم آهسته آهسته از فساد بانکداران آگاه شدند و به منظور گرفتن سکه های خود به بانکها مراجعه کردند، بانکها را بدون سکه های طلا یافتند و صاحبان بانکها نیز فرار کرده بودند و آن عده از مردمی که بالای بانکداران اعتبار کرده بودند دیوانه وار به هر طرف دست و پا انداختند ولی دیگر دیر شده بود و چیزی به دست شان نمی آمد بناً جریان عادی مبادلات روز به روز خرابتر شد و بازار های موجود در آن وقت یکی پی دیگری به سوی ورشکست شدن مواجه شدند، و در پشت این دسیسه ای بزرگ دست یهودیان نهفته بود زیرا نسبت به همه مردم روز به روز سرمایه های شان افزون میشد ، و در قرن 16میلادی در امریکا و انگلستان این وضعیت به مشاهده رسیده است.

طوریکه چند تن از یهودیان (Gold Banking) یا بانکداری بر اساس طلا را ایجاد کردند و طلاهای مردم را جمع آوری می کردند و در مقابل برایشان رسید بانکی می دادند، وقتیکه هشتصد یا نهصد نفر به هر نحوی که بود اسناد را به دست آوردند اما زمانیکه بعداً به منظور گرفتن دوباره ی طلای خود به بانک میآمدند بانک را خالی از طلا ها خویش میافتند، زیرا 50% از اسناد دست داشته ی آنها جعلی بود. که این حالت چندی قبل در

بانک (Northern rock) انگلستان به وقوع پیوست؛ اما این سلسله از دوصد سال قبل تا به امروز جریان دارد، از همین جهت بطور اوسط در هر 15-20 سال چندین بانک خصوصی در امریکا و غیره نظام های سرمایه دارئی سقوط میکنند[1]؛ و دلیل آن نیز قول الله متعال است که میفرماید:{**يتَخَبَّطُهُ الشَّيطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيعُ مِثْلُ الرِّبَا**}.

زیرا از جمله صفات بد یهودیان میباشد که طلا را ذخیره می کنند و آنرا در راه الله خرچ نمی کنند و آنرا به سود می دهند تا هر چه بیشتر شود چنانچه الله متعال نیز درینمورد می فرماید: {**وَالَّذِينَ يكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينْفِقُونَهَا فِی سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ**}-التوبه/34.

ترجمه: کسانیکه طلا و نقره را می اندوزند و ذخیره میکنند ، و در راه الله انفاق نمیکنند ، پس آنها را به عذابی درد ناک بشارت دهید.

که با رونق گرفتن اینکار شان مرحله ی دوم بانکداری آغاز شد، و این بار آنها خواستند تا چندین بانک کوچک را با هم یکجا سازند، که این تصمیم ایشان در سال 1913م منجر به تأسیس«Federal Reserve Bank» در امریکا شد که رهبری آن به دست یهودیان بود و مقصد شان ازینکار نیز صرفاً جمع آوری طلا از نزد مردم بود و ضمناً این بانک قادر بود تا در صورت سقوط یکی از بانکهای کوچک آن بانک را حمایت یا در اصطلاح بانکداری خودشان «Backup» کنند.

این بانک خصوصی از سرمایه ی مشترک 15-16بانک کوچک به وجود آمده بود و دولت امریکا در ایجاد آن هیچ نقش و صلاحیتی نداشت و به همین ترتیب آنها با خرید اسهامی که نزد مردم بود توانستند تا صلاحیت تمام بازار را به دست گیرند و با پاس کردن قانونی از کانگرس امریکا اجازه ی چاپ بانک نوت را به خویش یعنی «بانک فدرال» و سائر بانکهای

[1] . و این واقعه در کابل بانک افغانستان نیز چندی قبل به وقوع پیوست ، و دلیل آن نیز توزیع بیشمار اسناد (قرضه) جعلی بانکی بود که حتی به دها برابر از سرمایه اصلی بانک اسناد بانکی توزیع کرده بودند در نتیجه بیشتر 900 میلیون دالر پول های مردم بغارت رفت، طوریکه صاحبان این بانک پول های جمع آوری شده مردم در بانک را دزدی کردند و در دبی و غیره مکان ها خانه و بلند منزل خریداری کردند، سپس اعلان کردند که ما ورشکسته شده ایم، چون دولت مرکزی و بانک مرکزی مسئول پرداخت امانانت و سرمایه های مردم بودند، 900 میلیون دالر به این بانک قرضه دادن تا آنرا تحت پوشش قرار داده باشند، سپس تنها به گفته خودشان «که حقیقت نیز ندارد» قیمت تمام کابل بانک با سرمایه های و جایداد های ثبت شده آن 300 میلیون دالر بود، که توانستند با فروش تمام جایداد های ثبت شده صرفاً 175 میلیون دالر آنرا حصول کنند، یعنی 600 میلیون دالر پول های مردم که از بانک مرکزی و مالیه های جمع آوری شده از مردم بود برای این دزدان پرداخته شد.

خصوصی خویش انتقال دادند، و به این ترتیب حـق چـاپ پـول را از دولت امریکا سلب کرده و به خود انتقال دادنـد، و از آن بـه بعـد هـر زمـانی کـه دولت امریکا به پول نیاز پیدا میکرد ، باید از بانک فدرال قرضه میگــرفت، که اگر دقت گـردد این یـک امـر بسـیار خطرنـاک در سرنوشـت آینـده ئی مـردم یـک کشـور محسـوب میگـردد، زیـرا هـر حکومـتی ملـزم اسـت تـا نیازمندیهای شهروندان اش را با چاپ پول مـورد ضـرورت مرفـوع سـازد، اما این حق و امتیاز از دولت امریکا گرفته شده بود و تا به حـال این حــق در دسترس دولت امریکا نیست، و رهـبری بانـک فـدرال نـیز همچنـان بـه اختیار یهودیان میباشد، و آنها از دیر زمان تـا بـه امـروز از مفـاد سـود آن برای شـرکای خـود حصـه می پردازنـد، از همین جـا بـود کـه بـه بـدبختی، غلامی، اسیری، و فساد کشانیدن مردم امریکا و بعداً مـردم جهـان در بین بشریت با تاسیس بانک فدرال [Federal Reserve Bank] آغاز شد.

موضوع اساسی این است که بانک فدرال را یهودیان بنیـان گذاشـتند، و در آنزمان این قدرت داشتند تا حـق چـاپ پـول را از نـزد دولت امریکـا سلب کرده و بخود انتقال دهند بناً هرگاه مـردم امریکـا نیازمنـد حـتی یـک دالر هم باشند مجبورند تا از بانکهای یهودی قرضه گیرند و دوبـاره آنـرا بـا سودش به ایشان تحویل دهند.

یهودیـان در پهلـوی آنکـه جامعـه اکـثریت عیسـویان را غلام و سـرباز خویش ساخته اند، سازمانی را تحت نام [Freemasonry] تشکیل دادند، سازمانی که معنی آن در لغت نامــه ای خـود شـان [Except Brothers for Secret Society] میباشد، که امروز به طور گسترده در دنیا فعالیت میکنند، که اسـاس و بنیـاد شـان بر میگـردد به جنگهـای صـلیبی ، و عقاید شان نیز ریشه به عقاید فرعونیان دارد.

هرگـاه شـما عقب یک دالـری امریکـائی را که نشر و چـاپ همین بانکهای یهودی میباشد مشـاهده نماید در آن نشـان یـک چشـم را کـه بـر بالای اهرام مصر است میبینیـد کـه درسـت در تحت مهـر ایـالات متحـده امریکا به چاپ رسیده است و این امر در پول همه کشور های جهان یک امر معمـولی اسـت یعـنی؛ هرگـاه بانـک نـوت هـای افغـانی ، پاکسـتانی ، ایرانی....وغیره دیده شود در عقب آن حتماً نشان مکان های مقدس یا بنا های تاریخی و یا تصاویر رهبران یا مؤسسین این کشور کشـور را خواهیـد یافت، اما سؤال اینجاست که در بانک نـوت هـای امریکـائی نشـان اهـرام

فراعنه مصر چرا به چاپ رسیده است؟! و جالب اینجاست که قسمت بالائی این نشان با تصویر چشم بزرگ با جلایش زیادی نیز میباشد.[1]

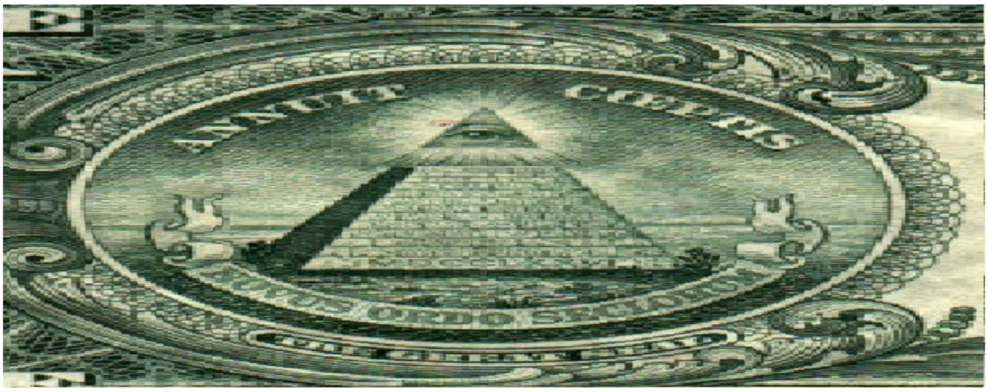

پاسخ روشن است! قسمیکه قبلاً نیز یاد آور شدیم بانکهای که زیر رهبری افراد سازمان فراماسونری فعالیت میکنند آنها شدیداً پایبند به اصول و عقاید دینی خود نیستند، تا تصویری از عیسی مسیح یا صلیب را چاپ کنند، و همینطور برای یهودیان الگو و اسوه حسنه موسی علیه السلام است نه فرعون و فراعنه، بناً واضح میگردد که آنها غیر از یهودیان عادی میباشند بلکه آنان کسانی هستند که به فرهنگ و عقاید فرعونیان معتقد بوده و باور دارند که برای یهود چنین حاکمیت مطلق برپا میگردد و کسانی هستند که میخواهند تا مردم دنیا را اسیر خود سازند زیرا به همین باور دارند که مردمان غیر یهود جهت خدمت به یهود آفریده شده اند، و این حکومت را شخص موعود در کتاب هایشان برایشان برپا میدارد (که آن شخص موعود همان رسول الله عیسی ابن مریم علیه السلام بود اما آنان او را کشتند و گفتند این آنشخص موعود نیست، زیرا آن علائم که در کتاب های تحریف شده شیطانی ایشان در وصف شخص موعود آمده است همان اوصافی است که نبی صلی الله علیه وسلم برای دجال بیان کرده است بناً ایشان در حقیقت انتظار همان دجال را با همان اوصاف آن دارند) به همین منظور تصویر اهرام فراعنه مصر را به عقب یک دالری به چاپ رسانیده اند و روشنی که در اطراف یک چشم در بالای آن

---

[1] . دیوید راکفلر که یکی از عناصر بزرگ و برجسته حرکت صهیونستی است، بعداز جنگ اول جهانی چند صد میلیون دالر را جهت تأسیس مرکز تحقیقات آثار باستانی فراعنه و موزیم خاصی برای نگهداری این آثار اختصاص داد، که خود نشان دهنده یک نوع عقیده میباشد، زیرا یک یهود امریکائی چه علاقه ای به احیای آثار باستانی فراعنه مصری در داخل کشور اسلامی داشته میتواند؟!!!

جلایش دارد همان یک چشم دجال است که نبی صلی الله علیه وسلم نیز فرموده است دجال چشم راست اش کور است.

و این یک موضوع خورد و ساده یی نیست که به آن با بی تفاتی دیده شود بلکه چیز است که نظام اقتصادی و سیاسی امریکا در طول این دوصد سال اخیر بر اساس همین عقیده و فکر رهبری و کنترول میشود و هدف اصلی آنها کنترول و اداره در آوردن تمام جهان است.[1]

وهمین افراد بودند که برای رسیدن به اهداف خویش امریکا و شهرهای آنرا مانند نیویارک وغیره را اساس گذاشتند چنانچه معروف است که شهر نیویارک را مافیا بنیاد گذاشته است و امروز این شهر مرکز تجارت جهانی میباشد ، و همینطور تمام روسایی جمهور امریکا از جورج واشنگتن الی بارک اوباما دست نشانده و آله دست آنها بوده اند، بجز از چند رئیس جمهور که همه آنها از طرف ایشان کشته شدند مانند؛ ابراهم لنکن، جان اف کندی..وغیره که ابراهم لنکن زمانیکه در سال 6191م به صفت رئیس جمهور امریکا به قدرت رسید میخواست تا این ریسمان غلامی را از گردن امریکایان بیرون کشد، اما این آنان او را به قتل رسانیدند، که با کار خویش در کشور امریکا به اوج قدرت خود رسیدند زیرا مردم از قدرت واقعی آنها باخبر شدند و جرأت مخالفت با ایشان را نکردند تا جائیکه حتی قوانین را به نفع خود تعدیل و یا وضع می کردند، و این گروه یاجوج و ماجوج در همین سال قانونی را از کانگرس امریکا گذشتاندند که بر مبنای آن استفاده از سکه های طلا و نقره در امریکا

---

[1] . کسانیکه علامند دانستن بیشتر در مورد سازمان فراماسونری و غیره سازمانها سِری وابسته به تعقیب این هدف هستند ، میتوانند به آسانی معلومات وسیعی در این باره را از ویکی پیدیا و غیره دائرة المعارف ها علمی و تاریخی جستجو نموده و حصول نمایند.

ممنوع قرار داده شد و اگر کسی از آن استفاده میکرد ، یک هزار دالر جریمه با چندین سال حبس را باخود داشت، بناً مردم به طرف بانکها شتافتند و سکه های طلا و نقره ی خود را به آنها تحویل دادند و در مقابل اسناد بانکی دریافت کردند و این درست زمانی بود که دولت امریکا کاملاً در اسارت یهودیان قرار گرفته بود، به همین ترتیب بانکداران انگلیسی از آنها پیروی کرده و در تمام انگلستان این سیستم را إعمال کردند، زیرا آنان هم یا یهودی یا غلام آنها و یا متأثر از ایشان بودند، و ازین به بعد هدف اصلی یهود آشکار شده می رفت یعنی گسترش حاکمیت صهیونسیم در سراسر جهان؛که به تعقیب آن یهودیان بزرگترین نیرنگ را با مردم امریکا به کار بستند که بر اساس آن تمام طلا های مردم را جمع آوری کرده و در نزد خود ذخیره کردند، که این روش شان درست بر خلاف امر الله متعال میباشد که میفرماید: شما مال های تان را در راه الله خرچ کنید و آنرا ذخیره نسازید، و برعکس کسانیکه اینکار را میکنند وعید عذاب درناک را برایشان داده است:{**وَالَّذِينَ يكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينْفِقُونَهَا فِی سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ**}- التوبة 34.

ترجمه: کسانیکه طلا و نقره را می اندوزند و ذخیره میکنند ، و در راه الله انفاق نمیکنند ، پس آنها را به عذابی درد ناک بشارت دهید.

طوری که در سال 1933م قیمت یک اُنس [ounce] طلا را در بدل 20 دالر امریکائی در بانکها معیار قرار دادند و تبادله هم شد، یک سال بعد همین بانکدارن توسط دولت ایالات متحده برای مردم اعلان کردند که دو باره میتوانید از طلا در معاملات روز مره ی خویش استفاده کنید، اما این بار یک ounce طلا به قیمت 61 دالر امریکائی به فروش می رسید، یعنی با گذشت یک سال در فی ounce طلا 41% افزایش را بوجود آوردند.

به لفظ ساده تر با گذشت یک سال بصورت قانونی پول مردم را نصف کردند و برایشان دوباره دادند، زیرا قانونی وجود نداشت تا از همچون اعمال یهودیان نظارت و جلوگیری کند، قابل ذکر است که این همه حوادث قبل از جنگ دوم جهانی اتفاق افتادند .

سئوال: بعد از جنگ دوم و بعد از به انحراف رفتن سیستم تبادله طلا چگونه طلا دوباره نزد آنها رفت ؟

قبلاً یاد آور شدیم زمانیکه بانک فدرال «Bank Federal Reserve» در سال 1913م تاسیس و در سال 1930م امتیاز چاپ بانک نوتها را از

دولت و مردم امریکا را به نفع خود سلب کرد بعد از آن مردم امریکا کاملاً حق نشر بانک نوت را از دست داده بودند و در صورت ضرورت به پول مجبوراً از بانکهای یهودی باید قرضه می گرفتند .

زمانیکه در سال 1934-1933م دوباره جواز معاملات را بر اساس سکه های طلا اعلان کردند مردم باید 61 یکounce طلا را دالر خریداری میکردند، یعنی 41% ضرر را باید متحمل میشدند، اما این بار عکس العمل مردم طوری بود که به بانکها مراجعه نکردند و طلا ها به یهودیان به میراث رسید و این پیشامد کمک کرد تا پایه های بانکداری مستبدانه همچنان در امریکا مستحکم تر شود، بعداً تصمیم گرفتند تا به طلا های سرتاسر جهان برسند، لذا به منظور تحقق بخشیدن این هدف به راه اندازی جنگ ها در میان ملت ها نیاز بود.

طوریکه در قضیه ی جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی اطلاع دارید که جنگ اول جهانی هیچ امکان نداشت و منطق قبول نمی کرد که بدلیل قتل یک ولیعهد جنگ جهانی برپا شود دو میلیون آدم در ظرف 5 سال کشته شود و بیست 15میلیون زخمی و اروپا کاملاً ویران گردد و همینطور در جنگ دوم جهانی هیچ امکان نداشت تا هتلر بدون حمایت مالی این بانکداران یهودی چنین قدرتی را پیدا نماید و چنین اردو ئی را تشکیل کند و در مقابل بزرگترین ابر قدرتهای نظامی جهان چون روسیه ، فرانسه ، انگلیس و بعدها امریکا به جنگ های تمام عیار بپردازد، بلکه این همه برای آن بود که اروپا ویران گردد و مردمان آن از تمام کشور ها را مقروض یهودیان شوند، زیرا پول واقعی یعنی: طلا را جمع آوری کرده بودند و چنین جنگ ها بالای ارزش طلا برخلاف بانک نوت ها تأثیر نداشت بلکه ارزش هانرا بالا نیز میبرد ، و آنچه بیشتر جالب میباشد اینست که در این هردو جنگ بزرگ جهانی در دو منطقه هرگز جنگی برپا نشد و حتی صدای گولوله ای شنیده نشد 1- کشور سویس و 2- کشور امریکا ، اما دلیل چی بود ؟

دلیل آن واضح است در این دو منطقه ذخیره گاه طلا یهودیان موجود بود، و بروز هرگونه جنگی به معنی غیر محفوظ بودن طلا ها بود.

سوال دیگر اینجاست، که چرا طرفهای درگیر به مراکز طلا درین کشور ها هجوم نیآوردند، در حالیکه در جنگها معمول است که طرف های درگیر به مناطق هجوم میآورند که آن مناطق منبع ثروت باشد، مثلاً هتلر در جنگ دوم جهانی نخست از همه شهر مقدونیه را تصاحب کرد بخاطر آنکه منطقه ی نفت خیز بود، اما به منطقه ی که پرُ از طلا و همچنان زیر

قدم هایش بود هجوم نیآورد، پس ازین قرائین به قاطعیت آشکار میگـردد که طراحان این جنگ بزرگ جهانی که 38 میلیـون انسـان قربـانی گـرفت یهودیان بودند، و همچنان یهودیان کـه در سـایر کشـور هـا ثبـات اقتصـادی داشتند، از قبل طلا های آن کشور ها را به امریکا انتقال داده بودند، یعنی در حقیقت فوائدی را که یهودیای در این جنـگ نصـیب شـدند، بسـیار زیـاد بود: اولاً اینکه بدست هتلر داستان ی دروغین کشته شـدن شـش میلیـون یهودی را عام ساختند تا از یک طرف در پشت پرده افکار مـردم جهـان را نسبت به جنایات شان منحرف سازند.

و ثانیاً: همدردی مردم جهان را نسـبت بـه خـود کسـب کننـد، زیـرا بـا اشغال خاک فلسطینی ها و تأسـیس دولت اسـرائیل در 1917م (و بعـداً به صورت رسمی در سال 1948م)کشـور هـای زیـادی مخـالف یهودیـان شده بودند .

ثالثاً: تباهی و ویرانی را که در نتیجه این جنگ اروپا متحمل شد، بـرای دوباره ساختن آن به ملیارد ها ملیـارد دالـر امریکـائی ضـرورت بـود، و در این وقت تنها «Federal Reserve Bank» حاضر به دادن قرضه با سود 20% برای اروپا بود، زیـرا پشـتوانه دالـر امریکـایی طلا هـای بـود کـه در طول سالیان متمادی از مردم امریکا و سایر مردمان جهان با نیرنگ هـای مختلف جمع آوری کرده بودند، کـه بـدون شـک سیسـتم تبـادلات در بـازار های جهانی استوار با پولی است که دارای ارزش بلند و ثـابت و همینطـور تضمین شده باشد، و به این اساس تمـام اروپـا بـه منظـور احیـائی مجـدد کشورهای شان به پول ضرورت داشتند بنـاً جهت حصـول دالـر امریکـایی حاضر به تسلیم دادن تمام طلا های شان به بانکداران امریکـائی بودنـد، و تا پایان جنگ دوم جهانی 1945م طلاهای بانکهای اروپائی تماماً به بانک «Federal Reserve Bank» انتقال داده شد.

پس زمانیکه برنامه جمع آوری طلا از اروپا به پایان رسید، اقدام بعدی ایشان توسعه کنترول شان بر همه جهان با استفاده نظام اقتصادی شـان بود، به این منظور موافقت نامه ی را به نام «Briton word» به امضـاء رسانیدند که بر اساس آن بانک-سازمان «IMF» یا صـندق جهـانی پـولی و «World Bank» یـا بانـک جهـانی و «England Band»، بانـک تسـویه حسـابهای بین المللی ، بـا نـک هنـگ کانـک و شـانگهای ، بانـک امـیریکن اکسپرس «American Express» وغیره بانك های بزرگ و کوچک دیگر بمیان آمد.

ازین میـان «IMF»ـ به طـور بنیـادی سازمانی اسـت کـه از طریـق آن نظام اقتصادی یهودیـان در سراسـر جهـان کـنترول و نظـارت می شـود و برنامه های سود خوری در تمـام دنیـا پخش و نشـر میگـردد و بـر اسـاس قــوانین «IMF» هیچ کشــوری نمی توانــد از ســکه هــای طلا و نقــره در معاملات شان استفاده نمایند، که به این صورت طلا از اروپا کـاملاً غـایب شد و در تمام اروپا طلای وجود نداشت فقط و فقط اسناد بانکی بـود کـه مبادلات با آن صورت می گرفت، از همین جا بود کـه آهسـته آهسـته پـول جعلی در تمام اروپـا رایج گردیـد، چـون اروپـا فاقـد طلا شـده بـود ، بانـک فدرال شروع به قرضه دادن کرد و بر اسـاس مـوافقت نامـه ی «Briton word» پول دالر معیار معاملات قرار گرفت چرا که آنان تنها بانک نــوتی را که دارای پشتیوانه ی طلا میبود میپذیرفتند و دالـر یگانـه پـولی بـود کـه دارای چنین پشتوانه بود، مثلاً 4 فرانک1 دالر یا 2 دالر1 پوند یا 50 افغانی 1 دالر معیار شد، یعنی به این شکل پول های تمام کشور هـا را جعلی بـه اثبات رسانیدند و در مقابل تنها دالر امریکای را قابل اعتبار دانستند، چــرا که ازیک طرف دالر را خود شان کنترول میکردند و از طرف دیگر توسـط آن معاملات سودی خود را تنظیم کرده بودند، و از جهت دیگر کشور هـای برای ثبات پول خویش بعوض طلا مجبور بودند دالر را ذخیر کنند، زیرا طلا را از قبل صاحبان یهودی این بانک ها جمع آوری کرده بودند.

بناً طوریکه قبلاً یاد آور شدیم بعد از جنگ دوم جهانی مردم اروپا بــرای عمران مجدد کشور های شان نیازمند پول بودند و امریکا بـه دادن قرضـه برای شان شـروع کـرد، چـاپ دالـر هم دو چنـد شـد و بایـد در این حـالت انفلاسیون «تورم پولی» رخ میداد؟ اما اینطور نشد بـدلیل آنکـه از آن بـه بعد دالر را تنها برای امریکا چاپ نمی کردند بلکه برای هر کشوری ملیارد ها دالر چاپ و به آنها در مقابل سود قرضه میداند، و دالر را پــول رایج آن کشور ها قرار دادند .

و چون در اذهان مردم تلقین شده بود که در عقب دالر طلا قرار دارد، بناً از آن به بعد مردم به جمع آوری دالر آغاز کردند و معاملات را بـه دالـر انجـام می دادنـد خصوصـاً مـواد انـرژیکی ماننـد نفت، گـاز ، ذغـال سـنگ و...غیره.

به تعقیب آن دو مرکز بزرگ تجارت نفت را در امریکا و انگلستان بنیاد گذاشتند که یکی آن در شهر نیویورک و دیگـر آن در شـهر لنـدن مـوقعیت داشت و این دو کمپنی بزرگ انجام معاملات نفتی در سرتاسر جهان را بـا دالر انجام می داد، چونکه ایشان اکثراً در بازار های اروپا فعـالیت داشـتند

و اروپا هم فاقد طلا شده بود بناً ناگزیر این کشور ها با 20% سود از بانک فدرال «Federal Reserve Bank» دالر قرضه می گرفتند و با آن به خریداری مواد و اجناس مختلف مورد نیاز خویش جهت باز سازی کشور های خود می پرداختند.

مبحث دوم
جنایات یهودیان با مردم جهان

در مبحث نخست در مورد ارزش و مفاد اجتماعی طلا و نقره معلومات ارایه نمودیم و به دنبال آن اضرار سود و سود خوری را از دیدگاه ادیان قدیم و اسلام بطور خلاصه به بررسی گرفتیم، به تعقیب آن پول و چگونگی ایجاد بانک ها توضح داده شد، و اینکه چگونه یهودیان از این پدیده ی شوم جهت به کنترول در آوردن اقتصاد جهانی استفاده کردند و در قدم نخست مردم امریکار را برده و غلام خود گردانیدند و به تعقیب آن جهان را درگیر دو جنگ ویرانگر ساختند تا آنکه به جمع آوری جمیع طلا های جهان نائل آیند.

درین مبحث در مورد جنایت یهودیان با مردم جهان بحث های را دنبال خوهیم کرد، یعنی اینکه چی گونه انبیاء علیهم السلام مردم را از مشکلات

اهائی میبخشیدند در حالیکه یهودیان انبیاء علیهم السلام را به مشکل مواجه میساختند و مورد آزار و اذیت قرار میدادند، و برعلاوه بخاطر رسیدن به اهداف خود مذاهب را به چالش کشاندند به خصوص عیسویت را که در عصر حاضر با اسلام درگیر ساخته اند، و ازین جمله خطر آفرین ترین برنامه های شان رونق بخشیدن سیستم بانکداری بود که با اینکار تمام جوامع بشری را در گرفتن و دادن سود مبتلا ساختند.

امروز در تمام جوامع انسانی تکالیف، قحطی، کمبود مواد خوراکه و...غیره مشکلات و چالش های که دیده میشود و بشریت با آن درگیر است، حتی ماهیان در دریا و پرنده گان در هوا ناپدید و نابود شده اند به سبب جنایاتی است که یهودیان عامل آن میباشند، و بزرگترین و هولناک ترین جنایات که در روی زمین بر پا شده و میشود حتماً دست آلوده ئی یهودیان در آنها دخیل میباشد ، و این موضوع باید روشن شود که چه واقعیت و عقیده ئی در پشت این همه میباشد که تمام جهان را به تباهی کشانیده و پیوسته میکشاند ؟ و این یهودیان چه کسانی هستند که [**مغضوب علیهم**] واقع شده اند، یعنی مورد قهر، غضب و لعنت الله قرار گرفته اند ؟ و بزرگترین دشمنان اسلام و مسلمانان و بشریت معرفی شده اند؟!.

ضرور است برای دانستن این مطلب به هزاران سال گذشته نظری بیندازیم، و از دیدگاه قرآنی و تاریخی آنرا مورد مطالعه قرار بدهیم، و اگر گنجایش آن وجود داشت آن وقایع را که در انجیل آمده است نیز توضح میدهیم، اما بیان این موضوع را چرا درین جا ضروری دانستیم ؟ بدلیل آنکه باید دانسته شود که چگونه یهودیان ، عیسویان برده و تحت استثمار خویش قرار دادند ، در حالیکه یهودیان و عیسویان در طول تاریخ با هم درگیر جنگ بودند و همیشه یهودیان مورد آزار و اذیت عیسویان قرار میگرفتند، حتی آنها را میکشتند، اسیر میگرفتند و از کشور های خود بیرون میراندند و نفرت عمیقی از آنها را در دل داشتند.

این مبحث خویش را با تحلیل و توضح این مسائل الی ختم جنگ دوم جهانی ببررسی گرفته وبا تجزیه و تحلیل اقتصاد جهان معاصر خاتمه میبخشیم.

در نخست از نصوص قرآن کریم بحث خود را آغاز میکنیم و باید خاطر نشان سازیم، زمانیکه الله تعالی قصص انبیاء علیهم السلام را به ما نقل کرده است صرفاً حکایتی از سرگذشت پیشنیان نیست بلکه در آن نشانه

ها و اندرز های برای ما برای پند گرفتن وجود دارد، و اگـر از آن اسـتفاده نکـنیم یقینـاً کـه از هـدایت اعـراض کـرده ایم ، همانطوریکـه اللـه متعـال میفرماید: {**لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلسَّائِلِينَ**}- یوسـف/ 7.

ترجمه: بی گمان در (داستان) یوسف و برادرانش برای سؤال کننده گان نشانه ها (و عبرت ها) است.

و چون زمانیکه یوسف علیه السلام از زندان بیرون شـد بـرای پادشـاه مصـر پیشـنهاد کـرد کـه او را وزارت اعطـا نمایـد طوریکـه اللـه متعـال میفرماید: {**وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِى بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِى فَلَمَّا كَلَّمَـهُ قَـالَ إِنَّكَ الْيَـوْمَ لَـدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ قَـالَ اجْعَلْنِى عَلَى خَـزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّى حَفِيظٌ عَلِيمٌ**}- یوسف 54/55.

ترجمـه: و پادشـاه گفت: او (=یوسـف) را نـزد من بیآوریـد ، تـا او را مخصوص خود گردانم ، پس چون یوسف نزد او آمد و با او صـحبت کـرد ، (پادشـاه) گفت: تـو امـروز نـزد مـا صـاحب مقـام والا و امین هسـتی ، (یوسف) گفت: مرا بر سرپرستی خرائن زمین (مصر) قرار بده ، که من نگهدارنده و آگاهم.

یعنی به زبان واضح تر یوسف علیه السلام از نزد پادشاه مقام وزارت دارائی یا مالیه (Finance Ministry) را خواستار شد، به بیان دیگر اداره یی منـابع نفت و گـاز آن زمـان را کـه ارتبـاط آن بـه صـورت گسـترده بـا اقتصاد مدرن امروز است تقاضا نمود، و تضمین کـه بـه پادشـاه مصـر داد این بود که گفت:«**من حفیظ و هم علیم هستم**»؛ یعـنی اللـه تعـالی توسط یوسف علیه السلام برای ما میفهماند که ویژگی بنادی برای کسی که میخواهد مسـئولیت اداره و رهـبری مـردم را بعهـده میگریـد خصوصـاً امور اقتصادی و مالی مردم را باید متصف به همین دو ویژگی باشد:

1- علیم : یعنی دارای علم و تخصـص کـافی در همـان زمینـه باشـد و بداند کـه چگونـه امـور را اداره و کنـترول کنـد؟ چگونـه پالیسـی بسـازد؟ چگونه استراتیژی را تطبیق کند؟ و منابع مالی و بشـری را آمـاده و تنظیم نماید؟!

2-حفیظ(بهترین نگهبان): یعنی امور و اموالی را که مربوط به مــردم و دولت میشود بداند که امانتی است که به او سپرده شده است و باید به بهـترین وجـه از حفـاظت کنـد و کوچکـترین خیـانت و غفلت در آن رواه ندارد .

که درین صورت واضح است تقدیر آن قوم به صورت کلی تغیر خواهد کرد یعنی هرگاه سرنوشت یک قوم به دست خودش بیافتد و در رأس آنها شخصی قرار بگیرد که این دو خصلت بزرگ در وجود اش باشد و از سیستم مالی و اقتصادی مردم کاملاً و به صورت درست نگهبانی کند آن قول حتماً رستگار میشود زیرا ایشان خود خواسته اند که در حال تغیر مثبت بیآورند پس الله نیز ایشانرا در انجام آن یاری میکند ، همانطوریکه میفرماید: {**إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**}- الرعد/11.

ترجمه: بی گمان الله حالت (و سرنوشت) هیچ قومی را تغیر نمی دهد ، تا وقتی که آنانچه را در ضمیر شان است تغیر دهند و (و در خود تغیر و دگرگونی را بوجود آورند).

حال بر می گردیم به داستان یوسف علیه السلام که خواب پادشاه را به صورت درست آن این چنین تعبیر کرد:{**وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّى أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يابِسَاتٍ يا أَيهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِى فِى رُؤْياى إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيا تَعْبُرُونَ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ وَقَالَ الَّذِى نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ يوسُفُ أَيهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِى سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يابِسَاتٍ لَعَلِّى أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يعْلَمُونَ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِى سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يأْتِى مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ ثُمَّ يأْتِى مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يعْصِرُونَ**}- یوسف 43/49.

ترجمه: و پادشاه گفت: همانا من در خواب هفت گاو چاق را دیدم که هفت گاو لاغر آنها را میخورند ، و هفت خوشه ی سبز ، و هفت خوشه ی دیگر را خشک میبینم ، ای بزرگان! در (باره ی) خوابم نظر دهید ، اگر خواب را تعبیر میکنید ، گفتند: اینها خوابهای (آشیفته و) پریشان است ، و ما از تعبیر خوابها پریشان آگاه نیستیم ، و یکی از آن دو نفر که نجات یافته بود ، بعد از مدتی (یوسف) را به یاد آورد ، گفت: من شما را از تأویل (=تعبیر) آن خبر می دهم ، پس مرا (بسوی جوان زندانی) بفرستید ، (چون نزد یوسف آمد گفت:) یوسف ، ای مرد راستگو! در باره (این خواب که) : هفت گاو چاق ، هفت گاو لاغر را میخورند ، و

هفت خوشه ی سبز و (هفت خوشه ی) دیگر خشک ، برای ما نظر بده (و تعبیر کن) تا من به سوی مـردم بـاز گـردم ، شـاید آنـان (از تعبـیر این خواب) با خبر شوند ، (یوسف) گفت: هفت سال پی در پی زراعت کنید ، پس آنچه را درو کردید ، جز انـدکی کـه میخوریـد (بقیـه) را در خوشـه اش باقی بگذارید ، سپس بعد از آن هفت (سال) سـخت (قحطی) می آید ، که آنچه را برای آن سالها ذخیره کرده ایـد ، میخوریـد جـز انـدکی از آنچه که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد.

موضوع اصلی در این سرگذشت اینست کـه از قبـل بـه یوسـف علیـه السلام گفته شده بود که سر نوشت چنـد سـال بعـد مـردم بـه دسـت تـو خواهد بود و قـدرت و دولت بـه تـو داده خواهـد شـد، و این یوسـف علیـه السلام بود که اداره اقتصاد را انتخاب کـرد و نتیجـه این شـد کـه سیسـتم مالی و اقتصادی درستی را بنیان گذاشت و زراعت را رونق داد که منجـــر به فراوانی گندم شد و آن قدر محصولات زیاد شد با وجودیکه بـرای هفت سال آینده (یعنی خشکسالی پیش بینی شده) برای مصرف مـردم مصـر کفایت میکرد، حتی مردم اطراف منطقه مصر را نیز تحت پوشـش کمـک های خود قرار داد تا جائیکه برادران یوسف علیه السلام از کنعان (منطقه ی در شام) برای اخذ گندم میآمدند.

اما در اینجا مسئله اساسی اینست کـه این واقعـه چـرا در قـرآن ذکـر شده است ؟

یکی از دلایل این است که یهودیان دقیقاً بر خلاف این امر قـرآنی از دیر زمانی تا به امروز رفتار کرده و سیستم اقتصـادی ای بـر خلاف انبیـاء را دنبال میکنند، به این معنی که؛ هرگاه به کسـی اختیـار خـزاین و دارائی تمام کشور سپرده شود از آن به بعد آن شخص نه به فکر حکومت اسـت که چه می گوید و نه به فکر این که قانون از وی چـه می خواهـد بلکـه از اختیارات و توانائی های خویش به هر شکل ممکن استفاده میکند، زیرا در چنین حالت حکومت از آن اوسـت زیـرا صـلاحیت هـای اقتصـادی و پـولی مملکت همه مربوط او میشود، و چـون یوسـف علیـه السـلام نـبی اللـه و دارنده دو صفت ممیزه علم و امانت بود، ازین جهت حرکـتی را کـه او در پیش گرفت خالی از خطا بود.

پس از این آیات به صراحت بر میآید که بالای کنترول و رهـبری امـوال مردم باید توجه خاصی صورت گیرد . و ضمناً در آیات که ذیلاً ذکر میشــود الله متعال ابعاد مختلـف زنـدگی و اعمـال و صـفات یهودیـان را بـرای مـا بخاطر آگاهی و احتراز بیشتر ما چنین بیان داشته است:

اولاً: اللــه متعــال میفرمایــد:{**وَضُــرِبَتْ عَلَيهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْـكَنَةُ وَبَـاءُوا بِغَضَـبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِـكَ بِـأَنَّهُمْ كَـانُوا يكْفُـرُونَ بِآيـاتِ اللَّهِ وَيقْتُلُونَ النَّبِيينَ بِغَـيرِ الْحَـقِّ ذَلِـكَ بِمَا عَصَـوْا وَكَـانُوا يعْتَـدُونَ**}- البقرة/ 61.

ترجمه: و مُهر ذلت و بینوائی بر آنان زده شده ، و سزاوار خشــم اللــه گردیدند ، چرا که آنان به آیات الله کفر میورزیدند ، و پیامبران را به ناحق میکشتند ، اینها بخاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند.

و این واقعیت را همه ای ما مشاهده میکنیم در حالیکه بیشتر از هفتـاد فیصد سرمایه تمام جهان در اختیار ایشان است امـا جـای و مکـانی بـرای زندگی کردن ندارنـد ، و همـه مـردم اعم ازینکـه مسـلمان باشـند یـا غـیر مسلمان به نام یهود ازیشان نفرت دارند، حتی در ایالات متحده امریکا که در حقیقت کشــور و ســرزمین خودشــان اســت کســی دوســت نــدارد تــا همسایه اش یهودی باشد.

ثانیــاً: {**يكْنِـزُونَ الــذَّهَبَ وَالْفِضَّــةَ وَلَا ينْفِقُونَهَا فِی سَــبِيلِ اللَّهِ**}-التوبة /34.

ترجمه: طلا و نقره را می اندوزند و ذخیره میکنند ، و در راه الله خرج نمیکنند.

ثالثاً: {**يكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيدِيهِمْ ثُمَّ يقُولُـونَ هَـذَا مِنْ عِنْـدِ اللَّهِ لِيشْتَرُوا بِـهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيـلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيـدِيهِمْ وَوَيـلٌ لَهُمْ مِمَّا يكْسِبُونَ**}- التوبة /79.

ترجمــه: چیزهــای را بــا دســت خــود مینویســند، ســپس میگوینـد این از جانب الله است ، تا آنرا به بهای اندک بفروشند ، پس وای بر آنها از آنچــه دستهایشان نوشته ، و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست میآورند.

رابعاً: علاقــه ایشــان بــه بــر پــا نمــودن فســاد و جنــگ در روی زمین، قسمیکه الله تعالی می فرماید: {**وَقَالَتِ الْيهُودُ يدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يدَاهُ مَبْسُـوطَتَانِ ينْفِـقُ كَيـفَ يشَـاءُ وَلَيزِيــدَنَّ كَثِــيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْــزِلَ إِلَيــكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيانًا وَكُفْــرًا وَأَلْقَينَا بَينَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يـوْمِ الْقِيامَـةِ كُلَّمَا أَوْقَـدُوا نَــارًا لِلْحَـرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيسْـعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَـادًا وَاللَّهُ لَا يحِبُّ الْمُفْسِدِينَ**}- (64)

ترجمه: و یهود گفتند: دست الله بسته است ، دستهایشان بسته بـاد! و بخاطر آنچه گفتند، لعنت شدند ، بلکه دو دست او گشاده اســت ، هرگونــه ای بخواهد می بخشد ، و این آیات که از طرف رب تو بر تو نازل شده بر

سرکشی و کفر بسیاری از آنها می افزاید ، و ما در میان آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه افکندیم ، و هر زمان آتش جنگی افروختند ، الله آنرا خاموش کرد و آنان برای فساد در زمین می کوشند ، و الله مفسدان را دوست ندارد.

استاد سید سابق مؤلف فقه السنه در مورد صفت یهودیان میگوید:

1- اولین صفت اخلاقی یهودیان تکبر و خود برتردانی می باشد و منشاء این عقیده آن است که خود را ملت برگزیده الله می دانند و نژاد یهودی را برتر از نژاد های دیگر می دانند. در حالیکه الله تعالی می فرماید: {**لَيسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِى أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يعْمَلْ سُوءًا يجْزَ بِهِ وَلَا يجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيا وَلَا نَصِيرًا**}-النساء /123.

ترجمه: (این فضلیت و برتری) به آرزو های شما و آرزوهای اهل کتاب نیست ، هر کس کار بدی انجام دهد ، به کیفر آن خواهد رسید ، و جز الله یار و مدد کاری برای خود نخواهد یافت.

ابن جریر طبری در مورد شأن نزول این آیت میگوید: «گروه از مسلمانان و اهل انجیل و تورات با هم جمع شده بودند و هر یک دعوی این را می کردند که ما نزد الله محبوبتر و بهتریم آنوقت این آیت به رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شد [1]

2- دومین صفت اخلاقی یهود فریبکاری و وابستگی شان به خواسته ها و آرزو های غیر واقعی می باشد. یعنی آنها گمان می کنند که الله همه گناهان و زشتکاری های آنان را می بخشد و آنان مانند دیگران برای گناهان صغیره و کبیره باز خواست نمی شوند .

اما الله متعال می فرماید: {**وَقَالُوا لَنْ يدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**}- البقرة/111.

ترجمه: و گفتند: هرگز داخل بهشت نخواهد شد جز کسی که یهودی یا مسیحی باشد ، این آرزوهای (باطل) آنهاست ، بگو: اگر راستگویید دلیل خود را بیآورید!.

3- صفت دیگر یهودیان طمع و حرص شان به زندگانی دنیا و طول عمر است : {**وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَياةٍ وَمِنَ الَّذِينَ**

---

[1], عن أبي صالح , قال : جلس ناس من أهل التوراة وأهل الإنجيل وأهل الإيمان , فقال هؤلاء : نحن أفضل , وقال هؤلاء : نحن أفضل . فأنزل الله : ليس بأمانيكم ولا أماني أهل الكتاب من يعمل سوءا يجز به , ثم خص الله أهل الإيمان فقال : ومن يعمل من الصالحات من ذكر أو أنثى وهو مؤمن/ جامع البيان - حديث رقم: 9560

أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَـدُهُمْ لَـوْ يعَمَّرُ أَلْـفَ سَـنَةٍ وَمَا هُـوَ بِمُزَحْزِحِـهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يعْمَلُونَ}- البقرة/96.

ترجمه: و همانا آنـان را حـریص تـرین مـردم – (حـتی) حـریص تـر از مشرکان – بر زندگی خـواهی یـافت ، هـر یـک از آنـان دوسـت دارد هـزار سال عمر کند ، در حالی که اگر این عمر (دراز) بـه او داده شـود ، او را از عذاب دور نمی کند ، و الله به آنچه می کنند بیناست.

4- صـفت دیگر یهودیـان گنـاه و فسـاد در زمین است که قبلاً به این موضوع اشاره کرده بودیم.

5- همچنان الله تعالی این طایفه را به غرور و تکبر توصیف می نماید زیـــرا می گوینـــد: {**وَقَـــالَتِ الْيهُـــودُ وَالنَّصَـــارَى نَحْنُ أَبْنَـــاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ**}- المائدة/18.

ترجمه: یهود و نصاری گفتند: ما فرزندان الله و دوستان او هستیم.

اما الله در پاسخ این ادعـــای شـــان می فرماید:{**قُـــلْ فَلِمَ يعَـــذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ**}- المائدة/18.

ترجمه: بگو! پس چرا (الله) شما را به کیفر گناهانتان عذاب میکنــد؟ بلکه شما (هم) بشر هستید از آنچه آفریده است.

و همچنان سـخن ایشـان در مـورد عـرب و دیگـر ملتهـا این اسـت کـه غصب اموال و غارت شهر و دیار و هتک حرمت توسط ملت برگزیده یهود هیچ مانعی ندارد و گناهی در انجام آن برایشان نیست زیرا مردم غیر یهود امی و برده می باشند[1] :{**وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يـؤَدِّهِ إِلَيـكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَـالُوا لَيسَ عَلَينَا فِي الْأُمِّيينَ سَبِيلٌ وَيقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يعْلَمُونَ**}- آل عمران/75.

ترجمه: و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فــراوانی امین شمری ، آنرا به تو باز می گرداند، و از آنان کسی است کـه اگـر او را بـر دیناری امین شمری آنرا بـر تـو بـاز نمی گردانـد ، مگـر تـا زمـانی کـه بـر (سر) او ایستاده باشی ، این بدان خـاطر اسـت کـه آنـان می گوینـد: در مورد (خوردن مـال و .....) امـیین (عربهـای، غـیر یهـود) گنـاهی بـر مـا نیست.

سـید قطب رحمـه اللـه در تفسـیر این آیت میگویـد: و این بالـذات از صفات یهودیان است ، و جز ایشان این قول از کسـی صـادر نمی شـود ، زیرا تنها ایشان هستند که برای رفتار (با دیگران) مقیاس هـای متعـددی ترسیم کرده اند ، که از جمله آنها یکی اینست که امانت صرفاً بایـد میـان

---

[1] خطر جهانی صهیونیزم ص83

یهودیان حفظ گردد اما غیر یهودیان کـه آنـرا امـیین نامیـده انـد و آنـان را اعراب می پندارند ، نیست بلکه در حقیقت تمام بشریت بجـز یهودیـان را به همین نظر میبینند ، طوریکه در گـرفتن مـال و انجـام هرگونـه فـریب و خدعه با ایشان ، و اسـتثمار و اسـتعمار ایشـان بـدون هیچگونـه تکلیـف و حرج ای با استفاده هـر شـیوه و وسـیله ای دریـغ نورزیـده و آنـرا بـرایش خویش مباح میدانند !! و جای تعجب اینست که ایشان اینگونه فکر میکنند که این همه اموریست که الله و دینشان برایشان دسـتور داده اسـت ، در حالیکه خوب می دانند این همه دروغی است که بر اللـه بسـته انـد ، چـرا الله هرگز به فحشاء امر نمی کنـد ، و نـه بـرای جمـاعتی ریختانـدن خـون جماعت دیگـر را و غصـب امـوال آنـانرا بـه نـاحق بـا زور و بهتـان دسـتور میدهد ، و همچنان نه به شکستاندن و نقض عهد و پیمان ذمـه و صـلح بـه ایشان ....!

اما این یهود است !که دشمنی و کینه با بشریت را برای خویش دین و طرز العمل اختیار کرده است[1].

در اینجا بـرای روشـن تـر شـدن هـر چـه بیشـتر این جملاتی را کـه در «بایبل» آمده است نقل میکنیم:

[زمانیکه عیسی علیه السلام به سوی «Jewish racial[2]» می رود در داخل بیت المقدس یهودیان را میبیند کـه در صـحن مسـجد بیت المقـدس میز های را گذاشته اند و مصروف کار و بار و معاملات سودی هسـتند، بـا وجود که عیسی علیه السلام مهربان و پر عاطفه و آرام خو بود، با دیـدن این صحنه به قول بایبل به جلال و غضب آمده و شروع به لت و کوب آنها کرد، و ضمناً میز های آنها را بـه دور می انـداخت، و اصـطلاحی کـه بایبـل برایشان بکار برده است «Money Loaner» است ، یعنی قرضه دهنده گان؛ و این همه اعمال را در زیر سقف mosque/charge یعنی کلیسا و مسجد شان یا بهتر است بگویم در زیـر سـقف عبادتگـاه شـان انجـام می دادند.

و چنین عکس العمل به شیوهٔ نهـایت قهـر آمـیز آن از شخصـتی ماننـد عیسـی علیـه السـلام بعیـد دانسـته می شـد، یعـنی عیسـی علیـه السـلام هرگونه آزار و اذیت را متحمل شد اما با دیدن سود خـوری تحمـل اش بـه سر رسید و در خطاب به آنها گفت: این مکان مقدس به مصـابه یی خانـه

---

[1] . في ظلال القرآن 1/389.
[2] منظور این اصطلاح که در بایبل آمده است رفتن به سوی قوم یهود می باشد .

الله است و خاص برای عبادت اعمار شده، آیا شـما اینجـا را خانـه دزدان ساخته اید ؟ Are you made it Dand of thiefs?

و در جمله ی دیگری این چنین آمده است:

«the chief preset and the makers of law (the great teacher of law) was there then they plunk to kill the jesus ».

ترجمـه: و قائد و قـانون گـذار(معلم) بـزرگ در آنجا حضـور داشت که بعداً از میان آنها صـدای تند و خشن (صـدای تهدید) قتل عیسی به گـوش رسید.

پس ازین جملات بابیل به خوبی معلـوم میشـود کـه یهودیـان از همـان هنگام دسیسه و سازش قتل عیسی علیه السـلام را بعـد از آنکـه او علیـه سود و ربا اعلان جهاد کرد در سر داشـتند، چـرا کـه از آن بـه بعـد تحمـل عیسی علیه السلام برای شان خیلی دشوار بـود و از ناحیـه ی او شـدیداً احساس خطر مینمودند، یعنی برایش قانون الله متعال کاملاً معلـوم بـود و به منظور تدریس و تبلیغ آن مبعوث گردیده بود و می دانست کـه سـود خـوری در نظـام اللـه تعـالی حـرام قطعی اسـت، از همین جهت بـود کـه عیسی با دیدن این عمل آنها به قهر شد و چون تحمـل و برداشـت خلاف امر پروردگار را نداشت میز های آنها را بیرون انداخت و شدیداً بـا ایشـان پرخاش کرد، و شما میتوانید در بائبل سفر «Teacher of law»[1] داستان مکمل این مـاجرا را مطالعـه کنیـد، و این قـانون الهی اسـت کـه در ادوار مختلف زندگی بشریت تو رسولان علیهم السلام با این پدیده اعلان جنـگ نموده اند و سود گیرنده را دشمن خویش خطـاب کـرده اسـت، قسـمیکه می فرمایـد :{**فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُـوا فَـأْذَنُوا بِحَـرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُـولِهِ**}- البقره/279.

ترجمه: و اگر چنین نکردند (کار سود را ترک نگفتنـد) پس ایشـانرا بـه جنگی از جانب الله و رسول او خبر ده.

بدلیل آنکه بنیاداً ربا چیزی نیست کـه بـرای اولین بـار در قـرآن حـرام قرار گرفته باشد بلکه هر نبی و فرسـتاده اللـه بـا این پدیـده اعلان حـرب نموده است ، زیرا علت و سـبب همـه خـراب کاریهـا ، فسـاد و خـونریزی بشریت، غلام نمودن ملتها ، به استعمار و استثمار کشیدن ایشان و ایجــاد جنگ و کشمکشها در تمـام دوره هـای تـاریخ تـا امـروز همین پدیـده بـوده است؛ طوریکه آنزمان یهودیان شروع به دسیسه سازی علیه عیسی علیـه

[1]. استاد و رهنمائی قانون

السلام کردند تا آنکه او را به قتل برسانند، اما خود نخواستند تا این کار را انجام بدهند و بد نام شوند بلکه خواستن تا امپراطوری روم را آلـه دسـت خود بسـازند و عیسی علیـه السـلام را توسـط آنهـا از بین ببرنـد، پس بـر اساس پلانی از قبل سنجیده شـده یـک نفـر را نـزد عیسـی علیـه السـلام فرستادند تا از وی سوالاتی را در مورد امپراطوری بپرسد، و حرف هـای او را بر علیـه امـپراطوری روم تفسـیر کـرده و توسـط امـپراطور وی را بقتل برسانند، و سؤال آن شخص که در حضـور افـراد امـپراطوری رومی مطرح شد این بود: آیا ما به امپراطوری روم مالیه بدهیم یا نه ؟

اگر عیسی علیه السلام میگفت که بلی بدهیـد! درین صـورت این امـر خلاف عقاید شان بود، زیرا آنها معتقد به این بودند که به نظام کفری نباید مالیه داده شود.

و اگر میگفت ندهید! این امر به عنـوان بغـاوت علیـه امـپراطوری روم پنداشته میشد، و جزای باغی در قوانین امپراطوری قتل بود.

اما قسمیکه در بایبل نیز آمده است عیسی علیه السلام به این نیرنـگ آنها پیبرد و پاسخ مناسبی ارایه کرد، و گفت: «حق الله را بـه اللـه و حـق بنده را به بنده بدهید»، و بالای موضوع مالیه و امپراطوری هرگـز صـحبت نکرد.

ولی یهودیان بار دیگر از شیوه های سیاسی استفاده کرده و طـرح هـا و دسیسه های را برنامه ریزی کردنـد تـا امـپراطوری روم را علیـه عیسی علیه السلام قرار بدهند قسمیکه قرآن در مورد این صفت شـان خـبر می دهد:{**ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يكْفُرُونَ بِآَياتِ اللَّهِ وَيقْتُلُونَ الْأَنْبِياءَ بِغَـيرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يعْتَدُونَ**}-آل عمران/112.

ترجمه: این بدان خاطر بود که به آیات الله کفر میورزیدنـد و پیـامبران را بناحق می کشـتند و (نـیز) این (سـزا) بخـاطر آن بـود کـه نافرمـانی کردند و از حدود (الهی) تجاوز می نمودند.

امروز هم یهودیان دقیقاً بازی قدیمی شان را بـا جهـان در پیش گرفتـه اند، و با اشغال بیت المقدس که از پـاک تـرین و مقـدس تـرین مکـان هـا بـرای مسـلمانان و همچنـان عیسـویان و سـائر اهـل کتـاب میباشـد، آنـرا منحیث بزرگـترین و خطرنـاکترین مرکـز تروریسـتی بین المللی بـر ضـد بشـریت قـرار داده انـد، و ایـالات متحـده امریکـا را و سیاسـت و اردو و اقتصاد ایشانرا بعنوان وسیله جهت تحقق اهداف خـویش اسـتخدام کـرده اند و برای برنامه های اقتصادی خویش «Federal reserve Bank» و «

England Bank» و «IMF» را ساختند تا بواسطه آن تمام جریانهای مالی دنیا را در تحت کترول خود داشته باشند، درست قسمیکه امپراطوری روم را علیه عیسی علیه السلام استعمال نموده بودند، و در شرایط فعلی نیز از ایالات متحده امریکا و غرب به منظور تخریب افکار و آئدیولوژی اسلامی و به استثمار کشیدن مسلمانان استفاده میکنند، چون میدانند تنها دین و نظام که در مقابل سود و ربا قرار دارد دین و نظام اسلام است، و این توانائی را نه در وجود کمونیزم روسی میبیند و نه در وجود سوسیال-کاپیتالیزم چینی، چرا که هیچکدام از اینها مخالف نظام سود خوری در جهان نیستند و هیچ برنامه علیه این پدیده ندارند، بلکه خود هم به انواع مختلف آغشته به آن اند.

و قسمیکه قبلاً اشاره کردیم تنها اسلام یگانه آئدیولوژی سیاسی است که علیه این نظام میتواند با قدرت تمام ایستادگی نماید و آنرا نابود سازد، چرا که در اسلام شریعت نبی صلی الله علیه وسلم نظام کامل اقتصادی موجود است و درین نظام بر علاوه آنکه سود (الربا) جای ندارد بلکه علیه آن اعلان حرب نیز صورت گرفته است، و روشی را که یوسف علیه السلام چندین قرن قبل بنیاد گذاشته بود و بر اساس آن در مصر فراوانی بوجود آمده بود امروز تنها نزد مسلمانان وبرای مسلمانان قابل دسترسی می باشد و یهودیان از دیر زمانی تا به امروز جداً در تلاش اند تا نگذارند نظامی با چنین اوصاف به وجود بیآید، و ازینکه نمیخواهند مستقیماً با مسلمانان درگیر جنگ شوند، بناً عیسویان و قدرت و سیاست های آنها برای انجام این کار استخدام کرده اند، قسمیکه پدران شان امپراطوری روم را جهت نیل به این اهداف خود زیر کنترول و اداره خویش در آورده بودند و آنها را بر ضد اسلام عیسی علیه السلام تحریک و بر می انگیختند، و امروز این علاقه به جنگ میان عیسویان و مسلمانان از دسیسه های است که توسط همین یهودیان براه انداخته شده است، و امروز صراحتاً گفته میتوانیم که امریکایان با تمام نظام و اردو و ساست که دارند مظلوم واقع شده اند و در تحت استثمار یهودیان قرار دارند و این را هم نمی دانند که همراه آنها چه جریان دارد ، زیرا آنها را غرق در فحشاء و پیدا کردن چند دالری برای پیش برد زندگی ایشان کرده اند، و اضافه می کنیم که امروز هیچ قومی در دنیا غلامتر و مظلومتر نسبت به مردم امریکا وجود ندارد، بدلیل آنکه تمام نظام و سیستم آنها را صرفاً چند یهودی کنترول و اداره میکند، و هیچ کاری هم انجام داده نمی توانند،

دلیل آنرا بعداً توضح میدهم که چرا مردم امریکا اقدامی در برابر یهودیـان کرده نمی توانند.

یک موضوع جالب دیگری را که درینجا بخـاطرم آمـد و آنـرا قابـل ذکـر میدانم اینست که تا هنوز کسی نپرسیده است که یهودیان از «شکسـپیر» شاعر و نویسنده مشهور جهان که در انگلستان زنـدگی می کـرد چـرا بـد میبرند ؟

دلیل آن اینست که او در کتاب خود به نام «The Jew of Malta[1]» داستان یی یک تن یهودی سـود خـور کـه اسـمش شـایلاک بـود را حکـایت کرده است که موصوف بخاطر وصول سود حـتی از بریـدن گوشـت بـدن مـردم دریـغ نمی کـرد و از آن عمـل خـود هیچ هـراس و تـرس از کسـی نداشت، و هچنان شکسپیر چهـره ی ظالمانـه ای یهودیـان را در آن کتـاب آشکار ساخته و تذکر داده اسـت کـه در طـول تـاریخ مـرتکب چـه اعمـال زشتی نسبت به بشریت شده اند، برعلاوه وی دریـک نمایشـنامه ای خـود به نام «تاجر اسلحه»[2] بشریت را از طبیعت خشـن و ضدبشـری یهـود بـر حذر و آگاه گردانید.

همچنان باید خـاطر نشـان بسـازیم کـه عیسـویان و یهودیـان در طـول تاریخ هیچگاه با هم دوست نبوده اند و همیشـه در مخـالفت یکـدیگر قـرار داشته و بد و زشت یکدیگر خود را می گفتـه انـد بنـاً لازم می بینم کـه دو عنوان را در اینجا به بحث گیریم .

1- دیدگاه یهودیان نسبت به عیسویان و عیسویت:

2- دیدگاه عیسویان در مورد یهودیت.

1- استاد محمـد الشـماک در کتـاب «الاصـولية الانجيليـة او الصّـهيونية المسـيحية و الموقـف الامـريكى» نصـوص ذیـل را از کتـاب هـای مقدس یهودیان نقل نموده است:

[یهودیان اجازه دارند ، علیه مسیحیان و برای ضربه زدن به ایشـان بـه تهمت و شهادت دروغ متوسل شوند ، زیرا نام «یهوه» اگـر بـرای سـوگند علیه آنان استفاده شود ، آلوده نمی گردد[3]].

[بر یهودیان واجب است در هر شرایطی بـرای فـریب دادن مسـیحیان تلاش کنند[4]].

---

[1] . یهود جزیره مالتا.

[2] .weapon merchant.

[3] Babakama 13A 11313.

[4] Zohari.125/6.

[هر کسی که بـرای مسـیحیان کـار مثبـتی و خـدمتی را انجـام بدهـد ، هیچگاه از قبرش بر انگیخته نمی شود[1]].

اکنون بخشی از سخنرانی یکی از سران یهـود را کـه در مجمـع «بنـای بریت» در پاریس به نقـل از مجلـه کـاتولیکی آزیت شـماره مـاه فـبروری 1936م را نقل میکنیم .

[... اکنون اجازه بدهید برای تان روشن کنم که چگونه در راه سـرعت بخشیدن به روند فروپاشی کلیسای کاتولیک گام بـرداریم و تـا بتـوانیم بـه مراکز و مقامهای حساس آنها نفوذ کـنیم و تعـدادی از کاهنـان را بـا بهـره گیری از پول و رشوه با خود درین جنگ همراه گردانیم تا جائیکه حتی خود این اشخاص پرچمدار آن شوند و به خاطر ما به هر کـاری دسـت بزننـد... ما بانی بسیاری ازین کودتاها و انقلابهای بوده ایم که در جهان تا به امروز روی داده است حتی کودتا های که گاهی علیه خود ما قرار میگـرفت ، مـا در مـورد جنـگ و صـلح در جهـان حـرف آخـر را می زنیم و در این مـورد هیچکس توانائی رقابت با ما را ندارد ما امروز می توانیم آشکار کـنیم کـه این ما بوده ایم که (حرکت اصلاح مذهبی عیسـویان)[2] را بـه وجـود آوردیم کالوین یکی از فرزندان ما و از یهودیان اصیل بود ، کـه بـار آن مسـئولیت از طرف مسئولین یهود و حمـایت مـالی ایشـان بـر دوش او نهـاده شـد و طرح اصلاح دینی در آئین مسیحی را به اجرا گذاشت، همچنان که مـارتین لوتر خود به توجیهـات دوسـتان یهـودی خـود اذعـان و اعـتراف نمـود و در زمینه اجرای برنامه هایش علیـه کلیسـای کاتولیـک بـا خواسـت مسـئولین یهودی و حمایت مالی ایشان پیروزمندانه عمل کرد.....ما امـروز توانسـته ایم به مراکز قدرت بسیاری از حکومتهای اروپائی نفوذ کنیم و بر بقیه آنها دیر یا زود تسلط پیدا خواهیم نمـود و درین مـورد کمـترین تردیـدی وجـود ندارد، روسیه زمینه های لازم را برای فعالیتهای ما فـراهم نمـوده اسـت ، کشور فرانسه از طریق حکومت فراماسیونی آن کاملاً در اختیار مـا قـرار دارد ، انگلستان نیز با توجه به نیاز مبرمی که به سرمایه های ما دارد و با توجه به پیروی اکثریت آنها از آئین پروتسـتان کـاملاً گـوش بـه فرمـان مـا هستند ، اسپانیا و مکزیک همچون عروسکهای خیمه شب بـازی بـا حـرکت دست ما حرکت می کنند و اضافه بر امریکا که به طور همـه جانبـه از مـا حمایت سیاسی و مادی و اطلاعاتی و نظامی می نماید کشور های بسـیار دیگری با ما پیوند و رابطه نزدیکی دارنـد...... مـا بـا تلاش همـه جانبـه بـه حمایت و تقویت و اجرای برنامه هایمان از طریـق مسـموم نمـودن اخلاق

---

[1] Zohari.160/6.

[2] Revisionisim.

غیر یهودیان و گسترش روح شورش و نزاع میان مـردم خـواهیم پـرداخت احترام بـه فرهنـگ و ارزشـهای ملی را درمیـان ایشـان بـه شـدت کـاهش خواهیم داد ، پیوند و روابـط خـانوادگی را از هم خـواهیم گسسـت ، تلاش خواهیم کرد که در نظر بسیاری از مردم به ویژه جوانـان و دانشـگاهیان ، هنرمندان ، نویسندگان و دانشمندان ، دین را به عنـوان امـوری خـرافی و بی سود و حاصل جلوه بدهیم و آن را عقاید و سلوکی متعلـق بـه گذشـته تصویر نمـایم ، کـه در جهـان امـروزی کـاری از آنهـا سـاخته نیسـت ، این مطلب را نباید فراموش کنیم که فرمانروایی موعود و مورد انتظار یهـود[1] به تسلط بر جهان راضی نمی شود مگر آنکه پاپ را از مقام خـود در روم خلع کند و همه فرمانروائی را که تسلیم ما نمی شوند کنار بگذارند[2]].

2- استاد محمد الشماک در مورد دیدگاه عیسویان در مورد یهود چـنین میآورد: [یهود برای همه ملتهای جهان به ویژه مردم مسیحی خطـر جدی به شمار می آیند[3]].

در سفر تثنیه 14،13/20 کتاب «بایبـل» آمـده اسـت: [بـر اسـرائیلیان کشـتن و آواره گرانیـدن یهـود بـه وسـیله یکـدیگر حـرام اسـت ، امـا اسرائیلیان اجازه دارند و حتی برایشان واجب است بر دیگر ملتها – به ویژه ملت کنعان ، هجوم ببرند و برایشان واجب است پس از پـیروزی و گـرفتن شـهر و دیـار غـیر یهودیـان ، همـه مـردان بـالغ را از دم تیـغ بگذرانند و قتل عام کنند و هیچ یک از آنها را باقی نگذارند و همه زنـان و کودکان آنان را به بردگی بگیرند و تمامی املاک و دارائیها و زمینهای آنرا در اختیار خود در آورنـد... حـتی در بـرخی از اسـفار تـورات آمـده است که از ازل مردم کنعان برای بردگی بـنی اسـرائیل آفریـده شـده اند ، و مردم کنعان در زندگی خود به غیر از خدمت و بندگی یهود نباید به هیچ کار دیگر گمارده شوند...]

[... نیروهای که 1900سال پیش عیسی مسیح را بـه صـلیب کشـیدند امروزه همه توان خود را برای به صـلیب کشـیدن کلیسـا نـیز بـه کـار می گیرند ، در عصر حاضر مبارزه ای سخت بر مسیحیت تحمیـل گردیـده کـه پایـان آن سرنوشـت و مـرگ یـا زنـدگی مسـحیت را رقم می زنـد ، امـا بسیاری از رهبران مسیحی متوجـه این موضـوع نیسـتند ، کمونیسـتی کـه

---

[1] . به زعم آنها عیسی مسیح اما در حقیقت همان دجال موعود است که قبلاً به آن اشاره داشتیم.

[2] . ادامه سخرانی یکی از سران یهود می باشد که دکتور یوسف قرضاوی آنرا در کتاب «خطر جهانی صهیونیزم» در صفحات 121-122-123 نقل کرده است.

[3] . مجله «سیویلتا» کلیسای کاتولیک واتیکان.

ساخته و پرداختهء صهیونیزم و یهود است و توانسته است بسیاری از ملتهای جهان را تحت سلطه و حاکمیت خود قرار دهد و سرکوب نماید ، اینک برای از بین بردن مسیحیت به طور کامل به دنبال فرصت و شرایط مناسب است[1]].

همچنین (تیودور داستایوفسکی) ادیب و داستان نویس بزرگ و مشهور روسی در مورد یهود ، در رساله ای که «موفق دیلمی» به عربی ترجمه نموده و انتشارات ابن رشد آنرا به چاپ رسانیده است چنین میگوید:

[... بنی اسرائیل کلام الله را در تورات زیاد و کم کرده اند و آنرا به شدت تحریف نمودند از طریق تفسیر ها و برداشتهای بر اساس خواهشات خویش بر دامنه آن تحریفات افزودند و آنرا وسیله ئی در خدمت طمع دنیوی و اهداف نژاد پرستانه خود گردانیدند ...].

فرانکلن روزولت رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در سال 1789م بیانیه ای رسمی را صادر کرد و در ضمن آن به مردم امریکا در مورد خطر جهانی یهود هشدار داد ، و این بیانه را در هنگام تصویب قانون اساسی امریکا ایراد نمود که در آن آمده است: خطر بسیار جدی ای امروزه کشور ایالات متحده امریکا را تهدید می کند ، من به صراحت به شما می گویم که خطر از جانب مردم و باند ها و جمیعتها یهود است آنان در هر شهر و دیاری که ساکن شده اند فضایل و ارزشهای اخلاقی را از بین برده اند و در عرصه اقتصادی نیز دست به فساد و تباهی زده اند آنان مردمی خود خواه و متکبری هستند و خود را با دیگران قابل مقایسه نمی دانند].

آنچه در بیانیه فرانکلین رئیس جمهور امریکا در قرن هجده آمده است ، امروز به تمام معنی در مورد یهود واقعیت پیدا کرده است ، امروزه آنها بر اقتصاد و سیاست امریکا تسلط پیدا کردند و پیشگوئیهای آن رهبر فقید در مورد خطر یهود برای مردم امریکا آشکار گردیده است [2].

بناً یهودیان برای اینکه عیسویان را تحت استثمار خویش قرار داده باشند نیاز داشتند تا خود را به چهره جدید برای شان ظاهر و معرفی کنند، طوریکه سازمان فراماسونری «Freemasons»که ظاهراً عیسوی اما در اصل سازمان یهودی بوده و اهداف .صهیونستی را تعقیب میکند، و این نیرنگ یهودیان از جریان جنگهای صلیبی به این طرف شروع شده است تا جائیکه آنها توانستند با استفاده از شیوه های مختلف مانند ایجاد شرکتهای تجارتی – فابریکه های مختلف و...غیره در میان عیسویان نفوذ

[1] انقضاء فی الیهودیه علی المسیحة : کاهن یرالدب ص 6
[2] القدس شریف /مهندس رائف یوسف نجم - ص31-32

فوق العاده ئی کنند، و برای موفقیت لازم بود تا میان افراد جامعـه ایجـاد فاصـله کننـد، زیـرا تنهـا می توانسـتن بـا ایجـاد اختلافـات مـذهبی در بین عیسویان به این هدف خویش نایل آیند بناً مذاهب مختلفی را در میان آنها بنیاد نهادند.

در حالیکه عیسویان در اوایل یک پارچه و پیرو کلیسا کاتولیک بودند اما یهودیان با هزینه گزاف در بین رهبران کلیسا نفوذ کـرده و رهـبری کلیسـا رومن کاتولیک را بـه عهـده گرفتنـد و بـا سـاختن ارگـانی بـه نـام محکمـه «تفتیش عقاید» ظلم و ستم بسیاری را بالای مردم روا داشتند تـا جائیکـه چهره کلیسا را هرچه بیشتر خشن جلـوه دهنـد، پـاپ و کشـیش هـا را بـه شخصیت های فاسدی تبدیل کردند و رفته رفتـه کلیسـا را در فسـاد غـرق ساختند و ازین طریق فساد و فتنه و بدبینی را در میـان مـردم نسـبت بـه کلیسا دامن زدند، و در تلاش این شدند تا به چه شکلی مردم را تـرغیب و تشویق نمایند که بر علیه کلیسا های خویش قیام کنند، تا بالاخره در قــرن 16م مارتین لوتر بغاوت علنی خود را بر علیه کلیسا آغاز کرد، که بـا آغـاز این پروتست (بغاوت) دو جریان مذهبی عملاً ظهور کرد:

اولاً – رومن کاتولیک ها: که قبلاً یک پارچه عمل میکردند، و مـردم نـیز تحت یک فرمان مذهبی قرار داشتند.

دومـاً- پروتسـانت: کـه از شکسـت وحـدت کلیسـا رومن کاتولیـک بـه رهبری مارتین لوتر بوجود آمد.

بعداً با تمام قدرت کوشیدند تا این مذهب را رسمیت ببخشند کـه درین کار خویش موفـق نـیز شـدند و توانسـتند تـا مـذهب رومن کاتولیـک را در سراسر انگلستان غیر قانونی اعلان کنند ، بـدلیل آنکـه پادشـاه انگلسـتان ویلیم هانری درین هنگام مذهب پروتستان را اختیار کرده بود.

برنامـه بعـدی شـان جـدائی مـذهب از سیاسـت بـود ، زیـرا بعـد از فروپاشی مذهب کاتولیک در انگلستان، رهبری مـردم را عملاً یهودیـان در دست گرفتند و بعداز آن تنها شخصی که دارای مذهب پروتستانت می بود و همچنان فرمانبرداری یهود را می پزیرفت میتوانست به قدرت برسد.

در شرایط فعلی این اشخاص ناپاک میخواهند برنامه ی ناپـاک خـویش را در کشور های اسلامی نیز تطبیق کنند، و مصطفی کمال اتاترک خـائین اولین شخصی بـود کـه غلامی این طائفـه را قبـول کـرد و کشـوری را کـه کاملاً سبز یعنی اسلامی بود سیکولار[1] اعلان کرد و نظـام خلافت اسـلامی و حاکمیت قوانین شرعی را که بانی آن رسول الله صلی الله علیه وسـلم

---

[1]. بی دین

بود از میان برداشـت، و در عـوض آن نظـام بی دیـنی و حـاکمیت قـوانین بشری را رسمیت بخشید.

و زمانیکـه کلیسـای انگلسـتان «Church of England» در سـال 1684م در انگلسـتان بنیـان گذاشـته شـد زمـانی بـود کـه دیگـر اثـری از کلیسای رومن کاتولیک دیده نمی شد، و درست پنجاه سال بعداز آن بانـک انگلستان «Bank of England» را تاسیس کردند که ساختن کلسیا و در پی آن پنجاه سال بعد تأسیس بانک انگلستان در ذات خود حرکت قانونمند و از قبل برنامه ریزی شده از طـرف یهودیـان جهت تحقـق اهـداف شـان درین زمینه بود، که سپس توانستند در طول 20-30 سال بعد از آن کاملاً پادشاه و کلیسـا پروتسـتانت را تحت تـأثیر و کـنترول خـود در آورنـد و بـه تعقیب آن توانستند از نزد شاه جواز بانک و بانکـداری در انگلسـتان را بـه دسـت آورنـد و در دنیـای عیسـویت سیسـتم بانکـداری را عملاً بـه شـکل امروزی آن ایجاد کنند، و این اولین و خطرناکترین و مهمترین بانک یهـودی در تمام اروپا بود، کـه اسـاس قدرتمنـدی یهودیـان را در آینـده در اروپـا و جهان تضمین میکرد ، و همین بانـک نـیز از اولین بانـک هـای بـود بـه دادن برای پادشاهان بریتاناپائی شروع کرد، تـا بـه کمـک آن پادشـاهان بتواننـد مخارج جنگهـا و لشـکر کشـیهای خـویش را تـأمین کننـد، و همین بـود کـه امپراتوری بزرگ بریتانیا در زمان اندکی توسعه ی زیادی پیدا کرد.

در آنزمان "Mayer Amschel Rothschild[1]" یکی از سرمایه داران مشهور یهود می گفت که بالای امپراطوری که آفتاب غروب نمی کنـد من حکومت می کنم زیرا خزانه این امپراطوری نزد من هست.

و یهودیـان از سـال 1648م تـا 1850م بیشـتر از یـک ملیـارد پونـد، امپراطوری انگلستان را مقروض خـویش سـاخته بودنـد، در حالیکـه بـرای مردم دنیا این طور وانمود میشـد کـه این امـپراتوری انگلیسـها اسـت کـه آفتاب در قلمـروش غـروب نمی کنـد، امـا در حقیقت صـاحبان اصـلی این امپراطوری همان بانک داران یهودی بودنـد کـه بانـک انگلسـتان را رهـبری میکردند، همانطوریکه بعداً در قرن 19 «Federal Reserve Bank» را با امریکا تأسیس کردند تا امپراطوری امریکا را تحت کنترول داشته باشند که تا به حال این قدرت را در اختیار خود دارند.

قسمیکه در قرن 19 و در حـال حاضـر حـق چـاپ پـول را از حکـومت امریکا گرفته اند در آنزمان نیز حق ضرب مسـکوکات پـولی را از انگلیس ها گرفته بودند، زیرا جهت برنامه سازی برای امـپراطوری انگلسـتان لازم

1. موسس خانواده ئی Rothschild.

بود تا تمام این صلاحیت ها و اختیارات را به خود انتقال دهند، و توأم با انتقال این اختیار سکه های طلا و نقره انگیسی را جمع آوری کرده و بانک نوت ها (اسناد بانکی) را چاپ و نشر کردند، و به مرور زمان آهسته آهسته فامیل «Rothschild» که اصلاً از یهودیان جرمنی بودند، توانستند تمام نظام سیاسی و نظامی شاه انگلیس را به همین شکل مقروض خویش گردانند، و چون حکومت و شاه توان پرداخت این قرضه های را نداشتند مجبور به تسلیم نمودن تمام نظام به یهودیان شدند.

این شخص یعنی Mayer Amschel Rothschild دارای پنج فرزند بود آنها در نقاط مختلف اروپا مانند پاریس، لندن، استرالیا، فرانکفورت – آلمان، ویانا – اطریش وغیره نقاط مختلف آسیا به کار بانکداری و سرمایه گذاری مشغول بودند.

- SAmschel Mayer Rothschild (1773–1855): Frankfurt
- alomon Mayer Rothschild (1774–1855): Vienna
- Nathan Mayer Rothschild (1777–1836): London
- Calmann Mayer Rothschild (1788–1855): Naples
- Jakob Mayer Rothschild (1792–1868): Paris

اینها هریک وظیفه داشتند تا در هنگام هر جنگی که اکثراً خود ایشان آنرا براه می انداختند به هر دو طرف درگیر جنگ کمک مالی کنند تا بدینوسیله حکومت ها را مقروض خود سازند، و بعداً حاکمیت ها را در تحت کنترول خود در آورند.

قابل ذکر میدانیم «Bank of England» که در سال 1684م و یا 1689م توسط یهودیان ساخته شد و تا سالهای 1946م کاملا تمام نظام اقتصادی و مالی انگلستان را تحت کنترول خویش در آوردند؛ و زمانیکه دامنه های امپراطوری انگلیس در جهان گسترش یافت، همین بانگداران یهود در تمام جهان به دولت ها ، سازمانها آزادی بخش ، اقلیت های اپوزیسیون، گروه های مسلح...وغیره، حتی تروریست ها قرضه می دادند و ایشانرا به گونه ای برنامه ریزی میکردند که حتماً باعث جنگهای بزرگ در سطح همان منطقه می شد و از این ناحیه منافع بیشماری را بدست میآوردند، یعنی در جنگ طبیعی است که طرفین جنگ به پول و اسلحه کافی نیاز می داشته باشد و همچنان به حمایت کننده قوئی که مخارج و مصارف این جنگ ها را تأمین کنند ، پس یهودیان که بشریت را با چشم حقارت میبینند و از ریختاندن خونهای انسانها گناهی را احساس

نمی کنند و ثروت را نسبت به همه چیز دوست میدارنـد، این را بهـترین و مناسب ترین فرصت به دادن قرضـه و رسـانیدن اسـلحه بـه کشـور هـای متخاصم با چهره های مختلف شمردند، و مثال آنرا در جنگ میـان نیپـال و انگلستان در سالهای 1813م تا 1815م ارایه کـرده می تـوانیم، طوریکـه درین جنگ- مفادی را که «Rothschild»ـ به دست آورد غیر قابـل بـاور و غیر قابـل پیش بیـنی بـود، چـرا کـه سـازمان «Rothschild» بـه مـراتب نسبت به مامورین استخباراتی امپراطوری انگلیس، فعـالتر و قویـتر عمـل میکردند، و در هر قضـیه یـا واقعـه ی مهم خـبر آن بـه مـراتب سـریعتر از دیگـــر ســـازمان هـــای اســـتخباراتی بـــه ســـازمان فراماســـونری « Freemasons» و «Rothschild» می رسید.

چنانچه که در آن جنگ پیش از آنکه خـبر نتیجـه ی جنـگ بـه امـپراتوری برسد، برای رهبران بانکهای یهودی و «Rothschild» رسـید، زمانیکـه در جنگ واترلو نیپالیها از طرف بریتانیائی ها به شکست مواجه شـده بودنـد، اما «Rothschild» با شـنیدن این خـبر در «Stock Market» یـا بـازار بورس (اسهام) انگلستان غوغائی را بر پا نمودند که انگلیسـها در واترلـو شکست خورده اند، درین وقت مردم و دولت به این عقیده کـه در جنـگ واترلو بریتانیـا شکسـت خـورده و امـپراطوری سـقوط خواهـد کـرد تمـام اسهام خود را بفروش رسانیدند و پول های پوند خویش را به قیمت نـازل تبادله کردند، و از طرف دیگـر در این وقت افـراد «Rothschild» اقـدام به خریداری اسهام نمودند و تمام اسهام و پولهای مردم را نزد خـود جمـع آوری کردند، چند روز بعد که خبر درسـت بـه لنـدن رسـید؛ کـه نـیرو هـای برتانیا پیروز میدان جنگ شده اند زمـانی بـود کـه بانکـداران 9.8 میلیـون پوند فائده کرده بودند، یعنی تنها خبر کشـته شـدن هـزار هـا هـزار نیپـالی برایشان 9.8 میلیون پوند در آمد کرد ، اینکه کشته شدن این تعـداد افـراد بشر چه اندازه سودی برایشان آورده بود این را خود محاسبه کنید؟!!

در حال حاضر این بانک مجله ی را به نام «Economic Magazine» که از جمله مشهور ترین مجله های اقتصادی در دنیا بـه شـمار مـیرود بـه نشر میرسـاند، و در ضـمن نشـر جـوانب کـاری و اقتصـادی خـویش درین مجله از رمز های مختلفی در میـان مطـالب آن اسـتفاده میکننـد، کـه این امر در ذات خود نشان دهنده ی اینست که این بانک برعلاوه کار بانکداری یک لانه و مرکز بزرگ جاسوسـی در زمینـه هـای اقتصـادی میباشـد کـه از

هنگام «جنگ واترلو» به این طرف این نوع فعالیتهـای شـان ادامـه دارد،و این سازمان در دنیا تحت نام [E-I-U][1]معروف میباشد.

و از گذشته تا به امروز در تمام دنیا نسـبت بـه این کـه بیشـتر از 90٪ سرمایه ای بانکهای انگلستان متعلق به «Rothschild» می باشـد نفـرت وجود داشـته و دارد، زیـرا همین اشـخاص زمـانی امـپراطوری انگلیس را حمایت می کردند تا استقلال ملت ها را نقض کرده سـرزمین شـان را در تحت اشغال خویش در آورند و امروز نیز جنگهای بزرگی را در میان ملتها بر پـا میدارنـد و یـا بـه مفهـوم سـاده تـر دو بـرادر را در مقابـل هم قـرار میدهند، تا از نتایج آن در سـرمایه هـای خـویش افـزایش بعمـل بیآورنـد و ملت ها را به برده گی بکشـانند؛ روی همین دلایـل اسـت کـه درین اواخـر افکار ضد یهودیت در بین مردم امریکا و انگلستان بیشتر احساس میگردد و مـردم عیسـوی مـذهب امریکـا همیشـه «Rothschild»ـ را دشـنام می دهند، زیرا این را دانسته اند که خودشان قربانی اهداف یهودیان و اهداف سـازمان مخفی یهویـان «Freemasonry»گشـته انـد؛ و حقیقت این سازمان تقریباً 50-60 سال بعد بـرای مـردم معلـوم شـد کـه آنهـا نـیز در خدمت «Rothschild» فعالیت میکنند و بانک که در خـدمت این سـازمان قرار دارد به نام «GB Morgan» است که R-Ch آنرا جهت هزینه های جاسوسی شان تأسیس کرده اند.

چنانچـه رئیس جمهـور امریکـا «Henry jackstone» در 1836م بـه این موضوع پی برده بود که یهودیان چرا و چطور در داخـل نظـام امریکـا نفوذ کـرده انـد، بنـاً راه حـل منطقی کـه بـرای بـیرون رفت ازین معضـل مطرح نمود جمع آوری تمام طلاهای بود که مربوط به مردم امریکا میشد و بایـد این طلا هـا از بانکهـای یهودیـان خـارج سـاخته و بـه بانـک مرکـزی امریکا «State Bank of America»ـ انتقال داده میشـد، امـا زمانیکـه یهودیـان ازین تصـمیم آگـاه گردیدنـد این بانکهـا را بـه ورشکسـت مواجـه ساختند، چون صـاحبان این بانـک بـه خـاطر گـرفتن کمـک بـه «England Bank» انگلستان مراجعـه کردنـد، بانـک انگلنـد تمـام روابـط اقتصـادی و مالی خود را با دولت امریکا قطع کـرد، یعـنی اسـناد بـانکی امریکـا را بی اعتبار اعلان کرد و تبادله را ممنوع ساختند، و چون همه طلا های پشـتوانه را از قبل جمع آوری کرده بودند و آنرا نزد خود داشتند به تعقیب آن تمـام چک بوک های (Checkbook) دولت امریکا را رد کردند؛ کـه بـدون وقفـه دولت امریکا دچار بحران و سقوط مالی و پولی در سراسر کشور شـد، و

---

[1] . غالباً بمعنی (Economic Inquiry Unit) یا واحد تحقیقاتی اقتصادی.

این بحران اقتصادی در تاریخ به نـام بحـران 1837م یـا «Crisis 1837» مشهور باشد.

هنری جکسون از عـواقب این کـار خـویش آگـاه بـود و از جـانب یهـود عکس العملی را انتظار داشت، اما اینکه یهودیان چنین جزای برایش تعین میکنند که بر اساس آن تمام سیسـتم اقتصـادی و پـولی و همچنـان نظـام اداری امریکا مواجه به سقوط میشود نمیدانست.

ناگفته نباید گذاشت که در سال 1857م این عمل را بـرای بـار دوم بـا نظام اقتصادی امریکا تکرار کردند، که آن واقعه به نام «Great panic» یا اضطراب و هراس بزرگ در بین مردم امریکا مشهور اسـت، بنـاً واضـح است هرگاه یک فامیل کوچک میتواند نظام اقتصادی یـک کشـور بـزرگ را تحت کنترول خویش داشته باشد بدون شک حتماً یک یا دو کشـور ضـعیف را به آسانی تباه و برباد ساخته می توانند.

امروزه بانک فـدرال امریکـا کـاملاً تحت کنـترول «England Bank» انگلستان قرار دارد زیرا R-Ch با داشـتن 53% سـهم درین بانـک رهـبری آنرا رسماً بعهده دارد، زیرا بیشتر از 70% ذخایر طلا دنیا در نـزد یهودیـان که صاحبان اصیل این بانکها در سراسـر دنیـا می باشـند موجـود اسـت، و آنها هرگز نمی خواهند که ارزش طلا در دنیا از بین برود و بدون شـک کـه طلا های بانک فدرال امریکا در نزد یهودیان ثابت باقی مانده اسـت، و این قوم از ایام قدیم تا به امروز بـا پادشـاه انگلسـتان روابـط نـزدیکی دارنـد حتی تا به سطح خویشاوندی چنانچه که ملکـه الـیزابت شـکار همین بـازی خطرناک یهودیان شده است .

شما شاهد هستید که هیچ یک از اعضای فامیـل«Rothschild» هرگـز در پرده تلویزیون ظاهر نه شده و در معاملات بزرگ سیاسـی و اقتصـادی از ایشان نامی برده نمیشود و مردم هم از آنها بی خـبر انـد، چـرا کـه این دسیسه بزرگ طوری برنامه ریزی شده که همه ی مردم نباید از آنها آگـاه شوند، و هویت شان فاش گردد در حالیکه حکومت اللـه را در زمین همین قوم «مغضوب علیهم» غصب کرده اند .

و با تلاش های یک یهـود مجارسـتانی در سـال 1897م بـه نـام تئـودور هرتزل، اولین کنگره صهیونیسم در شهر باسل سویس تشکیل شد در این کنگره تشکیلات صهیونیسم بین الملل پایه گذاری شد و هرتزل به ریاست آن برگزیده شد هدف عمده این تشکیلات ظاهراً شناسائی یهودیان جهـان و فراهم کردن زمینه مهاجرت آنها به سرزمین موعود–فلسطین بود.

که چند سال بعد هنگامیکه این کنفرانش افشاء شد و در سال 1901م این قرار دارد بدست استاد سرجی نیلوس نویسنده روسی افتـاد، وی این قرار را بشکل یک کتاب ترتیب داده و بـدون وقفـه آنـرا تحت نـام « The Protocols Of The Learned Elders Of Zion»[1] به نشر رسانید، اما در کوتاه ترین مدت تمام نسخه های این کتاب توسط یهود جمع آوری شده و غائب گردید ، بعـداً دوبـاره نیلـوس در سـال 1905م مجـدداً این کتـاب را بنشر سپرد، اما این با نیز همه نسخه ها را یهودیان جمع آوری کردند و بـه آتش زدند ، بار سوم در سال 1911م این کتاب به چاپ رسـید بـازهم بـه عین عکس العمل مواجه شد، بار چهارم در سال 1917م به چـاپ رسـید که هنگام با انقلاب کبیر روسـیه بـود و بعـداز آن تـا هنـوز نسـخه ای ازین کتاب و آوازی از نویسنده آن دیده و شنیده نشده است؛[2] و بایـد گفت کـه این موافقت نامـه سِـری از میـان کنگـره بین المللی یهودیـان دزدی و بـه چاپ رسیده بود و از 100 سال به این طرف یهودیان دیوانه وار در دنبـال آنند تا محتویات این موافقت نامه را دروغ به اثبات برسانند و عـدم تعلـق خود را با این کتاب اعلان دارند.[3]

حال سوال در اینجاست که در محتویات این قرار داد ها چه گنجانیـده شده است که یهودیان پیوسته در دنبال از بین بردن آن هستند؟

این قرار داد های حاوی خطرناک تـرین برنامـه هـا و پلان هـای جهـانی صـهیونیزم اسـت کـه یهودیـان بـر اسـاس آن میخواهنـد نظـام خـود را در سراسر جهان استقرار بخشند و همچنان در آن چگـونگی تطـبیق این پلان ها و برنامه ها موجود است که نحوه ای دست یـافتن بـه اهـداف شـان را بصورت روشن توضح داده اند.

این پروتوکول تحت عناوین ذیل ترتیب گردیده است:

Who are the Elders?

Protocol I The Basic Doctrine

Protocol II Economic Wars

Protocol III Methods of Conquest

---

[1] . یعنی: قرارداد های بزرگان دانشمند صهیون.

[2] . برتوکولات حکماء صهیون- ص36.

[3] . این کتاب در سال 1951 م توسط محمد خلیفة التونسی به زبان عربی تحت عنوان «الخطر الیهودي – بروتوکولات حکاء صهیون» ترجمه و به چاپ رسید ، اما دیری نگذشت که یهودیان همه نسخه های این کتاب را جمع آوری کردند و نابود ساختند ، بعداً در سال 1961م به اهتمام استاذ عباس محمد العقار برای بار دوم با تصحیح مطالب آن از روی نسخه فرانسوی آن که در سال 1921م بنشر رسیده بود از روی نسخه پنجم لسان انگلیسی ترجمه گردیده است و دار الکتار بیروت- لبنان آنرا به چاپ رسانیده است، و جز نسخه های سافت آن هیچ نسخه مطبوع آن در بازار موجود نمی باشد.

Protocol IV Materialism Replaces Religion
Protocol V Despotism and Modern Progress
Protocol VI Take-Over Technique
Protocol VII World-Wide Wars
Protocol VIII Provisional Government
Protocol IX Re-education
Protocol X Preparing for Power
Protocol XI The Totalitarian State
Protocol XII Control of the Press
Protocol XIII Distractions
Protocol XIV Assault on Religion
Protocol XV Ruthless Suppression
Protocol XVI Brainwashing
Protocol XVII Abuse of Authority
Protocol XVIII Arrest of Opponents
Protocol XIX Rulers and People
Protocol XX Financial Programme
Protocol XXI Loans and Credit
Protocol XXII Power of Gold
Protocol XXIII Instilling Obedience
Protocol XXIV Qualities of the Ruler[1]

بناً اگر به صورت خلاصه بیان کنیم عمده ترین اهداف این قرارداد ها عبارت از :

1- حکومت های موجود در دنیا را کم زور ساخته تا قدرت و اختیار حکومت از آنها ربوده شود.
2- آزادی آنها را سلب کرده و کیفیت حکومت داری را در آنها فاسد جلوه میدهیم تا وضعیت سر در گمی در میان مملکت ها ایجاد شود .
3- در میان جوانان و نوجوانان آنها فحشاء ، فساد و بد اخلاقی را مروج ساخته ، قمار ، استعمال مواد مخدر و شراب نوشی را شیوع می بخشیم و با فیلمها و سریلهای ایشان را مست ساخته و رقص و آواز خوانی را در میان شان رایج میسازیم، و طوری با

[1] برگرفته از سایت انترنتی www.biblebelievers.org.au

ایشان عمل میکنیم تا آنکه به زندگی کاملاً به نظر قانونی اما غیر انسانی ببینند[1].

4- سریعاً به احتکارات بزرگ ثروت و سرمایه اقدام میکنیم ، تا آنکه در شرائط فوق العاده توسط آن حکومت های امی ها (غیر یهود) را به گرو خود گرفته و آنرا تحت دستور و فرمان خویش قرار دهیم.[2]

5- در این مرحله سر در گمی و حرج و مرج را میان آنها ایجاد کرده و منابع مالی آنها را تحت کنترول خود در میآوریم، بعداً شدیداً برایشان ار ذخایر بزرگ که جمع آوری کرده ایم قرضه های را میرسانیم ، زیرا حکومت جهانی ما تا آنزمانی بوجود آمده نمی تواند که ایشان طوری در قرض های ما غرق شده باشند که توان پرداخت آنرا نداشته باشند.[3]

6- لازماً باید سپاه و لشکر بزرگی باورمند به عقاید ما جهت نیل به اهداف خویش ترتیب نمایم.

7- لازم است تا از تمام وسائل و امکاناتی که دشمنانان ما آنرا بر ضد ما استعمال و استفاده میکنند خود را مصئون گردانیم ، و این همه را طوری انجام میدهیم که در قوانین امی ها (غیر یهودیان) میگنجانیم ، تا آنکه خود را کاملاً از تشویش آنها رها ساخته باشیم.

8- تا زمانیکه برای ما امکانات موجود است باید رهبران روی زمین میباشیم- هرگز اجازه نمی دهیم تا قوانین دین[4] غیر از دین ما حاکم بر بالای مردم جهان باشد ، خصوصاً دینی که بر وحدانیت الله قائل باشد.

9- تمام کوشش های خویش را بخرچ میدهیم تا هرگونه دسیسه ای را که برضد ما است و در نتیجه سبب بدست آوردن قدرت توسط امی ها (غیر یهودیان) میگردد مانع شویم ، اما هرگاه بقدرت رسیدن با انقلابات و بیانه های رسمی ضعف حکومت ایشان را اعلان میکنیم ، و اگر لازم شود هر کسی را که بر علیه حاکمیت و

---

1 . پروتوکول شماره هفده هم / بروتوکولات حکماء صهیون- ص 186.

2 . پروتوکول شماره ششم به همین عنوان آمده است- برتوکولات حکماء صهیون/ ص 137.

3 . پروتوکول شماره بیست و یکم / بروتوکولات حکماء صهیون – ص 204.

4 . منظور یهودیان درینجا از دین قوانین و احکام تحریف شده احبار و رهبان یهودیان است نه تورات نازل شده بر موسی علیه السلام بلکه تورات تلمود یعنی تورات را کلاً تحریف کرده اند است، و بر طبق امیال خویش – خصوصاً قوانین را که بر مبنای اصول حکومت جهانی پادشاه موعود شان یعنی- دجال وضع کرده اند- و گمان میکنند که دجال همانا – عیسی مسیح موعود است که برایشان حکومت جهانی را میسازد و انتقام ایشان را از سایر ملل میگرد – اما درین عقیده ای شان به گمراهی رفته اند.

سلطه ما با اسلحه خویش اشاره ای بکند کاملاً بی رحمانه ایشـانرا بقتل میرسانیم[1].

10- لازم است تا مردم را از توان و قدرت خویش بترسانیم تا آنکه به اطاعت از ما عادت کنند ، و بخاطر هرچه بهتر تطبیق این هدف امکانات عیاشی و خوشگذارنی مردم را اندک میگردانیم اما دروازه های آنرا باز میگذاریم ، همچنان بخاطر نیل به این اهداف صنایع کشاورزی و تولیدی را رونق میدهیم ، تا تجارت و صنایع خصوصی ایشان ازبین برده باشیم.

تـا بـه این تـرتیب رهـبران سیاسـی آنهـا سـردرگم تحت فشـار جـدی سازمان های جاسوسی شوند و مردم عام آن غرق در فحشاء و منکـرات و دور از عقاید دینی و احکامات الهی و کاملاً بی حال و بی خبر از اوضـاع در قید و بند رسانه ها قرار گیرند.

یک موضوع دیگـر را کـه بایـد در ضـمن این مبحث بـه خـاطر بسـپاریم اینست که زمانیکه در سال 1913م «Federal Reserve Bank» ایجاد شد منظور آن این بود که مردم و دولت امریکا را بی حد و حصر مقروض خود گردانند و همانطور نیز شد و از هیچ جا معلوم هم نبود که امریکا این قرض ها را از کجا بپردازد، به تعقیب ایجـاد این بانـک اداره ئی « S-I-R[2]» را تأسیس کردند که بر اسـاس آن گـرفتن مالیـه از مـردم امریکـا شـروع شد، و هیچ ظلمی شدید تر و خشن تر از وضع مالیات بالای مـردم وجـود ندارد، که چند روپیه پول و یا چند لقمـه نـان را بـا تحمـل زحمـات زیـادی بدست بیآورند و بعـداً شـخص پیـدا شـود و بـزور آنـرا از وی بـه نـام هـای مختلف بگیرد، و این پیش آمد نه در نزد الله تعال قابل قبـول اسـت و نـه هم انسانیت آنرا می پزیرد.

از همین جهت بود که یهودیان بـرای فامیـل «Freemasons» بانـک « GB-Morgan» را در امریکا ساختند، تا زمینه بـرای مالیـه گـیری توسـط مرکزI-R-S آماده تر شـود، و چنـد مـاه بعـد از بنیـان گذاشـتن این نظـام زشت جنگ اول جهانی آغاز شد، که از نتائج بزرگ این جنگ جهـانی همانـا اولین و بنیادی ترین هدف شان تحقق یافت یعنی:

اولاً- خلافت اسلامی را تباه و برباد کردند.

---

[1] . البروتوکول الخامس عشر / بروتوکولات حکماء صهیون – ص 171 ، طبع بیروت-لبنان ، سال 1961 م.

[2] Intenal Revenu Service.

دوماً- بیت المقدس را انگلیسها تحت اشغال خویش در آوردند و سپس بنیاد نظام کفری صهیونستی خویش را در آنجا با امضای معاهده «Balfour» گذاشتند.

سوماً- تمام اروپا را در نتیجه ئی این جنگ مقروض خود ساختند .

پس اینجا یکبار دیگر امپراطوری انگلیس با گذاشتن تهداب دولت اسرائیل کاملاً ثابت میسازد که تحت کنترول و رهبری «Rothschild» و سازمان فراماسونری فعالیت میکرده است ، و این امپراطوری ، امپراطوری انگلیس نه بلکه امپراطوری یهودان بود، و همچنان زمانیکه اعلامیه بلفور به امضاء می رسید هیچ کسی جز «Rothschild» طرف این قرارداد قرار نداشت؟!!

پس قدرت واقعی «Rothschild» درین میان واضح تر میشود که این چهره های پلید بخاطر استقرار نظام پلید و آلوده به شرک خویش را در جهان از هیچ نوع ظلم و خونریزی بر بالای بشریت دریغ نمی کنند، و جنگ و فساد را در روی زمین بر اساس آئدیولوژی جهانی صهیونیزم « International Zionist Idea» برپاا میدارند، و تمام جوامع بشری را بطرف تباهی میکشانند، کشتن ، تخریب و تهدید ، انفجار ، ترور، برپائی جنگ ها، ایجاد خصومت و دشمنی میان همسایه گان...وغیره، تنها از ذهن ناپاک همین مردم بر می خیزد، چرا که قبلاً نیز بیان داشم که این طایفه از طریق کتاب تحریف شده یی شان یعنی «تلمود» و «مشناء» به این عقیده اند که جان، مال، ناموس وخون و عزت غیر یهودیان برای یهودیان حلال است .

که با شروع جنگ جهانی اول در 1914م آرزو های صهیونیستان برای تشکیل میهنی مستقل جنبه سیاسی پیدا کرد و در سال 1917م بالفور وزیر خارجه انگلیس با صدور اعلامیه ای حمایت رسمی دولت انگلیس را از تشکیل دولت مستقل یهودی اعلام کرد، با پایان یافتن جنگ اول جهانی در 1918 و به اضمحلال رفتن خلافت عثمانی انگلیس قیمومیت منطقه فلسطین را در دست گرفت و از آن به بعد با حمایت و کمک های دولت انگلیس مهاجرت یهودیان به فلسطین و مسکن گزین شدن آنها در آنجا شدت گرفت، و این متن معاهده بلفور است که توسط بلفور وزیر خارجه انگلستان و لارد راتسچایلد یهودی به تاریخ 2 نوامبر 1917م به امضاءرسیده است.

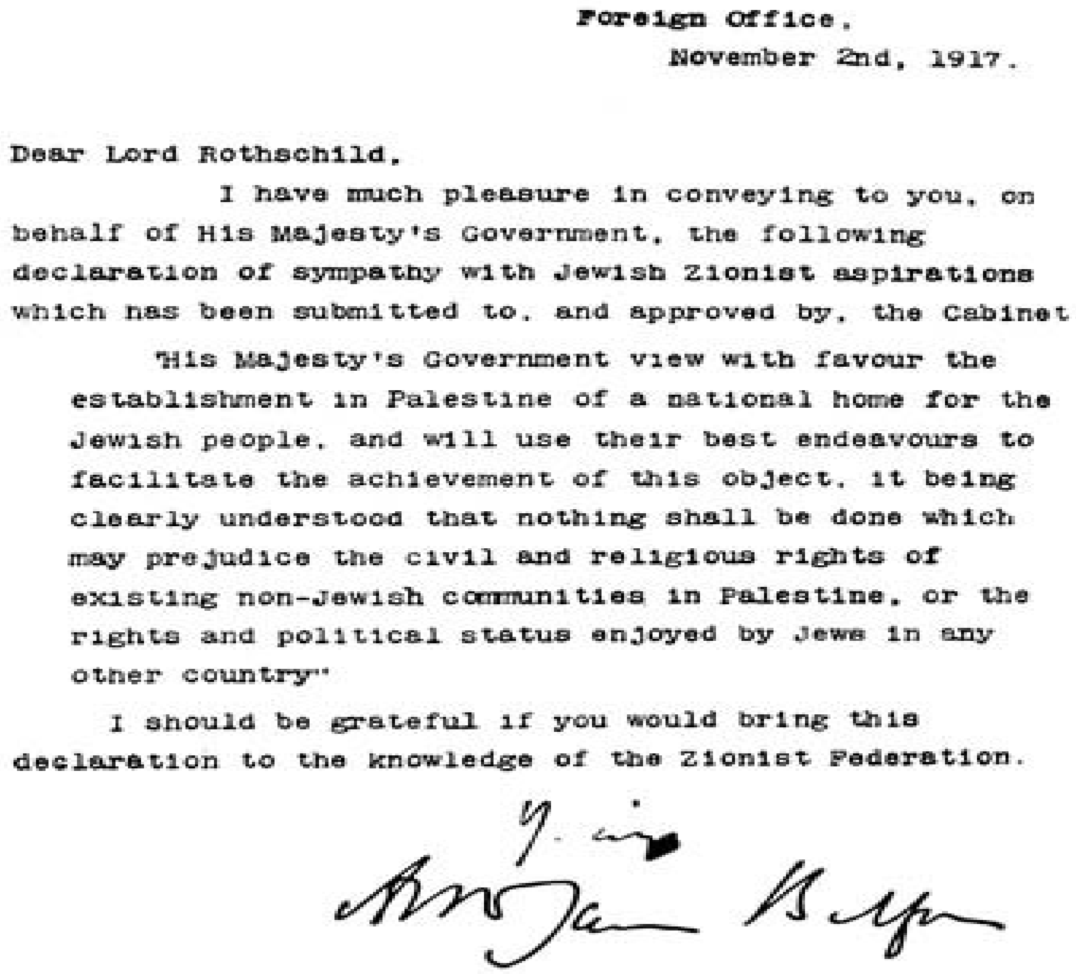

Foreign Office,
November 2nd, 1917.

Dear Lord Rothschild,

I have much pleasure in conveying to you, on behalf of His Majesty's Government, the following declaration of sympathy with Jewish Zionist aspirations which has been submitted to, and approved by, the Cabinet

"His Majesty's Government view with favour the establishment in Palestine of a national home for the Jewish people, and will use their best endeavours to facilitate the achievement of this object, it being clearly understood that nothing shall be done which may prejudice the civil and religious rights of existing non-Jewish communities in Palestine, or the rights and political status enjoyed by Jews in any other country"

I should be grateful if you would bring this declaration to the knowledge of the Zionist Federation.

یکی دیگر از کار های زشت تاریخی این ها به وجود آوردن بحران اقتصادی 1929م در امریکا بود که ضربات بسیار بزرگی به نوع بشر وارد آورد، این دسیسه طوری برنامه ریزی شده بود که چند تن از یهودیان اسهام خود را در بازار بورس نیویارک قصداً به فروش رسانیدند و چند تن دیگری از آنها اسهام خود را از بازار بورس بیرون کردند، با این کار اسهام دیگر در سطح امریکا و اروپا ارزش خود را از دست داد چرا که بازار بورس نیویارک یکی از مارکیت های بزرگ خرید و فروش اسهام در سطح جهان بود، چند روز بعد که ارزش سهام به طور فاحش آن قیمت خود را در سطح امریکا و اروپا و حتی آسیا از دست داد یهودیان دوباره اسهام خود و دیگر اسهام را به قیمت نازل تری از بازار خریداری کردند و در آن نقاطی که اقتصاد آن از بحران متاثر نشده بود به فروش رسانیدند.

پس الله کاملاً درست فرموده است آنجا کـه میگویـد: {**مَـا أَفَـاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُـولِهِ مِنْ أَهْـلِ الْقُـرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُـولِ وَلِـذِي الْقُـرْبَى وَالْيَتَـامَى وَالْمَسَـاكِينِ وَابْنِ السَّـبِيلِ كَيْ لَا يَكُـونَ دُولَـةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ**}؛ ترجمه: و آنچه الله از (امـوال) اهل آبادی ها به رسول اش باز گردانـده (و بخشـیده) اسـت ، پس (این اموال) از آن الله و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و بینوایان و در راه مانده گان است ، تا (آنکه این اموال) در میان ثروتمندان شما دست بـه دست نشود ، و آنچه که رسول الله به شما بدهد (یا امر کند) آنرا بگـیرد (و به آن عمل کنید) ، و از آنچه شما را از آن نهی کرده است پس از آن خود داری کنید ، و از الله بترسید ، بی گمان الله سخت کیفر است.

درین آیت دیده میشود که الله متعـال دسـتور داده اسـت کـه نگذاریـد پول بدست چند نفر محدود جمع و کنـترول شـود و نـیز بـه این امـر تاکیـد کرده است کـه نبایـد پـول بشـکل راکـد ذخـیره بـاقی بمانـد بلکـه بایـد در گردش باشد، زیرا تحریم ذخیر کردن پول و سرمایه بـه نص صـریح قـرآن ثابت میباشد: {**وَالَّذِينَ يكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّـةَ وَلَا ينْفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ**}-التوبه/34.

ترجمه: کسانیکه طلا و نقره را می اندوزند و ذخیره میکننـد ، و در راه الله انفاق نمیکنند ، پس آنها را به عذابی درد ناک بشارت دهید.

در اخیر این بحث لازم میدانیم به یک موضوع مهم دیگری نـیز اشـاره ئی داشته باشیم و آن عبارت از مالیات یا (Taxation) است، کـه در دین اسلام خصوصاً در شریعت محمد صلی الله علیـه وسـلم چـیزی تحت نـام مالیه برای مسلمانان وجود ندارد، و گرفتن مالیات گونـاگون بـه نـام هـا و مقاصد مختلف شـرعاً حـرام میباشـد، چـون هرگـاه نـزد شخصـی امـوال زیادی در حد نصاب موجود گردد در آن مال 2.5% زکات واجب میگـردد و اگر جمع آوری نشود اصلاً زکات و مالیه یی بالای آن قابـل تطـبیق نیسـت منظور ما ازین گفته اینست پـول کـه همیشـه در تجـارت در دوران باشـد زکاتی بالای آن نیست یعنی گاهی پـول از نـزد تجـار بـه نـزد تولیـد کننـده انتقال می کند و گاهی به نزد شرکت انتقـالاتی امـوال و گـاهی نـزد خـود شخص، بناً پول در طول سال به صورت نامتحرک در نزد یک شخص باقی نمی ماند تا زکات بالای آن لازم گردد.

و تحریم گرفتن مالیه از مسلمانان نیز از احادیث صحیح نبی صلی الله علیه وسلم ثابت میباشد ، طوریکه از نبی صلی الله علیه وسلم روایت است که میفرماید:« **لیس على المسلمين عشور**»[1].

و مآوردی در أحکام السلطانية میگوید: ***اما اخذ مالیه از اموال منتقله در داخل دار الاسلام از شهری به شهر دیگر ، حرام بوده و شرعاً جواز ندارد ، و نه هم اجتهاد آنرا مباح میگرداند ، و نه هم از عدالت و سیاست میباشد و نه هم از قضایای منصفانه .***

بناً آنانیکه اقدام به وضع قوانین و مقررات جهت اخذ مالیه « Taxation» میکنند این عمل شان برعلاوه آنکه غیر اسلامی میباشد علیه انسانیت و بشریت نیز است و ظلم و تجاوز بالای انسانهای است که حق مساوی با آنها در زندگی کردن بروی زمین دارند ، و دلیل آنهم طوریکه قبلاً نیز اشاره کردیم اینست که اسلام نمی خواهد از شخصیکه در تمام ماه زحمت بکشد و جان خود را به خطر انداخته و برای خانواده ی خود لقمه نان حلال کمایی میکند بناحق از وی پول بگیرد و حصه خود را از آن روزی حلال که نتیجه عرق پیشانی یک کارگر فقیر می باشد 8%-10 به نام مالیه بیرون کند، که قبلاً هم متذکر شدیم که این ظلم بزرگی است که قبول آن نه در نزد الله گنجایش دارد و نه در نزد بندگان او.

---

[1] . رواه الترمذی و أبوداود، و آلبانی آنرا ضعیف خوانده است ، اما صحابه و عمر بن خطاب در نگرفتن مالیات از اموال تجارتی مسلمانان خود دلیل بر تحریم مالیات بر مسلمانان میباشد ، زیرا گرفتن مالیه جدا گانه بغیر از زکات اموال از مسلمان به معنی گرفته جزیه از او میباشد و گرفتن جزیه از مسلمان به اجماع جواز ندارد.

مبحث سوم
آگاهی مردم امریکا از کار کرد های یهودیان و آغاز استعمار نو

در مبحث گذشته دانستیم که چگونه یهودیان در قدم نخست با تشکل بانک ، طلا های مردم امریکا را جمع آوری و در اختیار خود گرفتند، بعد از آن پول های کاغذی جعلی را رایج ساختند، وقتیکه مردم از مقاصد شان آگاه شدند و جهت حصول طلا های خویش به بانک ها مراجعه کردند، اما آنان طلا ها را مفقود ساختند و همه را پنهان کردند، و به همین ترتیب در قدم نخست مردم امریکا را تحت استثمار قرار دادند بعداً با استفاده از نیزوی های سیاسی-اقتصادی و نظامی امریکا به قصد تسخیر جهان بر آمدند و دو جنگ بزرگ جهانی را براه انداختند و در نتیجه ای آن همه ثروت و طلا های اروپا را جمع آوری کردند و تمام کشورها و مردم اروپا را مقروض خویش گردانیدند، به تعقیب آن چون توازن سرمایه در بین مردم از بین رفت توسط پول ، فساد و فتنه علمای عیسویت را به چالش و سردرگمی کشیدند تا زمینه به اقتدار رسیدن خویش را فراهم کرده باشند ، و برای اولین بار امپراطوری انگلستان را هدف قرار دادند تا آنکه آن امپراطوری را از آن خود ساختند و رهبری آنرا بدست گرفتند، سپس برای برانگیختن فساد و چپاول سایر ملل کوشیدند، و جنگهای بزرگ و بیرحمانه ای را در اکثر نقاط جهان براه انداختند و در نتیجه این جنگها سود بیشماری را حصول کردند، چون بانکداری اصل و اساس برای تحقق برنامه های شان بود بناً آنرا در تمام نقاط جهان رایج ساختند، و به تعقیب آن گرفتن مالیه را که خلاف تمام اصول ها و روش ها انسانی به خصوص شریعت اسلام است ستمگارانه از مردم آغاز کردند.

درین مبحث آگاهی مردم امریکا را از کار کرد های یهودیان و آنچه که با ایشان صورت میگرفت ببررس میگیریم ، و این را مطالعه خواهیم کرد که آیا مردم امریکا بعداز از دانستن برنامه های یهودیان اقدامی در مقابل ایشان کردند یاخیر؟ واینکه یهودیان چگونه با استثمار و تحت کنترول در آوردن امریکا و ثروت و نیروی این ملت جهان و مردم آنرا تحت ظلم و فشار قرار دادند و استعمار و استثمار خویش را بر بالای تمام جهان و بشریت عام ساختند.

زمانیکه پای ناپاک یهودیان به قاره ی امریکا رسید آنها به فکر رسیدن به قدرت بودند تا با استفاده از آن بتوانند تمام منابع مالی امریکا و مردم

آن سـرزمین را تحت کنـترول خـویش در آورنـد، روی این دلیـل در قـدم نخست طوریکه قبلاً نیز اشاره داشتیم به تأسیس بانکها آغاز کردند، یعـنی همگام با رسیدن خویش به امریکا خواستند تـا سیسـتم پـولی و اقتصـادی امریکا را تحت نظام و رهبری خویش گیرنـد، تـا آنکـه در چنـد دهـه کوتـاه توانستند شدیداً سیستم مالی و اقتصادی امریکـا را تحت کنـترول خـویش در آوردند.

و در آن زمان مردمی که از اروپا به قاره ی امریکا مهاجر شده بودنــد افراد بی دانشی نبودند و میدانستند کـه یهودیـان چگونـه میخواهنـد بـالای سایر اقوام اقتدار خود را حاکم سازد، از همین جهت در پهلـوی ابورجنیـل های امریکائی برای ساختن یـک مملکت آزاد، آبـاد و مـترقی و بـه منظـور بدست آوردن استقلال شان از انگلیسها همچنان داخـل جنـگ بودنـد، و بـا وجود آنکه مردم امریکا سخت گرفتار جنگ و نا آرامی هـای داخلی بودنـد، اما ضمناً تشویش داشتند که چرا یهودیان به امریکـا آمـده انـد و در میـان صفوف ما قرار گرفته و از این طریق خود را تمویل و تقویت میکنند.

رئیس جمهـور امریکـا «Henry Jackstone» بـرای توجیـه آمـدن یهودیان به امریکا از زبان عیسی علیه السلام آنچه در بایبل نیز ذکر شـده است [اره دوسره و خانه دزدها] را استعمال می کرد، که یگانه دلیل قتـل و ترور او نیز همین مخالفت اش با نظام و برنامه هـای جهـانی یهودیـان و وسیله قرار دادن امریکائیان بود.

شما حتماً درینمورد آگاهی دارید که بزرگترین شرکت مـوتر سـازی در اوایل قرن 20م در امریکـا شـرکت «Fort» بـود، مؤسـس این کمپـنی « Henry Fort» یک کتاب بسـیار مشـهور و تـاریخی در تعریـف و شـناخت یهودیان و اهداف شـان تحت نـام «The international Jews» یعـنی: یهودان بین المللی، که درین کتاب وی کوشش کرده است تا واضح سـازد که یهودیان قصد و اهـداف بین المللی دارنـد و در دنیـا از امریکـا بشـمول جمیع کشورهای اروپائی الی آخرین کشور شرقی هر گونـه فسـاد و خـون ریزی و جنگ و ظلمی که بر بالای بشریت به انواع مختلـف آن رخ میدهـد در عقب آنها دستهای ناپاک یهودیان حتماً دخیـل اسـت، و در عرصـه هـای مختلف اقتصادی-سیاسی مالی، صحی، تحصیلات...وغیره فعال میباشد.

او همه ی این مسائل را کاملاً تحقیـق کـرده و چـون شـخص فعـال در عرصه اقتصادی بود اکثراً این موضوعات را مشـاهده نـیز نمـوده اسـت و کتاب خود را بر مبنای همین تحقیقات خویش نوشته اسـت، و او شخصـی بود که جهت توقف و جلوگیری از جنگ اول جهانی کوشش هـای بسـیاری

نمود، هئیت های خاصی را آماده ساخت و آنها را به کشور های طرف جنگ فرستاد تا بتواند ایشانرا قانع بسازد که این جنگ طراحی شده است و نتائج آن صرفاً به نفع یهودیان ختم میشود، همچنان بعداز آغاز این جنگ این نماینده گان را به کشور های طرف درگیر درین جنگ فرستاد تا بتوانند از ادامه این درگیری این ها بکاهد، چرا که طوریکه قبلاً یاد آور شدیم شخصیت اقتصادی بود و خوب میدانست که هدف از تأسیس بانک فدرال در سال 1913م بود؟ و یهودیان چرا و به چه منظور به دولت امریکا و مردم امریکا قرضه میدهند و چرا از طریق حکومت امریکا به دولتهای اروپائی قرضه داده میشود؟ و از جانب دیگر چرا مسئوولیت حصول این قروض را با سود آن از کشور های اروپایی به بانکهای یهودی بردوش حکومت امریکا گذاشتند؟ بدلیل آنکه یهودیان در نخست صرفاً ثروت را جمع آوری کرده بودند و نیاز داشتند تا بخاطر حفظ آن قدرت نیز داشته باشند و در آنزمان قدرت بهتر از امریکا که در تماس نزدیک به اروپا قرار داشت نبود، و این نیاز شان تا زمانی بود که این بانکها انکشاف زیادی نماید و بعداً با خریداری نماینده گان کنگره امریکا و حتی گفته میتوانیم حزب جمهوری خواهان امریکا قدرت را آهسته آهسته بدست بیآورند و دولت امریکان کاملاً تحت رهبری ایشان قرار گیرد که توانستند با مبارزات چندین دهه این هدف خویش را تحقق ببخشند و ایالات متحده امریکاه و ملت امریکا به استثمار بکشند – و به همین دلیل است که یهودیان تا امروز از هنری فورت به شدت نفرت دارند و این کتاب اش را هرجائی بیآبند ناپدید میکنند، و به خاطر به انزجار کشیدن شخصیت وی و ذلیل نشان دادن و توهین نمودن او هیچ حد و مرزی را نمشناسند، چرا که او یک عیسوی خوب و یک امریکائی وفادار و مهین دوست بود، و اولین شخصی بود که دست استثمار یهودیان را از شرکت خود کوتاه ساخت، و شرکت فورد آنقدر در امریکا دارای عزت و شهرت بزرگ است که حتی هنرمندان مشهور امریکائی به خرید موتر های تولید این شرکت شدیداً علاقه مند هستند، و این شرکت در میان سالهای 1910- 1912م در حدود 80-90 فصید موتر های موجود در امریکا از تولیدات همین شرکت بود، و هزاران نفر در شرکت او مصروف کار بودند و او در میان کارگران شرکت اش از شأن و عزت والائی بر خوردار بود و او را دوست داشتند زیرا او مال و ثروت خود را در میان کارگران و مردم فقیر تقسیم می کرد، و برای مردم قروض حسنه (قرض بدون سود) می داد و همیشه بر

علیه نظام سود قرار میگرفت و اهداف نظام استوار بر سود یهودیـان را برای مردم بی پرده و آشکار می ساخت.

کتاب او [The International Jews] امروز در هیچ کتابخانه و کتاب فروشی جهان پیدا نمی شود زیرا یهودیان شدیداً در مبارزه با آن بر آمـده اند و همواره آنرا غایب میسازند، حتی در انترنیت صرفاً پاره هـای کوچـک و یا بعضی تصاویر از بعضی موضوعات آنرا یافته می توانیم و بس.

منظور از یاد آوری مطلب فوق اینبود که اشخاص صـاحب نفـوذ دیگـر چـون رؤسـای جمهـور، تـاجران بـزرگ و سیاسـت – اقتصـاد دانـان معروف...وغیره شخصیت ها محقق از برنامه هـای یهودیـان بـه خـوبی بـا خبر بودند، طور مثال فرانکلن روزولت رئیس جمهور اسبق ایالات متحـده امریکـا را در مـورد خطـر جهـانی صـهیونیزم در سـال 1789م در هنگـام تصویب قانون اساسی امریکا صریحا برای مـردم امریکـا و جهـان هشـدار دارد و گفت:«خطری بسیار جدی که امروز کشور ایالات متحده امریکا را تهدید می کند به صراحت بایـد اقـرار داشـت کـه خطـر از جـانب مـردم و باندها و جمعیتها یهود است آنان در هر شهر و دیاری که سـاکن شـده انـد فضایل و ارزشهای اخلاقی آنانر از بین برده اند و در عرصه اقتصـادی نـیز دست به فساد و تباهی زده اند آنان مردمی خود خواه هستند و خود را بـا دیگران قابـل مقایسـه نمی داننـد»، یوسـف نجم در توضـح این سـخنرانی روزولت می گوید:«آنچه در بیانیه فرانکلن رئیس جمهـور امریکـا در قـرن هجدهم آمده است امـروز بـه تمـام معـنی در مـورد یهـودان واقعیت پیـدا کرده است، امروزه یهودیان بر اقتصاد و سیاست آمریکا تسلط پیدا کـرده اند و پیشگوئی های آن رهبر فقید در مورد خطر یهود برای مـردم آمریکـا به واقعیت مبدل شده است»[1].

همینطـور در سـال 1963میلادی یـک واقعـه بـزرگی رخ داد و آن قتـل رئیس جمهور ایالات متحده امریکـا جـان اف.کنـدی [John.F.Kennedy] بود، او در مقابل این نظام ایستاده شد و حکمی را صادر کرد کـه حکم او امروز هم جز از قانون اساسی ایالات متحده امریکـا میباشـد و بـر مبنـای این حکم دولت امریکا اجازه یافت تا خـود بـه چـاپ بانـک نـوت بـپردازد و دیگر از بانک فدرال قرضه نگیرد.

سپس آنقدر قدم بزرگی برداشت که اگر تطبیق میشـد بـر اسـاس آن پایه های نظام صهیونیستی درهم می شکست، و آن اینکه او دستور صادر کرد که باید در عقب هر مقـدار بانـک نـوت را کـه دولت امریکـا بـه چـاپ

---

[1] . خطر جهانی صهیونیزم / د.یوسف قرضاوی.

میرساند بلکه در عقب هر دالر آمریکائی باید پشتوانه ای طلا موجود باشد، و برعلاوه در دوران زمامداری وی سکه های طلا در معاملات تجاری روزمره جاری شد، و آنزمان این سکه ها به نام دالر های جان کندی [Kennedy Dollars] یاد میشد؛ برعلاوه او خواستار توقف جنگ و بیرون کشیدن عساکر امریکائی از خاک ویتنام شده بود که با این چند قدم بزرگ وی قیامت در میان صهیونیستان برپا شده بود و آنها حیران بودند که چه طوفانی بر بالای برنامه های استثماری شان آمده است.

و از طرف دیگر حالت مردم امریکا رو به بهبود نهاده بود زیرا بانکهای یهودیان در امریکا به هزاران میلیون دالر امریکائی بانک نوب به چاپ رسانیده و در تمام اروپا و جهان منتشر کرده بودند، و سایر دول نیز چون قبلاً طلا های پشتوانه ذخیره (ریزرف) را در جریان دو جنگ ازدست داده بودند و به بانک های یهودیان تسلیم داده بودند پس دالر امریکائی را به عوض طلا بعنوان پشتوانه در بانک های خویش نگهداری میکردند اما با این اعلان در سال 1963میلادی این دولتها با دالر های ذخیره شده از بانک فدرال شروع به خریدن طلا کردند، اما زمانیکه بانک فدرال مجبور شد تا در مقابل دالر طلا های را که در طول تقریباً نصف قرن جمع آوری کند تعویض کند آنگاه متوجه شدند که دالر در بانکها طورم پیدا کرده است و بر عکس ذخایر طلا های خویش را روز به روز ازدست میدهند، زیرا آن مقدار دالر امریکائی را که چاپ منتشر ساخته بودند چندین برابر ارزش طلاهای موجود در نزدشان بود با این صورت همان طلاهای را که بعد از جنگ دوم جهانی جمع آوری کرده بودند دوباره آهسته آهسته بطرف بانکهای اروپائیان در حال برگشت بود، و کاملاً اوضاع بر خلاف آرزو هایشان به پیش میرفت و از جهت دیگر دولت امریکا [حکومت کندی] به چاپ بانک نوت ها و سکه ها بصورت مستقل پرداخته بود و با این کار مردم نیز آهسته آهسته از زیر بار قرضه های بانکداران یهودیان رهائی میافتند، یعنی زمانیکه دولت امریکا پول چاپ کند و کسی برای گرفتن یک دالر هم به بانک فدرال مراجعه نکند این وضعیت خود باعث میشود که گرفتن قرضه متوقف گردد و قرضهای گذشته هم پرداخت شود، که با این قدم بزرگ و ماهرانه ای رئیس جمهور کندی هر روزی که میگذشت پایه های نظام صهیونستی سست تر میشد.

اما یهودیان چون نتوانستند مانع این اقدامات شوند بنا تصمیم قتل جان اف کندی را گرفتند همانطوریکه با هنری جکستون معامله کرده بودند، و وی را در مقابل چشمان مردم در موترش با ضرب گوله به قتل

رسانیدند، تا ثابت بسازند که در طول تاریخ امریکا هرکسی کوشش ایستاده گی در مقابل یهودیان و برنامه هایشان را کند به همین سر نوشت دچار میشوند.

و یا هرگاه به مبارزات انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا متوجه شویم میبینیم که درین انتخابات صرفاً دو چهره ای بارک اوباما و هنری کلینتن برای مردم نشان داده میشود و شدیداً کمپاین به نفع همین دو کاندیدا جریان دارد و رسانه ها هم جریان مبارزات و پیکار های انتخاباتی همین دو کاندید را پوشش میدهند، در حالیکه هیچ کس نامی از کاندید سومی نمی برد، و در میان آنها شخصیتی بنام ران پال «Ron Paul» نیز حضور دارد، و او به مراتب نسبت به این دو کاندید، یک انسان نیک و یک عیسوی پابند به ارزشها دینی، اخلاقی و ملی خود است و یک امریکائی خوب است، اما بدلیل اینکه او یک صهیونیست نیست و از منافع و موقف ضد بشری یهود در فلسطین و امریکا بلکه سراسر جهان دفاع نمیکند و برعلاوه مخالف ایشان است و همچنان به همین منظور وارد عرصه ی سیاست نیز شده است، و بدلیل آنکه عضویت سازمان فراموسونری را ندارد و نوع تفکر و آئدیولوژی ضد یهودی دارد، از صحنه مبارزات انتخاباتی کاملاً ناپدید «Blockout» شده است، او دریک همایشی درجریان مبارزات انتخاباتی خود بیان داشت که بانک فدرال باید کاملاً مسدود گردد ویا فعالیتهای آنان طوری محدود شود که هیچگونه کنترول و نفوذ بر اقتصاد- و سیاست امریکا و جهان نداشته باشد و سیستم بانکی باید بر اساس استندرد طلا [Gold Banking] تنظیم گردد، بانک نوتها باید از بین بروند، دیگر از کسی چیزی بنام مالیات « Taxation»گرفته نشود، و جلو هرگونه فعالیت های صهیونیستی در جهان گرفته شود، در ادامه گفت: نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا سریعاً باید از قلمرو کشورهای اسلامی بیرون شوند و آنها را به حال خودشان گذاشته شوند، تا سرنوشت خودشان را خود تعین کنند و اگر کمکی لازم داشتند و از توان ما میآید برایشان کمک میکنیم بدون آنکه در در حکومت و سیاست آنها مداخله کنیم – اما بالآخره نتیجه این شد که او را از صحه ای مبارزات انتخاباتی کاملاً ناپدید ساختن و صدایش را خاموش کردند و او تنها می توانست که افکار و برنامه های خویش را از طریق گردهمآیی ها و یا انترنت ویب سایت های اجتماعی چون؛ یوتیوب، تویتر، فیس بوک...وغیره برای مردم نشر و پخش کند.

و امکان آن میرود که با ران پال نیز همان معامله ای را کنند که با رئیس جمهور کندی انجام داده بودند، زیرا در حال حاضر در ایالات متحده تنها او صریحاً در مقابل یهودیان و نظام اقتصادی-سیاسی صهیونیستی آنها قرار گرفته است و او شخصیتی است که در سیاست امریکا از «جان اف کندی» پیروی میکند.

باید گفت قانون را که کندی تهداب گزاری کرد تا به امروز در کشور امریکا امکان تطبیق آن موجود است، بر مبنای آن بانک نوتهای امریکا را میتواند دولت امریکا بدون دخالت بانکداران یهودی و بانک فدرال چاپ و منتشر سازد، اما بعداز کندی تا امروز هیچ کسی هیچ وقت جرأت تطبیق کردن آنرا نکرده اند، چرا هر رئیس جمهور به شمول اعضایی خانواده ای کندی بخوبی این میدانند که مخالفت با یهودیان چه عواقبی را به دنبال دارد، و این را نیز خوب میدانند که کندی چرا کشته شد و کسانیکه برای اصلاح امور اقتصادی-سیاسی و نظامی ایالات متحده امریکا بپا ایستاده بودند چرا ترور شده اند و کشته میشوند، و این را نیز میدانند که نظام حاکم صهیونیستی در امریکا به چه حد در آن کشور قوی عمل می کند که حتی کسی آواز حق گرایی را هم بلند کرده نمی توانند، و دلیل آنرا طوریکه قبلاً نیز توضح دادیم شدیداً تحت نظارت داشتن اوضاع و فعالیت و تحرک شدید ایشان در زمینه های اطلاعاتی و خنثی سازی دسیسه ها میباشد، و به گونه مثال از [E-I-U] یادآوری کردیم که یک سازمان جاسوسی است که صد ها مراتب قوی تر از ک.گ.ب ، موساد و سی.آی.ای، در سطح تمام جهان عمل میکنند و هر توطئه ای که بر علیه یهودیان و برنامه های جهانی شان در هر گوشه و کنار زمین بر پا شود آنرا فوراً ازبین میبرند.

پس دانسته میشود که اکثریت مردم امریکا از اهداف و برنامه های یهودان و مقاصد جهانی شان کاملاً آگاه هستند، و این را نیز خوب میدانند که ایشان با مخالفین خویش چگونه رفتار میکنند، در واقع هرگاه فکر کنیم مردم عام ایالات متحده امریکا مردم بدی نیستند، اما شدیداً تحت کنترول، نظارت و رهبری یهودیان قرار دارند، و بدون تردید این ادعا را کرده میتوانیم که امروز در جهان هیچ ملتی برده و غلام ، مجبور و بی کس و بیچاره تر از ملت امریکا نیست، در مقابل یهودان مظلوم واقع شده اند و شدیداً تحت دستور و کنترول قرار دارند، این یهودان است که در امریکا مردم و سیاست را از طریق رسانه ها را اداره می کنند، و کاملاً رسانه ها را در اختیار و نظارت خویش گرفته اند، فحشا و

شهوترانی و فلم های جنسی و همجنس گرائی را را در میان شان به اوج اش رسانیده اند[1]، و از جوانان امریکای برای خویش سرباز میگیرند و از ثروت و مالیات مردم امریکا جهت تحقق اهداف صهیونستی خویش جنگ های بزرگی را براه میاندازند، در حقیقت سه یا چهار میلیون یهود بر سر شانه های سه صد میلیون نفوس امریکا نشسته اند و لجام آنانرا بدست دارند؛ شاید یک تعدادی در نزد خود بگویند که این چی اتهاماتی است که شما بالای امریکایان میبندید، درحالیکه امروز امریکایان ابر قدرت جهان اند و کشور فوق العاده صنعتی است، و آنانند که از زندگی و قدرت و ثروت لذت میبرند، اما میگویم که این خیال بافی ها درست نیست، و ان شاء الله در ادامه ی مباحث این رساله واضح خواهد شد که آیا آنان واقعاً ابر قدرت اند یا مزدور و مظلوم یهودیان؟!

در حال حاضر اقتصاد امریکا مواجه به ورشکستگی «Bankruptcy» میباشد، و دولت و مردم امریکا شدیداً ضربه اقتصادی خورده اند، و اکانومیست های امریکائی خود پیش بینی میکنند که تا ختم سال 2010میلادی در آن کشور در حدود 140 بانک خصوصی سقوط خواهد

---

[1] . مؤلف کمیته 300 در ینمورد میگوید: به زودی، غولهای معروف هالیود و دنیای سرگرمیهای، برنامه های را برای این یا آن باشگاه به عنوان برنامه های «باید» ضبط خواهند کرد، برنامه های همجنس بازی زنان و مردان دیگر جنبه ویژه و استثنائی یا تازه نخواهند داشت، این سرگرمیها پذیرفته شده زندگی اجتماعی تازه علاوه بر آن که به گونه ای زنده بر صحنه ها ظاهر خواهند شد، همانند فیلمهای برجسته ای که برای نخستین بار در « Broadway» به نمایش گذاره میشود، در روزنامه ها مورد نقد هنری قرار خواهند گرفت؛ در سال 1992، احتمالاً حمله شگفت آوری به ارزشهای اخلاقی به عمل خواهد آمد، فیلمهای فاسد جنسی، دیگر بدین نام خوانده نمی شوند، شاید هم نام «سرگرمیهای جنسی بزرگسالان» را بخود بگیرد، شعار های نیز ازینگونه :«وقتی همگی آنرا انجام می دهند، چرا پنهان داشته شوند، بگذارید تصور بد و زشتی را که مردم از نمایش امور جنسی دارند از میان برداریم» داده خواهد شد،اشخاصی که مایل به مشاهده ئی اینگونه عملیات تهوع آور هستند، دیگر از رفتن به محله های پست و پستوها بی نیاز خواهند بود، در مقابل باشگهای طراز اول و محلهای رفت و آمدهای شبانه مشاهیر و بلند پایگان، نمایش زنده هرزگیهای جنسی را به صورت سرگرمیهای «هنر مندانه » به صحنه خواهند آورد- ص 196.
و امروز کسانیکه در کشور های غربی و غیر اسلامی زندگی میکنند شاهد چنین اعمال میباشند، بلکه زشت تر و تهوع اورتر آنرا در محلات عام ، فروشگاه ها ، کنار ساحل، دفاتر و محافل رسمی ....مشاهده میکنند، که همه مردمان را در خود فرو برده است، و حالا میخواهند در میان مسلمانان نیز آنرا تروئج کنند، همانطوریکه یکی از برادران ما برای ما حکایت نمود: که در وزیرستان شمالی و جنوبی نل های آب کشیده نشده است ، اما کیبل های انترنت را در آنجا رسانیده اند و همه مردم به سهولت و ارزان به انترنت دسترسی دارند، که بخوبی دانسته میشود هدف از وصل شبکه های انترنتی در دور ترین نقاط زمین انتشار فحشاء و فلم های جنسی تهوع آور است، که اخلاق جوانان آن قوم را تباه و فاسد گرانند، و ایشان را مصروف شهوات و شهوت انگیزی نمایند و از عقیده اسلامی و اخلاق نبی صلی الله علیه وسلم دور سازند، بعداً خود این جوانان ایشانرا به دیار خویش خوش آمدید خواهند گفت.

کرد، یعنی در حال حاضر دولت امریکا هیچ پول و ثروتی در اختیار ندارد تا جلـو این همـه را بگیرنـد و بانـک هـا و شـرکت هـای بـزرگ تولیـدی را از ورشکسته شدن نجات دهند، و ما شاهد هستیم کـه چنـدین کمپـنی بـزرگ موتر سازی و کمپنی های تولید در امریکا اعلان ورشکسـتگی کردنـد و در حدود چهار میلیون امریکائی بیکار شد، و مـردم امریکـا کـاملاً از همـه این جریانان واقـف هسـتند و علت و انگـیزه این وضـعیت را هم میداننـد امـا برای کنترول آن قدمی برداشته نمی توانند، یعنی توانائی آنرا ندارند.

قسمیکه قبلاً نیز یاد آور شدیم کـه یهودیـان در سـال 1933میلادی طلا های مردم [ثـروت واقعی] را جمـع آوری کردنـد و در عـوض دالـر کاغـذی [ثروت مصنوعی] را برای شان توزیع نمودند در واقع مردم امریکـا دریـک آزمایش قدیم یهودیان قرار داشتند، یعنی زمانیکه یهودیان اعلان کردنـد تـا مردم طلا های خـود را در نـزد آنـان بسـپارید انتظـار عمـل عاقلانـه ای از مردم امریکا داشتند، اما با این برسـی متوجـه شـدند کـه مـردم طلا هـای خود را به دست خود به بانکهای یهودی تسلیم کردند و آن قـدر تحت تـأثیر یهودیان و فعالیت های آنـان و منظـره ئی کـه بـه آنـان نشـان داده میشـد آمده بودند که در مقابـل این معاملـه ای سـتمگارانه هیچ عکس العملی از خود نشان ندادند.

و چون یهودیان متوجه شـدند کـه مـردم امریکـا از خـود عکس العملی نشان نمی دهند سال آینده یعـنی 1934میلادی بـا آنـان یـک مـزاح بـزرگ دیگری براه انداختند، یعنی ارزش بانک نوتهـای امریکـائی را پـائین آوردنـد چرا که تنها یهودیان اختیار و توانـائی این همـه را دارنـد و هـر طـوری کـه خواسته باشند با بانک نوتها بازی میکنند، یعنی هرگاه خواسته باشند به آن ارزش قایـل میشـوند و هرگـاه خواسـته باشـند آنـرا بی ارزش میسـازند، بدلیل آنکه ثروت اصلی یعنی ذخایر طلا و منابع بزرگ ثـروت را در اختیـار دارند[1]، سپس در سال 1939میلادی جنـگ دوم جهـانی را بـه راه انداختنـد زیرا به خواستند تا به آن اهدافی کـه در جنـگ اول جهـانی نرسـیده بودنـد برسند ، اما چند هدف که در جنگ اول جهـانی بـه آن دسـت یافتنـد قـرار ذیل است:

1- از بین بردن خلافت عثمانی.
2- ایجاد سرزمینی بنام اسرائیل برای خویش.
3- مقروض ساختن تمام اروپا.
4- تغیر نقشه جهان.

[1] . مانند؛ انحصاری شرکت های بزرگ نفتی در امریکا و جریره عرب...وغیره.

طوریکه قبل از جنگ اول جهانی در حدود نصف کره ای زمین از ارمنیا الی تمام شبه جزیزه افریقا، تحت یک حاکمیت قرار داشت، و کشور های اسلامی معاصر که امروز به سرحدات مختلف از هم محدود شده اند قبل از جنگ اول جهانی همه تحت یک بیرق خلافت عثمانی قـرار داشـتند و آن مناطق آسیا و اروپـا کـه حـاکمیت خلافت اسـلامی را قبـول نکـرده بودنـد مکلف بودند تا برای خلافت عثمانی باج یا جزیه بپردازند.

و نقشـه ای سیاسـی جهـان را کـه فعلاً وجـود دارد آنـرا وزیـر خارجـه انگلستان و چند تن از یهودیان امریکـایی قبـل از جنـگ اول جهـانی بـروی دسـتمال کاغـذی ترسـیم کـرده بودنـد، و این دو جنـگ بـزرگ نـیز جـزء از برنامه ها و نقشـه هـای بـود کـه بـرای تحقـق و رسـیدن بـه آن بایـد برپـا میگردید، البته هدف بزرگ و اصلی شان همانـا رسـیدن بـه یـک سـرزمین موعود شان است که توانستند بعداز جنگ اول جهانی و امضای توافقنامـه بلفور تنها به مرکـز سـرزمین موعـود خـویش برسـند، و چـون طمـع زیـاد داشتند خواستند با راه اندازی جنگ بزرگ جهـانی دیگـر بتواننـد یـک بخش دیگر این سرزمین موعود خـویش را بدسـت بیآورنـد؛ و طوریکـه قبلاً نـیز بـدان اشـاره داشـتیم در پروتوکـول هـای 1897میلادی این موضـوع بـه صراحت ذکر و توضح داده شده است کـه بایـد در میـان سـالهای 1901-1950میلادی تمام جهـان را جهت سـهولت و هرچـه بهـتر تحت کنـترول و نظارت قرار دادن خویش بـه محـدوده هـای کوچـک و قلمـرو هـای متعـدد تقسیم کنیم، زیرا استقرار حکومت جهانی یهود با موجـودیت کشـور هـای بزرگ و قدرتمند غیر ممکن میباشد، از همین لحاظ تصـمیم گرفتنـد تـا در قدم نخست امپراطوری انگلیس و بعداز سقوط این امـپراطوری- اقتصـاد و نیروی امریکا را بخاطر تحقق اهداف خویش استخدام کننـد و در ضـمن بخـاطر از هم نپاشـیدن یهـودان جهـان مرکـزیت خـود را در اسـرائیل نـیز مستحکم داشته باشند، یعـنی برنامـه و نقشـه جنـگ دوم جهـانی در سـال 1897 میلادی توسط بزرگان یهـود گرفتـه شـده بـود و جـزء از پلان هـای شان جهت تحقق حکومت جهانی صهیونیستی را تشکیل میداد.

قبلاً امپراطوری انگلیس ها برای یهودیان پیشنهاد کرده بودند کـه شـما حکومتی برای خویش در قاره ای افریقا مانند سـودان، مصـر و یـا یکی از نقاط دیگری جهان تأسیس کنیـد، امـا چونکـه یهودیـان بـر اسـاس اعتقـاد خـویش سـرزمینهای رود نیـل الی فـرات را سـرزمین موعـود خـویش میدانند[1]، بنـاً بـه این پیشـنهاد انگلیسـها نپذیرفتنـد؛ و خواسـتند تـا در ابتـدا

[1] . نویسنده گان عهد قدیم یهود نصی را تحریر نموده اند که بر مبنای آن میگویند: همانا الله به ابراهیم وعده داده است که خاک شام – فلسطین از رود نیل الی دریا فرات – را به

اسرائیل را اساس بگذارند و نظام صهیونیستی خویش را در آنجـا مسـتقر گردانند و آنرا به مرکز صهیونیزم و پایگـاه دسیسـه سـازی علیـه بشـریت خصوصاً مسلمانان بسازند بعداً آهسته آهسته به تمام جهـان آنـرا بسـط و گسترش بخشند، و بر اساس نصوص اعتقادی خـویش مسـجد الاقصـی را شهید کنند و هیکل سلیمانی را در مکانش بناء کنند.

موضوع دیگری را که درینجا قابل بحث میـدانیم اینسـت کـه آنـان چـرا دوباره از سال 1934میلادی به بعد جواز اسـتفاده ای طلا را در معـاملات عادی و تجاری صادر کردند؟!

بدلیل اینکه که در جریان جنگ اول جهانی طلا های بـه امـانت گذاشـته شده ای مردم در بانک ها کاملاً مفقود شده بود و در اروپا وضعیتی حـاکم بود که پـول کاغـذی هیچ ارزشـی نداشـت معاشـات مـامورین حـتی بـرای خریداری نان خشـک کفـایت نمیکـرد، در پولنـد، فرانسـه،جرمـنی و سـایر نقـاط کـه جنـگ جریـان داشـت مـردم پـول هـای کاغـذی را بـه آتش می انداختند تا با آن خود را گرم کنند و علت اش هم این بـود کـه در عقب آن پولها پشتوانه ای وجود نداشت، بناً هر پـولی کـه مربـوط بـه هـر کشـوری میبود ارزش آن نسبت به کاغذ سفید هم کمتر شده بود حتی مـردم در آن زمان پول را از روی سرک بر نمی داشتند، اما اگـر طلا میبـود حتمـاً و در هر شرایطی آن را برمیداشتند.

طوریکه چند سـال قبـل در افغانسـتان [حکـومت طالبـان] زمانیکـه در رستورانت چنـد نفـر غـذا میخوردنـد قیمت آن 10ـ- 20 لـک [دو میلیـون] افغانی می شد.

پس در عقب هـر بانـک نـوت کـه پشـتوانه خصوصـاً پشـتوانه ای طلا موجود نباشد، ارزش آن به مراتب پائین تر میآیـد، و این حـالت در جریـان جنگ های جهانی اول و دوم دچار اروپا شده بود قسمیکه هـزاران میلیـون مارک و فرانک و پوند بدون هیچ پشتوانه ای به چاپ میرسید و ارزش پول ها تا جائی پائین آمده بود که با صد هزار فرانک یکدانه نان خشک هم پیـدا نمی شد؛ پس نتیجه این شد که اروپایان به اوامر و شـرایط بانـک فـدرال امریکا تسلیم گردیدند، و سپس در موافقت نامه [Briton Word] فیصله شد که در عقب پول های شان نبایـد طلا موجـود باشـد، بلکـه بایـد معیـار معـاملات خـویش را دالـر امریکـائی قـرار دهنـد و دالـر را بـه حیث پـول

نسلش بدهد و همچنین به فرزندش اسحق و نوه اش یعقوب – که او را اسرائیل نامیده اند – به همین منظور این سرزمین را سرزمین موعود میگویند./خطر جهانی صهیونیزم-یوسف قرضاوی.

پشتوانه در بانک های خود نگهداری کنند که با این کار عملاً دالر را بعنـوان بدیل طلا در معاملات اقتصادی و تجاری تعویض کردند.

و هنگامیکـه اروپـا در جریـان جنـگ اول و دوم جهـانی از بانـک فـدرال امریکا گرفتن قرضه را آغـاز کردنـد در حقیقت زمینـه اسـتثمار خـویش را بدست یهودیان مهیا میساختند، و این قرضه را همچنان بـه طـور مسـتقیم از فدرال بانک نپرداختند بلکه از طریـق چنـدین بانـک دیگـر این پروسـه را انجام دادند تا در حصول آن به مشکل مواجه نشوند.

بعد از جنگ دوم جهانی دسیسه یی دیگری را براه انداختند و آن اینکــه در میان مردم امریکا فکر گرفتن قرضـه از بانکهـا را رایج و عـام سـاختند طوریکه برای مردم تبلغ و تلقین میکردند که شما قرضه بگیرد و با آن بــه تجارت بپردازید، قرضه دوباره پرداخته میشود اما تجارت برای شما بـاقی خواهد ماند.

بناً چون حرص پولـدار شـدن را در اذهـان ایشـان ترزیـق کـرده بودنـد مردم هم فریب خورده و این کار را انجام دادند تا جائیکه تعـداد زیـادی از مردم از بانک های قرضـه گرفتنـد، امـا بـدلیل آنکـه در تجـارت و سـرمایه گذاری تجربه و دانش نداشتند ازین لحـاظ بعـداز گـرفتن قرضـه در مـدت اندکی ورشکسته میشدند و همه پول هـا را از دسـت میدادنـد بـدون آنکـه مقدار کمی از قرضه ای بانکهـا را پرداختـه باشـند، بنـاً تـا زمانیکـه زنـده میبودنــد مجبــور بودنــد در خــدمت بانکــداران یهــود قــرار میگرفتنــد و در کارخانه های ایشـان کـار میکردنـد و عملاً خـود را تحت اسـتثمار یهودیـان قرار میدادند.

در حالیکه اسلام در هرکار به میانه روی دستور میدهد و از دوستی دنیا و حرص طلب مال و متاع دنیا شدیداً منع کـرده اسـت و این امـر مـوجب میشود که شخص نیـازی بـه گـرفتن قرضـه نداشـته باشـد زیـرا قـرض را کسی میگیرد که نیازمند و مجبور باشـد و بـرای خـوردن نـان شـب و روز خویش پـول نداشـته باشـد و عـزت نفس اش هم تقاضـای آنـرا نکنـد کـه گـدائی [سـؤال گـری] کنـد ، از همین جهت نـبی صـلی اللـه علیـه وسـلم همیشه در عقب نماز های فرض و غـیره اوقـات اجـابت دعـاء از قـرض و وام به الله پناه میخواست، طوریکه از أبو سعید الخدری روایت اسـت کـه نبی صلی الله علیه وسـلم فرمـود:«**أعوذ باللـه من الكفـر و الـدین: فقال رجل: یا رسول اللـه یعـدل الـدین بـالكفر؟قـال: نعم**».[1]- ترجمه: به الله پناه میبرم از شر کفر و قرض ، شخصـی گفت: یـا رسـول

[1] . أخرجه ابن حبان 302/.3 ، و النسائي 8/264 و الحاكم في المستدرک (1950) و قال: هذا حديث صحيح الإسناد، و لم يخرجاه ووافقه الذهبي.

الله آیا کفر را قرض یکسان قـرار میـدهی (بـا یکجـا ذکـر کـردن)، گفت: بلی.

و همچنان در دعاء هایش اکثر این را میخواند: «**اللهم إني أعوذبـک من المأثم و المغرم فقال: یا رسول الله مـا اکـثر مـا تسـتعیذ من المغـرم، فقـال: إن الرجـل إذا غـرم، حـدث فکـذب، ووعـد فأخلف** »[1]،- ترجمه: یا الله به تو پناه میآورم از شر گناه و قرض ، کسی گفت: ای رسول الله شما زیاد از شر قرض پناه میـبری؟ نـبی صـلی اللـه علیه وسلم گفت: چون انسـان قرضـدار باشـد دروغ هم میگوینـد و وعـده خلافی هم میکند.

و همچنان نبی صلی الله علیه وسلم بر بالای کسیکه قـرض دار میبـود نمـاز جنـازه نمیخوانـد تـا آنکـه قـرض وی را شخصـی ویـا از غنـایم نمی پرداختنـد، و میفرمایـد:«**یغفـر للشـهید کـل شـیء إلا الـدین**»[2]،- ترجمه: همه گناهان شهید بخشوده میشود مگر قرضـی کـه بعهـده دارد و آنرا نپرداخته است.

و در حـدیث دیگـر میآیـد: «**نفس المـؤمن معلقـة بدینـه حـتی یقضی عنه**»[3]،- ترجمه: روح مسلمان (بعد از مرگ) در میــان زمین و آسمان معلق میماند تا آنکه قرض وی اداء نگردد.

از همین جهت نظر به قول راجح و عمل صحابه پـرداختن قـرض میت مقدم بر تجهیز و تکفین اش میباشد، و در فرهنگ اسلامی گــرفتن قرضــه یک عمـل منـدوب و پسـندیده نیسـت، بـه خصـوص زمانیکـه قرضـه جهت تحقق آرزو ها و خواهشات نفسانی گرفته شود.

حالا در ادامه مبحث قتل کندی در سال 1963میلادی یعنی بعـداز آنکـه در زمان وی مـردم اروپـا از فـدرال بانـک و سـائر بانکهـای یهـودی طلا را خارج میکردند، آنها فساد دیگری را توسط شبکه هـای جاسوسـی خـویش در سال 1971میلادی براه انداختند، یعنی زمانیکه دیدند همــه طلا ها آهسته آهسته از بانک فدرال خارج ساخته میشود بـرای مـردم صـریحاً اعلان کردند که در عقب دالر طلا موجود نیست، و دالر پول غیر وابسته یا بدون پشتوانه میباشد، و این بار کاملاً از حد و حدود خویش کـه در چنـدین سالهای گذشته آنرا حفظ نموده بودند عدول کردند، زیـرا این اعلان شـان به این مفهوم بود که هر قدر پول که خواسـته باشـیم میتـوانیم آزدانـه بـه چاپ برسانیم و کسی نیست و جرأت ندارد تـا سـؤال کنـد کـه چـرا بانـک

---

[1]. البخاری (832).
[2]. مسلم (1886).
[3]. صحیح الترغیب (1811).

نوت ها را بدون پشتوانه به چاپ می رسانید،یعنی بعداز آن دستگاه های چاپ پول به خود وصف ماشین های رسامی را گرفت و کاغذ های عکس دار و رسامی شده را به چاپ می رسانید، تا آنکه بالآخره بعد از چند سال چاپ و نشر بیلیون ها دالر امریکائی از چاپ خسته شدند، و خواستند به ارزش دالر امریکائی توجه کنند و بخاطر رسیدن به این هدف از سیستم کسر مالی استفاده کردند و این بار کاملاً بانک نوتها را غایب کردند و استفاده از پول را از طریق کارت های اعتبار الکترونیکی «Electronic Credit Cards» رایج ساختند، و امروزه متأسفانه اقتصاد دنیا بر اساس کارتهای اعتبار الکترونیکی بانکی استوار بوده و به پیش میرود، یعنی اگر دقیق فکر کنیم به ندرت خواهیم یافت که شخصی در امریکا پول فزیکی را با خود حمل کند، و این چیزیستکه فطرت انسان آنرا قبول نمی کند که تمام نظام اقتصادی و پولی بر اساس قرض دادن و مقروض بودن استوار باشد و عملاً پول فزیکی هیچ موجود نباشد و مورد قبول مردم نیز واقع گردد، و خود تصور کنید که هرگاه در جای خسارتی به برق، کمپیوتر و یا ستلایت و یا شبکه نت ورک برسد بدون شک به یکبارگی تمام این روند به سقوط مواجه می شود، چون همه پول در کارت است و از کارت عدم موجودیت برق و فعال بودن شبکه نت ورک استفاده نمیشود، یعنی اگر برق نباشد پول نیست و اگر پول نباشد پس غذا هم نیست.

حتی تصور متلاشی شدن این نظام برای انسانها خوفناک و ترسناک معلوم میشود، اما جهان و مردمان آن امروز در این گرد آب فرزندان رات یا [Roth's child] و سهم داران بانک فدرال و رهبران صهیونیست شان گیر مانده اند.

به طور مثال آیا شما مقدار ثروت [Roth's child] ها را تخمین زده میتوانید؟

تنها آنچه که در حال حاضر دولت و ملت امریکا از آنها قرضدار اند، معادل به پنجصد تریلیون دالر میباشد که این حالت و وضعیت ما داستان موسی علیه السلام و قارون را به خاطر ما میآورد، طوریکه الله متعال میفرماید می فرماید:{**وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ،قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ**}-القصص/78.

ترجمه: و در آنچه الله به تو داده است سرای آخرت را بجـوی و بهـره ات را از دنیا فراموش نکن، وهمانگونه که الله به تو نیکی کرده اسـت تـو نیز (با مردمان) نیکی کن و هرگز در زمین در پی فساد مباش، بی گمان الله مفسدان را دوست ندارد، قارون گفت: تنها به سبب دانشـی کـه نـزد من است آن (مال و ثروت) به من داده شده است، آیـا او نمی دانسـت که الله پیش از او اقـوامی را هلاک کـرد کـه از او نیرومنـدتر و ثروتمنـدتر بودند؟! و مجرمان از گناهانشان پرسیده نمی شوند.

و بسبب همین تکبرش بود همه ثـروت اش کـه تنهـا کلیـد هـای آن در حدود چهل بار شتر میشد در زمین فرو رفت و اینکه مقدار این خــزائن و ثروت چه اندازه بود الله بهتر می داند.

حساب و کتاب Roth’s child امروز هم از همین قرار است ، ذخائر بانکهای آنها پُر از طلا شده و.80% از سرمایه ی های دنیا در اختیـار آنـان و سائر یهودیان وابسته به ایشان قرار دارد، و بـرعلاوه قـدرت اقتصـادی- سیاسی، اداری، رسانه هـا، رهـبری تحصـیلات عـالی ...وغـیره همـه را در اختیار دارند، بـه لفـظ سـاده تـر امـروز تمـام امـور اجتمـاعی، اقتصـادی، سیاسی، اطلاعات، منابع بشری ایالات متحده امریکا در خدمت شان قرار دارد و مردم امریکا نیز ازین امر کاملاً واقف اند امـا هیچ نـوع قـدامی بـر علیه ایشان در دفاع از خود کرده نمی توانند.

در حقیقت امروز گفته میتوانیم که هدف یهودیـان ابـر قـدرت سـاختن ایالات متحده نیست بلکه یگانه هدف شان استعمال و اسـتثمار امریکایـان جهت تحقق اهداف بزرگ و جهانی صهیونیستی خودشان میباشد، هر کدام شب و روز خدمت و مزدوری یهودیان را میکنند و زحمت می کشند و بعد از آن پولهـای را کـه بدسـت میآورنـد در مراکـز رقص و آواز و مسـتی و رقصیدن، فحاشی و استعمال مواد مخـدر و مشـروبات الکـولی و انـواع و اقسام مراکز قمار بمصرف میرسانند، یعنی آنچـه را بـزحمت و مشـکلات در ماه ها از نزد یهودیان حاصل میکنند دوبـاره بـه بسـیار آسـانی در جیب یهودیان میریزد، زیرا قبلاً یاد آوری کردیم که ساختن چنین مراکز و شـیوع فحشا جزء برنامه های استعماری یهودیـان بـر جهـان و ضـمیمه پرتوکـول های 1897 میلادی بود.

و در شــرایط فعلی در هــر نقطــه از جهــان کــه جنگی را توســط امریکاییان براه انداخته اند ایشان را مجبور شده انـد تـا منظـور پـرداخت هزینـه هـای جنگی خـویش از کشـور چین،سـعودی و یـا جاپـان...قرضـه بگیرند، زیرا از یهودیان طوریکـه قبلاً نـیز اشـاره کـردیم در حـدود پنجصـد

هزار میلیار دالر مقروض هستند، و همچنان از چین در حدود یکهزار و سه صد میلیارد دالر ، و از بانک فدرال یهودی ششصد میلیارد دالر مقروض میباشد[1]، پس حالا شما خود فکر کنید کشوری که برای مصارف عساکر خویش مجبور به گرفتن قرضه باشد، در چه وضعیتی قرار دارد؟!

اما از سال 1971میلادی به بعد ظلمی را که یهودیان در مقابل بشریت مرتکب شدند به چی شکل بود ؟

برای اولین باری که نفت در سال 1870میلادی کشف شد یهودیان اولین کسانی بودند که انحصاری استخراج و استحصال و تصفیه و انتقال آنرا به مارکیت های جهانی بدست گرفتند زیرا این امکانات در آنزمان صرفاً برای کشور های صعنتی چون انگلستان و امریکا وجود داشت و یهودان سرمایه داران این شهر های بودند و تا سال 1980میلادی یعنی در حدود 110 سال قیمت نفت را از سه دالر فی بیرل پائین نگهداشتند، زیرا مسلمانان در آن زمان امکانات استخراج ، تصفیه و انتقال نفت را به مارکیتهای جهانی نداشتند، لذا وسائل مربوط به استخراج ، تصفیه و انتقال را تنها یهودیان انجام میدادند و به این اساس تمام نفت و گاز کشور های اسلامی را به قیمت ارزان استخراج کرده و از آن استفاده میکردند، یعنی نفت کشور های اسلامی برای شان کاملاً رایگان تمام میشد، زیرا دالر را خود چاپ می کردند و تمام معاملات تجارتی دنیا را بر اساس آن پیش میبرند، پس با دالر از نزد اعراب نفت خریداری میکردند و بعداً عرب احمق به منظور گرفتن سود، دالر را دوباره به بانکهای یهودی می سپرد.

و بعد از سال 1971میلادی ملت ها و کشورها را آهسته آهسته بطرف مقروض شدن سوق دادند و این بار نزد دولت مردان و حاکمان کشورها فقیر رفتند و گفتند که ما برای ترقی و پیشرفت کشور شما قرضه می دهیم و آن هم طوریکه در حساب بانکی پاکستان نوشته می کردند یک ملیارد دالر به پاکستان قرضه داده شد، در حالی که از انتقال پول به شکل فزیکی به آن کشور هیچ خبری نبود و هیچ بانک نوتی به چاپ نمی رسید و هیچ طلای برای آن کشور انتقال داده نمی شد، به این شکل ملتها را یهودیان قرضدار خود ساختند، یعنی سابق در قاره ی امریکا افراد را به غلامی میگرفتند و اکنون با استفاده از سیستم

---

[1] . به نقل از سازمان تحقیقات جهانی [Global Reseach] مجموع قرضه ها [Debits] ایالات متحده امریکا در حدود هفده تریلیون و چهار صد ملیار و صد و هفتاد و هشت میلیون دالر (17,400,378,000,000,00) از کشور های مختلف و بانک های مختلف است که به چند منبع آن در بالا اشاره کرده ایم.

بانکداری شیطانی ملت ها را به برده گی میکشند، چنانچه که پاکستان بـه همین شکل ملیارد ها دالـر از امریکـا مقـروض میباشـد و از طـرف دیگـر امریکا خواستار قرضه خویش با سود بیست فیصد آن از پاکسـتان دارد، و چون دولت پاکستان و سایر ملل فقیر از چاپ دالر عاجز اند تا با آن سود و قرضه های خود را بپردازند ، پس راه حل چیست؟! درینصورت حکومت پاکستان به اعتبار همان سـند نوشـته شـده تحت نظـر و مطـابق مـوازین وضع شده ای (آی-ام-اف) معادل یک ملیاد دالر امریکایی، کلدار پاکستانی را چاپ میکند و بـا آن مـزد و معـاش مـردم خـود و مصـارف و هزینـه ای پلانهای انکشافی خود را می پردازد، به همین ترتیب یهودیـان اکـثر کشـور های جهان را با یک سند قرضه [ویا یـک ورق کاغـذ مُهـر و امضـاء شـده] غلام و برده خویش ساخته اند، زیرا این کشورها با گذشت سـالها توانـائی پرداخت قرضه های خود را پیدا نمیکنند، و دلیـل آن نـیز واضـح اسـت کـه یهودیان این کشـور هـا را بـه چـالش هـای گونـاگون سیاسـی و اقتصـادی مواجه میسازند، بناً هر چیز و برنامه ای را که یهودیـان بخواهنـد بـالای آن کشور ها تحمیل میکنند چون این کشور های مقروض ایشان اسـت، و این همه برنامه های خوفناک شیطانی از طریق صـندق جهـانی پـول [IMF] و بانک جهانی [WorldBank] با پـرداخت قرضـه هـا بـرای ملت هـای فقـیر صورت می میگیرد.

که بعد از انجام این پروسه چند مرحله ای بنیادی دیگـری را بـدنبال آن تعقیب میکنند:

1- از همـــه اولـــتر حـــاکمیت خـــویش را در قلمـــرو این ســـرزمین هـــا مستحکم میگردانند، و برای اینکار زمامداران و حاکمان کـه نسـبت به همه مردم خـائین تـرین، مکـارترین، دروغ گـوترین و بی حـد بی وجدان و بی دین باشند در رهبری آن ملت قرار میدهند، و همچنـان باید جاسوس سازمانهای بـزرگ اسـتخباراتی شـان چـون [موسـاد، فراماسـونری، اي-آی- یـو، مؤسســه سـلطنتی امـور بین المللی[1]، بیلدر بیرگس، تاویستاک...] باشد، یعنی شخصی را می گمارنـد کـه کاملاً برعکس ارشادات الهی و انبیاء بربالای مـردم حکـومت کننـد، قسمیکه در داستان یوسف علیه السلام یاد آوری کردیم که یوسـف علیه السلام چون نبی الله و یک شخص متعهد برای مـردم و منـافع مردم و ملت خود بود برای پادشـاه مصـر گفت من را بـر حکـومت (رهـبری سیاسـی و اقتصـادی) مـردم بگمـار زیـرا من (**امین و**

---

[1] . Royal Institute for International Affairs، با مخفف (RIIA).

علیم) هستم، اما در حـال حاضـر حاکمـان بایـد بی دین، سـیکولار، خـائن، مـزدور و غلام و در خـدمت یهودیـان بایـد باشـند، و امـروز درست همین برنامه در کشور های اسـلامی و غـیر اسـلامی دنبـال میگردد و اشخاص خـاین، دین و وطن فـروش در رأس امـور ملتهـا قرار داده میشوند، زیرا عصر لشکر کشی های بزرگ قدیم کذشـته است و عصر استعمار جدید یا [New Colonialism] فـرا رسـیده است و بایـد بـا اسـتفاده از شـیوه هـای مختلـف افکـار ملت هـا را استعمار و هدایت کنند، و حاکمیت و رهبری آنرا تحت کنـترول خـود در آورند.

2- سپس بعداز آنکه مردم یک کشور را مقـروض خـویش گردانیدنـد و اشــخاص خــبیث و ناپــاک را در رهــبری و حکــومت شــان قــرار دادند،حالا این دولت توانائی چاپ دالر را ندارد تا قرضه را بـا سـود بیست فیصد آن به آنان بپردازند، بناً در چنان بن بست و توطئـه ای قــرار میگــرد، کــه مجبــوراً تمــامی اختیــارات امــور مملکت را و انحصاری استخراج معادن نفت و گـاز و سـائر معـادنی را کـه حـق ملت و مردم اش است برایشان تسلیم می کند، و به همین تـرتیب کشور های بزرگ ثروتمند را به کشور های مصرفی تبدیل میکنند تا مجبور میشوند تا برای رفع نیازمنـدی هـای شـان از آنهـا خریـداری کنند و یا از کشـور هـای دیگـر وارد نماینـد، و یـا در صـورت قرضـه دادن به این ممالک در حساب بانکی شان نوشته می کنند کـه فلان کشور بیست میلیارد دالر قرضدار مـا اسـت بنـاً آن مملکت تـا حـد توان خـود اسـتهلاک می کننـد و تمـام دارائی هـای آن کشـور را در انحصاری خویش میگیرند در حالیکه قرض و سـود در جـای خـودش باقی میماند، و هـدف از خصوصـی سـازی نهـاد هـا در کشـور هـای مختلـف نـیز همین اسـت کـه بعـداً بـه تفصـیل در مـورد آن اشـاره خواهیم کرد.

درین اواخر شخصی به نام جان پرکونس که قبلاً در صندق جهـان پـول [آي-ام-اف] کار می کرد و با رهبران آن و صهیونیست ها ارتباط نـزدیکی داشت، کتابی تحت عنـوان [The Conversion of Economic][1] نوشـته است، وی در این کتاب خود افشـاء میسـازد کـه او و همکـارانش چگونـه بمنظور تحقق اهداف اقتصادی و سیاسـی صـندق جهـانی پـول و رهـبران صهیونست آن از هیچ نوع ظلم و استبداد، قتل و تجـاوزگری و بـه تبـاهی

[1] . یعنی: تغیر ماهیت اقتصاد.

کشیدن ملتها، و آواره ساختن مردم بیرحمانه میپرداختند و افراد یک ملت را به مانند مورچه زیر پا مینمودند، و این چیزیست که خودش در نوشته هایش اعتراف میکند و سپس میگوید که این وضعیت برایم غیر قابل تحمل بود، زیرا چگونه یک انسان میتواند همنوع خویش را بی گناه صرف بخاطر خواهشات بی ارزش خود به قتل برساند، بالای زنان و اطفال هر نوع ظلم را رواه دارد و سپس به شکل بی رحمانه ای آنان را بکشند و قتل عام کنند، او میگوید ما در هنگام مأموریت خویش برای رهبران هرملت دوپیشنهاد داشتیم مرمی یاحساب بانکی [Bullet or Bank Account].

حالا شما خود بررسی کنید که چند تن از دارنده گان حساب بانکی بالای شما حکومت کرده اند و حالا نیز قدرت را بدست دارند و چه تعداد از اشخاص آزاده و مستقل مرگ را ترجیح داده اند اما زیر بار برده گی یهودیان نرفته اند و چه تعدادی دیگر امروز برای جهاد و قتال علیه آنان قیام کرده اند و مصروف ادای فریضه جهاد هستند.

در حالیکه دنیا پرستان و بنده گان دینار و درهم و برده گان یهودیان صهیونیست، یا در قدرت هستند ویا وعده رسیدن به قدرت برایشان داده شده است که در این مورد دو واقعه را برای شما بیان می کنیم:

أ. در سال 1953میلادی در ایران داکتر محمد مصدق مقام نخست وزیری این کشور را بعهده داشت، او در زمان حکومتش نفت ایران را ملی اعلان کرد، یعنی آنچه حق واقعی ملت ایران بود برایشان داد. سازمان سیا [C.I.A] در این موضوع صریحاً مداخله کرد، و شخصی را بنام روزولت برای کنترول اوضاع به نفع شرکت های نفت یهودیان که بنام انگلیس ها فعالیت داشتند به ایران فرستادند، این جاسوس اقتصاد دانان، سیاستمداران، رسانه ها و اشخاص با نفوذ را با مصارف هنگفتی خریداری کرد، و آنقدر پول خرچ کرد تا آنها بر علیه داکتر مصدق بغاوت و شورش بزرگی را به راه انداختند، تا جائیکه شاه ایران بر خلاف داکتر مصدق که نخست وزیر محبوبش بود قرار گرفت، و درنتیجه داکتر مصدق را به قتل رسانیدند، و درین اواخر سازمان سیا اعتراف کرد که ما در شورش های زمان حکومت داکتر مصدق و ملی کردن نفت ایران مداخله داشتیم.

ب. در سال 1974میلادی ملک فیصل پادشاه سعودی فروش نفت را بروی غرب (یهودیان، اروپا- امریکا) متوقف ساخت، آنها حتی تصور

کرده نمی توانستند کشوری که پنجاه سال متمادی برای شان نفت رایگان می داد امروز حتی در مقابل پول نفت را برایشان نمیدهـد، بناً آنها در سدد قتل ملک فیصل بر آمدند تا آنکه وی را برای همیش از سر راه خود دور سازند.

مبحث چهارم
هدف از رائج ساختن چپ کارت ها و کارت ها اعتبار

در مبحث گذشته از بازی های یهودیـان الی مبـارزات آگاهـان امریکا با ایشـان تـذکر بعمـل آوردیم، و اینکه مـردم غـرب و امریکا را بــه چگونه مشکلات و مصائب مواجـه سـاختند و در انـواع قرضه هـا و سـود ایشـانرا درگیر ساختند، جان کندی رئیس جمهور امریکا جهت رهایی مــردم اش از چنگال خونین یهودیان چه اقدام هـای را روی دسـت گـرفت و یهودیـان بـا وی چه کردند، و سپس بـا کشـف نفت و گـاز چگونـه آنـرا بشـکل رایگـان بـرای خـویش انحصـار کردنـد و جهت اسـتعمار جهـان اسـتخدام کردند و قیمت آنرا تا سالیان متمادی الی سه دالر حفظ کردند تا نفت که سـرمایه ای همه مسلمان جهان است ازیشان بربایند.

در ادامه درین مبحث هدف از رایج سـاختن اقتصـاد دیجیتـال [Digital Economy]، و کریـدت کارتهـا و چپ کـارت هـای اعتبـار[1] و کـارت هـای قرضه [DebitCards]را توسط بانکداران یهودی و اضـرار و نـواقص آنـرا توضیح خواهیم داد، و اینکه یهودیـان واقعـاً بـا تـرویج اقتصـاد دیجیتـالی از مردم چه میخواهند؟!

---

[1] . ChipCard & CreditCard.

اما قبل از آن شما متوجه باشید زمانیکه ما به افشای برنامه صهیونیستی یهودیان و غلامان مزدور شان میپردازیم این جنایات شان دور از تصور خواهند بود و خواننده در حالت عادی با شنیدن آن دچار تعجب و ناهنجاری می شود، و از خود خواهد پرسید که مؤلف در زمان نوشتن این کتاب در دنیای خیالات زندگی میکند و تصویر عجیبی از یهویان و امریکایان در ذهنش ترسیم کرده است؟! اما این همه واقعیت و حقیقت است که پنهان نگهداشته شده است و برای شما اطمینان می دهیم که آنقدر قوی و مضبوط تصور میشود، به فضل الله آنقدر قایم و قوی نیست، همانطوریکه الله متعال میفرماید:{**لَا يقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِى قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَينَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يعْقِلُونَ**}- الحشر/14.

ترجمه: آنها (یهود) هرگز دسته جمعی [و آشکار] با شما نمی جنگند، جز در آبادیها [و دژ های] محکم یا از پشت دیوار ها، نزاع (و جنگ) شان در میان خودشان سخت، تر است، تو آنها را متحد می پنداری، در حالیکه دلهایشان پراکنده است، این بدان سبب است که آنها قومی هستند که تعقل نمی کنند.

و میفرماید: {**وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ، وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ**}- الأنفال/58.

ترجمه: و کسانیکه کافر شدند، نپندارید که پیشی گرفته اند، آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد، و آنچه از نیرو در توان دارید برای (مقابله و قتال) با آنها آماده سازید ، و همچنین از اسبان بسته (ی ورزیده ، مهیا) کنید، تا به وسیله ئی آن دشمن الله و دشمن خود را بترسانید، و همچنین دشمنان دیگری غیر از آنها را ، که شما نمی شناسید، و الله آنها را میشناسد، و هرچیزی را که در راه الله خرج میکنید، به تمام کمال (پاداش آن) به شما داده میشود، و به شما ستم نخواهد شد.

پس دیده میشود که اگر ازین قوت و قدرت کافی که دارند بخاطر تحقق برنامه های زشت صهیونیستی شان استفاده میکردند امروز حتماً دنیا را با تمام افراد آن تحت اشغال و استثمار و کنترول کامل خویش میداشتند، در حالیکه بر عکس آنرا ما شاهد هستیم و میبینیم که با تمام وسایل و تجهیزات و برنامه های شیطانی عصری خویش در ویتنام، عراق

و افغانستان...وغیره با شکست فجیع رو برو شده اند و ایشان هرگز مقاومت کرده نمی توانند زیرا وعده الله است که: {**وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ**}- الروم/48.

ترجمه: و براستی پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم، پس با دلایل روشن نزدشان آمدند، آنگاه از کسانیکه گناه کردند، انتقام گرفتیم ، (و مؤمنان را یاری دادیم) و یاری دادن مؤمنان بر (عهده ی) ما بود.

و میفرماید: {**وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ**}- آل عمران/140.

ترجمه: اگر به شما زخم و آسیبی رسید، به راستی به آن گروه (ها کافر) زخم و آسیبی همانند آن رسید، و ما این روز های (شکست و پیروزی) را در میان مردم میگردانیم، تا الله افرادی را که (واقعاً) ایمان آورده اند، معلوم بدارد، و از میان شما شاهدانی بگیرد، و الله ستمکاران دوست نمی دارد.

بناً واضح میگردد که اختیار و تدبیر و تنظم و تصرف در امور زمین و آسمان ها و کائنات در نزد الله متعال بوده و او بر همه امور مسلط و چیره میباشد.

صهیونست ها و حامیان آنها فریب خود را به کار میبرند، در حالیکه الله متعال (**فَعَّالٌ لِمَا يرِيدُ**) می باشد هر چیز را که خواسته باشد انجام میدهد و امروز نیرنگی را که با بشریت بکار بسته اند و الله آنرا باعث درد سر برای خودشان و ملت شان گردانیده است، طوریکه میفرماید: {**وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ، فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ، يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ**}- ابراهیم/ 47-48.

ترجمه: و براستی آنها (نهایت) مکر خود را بکار بردند، و (همه ی) مکر شان نزد الله (آشکار) است و هرچند که با مکرشان کوهها از جا برکنده شود، پس گمان مبر که الله (وعده ای را که) به پیامبرانش

(داده)، خلاف ورزی کند، بیگمان الله پیروزمند و انتقال گیر است، روزی که (این) زمین به زمین دیگر ، و آسمانها (به گونه ای دیگر) مبدل میشود، و آنها (همگی) به پیشگاه الله یکتای قهار ظاهر و (آشکار) می شوند.

و میفرماید:{**أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ، أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ**}-النحل/45.

ترجمه: آیا کسانیکه بد اندیشی (و توطئه) کردند، در امان هستند که الله (همه ی) آنها را در زمین فرو برد، و یا عذاب (الهی) از جائی که نمی دانند، به سراغشان بیاید؟! یا (آنکه) به هنگام رفت و آمدشان (گریبان) آنها را بگیرند، پس نتوانند که (ما را ناتوان کنند و) بگریزند.

و در مورد صالح علیه السلام و قومش میفرماید: {**وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ، فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ**}- النمل/50.

ترجمه: و آنها (برای قتل صالح و پیروانش) حیله و نیرنگی به کار بردند و ما (نیز) حیله و تدبیری (برای هلاک آنها و نجات صالح و پیروانش) اندیشیدیم، در حالیکه آنها نمی دانستند.

و میفرماید: {**يخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آَمَنُوا وَمَا يخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يشْعُرُونَ**}- البقرة/9.

ترجمه: آنان (به نظر شان) الله و مؤمنان را فریب میدهند، درحالیکه جز خودشان را فریب نمی دهند ولی نمی فهمند.

اما در مورد اینکه هدف واقعی بانکدران یهودی از رایج ساختن اقتصاد دیجیتالی چیست؟!

اولاً: با اینکار پول فزیکی را از نزد مردم در بانکها خویش جمع آوری کرده و در اختیار وخدمت خود قرار میدهند تا با پول در نقاط مختلف زمین تجارت کنند ویا برنامه های جهانی صهیونیستی خویش را تحقق بخشند.

ثانیاً: توسط این کارت ها از در آمد و مصارف مردم و منابع آن آگاهی میآبند، طوریکه فلان شخص چقدر پول در اختیار دارد و از کجا بدست آورده است و در کدام راه ها به مصرف میرساند.

ثالثاً: کسانیکه مصروف تجارت هستند وصاحب ثروت بیشمار نیز میباشند با استفاده از این کارتها لازماً تحت نظر یهودیان معاملات سودی آنها قرار خواهند گرفت، طوریکه اگر دو مسلمان در مدینه معامله ای

تجارتی انجام بدهند بانکـداران یهـودی در نیویـارک نشسـته حصـه خـود را ازین معامله بیرون میکند و همینطور در هر گوشه و کنار جهان هر معامله پولی و تجاری و اقتصادی صورت گیرد حتماً از آن چند فیصـد سـود بـانکی خود را بیرون میکنند.

رابعاً: امروز اگر در مدینه منوره و یا جـای دیگـر دو مسـلمان بین هم معامله ای تجارتی انجام دهند بـه مجـرد تبادلـه پـول میـان شـان از تمـام جزیات تجارت شان آگاهی حاصـل میکننـد و مـوقعیت خودشـان و فامیـل شان و تجارت شان را پیدا میکنند علیرغم آنکه سـود بـانکی خـویش را از آن معامله بیرون میکنند.

خامساً: هدف مهم و اساسی شان ازینکار داشـتن نظـارت و کنـترول شدید به ارزش پولی در بـازار اسـت، زیـرا هرگونـه فسـاد و دزدی را کـه انجام بدهند به ندرت به ورشکستگی (انفلاسـیون ویـا دیفلاسـیون) قـرار میگرند ، زیرا با اینکار پول فزیکی همه در اختیـار شـان میباشـد و مـیزان آنرا بهتر تحت کنترول میداشته باشند، و دروازه های فساد در تمام جهـان کاملاً بروی شان باز میگردد.

سادساً: اینکه هر کسی و در هر نقطه ی از جهان زمانیکه از کریـدت کارت و یا دبت کارتهای خود استفاده کنند موقیعت او از طریق کـارت بـه صورت مشخص معلوم می شود، یعنی دانسـته میشـود کـه فـرد از کـدام ماشین پول استفاده و یا در کجـا و بـه چـه مقصـدی آنـرا بـه مصـرف می رسانیده است، طوریکه هرگاه شما در سنگاپور، فرانسه و یـا نیویـارک از قهوه خانه یی نوشیدنی بگیرد و یا از فروشگاهی لباسی خریداری نمایـد و یا در هوتلی اطاقی به کرایه بگیریـد، سـازمانهای جاسوسـی یهودیـان بـه وسـیله یی این کریـدت کارتهـا می داننـد مـوقعیت شـما در کجـا اسـت و مصروف چی کاری هستید.

وغیره اهداف و مقاصد شیطانی که درین کریدت کارتها و چپ کارتهـا وجود دارد.

این کارت های اعتباری با انـواع مختلـف آن بعـد از جنـگ دوم جهـانی نخست در میان مردم امریکا و غرب سپس سـایر کشـور هـا رایج سـاخته شد و آنرا از امور لازمی پیشـبرد زنـدگی مـردم گردانیدنـد، مثلاً؛ طوریکـه معاش کارمندان در کارت های بانکی شان میآمد و غـیر آن برایشـان پـول نقد معاش داده نمی شد، و ایشان مجبوراً توسط همین کارت هـای مـواد خوارکی و اشیاء لازم زندگی خویش را خریداری میکردند، به همین ترتیب لازماً توسط آن باید هزینه های تعلیمی و تحصیلی فرزندان خویش را می

پرداختند، و با این شکل بخوبی دانسته میشد که فرزنـدان کـدام اشـخاص در کجا و در چه رشته های مصروف تعلیم و تحصیل هستند و خلاصه اینکه در هرکاری که پول نیاز میبود و از هر طریقی که پول برای شخص میآمــد همه تحت نظارت بانکداران یهودی انجام میگرفت، و از جانب دیگر ترویج کریدت کارتها ساده ترین راهی بود تا هر امریکائی مقروض یهودیان شـود و با سود آن دوباره آنرا برایشان بپردازند، و بدون آنکه مـردم تصـور آنـرا کننـد از فقـیر تـرین فـرد تـا میلیـونر و بلیـونر هـا از این طریـق مقـروض یهودیان میشـدند، چـرا کـه لازماً همـه افـراد جامعـه ازین کریـدت کارتهـا استفاده میکردند و این قرض و مقروض بودن آنقدر رونق پیدا کرد تا آنکه حکـومت از کنـترول آن عـاجز مانـد و بـه ورشکسـتگی بـزرگ بـانکی [Bankruptcy] مواجـــه شـــدند، و این ورشکســـتگی درســـت ســـال 1963میلادی یعنی در زمان حکومت رئیس جمهور کندی به میان آمد.

و این بحران کاملاً کمر حکومت را شکست و نزد آنها هیچ راهی بــرای جلوگـیری از آن وجـود نداشـت، تـا بتواننـد مـردم را ازین مصـیبت نجـات بدهند، و چون بانک فدرال این کار را از طریق حکومت انجام داده بود بنـاً مردم مجبور به پرداخت سود برای حکومت بودند و حکومت خود ملزم به جمع آوری این پول ها با پرداخت سود برای بانـک فـدرال بـود، پس نتیجـه میشود که این قوم ناپاک و پلید از هر طرف مردم را در محاصره یی خود گرفته اند، و قصد استثمار ایشان را در زمینه های مختلف زندگی دارند.

قبلاً این موضوع را یاد آوری کـردیم کـه آنهـا چـرا در عقب یـک دالـری عکس اهرام فراعنـه ای مصـر را کـه در فـوق آن عکس چشـم بـزرگ بـا روشنائی که از آن تابانده شده است به نمایش گذاشته انـد، بـدلیل اینکـه برای مردم جهان فهمانده باشند که همه آنها در هر کجائی و مصروف هـر کاری که باشند تحت نظارت ایشان قرار دارند ، و این امر از اصلی تـرین ونهـائی تـرین اهـداف آنـانرا تشـکیل میدهـد یعـنی برپـائی نظـام جهـانی صهیونیستی، چرا که خود گفته اند که ما می خـواهیم در دنیـا امـپراطوری جهانی را پایه گذاری کنیم که از شرق تـا غـرب و شـمال تـا جنـوب کـرده زمین طبق وعده ئی افسانه ئی الهی شـان هـر غـیر یهـودی در خـدمت و محکوم ایشان باشند.

قسمیکه دکتر یوسف قرضـاوی در مـورد این خواسـت آنهـا چـنین می نگارد: «این رژیم همچنان خواب اسرائیل بزرگ ،خواب اسرائیلی را که از رود نیل در مصر تـا رود فـرات در عـراق را شـامل شـود می بینـد! حـتی بـرخی از آنـان می گوینـد (ای یهودیـان! از فـرات تـا نیـل و از سـرزمین

درختان صنوبر (شام) تا نخلستانهای عربستان در مدینه و خیبر [که اجـداد شان در آنجا میزستند]به شما تعلق دارد!

یکی از شخصیت های یهود به «شاحاک» استاد دانشـگاه «تـل آویـوو» به صراحت این موضوع را گفته است، که بیـانگر کشـف نقـاب از نیـات و اهدافی است که اسرائیلها در درون خویش پنهان می دارند او این مطلب را در کتابی که به زبان انگلیسی نوشته و منتشر کرد بیـان نمـوده و گفتـه است:«اسرائیل که ملت او آرزویش را دارند شامل بخشـهای از سـوریه ، لبنان ، ترکیه ، عـراق ، سـعودی ، یمن ، کـویت و مصـر تـا اسـکندریه می شود !».

در ادامه دکتور قرضاوی می نویسد: اما واقعیت این است که یهـود در پی تسلط و حاکمیت بر همه جهان هستند امـا سیاسـت سـنتی و معمـول ایشان آن است کـه بـرای رسـیدن بـه اهـداف دراز مـدت خـود بـا دقت و آرامی گام بر دارند .[1]

و این برنامه خویش را آنها در ابتداء مجازاً از طریـق کریـدت کارتهـا و دبت کارتها میخواهند در جهان عملی کنند تا باشد که واقعـاً بـه این هـدف مهم خود نائل آیند.

با گذشت زمـان بـاز هم یـک قـدم دیگـر هم بـه پیش نهادنـد و در این اواخر در کشور های غرب و ایالات متحده امریکـا اعلان کـرده انـد کـه از این به بعد شما بـه کریـدت کـارت و دبت کارتهـا هم نیـاز ندارید زیـرا مـا سهولت جدیدی را اخـتراع کـرده ایم، در حقیقت حـالا قـادر شـده ایم کـه شــما را خوبــتر و مطمئن تــر و مســتمراً بــرای دایم و بــدون هیچ گونــه تشویشی تحت نظر داشته باشیم، و این سهولت دستگاه کوچک برقی بـه نام [Mirco-Electronic Circut]ـ بوجود آوده شـده اسـت که بـه شـکل کپسول های برقی می باشد که قابلیت کنـترول توسـط سـتلایت و شـبکه های پولی بانکی [NetWork Banking] را دارنـد، و طریـق اسـتفاده ای آن نیز طوری است که در قسمتی از بدن مردم آنرا جابجا می کنند، تا آن وسیله هم کارت شناخت [Identification Card]ـ شـخص باشـی و هم جـواز راننــده گی و همچنــان حســاب بــانکی؛ و در حــال حاضـر تبلیغـات گسترده ای را در تمام رسانه های اروپائی و امریکایی به راه انداختـه انـد و مردم احمق غرب نیز فریب شان خورده و تبلیغـات رسـانه هـا در میـان شان اثر زیادی کرده است و آنرا بدون دانستن هدف آن چنان پذیرفته اند که گوی از طرف الله برای شـان وحی و حکمی آمـده باشـد، و امـروز در

---
[1] . خطر جهانی صهیونیزم/ یوسف قرضاوی، و یهودیان در قران / سید سابق.

کشور های غرب اکثراً افراد که در جای که غذائی می خورند ویا لباسی خریداری میکنند هیچ پول یا کریدت کارتی با خود ندارد، تنها با گذشتاندن آله ای تشخص دهنده دیگری که کپسول های الکترونیکی جابجا شده در زیر پوست این افراد را تشخص میدهد و حساب کتاب تصفیه میشود و پول مصارف فروشگاه یا هوتل بصورت خودکار وضع میگردد.

و مردم فکر میکنند که این همه مربوط پیشرفت های تکنالوژی است و بلند منزل ها و شهرهای آباد و ثروتمند که ساخته شده است و از آن خوش هستند در حالیکه این همه اموری است که شیطان برایشان آراسته است تا آنکه گمراه و برده ای ذلیل ترین مردمان روی جهان باشند.

{**زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ**}-البقرة/212.

ترجمه: زندگی دنیا برای کافران آراسته شده است، و مؤمنان را مسخره میکنند، و (حالانکه) پرهیزکاران در روز قیامت بالاتر از آنان هستند، و الله هر کس را بخواهد بی شمار روزی میدهد.

و میفرماید: {**وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ، أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ**}- النور/39.

ترجمه: و کسانیکه کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است، در بیابان ، که (انسان) تشنه (از دور) آنرا آب میپندارد، تا آنکه به آن نزدیک شود، چیزی نمی یابد، و الله را نزد خود یابد که حساب او را کامل بدهد، و الله زود شمار است؛ و یا (اعمالشان) همچون تاریکهای در دریای پهناور که موج آن را پوشانده و بر فراز آن موج دیگری است، و بر فراز آن ابری (تاریک) است، تاریکیهای است یکی بر فراز دیگری ، (آنگونه که) هرگاه دست خود را بیرون آورد، ممکن نیست آنرا ببیند، و کسی را که الله نوری برای او قرار نداده است، پس (هیچ) نوری برای او نیست [تا همه اینها را ببیند].

و میفرماید: {**وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ، وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ، وَزُخْرُفًا وَإِنْ**

كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْـدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ، وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَـهُ قَـرِينٌ، وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ}-الزخرف/33-37.

ترجمه: اگر چنین نمی بود که مردم همه یک امت واحد میشدند [یعنی همگی بر کفر قرار میگرفتند]، یقیناً ما برای خانه هـای کسـانیکه بـه اللـه ای رحمان کافر میشدند، سقفهای از نقره قرار میدادیم ، و نیز نرد بانهای که از آن بالا روند، و برای خانه هایشـان در هـا و تختهـای [از طلا و نقـره قـرار میـدادیم] کـه بـر آن تکیـه زننـد، و تجمـل و زینت هـای فـراوان (برایشان قرار میدادیم) و تمام اینها بهره ئی (ناچیز) زندگی دنیاسـت، و آخرت نزد الله برای پرهیزکاران است.

و از جهت دیگر این تبارز خدمت گذاری به مردم بازار یابی خوبی برای اقتصاد و فروش تولیدات خودشان اسـت، یعـنی هرکسـیکه ازین خـدمات بهره مند میشود با کاملاً دبر برده گی یهودیـان قـرار گیرنـد و لازمـاً از کلا های و تولیدات و فروشگاه های یهودیان خریداری کننـد، کـه بـا انجـام این کار از یکطرف برنامه های صهیونیستی جهانی شان قـدم بـه قـدم تحقـق میآبد و از طرف دیگـر مفـاد اقتصـادی زیـادی نـیز بدسـت آن میآیـد، و از طرف دیگر این کار سد مانع در مقابـل هـر شخصـی اسـت کـه میخواهـد برایشان ضـرری وارد نمایـد، یعـنی توسـط این آلـه در کمـترین وقت لازم آنشخص را دستگیر میکنند، زیرا بـا غـیر فعـال سـاختن آن چپ کـارت یـا کارت های مشترک هویت و بانکی، هـویت و شـناخت آن شـخص کـاملاً از بین می رود، و آنشخص دیگر نه بنام خـودش شـناخته میشـود و نـه جـواز رانده گی ئی دارد نه نه هم حساب بانکی که برای خود نان خشک یا بوتل آبی خریداری کند، زیرا تمـام فروشـگاه هـای موجـود در آنجـا بـر اسـاس همان چپ کارت فروشات خود را انجام میدهند و فروشـنده هم پـول نقـد را قبول نمی کند چرا زمانیکـه پـول نقـد مـورد اسـتعمال نداشـته باشـد و مردم همه در معاملات خود از کریـدت کـار هـا و چپ کـارت هـا اسـتفاده کنند با فروشنده با گرفتن پول نقد خود را بزحمت نمی انـدازد، زیـرا بایـد آنرا بعـداً بـه بانـک بـبرد تـا در حسـاب شـان وارد گـردد، و سـپس بتواننـد بصورت عمده مال را از مارکیت های بزرگ خریداری کند.

پس در نتیجه شخص مجبور می شود یا خود کشی ویـا خـود را تسـلیم آنان نماید، و یا در صورت تسـلیم نکـردن خـودش را ، در مـوردش تـدابیر دیگری را نیز آماده روی دست گرفته اند یعـنی در هـر منطقـه جـدا، جـدا

پوسته های امنیتی را تأسیس کرده اند که در صورت غـیر فعـال بـودن آن آله ئی برقی شخص را فوراً دستگر میکنند.

واین یک داستان یا فکاهه ئی نیست که برای شما باز گو میکنیم ، بلکه حقیقتی است که همه ئی مردم جهان با آن روبـرو هسـتند و تـا چنـد دهـه دیگر عملاً فرد فرد افراد بشر شامل این پروسه کرده میشـوند، و این در واقع زندانی است که کسی صهیونیستان کنترول و اداره آنرا بعهده دارنــد و بدون اجازه آنان شخص در داخل شهر های امریکا و اروپا حـتی حـرکت کرده نمی توانند، و جالب تر اینکه اسم این حالت را گذاشـته انـد آزادی ، استقلال و رفاه و خوشبختی...؟!!!

نبی صلی الله علیه وسلم در احادیث زیادی که از ایشـان روایت شـده است مسلمانان و مؤمنان را از فتنه هـای آخـر زمـان ترسـانیده اسـت، و علماء و محدثین آنرا در کتاب های خویش تحت باب ای بنام [کتاب الفتن یا باب الفتن] روایت کرده اند.

طوریکـه میفرمایـد: «**لیـأتین علی النـاس زمـان لا یبقی منهم أحد، إلا آکل الربا، فمن لم یأکل، أصابه من غباره**»[1].

ترجمه: بر بالای مردم زمانی خواهد آمد که هیچ فردی نخواهد بـود کـه سود (ربا) نخورد، اگر خوردن سود شخصاً جلوگـیری کنـد غبـارش بـه او میرسد [یعنی مهمان سود خـود میشـود، و یـا از طـریقی دیگـری از پـول سود تغذیه میشود و یا نفع میبرد].

و میفرماید: «**لیأتین علی الناس زمان لا یبالی المرء بمـا أخـذ من المال بحلال، أو بحرام**»[2].

ترجمه: بر بالای مردم زمانی خواهد آمد کـه شـخص هیچگونـه توجـه و التفاتی برین نخواهد داشت کـه مـالی را میخـورد و اسـتفاده میکنـد حلال است یا حرام.

و میفرماید: «**یکون بین یدي الساعة أیام، یرفـع فیهـا العلم و ینزل فیها الجهل، و یکثر فیها الهرج، و الهرج القتل**»[3].

---

1 . رواه أبو داود، ابن ماجه، و حاکم في المستدرک، و المنذری في الترغیب والترهیب، و شیخ آلباني این حدیث را بدلیل عدم به اثبات سماع حسن از أبی هریرة ضعیف قرار داده است، اگر سماع حسن از أبی هریره ثابت شود این حدیث صحیح است.

2 . (صحیح) رواه أحمد : 9620.

3 . متفق علیه.

ترجمه: در هنگام نزدیک شدن قیامت ، روزهای خواهد بود که علم [علم شرعی «قرآن و سنت»] از میان مردم برداشته میشود و جهل و نادائی نازل میشود و هرج زیاد میگردد، و هرج: همانا قتال و کشتن است.

و میفرماید: «**ليأتين على الناس زمان لا يدري القاتل في أي شيء قتل، و لا يدري المقتول على أي شيء قتل**».[1]

ترجمه: بر بالای مردم زمانی خواهد آمد که قاتل نمی داند بخاطر چه افراد را میکشد ، و مقتول نمی داند بخاطر چه کشته شده است.

و این نظام کفری یهود آنقدر پلید نظام است که حالا فهم انسان می آید که چرا تمامی انبیاء علیهم السلام امتان شانرا و نبی ما صلی الله علیه وسلم امت خویش را از فتنه های آخر زمان و فتنه مسیح دجال ترسانیده اند[2].

امروز امریکا به یک مرکز و پایگاه بزرگ صهیونیستی و حمایت از صهیونیزم بین المللی تبدیل شده است، و بر اساس پرتوکول های 1897میلادی بزرگان صهیون، یهودیان جهت رسیدن به دولت جهانی لازم بود تا ملتی بزرگ و پر قدرتی را استثمار کند و همچنان جهت سهولت این پروسه ممالک بزرگ را به مناطق (کشورهای) کوچک در آورده و تحت رهبری خویش قرار دهند و یا از افراد خویش ویا دست نشانده گان خویش را در آنجاها در قدرت قرار بدهند؛ و آنچه را که امروز از تبلیغات در مورد ایالات متحده امریکا و سایر کشور های غربی می بینید و میشنوید همه دروغ است، در امریکا و اروپا نه دموکراسی وجود دارد و نه لبرالیزمی و نه سهولت زندگی... فقط گام های است که به منظور استقرار حکومت و امپراطوری آرمانی صهیونیست ها و تحقق دولت یهودی در سراسر جهان برداشته می شود، و این برای همه مردم جهان معلوم است که امروزه ایالات متحده امریکا هیچ حد و مرزی را باقی نگذاشته تا اینکه انواع جنگها و فساد و خونریزی را در سرتاسر دنیا بر پا نماید و همچنان واضح است که یگانه کشوری که با سیاست های تجاوز کارانه ای امریکا موازی در حرکت است رژیم سفاک صهیونیزم (اسرائیل) می باشد.

---

[1] . رواه مسلم : 2908.

[2] . در ین زمینه کتاب هاي حدیث به مانند؛ کتاب الفتن از نعیم بن حماد و کتاب الفتن از ابو عمر و کتاب الفتن از حنبل بن اسحاق ، النهاية في الفتن و الملاحم از ابن کثیر) و سائر کتب حدیث که هریک دارای باب در بیان [الفتن و الملاحم] فتنه های اخر زمان و جنگ ها تخریج کرده اند.

طوریکه در یکی از نمایشنامه های زشت و کریه ای که در دهه اخیر قرن بیستم مشاهده کردیم اقدام امریکا برای انتقال سفارت خود از (تل آویوو) به بیت المقدس [شهر مقدس اشغال شده مسلمانان] و اختصاص صد میلیون دلار جهت ساخت این سفارت بود، که از طرف احمد یوسف روزنامه نگار معروف مصری در روزنامه الاهرام قاهره افشاء و مورد نقد قرار گرفت[1].

و همچنان مردم دنیا شاهد اند که چندی پیش در قتل عام سه هفته ای که در نوار غزه صورت گرفت به صدها فلسطینی به شمول زن، مرد،خورد و بزرگ و اطفال کشته و زخمی شدند، که در مقابل عکس العمل شدید دنیا را در پی داشت، بجز از دولت امریکا که از کشته شدن هزاران کودک و نوجوان و این وحشی صفتی که توسط رژیم سفاک اسرائیل صورت گرفت حمایت و پشتیبانی خود را اعلان کرد.

بناً واضح است که امریکا سالهاست که نقاب دشمنی خود را با امت اسلامی و حق تاریخی ما را در مورد بیت المقدس از چهره خود برداشته و همچنان آشکار و در مقابل دید جهانیان از رژیم صهیونیست و اشغالگر اسرائیل و از ادعای افسانه ای آنان و افتراها و تجاوز گریهای آنها حمایت میکنند در حالیکه در مورد قتل عام که امریکا و صهیونیست ها در سودان، صومال، المغرب، الجزایر، یمن، پاکستان، عراق، افغانستان، چیچنیا [الشیشان]....وغیره نقاط جهان براه انداخته اند، اگر کسی چرا بگوید و به دفاع از حق مسلمان بپا خیزند و حمایت خویش را از مجاهدین آن مناطق اعلان کنند، بنام تروریست و حامی تروریستان و افراط گرا و دهشت افگن و مزدور سازمانهای جاسوسی یاد شده و به گواتنامو و غیره زندان های شخصی خودشان ویا دوستان منافق شان [از دولت های کفری حاکم و مسلط بر مسلمانان] انداخته میشوند.

همچنان سلاح بزرگ دیگری را که امروز بر علیه جهان استعمال میکنند، سازمان ملل متحد و قونین بین المللی مصوب این سازمان طاغوتی می باشد که در رأس آن ایالات متحده امریکا با تمام قدرت و ثروت یهود قرار دارد. و قصد دارند با استفاده از نام و موقف این سازمان تمام کشور های جهان را تحت کنترول و اداره ئی خویش داشته باشند و هرگونه فعالیت های دشمنانه و تجاوز کارانه و برنامه های صهیونیستی یهودیان را توسط قطع نامه ها، کنوانسیون ها و مصوبات این

---

[1]. قدس آرمان هر مسلمان ص 126.

سازمان مشروعیت بدهند، و قوانین طاغوتی آنـرا بـر بـالای ملـل [عم از مسلمانان و غیر مسلمانان] نافذ گردانند.

در ادامه این را واضح خواهیم ساخت که در حال حاضر صهیونستان بـا ملت امریکا چه بازی را انجام می دهند، طوریکه قبلاً نیز یـاد آوری کـردیم یهودیان چگونه بیشتر از سـه صـد میلیـون نفـوس امریکـا را غلام و بـرده خـویش سـاخته و تحت اسـتثمار قـرار داده اسـت و این را نـیز خـوب می دانند اما ایشانرا در چنان بن بستی قرار داده انـد کـه امریکـا را بـا همـان بزرگی آن برایشان به یک زندان کوچک تبدیل کرده انـد، و هـدف شـان از نشـر و رایج سـاختن کریـدت کـارت و دبت کـارت هـا، و شاسـنامه هـای الکترنیکی نیز همین میباشد که هیچ امریکائی نتواند برخلاف ایشان کـاری انجام دهد و حرفی بزبان بیآورد، و مردم دنیا هم به این فکر باشند که آنها در رفاهیت و آزادی و پیشرفت های روزمره اقتصادی و تکنـالوژیکی قـرار دارند، و با داشتن چنین وضعیت راحت به چیزی دیگری نیـازی هم ندارنـد، در حالیکه حقیقت کاملاً برعکس آن است.

امروز در ایالات متحده امریکا بیشتر از سـه صـد میلیـون نفـر شـب و روز [در حدود هژده ساعت] برای پیدا کردن دو وقت نان کـار می کننـد و بالاخره مزد خود را از طریق دبت کارت بانکی به شکل قرضه بدست می آورند، و مجبورند تا 20% از آن را که با عرق پیشانی به دسـت آورده انـد دو باره تحت نام مالیات بر عایدات [Income Tax] بپردازند، تـا بعـداً از آن پول خون مردمان بیگناه بشریت و یا دشمنان برنامه های اسـتثماری و صهیونیستی خویش را بین ببرند، در غیر آن نان یک ماهه آنها از نزد شـان گرفته می شود و از طرف دیگر در همان جامعه در پهلوی خود میلیونر ها و بیلیونر های یهودی را می بینند کـه چگونـه دنیـا را بـه کـام خـویش فـرو میبرند و قدرت فکـر و اندیشـه آنهـا را در انحصـاری خـود در آورده انـد و چشم و گوش مردم را منحصر بـه خـود سـاخته انـد یعـنی آنچـیزی را کـه خواسته باشـند بـرای شـان نشـان میدهنـد ، و بـاقی همـه سیاسـت هـای مرموز شانرا در پشت پرده های فریب خدعه ای مردم پنهانن نگهمیدارند.

که ان شاء الله در ادامـه تمـام این فتنـه هـا را بـه تـرتیب بـرای شـما آشکار خواهیم ساخت، امـا اگـر مختصـراً و واضـحاً بخـواهیم این نکتـه را بیان کنیم گفته می توانیم که امروز بقدرت الله همـه این امـور از اداره و کنترول شان خارج شده است.

قسمیکه قبلاً نیز اشاره کردیم که بانک فدرال امریکا که اختیار آن نـزد دولت امریکا نیست به صدها هزار میلیـارد دالـر چـاپ و در جهـان تقسـیم

کرده اند که تنها چهار تریلیون دالـر ذخـیره بانکهـای امریکـائی را تشـکیل میدهد، کـه مقـدار آن صـد هـا مرتبـه بیشـتر از طلاهـای ذخـیره شـده ای موجود نزد شان میباشد، که با اینکار دولت امریکا و بانـک مرکـزی ایـالات متحده[1] را پنجصد هزار میلیارد دالر از یهودیـان اسـرائیل و ششصـد هـزار میلیارد دالر از فدرال بانک یهودی امریکا و چند برابر دیگر از چین و جاپان و عربسـتان سـعودی...مقـروض گردانیـده انـد، یعـنی اگـر تـا قیـامت هم کوشـــش کننـــد این قـــروض را پرداختـــه نمی تواننـــد و غلام و بـــرده ای راتسچایلد باقی میمانند ، و از طرف دیگر بسـیاری از کشـور هـای جهـان بخاطر نگهداشت ثبات پولی کشور هایشان مقدار های هنگفت دالـر را در بانکهای خویش نگهداری کرده اند[2]، اما این امر خیلی به ضرر شـان تمـام شـده اسـت و دالـر ارزش جهـانی خـویش را از دسـت داده اسـت و بـه ورشکستگی مواجه شده است.

یعنی بـا یـک تحلیـل سـاده گفتـه میتـوانیم هرگـاه یـک شـخص آن قـدر مقروض باشد، که از پرداخت آن عاجز شود، مسلماً کسی برای او قرضه نمی دهد و حتماً برایش میگوید که برادر تو قروض کـه بـالایت وجـود دارد پرداخت کرده نمی توانی حالا اگر من برایت قرضه بدهم از کجا و چطـور آنرا دوباره برایم میدهی؟!!

درست همین وضیعت امروز دچار حال دولت امریکا شده است، یعنی تمام کشور های مانند؛ افغانستان، پاکسـتان، هنـد، چین، جاپـان، کشـوری های عربی... وغیره که انبار های دالر را در طـول سـالیان متمـادی بـرای ثبات پول کشور های خویش ذخیره ساخته اند، در حال حاضر به فکـر این اند که چگونه دالر را به یـورو [واحـد پـولی اروپـا] ویـا پـول بـا ثبـات تـر دیگری تبدیل کنند، و سالانه به صدها هزار میلیارد دالر دوبـاره بـه اشـکال کوناگون به بانک های امریکائی سپرده میشود، در حالیکـه شـرایط حاضـر دولت ایالات متحده امریکـا تحمـل پنج فیصـد دالـر هـای را کـه در جهـان انتشار داده اند ندارد، و این امر شدیداً دولت امریکـا را بـه تـورم پـولی [Inflation] مواجه میسازد از همین جهت کوشش دارند تا کریدت کارت و چپ کارتها و دبت کارتهای اعتباری را شدیداً رایج میسازند؛ و اینکه نتیجهء این انفلاسیون چه میشود؟!

نتیجـه این میشـود کـه دالـر در تمـام دنیـا ارزش خـویش را از دسـت میدهد، و بالاخره جهان را در بحران اقتصادی قرار میدهند که حـتی تصـور

[1] . State Bank of America.

[2] چرا که تمام طلا های دنیا نزد یهودیان جمع می باشد و یهودیان بالای اقتصاد امریکا کنترول تمام دارند بناً دالر در شرایط امروزی حیثیت طلا را به خود گرفته است .

این حالت برای شخص وحشتناک است، اما آنها برای بیرون رفت خویش از معضله و بن بست طرح جدیدی را روی دست گرفته اند که غیر قابل یقین و غیر قابل تصور در نظام اقتصاد می باشد، یعنی در حال حاضر آنها تصمیم دارند تا برای بیرون رفت ازین ورشکستگی بانک نوتهای جدیدی را روی کار آورند، و بمنظور آن در سدد ایجاد اتحادیه امریکای شمالی[1] که شامل ایالات متحده امریکا -کانادا - مکسیکو میباشند؛ بمانند اتحادیه اروپا، و وظیفه این سازمان یا اتحادیه تأسیس و ایجاد یک دولت اقتصادی امریکای شمالی است، یعنی میخواهند برای مردم جهان اعلان کنند که صد ها هزار میلیارد دالر امریکائی را که در بانک های خویش جمع آوری و ذخیره کرده اند نزد [دولت اقتصادی جدید] اتحادیه پولی و اقتصادی امریکائی شمالی ارزش و اعتبار ندارد و آن پول ها را دولت امریکا نمی شناسد، و پول جدیدی را که میخواهند جاری سازند به نام [Amero]میباشد، تا بمانند؛ ای یورو [Euro] اقتصاد پولی یک قسمت بزرگ و مهم جهان را تحت پوشش خود قرار داده است، ام یورور نیز بتواند منطقه امریکائی شمالی را تحت پوشش خود قرار بدهد و یک ساحه و منطقه ثروتمند اقتصادی و ثابت از لحاظ پولی را ایجاد کنند و همچنان از ورشکستگی اقتصادی و پولی که دامنگیر شان شده است خود را نجات بدهند، زیرا هرگاه آنهمه مقدار هنگفت دالر های چاپ شده دوباره به امریکا بازگشت داده شود ویا کشور های اقتصادی بزرگ جهان مانند؛ چین واحد پولی اروپا را خریداری نمایند، دالر کاملاً سقوط خواهد کرد و در این صورت حتی برای خود امریکایان نیز دالر قابل ارزش و اعتبار نمیباشد، همانگونه ایکه مارک آلمانی در زمان جنگ دوم جهانی و پول افغانی در زمان حکومت امارت اسلامی افغانستان ارزش و اعتبار خود را از دست داده بود ویا تومان و ر یال ایرانی که در حال حاضر ارزش خود را از دست داده است.

حالا شما فکر کنید اگر آنها [Amero] را روی کار بیآورند حال دنیا و اقتصاد آن چه خواهد شد؟ حتی تصور آن خوفناک خواهد بود، زیرا در دنیا در حال حاضر چهار بیلیون ازین پول ها چاپ شده است.

و از جهت دیگر بالا رفتن قیمت روز افزون طلا و نفت در جهان این ظن را به یقین تبدیل کرده است، که دالر در حال سقوط و ورشکست است و حتماً باید سقوط نیز کند، زیرا آنها خود این واقعیت را فهمیده اند بناً تمام سرمایه های خود را از سایر بخشها خارج ساخته و بالای منابع

---

[1] . [North Americal Monetary Union].

نفت و گاز سـرمایه گـذاری می کننـد تـا بـرای آینـده خـود نفت را ذخـیره داشته باشند، زیرا که نفت در ذات خود جنس با ارزشی است یعـنی پـول واقعی و قابل تبادله با سایر اجناس میباشد و همینطـور قابـل ذخـیره نـیز میباشـد و ارزش آن هم از بین نمی رود، از همین جهت در حـال حاضـر قرار داد های استخراج چاه های نفـتی کشـور هـای عـربی را بـرای مـدت های طویل [حتی 99سال] انحصاراً به امضاء میرسانند، چون میداننـد کـه امکان ندارد در یک شبانه روز قیمت نفت ٪7-10 افزایش یـا کـاهش پیـدا کند، یعنی آمادگی های لازم را برای سقوط ارزش دالر گرفته اند تـا مـانع این ضربه اقتصادی بر بالای خویش شوند، وهمچنان آماده هسـتند تـا پـول جدیدی را با ارزش جدید چاپ و عرضه نماینـد، زیـرا دالـر بطـور فاحشـی سـقوط خواهـد کـرد و امـروز در نهـایت مراحـل مقـاومت و تحمـل خـود رسیده است، چرا که تا امروز توانستند آنرا بطور تقلبی استوار نگهدارنـد بمانند آنکه تعمیر در حال تخریب را با گل و چونه ترمیم و یا پرکاری کـنیم تا از ویرانی آن جلوگیری کرده باشـیم ، امـا این بـار هیچ راه بـیرون رفت ازین ورشکست وجود ندارد، و همچنان هیچ کشوری حاضر به دادن قرضه برای شان نیسـت بلکـه نمی تواننـد چـنین قرضـه ای را بدهنـد تـا اقتصـاد ورشکسته ای را با این بـزرگی نجـات بدهنـد، امـا آنچـه قابـل دقت اسـت تحمل این وضعیت برای کشور های دیگر خصوصاً کشور های غیر صـنعتی و مصرفی که قیامتی بر بالای آنها برپا خواهد شد.

امروزه بانگداران یهودی در دنیا چنان بازی را براه انداختـه انـد کـه در هر آن منطقه ای که زندگی میکنند نخست آنجا را به نفع خـود غصـب می کنند، سپس برای بقای خویش در همان منطقه هر گونه فساد و خونریزی را برپا می سازند، شما در تاریخ خوانده باشد که حتی عیسویان آنهـا را از مناطق خود بیرون میکردند و آنها را می کشتند، زیـرا عقیـده افسـانه ئی شان آنسـت کـه بغـیر از یهودیـان در روی زمین انسـانی نیسـت، بلکـه در چهره انسان موجوداتی است که برای خدمت به یهود آفریده شده اند، بناً کشتن، غصب اموال، و هرگونه تجاوز بر علیه ایشان حلال است.

یهودیان با این شبکه های وحشتناکی که بـرای اسـتثمار مـردم سـاخته اند، میخواهنـد ملت هـای بـزرگ را تحت شـعار دموکراسـی و جمهـوری و آزادی، حقوق بشر، حقوق اساسی... مست و بیخود نگهدارند تا خودشـان بتوانند آزادانه برنامه های جهانی خـویش را تحقـق بخشـند، و کسـی بنـام دین ویا مذهب برایشان مـزاحمت ایجـاد نکنـد، زیـرا این را خـوب میداننـد انسان بالطبع اسیر خواهشات نفسـانی خـویش هسـت هنگامیکـه خـود را

آزاد ببیند هیچ محدودیتی را نمی شناسد و از هر مرزی تجاوز میکند تا خواست و خواهشش را محقق سازد، همانطوریکه الله متعال میفرماید: {**إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى، أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى**}-ترجمه: حقا که انسان طغیان و سرکشی میکند [یعنی: از حد و حدود خود میگذرد]، چون خود را بی نیاز (و آزاد) ببیند، و هنگامیکه فرعون خود را بی نیاز و آزاد یافت طغیان و سرکشی کرد و خود را اله بزرگ نامید، طوریکه الله متعال میفرماید:{**اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى**}- ترجمه: (ای موسی) بسوی فرعون برو، که او طغیان و سرکشی کرده است [و از حد انسان بودن و بنده بودن خود تجاوز کرده است]، و این از خصائص آزادی مطلق است که هرگاه برای انسان داده شود هرگونه وحشی گری و حیوان صفتی را برای خویش مباح میگرداند، که تصویب قوانین همجنس بازی در ایالات متحده امریکا و غیره کشور های غربی نمونه بارز آن است.

شاید بعضی ها بگویند که این حرف ها چیست که میگوئی؟! دیموکراسی، جمهوریت مردمسالاری بهترین نظامهای است که در آن اراده و حاکمیت مطلق مردم یک کشور تمثیل میشود، و مردم خود در چنین نظام تصمیم میگیرند که سرنوشت شانرا خود تعین کنند و مفید ترین و مؤثر ترین نظام برای یک ملت است...!!!

اما باید دانست که این طور نیست بلکه آزادی انسان باید محدود شود و همچنان هیچ بشری حق ندارد تا آزادی بشر همنوع خود را محدود کند ، و این صرف الله عزوجل است که محدودیت برای ما وضع کرده است و توسط انبیاء خویش برای ما آنرا ابلاغ نموده است ، و مجموع همین محدودیت ها، اوامر و نواهی دین است، و دین پذیرفته شده نزد الله دین اسلام میباشد که دین همه ای انبیاء نیز است، و شریعت محمد صلی الله علیه وسلم بعنوان آخرین شریعت و ناسخ همه شرائع [قوانین] انبیاء قبل از خودش و کاملترین در ذات خود میباشد و برای همه بشریت نظامی حیات و زندگی در همه امورات شان است، و ساختن هر محدودیتی و یا آزادی بر خلاف این کتاب و دستورات نبی صلی الله علیه وسلم که جزء قرآن است، بر خلاف دین الله ساختن دین دیگر و پیروی نمودن دین دیگر است، زیرا قبلاً بیان کردیم دین بمعنی؛ مجموع عقائد، وعد و وعید (وعده به مکافات و مجازات) و اوامر و نواهی، و اختیار شیوه ها و مناهج حیات و زندگی است، و دیموکراسی، کمونیزم، لیبرالیزم، سیوسیالیزم، جمهوریت....همه متشکل از همه اجزای یک دین میباشد، عقیده در آن وجود دارد، اوامر و نواهی در آن با اختلاف نوعیت

هایشان به طبقات خاص اختصاص داده شده است، و وعده و وعید نیز در آن وجود دارد، بخاطر جنگیده میشود و قربانی داده میشود پس از دین هیچ فرقی ندارد، جزء اینکه این همه ادیان باطل و طاغوتی است زیرا اطاعت و پیروی از دینی عبادت صاحب آن دین است و این حق [یعنی عبادت]صرفاً برای الله شناخته شده است.

طوریکه الله متعال میفرماید:{**إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ**}- یوسف/40.

ترجمه: فرمانروائی تنها از آن الله است، فرمان داده است که جز او را نپرستید، اینست دین راست و استوار، ولیکن بیشتر مردم نمی دانند.

و میفرماید: {**وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا**}-الکهف/26.

ترجمه: و (الله) در فرماندهی و قضاوت خود کسی را شریك نمیسازد.

و میفرماید: {**إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ....وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ**}- آل عمران/ 19...85.

ترجمه: همانا دین (حق) نزد الله اسلام است.... و هرکس که دینی غیر از دین اسلام بر گزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت از زیانکاران است.

و در مورد تطبیق قوانین الهی و شرائع اسلام میفرماید:{**يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ**}- ص/26.

ترجمه: ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه (= فرمانروا) قرار دادیم، پس به حق در میان مردم داوری و قضاوت کن، و از هوای (نفس) پیروی نکن که تو را از راه الله گمراه میکند، بی گمان کسانیکه از راه الله گمراه گردند، عذاب شدیدی (در پیش) دارند.

و میفرماید:{**وَأَنِ احْكُمْ بَينَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يرِيدُ اللَّهُ أَنْ يصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ**}- المائدة/49.

ترجمه: و در میان آنان (=یهود) بر اساس آنچه الله نازل کرده حکم کن، و از هوسهای آنان پیروی مکن، و از آنان بر حذر باش، مبادا تو را از بعضی از چیزهای که الله بر تو نازل کرده منحرف کنند، و اگر آنها (از

حکم تو) روی گردانند، پس بدان که الله میخواهد آنان را به (خاطر) پاره ئی از گناهانشان مجازات کند، و بی گمان بسیاری از مردم نافرمانند.

و میفرماید: {**أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا**}- النساء/60.

ترجمه: آیا ندیده ای کسانی را که گمان می کنند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده است؛ ایمان آورده اند، (در حالیکه) میخواهند برای داوری و قضاوت نزد طاغوت (و حکام سرکش، بی دین) بروند، با آنکه به آنها دستور داده شده که به او کفر ورزند، و شیطان میخواهد گمراه شان کند، و به گمراهی دوری (بیفکند).

بناً هر کسیکه بخواهد قانونی را بر خلاف قوانین شریعت اسلام وضع و تطبیق کند طاغوتی از طواغیت است، و اطاعت کردن از وی عبادت او و شریک قرار دادن به الله است، هرچند شخص بالای خود گمان و ظن ایمان را داشته باشد، و خود را مسلمانان بگوید و هر روز کلمه توحید و شهادتین را بخواند.

و در نظام دیموکراسی آنچه پایه های آنرا تشکیل میدهد، آزادی عقیده و آزادی بیان، و اعتبار اصل اکثریت میباشد، که همه اینها معیار ها و ارزش های باطل و شرکی و در مخالفت صریح با شریعت اسلام و توحید میباشد، و الله متعال در مورد اصل مذموم اکثریت میگوید:{**وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يخْرُصُونَ**}-الأنعام/116.

ترجمه: و اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه الله گمراه می کنند، زیرا (آنها) جز از گمان پیروی نمی کنند، و جز به دروغ سخن نمی گویند.

و میفرماید:{**وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ**}- الروم/8.

ترجمه: و بی تردید بسیاری از مردم به دیدار رب شان (در روز قیامت) نا باورند [یعنی: کافر هستند و به روز آخرت و حساب عقیده ندارد].

و میفرماید: {**وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يعْلَمُونَ**}-الأعراف/187.

ترجمه: ولی اکثریت مردم نمی دانند [و حق را نمی شناسند].

و نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**ما صُدق نبي من الأنبياء ما صدقت، إن من الأنبياء من لم يصدقه من أمته إلا رجل واحد**».[1]

ترجمه: هیچ نبی از انبیاء آنقدر تصدیق نشده اند (امت بیشتر ندارند) به اندازه که من تصدیق شده ام ، و از میان انبیاء کسانی هستند که جز يك فرد هیچ کسی دیگر نبوت وی را تصدیق نکرده است.

پس اگر اکثریت دائماً بر حق استوار باشد موقف این انبیاء در کجا است؟ در حالیکه تنها با او يك شخص میباشد، و همینطور اگر دیموکراسی واکثریت بر حق باشد ، پس قوم لوط در برابر لوط علیه السلام در حق قرار داشتند ، و فرعون در برابر موسی علیه السلام اکثریت بود ، و نمرود در مقابل ابراهیم علیه السلام ، و قریش در برابر محمد صلی الله علیه وسلم در اکثریت قرار داشتند ، اما همه این اکثریت ها در باطل و بر علیه حق بوده اند.

و ترویج و انتشار چنین افکار نیز سازمان های بزرگ تحقیقاتی-جاسوسی یهودیان است، که رهبران کشور ها را در قمار (مرمی یا حساب بانکی) قرار میدهند و سپس امور کشور هایشان تحت کنترول و اداره ئی خویش در میآورند، و نهاد ها مختلفی بنام جامعه مدنی، دیده بان حقوق بشر ....وغیره به رسانه ها را در دفاع از خویش و افکار و اندیشه های خویش وسیله میگردانند، و افکار مردم را هر طوری که خواسته باشند جهت میدهند زیرا قبلاً بیان نمودیم بیشترین مردم نمی دانند، و عالم، سیاست مدار، آگاه در مسائل اقتصادی و فقیه در علوم دینی و شرعی نیستند تا نیرنگ های آنان را درک کنند.

با در نظر داشت همین حقیقت آزادی در اسلام وابسته به انگیزه های اجتماعی و عوامل اخلاقی میباشد لذا اسلام آزادی دروغ گفتن ، آزادی توهین کردن ، آزادی تهمت بستن و قاچاق مواد مخدر را مردود می شمارد، و مردم را از عبادت غیر الله و بت پرستی و بندگی بنده رهائی می بخشد، و قانونی برای سازماندهی آزادی آورده است تا از سوی هیچ فردی بر آزادی و حقوق دیگران تجاوزی صورت نگیرد، پس آزادی که اسلام می خواهد آزادی مقید و در عین زمان استوار بر حق و مسؤلیت می باشد[2] .

در حالیکه اگر متوجه شویم هر شب به ده ها میزگزد و گفتمان در تلویزون ها و رادیو ها ثبت و بنشر سپرده میشود که چند فرد احمق که

[1] . مسلم.
[2] . آزادی های انسان در پرتو قرآن و سنت/ داکتر سید جان بیان ص13.

دارائی عقاید مزخرف و پوچ و الحادی هستند در آنجا جمع شده و فریاد از دیموکراسی و حکومت مردم میزند، بدون آنکه بداند آنچه را میگوید کفر است و خود در تقویه و حمایت از دین کفری ساخته شده مشرکین و طواغیت قرار دارد و یا اینکه چند زن را بی عفت ساخته و در جاده ها شعار دیموکراسی و آزادی زدن را بدست شان داده و از عزت وعفت که اسلام برای آنان شناخته است بیرون شان کرده است.

مبحث پنجم

ملیت گرائی و دلیل از هم پاشیده شدن ملت های بزرگ

در مبحث قبلی در مورد اقتصاد دیجیتال و هدف از ترویج و گسترش آنرا به مباحثه گرفتیم، سپس به درگیر ساختن ملت ها به عناوین مختلف پرداختند تا کشور هایشان تباه و ویران گردد سپس به بهانه عمران و آبادی کشور از نو، وارد این سرزمین ها شدند و ایشانرا را وادار به گرفتن قرضه از طریق بانک جهانی و صندق بین المللی پول نمودند، سپس خائن ترین و بی دین ترین افراد را در رهبری این ملت ها قرار دادند، و آنان به ملزم به اختیار یکی از دو انتخاب [مرمی یا حساب بانکی] کردند، بعداز آن منابع مختلف ثروت در آن کشور را در انحصار و تصرف خویش در آوردند، تا بتوانند به اهداف بزرگ و غایه ای نهائی خویش که همانا حکومت جهانی یهود است برسند.

درین مبحث به این موضوع خواهیم پرداخت که چرا ملتها را از هم پاشیدند و ملیت و ملت گرایی در میان شان ترویج گردیده است، و طرح کسنجر را چگونه برای تقلیل نفوس با استفاده از شیوه های مختلف؛ شیوع امراض ساری، جنگهای خونین و بزرگ، گسترش فقر، بی عتبار

ساختن حکومت های کوچک در نزد ملت هایشان وغیره به تطـبیق گرفتـه اند، و برای تحقق آن یک ملت، قوم و آئدیولوژی را در برابر ملت، قـوم و آئدیولوژی دیگر قرار میدهند.

مهین دوستی یا میهین گرائی در انگلیسی نشنلیزم و در عربی الوطینه یکی از بُت های معاصر است که بغیر از الله عبادت میشـود همانطوریکـه گـاهی این اصـطلاح بـه همین معـنی نـیز اسـتعمال میگـردد ماننـد؛ وطن پرستی یا مهین پرستی...وغیره، و یا شعار های مهینی و قومی و یا سرود های ملی ای که در میان کشـور هـا و اقـوام تـرویج کـرده میشـود[1]، و یـا اینکه آثار باسـتانی و رسـم و عنعـات گذشـته گـان زنـده سـاخته میشـود، طوریکه جشن های نوروز شرکی و کفری ویا افتخار و مبـالات بـر تنـدیس های بودا در افغانستان، و آثار باستانی فراعنه مصری، و قومیت عربی در میان اعراب، و تمویل و تشویق شعر و شاعران درین راستا، تا شعر هـای قومی و مهینی بسرایند، یا اینکه حس تقویت فرهنـگ و زبـان یـک ملت را در وجود همان قوم و ملیت در بر انگیزند، مانند؛ عربی و عربیت، فارسـی و فـارس[2]، پشـتو و پشـتونیت....وغـیره، تـا تحت همـان سـرود و محبت و بیرق جنگیده و به قیمت خونش بنام خاک و سـرزمین، حـزب و جمیعت و یا قوم و سمت و زبان بدون آنکه ایمان و اسلام افراد آن دیـار را در نظـر داشته باشد از این عقیده طاغوتی و کفری با خـون خـود دفـاع میکننـد، و هدف اصلی آن طوریکه قبلاً نیز اشاره کردیم، اولاً: ضعیف ساختن روحیـه اسلامی و التزام به احکام شرعی است، و ثانیاً: درگیر سـاختن این اقـوام با یکدیگر تحت همین مسمی، ثالثاً: هر قـوم و ملیت را درگـیر سـاختن در مشکلات ذات البینی خودشان و تجرید شان از ملت بزرگ اسلام و ایمان، و در نتیجه این همـه بـاعث بـر آن میشـود کـه فـرد، بخـاطر وطن و قـوم خویش دوست داشـته باشـد و دشـمنی کنـد، و بخـاطر آن بکشـد وکشـته شود، و بخاطر آن با دیگران دوستی و علاقه کند، و نفرت و کینه گیرد، که این همه عین عبادت وطن و قـوم بـه غـیر اللـه عزوجـل میباشـد، زیـرا از صـفات و خصـائص بـارز عبـادت مـوالات [دوسـتی] و معـادات [دشـمنی] بخاطر ذات آن کس و یا موجود میباشد، و موالات و معادات کمـال محبت شخص نسبت به آن چیز میباشد، و تمثیل کمال محبت جز به اللـه عبـادت

[1] . مانند، گر ندانی غیرت افغانیم چون به میدان آمدنی میدانیم، و یا شعار ترک ها، ما قومی هستیم که زمانی بر و بحر کره زمین قلمرو ما بود، و یا شعار های قومیت عربی که صلیبیان توانست اعراب را بر علیه ترک ها عثمانی بشورانند، که این موضوع تاریخ بزرگی و مشهوری دارد.

[2] . یک تعداد از شوق ، فارسی و فارس را بسیار با اشتیقاق و خروش پارس و پارسی تلفظ میکنند.

همان موجـود اسـت، طوریکـه اللـه متعـال میفرمایـد:{**وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُـوا أَشَـدُّ حُبًّا لِلَّهِ**}- البقرة/165.

ترجمه: و از مردم کسانی هستند که غـیر از اللـه همتایـانی را انتخـاب می کنند، و آنها را مانند دوست داشتن اللـه دوسـت میدارنـد، و کسـانیکه ایمان آورده اند الله را بیشتر دوست میدارند.

طوریکه نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید:«**أوثق عـری الإیمـان: المـوالاة فی اللـه، و المعـاداة فی اللـه، و حب فی اللـه، و البغض فی الله تعالی**»[1].

ترجمه: محکم ترین گـره ایمـان: مـوالات[2] بـرای اللـه، و معـادات بـرای الله، دوستی برای الله و دشمنی برای الله تعالی است.

پس هرگاه محکم ترین گـره ایمـان و توحیـد، مـوالات و معـادات،حب و بغض برای الله باشد، درینصورت بر عکس آن باید محکم ترین گره شرك و کفر موالات برای مخلوق و معادات برای مخلـوق، حب بـرای مخلـوق و بغض بـرای مخلـوق و غـیر اللـه میباشـد و فـرق نمی کنـد کـه این شـیء مخلوق باشد و یا صفت مخلوق را داشته باشد.[3]

در حالیکه نبی صلی الله علیه وسلم میفرمایـد:«**من قتل تحت رایـة عمیة، یدعو عصبیة، أو ینصر عصبیة فقتلة جاهلیة**»[4].

ترجمه: کسیکه تحت بیرق نامعلوم (بدون بصیرت در حق بودن و باطل بودن آن) و یا بسوی عصبیت (قوم گـرائی، حـزب گـرائی، ملیت و زبـان گرائی...) دعوت کند، و یـا عصـبیت را یـاری دهـد، اگـر کشـته شـود و یـا بکشد در جاهلیت انجام داده است و بر جاهلیت مرده است.

و میفرماید: «**من قاتل تحت رایة عمیة یغضب لعصبیة أو یـدعو لعصبیة أو ینصر عصبیة فقتـل فقتلـه جاهلیـة و من خـرج علی**

---

[1] . أخرجه احمد وغیره، صحیح الجامع الصغیر:2539.

[2]. موالات و معادات، مفهوم وسیع دارد، و طوریکه بعضی ها این را در دوستی و دشمنی خلاصه کرده اند نیست، حتی درین مورد کتاب های مستقل نوشته شده است و گونه های موالات و معادات در آن بیان گردیده است ، طوریکه بعضی از علماء استعمال تاریخ میلادی و اشتیاق استعمال صنایع کفار را را نیز از جمله موالات به کفار می نامند، اما بصورت عموم موالات و معادات عبارت: از تمائل و عدم تمائل شخص با تفاوت میزان این تمائل به امری و یا چیزی بخاطر ذات آنچیز و یا غیر آن است.

[3] . برای توضیحات بیشتر مراجعه گردد به : شروط لا اله إلا الله – تألیف أبوبصیر الطرطوسی، ترجمه فارسی از مؤلف همین اثر.

[4] . مسلم.

أمتي بسيفه يضرب برها و فاجرها ولا يتحاشى من مؤمنها و لا يفي لذي عهد عهده فليس مني و لست منه»[5].

ترجمه: کسیکه تحت بیرق نامعلوم (بدون بصیرت در حق بودن و باطل بودن آن) و یا بسوی عصبیت و تعصب (قوم گرائی، حزب گرائی، ملیت و زبان گرائی...) دعوت کند، و یا عصبیت و تعصب را یاری دهد، اگر کشته شود و یا بکشد در جاهلیت انجام داده است و بر جاهلیت مرده است، و کسیکه بر علیه امت من شمشیر میکشد و نیکوکار و بد کار آنرا میکشد و از کشتن مؤمنان آنها باک ندارد و با هیچ کسی به عهد و سوگند خود وفا نمیکند پس او از من نیست و من از او نیستم.

و این حرف را نبی صلی الله علیه وسلم آنزمانی زد که میان انصار و مهاجرین مشاجره لفظی صورت گرفت و انصار انصاریان را خواستند ، و مهاجر مهاجرین را.

و درین دعوی و تعصب جاهلیت، دعوت بسوی موالات و معادات، حزبی ، قومی، گروهی، مهینی و کشور....همه داخل میباشد، و هریک در ذات خود طاغوت است، بلکه لازم است محبت و بغض، ولاء و براء صرفاً بخاطر الله صورت گیرد، و آنکه الله را دوست دارد از شریعت نبی او صلی الله علیه وسلم پیروی میکند و بخاطر تطبیق و قائم گرانیدن و دفاع شریعت او میجنگد ولو در هر زمینی باشد و هر طرفی که قرار گیرد گاهی لازم میشود بخاطر دفاع از دین الله و شریعت رسول اش در مقابل پدر و برادر و پسر و خویشاوندان ، قوم و وطن خویش شخص قرار گیرد و علیه آنان بجنگند تا آنکه کشته شود ویا شریعت قایم گردد؛ طوریکه الله متعال میفرماید: {**قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ**}- آل عمران/31.

ترجمه: بگو! اگر الله را دوست می دارید، پس از من پیروی کنید، تا الله شما را دوست بدارد.

و میفرماید:{**قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ**}- آل عمران/32.

ترجمه: بگو! الله و پیامبر او را اطاعت کنید، پش اگر (سرپیچی نمودید) قطعاً الله کافران را دوست نمی دارد.

و میفرماید: {**لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ**

[5]. مسلم.

عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ}-المجادلة/22.

ترجمه: هیچ قومی را که ایمان به الله و روز قیامت دارند نمی یابی که با کسانی با الله و رسولش (دشمنی و) مخالفت می ورزند، دوستی کنند، اگر چه پدران شان یا فرزندان شان یا برادران شان یا خویشاوندان شان باشند، آنها کسانی هستند که الله ایمان را در (صفحه) قلب هایشان نوشته است، و به روحی از جانب خود آنها را تقویت (و تأیید) نموده است، و آنها را به باغ های (از جنت) وارد میکند ، که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن می مانند، الله از آنها خشنودند، آنها از الله ، آنها حزب الله هستند، آگاه باشید که همانا حزب الله رستگارانند.

و این آیت بزرگترین حکم و قانونی است در پیروی و اطاعت از الله و رسول او صلی الله علیه وسلم و اعلان کفر و براءت از هرگونه حزب گرائی، قوم گرائی، ملیت گرائی، فرقه گرائی، و گرایش های زبانی و سمتی ، و تحریم هریک ازینها [با اختلاف اسم های اسلامی و غیر اسلامی که بالای آنها گذاشته میشود] و تمسک به قرآن و سنت و ساختن جامعه ای به مانند جامعه صحابه رضی الله عنهم.

اما یهودیان صهیونست با استفاده از شیوه های مختلف این همه موارد را در میان ملت های ترویج و گسترش میدهند، و آنرا بعنوان سلاح و حربه بزرگ برای شکستاندن ملت ها خصوصاً ملت اسلام بکار میبرند، که یکی از شیطانی ترین این دسیسه های ساختن اعلامیه ای بنام، اعلامیه جهانی حقوق بشر است، که موارد فوق را برای افراد و ملت ها به عنوان حقوق اساسی شان شناخته است، و در آن آزادی عقیده، تحزب، فرقه گرائی، قومی گرائی، سخن گفتن به لسان های مادری، حمایت از آثار فرهنگی مادی و معنوی هنری و باستانی...وغیره وسائل تخریبی وحدت عقیده صحبت بعمل آورده اند و آنرا جز قوانین اساسی کشور های ساخته اند با هر کشوری به اساس همین معیار معامله میکنند، و همچون عقائدی را میان مردم تبلیغ و ترویج میکنند، و بعضی اقوال و احادیث جعلی و موضوعی را در همین باب بخاطر تأیید خویش و فریب مردم انتشار میدهند مانند؛ حدیث: «**حُب الوطن من الایمان**»[1]، - یعنی دوستی وطن جز ایمان یک مسلمان و مؤمن است، ویا شبهه ای اینکه وطن و خاک از جمله مال و عرض میباشد، و رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته است کسیکه بخاطر دفاع از مال و حدود خود کشته

---

[1] . السلسلة الاحادیث الضعیفة و الموضوعة: 36 (موضوع).

شود شهید است، وغیره چنین اقوال هیچ مـوردی نـدارد و کـاملاً اسـتدلال باطل است، زیرا قسمیکه قبلاً نـیز اشـاره کـردیم وطن و قـوم و قبیلـه و خانواده در برابر حق قرار گـرفت دشـمنی بـا آن لازم اسـت، و از طـرف دیگر زمین، خاک و وطن چیزی نیست که به افـراد آن ملت تعلیـق داشـته باشد بلکه زمین الله است و به الله تعلق دارد و هر مسلمان نسبت به هر نقطه زمین مساویاً حق دارد که در آنجا زندگی کند و در آنجا قـوانین اللـه را تطبیق کند و بخاطر آن در هر نقطه ای از زمین بجنگـد و مبـارزه کنـد، خاک سرزمین از هر مسلمان است و دفـاع از آن بـر هـر مسـلمانا واجب است، همینطور افغانستان،عراق،پاکستان، یمن، چیچنیـا، فلیـپین،سـودان، صومال،....وغیره سرزمین های اسلامی هر مسلمان میتواند درین کشـور های زندگی کند و بخاطر دفاع از آن همه کوشـش هـای خـویش را انجـام بدهد، طوریکه برای امریکـائی و بریتانیـائی و فرانسـوی.... مسـلمان لازم است با کشور و سرزمین و حکـومت خـویش بخـاطر فلسـطین، عـراق و افغانستان دشـمنی و قتـال کنـد و بـراءت خـویش را از وطن و سـرزمین خـویش اعلان کنـد و بخـاطر دفـاع از آنـان بـا مسـلمانان یکجـا شـود، همانطوریکه اصل برزگ اسلامی درین زمینه از نبی صلی الله علیه وسلم روایت است که میفرماید:«**مثل المؤمنين في تـوادهم و تـراحمهم و تعاطفهم كمثل الجسد إذا اشتكى منه عضو تداعى لـه سـائر الجسد بالسهر و الحمى**».[1]

ترجمه: مثال مؤمنان در دوستی و مهربـانی و عطـوفت بـا یکـدیگر بـه مانند جسد است، طوریکه هرگاه عضوی از آن بدرد آید و یا مجـروح گـرد به تمام بدن درد و اذیت آن به تمام بدن سرایت میکند.

پس زمانیکـه مسـلمان و مـؤمن در فلسـطین و عـراق ، و چیچنیـا و فلیپین و بورمـا و صـومال و سـودان و یمن کشـته میشـود بایـد مسـلمان امریکائی و فرانسوی و بریتانیائی درد آنرا احساس کنـد و آنـانرا بـر علیـه دیار و سرزمین خویش و مردمان آن یاری رساند.

و در خطبه تاریخی خویش (حجـة الوداع) خطاب به مردم فرمود:« **يا أيها النـاس ، ألا إن ربكم واحد ، وإن أبـاكم واحد ، ألا لا فضل لعـربى على عجمى ولا لعجمى على عـربى ، ولا أحمر على أسود ، ولا أسود على أحمـر، إلا بـالتقوى إن أكـرمكم عنداللـه أتقاكم ألا هل بلغت؟ قالوا بلى يـا رسـول اللـه، قـال: فليبلـغ الشاهد الغائب».**[2]

---

[1] . أخرجه مسلم، و أحمد ، صحيح الجامع: 5849.

[2] . رواه أحمد، صحيح الترغيب و الترهيب: 2963.

ترجمه: ای مردم! بدانید که رب شما یکی است، و پدر شما یکی، هیچ عرب بر عجم برتری ندارد و هیچ سرخ پوستی بر سیاه پوست و هیچ سیاه پوستی بر سرخ پوست، جز به تقوا، و گرامی ترین شما نزد الله با تقوی ترین شما است، آیا این رسالت [پیام الهی] را برای شما رسانیده ام؟ همه گفتند: بلی یا رسول الله، گفت: پس کسیکه ایجا حضور دارد و حرف ما را شنیده است برای کسیکه حضور ندارد آنرا برساند.

اما این عقیده طاغوتی نشنلیزم و ملیت گرائی، حزب گرائی و فرقه گرائی... صرفاً جهت تخریب و نابودی عقیده الهی و چور و چپاول ملت های و کشور ها و ثروت آنها و بر پائی جنگ و خونریزی میان این ملت ها، برای تحقق و رسیدن به اهداف خود دنیا برنامه ریزی کرده اند، تا آنکه پشتون و تاجک در افغانستان، پنجابی و سندی و صوبه ای در پاکستان و ترک و فارس و عرب در آسیای میانه، و فلان حزب را با علان حزب علیه یکدیگر قرار دهند تا دور از اعتقاد اسلامی هرکس بسوی ملت و ملیت و قوم و حزب خود دعوت کند و کلمه حزب و قوم ...را بلند نموده و آنرا اساس ولاء و براء برای خویش قرار دهد، و این طوریکه قبلاً نیز یاد آورده کرده بودیم طبق پرتوکول های 1897میلادی بزرگان صهیون انجام میگیرد، تا سرزمین های بزرگ را به کشور های کوچک تقسیم کرده و در میان مردمان شان عقاید ملی گرائی (Nationalism) را ترویج کنند، که بر اساس آن هر قومی در یک محدوده خاص جغرافیایی قرار بگیرد، و از طرف دیگر با تقویت و به غلیان آوردن این حس بایکدیگر بجنگند و نفوس جهان به حد اقل آن برسانند، طوریکه جنگ اول جهانی را در میان سالهای (1914-1918م) برپا نمودند، و در میان سالهای (1919-1925م) با تجزیه کشور های بزرگ و قدرتمند بیش از پنچاه کشور خورد و کوچک را در داخل اروپا و در نقاط مختلف جهان تحت عنوان قومیت و ملیت و زبان مستقل و سرزمین مستقل به وجود آوردند و برایشان نام، حدود جغرافیائی، بیرق، سرود ملی قرار دادند و هدف از این کار شان نیز واضح بود، چون تجاوز و اشغال و بالاخره تحت کنترول در آوردن یک کشور کوچک به مراتب آسان و مناسب تر نسبت به یک کشور و قلمرو بزرگ و قدرتمند می باشد.

طوریکه که در قدم نخست گوشه ای از خاک فلسطین و مسجد الاقصی را «اسرائیل» نام گذاشتند و به حمایت انگلیس و سپس امریکا آنرا اشغال کردند و سایر ملتها مسلمان را گفتند این قضیه تنها به مردم

و ملت فلسطین تعلق دارد و به شما هیچ مربـوط نمی شـود بنـاً آنـان هم تماشـا دیدنـد، سـپس بـه ویتنـام رفتن هرگونـه فسـاد و خـونریزی را کـه خواستند انجام داده و دنیا را گفتند به شما مربوط نمی شود و این قضـیه به ملت ویتنام و ویتنامی ها تعلیق دارد، بعـد بـه عـراق حملـه کردنـد و بـه صدها هزار مـرد و زن و جـوان و طفـل را بـه قتـل رسـانیدن و گفتن این قضیه مربوط ملت عراق میشـود و بـه سـائر مسـلمانان ارتبـاطی نـدارد، سپس در یک دهه گذشته افغانستان را اشغال کردند و باز هم همان حرف خود را میزنند، و حالا صحبت از تجاوز و اشغال ایران و پاکستان را مطرح میسازند؛ و از طرف دیگر هریک ازین کشور ها را درگیر مشـکلات داخلی ایشان ساخته اند، و هر روز برایشـان هـزاران مشـکل و چـالش از طـرق مختلف ایجاد میکنند، طوریکه اگر کشـور فقـیر باشـد آنـرا بـه ورشکسـت اقتصادی مواجـه میسـازد، و اگـر کشـور ثروتمنـد باشـد آنـرا در تحـریم و جنگهای داخلی و منطقه ای قرار میدهد.

و بخاطر تسهیل و آسان سازی این برنامه هـای خـویش لازم دارنـد تـا عقائـد ملت گـرائی و قـوم گـرائی، تعصـب و بـدنیتی ملت هـای بـزرگ بخصوص ملت اسلام را نسبت به یکدیگر ترویج دهند تا آنکه یک قوم را در برابر قوم دیگر، یک ملت را در برابر ملت دیگر، یـک همسـایه را در برابـر همسایه دیگر متنفر و مـنزجر سـازند و یکـدیگر را عامـل بـدبختی خـویش بدانند و سپس برنامه های خویش را به آسانی دنبال کنند.

و نشـنلیزم عملاً در حـدود يك قـرن قبل توسـط یـک جـنرال انگلیسی برای اولین بار در جزیره عرب داخل شد و شخصـی بنـام شـریف حسـین کـه در آنـوقت امـیر مکه بـود علیه ترکـان عثمـاني اعلان جنـگ کـرد و به شامات – سورية ، فلسطین ، اردن- تحت نام قیـام عـربی کـبری (الثـورة العربية الكبرى) حمله نمودند ، که در حقیقت خیانت عـربی کـبری بـود که وحدت مسلمین را را هم پاشـیده و بر اثر آن در شـامات متـولی شـدند و ترك های عثمانی را از آنجا جـبراً در میـان سـالهای 1916-1918 بـیرون راندند.

و این رهبر انگلیس اللورد آدموند اللنبی (1861-1936)که در کنار شریف حسین حضور داشت و جنگ را سازماندهی می کرد کسی بود که می گفت – آی ای صلاح الدین ما برگشتیم و برای همیش درینجا ماندگار شدیم – و همین انگیس ها بودند که بعداً فلسطین را به یهودیان تسلیم کردند ، ودر اثر موافقتنامه سایکس بیکو که انگلیس ها با فرانسوي ها امضاء نمودند –سورية و لبنان – را به فرانسه واگذار کردند و – عراق و اردن- را خود ایشان تحت استعمار خویش در آورند ، و شریف حسین که

وی را وعده پادشاهی بر ملك عرب داده بودند به قبرص – که در آنوقت شهر صلیبی بود- تبعید نمودند[1].
و فرزندان این شریف امروز هم بالای مردمان و بلاد عرب حکمراوئی دارند ، مانند اردن و دیگر کشور های اسلامی ، و اگر بگوئیم که فلسطین و قدس را از دست ندادیم مگر در اثر خیانت همین شریف حسین و همین خیانت عربی کبری بیجا و بی مورد نگفته ایم ، و هنوز هم این خیانت را فرزندان وی بالای مردم و سرزمین اردن – و علمائی ربانی اردن- انجام می دهند که ما شاهد آنیم.
و دقیقاً همین زمان بود که انگلیس ها توسط قوت های که از میان مسلمانان آنوقت هند آماده کرده بودند از راه خلیج داخل سرزمین عراق شدند و آنها – مسلمانان هند- را به قتال ترك های عثمانی شرمسار دنیا و آخرت گردانیدند و عراق را تصرف کردند و حتی شریف حسین با تمام وقاحت و زشتی به طرق مختلف جواز قتل و محاربت با ترکان عثمانی و سایر دول تحت این حکومت را توسط علماء سوء مکة اعلان نمود ، و این دسیسه ئی بود که انگلیس ها خواستند کشورهای اسلامی را توسط خود مسلمانان تحت نام عربیت برای خویش استعمار و اجیر گردانند .
که به این ترتیب صهیونیست ها توانستند جای پای برسرزمین آرمانی شان پیدا کنند و برای بدست آوردن آن از هیچ نوع ظلم و خون ریزی مردم مجاهد فلسیطن اباء نورزند و بعداً در سدد تجزیه خلافت عثمانی شدند، زیرا یگانه قدرتی که توان مقابله بایشان را در آن زمان داشت دولت بزرگ عثمانی بود که هرگز اجازه نمی داد که در قلب سرزمین و قلمرو اسلام دشمن اسلام جای بگیرد.
بناً یهودیان ناگزیردر فکر عوامل دیگری برای رسیدن به اهداف خود شدند که بزرگترین این عوامل تجزیه امپراطوری عثمانی و شیوع عقیده نشنلیزم (قوم گرائی) در جوامع اسلامی و در میان امپراطوری عثمانی بود .
طوری که احزاب پان عرب و پان ترك را ایجاد کردن و اعراب را تلقین کردند که سلطان عبدالحمید به حمایت ترکها می خواهد امپراطوری ترك و مغول را احیاء نماید و در نظر دارد برای ترکان عزت و افتخار کسب نماید و در ضمن آن برای ترکان گفتند که سلطان با اعراب سازش نموده می خواهند اقوام تورانی را از بین ببرند و به کمک انگلیسها درمیان ترک ها رخنه کردند و میان آنها تبلیغاتی را براه انداختند که گویا اسلام عربی است، ترک ها اسلام را نمی دانند حاکمیت از آن مسلمانان است قرآن عربی است پیامبر صلی الله علیه وسلم عرب

[1]. نامه هاي حسين مكمهون

بود ، به این شیوه صهیونیستان توانستند که در میان اعـراب عـربیت و در میان ترکان تورانیت را برای تباهی شان دامی بنشانند.

استاد ابوالحسن ندوی در مورد ملی گرائی و میهن پرسـتی چـنین می گوید (ملی گرائی و توجه زیاد به مردم و مـوقیعت جغرافیـائی از ویـژگی های سرشت اروپائی است که در مجرای روح اروپائی جاری شده و چون خود در رگ و پوستش جریان پیدا کرده است و سرشـت دوم اروپـا شـده است اما مسحیت این سرشـت را شکسـت داد ؛ چـون مسـحیت بـه رغم تحریفات و دگرگونی های که در آن به وجود آمده است هیچ گونـه تفـاوت و تمایزی بین نوع بشر قایل نمی شود و با دیده تعصب بـه افـراد جامعـه نمی نگرد و بین ملیت ها رنگ ها و سرزمین هـا هیچ فـرقی نمی گـذارد و این در حالی است کـه تمـام اروپـا تحت یـك درفش دیـنی کلیسـائی لاتین قـرار داشـت امـا زمـانی کـه « بـه دسیسـه این یهودیـان» کلیسـای لاتین شکست خورد و حلقه پیوند آن از هم گسست و مردمـان مسـتقل و جـدا شدند روز به روز در امـور خـود به اسـتقلال و جـدائی بیشـتری دست می یافتنـد؛ تا آنجـائی که مسـحیت در اروپا به کلی از بین رفت و سـکولاریزم جای آنرا گرفت و مردم به سوی تعصب ملی و میهن پرستی روان شدند، دین و تعصب ملی به سـان دو کفه تـرازو بـود که به هر انـدازه که یکی سـنگین تر می شد دیگـری سـبك تر می گردید بـدهی است اینکه کفه ی دین هر روز سـبك و سـبك تر می شد و کفه رقیب سـنگین تر می گشت)[1].

این در حالیست کـه بـرای خـود اتحادیـه ای اروپـا- امریکـائی را ایجـاد میکنند، ولی بر عکس نمی خواهند تا مسلمانان با هم متحـد و یـک پارچـه شوند، بطور مثال در بین کشور های افغانستان و پاکستان موضـوع آزادی پشتونستان و خط دیورند را دامن میزنند، و از دیر زمـانی در سـدد انـد تـا کشور افغانستان را به چهار زون تجزیـه کننـد، بـه همین شـکل در کشـور پاکستان موضـوع جـدا شـدن بلوچسـتان ، دیـره جـات و صـوبه سـرحد را مطرح میسازند و یا میخواهند منطقه کردستان را از عـراق و ترکیـه جـدا مسـتقل سـازند و از جـانب هم نظامیـان ترکیـه را بـرای نـابودی کٌـرد هـا تشویق بـه جنـگ میکننـد در حالیکـه از جـانب هم مـردم کُـرد را بـر علیـه نظامیان ترکی مسلح میسازند و امثـال این مـوارد را در اکـثر نقـاط دنیـا، ممالک بزرگ را تحت نام قومیت، نژاد و زبان پارچـه پارچـه سـاخته و هـر بخشی از آنرا با بخش دیگری به جنگ تشویق و حمایت میکنند.

[1] انحطاط مسلیمن ص 253

دومین شیوه آنها برای تحقق اهداف شان کم کردن نفوس جهان و کم کردن آبادی در کشور ها می باشد، طرح این پیشنهاد را برای اولین بار در سال 1974میلادی بنام [World 2000] و [New World Order] هنری کسنجر ریخت و گفت: باید نفوس جهان الی سال 2050میلادی حد اقل تا چهار میلیارد از جمیعت « مصرف کننده گان بی مصرف» یعنی % 75 از طریق جنگها، سازمان دادن بیماریهای ساری و کشنده و گرسنگی از میان برداشته شوند....و قبل از آنکه حکومت یگانه جهانی به قدرت برسد، در هر قاره ای که گروه های انبوه همانند سیکها، مسلمانان، پاکستانی ها، هندو های هند با تفاوت فراوان قومی و دینی سکنا دارند، و همیطور گروه های عصیان گر و اعراب و قبائل افریقائی باید زیر نظر ناظران سازمان ملل و ناتو به جنگهای فرسایشی با یکدیگر تا انقراض کامل ناگزیر شوند، تفاوت های قومی و دینی باید بالا گرفته و تضادهای پرخاشگرانه به عنوان ابراز های «سازش» مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد،که بعداً این طرح در تمام اروپا و امریکا به نام [Henry Kissinger 1974 Genocide Plan]، پلان قتل عام کنسجر مشهور و معروف شد و مقالات زیادی درین مورد در انترنت و رسانه های به نشر رسید.[1]

و قبلاً به فرموده الله متعال در مورد ایشان اشاره کردیم که میفرماید:{**يتَخَبَّطُهُ الشَّيطَانُ مِنَ الْمَسِّ**}؛یعنی شیطان ایشانرا لمس کرده دیوانه ساخته است، و بخاطر منافع خویش از هیچ چیز و کسی هراس ندارند و احساس اندوه و درد در مقابل ریختاندن خون میلیون های طفل و زن، پیر و جوان نمی کنند.

و هرگاه برایشان گفته شود:{**لَا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ**}- البقرة/11.

ترجمه: در روی زمین خونریزی و فساد برپا نکنید، میگویند:ما فقط اصلاح کننده ایم؛ ما بانیان صلح، دموکراسی، مردم سالاری و آزادی هستم، ما کسانی هستیم که خواستار امنیت و آرامش میباشیم، حقوق بشر را برای شما تعریف میکنیم و برای شما جامعه مدنی، آزادی بیان و

---

[1] . کمیته 300 ، داکتر جان کولمن ، ص 188-190. برای دانستن بهتر دسیسه ها و توطئه های جهانی صهیونستان توصیه میشود کتاب کمیته 300 تألیف جان کولمن – ترجمه فارسی، داکتر یحیی شمس ، مطالعه شود، اما به یک موضوع توجه صورت گیرد چون مؤلف این این کتاب یکی از مأمورین «جواسیس» سازمان استخباراتی انگلیس ام آی 6 بود، تمام دسیسه ها را امریکائی و اقتصادی دانسته است و چهره پنهان یهودیان و برنامه های جهانی شان برایش واضح نشده است، زیرا مطالعات و معلومات وی همه امور تطبیقی و تجربی بوده است ، و آنرا انعکاس داده است، در حالیکه در عقب این همه برنامه ها آئدیولوژی مشخص صهیونیتسی و اعتقاد افسانه ئی یهودیان نهفته است.

آزادی رسـانه هـا را بـه ارمغـان میـآوریم، {**أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِـدُونَ وَلَكِنْ لَا يشْعُرُونَ**}- البقرة/12.

ترجمه: آگاه باشید! آنها همان مفسدانند؛ ولی نمی فهمند.

و میفرمایـــد:{**فَـــاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُـــونِ، وَلَا تُطِيعُـــوا أَمْـــرَ الْمُسْرِفِينَ، الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْـلِحُونَ**}-الشـعراء/ 53.

ترجمـه: پس از اللـه بترسـید و مـرا اطـاعت کنیـد، و فرمـان اسـراف کاران را اطاعت نکنیـد، همـان کسـانیکه در زمین فسـاد میکننـد و اصـلاح نمی کنند.

و اگر از آنان اطاعت صورت گیرد و پهلوی آنان قرار گرفته شـود و بـا ایشان عقد و پیمـان دوسـتی بسـته شـود، پس در آنصـورت در حکم آنـان خواهـد در آمـد، همانطوریکـه اللـه متعـال میفرمایـد:{**وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ**}- الأنعام/121.

ترجمه: و اگر از آنان اطاعت کنید بی گمان مشرک خواهید بود.

و میفرماید: {**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُـوا إِنْ تُطِيعُـوا فَرِيقًـا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَـابَ يَـرُدُّوكُمْ بَعْـدَ إِيمَـانِكُمْ كَـافِرِينَ**}- آل عمران/100.

ترجمه: ای کسـانیکه ایمـان آورده ایـد! اگـر از گـروهی از اهـل کتـاب اطاعت کنید، شما را بعد از ایمانتان به کفر بر میگردانند.

پس بدانید هر فردی که در امریکا و لندن با یخن قان سـفید و دریشـی پاک در کنار ساختمان 120 منزله و کاخ سفید و سازمان ام.آی.6 و امثـال آن ایستاده است، به شکلی از اشکال دستان او در نقاط مختلف جهان به خون صدها هزار انسان مظلوم و بی گناه آلوده میباشد، زیرا هر سـازمان بین المللی را که تأسیس کـرده انـد و هـر قـانون بین المللی را کـه وضـع کرده اند صرفاً جهت مشروعیت بخشیدن اهداف پلید و شیطانی شـان و از بین بردن نسل بشریت، فساد، غـارت، چپـاول، تخـریب عقایـد و از بین بردن نسل بشریت بوده است، و شورای امنیت سازمان ملل متحد منـافع این کشتار های دسته جمعی را میان شان تقسیم میکند.

در سـال 1975 این برنامه کسـنجر توسـط رئیس جمهـور امریکـا [Jimmy Carter] به شکل یـک قـانون در آورد شـد، و بعنـوان خـط مش سیاسی ایالات متحده امریکا در چند سـال آینـده بایـد مـورد تطـبیق قـرار میگرفت، سپس یهودیان بمنظور به اجراء گذاشتن این برنامـه کمیتـه ئی را ساختند که بر اساس آن باید در هـر گوشـه ای از دنیـا انحصـار گنـدم و

جواری و سائر غله جات را بدست گیرند، که اینکار را نیز کردند و امــروز تقریباً 11 شرکت تحت نظارت همین کمیته این مسئولیت را بعهده گرفتــه اند؛ یعنی یازده کپمنی تجارت تمام مواد خوراکی جهان را کنترول میکننــد، که بعضی شان بنام شرکت های امریکائی و بعضی دیگر شان فرانســوی، آلمانی و چینائی و برازیلی مصروف فعالیت می باشند و تمام آنها شرکت های مشهور و نام دارئی در سطح جهان نیز می باشند،که تمامی صادرات و واردات، اجناس مختلف بشمول انحصـاری نفت و گـاز را در بـازار هـای جهانی تحت انحصاری و کنترول خویش دارند، و این را همه میدانـد کـه بـا بلند رفتن قیمت نفت ارزش سائر اجناس متناسب بـه آن بلنـد مـیرود کـه این تفاوت در کشور های فقیر بیشـتر احسـاس میگـردد، مـردم غـریب از خریداری غذا عاجز می شوند، و مجبور میشوند بخاطر پیـدا نمـودن آب و نانی به هر گونه حرام خوری، رشوت خوری و سود خوری و فساد اخلاقی و اداری دست بزنند، و در میان شان جنگهای براه افتد، یـک قـوم دشـمن قوم دیگری، و یک همسایه دشمن همسایه دیگر گردند و یکدیگر خویش را دشنام دهند، بعضی دیگر هـر دو را دشـنام دهنـد، حکـومت مـردم عـام را ملامت کند و مردم عام حکومت را عامـل این مصـیبتها بداننـد، بی نظمی عام و بی اعتمادی میان حکومت کننده گان و رعیت به اوج اش برسد.

و بخـاطر شـیوع بخشـیدن هـر بیشـتر فقـر در میـان اقـوام افریقـائی، هندی- آسـیائی وغـیره کشـور هـای فقـیر قبلاً گنـدم هـای تولیـد شـده در مزارع بزرگ برازیل و ایالات متحده امریکا و کادانا و ارجنتاین و روسیه را به دریا میریختند، و به این کشور های کمک نمی کردند اما در حـال حاضـر بخاطر آنکه این همه غله جات ضایع نگردد طرح جدیدی به نـام [BioFuel Production] یا استحصـال نبـاتی مـواد سـوخت، بکـار بسـته انـد، و این برنامه ی شان زمانی آغاز شد کـه قیمت نفت را در سـطح جهـانی عمـداً افزایش دادند ، به تعقیب آن برای مردم امریکا گفتند چون خریداری نفت برای ما قیمت تمام میشود، بناً خود ما باید دست به کار شویم و تولیـدات نفت خود را افـزایش بخشـیم، یعـنی بـا اسـتفاده از جنگلات و محصـولات زراعتی مانند جـواری و گنـدم مـواد سـوخت بـه دسـت آوریم، در حالیکـه هدف این است تا دنیا را از این طریق به سوی قحطی بکشـانند و امـروز بیشتر از 30% حاصـلات گنـدم و جـواری قـاره امریکـا بـه پطـرول تبـدیل میشود، و مقصد اصلی شان این است تا تمامی وسـائل نظـامی و دولـتی ایالات متحده از محصولات «بایوفیول» مواد سـوخت خـود را تـامین کنـد، که با تطبیق این طرح مستقیماً قحطی شدیدی در دنیا شـیوع پیـدا خواهـد

کرد، و همچنان گندم و جواری را از سائر کشور های تولید کننده به همین منظور خریداری و بصورت غیر قانونی داخـل ایـالات متحـده میکننـد تـا از بیلانس آن مردم آگاهی حاصل نکنند، اگر به صورت واضح تـر بیـان کـنیم اینها می خواهند با خریداری غله جات از سراسر جهان گدام های بزرگ و ذخایر بزرگ غله جات پُر کنند تا بعداً از آن برای وسائل نظـامی و خـودرو های خویش پطرول و مواد سوخت استحصال کنند، هرچند مردمـان فقـیر در قاره افریقا و هند و سایر کشور های فقـیر از گرسـنگی بمیرنـد و اولاد های خویش را بفروشند ویا از بکشـند تـا از هـر روز گرسـنگی و نداشـتن چیزی برای خوردن تدریجاً و هر روز کشته نشوند؟!

اقدام دیگر آنها به منظور تطبیق پلان کسـنجر ایجـاد برنامـه ای بنـام [Genetically ModifiedCrops] که معـنی تحت لفظی آن «محصـولات اصلاح شده تکوینی یا پیدایشی» میباشد، یعنی محصولات زراعتی یکسـال نباید سال آینده نیز کشت و زرع گـردد و در عـوض بایـد تخم هـای اصـلاح شده دیگر زرع گردد، که ظاهراً کار خوبی معلوم میشود، اما نقص عمـده این پروسـه درین اسـت کـه از تولیـدات زمینهـا فقـط یـک بـار در سـال استفاده کرده میشود و بس [در حالیکه زمین هـای هم وجـود دارد کـه در یک سال چهار فصل نیز حاصل میدهد]؛ بطور مثـال در کشـور هـای فقـیر حتی رو به انکشاف معمول اسـت کـه دهـاقین هنگـام برداشـت، حاصـلات شان یک قسمت آنرا برای خوراک خود ذخیره میکنند و قسمت دیگر را در بـازار بفـروش میرسـانند و یـک حصـه آنـرا را بـرای کشـت فصـل بعـدی نگهداری می کنند، اما در سیستم، بلکـه قـانون [GM Crops] بایـد تمـام محصـولات برداشـته شـده و بـه یـازده کمپـنی کـه انحصـاری محصـولات زراعـتی را دارنـد بسـپارند، و چـیزی از آن محصـولات بـرای فصـل آینـده نگهداری نشود، اما چرا؟

علت این است تا دهاقین تخم بـزری سـال آینـده خـود را از شـرکتهای مافیائی مواد غذائی یهودیان بدست بیآورند، حتی آن مقدار گنـدمی را کـه خود دهقاقین و فامیلهای ضرورت دارد باید ازین شرکت ها خریداری کنند، چون در غیر این صورت نمیتوانند کنترول مواد غذائی را در سطح جهان و میزال محصولات و فرآورده های زراعتی را به صـورت متناسـب آن تحت کنترول داشته باشـند، و هرگونـه نـرخی را کـه بـالای محصـولات زراعـتی بخواهند تعین کنند.

که با این کار دهاقین خورد و کوچک دست از کشت و زراعت میکشـند زیرا درین کار نقص و زیان شان بیشتر از فائده شان میباشد، طور مثـال؛

هرگاه هزینه حاصل گندم از زمینی در قاره ئی افریقا فی کیلو 40 افغـانی گردد، در حالیکه اگر همین مقدار را از خـارج وارد کننـد 20 افغـانی بـرای شان تمام می شود، از همین لحـاظ در چنـد سـال گذشـته دهـاقین محلی آهسته آهسته از زراعت دست کشیده اند و زمین های خویش را فروختــه اند و به سـایر مصـروفیت هـا و حرفـه هـا رو آورنـد، سـپس همـان یـازده شرکت مافیائی بنام هـای مختلـف این زمینهـا را خریـداری میکننـد و آنـرا تحت کنترول در میآورند[1]، بخـاطر آنکـه دهـاقین محلی یگانـه رقیب شـان درین راسـتا بـه شـمار میآیـد کـه اکنـون آنهـا را نـیز آهسـته آهسـته ازبین میبرنـد، درحـال حاضـر این پروسـته را در پاکسـتان بـراه انداختـه انـد، در حالیکـه پاکسـتان بزرگـترین تولیـد کننـده گنـدم بـا در نظـر داشـت بیلاس مصارف و واردات و صادرات خود در منطقه میباشد، آنـرا بـه یـک کشـور خریدار گندم مبدل کرده اند، و این یک حادثه نیست بلکه جریان خطرناکی است که از قبل برنامه ریزی شده است و بـرای بـر پـایی قحطی در دنیـا قدم به قدم تطبیق میگردد.

طوریکه آخرین آمار نشان میدهد مقدار گندم که بـرای رفـع نیازمنـدی مردم جهان در یک سال لازم است 3000 بلیون تن میباشد، اما آنرا برنامه ریزی شده به 1900 بلیون تن در سال کاهش داده اند، که اطـبیعی اسـت با افزایش فقر و گرسنگی میزان مرگ و میر نیز افـزایش میآیـد و کشـور های فقیر خصوصاً کشور هـای افریقـائی در خـط سـرخ این برنامـه قـرار دارد، و این درست چیزیست که کسنجر در پلان [Global 2000]خود بـه آن اشاره کرده بود.

در گذشته در میان کشور ها به خصـوص کشـور هـای همسـایه عـرفی وجـوی داشـت کـه هرگـاه یـک کشـوری بـه قحطی مواجـه میشـد کشـور همسایه و یا کشور دیگری فـوراً غلجـات اضـافی خـود را برایشـان بطـور کمک بصورت رایگان و یا به قیمت بسیار ارزان بفروش می رسانید، چون آن کشور به اساس برنامه های زراعتی خویش به قـدر کـافی بـا در نظـر داشت بعضی حـالات اضـطراری تولیـد میکـرد، امـا در شـرایط حاضـر در سطح تمـام دنیـا گنـدم کـافی در اختیـار مـردم موجـود نیسـت تـا جائیکـه احتیاجات و نیازمندی ها هر کشور بـه تنهـائی مرفـوع گـردد، پس دانسـته میشود که گندم و غله جات بطور برنامه ریزی شـده جمـع آوری میشـود، قبلاً سـوختانده و یـا بـه دریـا انداختـه میشـد، حـالا از آن «بـایو فیـول» میسازند.

[1] . این پروسه در کشور های امریکائی و اروپائی تقریباً تکمیل شده است، و حالا قصد تطبیق آنرا در افریقا و آسیا دارند.

سوال در اینجاست که این برنامه های نیک چرا همزمان با اروپا و امریکا در کشور های آسیائی و افریقائی روی دست گرفته نشد ؟

بدلیل آنکه آنزمان اروپا و امریکا تازه از جنگ بزرگ و ویرانگر بیرون آمده بودند، و شدیداً به تجدید و باز سازی نیاز داشتند، و لازم بود کشور های برایشان مواد غذائی و آشامیدنی تهیه نمایند تا خود مصروف بازسازی و نو سازی اروپا و امریکا شوند و تشویشی از جانب گندم و سایر مواد غذائی نداشته باشند، اما از سال 1974میلادی یعنی بعداز طرح کسنجر این برنامه را روی دست گرفتند.

برنامه ای دیگر که جهت عملی کردن طرح کسنجر مورد تطبیق قرار میگیرد، نهایت خطرناک و از تصور بشر بدور است، شیوع بیماری های مهلک و ساری در میان کشور های مصرفی [به گفته خودشان جهان سوم یا مصرف کننده گان بی مصرف] می باشد، همانطوریکه ویروس ایدز [HIV-ADIS] را در لابراتوار های سیا [C.I.A] و یا لابراتوار های اختصاصی اسرائیل مانند؛ انستیتوت تحقیقات بیولوژیک اسرائیل[1] [Israel Institute Of Biological Reseach] تهیه کردند و برای اولین بار در «کانگو» منتشر ساختند، زیرا فقیر ترین کشور جهان همین کشور افریقائی است و از همین جهت بیشتر مصابان این ویرس در کشور های افریقائی میباشد.

که با انجام این برنامه دو مفاد بزرگ را دنبال میکنند از یک جهت برنامه [Global 2000] یا جهان 2000 کسنجر یعنی تقلیل چهار میلیارد نفوس جهان تا سال 2050 را تطبیق کنند و از جهت دیگر انتی ویرس های ایدز ویا واکسین آنرا [HIV-Vaccines] را به قیمت گزافی بالای مصاب شده گان این ویرس بفروش رسانند، یعنی نخست یک انسانرا به دم مرگ می رسانند سپس بالای خون او تجارت خویش می کنند، و آنکه توان خرید این واکسین ویا انتی ویرس را نداشته باشند با بمیرند.

چندی بعد ویرسی را به نام [Anthrax] یا سیاه زخم ساختند که بعد از یازدهم سپتامبر آنرا در میان پاکت ها خط در میان سناتوران و دیگر نماینده گان کانگرس ایالات متحده امریکا نشر شد از همین لحاظ این مرض به وجود هیچ مسلمانی سرایت نکرد بلکه در هیچ کشوری به غیر از ایالات متحده حتی آثارش دیده نشد بعد ها معلوم شد که این ویروس را خود شان تولید کرده بودند؛ اما وحشت و دهشت که در تبلیغات این

---

[1] . این مرکز در چند مایلی جبوب تل ابیب قرار دارد.

ویروس به راه انداخته بودند آنقدر تاثیر گذار بود که توانستند به صدها میلیارد دالر واکسین این ویروس را به فروش برسانند.

موضوع دیگری که قابل بحث و بررسی است، ساختن یک دوره تاریخی جعلی توسط یهودیان بنام [Jews- Christian civilization] یا تمدن یهود- عیسویت میباشد، که چنین دوره ئی در تاریخ اصلاً وجود نداشته و واقع نشده است، اما یهودیان با ایجاد چنین دوره ئی تاریخی میخواهند خود را دوست تاریخی برای مردمان عام عیسوی معرفی نمایند و به گونه گسترده ازیشان استفاده کنند، در حالیکه یهود و نصاری در طول تاریخ هرگز دوست یکدیگر خود نبوده و یکدیگر بر اساس عقائد و دلایل بیشماری نفرت و انزجار داشته اند و قبلاً درین مورد اشاراتی نیز داشتیم.

اما در حال حاضر یهودیان و نصاریان بر اساس منافع مشترک و دشمنی مشترک که با مسلمانان و جهان اسلام دارند چنین ابزار ها را برای خویش محک قرار داده و میخواهند نیروی های بیشتری را بر علیه مسلمین بسیج سازند، و آخرین برنامه های از سلسله برنامه های استعماری شان همین است که همه ادیان را بر علیه اسلام قرار دهند، و امروز ما شاهدیم آن هستم که در نقاط مختلف جهان چون؛ فلسطین، افغانستان، عراق، سودان، صومال، مصر، لبنان،موریتانیا، بورما، چیچنیا، داغستان، فلیپین، المغرب...یهودیان، عیسویان، و بودایان را با مسلمانان درگیر جنگ ساخته اند.

و از طرف دیگر خود را پدر معنوی عیسویان معرفی میکنند در حالیکه آنها را کاملاً تباه و برباد ساخته اند و دین شان را به چهار بخش تقسیم نمودند، زندگی خانواده گی و نظام فامیلی ایشانرا را از هم پاشیده اند، روابط اجتماعی و اخلاقی شانرا در حد نهایت فساد آن کشانیده اند و مذهب و دین، معنویات و روحانیت را برایشان مسخره جلوه داده اند، که طبیعی است در فقدان این همه امور جامعه در بن بست و هرج و مرج سقوط و گمراهی قرار میگیرد، اما این همه را بشکل منظم و قانومند آن انجام داده اند.

مبحث ششم
دلایل ازهم پاشیده شدن نظام خانواده در امریکا

در مبحث گذشته مطالعه کردیم که چگونه یـک ملت را در برابـر ملت، و یک مذهب را در برابر مذهب دیگر و بالاخره همه ادیان را در برابــر دین اسلامی قرار میدهند و جنگنهای بزرگ و دشمنی و انزجار را در میان شان شعله ور میسازند، و کشور های بـزرگ را بـه چنـد کشـور کوچـک تقسـیم میکنند وبرای شان سرود ملی، سرحد، زبان و نژاد خاصی را تعین کرده و نشنلیزم را در میانشان به اوج میرسانند، تا هر کـدام را بـه آسـانی مـورد استثمار و تحت کنترول خویش قـرار داده بتواننـد، و سـپس چگونـه طـرح های، [New World Order]، [World 2000]، [Green Monkey] را بمنظور کاهش چهار میلیارد نفـوس جهـان تـا سـال 2050 میلادی ایجـاد کردنـد، و جهت تطـبیق آن از شـیوه هـای مختلـف برپـائی جنگهـای بـزرگ، شـیوع امراض ساری، زهری ساختن مواد غذائی تا به امروز استفاده کرده اند.

درین مبحث به بررسی اینمورد خواهیم پرداخت که چگونه یهودیــان در قدم نخست مردان عیسوی و سپس در قدم بعدی با بیرون سـاختن زنـان عیسوی از خانه هایشان تحت عنوان آزادی و مسـاوات حقـوق زن و مـرد ایشانرا مورد استثمار قرار دادند، و بعـداً بـا اشـاعه فحشـاء و آزادی هـای جنسی میزان طلاق را در میان شان بالا برده و شیرازه خانوادگی شان را از هم پاشانیدند، و اینکه در حال حاضر میخواهند این پروسـه را در کشـور های اسلامی تطبیق کننـد، و دین، عقیـده، ارزش هـای اخلاقی و فـرهنگی تمدن ایشانرا به تباهی و فساد بکشند.

یهودیان جهت رسیدن به هدف نهائی شان یعنی برپائی حکومت جهانی صهیونیستی در کنار سایر برنامه هـای شـان نیازمنـد آن بودنـد تـا سـلوك، رفتار عقیده و ارزش های جوامع را نیر تحت نفوذ و کنترول خویش داشته باشند، تا در جریان تطبیق برنامه های جهـانی شـان بـه مقـاومتی مواجـه نشوند و کسی برایشان مزاحتی ایجاد نکند، بناً این بـار نظـام اجتمـاعی و خانواده گی را در غرب مـورد حملـه قـرار دادنـد تـا آنکـه شـیرازة و نظم جامعه خـانواده و معنویـات و روابـط اجتمـاعی و همبسـتگی خـانواده گی ایشانرا از هم بپاشانند؛ دانستن این موضوع را برای آن ضروری می دانیم که از یک جهت بدانیم که چگونه نظام خانواده و جامعه و اخلاقی در غرب فاسد شده و از هم پاشیده است، و از جهت دیگر برای مسـلمانان نشـان

بدهیم که دوری ما از غرب باعث سلامت ایمانی، و اخلاقی و نـزدیکی مـا به نظام و رضایت الله خواهد شد، و برعکس آن سبب دوری مـا از نظـام الله متعال و به فساد کشـیده شـدن ایمـان، اخلاق، خـانواده و جامعـه مـا خواهـد گردیـد؛ کـه مثـال عملی آنـرا از کشـور جاپـان داده می تـوانیم، طوریکه بعد از جنگ دوم جهانی همـه معنویـات و اخلاقیـات این جامعـه را که بـاعث نظم در آن جامعـه گردیـده بـود از بین بردنـد و دور انداختنـد و بسـوی نظـام و زنـدگی جدیـدی رفتنـد و اقتصـاد لیـبرال-صهیونسـتی و سیاست سیکولرستی را پذیرفتند و حاضر به تطبیق آن در جامعـه خـویش شدند، که با این کار به پیشرفت های بـزرگ اقتصـادی رسـیدند امـا نظـام اجتماعی و اخلاقی شان کاملاً ازهم پاشید، و بدبختی های که بعد از قبـول این نظام بالای ملت جاپان آمد در موقع مناسب بیان خواهیم کرد، امـا در اینجا به اضرار و مفاسد این برنامه ها در جوامع اسلامی اشاره ئی داشته باشیم تا ملت مسـلمان از اهـداف و از فریبهـای کـه برعلیـه ایشـان بـراه انداخته شده است باخبر نموده باشیم، که در غیر آن مبارزه با آنها مشکل خواهد بود بلکه حتی در برابر آنها مقـاومت نـیز کـرده نخـواهیم توانسـت، بدلیل آنکه در چندین نسل جوانان مسلمان از حوادث و وقائع زمـانی نـبی صلی الله علیه وسلم و سیرت و حیات صحابه رضـی اللـه عنهم کـاملاً در جهالت قرار دارنـد، و پیشـرفت هـای غـرب چنـان فکـر و هـواس ایشـانرا تسخیر کرده است که بخاطر رسیدن به آن از عقیده، دین و ارزش هــای اسلامی و اخلاقی و فرهنگی خویش اعراض کـرده و بـه آن پشـت پـا زده اند، و از رسالت و آخرت خویش غافل گشته اند.

زیرا دیده میشود که در شرائط حاضر از طرُق مختلف مفکـوره، ذهن، و عقاید جوانان را دزدیـده و واقعیت هـا را برایشـان از دیـد غـربی و غـیر شرعی نشان میدهند، ارزش های فاسـد و تبـاه کننـده غـربی را برایشـان زینت داده و اسلام را بگونه غیر مـرئی نـزد ایشـان کـه هیچ آگـاهی از آن ندارند بـه مسـخره میگیرنـد، و یگانـه راه حـل را در تـرک دین و پـذیرفتن نظـام غـیر انسـانی غـربی در اذهـان شـان تلقین میکننـد، فحشـاء و بی بندوباری های اخلاقی را در میان شان عام ساخته و بعنوان حقوق ایشـان ازین همه کارهایشان حمایت میکنند، کـه این امـر واضـحاً غـیر عادلانـه و غیر قابل تصور خواهد بود و هیچ عقل سلیمی نخواهد آنرا پذیرفت کـه بـه غـیر از روش زنـدگی مـادی غـرب روش بهـتری وجـود نداشـته باشـد، در حالیکه اسلام بعنوان نظام جهانی، نظامی است که الله متعال آنـرا بـرای انسانیت و بشریت برگزیده و اختیار نموده است.

اما یهودیان این برنامه خویش نخست از غـرب و امریکـا آغـاز کردنـد، وامروز افراد آن جوامع روحانیت و اخلاق و روابط اجتماعی را نمشناسـند و کاملاً در یک جامعه فاسد و مادی قرار دارند، یک اجتماع غیر سالم و پُـر از بی حیائی بالای شان حاکم اسـت، در خـانواده هـا احـترام بـه بزرگـان وجود ندارد با اولاد هـای خـود محبت ندارنـد، زنـدگی مشـترک را کـاملاً از میان شان ازبین برده اند، خویشاوندان و اقارب یکدیگر را نمی شناسند و هرکدام را مصروف زندگی های شخصی ایشان و مشکلات آن نمـوده انـد و به انواع فحشاء و روابط جنسی نامشروع و فساد اخلاقی گرفتار نموده اند، همجنس گرائی را قانومنـد سـاخته انـد و بـه این هم اکتفـاء نکـرده و ذلیل تر از آن بخاطر رفع شهوت مقاربت با حیوانات را عام گردانیده انـد، تا آنکـه بنیـاد خـانواده و هم زیسـتی و معنویـات را ازیشـان ازبین بـرده و مادیگری محض را درمیان شان حاکم گردانیدند.

همانطوریکـه سـید قطب رحمـه اللـه درین مـورد میگویـد: عیاشـی و شهوت رانی برای آن در اسلام تحریم شده است که در بنیان فرد و بنیان اجتماع سستی و ضعف به وجود میآورد و در وجـود فـرد و محیـط اجتمـاع فسـاد و انحطـاط و سـقوط اخلاقی ایجـاد میکنـد، در تـاریخ نـیز همیشـه عیاشان و شهوترانان باعث اصلی اضمحلال اجتماعات و ملتهـا بـوده انـد، همانطوریکه الله متعال میفرماید:{**وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَـا مُتْرَفِيهَـا فَفَسَـقُوا فِيهَـا فَحَـقَّ عَلَيْهَـا الْقَـوْلُ فَـدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا**}-الاسراء/16.

ترجمه: و هنگامیکه بخواهیم دیاری را نابود کنیم، به عیاشان (شهوترانان و سرکشـان) آنجـا فرمـان (اطـاغت) میـدهیم، پس چون در آنجا بـه فسـق (و فسـاد) بـر خاسـتند، آنگـاه وعـده ی (عـذاب) بـر آنهـا محقـق میگـردد، پس آنهـا را بـه کلی نـابود گردانیم.

سپس میگوید: چیزی که لازمست در اینجا روشـن سـازیم، آنسـت کـه عیاشی و شـهوت رانی در میـان ملـتی جـز از راه فشـار و سـختگیری بـر گروه زیادی از افراد ملت به دست نمی آید و وسائل این عیش و نوشــها، از خـون دل تـوده مـردم و کوشـش آنـان و نیـاز منـدی هـای و ضـروریات ابتدائی افراد مردم بدست میآید، و این ها از چیزهایست که کینه و عقــده دلها را زیاد میکند و سر انجام آنرا میترکاند، و از میان اجتمـاع، روح صـلح و برادری را بر میدارد و گروهی را بر ضد گروه دیگر به علت تضاد منــافع

و اختلاف نظر ها تحریک میکند، و تازه همه اینها را باید در یک طرف گذاشت و نا پاکی ها و آلودگی های اجتماعی ناشی از عیاشی شهوت رانان را در یک طرف!..و در همان وقت آتش بدی ها و دشمنی ها را شعله ور میکند و بنای اجتماع را متزلزل میسازد، و بنیان آنرا از پی سست و ویران میکند.[1]

و نبی صلی الله علیه وسلم در مورد بی احترامی والدین (عقوق والدین) و قطع صله رحمی (پیوند خویشاوندی) میگوید: و میفرماید: «**لعن الله من ذبح لغير الله و لعن الله من سب والديه، و في رواية: جاء رجل إلى نبي صلى الله عليه وسلم يستأذنه في الجهاد فقال أحي والداک قال: نعم : قال: ففيهما فجاهد**».[2]

ترجمه: الله کسی را که قربانی خویش را بنام غیر الله ذبح میکند و کسیکه والدین خود را دشنام میدهد لعنت کرده است، و در روایت دیگر آمده است: شخصی نزد نبی صلی الله علیه وسلم آمد و از وی بخاطر جهاد اجازه خواست، نبی صلی الله علیه وسلم برایش گفت: آیا والدینت زنده هستند؟ گفت بلی: گفت: پس این مجاهدت را برای آنها انجام بده.[3]

و از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که میگوید:«**كان تحتي امرأة أحبها و كان عمر يكرهها فقال لي طلقها، فأبيت فأتى عمر رسول الله صلى الله عليه وسلم فذكر ذلک له فقال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم طلقها، و في رواية:عن أبى الدرداء: أن رجلا أتاه فقال: إن لي امرأة وإن أمي تأمرني بطلاقها فقال:سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: الوالد أوسط أبواب الجنة فإن شئت فأضع هذا الباب أو أحفظه**»[4].

ترجمه: من زنی داشتم که من آنرا دوست میداشتم، اما عمر [یعنی: پدرش] از او بدش میآمد، من را گفت: او را طلاق بدهم، اما من نپذیرفتم، پس عمر نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت و این موضوع را برایش حکایت کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا خواست و گفت: آن زن را طلاق بده.

---

[1] . صلح جهانی و نظریه اسلام، ص 195/ سید قطب، ترجمه/سید ناصر خسرو شاهی.
[2] . صحيح الترغيب و الترهيب: 2483،2516.
[3] . اما یک موضوع را باید بخاطر داشته باشیم ، هنگامیکه جهاد فرض عین گردد این امر ساقط میشود.
[4] . رواه أبو داود، و الترمذي و النسائی، صحيح الترغيب و الترهيب: 2487، 2484.

و در روایت دیگر از أبی درداء آمده است: که شخصی نزد وی آمد و گفت: من زنی دارم که مادرم همواره به طلاق دادن وی من را دستور میدهد، أبی درداء گفت: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که گفت: والدین [یعنی: رضایت والدین] دروازه میانه جنت است، پس اگر خواستی آنرا ضائع گردان و اگر خواستی آنرا برای خویش نگهدار.

«**یستجاب للعبد ما یدع بإثم أو قطیعة رحم ما لم یستعجل**»[1]، و میفرماید: «**أحب الأعمال إلى الله الإیمان بالله، ثم صلة الرحم، ثم الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر، و أبغض الأعمال إلى الله الإشراک بالله ، ثم قطیعة الرحم، ثم الأمر بالمنكر و النهی عن المعروف**»[2].

ترجمه: اگر عجله نکنند هر دعای بنده گان مورد اجابت قرار میگیرد، مادامی که گناهی را انجام ندهند و پیوند خویشاوندی را ازبین نبرند.

و در روایت دیگر آمده است: پسندیده ترین اعمال نزد الله داشتن ایمان به الله است، سپس نگهداشتن پیوند خویشاوندی، سپس امر به معروف و نهی از منکر، و زشت ترین و بدترین اعمال نزد الله شریک قرار دادن به الله، سپس قطع پیوند خویشاوندی، سپس امر به منکر و نهی از معروف.

و میفرماید:«**ما من ذنب أحرى أن يعجل الله لصاحبه العقوبة في الدنيا مع ما يدخر له في الأخرة من البغي وقطيعة الرحم**».[3]

ترجمه: هیچ گناهی بجز بغاوت و سرکشی [از اطاعت امام مسلمان و عادل]، قطع پیوند خویشاوندی سزاوار تر از آن نیست که الله در جزای آن در دنیا بالای بنده عجله میکند و در آخرت نیز عذابش را نگهدارد.

و میفرماید:«**ألا و من أراد أن يمد في عمره و يبسط في رزقه فليصل رحمه، و في رواية : إن أعمال بني آدم تعرض كل خميس ليلة الجمعة فلا يقبل عمل قاطع رحم، و قال: ثلاثة لا يدخلون الجنة مدمن الخمر، وقاطع الرحم و مصدق بالسحر**».[4]

ترجمه: آیا یکی از شما میخواهد تا عمرش دراز گردد و در روزی اش فراخی و گشایش بیآید ، پش پیوند خویشاوندی را بجا بیآورد، و در روایت

---

[1] . رواه مسلم.

[2] . رواه أبویعلی، صحیح الترغیب و الترهیب: 2522.

[3] . رواه أبو داود و الترمذی، صحیح مشکاة: 4932.

[4] . رواه أحمد، صحیح الترغیب و الترغیب: 2536،2538،2539.

دیگر آمده است: اعمال بنی آدم در هر پنجشنبه شب جمعه به آسمان بالا میرود و جهت [قبول و عدم قبولی اش] به اللـه پیش کـرده میشـود، پس آنگاه اعمال نیـک کسـیکه پیونـد خویشـاوندی را قطـع کـرده اسـت قبـول نمیگردد، و میفرماید: سه نفر اسـت کـه داخـل جنت نمیشـود: کسـی کـه مادام شراب مینوشد، شخصیکه پیوند خویشاوندی را قطع کرده اســت، و کسیکه سحر و ساحر را تصدیق میکند.

و طوریکه قبلاً یاد آوری کردیم یهودیان بخـاطر نیـل بـه اهـداف بـزرگ خویش لازم داشتن تـا بنیـاد جامعـه را از بین ببرنـد کـه همانـا خـانواده و فامیل و خویشاوندی است و اخلاق و محبت این روابط را نگهمدارد.

و چــون در آنزمـان یعـنی اوایـل قـرن بیسـت بـه جمـع آوری ثـروت مصروف بودند و اروپا و امریکا اخیراً به طـرف صـنعتی شـدن روان بـود، ازین لحاظ آنها شدیداً به منابع بشری یا نیروی کار ضرورت داشتند، چــون در آنزمان زنان کار نمیکردند و صرفاً مردان مشغول و مصرف کار بودند، ازهمین جهت نظـام سـالم خـانواده و زنــدگی مشـترک خــوبی داشــتند، وهمچنان روابط اجتمـاعی و خویشـاوندی منظم و سـالم میانشـان وجـود داشت، و همیطنور امور معیشتی شـان نـیز بـه خـوبی و خوشـی بـه پیش میرفت زیرا آنچه مـرد خـانواده پیـدا میکـرد همـه خـانواده بـه آن قنـاعت داشتند، زیرا معنویت و اثرات عیسویت (هرچند تحریف شده نـیز بـود) در وجود شان زنده بود، یعنی تا سـالهای 1913مل1914م زنـدگی بـه همین شکل در غرب به پیش میرفت.

اما زمانیکه فابریکه هـای یهودیـان بزرگـتر شـد بنـاً بـه منـابع بشـری و نیروی کار بیشتر ضرورت داشـتند، درین زمـان جـان دیویسـیون راکفلـر، بنیاد راکفلر [Rockfellare Foundation] را تأسیس کـرد،[1]و شـروع بـه تبلیغات گسترده ای نمـود و شـعار هـای بـهماننـد؛ حقـوق زنـان و آزادی زنان، مساوات مرد و زن، حق تعلیم و آموزش....را سـر دادنـد، و در عین حال مظاهرات گسترده ی را در تمام امریکا به راه انداختند که گویا زنـان در خانه های شان نشسته اند و ظلم و طعنـه ئی شـوهران شـانرا متقبـل میشوند، حقوق و آزادایهای شان پایمال می شود و تمام اوقات خود را در خدمت شوهران شان سپری میکنند از زندگی و آزادای های خـویش لـذت نمی برند، زن را بنام زن نمی شناسند شخصت وابسـته بـه مـرد همیشـه دارد...وغـیره این چـنین شـعارات را از طریـق (رادیـود، اخبـار، مجلـه و مظاهرات...) به سراسر کشور نشر و پخش کردنـد. و زنـان نـیز در عـدم

[1] . [John.D.Rocherfeller] نسل ششم خانواده راکفلر و پدرکلان دیوید راکفلر است، که در ماه می 1913میلادی این بنیاد را تأسیس نمود ،

آگاهی از عواقت و اهداف زشت و خشن که در عقب این شعارات بـود از این همه بخوشی استقبال کردند، و شعارات شانه به شانه کار کردن زنان و مردان در آبادای کشور را سر دادند و تعقیب کردند.

زیرا تقریباً نصف نفوس یک جامعه را زنان تشکیل میدهد و بخـاطر بـه اسـتثمار کشـیدن آنهـا و اینکـه چگونـه آنهـا را مقـروض خـود سـازند و در فابریکه ها خود از آنهـا اسـتفاده نماینـد، و از جهت دیگـر بنیـاد خـانواده را متزلزل گردانند، چون زمانیکه مرد در خانه نباشـد و زن هم بـرای کـار تـا ناوقت های شب مصروف باشد، پس یا اینکه طفـل بـدنیا نمی آورنـد و یـا اینکه اگر طفل بدنیا بیآورند آنانرا بـدون تـربیت و محبت پـدر و مـادر رهـا خواهند کرد و با این کار نظم و شیرازه خـانواده هـا و حسـن معاشـرت و احترام به والدین را از هم میپاشد[1].

و سومین هدف شان همان خواسـت قـدیم شـان، یعـنی تحت نظـارت داشتن تمام افراد بشر عم از زن و مرد است، تا بدینوسیله زنـان از خانـه های خویش خارج شوند و داخـل مـدار یـا سرکولیشـن بـانکی گردنـد و از کریدت کارتها و یـا ماسـترکارت ویـا دبت کـارت اسـتفاده کـرده و بـه این شـکل تمـام اعمـال آنـان و کارکردهایشـان تحت نظـارت و کنـترول آنـان باشد.

و چهارمین هدف آنها ازین کار تحت تربیت گرفتن اطفال آنـان اسـت، طوریکه قبلاً نیز اشاره کردیم زمانیکه پدر و مادر هردو در خــدمت ادارات و فابریکه های مشغول کار شدند طبیعی است که اطفال دور از دسترس و تربیه آنها قرار میگرید و لازماً باید آنرا نزد کسی بـرای تـربیت و پـروش بسپارند، و چونکه صهیونستان از قبل این همه را برنامه ریزی کرده بودند بناً پیش بین چنین وضعیتی نیز بودند بناً برای اطفال کودکستانها، و مکاتب که شکل لیله را داشت ایجاد کردند، یعـنی زمانیکـه طفـل صـبح از خـواب بیدار میشود باید در همان کودکستان یا مکتب-لیله صبحانه اش را میخورد سپس به آموختن آن مضامین و عقاید و آئدیولوژی که برایش طـرح شـده است میرود و بعداً هنگامی که شـب شـد بـه خوابگـاه خـویش برمیگـردد، یعنی کودک از زمانیکه تولد میشود در اختیار یهودیان قرار میگیرنـد، و این

[1] .که ما شاهد نتیجه این کار یهودیان در غرب به خصوص در امریکا هستیم ، دختر 14 ساله شان که هنوز جوان نشده است 12 شب از خانه خارج مي شود و زمانيكه مادر مي پرسد دخترم كجا مي روي مادر را به سيلي مي زد و مي گويد به تو مربوط نمي شود، و يا اينكه پسران و دختران قبل از رسیدن به سن بلوغ به افسردگی ها و مریضی های روانی مبتلا میشوند و گاهی بخاطر رفع این افسردگی دست به روابط نامشرع جنسی میزنند.
و پسر 20 ساله اي كه ترتبيت شده ئی جامعه فاسد خويش مي باشد براي خلاصي از شر پدرش او را به دريا غرق مي سازد .

وضعیت در غرب تا جائی ادامه پیدا کرد که یک نسل جدید کـاملاً جدیـد بـا اندیشه و آئدیولوژی متفاوت و موازی با خواستها و اهداف یهودیان دور از اعتقاد و معنویات و اخلاق حاکم در جوامع شان وارد جامعه شـدند، بنـاً آن تعداد اشخاصیکه در دهه 1940ـ 1950م وارد جامعه اروپا و امریکا شدند، نه عیسوی بودند و نه هم امریکائی و اروپائی پنجـاه سـال قبـل،[1] و کـاملاً ماتریالیست و بی روح تربیه شده بودند، و صرفاً به همان راهی کــه جهت داده شده بودنـد و اندیشـه و آئـدیولوژی آن مکتـبی کـه برایشـان تـدریس شده بود قرار داشتند، خارج از آن نـه آگـاهی داشـتند و نـه هم اسـتدلالی میتوانستند.

پس در نتیجه روابط خـانواده گی و احـترام و محبت در بین والـدین و اطفـال و خویشـاوندان از هم گسـیخت، و بنیـاد ازدواج مرسـوم اخلاقی و قانونی و شرعی شان ازهم پاشید و خانواده نابود گشت، میزان طلاق هـا و انحلال ازدواج بیش از حد زیاد شد، زیـرا بـا خـارج شـدن زنـان از خانـه میزان فحشـاء نـیز افـزایش یـافت و جوانـان افسـرده و مبتلا بـه امـراض روحی و روانی بشتر شدند چون اکثرایت شان محبت و مهـر پـدر و مـادر بزرگ میشدند، بعداز آن برای اولین بار در هالند و بعداً سائر مناطق اروپـا و امریکا استعمال مواد مخدر رایج شد، با استعمال مواد مخدر فحشـاء و روابط تهوغ آور جنسی نیز گسترش یافت، خودکشی ها عام شـد، اطفـال نامشرع میزان بالائی جوانان کشور را تشکیل میداند، بنـاً بعـداز آن نسـل جدید در غرب و امریکا با شناسنامه ئی اسم و تخلص بدون شناخت پدری به جامعه تقدیم شدند.

همینطور قسمیکه در مبحث گذشته نیز به آن اشاره کرده بـودیم، بعـد از جنگ دوم جهانی در سال 1945م جاپانیان 100% نظام اقتصادی لیبرال-صهیونیسم را پذیرفت و از آن استقبال کردنـد، بـدنبال آن شـدیداً بطـرف ساخت و ساز و اقتصادی و تکنالوژیکی شـدن حـرکت کردنـد، یهودیـان تـا سال1950م درین کشور نیز قیامتی را بـر پـا کردنـد، طوریکـه بعـد از این سال حالتی در جاپان حاکم شد کـه فیصـدی نـوزادان شـان از 70%-80 در سال تنزل پیدا کرد، تا جائیکه امـروز فیصـدی طبقـه جـوان آن کشـور بـه پائین ترین حد خـویش رسـیده اسـت، و همـه سـاله 300 مکتب در جاپـان مسدود میشود طوریکـه در ده سـال اخـیر در حـدود 3000 مکتب مسـدود شده است، و 20%-50 از جوانانی که در آن کشـور مصـروف کـار هسـتند مجبور اند تا 80% کارهای که در جامعه انجام آن مربـوط جوانـان میشـود

[1] . یعنی از نظر اعتقادی، معنوی، و اخلاقی و معاشرت اجتماعی....اما از لحاظ پیشرفت و تکنالوژی طبیعی است که شکل زندگی تغیر میکند.

انجـام دهنـد، واين آمـار کـاملاً تکـان دهنـده اسـت، زيـرا در آنجـا طفلی و نوجوانی جود ندارد تا در آن مکاتب تدريس شوند، و نيروی بشری جامعــه [که اکثراً جوانان ميباشد] در آنجام موجود نيست، ازهمين جهت از چين و ايالات متحده امريکا جوانان برای کار کردن به آنجا ميروند.

زيرا قبل از سال 1945 م مردم اين سرزمين به نهاد خـانواده و ارزش های خانواده گی و اجتماعی و فرهنگی و دينی خويش ارزش قايل بودند و بـه آن اهميت ميدادنـد و آنـرا شـديداً رعـايت ميکردنـد، از همين جهت بـه منظور حفظ اين ارزش هـای خـويش تـا اواخـر قـرن نـزده جاپـان و چين دروازه های کشور شانرا بـروی اروپايـان و غربيـان بسـته بودنـد و آنهـا را شياطين و اولاده شياطين می خواندند، اما بالآخره يهوديان به بهانــه هــای مختلف تجارت و برپائی جنگ های بزرگ داخل اين سرزمين و زندگی آنهـا را واقعاً مبدل به حيـات شـيطانی گردانيدنـد، و نظم و شـيرازه خـانواده و اجتماع آنان را که کاملاً بـر اسـاس فرهنـگ و تمـدن شـرقی اسـتوار بـود، يعـنی مملـو از محبت متقابـل والـدين بـا فرزنـدان و خـانواده، تعلقـات و روابط حسنه ميان خويشاوندان، شناخت همه اقوام و همسايه های دور و نزديک، نشست و برخاست فاميلها بود ازبين بردند.

به همين شکل امروز در غرب نه والدين به اطفال خود توجـه دارنـد و نه هم اطفال برای والدين احترام ميگذارند، وچون به بلوغ رسـيدند، بلکـه قبل از آن از خانه والدين شان بيرون ميشوند و زندگی مسـتقل بی بنـد و باری را اختيار ميکنند، ويا اينکـه والـدين شـان از هم جـدا شـده و آنـان را ترک ميکنند، بدون آنکه نسبت به يکديگر احساس مسئوليت داشته باشند.

طوريکه در يک حادثـه ئی هماهنـگ شـده در فرانسـه در سـال 2005 م بيش از 1500 نفــر از ســالمندان را در دريــا غــرق نمودنــد، در حاليکــه فرزندان شان به بهانه تفريح و سياحت از شهر بـه بـيرون رفتـه بودنـد، و زمانيکه ازين واقعه خبر شدند هيچ يك از اولاد های شان برای دفن کردنـد والدين خويش حاضر بـه تسـليمی اجسـاد نمی شـدند حکـومت بـه بسـيار مشکل بزرگی بر خورده بود که 1500 جسـد را در کجـا نگهـداری کننـد تـا زمانيکه فاميل های شان حاضر به تسليمی گردنـد تـا اينکـه نـاگزير شـدند ايشانرا در گودال ها به شکل دسته جمعی دفن کنند.

در حاليکـه نـبی صـلی اللـه عليـه وسـلم در مـورد مسـئوليت اعضـای خانواده نسبت به يکديگر ميگويد:«**همه ای شما چوپان و سرپرســت هستيد، پيشوا و امـام مسـؤول و نگهبـان امـور رعيت خـويش است، و مرد سرپرســت و نگهبـان خـانواده و مسـؤول اداره و**

تنظم امور آنست، و بانوی خانه نیز سرپرست خانه شوهر و مسؤول رعایت و اداره امور آن و فرزندانشان است، و برده نگهبان و مسؤول رعایت مال آقایش است، و فرزند اداره کننده و نگهبان مال پدر است، و مسؤول اداره آن میباشد، و همه شما مسؤول و چوپان و حافظ امور و مسؤول رعایت و نگهبانی آن هستید»[1].

و میفرماید: «**رغم أنفه، ثم رغم أنفه،ثم رغم أنفه قیل من؟ یا رسول الله قال: من ادرک والدیه عند الکبر، أحدهما أو کلیهما، ثم لم یدخل الجنة، و فی روایة: من بر والدیه طوبی له زاد الله في عمره»**.[2]

ترجمه: خاک آلود باشد، بینی و دهن آنشخص، خاک آلود باشد بینی و دهن آنشخص، خاک آلود باشد بینی و دهن آنشخص، اصحاب گفتند: چه کسی یا رسول الله صلی الله علیه وسلم؟ گفت: آنکه پدر و مادر خویش را و یا یکی از آنها را در هنگامی پیری دریابت سپس داخل جنت نشود [یعنی:به سبب خدمت نکردن و عدم احترام به آنان]، و در روایت دیگر آمده است: آنکه با والدینش نیکی کند خوشا به حالش الله در زندگی و عمرش برکت می اندازد.

و سید قطب رحمه الله درینمورد میگوید: اسلام به نظام اجتماعی به عنوان مسؤول تربیت روح و معنویت فرد می نگرد، و نظام را مسؤول تربیت روح و روان قرار میدهد، و مسؤول بازسازی ضمیر و نهاد و شخصیت شان میداند، و نظام را در ساختن رفتار و کنشهای اجتماعی افراد، مسؤول میداند، و اسلام نظامی است که عهده دار تنظیم روابط و مناسبات اجتماعی میباشد، روابط و مناسباتی که میان فرد و دولت اسلامی پیوند منطقی به وجود میآورد، و نیز در نهایت نظامی است که عهده دار تنظیم مناسبات مالی و روابط اقتصادی و هر نوع مناسبات تولید و توزیع مسلط بر جامعه ئی اسلامی میباشد......و مسؤلیت برآمده در بطن خانواده ، تنها مسؤلیت پذیرش اقتصادی نیست، بلکه مسؤولیت کاملاً انسانی است، از جمله شامل التزام توجه دقیق به اطفال است، و رسیدگی کامل به زندگی روحی و مادی خردسالان، و ایجاد رشد و آماده سازی آنان برای زندگی از جهت روحی و جسمی و عقلی، که رعایت تمام موارد آن به پدران و مادران به طور مساوی واجب است، تا هنگام بزرگسالی، چه از جهت تکالیف مادی و چه با تقابل و همرویی ارث بر این

[1] . متفق علیه، صحیح الجامع:4569، و (صحیح) مستدرک للحاکم من تلخیص ذهبی: 7257 .
[2] . مسلم.

تکالیف، و گریزی جز اعتراف به ارزش و اصالت خانواده در بنای جامعه نیست، علیرغم تلاشها و حملات که از سوی برخی نظام های مادی برای ازمیان بردن آن میشود، خانواده پایگاه مطمئنی برای تربیت و رشد اجتماعی سالم است.[1]

در حال حاضر جوامع غرب و امریکا جامعه بد اخلاق نیست بلکه بی اخلاق است، زیرا آن ارزش های انسانی که اخلاق گفته میشود اصلاً وجود ندارد و به نام ادب و اخلاق چیزی را نمی شناسند، هرچیزی که خواستند آنرا انجام میدهند و آنرا بشکل قانونی در می آورند،چیزی را تحت نام ارزشهای دینی و اخلاقی را نمشناسند، و به شکل حیوان بلکه زشت تر از آن در سدد اشباع غرایز خویش بر آمده اند از فطرت انسانی خویش کاملاً خارج شده اند.

اما این زیاده روی ها از فطرت انسانی و بشری کاملاً به ضرر و زیان خودشان تمام شده است تا جائیکه هزاران تن از مهاجرین مسلمان دین و ارزشهای خود را همراه با کردار و رفتار اسلامی در حیات زندگی غرب که در قهقرای فساد اخلاقی غرق اند داخل ساخته اند، مانند؛ زنان مسلمان با رعایت حجاب اصیل اسلامی زندگی را در غرب بالای یهودیان تنگ ساخته اند تا جائیکه درین روز ها برای ممانعت حجاب قوانین سختی را وضع کرده اند، در بعضی کشور های دختران با حجاب را به مکتب و پوهنتون اجازه نمی دهند اما آن تعداد دختران مسلمان که دین الله و قوانین او برایشان ارزش بیشتر از هر قانون دیگر دارد حتی از رفتن به مکتب و پوهتون هم خود داری میکنند اما کشف حجاب نمی کنند، و از جهت دیگر مردان مسلمان که ارزشهای دینی خود را میدانند و آنرا خالصانه رعایت میکنند و با چشمان فروبسته بطرف زمین و با اخلاق نبی صلی الله علیه وسلم و صحابه آراسته در جاده ها و خیبانها راه می روند غربیان با تعجب به اعمال، رفتار و گفتار آنان مینگرند، که این چگونه تربیه و تهذیب و اخلاق است که آنان بی خبر از آن اند و چگونه چیزی ایشان را وا میدارد با پدران و مادران خود مهر ورزند و آنان را احترام کنند و با ایشان زندگی مشترک خوشحالی داشته باشند، و همین است که هر روز غربیان که از زندگی وحشت بر انگیز مادی خود خسته شده اند، تحت تاثیر اخلاق اسلامی و نظام کامل و همه جانبه اسلام و حکمت ها و اعجاز قرآن آمده و به هدایت الله گروه گروه و فوج فوج داخل اسلام

---

[1] . اخلاق و تربیت در اسلام/سید قطب.

میشوند، و برعکس یهودیان چهره زشت و ناپاک شان روز بـه روز آشـکار میشود و حتی مورد نفرت جوانان و اطفال واقع شده است.

طوریکه در سال 2007 در انگلستان از هر 100 طفل 60 طفـل محمـد نام گذاری شده است و این حوادث ترسی بزرگی را در میـان آنـان ایجـاد کرده است و در رسانه های تبصره صورت میگیرد که مبادا روزی نخسـت وزیر شان یک مسلمان باشد.

و این جنگهای صلیبی نـو را کـه بعـد از 11 سـپتامبر 2001 م دامن زده اند، به ضرر و زیان خودشان تمام شده است، زیرا مسـلمانان نسـبت بـه اذیت و آزاری که از بهتان ها و توطئه هـای سـاخته شـده علیـه اسـلام بـه استدلال و تبیان چهره واقعی اسلام بر آمده و جاهلیت قرن بیسـت یکم و حیات بی اخلاقی و پر از فحشای غرب را واضح میسازد، و آن غربیان کـه همه ای این زشتی ها و بی روح بودن را که بـه تجربـه گرفتـه انـد سـریعاً اسلام را قبول میکنند.

بطور مثال خانم انگلیسی به نام «یواند رندلی» کـه خـبر نگـار در یکی از شبکه های تلویزونی در انگلستان می باشد، چنـدی قبـل بمنظـور تهیـه گزارش از اوضاع افغانستان بـه افغانسـتان سـفر کـرده بـود موصـوف در اسارت طالبان آمد و مدتی را در قید طالبان بسر برد ، سپس زمانیکـه از قید رها شد و دوباره به انگلستان برگشت عیسویت را ترک و دین اســلام را پزیرفت، در حالیکه قبل از اسلام از آئدیولوژی لبرالـیزم و سـیکولاریزم شدیداً در رسانه های غربی دفاع می کرد و مسلمان واقعی را متعصـب و تنگ نظر و پامال کننده ئی حقـوق زنـان میخوانـد، و گـزارش هـای خشـی بمنظور مستند ساختن حرف هایشان تهیه میدید، امـا در آن مـدتی کـه در اسارت طالبان بسر میبرد و معاشرت اخلاقی مطابق به سیرت نبی صلی الله علیه وسلم که با او داشتند وهمچنان زمانیکه نظم و اطاعت و احترام و محبت آنان را با یکدیگر و اسیران دیـد، از اخلاق اسـلامی متـأثر شـد، و زمانیکه به انگلستان برگشت در مورد اسلام تحقیـق کـرد و چـون حقیقت اسـلام و قـوانین آنـرا درک کـرد، اسـلام آورد و امـروز بطـور گسـترده از طریق یک رسانه ئی شخصی به دفاع از اسلام و قوانین و نظام اسـلامی پرداخته است.

بناً اقتصاد یهود-صهیونیسم آن قدری که بزرگ و تاریک و خشن معلـوم می شود قابل ترس نیست، چـون اولاً این خـود بـرای مـا یـک دسـت آورد بزرگ و رحمت الله است که چهره ناپاک آن برای ما آشـکار شـده اسـت،

بعداً ان شاء الله با اختیار روش های آگاهانه مطابق قرآن و سنت پایه های این نظام را نیز میتوانیم از بین ببریم.

مبحث هفتم
قاچاق و فروش مواد مخدر و اسلحه منبع هزینه های جنگی سازمانهای
استخباراتی یهودیان

در مبحث گذشته تذکر به عمل آمد که چگونه سرمایداران یهودی بمنظور دست یابی به اهداف بزرگ جهانی خویش نظام خانواده و جامعه انسانی را در غرب از هم پاشانیدند و آن جوامع را به جوامع کاملاً فاسد، و پُر از فحشاء و بی حیائی و بی روح و بی ادب مبدل کردند، و حالا میخواهند چنین برنامه های خویش را در جوامع اسلامی ترویج کنند.

درین مبحث ببررسی منابع درآمد و تمویل سازمان های بزرگ جاسوسی یهودیان چون؛ موساد، سیا، ام.آی.6، انتلیجنت سرویس،

فراماسونری، اي-آی- یـو،مؤسسه سلطنتی امـور بین المللی[1]،بیلـدر بیرگس، تاویستاک.... وغیره، و اینکه چگونه انگلیس ها تریاک بـرای اولین بار در شهر بنگال هندوستان ترویج کردند و سپس چین را درگیر دو جنـگ بزرگ تریاک ساختند، و بعداز آن در کشـور هـای مختلـف جهـان تریـاک را گسترش بخشیدند، تا آنکه امروز مثلث بزرگ تولید مواد مخـدر را تشـکیل دادند و با اشغال افغانستان در حال حاضر آنرا بزرگترین تولید کننده مـواد مخدر در جهان ساخته اند و از تجارت آن سالانه بیشتر از 60 میلیارد دالـر عاید دارند ، وزمانیکه به بازارهای اروپا و روسیه میرسد قیمت آن تـا 600 میلیـارد دالـر افـرایش میآبـد، و اینکـه همـه این مـوارد در شـرایط حاضـر توسط ام.آی.6 و با هماهنگی با سازمانهای وابسته دیگر به او چون سیا [C.I.A] و موساد میگردد.

در مبـاحث گذشـته از اسـتعمار هنـد توسـط امـپراطوری انگلیس بـه رهبری یهودیان وخانواده [Roth's Child] اشـاره کـردیم، دراین مبحث بـه این موضوع می پردازیم انگلیس ها چگونه برای بهتر تطبیق نمودن برنامه های استعماری شان در شبه قاره هند و واقعیت بخشیدن (هند گاو شیری انگلستان است)، کشت و تریاک را نخسـت از بنگـال هنـد آغـاز کردنـد، تـا آنکه در مدت 20 سالی که درین منطقـه ماندنـد بـه صـد هـا هـزار نفـر را بسبب گرسنگی و کمبود مواد غـذائی و نبـود کـار و شـغل از بین بردنـد و زراعت این منطقه از هم پاشانیدند زیرا بریتانیائی هـا ایشـانرا مجبـور بـه کشت تریاک میکردند، در حالیکه آنان نان برای خوردن نداشتند.

نویسنده کمیته 300 میگوید: اولین بار در سال 1582 بریتانیائی هـا بـه سرزمین هند گام نهادند،...در سال 1603 «جان میلدن هال» برای گرفتن امتیازاتی به نفع شرکت انگلیسی هند شرقی که در سـال 1600 در لنـدن تأسیس شده بود به شهر اگرا وارد شد، شرکت یاد شـده نـام خـود را بـه شـرکت بریتانیـائی هنـد شـرقی تغـیر داد، این شـرکت بـرای آنکـه قـدرت سیکها را که با نظام بسته طبقاتی مخـالف بودنـد درهم بشـکند، در سـال 1717 م از راه پرداخت رشوه و به کـار گـرفتن سیاسـت پـردازی و نـیرگ واهداء محموله هـای دارویی، امتیـازات فـراوانی از خانـدان مغـول هـا بـه دست آوردند، این خاندان همین شرکت را در ازاء در آمـد هـای حاصـل از کشت خشخاش و تریاک خام از پرداخت مالیات معاف داشتند.

در سال 1765 مکلیه کشتزار های غنی خشخاش جهان کـه در بنگـال و بنارس و بیهار قرار داشتند، در زیر مهار یک چهره افسانه ای انگلیسی بـه

---

1 . Royal Institute for International Affairs، با مخفف (RIIA).

نام «کلیو هند» قرار گرفت، کلیو این اقدام را به نیابت بریتانیا «بانکداران یهود و رات چلید» انجام میداد، در سال 1785 م تجارت تریاک به طور کامل در اختیار شرکت بریتانیایی هند شرقی با مدیریت سر وارن هاستینگ، قرار گرفت، یکی از اقدامات به اصطلاح اصلاح خواهانه وی گرفتن زمین های کشت خشخاش و افزودن به منطقه زیر تیول خویش بود، باید یادر آور شد که عمل آوردن تریاک نیز از دیگر کار های اصلاحی اصلاحی نامبرده به شمار می آمد که به امپراطوری خود پیوند زده بود.[1]

...تاج و تخت بریتانیا و از جمله خانواده سلطنتی بعدها در تمام داد و ستدهای قاچاق مواد مخدر شریک شده و از این عنوان پیوسته برای تولید تریاک در بنگال و سایر نقاط هند استفاده می نمودند، تسلط آنان بر بازار قاچاق، از راه آنچه اصطلاحاً «گمرک عبوری» خوانده میشد، یعنی أخذ مالیات سلطنتی از تمام تولید کننده گان تریاک که رسماً میتوانستند نزد مقامات کشوری ثبت نام نموده و تریاک خود را به چین ارسال دارند، تأمین میشد.

پیش از سال 1896 که قاچاق تریاک هنوز جنبه ئی غیر قانونی داشت، برای عبور دادن قاچاق واژه های رمز گونه ای به کار برده میشد، تا آنجا که به خاطره ها مانده، تا کنون کوچکترین کوششی در راه ممنوعیت قاچاق تریاک به عمل نیامده و به وسیله کشتیهای موسوم به «کشتیهای چای چینی»[2]، که ظاهراً محصول عمل نیامده چای از هند و چین به بازار لندن می بردند، مقدار فراوانی از آن حمل می شده است ، در باره این کشتیها داستان ها و گفتنیهای بسیار بر سر زبانها بود.

در دوران جنگهای داخلی امریکا، لردها و لیدیهای شرکت هند شرقی با سنگدلی تمام کوشش میکردند این ماده زهر آگین را به صورت قرص و حب مسکن، به افراد ارتش فدرال و نیروهای متحده در شمال و جنوب ، به فروش رسانند، اگر این طرح با موفقیت ربرو می شد، آیا می توان آنچه ممکن بود در امریکا رخ دهد به تصور آورد؟ بدون شک، صدها هزار سرباز آلوده به اعتیاد برای پناه بردن به تریاک میدانهای جنگ را ترک می کردند، همانگونه که سالها بعد، «بیتلها» در آلوده ساختن میلیونها نوجوان امریکائی به اعتیاد، نقش آفرینی موفقیت آمیزی به عمل آوردند.

تاجران بنگالی و سلطه گران بریتانیائی و بانکداران دست اندرکار قاچاق مواد مخدر، از فروش تریاک به باربران چینی به ثروتهای هنگفتی

---

[1] . سیاست پردازی و نیرنگ ، ترجمه کتاب «Diplomacy by deception: an account of treasonous»/ داکتر جان کولمن.

[2] .China Tea Clippers.

دست یافتند، سود شرکت هند شرقی بریتانیائی در آن سالها به تنهائی، از مجموع سود شرکتهای جنرال موتورز و فورد و کرایسلر، در اوج سالهای رونقشان فزونی داشت، در سالهای 1960 تجارت پرسود مواد مخدر، با ترتیبات «قانونی» به تاجران مرگ آفرین دیگری همانند شرکت ساندوز، سازنده ال.اس.دی[1] و هافمن لاروش، سازنده قرصهای والیوم و ترنیداد، سازنده گانجا[2] انتقال یافت، هزینه مواد اولیه تولید والیوم برای شرکت هافمن لاروش 3 دلار در فی کیلو میباشد، در حالیکه به توزیع کننده گان هر کیلویی 20000 دالر فروخته میشود، و تا زمانیکه به دست مصرف کننده برسد کیلویی 50000 دالر قیمت پیدا میکند، و به همین مقیاس سایر این مواد.[3]

در حالیکه بنگال چند سال قبل از استعمار بریتانیا در زمان حکومت سراج الدوله که زمامدار مسلمان بود از شهرهای حاصل خیز هند به شمار می رفت که در هر قریه آن کشت و زراعت به بهترین نحوه آن انکشاف نموده بود و حاصلات گندم و سایر غله جات بیشترین محصولات منطقه را تشکیل می داد، و مردم در نهایت خوشی و آرامی بسر میبردند، همچنان به سایر ایالات هند به کثرت صادرات داشت.

زمانیکه در سال 1599م کمپنی هند شرقی توسط انگلیس ها تأسیس شد، هندیان در اوایل حتی فکر نمی کردند که روزی برسد تا این کمپنی بالای تمام هند حکومت کند، زیرا حقیقتاً آنان نیز برای حکومت کردن در هند نیامده بودند، و دانسته میشد که تاجر هم نیستند، بلکه هدف اصلی آنان استثمار مردم هند بود و میخواستند از نیروی کار ارزان هند به حد اعلی به نفع امپراطوری کار بگیرند، و تصور هم نمیکردند که یک کمپنی کوچک دوا سازی روزی تمام شبه قاره هند را بمدت دو نیم قرن را تحت استعمار قرار بدهد.

---

[1] . ال.اس.دی، و «Ergotamine» دو ماده مخدره ئی است که در سالهای 1960 توسط آلبرت هوفمان ، کمیا دان شرکت ساندوز تهیه شد، این ماده ذهن شخص را تحریک به برهنه سازی بدن میکند، و درهمین سال بشکل قانون آن در رسانه های امریکائی توسط گروپ های موسقی «راک» بشکل گسترده تبلیغ و مورد استفاده قرار میگرفت.

[2] . گانجا مواد نشه آوری است از خانواده ماری جوانا و بسیار نزدیک به آن است، ترتیبات فروش و ساخت آن توسط دیوید راکفلر و هنری کیسنجر زیرا عنوان «پایگاه ابتکاری کارائیب» سازمان داده شد و عمداً در کشور های جنوب شرق آسیا رایج گردید- کمیته 300، ص 118.

[3] . کمیته 300، ص 131.

اما از بخت نیک انگلیسان و قسمت بد بنگالیـان در آن زمـان حکـومت مغول کاملاً ضعیف شده بود و از طرف دیگر نواب سراج الدوله در ســال 1757م کشته شده بود[4].

و چون درین زمان استقرار انگلیس ها در بنگال و دیگر شـهرهای هنـد آهسته آهسته قطعی میشد بناً آنان بدنبال منع مردم بنگال از کشت مـواد غذائی و غله جات دو نوع محصول زراعتی را درین شهر ترویج کردند:

1- پرورش گُل های مخصوصـی کـه الـوان مختلفی داشـتند، کـه آنـرا برای رنگ کردن تکه ها در فابریکه های نساجی بریتانیا بکار میبردند.

2- کشت کوکنار (ترياک)، که وسیعاً آنرا به چین صادر مینمودند.

اما در مورد کشت کوکنار و تولید وقاچاق مواد مخدر باید بگویم کـه از جمله واقعیت های سیاه تاریخ بشمار میآید که متأسفانه حکایت از عاملین اصلی آن در هیچ یک از کتب تاریخ وجود ندارد، زیرا انگلیسها بـه مـدت دو نیم قرن درین منطقه «جنـوب و جنـوب غـرب آسـیا» بـه نحـوی از انحـاء مسلط بود، و بخوبی توانست که بـالای این فصـل از تـاریخ پـرده سـیاه و تاریکی بیاندازد.

چین نیز در آن روزگار به مانند امروز یک کشور بـزرگ و ده هـا مرتبـه مترقی و از نگاه تمدن هزاران سال نسـبت بـه هنـد آبـاد تـر بـود و دارای منابع سر شاری تولید سرمایه و ثروت از زراغت و صعنت و تجارت بـود، لباسـهای چیـنی ابریشـمی و صـنعت چین و چـای از مهمـترین محصـولات چینی بود که در بازار های خارج زیاد تقاضا داشت.

بــا مــروز زمــان اروپایــان علاقمنــدی بیشــتر بــه مصــرف اجنــاس و محصولات چنینی نشـان دادنـد، و خواسـتند تـا مـیزان تجـارت (واردات و صادرات) خویش را با آن سرزمین بیشتر کنند، چنینی در اوایل اجازه نمی دادند تا محصولات و صنعت اروپا داخـل کشـور شـان شـود و آن امتعـه و محصولاتی را که خودشان صادر میکردند، در مقابـل قیمت آنـرا از «طلا» حصول میکردند، چون از یـک جهت در آن زمـان بـه محصـولات و وسـایل خارجی ضرورت نداشتند و از جهت دیگر اموال اروپـائی را سـاخته دسـت شیطان و عامل فساد در کشور شان می دانستند.

اما گذشته از اینکه چینی ها چگونه دروازه های تجارت خویش را برای اولین بار بروی هالندی ها و سپس سایر اورپا و غرب گشود- کـه موضـوع

[4] . استعمار هند توسط امپراطوری انگلیس عملاً در اوئل قرن هژدهم شروع شد و تا اواسط قرن بیست (1699-1947) یعنی بمدت 250 سال ادامه پیدا کرد، اما انگلیس ها از زمان تأسیس کمپنی هند شرقی در سال 1599م زمینه های استعمار و استثمار از هندیان را مهیا میساختند واز همان آغاز به تجارت و قاچاق تریاک به چین پرداخته بودند.

مورد بحث ما نیست، ولی در مورد نخستین صادرات تریاک بنگال به اروپا و سپس به چین داکتر جان کولمن میگوید: نخستین محموله تریاک بنگالی در سال 1683 م به وسیله یکی از «کشتی های چای» شرکت بریتانیائی هند شرقی به ساحل انگلستان رسید، دلیل آوردن تریاک به انگلستان در واقع انجام آزمایشات بود که اقبال زراعت و طبقات پایین این کشور را نسبت به استعمال مواد مخدر معلوم دارد، همان شیوه ای که در بازرگانی امروزی واکنش «بازار» نسبت به محصول جدید خوانده میشود، اما زارعین نیرومند و «طبقات پایین» انگلیس مقاومت سختی از خود نشان دادند، و قاطعانه استعمال تریاک را مردود ساختند، بانکداران بزرگ و بلند پایگان لندن، جستجو برای بازار دیگری را که مقاومت کمتری نشان دهد، آغاز کردند، چنین بازاری در چین کشف شد، (زیرا چینی ها از قدیم عادت داشتند که بخاطر آرامش و تسکین درد ها از تریاک استفاده کنند)، وی میگوید: در برسیهای که من در «اداره هند» در پرونده هایی تحت عنوان «گزارشات متفرقه قدیمی» به عمل آوردم، تمام دلایل مثبتی که در آرزوی دسترسی به آنها بودم بدست آوردم، این دلایل حکایت از آن داشت که پس از تأسیس شعبه شرکت بریتانیائی هند شرقی در چین، که عنوان «میسیون سرزمین چین» را به خود گرفته بود، تجارت تریاک درین کشور آغاز گردید، گروه اخیری که ظاهراً از داوطلبان گسترش دین مسیح تشکیل می شدند، عملاً از گروه زنان و مردانی بودند که برای گسترش استعمال محصول جدیدی که به بازار عرضه شده بود، یعنی تریاک به آن کشور سفر کرده بودند.

که اتخاذ چنین موقفی در برابر هند و چین بعنوان منابع بزرگ ثروت و تأمین کننده مصارف لشکر کشی های امپراطوری انگلیس توانست حمایت کامل پارلمان و حکومت مرکزی انگلیس را جلب نماید، که بلا فاصله نیروی مارین «دریائی» برتانیا جهت تأمین و مصئون ساختن این روند به هند اعزام شدند، که در مدت اندکی توانستن چندین برابر طلای های را که قبلاً برای چینایان پرداخته بودند دوباره حصول کنند.

و این حالت در حدود نیم قرن ادامه پیدا کرد و در سراسر چین و در شهرهای بزرگ بمانند؛ شانگهای و کاتن معتادین تریاک روز به روز در چین زیاتر میشد و کارگران تبیل تر و ضعیف تر میشدند، تا جائیکه چین به یک مشکل بزرگ اجتماعی مواجه گردیده بود، از لحاظ برای اولین بار در سال 1729 م امپراطور چین «یانگ چینگ» قانون منع و مبارزه با تریاک و سایر مواد مخدر را تصویب نمود، که این وضعیت برای عاملان کمپنی هند

شرقی و دست اندرکاران اصلی آن که بانکداران یهود بودند سخت آمـد و ازین تاریخ به بعد جنگ بزرگی را علیه چین براه انداخت.

چون ازین زمان به بعدا نتوانستند به صورت آزاد مواد مخـدر و تریـاک را به چین صادر کنند بناً ناچار به قاچاق آن روی آوردند، کـه صـریحاً گفتـه میتوانیم اولین و بزرگترین قاچاق کننده مواد مخدر در تاریخ انگلیس هـا و امپراطوری انگلیس میباشد،

که در 20 -30 سال نخست یعنی از 1683 به بعد دو میلیون چینی را در نتیجه استعمال مواد مخدره به قتل رسانیدند و در بنگال دو میلیون انسان دیگـر را بـه سـبب قحطی و گرسـنگی هلاک سـاختند، کـه ظلم و تـرور وحشت و دهشت بزرگتر ازین در تـاریخ بشـر قبـل از آن صـورت نگرفتـه بود، زیرا در آن زمان چهار میلیون نفوس بسیار نفوس زیاد بود، زیرا تمام نفوس هند در آن سالها 30 میلیون بیشتر نبود.

و این قاچاق تا حدود یک قرن به دست انگلیس ها و بانکداران یهـودی-صهیونسـت و عامـل ایشـان کـه شخصـی بنـام وارون هسـتنگز (Warren Hastings) بود ادامه داشت، و تـا سـالهای 1838 م رقم قاچـاق تریـاک بـه چین را تا شصت هزار صندوق در سال افزایش داده بودند، که بالآخره در سال 1839 م امپراطور جدید یکی از نظامیانش را بنام «لین تسه هسـی» به بندر «کانتون» فرستاد و چون مزاکراتش با انگلیس ها بر بالای واردات تریاک و مواد مخدر به نتیجه نرسید انگلیس ها خواستند تا او را بکشند اما او چون شخص زیرک و چالاک تدابیر را از قبل گرفته بود خود را از توطئه انگلیس ها نجات داد و سپس 20000 صندوق تریاک را یـک و نیم میلیـون کیلو تریاک میشد در کنار دریا به آتش کشید کـه چنـدین روز میسـوخت، و از آن تاریخ به بعد مانع آمدن کشتی های تجـارتی انگلیس هـا در اطـراف چین گردید.

وچون انگلیسها که تمام هزینه هـای امـپراطوری و جنگهـای خـویش را ازین همین طریق تأمین میکرد، مجبور شدند علیـه چین اعلان جنـگ بدهـد که در نتیجه از سال 1839ـ 1842م جنگ سختی میان انگلیسـها و چینایـان آغاز شد که در تاریخ به نام جنگ تریاک (Opium war) مشهور است.

در نتیجه چین در این جنگ شکست خورد، و ناگزیر تسلیمی خـویش را اعلان کرد و حاضر شد تـا بعضـی از شـهر هـای تجـارتی خـویش را چـون سنکیانگ و شانگهای را به انگلیسها واگذار شود، و همچنـان تجـارت شـان در هنک گانگ نیز آزاد شد، و انگلیس ها در کمترین مـدت این شـهر هـا را مبدل به مراکز بزرگ مواد مخدر جهان در آنوقت کردند، طوریکـه در آنجـا

مواد مخدر به مقصد صدور به سایر نقاط دنیا جمع آوری و بسته بندی و پروسس میشد، و به نقاط مختلف جهان صادر میشد؛ و همچنان فرصت یافتند تا با استفاده ازین امتیازات در سایر شهر های بزرگ چین به تجارت مواد مخدر بپردازند.

یعنی در آن زمان انگلیس ها امپراطور چین را به حدی ناتوان و بی چاره ساخته بودند، تا او ناگزیر شود اجازه بدهد تا تمام ملت چین در دام تریاک و مواد مخدر گرفتار شود، و تعداد معتادین به حدی زیاد شده بود که اگر یک معتاد یا زمین دار 100 هزار تییل (واحد پولی چین در آن زمان) را چای میفروخت، لازماً دره برابر آنرا تریاک میخرید.

درین زمان چین محور تجارت بین المللی تریاك محسوب شد و حکومت و ملت چین ازین ناحیه بسیار رنج می بردند و هر روز در فکر چاره اندیشه ی برای بیرون رفت ازین چالش و بن بست بودند، تا آنکه در سال 1858م برای بار دوم با انگیسها درگیر جنگ شدند که در تاریخ به جنگ دوم تریاک مشهور است، ولی باز هم شکست خوردند و در نتیجه شهرهای بزرگ به شمول شانگهای را کاملاً تسلیم انگلیسها نمودند، و انگلیسها و سازمانها استخباراتی انگلیس تا هنوز درین تجارت خطرناک و پلید دخیل هستند، و با قاچاق آن ملت های بزرگی را بتباهی میکشند و برای تخدیر جوانان غربی و امریکائی و آسیائی به گونه وسیع استفاده کرده اند و برای مصرف این مواد تبلیغات وسیعی را براه انداخته اند، و مصارف و هزینه های جنگی خویش را ازین طریق تأمین نموده اند.

به دنبال آن با یک تعداد از پروفیسوران آلمانی و انگلیسی و هالندی سازشی به عمل آوردند تا تریاک را با استفاده از عمل کیمیاوی غنی ساخته و آنرا تبدیل به مواد نشه آور قوی در حجم کم نمایند، که توانستند، هیروئین، مورفین، متادون، کوکائین، ال.اس.دی وغیره مواد نشه آور را از آن استحصال کنند، و این کار برای اولین بار در جرمنی صورت گرفت که تریاک را به هروئین تبدیل نمودند، و سپس به کوکائین...وغیره.

و چونکه این مواد جدیداً ساخته شده بود مردم آگاهی از عواقب استعمال آن نداشتند بناً آزادنه در بازار خرید و فروش می شد و در رادیو ها و تلویزیون و مجلات و اخبار به مانند؛ سگرت (نیکوتین) و قهوه (کافئین) مورد تبلیغ و بازار یابی قرار میگرفت، تا جائیکه جامعه آنرا یک مسکن مفیدی برای رفع خسته بعد از خدمت و کار های شاقه ای که در کارخانجات یهودیان در امریکا انجام میداند پذیرفته بودند، تا آنکه در سال

1920 م وضعیت طوری شده بود که اکثر کـارگران و جوانـان امریکـا بـه مواد مخدر .

به همین شکل مافیا ها و کارتل های بزرگ مواد مخدر و قاچـاق گـران مهم آن در کشور روسیه یهودیان بودنـد، کـه بـا مافیـائی نیویـارک و لنـدن مشترکاً کار میکردند.

و هنگامیکه بعداز 1920م تجارت و استعمال علنی مـواد مخـدر ممنـوع اعلان گردید، کـه امکـان دارد کـه چـنین قـوانین را نـیز خودشـان طـرح و تصویب کرده بوده باشند تـا قیمت مـواد را بـالا ببرنـد همانطوریکـه بعـداز تصویب منع استفاده از مواد مخدر در چین قیمت تریاک بـه چنـدین برابـر افزایش یافته بود، بناً تشـکیلات و فعـالیت هـا مخفی مـواد مخـدر را آغـاز کردند، و به منظور آن سندیکا های بزرگ و تشکیلات مافیائی قاچاق مـواد مخدر در امریکا به وجود آمد، که تا به حال بنام مافیـائی بین المللی مـواد مخـدر [Global Drugs Cartel]ـ یـاد میشـوند، و رهـبری آن بصـورت مستقیم به دست بانکداران یهود-صهیونیست می باشد.

امروز بزرگـترین سـرمایه گـذاری هـا و تجـارت در سـه جنس صـورت میگیرد، و ارزش سهام به ارزش آنها وابسته اند:

1- انـرژی: بخصـوص نفت کـه ملیـارد هـا دالـر در خریـد و فـروش آن مصرف و سرمایه گذاری می شود.
2- اسلحه: که بصـورت مسـتقیم بـه برپـائی جنگهـا در نقـاط مختلـف جهان ارتباط دارد، به بلیونها دالر خرید و فروش اسحله و قاچـاق و انتقال آن به میدانهای جنگ صرف میگردد.
3- مواد مخدر: که بالاترین و پرسود ترین تجارت نسبت به هر تجارت دیگر در جهان میباشد.

و نظر به گزارش سازمان ملل متحد، سالانه در آمد های از درک مواد مخدر در جهان در حدود 500-900 ملیارد دالر می باشد؛ بناً زمانیکه مـواد مخدر به این اندازه مارکیت و بازار بـزرگ وقـوی را بـرای خـود اختصـاص داده است پس خود قدرت و طاقت این مافیا قیـاس کنیـد ؟!! در حالیکـه به خوبی این را میدانید که شـرکت هـای نفـتی در جهـان چگونـه جنگهـای بزرگ و قتل و خونریزی را در جهان برپا کرده میتوانند، کـه مثـال آنـرا در جنگ های، ایران و عراق، عراق و کویت، جنـگ هـای خلیج، اشـغال عـراق توسـط امریکـا و کشـتن صـدام حسـین، اسـتعمار و اسـتثمار بلاد حـرمین (کشور مسمی به عربستان سعودی)، و کـویت در حـال حاضـر و سـاختن پایگاه های بزرگ نظام برای حفظ این منافع یاد آوری کرده میتوانیم.

این همـه را مقـدمتاً بـرای آن یـاد آوری کـردیم تـا پیش منظـری بـرای مبحث اصلی ما باشد ، یعنی اینکه بعداز جنگ دوم جهانی این مسئولیت را کاملاً سیا [C.I.A]و موساد و غیره سازمان های یهودی بعهده گرفته و تا به امـروز بـه پیش میبرنـد، و هزینـه و مصـارف جنگهـای نـیرو هـای صـلیبی یهودیان [یعنی ارتش ایالات متحده امریکا و ناتو]، در افغانسـتان، عـراق، فلسطین، یمن، پاکستان،سوریه....همه از پول مواد مخدر تولیـد شـده در افغانستان و مثلث طلائی شان در جنوب آسیا بدست میآید.

سـیا [C.I.A] [1] بعــداز جنــگ جهــانی دوم جهــانی در زمــانی ریاســت «ترومن» بنیان نهاده شد، و کلیه ادارات وابسته به آن در منطقـه اي کـه تقریباً 50 هکتار وسعت دارد در ایالات ویرجینیای امریکـا می باشـد دفـتر مرکـزی این سـازمان در سـاختمان هشـت طبقـه ئی بـه شـکل «H» در فاصله 20 دقیقه با قصر سفید و پنتاگون موقعیت دارد.

تعداد پرسونل که به این سازمان کار میکنـد بـه صـورت دقیـق معلـوم نیست اما بصورت تخمین در حدود پنجاه هزار حقوق بگیر آمریکـائی دارد، این سازمان داری سه واحد مستقل می باشد:

1- سرویس جمع آوری اطلاعات خارجی.
2- سرویس عملیات ضد جاسوسی و ضد اطلاعات.
3- سرویس مداخلات مخفی در کشور هاي خارجی.

بعداز جنگ دوم جهانی وظیفه داشت تا جنگ علیه کمونیزم را در تمـام جهان سازمان دهی نمایـد، و چـون کـانگرس امریکـا در آنـوقت بـرای این سازمان بودجه چنین کارها را تصـویب نمی کـرد، بنـاً بـه کمـک بانکـداران یهودی شروع به چنین فعالیت هـای بـزرگ و جهـانی کـرد، تـا آنکـه کـاملاً امـروز این سـازمان بـه دسـت یهودیـان میباشـد، و از همـان هنگـام این سازمان به فکر منابع مالی برای خود شد، وچونکه طیـارات این سـازمان آزادانه به هر کشور رفت و آمـد میکـرد، بنـاً از بـدو تأسـیس اش در کنـار سایر فعالیت هایش به بزرگترین سازمان قاچاق و ترانسپورت مواد مخدر در جهان تبدیل شد[2].

و چون در تجارت مواد مخدر هیچ حساب و کتابی وجود ندارد، و کسی مسئول پاسخگوئی به عایدات و مصارف آن نمی باشد، بناً هرگونه جنایتی

---

[1]. CENTRAL INTELGENCE AGENCY، یا سازمان تحقیقات مرکزی.

[2] . آنچه را ما میگویم ویا در صفحات بعدی خواهیم گفت: یک ادعای محض نیست، بلکه درین زمینه کتابهای پر حجمی با ثبوت و اسناد نوشته شده است، و این نویسنده گان نیز کسانی بوده اند که قبلاً در همین سازمانها کار میکردند و چنین اعمال را زمانی خودشان انجام میدادند.

را که بخواهند از آن پول ها انجام میدهند، از براندازی حکومتهای مــردمی تا کشـتن اشـخاص صـادق و مسـتقل بـه دین و کشـور و مـردم شـان،[1] و برنامه ریزی انواع بغاوت و جنگهای بـزرگ منطقـه ای و ملی کشـور هـای مختلف و ایجاد گروه های مختلف مسلح و غیر مسـلح و اسـتفاده ابـزاری از آنها بمنظور تحت کنترول داشـتن همـه جهـان مـرتکب جنایـات مختلـف میشوند.

طوریکـه «جـان اسـتاك ول» یکی از اعضـای سـابق این سـازمان در جلسه ای که چندی قبل در نیویارک دایر شده بود با حضور داشت چنــدین تن از اعضای سابق دیگر این سازمان گفت: «ظرف 30 سـال گذشـته تـا کنون بیش از 105 میلیون نفر در عملیات پنهـانی سـازمان [سـی.آی.ای] بقتل رسیده است، و این تعداد جزو ارقامی میباشد که به صورت رمسـی در سازمان به ثبت رسیده است، اما آمار تلفات در جریان بـر خـورد هـای نظامی تا کنون معلوم نیست، وی در کتابی کـه تحت عنـوان [سـی.آی.ای در دهـه 70][2] نوشـته اسـت، میگویـد:«اکـثریت قربانیـان عملیـات سـیا ساکنان کشور های جهان سوم هستند»، که حرف وی دقیقاً همان مصداق طرح کسینجر برای کاهش نفوس جهان و [Green Monkey] میباشد».

یکی دیگر از اعضای برجسته این سازمان به نام «رلـف مـك گین» در یکی از اظهارات خـود چـنین گفت: «من خـودم اسـناد محرمانـه ای را در زمان ریچارد نیکسون دیده ام که تأیید کننـده گزارشـات مربـوط بـه قتـل عام قریب به یك میلیون نفـر از مـردم انـدونزی در جریـان کودتـای سـال 1965م این کشــور بــود کودتــای کــه طی آن پرزیــدنت ســوکارنو توســط سازمان سیا سرنگون شد»[3].

و همچنان این سازمان در میان سالهای)1970ـ 1990(و از (1990-امروز...) جنگهای بزرگی را در میان کشـور هـای خلیج، آسـیا مرکـزی و جنوب آسیا رهبری و ایجاد نموده بود که تا حال آثار این جنگهـا در منطقـه موجود میباشد، جنگ افغان و روس، عراق و ایران، جنگ عـراق و کـویت، و قبـل از آن جنـگ اعـراب و اسـرائیل ...کـه در نتیجـه همـه این کشـورها ناگزیر به خرید اسلحه از بازار های سیاه بودند، و خرید و انتقال همــه این

[1] . مانند، سوی قصد به جان چوئن لای نخست وزیر چین کمونیست در سال 1958، و سوی قصد به جان پاتریس لمومبا رهبر سیاهان افریقا، فیدل کاسترو و چگورا رهبر آزدای خواهان کیوبا، و ماتر لوتر کینگ رهبر سیاهان امریکا، و یا داکتر مصدق در ایران، و شاه فیصل در عربستان سعودی، وسوی قصد به جان یاسر عرفات، و شیخ عبدالله عزام رحمه الله... وغیره.

[2] . [C.I.A in 70th decade].

[3] سازمان هاي جاسوي دنيا ص98

سلاحها را [C.I.A] بعهده داشت، و چون فروش و انتقال اسحله در آنزمان مطابق قوانین بین المللی ممنوع نبود بناً علناً این همه را انجام میدادند، و از طرف دیگر این جنگ ها را طوری سازماندهی کرده بودند که هردو جانب بقدر کافی ضعیف گردند تا از یک طرف قدرتی نتواند تا مدت های زیادی در مقابل شان سر بلند کند و از طرف دیگر زمینه اشغال این مناطق در آینده برایشان مساعد گردد که بالآخره با اشغال نظامی عراق و اشغال اقتصادی-سیاسی کویت که هردو این مناطق از بزرگترین دارنده گان منابع نفتی در آسیای میانه میباشد[1] و سپس با اشغال افغانستان که مساعدترین موقعیت برای کشت[2] و قاچاق مواد مخدر بود این جنگها را ادامه دادند.

ایرانیان در مقابل کمك دولت امریکا وعده کرده بودند که هرگاه حکومت ایالات متحده برای ما اسلحه تهیه کند در مقابل ما برای رهائی ماموران سیا از قید دولت لبنان کوشش خواهیم کرد، ولی اساساً انجام این همه معاملات از طریق دولت امریکا غیر قانونی بود در حالیکه C.I.A تمام این مصارف را از پولهای تجارت و ترانسپورت مواد مخدر که از ویتنام الی افریقا جنوبی، و از مثلث طلائی شان[3] به سراسر جهان انجام میدادند هزینه میکردند و برعلاوه بواسطه این پولها مصارف بغاوت و شورش های زیادی دیگری را نیز تمویل مینمودند.

و این رویه در سازمانها های بزرگ جاسوسی دنیا به مانند؛ سیا، ام.آی.6 وغیره سازمان های بریتانیائی، موساد، ک.گ.ب ... عمل قدیمی و لابد میباشد، چنانچه که سازمان سیا جهت انتقال مصئون تریاک، هیروئین و کوکائین تولید شده در مثلث طلائی خطوط هوائی ایر امریکا (Air America) را در سال 1950.م ایجاد کردند که خاص به همین منظور و همچنان جهت خدمات اطلاعاتی از چین و ویتنام بوجود آورده شده بود.

یعنی سازمان سیا در بدو تأسیس خویش به کار انتقال و تجارت مواد مخدر آغاز کرد، و این تجارت نخست از مثلث طلائی (بورما، تایلند، و

---

[1] . این همه برنامه ها را در آسیای میانه شخصی بنام «کارنل اولیورناب» افسر ارشد استخدام شده، یهودیان و دیود راکفلر در (سی.آی.ای) هماهنگ و تحت نظارت داشت.

[2] . هلمند، قندهار، فراه...و سایر مناطق جنوبی افغانستان مساعدترین موقعیت ها در جهان برای کشت مواد مخدر میباشد، از همین جهت بیشترین تمرکز نیرو های اشغال گر امریکائی و انگلیسی در همین مناطق تمرکز یافته اند.

[3] يعني افغانستان پاکستان از يك طرف و تايليد، لاوس و ويتام از طرف ديگر و بورما در جهت ديگر، در سه گوشه آسيا موقعت دارند و بزرگترين توليد کننده گان مواد مخدر در جهان ميباشند.

لاووس) که بزرگتزین منطقه تولید مواد مخدر بود شـروع شـد، و توسـط ایر امریکا به باز های جهانی انتقال داده میشد.

از سال 1950-1970 در جریان مداخلات نظامی ایالات متحده امریکا در انـدوچین و لاووس ایـر امریکـا بزرگـترین رقم تولیـد و پروسـس مـواد مخدر را رهبری و انتقال میداد، تا جائیکه جنوب آسیا به تولید کننده 70% مواد مخدر جهان تبدیل شد.

بانـک نـوگن سـدنی (Bank of Sydney Nugan Hand) اسـترلیا بزرگترین بانـک در خـدمت سـیا و سـایر سـازمانهای جاسوسـی امریکـا و انگلیس قرار داشت، این بانک دارای شاخه ها و نماینده گی های دیگـر در عربستان سـعودی، اروپـا، اسـیا جنـوبی، امریکـا جنـوبی و ایـالات متحـده امریکا داشت، و کار عمده این بانک پول شوئی (آن پول های که از مـواد مخدر و سایر جنایات سـیا بدسـت میآمـد)، قاچـاق مـواد مخـدر، خریـد و فروش اسلحه در سطح بین المللی انجام میداد، و زمانیکـه کـار هـای این بانک توسط بعضی اشخاص افشا گردید به طور مرموزی به قتل رسانیده شدند، و در پی بالا گرفتن فساد و کار های پنهـانی بانـک و این مـورد سـیا میباشد این بانک را بسبب پنجاه میلیون دبت (قرضـه) ورشکسـت اعلان کردند.

از سال 1970-1980 پانامه توسـط سـازمان سـیا بـه مرکـز تبادلـه و فروش مواد مخدر و پول شـوئی وجـوه مـواد مخـدر جهـان در آمـده بـود، همچنان پروسس مواد مخدر به شکل قرص های ماری جوانه در پانامه به مقدار تقاضای جهانی صورت میگرفت، در دهه 80 بیشـترین مشـتریان را در اروپا و امریکا داشت، طوریکه سـالانه در حـدود 25 میلیـارد دالـر پـول مواد مخدر کلمبیا از طریق بانک هـای پانامـه پـول شـوئی میشـد، جـنرال مانوئل نوریگا که قدرت را در طی یک کودتا از پارواس بدست گرفته بود، در ابتداء از متحدین ایالات متحده و دوید راکفلر (صاحب امتیاز بانک های پانامـه) بـود، از همین لحـاظ سـیا و راکفلـر نسـبت بـه وی حسـن ظن داشتند، اما زمانیکه نوریگا نسبت به فساد و عدم جدیت در کار مبازره بـا مواد مخدر واکنش نشان داد، و طی آن چنـدین بانـک را مسـدود نمـوده و میلیون ها دالر و هزاران کیلـو مـواد مخـدر را مصـادر و بـه آتش کشـید و بـرای عـاملین تولیـد و توریـد مـواد مخـدر هشـدار داد و گفت: تجـارت و عملیات غیر قانونی آنـان هرگـز در پانامـه بعـد ازین مـورد اسـتقبال قـرار نخواهد گـرفت، درین زمـان بـر علاوه فشـار هـای زیـادی از جـانب دولت امریکا، و دیویـد راکفلـر کـه صـاحب امتیـاز در بانکهـای پانامـه و همچنـان

صاحب اسهام بزرگ در وال استریت بود[1]، صندوق جهانی پول یا آی.ام.اف بالای نورویگا فشار وارد میکرد و اعلان کرد: اگر نوریگا رفتار مستبدانه خویش را ترک نکند وام های درخواستی پانامه را متوقف میسازیم، و منظور آی.ام.اف از رفتار مستبدانه مبارزه جدی نوریگا در توقف بانک های دریافت کننده وجوه مواد مخدر و قاچاقچیان کوکائین بود، و چون نوریگا این تهدید های صندق جهانی پول را برای مردم واضح ساخت، این بار آی.ام.اف او را بیشتر فشار داد، و مخاطب به سندیکا های کارگران گفت: اگر نوریگا در قدرت باقی بماند روز های تلخی در انتظار مردم پانامه خواهد بود.

چون این عمل نوریگا بیانگر جدیت وی در کار مبارزه با مواد مخدر بود، بلافاصله از طرف مأموران سیا اتحادیه های مخالف با نوریگا (بنام جامعه مدنی و طرفداران سیاست های وال ستریت و صندق جهانی پول) بوجود آورده شد و آنان شدیداً به مخالف با نوریگا اقدام کردند و مظاهرات و تبلیغات بزرگی را براه انداختند، سپس توسط همان مأموران سیا نوریگا در سال 1989 اختطاف شد، و چون چندی بعد آشکار گردید که نوریگا در ایالات متحده زندانی میباشد، ایالات متحده این عمل خویش را فجیعانه توجیه کرده و گفت: نوریگا در قضیه مواد مخدر و عملیات پیسس متهم میباشد، و در محاکمه ای در فلوریدا به شکل غیر انسانی و بدون در نظر داشت شواهد و مدارک نوریگا را مجرم تشخص داده و زندانی ساختند، و با رفتن نوریگا از صحنه پانامه، پانامه دوباره به مرکز جنایات و بیکاری و پول شوئی و تجارت مواد مخدر تبدیل شد ... که تا به امروز وضعیت چنین ادامه دارد و بهتر نشده است.[2].

همینطور قدیمی ترین مافیای مکسیکوئی «گاوا دلاجرا» توسط سیا ایجاد شد زیرا باید یک رابط میان سیا و «جان ماتا بلستروس» بزرگترین مافیای مواد مخدر در مکسسیکو وجود میداشت، و همچنان بخاطر پیش برد دست کار وبار مواد مخدر سازمان (D.F.S) را تأسیس کرد که سپس این سازمان به سازمان استخبارات و اطلاعات مکسیکو (Center for Research and National Security) یا C.I.S.E.N تبدیل گردید، که بزرگترین بخش بودجه خویش را از طریق ترافیک مواد مخدر تأمین میکرد، و این واضح است که مافیای «گاوا دلاجرا» از بزرگترین و پرقدرترین شبکه تولید و ترافیک مواد مخدر در قاره امریکا میباشد، و دلیل قدرتمند بودن آن نیز آنست که در تحت حمایت و حراست سازمان

[1] . دولت پانامه در حدود هشت میلیارد دالر از بانکداران وال استریت مقروض بود.

[2] .John Dinges, Our Man in Panama, Random Hous,1991.

D.F.S که ساخته دست سیا بوده و در هماهنگی با آن فعالیت میکرد قرار داشت.

و همچنان نشر و پخش مواد مخدر در داخل ایالات متحده امریکا و اروپا که طبعی است که جز توسط C.I.A و M.I-6 و M.I-5 صورت گرفته نمی تواند.

و در حال حاضر این تجارت بزرگ (مواد مخدر) را که چندین برابر نسبت به منفعت نفت و گاز پر سودتر و دارای منافع زیادتر میباشد، در محور تولیدات مواد مخدر قندهار-هلمند و سرحدات پاکستان-افغانستان متمرکز ساخته اند، و افغانستان را به کشوری مبدل کرده اند که در حدود 80% مواد مخدر جهان در آن تولید میکردد، و سپس با میلیون ها تُن استیک ان هایدرات (ACETIC INHYDRIDE) که توسط بریتانیائی ها و امریکائی های مستقر در هلمند و قندهار از خارج وارد میشود در کمپ های بزرگ هلمند و بگرام ... بشکل فنی و در مناطق محلی بشکل غیر فنی آن به هروئین و کوکائین تبدیل و بعداً توسط هواپیما های C.I.A به بازار های بزرگ جهانی و به دسترس مافیای بین المللی انتقال میگردد.

حالا نظر به حساسیت موضوع این مسئله را با کمی تفصیل ببررسی میگیرم:

ایالات متحده امریکا که مطابق برنامه های بانکدارن یهود-صهیونست طرح ریزی میشود قبل از یازدهم سپتامبر و بعداز شکست اتحاد جماهر شوری قصد حمله به افغانستان را داشتند، و حملات یازدهم سپتامبر را برنامه ریزی کرده بودند که بر اساس آن بتوانند معمای جدید خویش را برای قتل و به تباهی کشانیدن ملت ها و اشغال سرزمین هایشان و به تاراج کشانیدن ثروتها و ارزش هایشان (اعم از ارزش های دینی و فرهنگی و همچنان ارزش های اخلاقی و اجتماعی) تحت عنوان جنگ علیه تروریسم (War on Terror) بناء نهند.

زمانیکه در سال 1979م سیا موقع این را پیدا کرد که در مسائل افغانستان مداخله نمایند، از همان هنگام دست به یک سلسله فعالیت های زدند و زمینه های بزرگی را برای تشویق دهاقین و بزرگان قومی جهت کشت و تولید کوکنار «مواد مخدر» مهیا نمودند، در حالیکه تولید مواد مخدر قبل از آن توسط مارکیت های کوچک خرید و فروش مواد مخدر رهبری میگردید، اما بعداز مداخله ایالات متحده امریکا تولید مواد مخدر به عنوان جزء از پالیسی اقتصاد ایالات متحده در این منطقه در آمد، زیرا کمک های میلیارد دلاری ایالات متحده امریکا برای مجاهدین هیچ

منبع مشروع داشته نمی توانست[1]، بناً تولید و انتقال مواد مخدر بـه بـاز های جهانی یگانه منبع تمویل هزینه های جنگ بود، و از طرف دیگر اعتیـاد عساکر اتحاد جماهر شوری یک ضربه بزرگ به نیروی هـای جنگی دشـمن میرفت که قبلاً این کار در میان عساکر چین و ویتام و نتیجه داده بود.

چون در میان سالهای 1979-1989 جنگ شـدیدی در افغانسـتان برپـا شده بود و شرائط را بر مردم و همچنان نیروی های اتحاد جماهیر شوری تنگ ساخته بو بناً به گونه وسیع از مواد مخدر استفاده میکردند، تا جائیکـه تأثیرات روانی جنگ بالای عساکر ارتش سرخ باعث شده بود کـه اکـثریت ایشان معتاد به مواد مخـدر (الکـول، تریـاک، چـرس ...) شـده بودنـد، و مواد مخدر تنها وسیله ای بود که میتوانست، فشار ناشـی از جنـگ، حمـل 40 کیلوگرام بار هر سـرباز، و افسـردگی دوری سـربازان از فامیـل هـا و دوست هایشانرا که در جنگ از دست داده بودند بردارد، که حتی در اواخر سالهای جنـگ افغـان-روس عسـاکر روسـی بخـاطر بدسـت آوردن مقـدار کمی از تریاک حاضر به دادن اسحله و لباس ها و سایر تجهـیزات نظـامی خویش برای مجاهدین افغان- ویا مردم محل شده بودند[2].

محقق امریکائی آلفرد مک کـوی (Alfred McCoy)، میگویـد: « در جریان عملیات مخفی سیا در میان سـالهای 1979 بـه بعـد در افغانسـتان این منطقه برای تولید تریاک و مـواد مخـدر مناسـب تشـخص داده شـد و همزمـان سـرمایه گـذاری هـای زیـادی درین عرصـه توسـط سـیا صـورت گرفت که دو اثر مهم بر جای گذاشت: مناطق سرحدی میان افغانسـتان-پاکستان به بزرگترین منطقه تولید مـواد مخـدر در جهـان مبـدل شـد، کـه شمار معتادین مواد مخدر در پاکستان از فیصدی نزدیک به صـفر در سـال

---

[1] . هرچند کمک های بزرگی برای نصرت و کمک مجاهدین توسط کشور های عربی و همچنان کمک شخصی مردمان فیصدی بزرگ هزینه های جنگ (جهاد) علیه اتحاد شوری را تأمین میکرد، اما خرید و انتقال و تربیت مجاهدین در کمپ های بزرگ سودان و پاکستان هزینه های بمراتب بیشتر نیاز داشت که باید از منبعی پرداخته میشد، مثلاً؛ سلاح شگفت انگیز همان دهه موشك هاي ضد هلیکوپتر (stinger missiles) که یک دستگاه راکت انداز و یک راکت ستنگر و مصارف آموز چند هفته ای استعمال آن بالغ بر بیشتر از یک میلیون دالر میشد، و سالانه بیشتر از 200-300 راکت انداز و در حدود بیشتر از هزار میل ستنگر داخل افغانستان میشد، طوریکه دگروال یوسف افسر ارشد آی.اس.آی در دوران جنگ افغان-روس میگوید: « امریکایان با ما قرار داد تحویلدهی سالیانه 250 دستگاه راکت انداز و در حدود 1000-1200 میل ستنگر به امضاء رسانده بود، و در جای دیگر میگوید: این مقدار تا سال 1987.م به هفت برابر افزایش یافت، و بیشترین قسمت های اسلحه (به شمول ستنگر) از چین، مصر، و بعد ها از اسرائیل خریداری میشد»/ تلک خرس، ص 285. در حالیکه سالانه در افغانستان 65000 تن اسلحه سالانه وارد میشد و میان مجاهدین تقسیم میگردید، که طبعی است هزینه تمام این اسلحه به مراتب بیشتر از پول های بود که نزد مجاهدین از کمک های دولت های اسلامی و افراد و تاجران بدست میآوردند.

[2] . اردو و سیاست، محمد نبی عظیمی.

1979 به 1.2 میلیون معتاد در سال 1985 رسـید، کـه رقم بـالای صـعود تعداد معتادین را در میـان سـایر کشـور هـای جهـان نشـان میدهـد نشـان دهنده این امر است، و ثانیاً ایجـاد بزرگـترین و پـرمنفعت تـرین تجـارت و منبـع تـأمین هزینـه هـای نامشـروع ایـالات متحـده امریکـا (Narcotic- Economy) تا جائیکه شوری شکست خـورد و این تجـارت بـرای امریکـا باقی مانده است[1].

اما تولید مواد مخـدر در زمـان امـارت اسـلامی افغانسـتان (1995م-2001م) تحت زعـامت امـیر المؤمـنین ملا محمـد عمـر مجاهـد «حفظـه الله» تقریباَ محـو شـده و از بین رفت، و مطـابق گـزارش سـازمان ملـل متحد درین مدت زمان میزان کشت مواد مخـدر در افغانسـتان بـه 8000 هکتار زمین (= 200 تن) میرسید و مبارزه جـدی و واقعی علیـه کشـت و قاچاق مواد مخدر توسط امارت اسلامی اعمال گردیـد، کـه در چنـد سـال نخسـت نتیجـه آن واضـح شـده و مـواد مخـدر تقریبـاً از افغانسـتان ازبین رفت.

اما از زمان اشغال دوباره افغانستان از اکتـبر 2001 م بـه این طـرف افغانستان به بزگترین تولیـد کننـده مـواد مخـدر در جهـان تبـدیل شـد کـه سـالانه در حـدود 209000 هکتـار زمین (=183000 تن) تریـاک کشـت میشود، کـه در آمـد حاصـل از آن افـزون بـر 200 میلیـارد دالـر در سـال است.

به نقل از کلوبل ریسرچ بعداز حمله نظامی ایـالات متحـده امریکـا بـه افغانستان در اکتبر 2001 مارکیت هـای مـواد مخـدر از نـو سـرو سـامان گرفت، تولید مـواد مخـدر در حـدود 35 چنـد افـزایش یافتـه اسـت، سـال 2002 که نخستین مراحل اشـغال افغانسـتان و آغـاز مرحلـه جدیـد تولیـد مواد مخـدر بـود قیمت یـک کیلـو تریـاک ده برابـر نسـبت بـه قیمت آن در 2000 و 2001 افـزایش یـافت، طوریکـه بعـداز عقب نشـینی «امـارت اسلامی افغانستان» میزان تولید مواد مخدر سالانه بـه 185 تن میرسـید، در حالیکه این رقم در 2002 در زمان حکومت حامد کرزی (رژیم دسـت نشانده ایالات متحده امریکا در افغانستان) به 3400 تن افـزایش یـافت، و مطابق گزارش اداره مبـارزه بـا مـواد مخـدر و جـرایم سـازمان ملـل (UNODC)[2] تولید تریاک در 2003 بـه 3600 تن و در سـال 2007 درصـد تولید تریاک بـه 6900 تن رسـید، در حالیکـه تقاضـای جهـانی بـرای مـواد

---

1 .Global Reseach.ca/the spoil of war: Afghanistan’s Multibillion Dollar Herion Trade <by prof.Michel chossudovosky.

2. United Nations Office On Drugs and Crime.

مخدر 5000 تن در سال میباشد، و طی آخرین گزارش تولید مـواد مخـدر در سال 2013 به 8300 تن در سال رسیده است.

و این چیزی است که همه میدانند که توسط سازمان استخباراتی سیا، موساد، ام.آی.6 ... وغیره سازماندهی و رهبری میشود چنانچـه رون پـال کاندید پییشن ریاست جمهوری ایالات متحده امریکـا و عضـو کنگـره (کـه در صـفحات قبـل در مـورد او توضـحات دادیم) در مصـاحبه ای کـه بـا روزنامه هافینگتون پست داشت گفت: این موضوع کاملاً واضح اسـت کـه سیا (C.I.A) در قاچاق مـواد مخـدر افغانسـتان فعـالیت گسـترده داشـته است.

همینطور جنرال «گاریف» از افسران ارشد اردوی روسیه در مصـاحبه ای کـه بـا تلویزیـون راشـاتودی داشـت گفت: «ایـالات متحـده امریکـا قصـد متوقف کردن مواد مخدر در افغانستان را ندارد، زیرا قاچـاق مـواد مخـدر در افغانستان برای امریکا، سالانه حدود 50 میلیارد دالر درآمد دارد که به طور کامل هزینه های نظامی این کشور در افغانستان را تأمین میکنـد» و این آمار درست چیزی است که چنـدی قبـل اداره مبـارزه بـا مـواد مخـدر روسیه نیز اعلان کرده بود، و بیان داشته بود که: «حضور نظـامی نـاتو در افغانستان شرایط را برای افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان فـراهم کرده است».

و رئیس جمهور کرزی نیز در یکی از مصاحبه هـای خـویش گفتـه بـود: «درآمد امریکا از مواد مخدر افغانستان سالانه بین 60-100 میلیـارد دالـر است».

و همانطوریکه قبلاً یاد آوری کردیم در افغانستان تنها تریاک تولید و بـه خارج صادر نمیشود، بلکه به کوکائین و هیروئین تبـدیل شـده و سـپس بـه بازار های جهانی و یا بدست مافیائی بین المللی مواد مخدر انتقال میکنـد، و گـواه بـرین مـدعای مـا نـیز صـدها تُن اسـتیک انهایـداریت «ACETIC INHYDRIDE» است که سالانه داخل افغانستان شده و به لابراتوار هـای سیا در هلمنـد و کنـدهار بـرده میشـود، و این مـاده کیمیـاوی «اسـتیك ان هایدرات» چیزی اسـت کـه نه در پاکسـتان و در ایـران و نـه هم در سـائر کشور های همسایه افغانستان تولید نمیشود بلکه این مــاده فقط در اروپا و امریکا تولید میشود.

و موضوع جالب اینکه از زمان دخول امریکائی هـا بـه افغانسـتان بـه صد ها کانتینر مملو از این مواد از اروپا و امریکـا وارد افغانسـتان گردیـده است، طوری که به هزار ها تن آن به نام امـوال افغـانی بـه بنـدر کـراچی

می آید و به اساس موافقت نامه که میان افغانستان و پاکستان به امضاء رسیده بود افغانستان حق عبور اموال تجارتی را بدون بازرسی و تفــتیش از خاك پاکستان بدست، دارد که به این صورت اموال بــه منطقــه ی خیـبر رسیده و بعداً با مصئونیت، کامیل داخل افغانستان می گردد.

پرسشی که اینجا مطرح میشود اینست که آیا نزد مردم اروپا و ایـالات متحده امریکا و همچنان مردم جهان این موضوع قابل بحث نیست که چرا بـه هـزار هـا تن مـواد کیمیـاوی اسـتیك انهایـدرایت بـه افغانسـتان صـادر میگردد، در حالی که واضح است که این ماده صرفا برای ساختن هــروئین و کوکائین از تریاک به کار می رود ؟!!

کـه بـا اسـتفاده ازین مـاده از یـک کیکـو تریـاک در حـدود 100 گـرام هیروئین خالص بدست میآید، و قیمت هر گـرام هـیروئین معـادل 54 پونـد اسـترلنگ (= 102$) میباشـد، کـه مجموعـاً از 8300 تن تریـاک معـادل 1632تن هــیروئین تولیــد میشــود کــه قیمت آن بــه 108 میلیــارد پونــد اسـترلنگ (= 169 میلیـارد دالـر) بـالغ میگـردد، و این قیمت هـیروئین بـا نسبت خالصیت 50% است، در حالیکه این خالصـیت در انگلسـتان بــه % 36 و در بعضی کشور های تا 26%-29 نیز میرسد کـه طـبیعی اسـت کـه مقدار آن زیاد میشود و قیمت آن نیز بالا میرود.

اما هدف اصلی ازینکار صرفاً پرداخت هزینه های جنگی یهودیـان بـوده نمی توانـد، بلکـه بـا سـازماندهی تجـارت مـواد مخـدر و متمرکـز سـاختن تولیدات آن در افغانستان، اولاً- امارت اسلامی افغانسـتان را (کـه گـامی بسوی وحدت مسلمانان و خلافت اسلامی بود) از بین بردند، ثانیاً- هزینــه با رهبری این تجارت و صادرات آن به تمام کشور های اسـلامی خواسـتند تا جهان اسلام را از نقطه نظر تمدن، تهـذیب، دین و ثقـافت را بــه فسـاد کشانیده و تباه سازند، و همچنان برنامــه کشـتار نسـل بشـریت (Global 2000) برژنسکی را تطبیق نمایند.

امروز مافیای مواد مخدر از این تجارت سرمایه افزون بر 200 میلیارد دالـر را بــه دسـت می آوردنـد، و همــه ای آن بــه بانکهـای صـهیونی جهت پرداخت هزینه های جنگها و اهداف شان سرازیر میشود، و فقط یک یا دو فیصد (= 2 یا 3 میلیارد دالر) آن برای دهاقین مواد مخدر و حکـام خـائن و مرتد میرسد، آنانکه درین راستا دست دوستی یهودیـان را اختیـار کـرده اند و دین خویش را به تمسخر گرفته اند، و تطـبیق احکـام اللـه متعـال را تعطیل کرده اند و آنانکه احکام الله را درینجا تطـبیق میکردنـد، در پهلـوی لشکر صلیبی با ایشان بنـام تروریسـت و افـراطی جنگ را آغـاز کردنـد و

جهاد (مجاهدین امارت اسلامی) را ترور و دهشت نامیدند، الله متعال میفرماید: {**يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**}،المائده/58.

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید! آنان که دین شما را به تمسخر و بازی گرفته اند، از (اهل کتاب) کسانیکه پیش از شما کتاب داده شده اند و (همچنین) کفار را، دوست نگیرد، و از الله بترسید اگر مؤمن هستند.

و میفرماید: {**يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِياءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَمَنْ يتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * فَتَرَى الَّذِينَ فِى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يسَارِعُونَ فِيهِمْ يقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يأْتِى بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيصْبِحُوا عَلَى مَا أَسَرُّوا فِى أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ**}،لمائده/52

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید! یهود و نصاری را به دوستی بر نگزینید، آنان دوستان یکدیگرند، و کسانیکه از شما با آنها دوستی کنند، از آنها هستند (یعنی به مثل شان کافر میباشند) همانا الله گروه ستمگار را هدایت نمی کند؛ پس کسانی را که در دلهای شان بیماری (= نفاق) است می بینی که در دوستی با آنان میشتابند، و میگویند: میترسیم که آسیبی به ما برسد، پس نزدیک است که الله پیروزی یا چیزی از سوی خود (برای مسلمانان) پیش آورد، آنگاه (این افراد) از آنچه در دل خود پنهان داشتند پشیمان گردند.

اما باید مسلمانان آگاه باشند و فریب این صحنه سازی های آنها را نخورند، اینکه می گویند با فلان کشور قرار داد 10 یا 20 میلیون دالری را برای محو کشت تریاک و ازبین بردن مواد مخدر را امضا کرده یم و یا تبلیغات که فقط برای فریب مردمی که سالهای بالای شان ظلم صورت گرفته است و آن مسلمانانی را که ایشانرا را در برابر برادران مسلمانان شان قرار داده به کار بسته شده است.

و بدانند که این همه صحنه های سازی های که بنام مبارزه با مواد مخدر، جنگ علیه تروریسم، مواد مخدر منبع تمویل ترویستان ... وغیره حرف های بی اساس و عوام فریبانه دروغ و افتراء است، که میخواهند فضا را آلوده بسازند تا مردم از حقایق ایشان آگاه نشوند.

پس واضح است که تصمیم ندارند که سرمایه وافری را که ازین ناحیه نصیب شان می گردد از دست بدهند، در حالیکه تعداد معتادین مواد مخدر در افغانستان 2.5 میلیون، و در پاکستان 6.4 میلیون و در ایران 9.5 میلیون و در روسیه 8.5 میلیون و در ایالات متحده امریکا 2.5 میلیون (مصرف کننده هیروئین، و بیشتر از 13.7 میلیون مصرف کننده ماری جوانه) و در کل در جهان مطابق گزارش سازمان ملل در 2012 تعداد معتادان مواد مخدر 210-300 میلیون معتاد مواد مخدر غیر از الکول (تریاک، هیروئین، کوکائین ...) وجود دارد، و سالانه بیشتر از 247000 نفر به دلیل استعمال مواد مخدر جان خویش را از دست میدهند.

از همین جهت الله متعال جهاد و قتال مفسدین و کافران را مشروع گردانیده و در مورد مشرکین و کسانیکه در روی زمین فتنه و فساد برپا میکنند میفرماید: {**وَاقْتُلُوهُمْ حَيثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ**}، البقرة/191.

ترجمه: و آنها را هر کجا که یافتید بکشید، و از آنجا (مکه بطور خاص، و دیار مسلمانان بطور عام) که شما را بیرون کرده اند، آنها را بیرون کنید، و فتنه از کشتن بدتر است.

و چون در سال 1948م «مونگ» به صفت رئیس جمهور چین به قدرت رسید، بلافاصله هزاران تبعه انگلستان را که تجارت و قاچاق مواد مخدر را پیش میبردند همه را گرفتار و از چین خارج ساخت، و کسانیکه تبعه چین بودند بدون هراس دستور اعدام همه ای شانرا صادر کرد، که با گذشت دو یا سه سال وضیعت در آن کشور طوری شد که کاملاً از معتادین، تاجران و قاچاقبران مواد مخدر رهایی یافته بود، و امروز چین از بزرگترین قدرت های اقتصادی جهان محسوب میشود، و تا سال 2025 م تخمین زده میشود که بزرگترین و اولین قدرت نظامی و سیاسی جهان نیز شود.

و همچنان باید یاد آور شویم که این سخن واقعاً احمقانه و بی مسؤلانه ای است، که می گویند طالبان مصارف جنگی خود را از طریق کشت و فروش مواد مخدر به دست می آورند، زیرا اگر طالبان این کار را می کردند چرا در طول پنج سالی که قدرت را در اختیار داشتند انجام ندادند، در حالیکه شدیداً مورد تحریم ها واقع شده بودند و به انفلاسیون شدید پولی مواجه شده بودند پس چرا در آنزمان برای رشد اقتصاد خویش گزیده ی کوکنار را انتخاب نکردند بلکه به صراحت اعلان کردند که

کشت و تولید مواد مخدر و استفاده از مواد مخـدر مطـابق بـه حـرام می باشد و نظر به حدیث صحیح پول که ازین طریق نـیز بدسـت میآیـد حـرام میباشد[1]، و ما بعنوان تطبیق کننده قوانین الهی خود را نزد الله مسـئول می دانیم که مواد مخدر را با تمام انواع که دارد از سرزمین اسلامی نابود کنیم و مردم جهان شاهد بودند کـه طالبـان در این ادعـای خـویش صـادق بودند.
از همین لحـاظ بـود کـه یهودیـان امـارت اسـلامی افغانسـتان را از اغـاز استقرارش خطر جدی علیه منافع خویش میدانسـتند و در صـدد برانـدازی آن بر آمدند.
پس در اخیر یکبار دیگر یاد آور میشویم، هـدف از کشـت و انتشـار مـواد مخـدر توسـط بانکـداران یهـود-صهونسـت و عـاملین و حکـام طـواغیت امریکائی و انگلیس و طواغیت حاکم بر سرزمین هـای اسـلامی، و کـوش های شـبانه روزی شـان در جهت شـیوع و گسـترش ویـروس هـای مهلـک (ایدز و انفلونزا ...)، و ویرس خطرناک تر از آن چون رسانه های تصوری، صوتی و انترنت و کیبل ... فوتبال ،کـرکت و موسـقی .. همـه بـاز داشـتن مردم از راه حق و هدایت و نور اسلام بطرف گودال های شرک و کفــر و فسق بد اخلاقی و فحشاء و بی حیائی، و بیرون کشیدن شـان از شـریعت و قوانین الهی بطرف جامعه مدنی و قوانین بشری و هیومنیسم یا انسـان گرائی (=انسان پرستی و خویشتن پرسـتی) و ابـاحیت و آزادی در برابـر محرمات و قیود الهی .. و بنـده گی بـرای بنـده گـان و یـا بنـده گی بـرای نفس و هواء و خواهشات نفسانی انسان .. و تا آنکه نه الله را بشاسند و حدود و قیود و محرمات او را ، و نه آگاهی ای از محبت الله و رسول او و دین و قوانین او داشته باشند، و نه ولاء و براء را بشناسند و نـه هم جهـاد فی سبیل الله را، و نه هم حکم بما انزل اللـه و نـه هم احـترام والـدین را بدانند و نه هم صله ای رحم را بجا بیآورند، از عبادت الله و کسب رضایت او را بدور باشند، بلکه عبـادت اللـه را خرافـات و عمـل اشـخاص ضـعیف بدانند، دین را وسیله ارتجاع و ترک دین را وسـیله پیشـرفت و انکشـاف و مدنیت بدانند، حق را نشاسند و باطـل را حـق بگوینـد و بخـاطر آن شـعار

1. از نبی صلی الله علیه وسلم روایت است که میفرماید: «لعن الله الیهود، ثلاثا إن الله حرم علیهم الشحوم فباعوها و أکلوا أثمانها، و إن الله إذا حرم علی قوم أکل شيء حرم علیهم ثمنه». صحیح سنن أبی داود (3488)، بتحقیق شیخ ناصر الألباني.
ترجمه: الله یهود را لعنت کند (و سه بار این حرف خویش را تکرار کرد)، همانا الله بر ایشان خوردن چربی حیوانات را حرام قرار داده بود، و ایشانرا آن چربی ها را میفروختند و از پول آن استفاده میکردند، در حالیکه هرگاه الله بر قومی (امتی) خوردن چیزی را حرام قرار بدهد خوردن ویا استفاده کردن پول (و قیمت) آنرا نیز حرام قرار میدهد.

سربدهند و حتی بجگند و بر آن افتخار و مباهات کنند، از دین و ارزشهای خویش بدرو روند و به دین جدید و ارزشهای که برایشان از نو معرفی میشود (بمانند دیموکراسی، و لیبرالیزم و جمهوریت و خضوع در مقابل اکثریت و اغلبیت، جامعه مدنی و حقوق بشر، آزادی زن و حق تساوی زن و مرد، انتخابات و پارلمان های شرکی و کفری ...) بگرایند، و خواسته یا ناخواسته به الله و به آنچه که از جانب الله نازل شده است کافر میگردند و از دین الله خارج میشوند، همانطوریکه الله متعال میفرماید: {**وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ، قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ، وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ،وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ**}،سبا/31-33.

ترجمه: و کسانیکه کافر شدند گفتند: ما هرگز به این قرآن ایمان نمی آوریم و نه به آن (کتابهای) که پیش از آن بوده، اگر ببینی (در در روز قیامت) هنگامی که ستمگاران در پیشگاه رب شان (برای حسابرسی) نگه داشته شده اند، (از حال آنها به شگفت می آیی) برخی از آنها سخن برخی دیگر را پاسخ می دهند (و هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می اندازد) کسانیکه به استضعاف (ناچاری) کشیده شده اند، به کسانیکه به استکبار (سرکشی و طغیان از حدود و شریعت و قوانین الله) نموده اند گویند: اگر شما نبودید ما قطعاً مؤمن بودیم، مستکبران (طواغیت) به کسانیکه به استضعاف کشیده شده اند (= مستضفان) گویند: آیا ما شما را از هدایت باز داشتیم بعداز آنکه به سراغ شما آمد؟! (هرگز) بلکه شما خود مجرم بودید، مستضعفان به مستکبران گویند: بلکه مکر و حیله شب و روز شما (سبب شد که از هدایت بازمانیم) هنگامی که به ما دستور می دادید که به الله کافر شویم و برای او هتمایانی قرار بدهیم، و هنگامیکه عذاب (الهی) را ببینند، پشیمانی (خود) را (در دل) پنهان دارند، و ما غلها را در گردنهای کسانیکه کافر شدند بگذاریم، آیا جز آنچه عمل میکردند، به آنها جزا داده می شود؟! و ما در

هیچ قریه ای هشدار دهنده ای نفرستادیم، مگر اینکه متنعمـان آنهـا (کـه مست ناز و نعمت و قدرت بودند) گفتند: بی تردید ما بـه آنچـه فرسـتاده اید کافریم.

مبحث هشتم
الگو برداری از گذشته برای مبارزه ای آینده

در فصل گذشته این موضوع مطالعه گردید کـه یهودیـان و سـازمانهای استخباراتی وابسـته بـه ایشـان چگونـه جهـان انسـانیت را بخـاطر تطـبیق اهداف و برنامه هایشان از راه اعتیاد به مواد مخدر به تبـاهی کشـانیدند و از پـول بدسـت آمـده از آن در روی زمین فسـاد برپـا کردنـد، کـه اینکـار خویش را نخست از شهر بنگال هندوستان و مردم چین را به مدت بیشتر از پنجاه سال تحت استعمار و استثمار قرار دادند، و سپس برای اولین بار در تاریخ قاچاق مـواد مخـدر را از هنـد بـه چین و بعـداً بـه اروپـا و امریکـا توسعه دادند و چون از یک سو مبارزه با این پدیـده آغـاز شـد و از طـرف دیگر به سود این تجارت قناعت نکردند بناً برای پیشبر این تجـارت کارتـل ها و سازمان های استخباراتی مخفی را بوجود آوردند، که سازمان سیا از بـدو تأسـیس اش بـه تجـارت و انتقـال مـواد مخـدر در جهـان پـرداخت، و

خطوط هـوایی خاصـی (Air America) را تأسـیس نمودنـد، و در حـال حاضر با اشغال افغانستان این کشور را بـه اولین و بزرگـترین منطقـه ای تولید مواد مخدر در جهان تبدیل کرده اند، و سـرمایه زیـادی سـالانه از آن بدست میآورند.

درین مبحث ببررسی این موضوع خواهیم پـرداخت کـه آیـا میتـوانیم از گذشته تاریخی خویش الگـو بـرداری کـرده و در مقابـل این نظـام موقـف ثابتی اختیار کنیم، چون در حال حاضر فضا بـر بـالای مـردم بلکـه اکـثریت مردم جهان طوری تنگ ساخته شده است که کاملاً در چنگال های خــونین بانکدران یهود و سربازان آن از صلیبی های ایالات متحـده امریکـا و اروپـا (ناتو)گیر مانـده انـد، و سـازمان ملـل متحـد تمـام این وحشـت و فسـاد ایشانرا مشروعیت میدهد.

و بـه همین منظـور جهـاد مشـروع گردانیـده شـده اسـت و مسـؤلیت مؤمنان در هر عصـر اینسـت کـه این دسـتور اللـه متعـال را تطـبیق کننـد {**وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَـوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ، وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَـوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ**}، الانفال/40.

ترجمه: و با آنها بجنگید و به قتال بپردازید، تا فتنـه ریشـه کن شـود، و دین همه از آن الله باشد [یعنی دین اسلام همـه جـا حـاکم شـده و مـورد تطبیق قرار گیرد] پس اگر آنـان [شـرک و سـایر فتنـه و فسـاد] دسـت بردارند، الله به آنچه میکند بیناست، و اگر سـرپیچی و روی گـردانی کننـد، پس [با آنان بجنگید و] بدانید که الله مولا (سرپرست) شماست، و چــه نیکو سرپرست و چه نیکو یاری دهنده ای است.

و میفرماید: {**أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِـأَنَّهُمْ ظُلِمُـوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْـرِهِمْ لَقَـدِيرٌ، الَّذِينَ أُخْرِجُـوا مِنْ دِيَـارِهِمْ بِغَيْـرِ حَـقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَـا اللَّهُ وَلَـوْلَا دَفْـعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَـهُمْ بِبَعْضٍ لَهُـدِّمَتْ صَـوَامِعُ وَبِيَـعٌ وَصَـلَوَاتٌ وَمَسَـاجِدُ يُـذْكَرُ فِيهَـا اسْـمُ اللَّهِ كَثِـيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ**}، الحج/40.

ترجمه: به کسانیکه با آنـان جنـگ میشـود، اجـازه (جهـاد) داده شـده است، از آن روی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، و یقیناً که الله بــر یاری آنها تواناست، کسانیکه به ناحق از دیارشان رانده شـدند، جـز اینکـه می گفتند: رب ما اللـه اسـت، و اگـر اللـه بعضـی از مـردم را بـه وسـیله بعضی دیگر دفـع نمی کـرد، بی گمـان دیرهـا (ی راهبـان) و کلیسـاها (ی مسحیان) و کنشتها (ی یهودیان) و مساجد که نام اللـه در آن بسـیار بـرده

میشود، ویران می گردید، و مسلماً الله یاری میکند کسی که (دین) او را یاری دهد، بی گمان الله قوی و پیروزمند است.

{**وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَـذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا**}، النساء/75.

ترجمه: و شما را چه شده است که در راه الله و (برای یاری) مردان و زنان و کودکان مستضعف جنگ و قتال نمی کنید، آنانکه میگویند: ای رب ما! ما را ازین شهر که اهلش ستمگرند، بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار بده، و از جانب خود یار و مدد گاری برای ما مقرر کن.

و این را بدانند که {**الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا**}، النساء/76.

ترجمه: کسانیکه ایمان آورده اند در راه الله میجنگند، و آنانکه کافرند در راه طاغوت میجنگند، پس شما با یاران شیطان بجنگید، قطعاً نیرنگ (و نقشه) شیطان ضعیف است.

بناً همانطوریکه الله چهره ناپاک آنها را با وجود آنکه همیشه خود را پنهان میکنند و کارهای شان را بطور مخفی پیش میبرند و انواع فساد و دام ها و جنایات را که برای بشریت هموار ساخته اند آشکار ساخته است، راه مبارزه و نجات ازیشان نیز برای ما بیان نموده است، اما از آنجائیکه ما شرعاً نمی توانیم اصول و شیوه های ناپاک ایشانرا بکار ببندیم، لهذا ضرورت است که گام به گام با استفاده از اصول و ارزشهای شرعی و مباح جلو این جنایات شانرا بگیریم، همانطوریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام بعثت اش در جامعه ای که پُر از شرک، و ظلم و فحشاء و فساد بود، انقلاب بزرگ توحیدی را برای نجات بشریت برپا ساخت و مشکلات را قدم به قدم مطابق به دستورات قرآن از سر راه مردمان بدور ساخته و هنگامی از جهان رحلت کرد که مدینه و مکه صالح و سالم از تمام ناپاکی ها و شرک و ظلم و فساد شده بود.

و سنت دیرینه در میان مسلمانان طوری بوده است که هرگاه به مشکلی بر می خوردند برای پیدا کردن راه حل آن نزد علماء و بزرگان خویش مراجعه میکردند و از آنها میپرسیدند که آیا این مشکلات در سابق هم به وقوع پیوسته و یا اینکه چیزی حادث و جدیدی است؟

درین صورت اگر جواب مثبت می بـود، یعـنی در گذشـته نـیز چـنین اتفاقی بوقوع پیوسته بـود، نظـر و رأی خـویش را بیـان می کردنـد و اگـر چنین اتقاقی نمیداشت بناً سکوت اختیـار میکردنـد، و نـزد علمـائی همـان عصر مراجعـه مینمودنـد و راه حـل آن مسـئله را در پرتـو قـرآن و سـنت رسول الله صـلی اللـه علیـه وسـلم و برخـورد سـلف صـالح از صـحابه و تـابعین و تـابع تـابعین میپرسـیدند، و از همین جهت اسـت کـه اجتهـاد در شریعت اسلامی یک اصل پنداشته شده است.

همینطور حوادث عصر حاضر در تاریخ بی نظیر بـوده و در گذشـته هـا واقعه ای مشابه از آنرا نداریم، بطور مثال در طول تـاریخ اسـلام، هرگـز چنین اتفاق نیافتاده است که نظـام اقتصـادی- مـالی مسـلمانان بـر بـالای پولهای جعلی (کاغذی) در جریان باشد .. و هرگز چـنین اتفـاقی نیافتـاده است که نظام سیاسـی مسـلمانان بدسـت یهـودان و یـا صـلیبی هـا اداره شده باشد، و قوانین دسـت سـاخته آنهـا بـر بـالای ملت مسـلمان تطـبیق شده باشد ... در حالیکـه مسـلمانان در صـدر اسـلام ننگ میدانسـتند کـه خلافت از امیر المؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه باشد و بیت المال نزد یهودیان بنی نضیر و یا کفار قریش قرار داشته باشد.

و یا هرگز چنین اتفاق نیافتاده است که دولت مسلمانان به میلیون هـا و میلیارد های درهم و دینار از یهودیان قرض گرفته باشد، بلکه چند دیار و درهم نیز قرضدار نبوده اند ... و غیره چـنین قضـایا کـه همـه حـادث و نـو هستند.

بناً در چنین حالت ما مجبور هستیم که بـه قـرآن و سـنت بـه هـدایات، دستورات و اصول و ارزشهای حـاکم دین اسـلام متمسـک شـوم، و چنـان بدون تنقیص و تزید به قرآن و سـنت عمـل کنم همانگونـه ای کـه صـحابه رضـی اللـه عنهم و ارضـاهم بـه آن عمـل کردنـد و رسـتگار شـدند و اللـه ازیشان راضی گشت.

رسول الله صلی اللـه علیـه وسـلم تمـام ابعـاد زنـدگی یـک مـؤمن را روشــن ســاخته و راه و روش، مش و خطــوت اساســی را بــرای حیــات مسلمانان واضحاً ترسیم کرده است، و اینکه مسلمان در کدام موقـع چـه موضع را اختیار نمایند معین گردانیده است.

پس در شرایط حاضر ما در جنگ بزرگ عقیده قرار داریم، و دشمن با تمام امکانات و قدرتی که دارد همـه ابـزار و وسـائل خـویش را اسـتمعال میکند، و بر ما لازم است تا با تمام قوت و قدرت در مقابل ایشـان آمـاده گی اختیار کنیم.

الله متعال میفرماید: {**إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ**}، الانفال/36.

ترجمه: به راستی کسانیکه کافر شده اند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه الله خرج میکنند، پس به زودی همه را خرج میکنند، آنگاه (مایه) حسرت و پیشمانی بر آنان خواهد بود، سپس شکست می خورند، و (سر انجام) کسانی که کافر شده اند، بسوی جهنم رانده میشوند.

و ایشان نه تنها اموالشان شانرا درین راستا خرج میکنند، بلکه قوت و قدرت سیاسی و نظامی، و اقتصادی شانرا درین راه به کار میبرند، و فرزندان شان را برای تحقق اهداف شان و منحرف کردن ما و فرزندان ما بسوی سرزمین های ما میفرستند.

و در مقابل الله متعال میفرماید:{**وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ، وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآَخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يعْلَمُهُمْوَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ**}،الانفال/60

ترجمه: و کسانیکه کافر شده اند، نپندارند که پیشی گرفته اند، آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد، و آنچه از نیرو در توان دارید، برای (مقابله) با آنها آماده سازید، و (همچنین) از اسپان بسته (ی ورزیده مهیا کنید) تا به وسیله ای آن دشمن الله و دشمن خود را بترسانید، و (همچنان) دشمنان دیگری غیر از آنها را، که شما نمی شناسید، و الله آنها را میشناسد، و هرچیزی را که در راه الله خرج میکنید، (پاداشش) به تمام و کمال به شما داده میشود، و به شما ستم نخواهد شد.

بناً برای بیرون رفت ازین حالت و آماده گی بخاطر مقابل با این جنگ همه جانبه فکری و نظامی و فرهنگی .. قبل از همه باید در نظر داشته باشیم که واکنش و عکس العمل نباید با عجله و بدور از سنجش، و عاقبت اندیشی باشد، زیرا در این حالت بدون برنامه عمل خواهیم کرد، و آهسته آهسته تبدیل به یک انسان غیر ارادی و متشدد میشویم که کار های خویش را از روی غضب و انتقام جوئی انجام میدهد، و در نتیجه به مشکلات بیشتر مواجه میشویم، زیرا در این راه که ما قدم بر می داریم بر علاوه اینکه باید منظم و منسجم باشد، باید هر مسلمان مسئولیت های خود را درک کرده و اعمال و رفتار ما باید قرآنی شود زیرا کاری را که

می خواهیم شروع به انجام آن کنیم باید ایمان و اعتقاد به انجام آن تقویت یابد تا به پیروزی مسلمانان بیانجامد.

پس لازم است که کار اسلامی با جوانب مختلف و مقاصد فراگیر که دارد به صورت درست در جدول اولویت ها دسته بندی شود و تمام ابعاد آن به خوبی شناسائی گردیده بر حسب اهمیتی که دارند در جایگاه واقعی خود قرار گیرند.

در نخست باید مسلمانان آماده برای این کار شوند، و برای آماده شدن کافی است تا هر مسلمانی به صورت کامل داخل احکامات دین شود، یعنی مسلمان کامل گردد، و تمام شروط کلمه [لا إله إلا الله] را در وجود خویش متحقق گرداند، که این امر به تنهائی هر فرد امت مسلمانان را بسنده است، زیرا اگر مسلمان [کامل] باشی همان ایمان تو به الله متعال و کفرت به طاغوت ترا به نبرد با استعمار وا می دارد، که با شجاعت و قدرت و پایداری و مردانگی با هر گونه مظالم اجتماعی بستیزد و با تمام مظاهر ستم و عناد مبارزه کند، تا آنکه دین همه از آن الله گردد.

ما باید بنیادی به پیش برویم چون امروز طفل مسلمان تولد می گردد در حالیکه خود را مواجه با نظام سیاسی طاغوتی و نظام اقتصادی سودی [ربا] می یابد و همین که آماده ای رفتن به مکتب و مدرسه میشود نا آگاهانه در مکاتب خصوصی یهودی مصروف درس خواندن میگردند، و چون بزرگتر میشوند خود را در آغوش نظام جمهوری دموکراتیک یا نظام سوسیالیستی ویا دیموکراسی و سیکولاریستی مییآبد، و بدور از یک جامعه ای اسلامی، و فرهنگ و ارزش های دین اسلام تربیت و بزرگ میشوند تا آنکه در ذهن و قلب این جوانان این ارزش های نهادینه شده تا جائیکه بخاطر این ارزش های حاضر به مبارزه و قربانی میشود، همانطوریکه جوانان امروز مسلمان به دور از ارزش های اسلامی حتی اسم نظام سیاسی، و اقتصادی اسلام را نمی دانند، چه اینکه به فکر استقرار نظام خلافت اسلامی باشند.

امروز از طریق رسانه ها، در مکاتب و پوهنتون ها، بشکل بسیار مغرضانه ای برای جوانان افکار و اندیشه های غربی و استشراقی تلقین میشود، تاریخ و اندیشه غرب برای تدریس میشود، روشنگری را از لابلای افکار و اندیشه های فلاسفه یونان و غرب برای شان میشناسانند، نظام های سیاسی و اقتصادی غرب را نظام های موفق و کامیاب برایشان

معرفی میکنند .. برعکس تاریخ و اندیشه های اسلامی را ارتجاع و باعث بر عقب مانی توجیه کرده و اسلام را فاقد نظام سیاسی و اقتصادی معرفی میکنند، تا آن این جوانان کاملاً از فرهنگ و تمدن اسلامی و اصول و ارزشهای که بر مبنای توحید و خالص گردانیدن جمیع عبادات بر الله بناء یافته است دور سازند، و از اعاده دوباره نظام خلافت اسلامی [نظام که استقرار آن عزت و شرف و مسئولیت ایمانی مسلمانان است] غافل بمانند، و این ارزشهای را فراموش کنند، بلکه میگویم نخیر! نه فراموش می کنیم و نه میگذاریم که فراموش شود، هدف ما این خواهد بود، تا در راه الله بجنگیم و تمام نیرو و قدرت خویش را در عرصه های مختلف بکار اندازیم تا آنکه کلمه الله [لا إله إلا الله] بلند باشد و توحید و عدالت همه روی زمین را فرا گیرد و نظام خلافت اسلامی استقرار یابد، و جور و ظلم ادیان و طاغوتان پایان یابد.

زیرا انسانهای که امروز در اروپا و امریکا و افریقا، استرالیا و... زندگی دارند از خلاها و نواقص و مفاسد این نظام طاغوتی و صهیونیستی، و قوانین ساخته دست بشری که پُر از ظلم و ستم و بیدادگری و سود خوری از مقروض بودن به یهودان .. و نظام فاسد اخلاقی، و نظام از هم پاشیده ای خانواده گی و آزادی لجام گسیختگه ای جوانان، و در مانده گی کهنسالال .. گریزان و به تکلیف هستند!؟

از این جهت نظام کمونیزم، سوسیالیزم یا لبرالیزم را با نظام اسلامی یکجا می سازند، و بعداً از نظام سوسیالیزم اسلامی و یا لبرالیزم اسلامی صحبت های را مطرح میسازند .

حتماً و ضروراً باید دانست که اسلام به تنهائی نظام زندگی است < اسلام نظام کامل و به هم پیوسته ای است که جنبه های گوناگون آن آمیخته به یکدیگر اند اسلام نظامی است که در طبعیت اصول خود ، اندیشه اش در باره زندگی و اداره امور ، به طور کلی با رژیمائی غربی و نظامهای موجود در سرزمینهای ما اختلاف دارد اختلافی که کلی ، اصیل ، و اساسی است و بدون هیچ گونه تردیدی نظام اسلامی در پیدایش مشکلات موجود در جوامع امروز نقشی نداشته و ندارد ...[1]> و به هیچ وجه با نظام کاپیتالیستی و یا کدام نظام مروجه دیگر دنیا که بغیر از حکم

---

[1] ما چه می گویم تألیف سید قطب شهید ص46

الله حکم می کنند ارتباطی ندارد. و تمام این رهکار ها را اصـولاً و قانونـاً در یک جامعه اسلامی نفی میکند.

آنچه در خصوصیات و ویژه گی های برجسته سوسیالیزم و یـا اصـول لبرالیزم یافت میشـود یقینـاً از اسـلام اقتبـاس شـده اسـت چـرا زمانیکـه اسلام این برنامه کلی را پیشـکش نمـود اثـری از سوسـیالیزم و لبرالـیزم دیـده نمی شــد. ولی امکــان نــدارد کــه در نظــام اســلامی مــا اصــول سوسیالیزم یا کاپیتالیزم را حک بزنیم. بطور مثـال آیـا امکـان دارد کـه در داخل خشت پخته مقداری از خشت خام را جاسازی کنیم ؟

امروز نظام کاپیتالیستی که در جهان حرف اول را میزند، برنامـه هـا و اصول آن با نظام الله و رسول صلی الله علیه وسلم کاملاً در تضاد قـرار دارد و امکان ندارد با هم ادغام شوند. شاید شما بگوید اگر از داخل نظام کاپیتالیزم سود و ربا را بیرون سازیم مشکل دیگری باقی نخواهد ماند؟

لیکن این طوری که بعضی هـا فکـر میکننـد نیسـت، اگـر از داخـل این نظام حتی سود را هم بیرون سازیم. باز هم انـواع و اقسـام برنامـه هـای انتفاعی غیر مشروع و نهایت فاسد دیگـر در داخـل این نظـام هـا موجـود است که به هیچ عنوانی با شرعیت اسـلامی و فطـرت انسـانی سـازگاری ندارد .

مسلمانان در چنگال نظام سود خوری

حالا به توضح وضیعت می پردازیم که امروز گرفتار آن ایم .

رسول الله صلی الله علیه وسلم از فتنه ی که مـا امـروز بـا آن سـر دچار ایم در حدیث مبارک ما را مطلع ساختند "زمانی خواهد آمـد کـه هیچ انسانی باقی نخواهد ماند که در داخل نظام ربا و سود قرار نداشته باشـد و سود نخورد و هر آنکس که از آن جریان استفاده نکنـد حتمـاً اثـرات این نظام بالایش باقی میاید"

مانند کـه هرگـاه کسـی از سـگرت اسـتفاده میکنـد حتمـاً کسـانیکه در اطراف او قرار دارند از تنفس دود سکرت اذیت می شوند به همان شکل کسی مهمان سود خوری می شود و کسی دیگر سوار موتر سود خـور بـه همین شکل همگی داخل نظام سود می شده و تغذیه با سود می شوند .

چنانچه که حالا ما در داخل این نظام قـرار داریم و در تـاریخ انسـانیت برای اولین باری اتفـاق افتیـده اسـت کـه هیچ انسـانی از این نظـام بـدور نمانده چه تحت نظام اقتصاد کاپیتالیزم و یـا سوسـیالیزم و در هـر کشـور اسلامی که زندگی کند، و ولو که هر قدر متقی هم باشد از اثـرات بـد این

نظام در امان نیستند . به این معنا که حتی انسانهای پرهیز گـار و بـا تقـوا هم از پولهای کاغذ جعلی استفاده میکنند و غرق در نظام بانکی هســتند و در زیر سایه آن زندگی خود را به پیش میبرنـد. بطـور مثـال اگـر ریاسـت های اسلامی که در نقاط مختلف از جهان اسلامی ایجاد شده مانند کشور اسلامی ایران آنها به نوبه خود کوشش دارند تا نظـام اسـلامی را مسـتقر سازند و یا قسـیکه طالبـان خواسـتند تـا نظـام اقتصـادی اسـلامی داشـته باشند زکات را جمع آوری کردند عشر را از مردم می گرفتنـد بیت المـال را ایجاد کرده بودند ... و یا در سومالیا این کوشش هـا جریـان دارد . ولی با وجود این همـه هـر کـدامی مجبـور انـد تـا از پـول هـا (اسـناد بـانکی) استفاده کنند و یا از نظام بانکداری متابعت نمایند.

و هر فردی که بخواهد از پول حلال استفاده کند باز هم دود و غبار این نظام سودی برایشان می رسد . اگر حساب بانکی باز می کنند سود آنــرا باید بپردازند و اگر معاش خود را می گیرند آن پولها حتمـاً از یـک دورۀ ی سودی و ربا باید بگذرد .

ما قبلاً گفتیم که این نظام آنقدر خطرناک و غیر معمـولی و بی سـابقه است که نمی توان از فتوا های قدیمی در حال حاضر استفاده کـرد ، چـرا که این نظـام عمیقـاً ریشـه هـای خـویش را در جامعـه انسـانی مسـتحکم گرادنیده است . اگر در عصر حاضر انسانها بـه بخشـهای مختلفی تقسـیم شوند از سه تقسیم تجاوز نمی کنند .

1- کسانی اند که بنیاد این نظام سود و ربا را تشکیل داده و پایـه هـای آنرا مستحکم نگهداشته اند و میخواهند از مفاد آن قایم و دائیم بمانند. که در میان آنها اعم از صهیونی ها و عیسویان و منافقین وجود دارد.

2-کسانی اند که قشر اکـثریت جامعـه را تشـکیل میدهنـد، ولی در دام این نظام افتاده ، و با وجود که میخواهند رزق و روزی حلال کمـائی کننـد، ولی تاریکی این نظام آنها را کور و تحت پوشش خود قرار داده است.

3- کسانی هستند که در دام این نظام افتاده انـد ولی بـه قیمت جـان خــود در مقابــل آن جهــاد می کننــد و بــرای از بین بــردن آن از هیچ نــوع کوشش دریغ نمی ورزند .

پس باز هم نتیجه طوری بدست میاید که در بحر این نظام سود خوری همه و همه به شکلی از اشکال غرق اند، لیکن الله تعالی همـراه انسـانها به اندازه ی کمک می کند که آن شخص نیت انجام دادن آن کار را داشــته باشد.

وظایف مومنین برای بیرون رفت

در ادامه می گویم هرگاه میخواهیم برای رهای از این وحشــت عکس العملی نشان بدهیم . بایـد خـود را روحـاً و جسـماً آمـده سـازیم و بـرای انجام این کار از خود قهرمانی نشان بدهیم.

با خود طوری محاسبه کنیم که روی چه منطقی بایـد در تحت این نـوع نظام زندگی کنیم؟

آیا وقت آن نرسیده تا راه بیرون رفت را جستجو کنیم ؟

(هر مسلمانی که در قلب خود احساس اسلام بکنـد نمی توانـد اجـازه دهد که فیودالیسم تبهکار و سرمایه دارئی تجـاوز گـر در آرامش و امـنیت باقی بماند و او تبهکاریها و زشـتیهای آنهـا را بیـان نکنـد و در مقابـل آنـان فریاد نکشد و با دست و زبان و قلب تا حدودی که می تواند بـر ضـد آنهـا نجنگد ...[1])

لذا برای به سقوط مواجه ساختن این نظـام حتمـاً در داخـل آنهـا بایـد طرح ریزی های داشته باشیم. در غیر این صورت ما حصه ی از این نظام محسوب می شویم و جز از پیکر این نظام کفری به شـمار میـایم مشـابه به آنهای که میخواهند این نظام را قائم و دایم نگهدارند.

در پله پایانتر کسانی قـرار دارنـد کـه نـاتوان و ضـعیف انـد و کـاری از دست شان بر نمی اید. ولی حد اقل میتوانند برای سرنگونی این نظام در دلهای خود نفرت و انزجار را جا بدهند و برای بـر قـراری خلافت اسـلامی به در بار ایزد متعال دعا کنند.

و قشر سوم را همان کسانی تشکیل میدهند که به ایجاد یک حرکت بر علیه ی این نظام اقدام نموده اند ولی تعداد این افراد در دنیا قلیل است.

قسمیکه الله جل و عظمه بیان می فرماید : وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّكُورُ (سباء/ 13)

(و تعدادی کمی از بندگان الله قدردان نعمات الله هستند)

(بَلْ كَانُوا لَا يفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا) (الفتح/ 15)

(بلکه اکثریت از ایشان نمی فهمند مگر اندکی)

و این یک قاعده عمومی است که اکـثریت همیشه به سـوی جهـالت و گمراهی روان هسـتند اکـثریت به الله کـافر هسـتند ، اکـثریت نمی دانند ، اکثریت دروغ می گویند: (وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْـلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَـرَهُمْ لَا يشْكُرُونَ)(النمل/ 73)

---

[1] ما چه می گویم تألیف شیهد سید قطب ص 38

(و اکثریت مردم به کتاب الله توجه نمی کنند و کلام الله را در امور زندگی خویش نادیده می گیرند)

(كِتَابٌ فُصِّلَتْ آَيَاتُهُ قُرْآَنًا عَرَبِيا لِقَوْمٍ يعْلَمُونَ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يسْمَعُونَ)(فصلت/ 3 -4)

(و تعدادی کمی از مؤمنین پیروی از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم را می کنند و آماده پذیرش اسلام با تمام جوانب آن هستند و در هر زمان و شرایط به احکام الله تسلیم می باشند.)

و این گروه ی از مردم برای بر خورد با آن راه مبارزه را در پیش گرفته اند و گروه هستند که هر لحظه ای شان که بدون کار مثبتی تلف شود در وجدانش گناهی به حساب می آید و ایشان حقیقت اسلام را در یافته اند و هرگز ظلم و ستم غرب را در روی زمین نمی پذیرند و هرکز اجازه نمی دهند آنانکه آزاد به دنیا آمده اند به بردگی کشانیده شوند و با تمام نیرو و قدرت وارد میدان کار زار می شوند و برای تحقق عدالت و آزادی در سراسر دنیا به مبارزه بر می خیزند و در آن هنگام که دارنده گان ایمان و عقیده با پشتیبانی نیروی ازلی و ابدی ، در میدان کارزار وارد می شوند دلهای آنان مالامال از شوق شهادت در راه الله است و به این وعده الله جل و عظمة ایمان آورده اند : إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يقَاتِلُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَيقْتُلُونَ وَيقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيهِ حَقًّا فِى التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآَنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيعِكُمُ الَّذِى بَايعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبة /111)

(هر آئینه الله از مؤمنان جانها و مالهای شان را خرید بعوض آنکه ایشان را باشد بهشت در راه الله کارزار کنند بکشند و کشته شوند ، وعده الله است که در تورات و انجیل و قرآن به عهده اوست و کیست که به وعده خود از الله وفادار ، به معامله خود که انجام داده اید شادمان باشید که این کامیابی بزرگی است)

و مسلمانان خود را در برابر نظام صهیونستی و امپریالیستی غرب با تمام قوت برای این آماده ساخته اند ؛ چرا که طرز تفکر و اندیشه این نظام کفری مانند فرعون است. زمانیکه فرعون اطلاع حاصل کرد که پسری به دنیا خواهد آمد که نظام و اقتدار اش را از بین خواهد برد پس فرعون برای حفظ منافع خود هزاران طفل را به قتل رسانید.

گوشزد ما اینست که فرعونیان به سادگی دشمنان خود را رها نمی کنند ، به مجرد اینکه برای شان خبری برسد که در فلان منطقه ٴ گروه از مردم، اطفال خویش را تربیه اسلامی می کنند و هم برای آنها علوم دینی

و معاصر را می آموزانند و همچنان آنها را از فتنه های یهویان آگاه می سازند. پس خود فکر کنید که عکس العمل یهودیان چه خواهد بود ؟ واضح است که در سطح منطقه دست به تخریب شان میزنند، و در سطح جهانی انزجار مردم را نسبت به آنها بر می انگیزند. و برای نابودی آنها ولو که میلیون ها انسان تلف هم شوند خاموش نمی نشینند، و به منظور خاموش ساختن آنها حتی به قتل عام ایشان مبادرت می ورزند.

و این که چگونه این نظام کفر را تباه و از بین برده و نظام اسلامی را مستقر بگردانیم تمام راه حل ها را رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما بیان داشته اند .

فتح مکه واقعه درخشان در تاریخ اسلام است که به سبب آن عزت اسلام به بلندای آسمان کشانیده شد در حالیکه تا سال هشتم هجری زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم خانه ی کعبه را در حالی طواف می کرد که 360 طاغوت <بت> در داخل و اطراف آن موجود بود.

که از این وضعیت نه رسول الله صلی الله علیه وسلم راضی بودند و نه صحابه رضی الله عنهما ، و زمانی این بت ها (طواغیت) را شکستاندن و کعبه را از لوث این بت ها پاک گردانیدند که قوه نظامی مسلمان به قدر کافی قوی و پر نفوذ شده بود. که توانستند مکه را بدون هیچ گونه مقابله و برخوردی فتح کرده و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالیکه کعبه را طواف می کردند و می گفت : جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يعِيدُ (سبأ /49)

(فراز آمد حق و باطل از سر نمی گیرد و باز نمی گردد)

بناً هر بت را یک به یک با دستان مبارک شان شکستاندند[1] .

این واقعه را برای این یاد آور شدیم ، که اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم و یاران شان میخواستند عکس العمل شدیدی از خود نشان دهند و زمان بود که بیشتر از دو صد هزار مسلمان همه و همه موجود بودند و توانائی داشتند که از قبله ی خویش به زور نیزه و شمشیر بت ها را بدور سازند ، ولی مسلمانان این کار را نکردند بلکه یک استراتیژی عکس العمل منظم را برای خویش ساختند و آینده برایشان واضحاً معلوم می شد که ما به چه هدف نائل خواهیم آمد ، و بدون ضرورت خود را در تصادم و خطر مرگ مواجه نساختند .

---

[1] در زمان فتح مکه بزرگان قریش نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و از ایشان خواستن یا رسول الله بالای ما مهربانی فرما و بت های ما را به دست های خودمان از بین می بر .

درین مقطع ای از تاریخ باید بسیار عقلانی و منطقی با حوادث جمع برخورد کنیم و مراقب اعمال و حرکات یهودیان و صهیونستان باشیم ، چرا که آنها به منظور حفظ و بقایی خود مغرضانه ادعاء دارند که اقتصاد پولی مبتنی بر معیار طلا و نقره مدیریت درست و خوب شده نمی تواند و بآن جواب نیازمندی های عصر حاضر داده نمی شود. روی این دلیل طلا و نقره های خویش را در اختیار ما قرار دهید و در عوض ما رسید های جعلی بانکی را در اختیار شما میگذاریم.

و برای احمق ساختن مردم این مقاصد خود را از طروق مختلف بخصوص رسانه های چاپی، سمعی و تصویری پیش میبرند.

موضوع دوم که برای شما می خواهیم صریحاً بیان داریم اینکه شاید برای شما این نظام سود خوری ظاهراً نظام بزرگ و مستحکم اقتصادی و مالی در جهان به نظر برسد، ولی در اصل آن طور نیست که شما فکر میکنید تماماً برنامه های آنها زود گذر اند و هر قدر که بزرگ به نظر می رسد به همان اندازه زود تر از هر روش دیگری سقوط کرده و از بین می رود . ما در متون گذشته مثالی آوردیم زمانیکه برق نباشد کمپیوترهای آنها خاموش میمانند و هرگاه با یک اشتباه جزیی و یا کدام واقعه ی طبیعی آسیبی به ستلایت شان برسد در ظرف کمتر از یک دقیقه تمام این مجسمه ی شیشه ی شان با خاک یکسان گردیده و سقوط می کند.

مقایسه مختصر طلا و نقره با پول های جهلی

حال ارزش طلا و نقره را با این نظام از داخل فرسوده به مقایسه میگزاریم .

دکتورین اقتصاد اسلامی که در مورد درهم و دینار تحقیقاتی را انجام داده اند. آنها به این نتیجه رسیده اند همانطوری که در زمان رسول الله)ص(یعنی 1430 سال پیش قیمت و ارزش یک عدد مرغ زنده یک درهم بوده . امروز هم قیمت یک مرغ زنده معادل به یک درهم آن زمان است . اگر ما آن زمان را با عصر حاضر به مقایسه گذاریم قیمت ها با محاسبه طلا و نقره تفاوتی ندارند.

در آن زمان میزان (انفلاسیون) طلا و نقره صفر بود، ولی امروز بشریت بر خلاف در چنگال انفلاسیون شدید گرفتار است که با گذشت هر روز با پایان آمدن ارزش پول قیمت اجناس بلند تر میروند و در هر 15

سال بعد امکان ندارد که در نتیجه انفلاسیون به هزار ها نفر بیکـار نشـوند و به صد ها بانک ورشکسته نگردند .

و رسول الله)ص(در حدیث مبـارک خـویش موضـوع حـیرت انگـیز را بیان فردموده اند: (کـه بـالای انسـانها زمـانی خواهـد آمـد کـه بـه غـیر از ارزش طلا و نقره همه چیز ارزش و قیمت اصلی خویش را از دسـت می دهد)

و این حـدیث درسـت اشـاره بـه زمـان حاضـر دارد چـرا کـه این قـول رسول الله صلی الله علیه و سلم در زمام گفته شده است کـه بـه جـز از دینار و درهم پولی وجود نداشت.

قبلاً ما مثـال دادیم کـه در افغانسـتان حـالتی حـاکم شـده بـود کـه در مقابل یک وقت غذا چند لک افغانی در هوتل ، پول پرداخت میشد و یـا در آلمان با صدهزار لـیره تخم مـرغ خریـداری میشـد. و پنـاه بـه اللـه تعـالی میبریم هرگاه آنها در شرایط فعلی بخواهند قومی را تباه و بربـاد سـازند. حتماً از این سلوک خود برای غلام ساختن مردم استفاده میکنند. و ارزش پولی آنها را بی نهایت پایان آورده می توانند چـون کـه ارزش واقعی (طلا و نقره) فعلاً در نزد آنهاست .

و حدیثی که از رسول الله صلی اللـه علیـه وسـلم در فـوق ذکـر شـد هشداری است برای نسل مسلمان امروز تا بیدار شوند.

بناً در اقدام نخست برای رهای از نظام اقتصاد کفر ، بایـد ارزش هـای واقعی را روی کار سـازیم کـه امـروز خودشـان از آن اسـتفاده می کننـد. چنانچه که در بانکهای شان طلا و نقره را به تن ها ذخیره کرده اند و هنوز هم در صدد ذخیره ساختن بیشتر آن اند .

روی این منظور باید دوباره به عقب برگشته و نظـام اقتصـاد درسـتی بر اساس طلا و نقره را روی کار سازیم . چرا یگانه پولی کـه در رونـد آن انفلاسیون و دیفلاسیون رخ نمی دهد و هر حکومـتی مطـابق سـلیقه خـود برای آن ارزش تعین کرده نمی توانند همانا طلا است. اگر صد سـال بعـد هم طلا را از زیر خـاک بـیرون آوریم بـاز هم طلا ارزش خـود را از دسـت نداده است.

این موضوع برای شما شاید بسـیار جـالب باشـد کـه در زمـان خلفـای راشدین مسـلمانان از سـکه هـای طلا مربـوط بـه امـپراطوری فـارس را استفاده می کردند ، و مسلمانان از خود پولی مشخص بـرای اداره نظـام مالی و پولی نداشتند، قبلاً به این موضوع اشاره کردیم طلا– طلا است و دارای ارزش ذاتی خود که البته ضرب آن کـه مربـوط هـر دولـتی باشـد و

همچنان در استعمال آن هیچ فرقی نمی اید زیرا هدف چیزی ثـابتی اسـت که ارزش مبادلوی داشته باشـد اینکـه مهـر و نشـان چـه دولـتی بـالای آن باشد از فروعات موضوع می باشد که این مشکل هم بـرای اولین بـار در زمـان خلافت ذوالنـورین عثمـان بن عفـان رضـی اللـه عنـه خلیفـه سـوم مسلمانان مرفوع گریده و مسلمانان قادر شـدند کـه بـرای خـویش سـکه های از طلا و نقره را ضرب بزنند .

چـون در آن زمـان سـکه هـای طلا در تمـام تمـدنها روی کـار بـود بنـاً ارزش پذیرفتـه شـده ی داشـت و هیچ فـرقی نمی کـرد کـه مهـر کـدام امپراتوری بـالای آن حـک شـده، و فقـط مقصـد طلا بـود کـه مـردم داد و معامله خود را با آن انجام میدادند.

موضوع دیگری را کـه میخـواهیم بـرای شـما واضـح تـر سـازیم این است کـه نظـام سـود و ربـا ماننـد مـرض مـدهش سـاری، در اجتمـاع مـا سرایت کرده است لذا مبارزه بـرای از بین بـردن آن کـار آسـانی نیسـت. ولی خوشبختانه که طرز از میـان برداشـتن آنـرا رسـول صـلی اللـه علیـه وسلم برای ما واضحاً اشکار ساخته اند.

بلی! مانند امروز 1400 سال قبل هم مبارزه بـا این پدیـده شـیطانی کار مشکلی بود. شما در سیرة النبی صلی الله علیه وسلم موضوع حجـة الوداع را مطالعه کنید. در آن ایام از دعوت اسـلام 23 سـال می گذشـت جنـاب رسـول صـلی اللـه علیـه وسـلم در این مـدت در غـزاوات متعـدد اشتراک نموده بودند ، تا بلاخره به لطـف الله نظـام اخلاقی و اجتمـاعی در همان مناطق تهداب گذاری شد که در طول سالیان بعـدی گسـترش و توسعه پیدا کرد. ولی با وجود این همه زحماتی و مبارزات بر حـق بـاز هم در نقاط دور و نزدیک قلمرو اسلامی یک تعدادی از افراد بودنـد کـه بـرای مردم به سود قرضه میدادند و کار سود خوری را انجام میدادند.

حضرت صلی الله علیه وسلم در حجة الوداع اعلان داشتند که از همـه اولتر سود که اعضای خانوادی من بالای مردم دارنـد آنـرا عفـو می کنم و درست در آن موقع رسول الله صلی الله علیه وسلم کلمه سود(ربـا) را استعمال کردند. و به صراحت گفتند که هر اندازه سودی که از خاندان مـا بر بالای مردم است بخشیده شد[1] .

---

[1] اصل متن خطبه رسول الله این طور است :ایها الناس ! اسمعو ا الی قولی ، فانی لا ادری لعلی لا القاکم بعد عامی هذا بهذا الموقف ابداً ان دماء کم و اموالکم حرام علیکم کحرمه یومکم هذا فی شهرکم هذا فی بلدکم هذا ، الا کل شی من امر الجاهلیه تحت قدمی موضوع و دماء الجاهلیه موضوعه و ان اول دم اضع من دمائنا دم ابن ربیعه بن الحارث ، و کان مسترضعا فی بنی سعد فقتله هذیل ، و ربا الجاهیله موضوع و اول ربا اضع من ربانا ربا عباس بن عبدالمطلب ،فانه موضوع کله ...

لذا دقت باید کرد چرا که در این خطبه تاریخی بسیار حکمتهـای نهفتـه است . و ما در ادامه بالای همین موضـوع تمرکـز میکـنیم، زیـرا کـه بنیـاد نظام اقتصادی مسلمانان بر اساس همین جمله ی رسول صلی الله علیـه وسلم استوار اسـت کـه بـا ایـراد چنـد کلمـه ی بـرای جهـان اسـلام درس بزرگی دادند. چنانچه که به موضوع سود تماس گرفتنـد و حکم کردنـد کـه بعد از این سود و ربا باید کاملاً از بین بـرده شـود در حالیکـه در آن زمـان معاملات بر اساس سـود در بین مـردم رایج بـود[1] . تـا اینکـه رسـول اللـه صلی الله علیه وسلم تدریجاً مردم را از سـود خـوری منـع فرمودنـد و در مراسم حجة الوداع کاملاً درواز هایش را بستند.

ما واضحاً این ادعـاء را میکـنیم کـه خطبـه ی حجـة الـوداع بزرگـترین سخنرانی در زمینه حقوق بشر است، و چـنین سـخنرانی در مـورد حقـوق بشر و رهائی بشریت از مظالم نه پیش از آن صـورت گرفتـه اسـت و نـه بعد از آن انجام شده می تواند ، در محتویات سخنان این خطبه آن ترتیبی از جملات را یافته میتوانیم که در هر جامعه ی کـه تطـبیق گردنـد ظلم در آن جامعه نیست و نـابود شـده اسـتعمار و اسـتثمار ختم میگـردد و چنـان نظام اقتصادی به وجود می آید تا انسانها در چهار چوب آن احســاس امن و امان کنند.

بنیاد نظام اسلامی را که رسول الله صلی الله علیه وسـلم گذاشـتند عبارت از (توحید، عقیده، رسالت، آخرت) بود.

همه این موضوعات در بخش اعتقادات از جایگاه خاصی بر خودار اند. و از سوی دیگر در بخش معاملات بالای سود و ربا آن قـدر تاکیـد صـورت گرفته که ایجـاب میکنـد تـا غـور عمیقی صـورت گـیرد. چـرا کـه اسـتثمار انسانها ، از همین نظام سـود و ربـا نشـأت می گـیرد و پروردگـار توسـط پیامبر گرامی شان برای بشریت فهماندند کـه بـه طـور قطعی انسـان نـه سود گرفته می تواند و نه سود داده می تواند و کسی که این کار را بکنـد

فاتقوا الله فی النساء فانکم اخذ تموهن بامانه الله و استحللتم فروجهن بکلمته الله و لکم علیهن الا یوطئن فرشکم احدا تکرهونه فان فعلن ذلک فاضربوهن ضربا غیر مبرح و لهن علیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف و قد ترکت فیکم ما لن تضلوا بعده ان اعتصتم به ، کتاب الله ، ایهاالناس انه لا نبی بعدی و لا أمه بعدکم ، الا فاعبدوا ربکم و ضلوا خمسکم و صوموا شهرکم و ادوا زکاة آموالکم طیبة بها انفسکم و تحجون بیت ربکم و اطیعوا و لاة امرکم تدخلوا جنة ربکم .(زاد المعاد لابن قیم جوزی)

[1] حکم منع و حرمت سود نیز به مانند شراب به شکل تدریجی نازل گردیده است زیرا در میان اعراب به شکل عرف در جوامع شان استقرار یافته و مردم به آن عادت نموده بودند : در ابتداء آیه : **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)** بعداً حرمت صریح آن یعنی آیة **: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)**

به دشمنی الله و رسول هشدارش بدهید : (الَّذِينَ يأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يقُومُــونَ إِلَّا كَمَا يقُومُ الَّذِی يتَخَبَّطُهُ الشَّيطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِـأَنَّهُمْ قَـالُوا إِنَّمَا الْبَيـعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيعَ وَحَـرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَـاءَهُ مَوْعِظَـةٌ مِنْ رَبِّهِ فَـانْتَهَى فَلَــهُ مَا سَــلَفَ وَأَمْــرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَــادَ فَأُولَئِكَ أَصْــحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)

(آنانیکه میخورند سـود را بر نه خیزند یعـنی از گـور مگر چنانکه بر می خیزد کسی که دیوانه ساخت او را شیطان به سبب آسیب رسـانیدن ، این بسبب آنست که سود خـوران گفتند جز این نیست که تجـارت مانند سـود است و حالانکه حلال کـرده است الله تجـارت را و حـرام سـاخته سـود را پس کسی که آمد بوی پند از جانب پروردگار او پس بازماند ازین کـار پس او راست آنچه گذشت و کار او مفوض است بالله و هر که بازگشت بسود خوری پس آن گروه باشندگان دروزخ اند ایشان در آنجا جاویند)

یا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُــوا اتَّقُــوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِی مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُــؤْمِنِينَ فَــإِنْ لَمْ تَفْعَلُــوا فَــأْذَنُوا بِحَــرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُــولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ(279/278)

(ای کسانیکه ایمان آورده اید بترسید از اللـه و تـرک کنیـد آنچـه مانـده است از سود اگر هستید از اهل ایمـان ، پس اگـر نـه کردیـد پس خـبردار باشید بـه جنگی از طـرف اللـه و رسـول او و اگـر توبـه کردیـد پس شـما راست اصل مال های شما نه شما سـتم کنیـد و نـه بـر شـما سـتم کـرده شود)

الله رب العزة به دو گروه مردم ، بـه لحن شـدیدی دعـوت جنـگ داده است کـه یکی آن افـرادی انـد کـه سـود می خورنـد و گـروه دوم کسـانی هستند که با اولیاء الله[1] مخاصمت و دشمنی پیشه می کنند.

بناً گرفتن سود مربوط به آن جوامع می باشد که در آن فرهنگ زندگی مردم بر اساس ظلم و ستم استوار باشد و گرفتن سود در ذات خود ظلم به شمار می آیـد و مـردم آن جوامـع بـهماننـد حیوانـات وحشـی بـه جـان همدیگر افتاده باشند. و در بین شان مادیات و مادیات پرسـتی رایج باشـد و مردم آن سرزمین طوری تربیه شده باشند که با الله تعالی و رسـول او صلی الله علیه وسلم هیچ نوع محبت و پیوندی معنوی نداشته باشند.

---

[1] اولیاءالله کسانی هستند که به الله ایمان آورده اند و تقوا پیشه کرده اند یعنی تمام اعمال ، کردار (اخلاق)و گفتارش مطابق به شریعت اسلام باشد : قسمیکه الله تعالی تعریفی از اولیاء در سورة یویس می کنند : **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ 62 الَّذِينَ آَمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ**(سورة یونس **61-62)**

بر عکس در سرزمین که معنویت ، روحانیت ، محبت با اللـه و رسـول او صلی الله علیه وسلم موجود باشد و بـا یـتیم و بیـوه ، فقـیر و غـریب کمـک و همـدردی صـورت گـیرد سـود هرگـز در آنجـا عـرض انـدام کـرده نمیتواند.

در پیش گرفتن روش های زندگی صحابه

پیش از حرام قرار دادن سود(ربا) از طرف الله جـل و عظمـه رسـول الله صلی الله علیه وسلم به کاری بزرگی دیگر نیز اقدام نموده بودند که از عالی ترین امور بشمار میرود که تا اکنـون ثبت تـاریخ اسـت کـه همانـا اصول هم زیستی مسالمت امیز و پیمان برادری و برابری میان مسلمانان بود چنانچه که درین مورد ابن قیم جوزی می گوید: آنگاه رسول الله صلی الله علیـه وسـلم در سـرای «انس بن مالـک» میـان نـود تن کـه نیمی از مهاجرین و نیمی از انصار بودند پیمان بـرادری بسـت تـا یکـدیگر را یـاری کرده و پس از مرگ به جای اقارب نسبی از یکدیگر مـیراث برنـد کـه این حکم تا غزوه بدر ادامـه یـافت و درین مـورد آیـه شـریفه : وَأُولُو الْأَرْحَـامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ»(الانفال /75) (خویشاوندان به یکدیگر سزاوار ترند)

استاد محمد غزالی می گوید : این اخوت به معنای آن بود که تعصـبات جاهلی ذوب شـود و امتیـازات ناشی از نسب و رنگ و وطن فـرو ریـزد و پیوند و همبستگی جز بر اساس اسلام باشد .

و بعــداً آنهــا چنــان مــواظب یکــدیگر بودنــد گــوی همــه بــرادران اعیانی(خونی) هم هستند. با گذشت زمـان آن قـدر روابـط در بین شـان صمیمانه شد که در این رابطه مثـالی را از غـزوه بـدر می دهیم کـه درین کارزار زمانیکه «ابو عزیر بن عمیر» برادر صـحابی مشـهور « مصـعب بن عمیر رضی الله عنـه» اسـیر مسـلمانان شـد، و یکی از انصـار دسـتش را گرفته بود و می کشید مصعب به مرد انصاری گفت : با هـر دو دسـتت او را محکم بگـیر ، مـادرش ثروتمنـد اسـت و شـاید بـرای رهـائی اش فدیـه خوبی بپردازد «ابو عزیز» به برادرش مصعب گفت: آیا در بـارة من چـنین سفارش می کنی ؟ مصعب گفت : همانا او – یعـنی مـرد انصـاری کـه بـه الله و رسولش صلی الله علیه وسلم ایمان آورده است – برادر من است نه تو[1] !

و همچنان به نقل از بخاری که آورده است «چون مهـاجرین بـه مدینـه آمدند پیامبر صلی الله علیه وسلم میان عبدالرحمن بن عـوف و سـعد بن

---

[1] سیرة النبی الرحیق المختوم ص325

ربیع عقد برادری بست، سعد به عبدالرحمن گفت من غـنی تـرین فـرد از انصارم ، داراییم را بـه دو نیم تقسـیم می کنم ، دوهمسـر نـیز دارم بنگـر کدام یک در نظرت پسندیده تر آید او را نام بـبر تـا او را طلاق دهم چـون عده اش سر آمد او را به نکاح خویش در آور ... »

رسول صلی الله علیه وسلم در خطبه حجه الـوداع بـرای برپـایی این نوع برادری تاکید بیشـتری فرمودنـد و مقصـد شـان ایجـاد بـرادری در بین اقوام مختلـف روی زمین بـود. و در پهلـوی آن بـرای مـا فهماندنـد کـه در جامعه خـود اسـتثمار اجتمـاعی و اقتصـادی را رایج نسـازید، مـال یکـدیگر تان ، خون یکدیگر تان بالای شما حرام است و آگـاه باشـید کـه بـا ظلم و ستم مـال یگـدیگر را بـرای خـود نگیریـد. و الی بـرادر مسـلمان شـما بـه رضایت خود آنرا در اختیار شـما گـذارد، کـه بی شـبهه درین روش رسـول الله صلی الله علیه وسلم حکمتی ممتـاز و سیاسـتی حکیمانـه و راه حلی سنجیده برای مشکلات بود که مسلمانان به آن مواجه بودند.

ولی امروز میبینیم که در جوامع اسلامی کاملاً بر خلاف اصول بـرادری که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ما عملاً تدریس کردن عمل میشـود چرا که بنیاد و اساس نظام سـود در کشـور هـای اسـلامی گذاشـته شـده است. این روش کاملاً به نفع استثمار گران انسان منتج می شود.

چیزی دیگر که در خطبه حجةالوداع رسول الله بالای آن تاکیـد نمودنـد موضوع حقوق زنان بود خصوصاً در مورد خوش رفتاری بـا زنـان ، حسـن سلوک ، عدم مداخله در صلاحیت های که الله و رسول صـلی اللـه علیـه وسلم برای زنان شناخته است و همچنان برگرداندن حصـه مـیراث زنـان برای خود شان ، و مختار بودنشان در امورات شخصی خودشان ...

مـا این همـه موضـوعات را بـرای این بیـان می کـنیم کـه جنبـه هـای گونـاگون اسـلام در هم آمیختـه بـه یکـدیگر انـد کـه یـک بخش از اسـلام پایداری کننده و نگهدارنده ی بخش دیگر آن می باشد .

روی این دلایل لازم میبینیم کـه آهسـته آهسـته بـه پیش رفتـه و روش نظام های فعلی را با اسلام به مقایسه گـیریم، تـا مشـخص شـود کـه چـه تفاوت های بنیادی در میان سوسیالیزم و اسلام و چـه تفـاوتی هـای میـان کمونیز و یا کاپیتالیزم با اسلام موجود است.

بحث خود را پیرامون خطبه حجة الوداع با این گفته رسـول الله صـلی الله علیه وسلم کـه در آخـرین لحظـات خطبـه ایـراد فرمودنـد پایـان می بخشیم در ابتدا جنـاب شـان بـه این آیت اشـاره کردنـد : «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُـونَ إِخْوَةٌ »

(همانا برادری میان مسلمانان است) و بعـداً در ادامه فرمودند:« الا کلکم لآدم و آدم من تراب ، لا افضل لعربی علی اعجمی الا بالتقوی)

(آگاه باشید کـه همـه شـما از آدم پیـدا شـده ایـد و آدم از خـاک ، هیچ عربی را به عجمی برتری نیست مگر به تقـوا) و در روایت دیگـری آمـده اســت کــه « لا افضــل احمــر علی الاســود و الســود علی الاحمــر الا بالتقوی ...»(آگاه باشید که هیچ برتری نیسـت سـرخ پوسـت را بـه سـیاه پوست و سیاه پوست را بر سرخ پوست مگر به تقوا)

و قول اللـه سـبحانه و تعـالی اسـت کـه می فرمایـد : یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»(الحجرات /13)

(ای مردمــان به تحقق آفریــدیم شــما را از یک مــرد و زن و تقســیم کــردیم شــما را به قبیله ها و طایفه ها بــرای معــرفت یکــدیگر هر آئینه بهترین شما نزد الله با تقوا ترین شما می باشد)

پس یقیناً که در جامعـه اسـلامی نظـام اقتصـاد اسـلامی جـدا از نظـام اجتماعی و سیاسـی اسـلام نبـوده و هرگـز از آن مجـزا مـورد بحث قـرار گرفته نمی تواند و نظام اقتصاد اسلام در جامعه می توانند تحقق یابد کـه اسلام در آن جامعه با تمـام اصـول و اساسـات آن پذیرفتـه شـده باشـد و حکم بر اساس قرآن و سنت رسول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم جـاری باشد زیرا نظام اسلام و آئدیولوژی اسلام یـک آئـدیولوژی تجزیـه ناپـذیری است یا همه اصول آن به کار برده شود یا اینکه نباید دم از اسلام زد.

1-پس پایه های اصلی نظام اسلامی را چی تشکیل میدهد ؟

2- عقیده ی بنیادی و اساسی که به واسط آن نظـام اقتصـادی اسـلام گذاشته شود در برگیرنده ی چه است ؟

در رابطه به جواب سـوال اول بایـد گفت کـه اسـلام بـا داشـتن نظـام فراگیر و عمومی بر سایر ادیـان آسـمانی امتیـاز دارد ، اسـلام بـرای ملت خاصـی نیامـده بلکـه بـه عنـوان رحمت بـرای همـه بشـریت علی الـرغم اختلافات نژاد و ملل و رنگ و پوست آمده است : الله تعـالی می فرمایـد «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» «سبأ/28»

(و نفرستادیم ترا مگر مژده دهنده و بیم دهنده برای همه مردم)

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ»«الانبیا /107»

(و نفرستادیم ترا (ای محمد) مگر رحمتی برای جهانیان)

از اینرو احکام و قوانین آن عمـومی و شـامل تمـام بخش ها و شـئون زندگی است که تنها به توضیح عقیده صـحیح اکتفا نکـرده و با هم فقط به بیـان نظـام اخلاقی نمونه ای که جامعه بشـری متکی بـرای آن می شـود نپرداخته بلکه با توجه به همه جــوانب قــانون عادلانه و جاودانه ای بــرای بشریت به ارمغان آورده است قانونی که در همه حال بر انسان و اعمـال و معاملات او حکومت می کند چه در مسائل فردی و روابطه خـانوادگی و چه در پیوند او با جامعه ای که در آن زنــــدگی می کند و چه در ارتبـــاط کشور او با کشور های دیگر[1]

پس واضح است که نظام اسلام (خلافت اسلامی) بوده و در راس آن خلیفه مسلمانان قرار دارد و خلیفه یا رئیس دولت در اسلام مؤظف است مصالح دنیوی افراد امت را تامین نموده و زیـان ها و مفاسد را از ایشـان باز دارد در عین حال وظیفه دارد که برای نگهبانی دین و بر آورده ساختن مصالح اخروی شان کار نماید در بر آورده ساختن این اهداف و اغراض نه تنها خلیفه مسئول است بلکه هر فرد در دولت اسلامی به اندازه طاقت و بر حسب مقام خویش در تحقق آن مسئولیت دارد، او به صـفت یـک پـدر مهربان و شفیق بـا محبت و الفت مسـئولیت جامعـه را بـه احـده گـیرد و مانند امیر المومنین عمر بن خطاب رضـی اللـه عنـه پاسـخگو باشـد. مثلاً سلمان فارسی از جناب شان سوال کردند که از اموال غنیمت برای من یک چادر رسید، تو از کجا صاحب دو چادر شدی کـه بـه این انـدازه لبـاس دراز برایت دوخته شده است !

بناً امیر مومنـان طـوری عمـل کنـد کـه اگـر کـار دولـتی باشـد آنـرا در روشنی چراغ که مربوط به بیت المال است به سر رساند، و کار شخصی را در روشنی چراغ شخصی انجام دهد.

و در امانت و دینانت داری طوری باشد اگر طفل وی خرما و یا سـیبی را از مال بیت المال بگیرد از نزد او دوباره گرفته و به بیت المال بسـپارد و برایش بگویـد این مـال من نیسـت بلکـه از بیت المـال اسـت، من نمی دانم که از این مالها یکدانه سیب و یا یکدانـه خرمـا حـق من میرسـد و یـا خیر .

آنچه برای جامعـه ی اسـلامی مهم اسـت داشـتن عقیـده ی راسخ بـه حلال و حرام بودن اشیا و اجناس میباشد. ما مسلمانان احکام بسـیاری از حلال و حرام را داریم فقط و فقط شراب و سود حرام نیست، بلکه گندم و جواری نیز حرام اند اگر به پول حرام کمائی شوند .

[1] مقدمه ابن خلدون ص 191

و در جامعه ی که مردم دنبال حرام را رها نکنند و در چنین جامعه ی که فکر حلال بودند و حرام بودند را کسی نداشته باشد و در آن جامعه که امانت الله را حق خود دانسته و برای منفعت شخصی خود خرچ کنند. و بعداً اداء هم کنند که میخواهیم نظام اقتصاد اسلامی را قائم سازیم این همه و همه خیال است و محال است و جنون .

برین اساس خلافت اسلامی دارای دو وظیفه و هدف اصلی و اساسی می باشد[1] :

1- پاسداری و حفاظت از مرز های دین و عقیده (حفظ و اجرای دین)
2- سیاست دنیا به وسیله آن (اداره امور مملکت مطابق به تعالیم دینی)

امروز نظام پول جعلی که در عقب آن هیچ چیزی قرار ندارد، نمی توان آنرا اساس و پایه ی یک نظام الهی فکر کرد و در داخل آن نظام اجتماعی اسلامی را هسته گزاری نمود.

ما امروز هر آن موضوع را که در چهار چوب اقتصاد به برسی میگیریم کاملاً خواست یک جامعه ی اسلامی است. یعنی فقط می توانیم با عقیده ی اصیل اسلامی نظام اسلامی را استقرار بخشیم و آنرا با کاپیتالیزم و سوسیالیزم هیچ ارتباطی نیست. زیرا بنیاد روش های اقتصاد غیر اسلامی را سود تشکیل میدهد و بنیاد نظام اسلامی را تجارت و بیع تحت پوشش خود قرار میدهد .

و دوم این که نظام کاپیتالیزم را چند فرد محدود سرمایه دار اداره می کند. لیکن در فرهنگ سیاسی و اجتماعی اسلام این روش صریحاً رد شده. و هیچ شخصی، تحت هیچ عنوانی نمیتواند که به این عمل مبادرت ورزد. و برای به اجرا قرار دادن این روش بیت المال و خزاین نباید تحت اداره ی یک شخص و یا یک گروه مشخصی و یا قوم مشخصی قرار گیرد.

مقدمات ایجاد نظام اقتصاد اسلامی

با ذکر این همه مقدمات ما یک برنامه ی کلی را ارایه می دهیم تا چگونه بتوانیم به یک حکومت ناب اسلامی نائل شویم. یک جامعه ی که فاقد سود باشد، جامعه ی که منافع همه اقشار مردم در آن جمع باشد، و مرکزی باشد تا منابع بطور عادلانه در بین مردم توزیع گردد و بجز از زکات ، هیچ کسی مجبور به پرداختن تکس نباشد.

---

[1] خلافت اسلامی تألیف دکتور رشدی علیان ص16

چرا که اساس و بنیاد نظام کاپیتالیزم بر پایه یی مالیات استوار است، و اساس و بنیاد نظام اسلامی را زکات تشکیل میدهد. و آن نظام کاپیتالیزم و امثال این ها تمام امکانات معیشتی از آب ، گاز ، برق مواد غذائی الی جنگلات همه و همه را خصوصی ساخته و به اشخاص سرمایه دار سپارده اند. در حالیکه این روش در نظام اسلامی اصلاً نا ممکن است و هیچ کس حق ندارد تا آنچه که به مردم تعلق دارد، را خصوصی بسازد و در انحصار سرمایه داران بگذارد. رسول الله صلی الله علیه وسلم درین مورد می فرماید : الناس شرکاء فی ثلاثه : الماء الکلاء و النار» (سه چیزی است که به همه مردم تعلق دارد (و خصوصی شده نمی تواند) 1- آب 2- آتش(نفت و گاز و سایر مواد سوخت) 3- منابع طبعی (جنگلات)

حالا اینجا دوباره توقفی بر داستان یوسف علیه السلام که دروس بزرگی در زمینه های اقتصاد و سیاست برای ما در آن بیان شده است میداشته باشیم.

آن این که نباید خزاین روی زمین متعلق به یک شخص باشد از همین جهت بود که گفتند : (مرا مالک و صلاحیت دار امور خزاین بگردان یعنی معادن و خزائن باید مربوط به دولت و کل ملت باشد) و این تقاضای شان در شرایط امروزی در بر گیرنده یی منابع نفتی ، طلا ، سنگ های قیمتی منابع آبی، جنگلات و...

و همچنان از رسول صلی الله علیه وسلم حدیث صحیحی نقل شده که جناب شان فرمودند: (و عن رجل من الصحابه قال: « غزوت مع رسول الله صلی الله علیه وسلم فمعته یقول: الناس شرکاء فی ثلاث: فی الکلا، والماء ، والنار» (رواه احمد ، وابوداود، ورجله ثقات ، بلوغ المرام بشماره 784)

(از مردی از صحابه روایت است که گفت: با پیامبر صلی الله علیه وسلم به جنگ رفتم ، پس شنیدم که می فرماید : مردم در سه چیز شریک اند : چرا گاه ، آب و آتش)

مقصد از: 1– آتش (گاز , بنزین , یورانیم ...) 2- منابع آب (آب بحر ، آب دریا ...) 3- چرا گاه (که جنگلات را هم در بر میگیرد .)

حضرت یوسف علیه السلام هم ذخایر الله را متعلق به عموم مردم اعلان کردند تا از نفع آن همه بهرمند شوند.

امـروز بـه صـراحت گفتـه می تـوانیم کـه در جهـان غـرب بـه جـز از آکسیجن همه چیز خصوصی شده است و میخواهند که این کار خــویش را جهانی بسازند.

2- دومین ویژیگی نظام اسلامی تصریجات در مورد زمین است که بــه صورت مشخص از تقسیم زمین گرفته تـا کشـت و زراعت آن ، و تقسـیم آن به وارثین بحث همجانبه شده است .

3- سومین ویژیگی برجسته نظام اسلام نسبت به سایر نظام ها تأمین عدالت اجتماعی و امنیت سر تا سـری می باشـد . عـدالتی را کـه اسـلام خواستار آنست ، عدالت مطلقه ایست که تحت تاثیر دوستی و دشــمنی ، مال و جاه و هیئت حاکمه قرار نمی گیرد چنانکه الله تعالی می فرماید: يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُوا كُونُـوا قَـوَّامِينَ بِالْقِسْـطِ شُـهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَـوْ عَلَى أَنْفُسِـكُمْ أَوِ الْوَالِدَينِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يكُنْ غَنِيا أَوْ فَقِـيرًا فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُـوا الْهَـوَى أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَـانَ بِمَا تَعْمَلُـونَ خَبِـيرًا»(نسـاء / 135)

(شما که ایمان دارید به انصاف رفتار کنید و برای الله گواهی دهید و گرچه به ضرر خودتان یا پدر و مادر و خویشان توانگر یا فقــیر باشد ، الله به رعایت آنها شایسته تر است پیرو هوس مشـوید که از عـدالت بـاز می مانید اگر رو گرانید یا رخ برتابید الله از اعمالی که می کنید آگاه است)

که بـرای فهم بیشـتر لازم می بیـنیم تـا شمۀ از دوران صـدر اسـلام را ذکر کنیم، رسول صلی الله علیه وسلم فرمودند: (قسم به اللـه هرگـاه فاطمه که دختر من است مرتکب دزدی شود دست او را قطع میکنم)

امیر المؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه می گوید : اگر سـگی در کنار دجله به ظلم کشته شود عمر مسـئول و پاسـخکو از آن در نـزد اللـه می باشد .

یعنی خلیفه اسلام مسئولیت حیوانات قلمرو تحت تصرف خـود را دارد که نباید بالای آنها ظلم و ستم صورت بگـیرد . و یـا روزی امـیر المؤمـنین علی بن ابی طالب علیه السلام لباس جنگی (زره) خـود را پیش یـک مـرد مسیحی یافت به نزد قاضی آمد و گفت :این لباس مال منست و من آنـرا نه هبه کردم و نه فروخته ام ، شریح قاضی از مـرد مسـیحی پرسـید : در آنچه که امیر المؤمنین می گوید چه نظر داری ؟ مرد مسـیحی گفت : این لباس ، لباس منست و البته امیر المؤمنین شما بینه و دلیلی داریـد ؟ علی علیه السلام خندید و فرمود : من بینه ای ندارم ! بـدین تـرتیب قاضـی بـه نفع نصـرانی رای داد و او لبـاس جنگی را بـر داشـت و رفت ... ولی چنـد

قدم بیشتر نرفته بود که بر گشت و گفت : تصدیق می کنم که این احکام ، احکام پیامبران است : امیر المؤمنین مرا پیش قاضی خود میبرد تا محاکمه شویم و قاضی هم علیه وی حکم می دهد من شهادت می دهم که اللهئی جز پرودگار جهانیان نیست و محمد صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده او است این لباس ، لباس تو است ای امیر المؤمنین . و من موقعی که شما از جنگ صفیین بر می گشتید پشت سر ارتش شما آمدم و آنرا از روی شتر بر داشتم علی علیه السلام هم فرمود چون تو اسلام آوردی من این لباس را به تو می بخشم[1] .

در حالیکه در صدر اسلام ما شاهد عدالت اجتماعی هستیم که حتی خلیفه ی مسلمانان برای پاسخ دهی از طرف مردم عام به سادگی محکمه میشد. بطور مثال باز هم سر گذشتی را از عمر بن خطاب ذکر میکنیم با وجود که خلیفه ی با عزم متین و پر از عدل و انصاف بود. که کسی جرات سخن گفتن نا حق را با جناب شان نداشت، ولی زن پیری در حضور مردم میستد و میگوید: ای عمر 2یا 4 دیناری که نزد تو موجود است از کدام طریق آنرا حصول کرده یی؟

در رابطه ضمانت های امنیت و آرامش اسلام- اسلام امنیت شخصی فرد را بدون کوچکترین تعارض و تضادی با امنیت کلی جامعه پیوند داده است ، که هر فردی در ازدیاد امنت عمومی برای جماعت ، سود مستقیم دارد و این آرامش به او فشار نمی آورد و در هدف صحیح و برنامه انسانی با او سر جنگ ندارد و جماعت هم هنگامی می تواند نقش خود را درست انجام دهد که نیروی خود را با افرادیکه همه سالم و درستکارند هماهنگ سازد و بنابر این فشار آوردن و ستم روا داشتن بر آنان و جلوگیری از کوشش آنان ، سودی برای آنها ندارد .

اما عده ی منحرف! این صفت را ندارند برای اینکه آنان به قانونی عادت نموده اند که فرد برای مصلحت خود یا طبقه ای بر استفاده خود شان وضع کرده اند، چنانکه در قوانین زمینی چنین است اینان علیه قانون الله که برای همه وضع شده قیام کرده اند و کیفر آنان بنام فرد و جماعت عملی نمی شود بلکه به خاطر قانون الله و به نام الله کیفر می بینند کیفر آنان برای انتقام جماعت نیست که قانون را به نفع خود وضع کرده بودند بلکه برای تحقق بخشیدن به کلمه الله و مصلحت عمومی که الله می خواهد کیفر می بینند و این کیفر که هر قدر شدید و بی رحمانه باشد معنی و شکل انتقام جوئی را ندارد الله مصلحتی برای خود در وضع

[1] عدالت اجتماعی در اسلام ص 312

قانون نـدارد او خـیر و سـود همـه را اراده می کنـد و می خواهـد اسـباب فساد و عواملی را که باعث از کار افتـادن این خـیر عمـومی می شـود از بین ببرد بدون آنکه سود خاصـی بـرای در نظـر گـیرد یـا هـوای نفسـی را اعمال کند .

در سایه همین طرز فکر ، همه ضمانت هـای کـه اللـه جـل علی شـانه فرض کرده در ساحه امنیت جان ، مال ، آزادی ، عدم اخلال دیگران تجلی می کند .

4-جامع بودن اسلام در مورد ضمانت های معاشـی زنـدگی کـه اسـلام درین مورد به فرد اجازه داده که در راه احتیاج ضروری به نان و آب خـود که کسی از او غصب کرده و به او نمی دهد بجنگد و بکشد برای اینکه این به مثابه حق دفـاع از زنـدگی اسـت و (ابن حـزم) را عقیـده بـر آن اسـت کسیکه از گرسنگی در محلی بمیرد اهل آن محل قـاتلین او هسـتند و بایـد دیه وی را بپردازند چون جماعت ضامن کفـالت هـر فـردی هسـتند کـه در میان آنان به سر میبرند و البته این کفالت معاشی مسئله الـزامی اسـت نه یک امر اخلاقی و احسان !

در هر صورتش اسلام کار را وسیله تملـک و مـالکیت و ضـامن وسـیله زندگی معاشی می داند و اگر فردی بـه سـبب و علـتی از کـار کـردن بـاز ماند بیت المال – یعنی حکـومت و دولت – بایـد مخـارج وی را بـه عنـوان مخارج لازم معین کند .

1-   ویژه گی دیگر اسلام در فراهم ساختن توازن اجتماعی میان افـراد یک جامعه می باشد.

توازن اجتماعی همان قاعده و قانون کلی است که اسلام بنای عدالت اجتماعی را بر پایه آن استوار می سازد و عدالت اجتماعی مسئله ایسـت که صلح اجتماعی بر آن قیام می کند این توازن در سیستم حکومت و راه و روش آن و در طـبیعت قـانون گـذاری و راه هـای قضـاوت و در کفـالت امنیت و روزی همه و همه ملاحظه شده است و به عالیترین مقام خود در مسـئله اقتصـاد عمـومی و مسـئله توزیـع ثـروت عمـومی در میـان مـردم میرسد.

این قانون در واقع حق مالکیت فردی را تخصیص زده و مقیـد میسـازد و آنرا همیشه خاضع و تـابع دولت اسـلامی میـدارد کـه بـرای ضـروریات و نیازمندی های حکومت اسلامی و اجتماع اسلامی هر گونه دخل و تصرف را در آن بنماید. [1]

---

[1] صلح جهانی و نظریه اسلام تألیف شیهد استاد سید قطب ص 156-158

تا اینجا هر خصوصیت اسلام را که مورد بحث قرار داده ایم مستقیماً امروز با ماهیت نظام کفر (صهیونیزم ، سوسیالیزم ، کمونیزم ، لبرالیزم ...) در مخالفت واقع می کردد و نظام اقتصاد اسلام یگنانه نظام است که در طول تاریخ هیچ ایرادی نسبت به آن صورت نگرفته است که این خود ثابت می سازد که تنها نظام اسلام می تواند ضروریات مادی و معنوی بشریت را رفع سازد .

و اساساً برای هیچ ملت مسلمانی لازم نیست و ضرورت نمی نماید که از مکتب های شرق و غرب تقلید نماید و اصول و برنامه های ایشان را پیروی کند .

و هر گاه برای تطبیق نظام خود بالای ما فشار آوردند ما مجبوریم که با ایشان مقابله نماییم قول الله تعالی است که می فرماید : فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيكُمْ»

(هر گاه ایشان در مقابل تو از حد گذری کردند بر توست که علیه آنان زیاده روی کنی به مثل آنکه زیاده روی کردند در حق شما »

مبحث نهم

اساسات و بنیاد های اساسی نظام غیر اسلامی

در فصل هشتم مطالعه نمودید که ابتداً مسلمانان از کجا آغاز به فعلیت های اقتصادی کنند و کدام روش ها را در پیش گیرند تا اقتصاد اسلام ناب را به جهانیان پیش کش نمایند چرا که اکثر مسلمانان در اقتصاد سوسیالیستی و امپریالیستی محو شده اند وبه حدی این روش شیطان در بین شان رشد کرده است که همه وهمه غرق در سود وسود خوری شده اند، اگر یک فردی از این جریان خود را دور نگهدارد باز هم اگر مهمان سود خوری میشود ویا در موتر سود خور مینشیند باز هم دود سود برای اش میرسد.

در جامعه تعداد مومنین کم نیستند وباید در راستای بیرون رفت از این نظام کار و تلاش همه جانبه را روی دست گیرند. و در قدم نخست جهاد را بکار اندازند تا بجای پولهای جعلی طلا و نقره دوباره در جوامع روی کار شود چرا که کفار هرگز نمیتوانند در آن روند از برنامه های انفلاسیون و دفلاسیون استفاده کنند ومردم را در قرض خود درگیر سازند، در جامعه روش زندگی صحابه را بر اساس خطبه ی حجه الوداع در پیش گیریم و با فقرا و مساکین کمک صورت گیرد.

در فصل بعدی مطالعه خواهید نمود که از کدام طرق میتوانیم بـه پایـه های اصلی نظام کفری حمله آور شویم به خصـوص بایـد نظـام بانکـداری آنهـا را از بیخ بـیرون آوریم. چـرا کـه بانکـداری مرکـز فـراهم آوری تمـام مصایب در یک جامعه میباشد. و مسلمانان با ایجاد مرکز بیت المال روش واقعاً اسلامی را بر زد نظام سود خوری ایجاد کنند.

یگانـه راه نجـات انسـانیت و بشـریت از چنگـال تروریسـم بین المللی (صهیونیزم) قایم ساختن نظام اسلامی با تمام اساسـات آن در روی کـره زمین میباشد .

بناً لازم است که تمام جوانب یک نظـام اسـلامی مـورد بحث و برسـی قرار گیرد و این موضوع کاملاً درک گردد کـه ضـرورت دانسـتن اساسـات این نظام در چیست ؟ و همچنان برنامه های ایجاد و استقرار این نظام به حیث یگانه راه نجات در چه می باشد ؟

موضوع را که بیشتر از همـه قابـل تاکیـد می دانیم اینسـت کـه چهـره واقعی نظام صهیونستی که در عقب، نقاب های گوناگون بـرای مـا نشـان داده می شود را باید دانست چون این نظام به تنهائی در یـک بخش عمـل نمی کند، در حالیکه به صورت کامل دین ، تهذیب ، مفکوره و اندیشه های مردم را یکجا تخریب می کند .

بناً برای از بین بردن جریان نظام که بنیاد آن بر مبنای استثمار، ظلم و استعمار استوار باشد و در درون اجتماعات ما نهادینـه گردیـده اسـت را و عرفاً به اجراء آن مردم عادت گرفته اند باید لازماً از داخـل جامعـه ریشـه یـابی شـود تـا بتـوانیم این دانـه سـرطانی اجتمـاع را از بیخ و بن بـیرون سازیم، افکار و آئـدلوژی هـای کـه از طفلیت مـردم جامعـه بـه آن عـادت گرفته اند تعویض گردد ، محبت دنیای که در قلب های آنها جای داده شده باید جوانب منفی آن اشکار گـردد، و لـذت آزادی را بـرای کسـانیکه روان شان با استعمار و مستعمره بودن وفق پیدا کرده است بیـدار گـردد ، لـذا باید با آماده گی کامل درین میـدان کـارزار داخـل شـویم و اهـداف را کـه روی دست می گیریم همه باید درست و دقیق برنامه ریزی شوند.

بتحقیق در قدم نخست برای رسیدن به اهداف باید افکار مردم بطرف راه حق متوجه گردد، تا مردم حق گرا شوند. چـرا کـه دشـمنان انسـانیت شدیداً در اجتماع ماتریالیستی (مادی گرائی) را ترویج می کنند در قلبها به جای محبت الله محبت دنیا را جا میدهند. وقـتی کـه مـردم، دنیـا پرسـت

شدند بعداً به استثمار شان میپردازند، تا بلاخره به کلی از معنویات فاصله گرفته و به سود، حرام و چانه زنی تمائل پیدا کنند.

پس لازمی و ضروری است نظامی را که باعث تیرگی روابط و تعلقات در میان مردم میشود سرنگون و از نو برنامه های جامع و کامل اسلامی را در جامعه طرح ریزی کنیم. و دو باره اجتماع را از حیوانی بودن بطرف انسانی شدن رهنمایی کنیم که متأسفانه امروز در تمام دنیا این چنین جامعه ی وجود ندارد.

« هدف ما این است که اسلام باید به اساس آئدیولوژی اسلامی و به دستور اسلام به وجود بیاید نه اسلامی که به دستور غرب و امریکاء به وجود آمده است بناً به یقین گفته میتوانیم که شیوه اسلام گرایی هیچ نتیجه ئی به بار نمی آورد ، ما خواهان رژیم و نظام انسانی در سطح دنیا هستیم که روابط و پیوند های بین المللی خود را بر اساس همزیستی و دوستی استوار سازد و با هیچ کسی که با او نمی جنگند و بر ضد آن توطئه نمی چیند و پیروان او را آزار نمی دهد و در روی زمین فساد و تباهی برپا نمی کند و به مردم و توده ها ستم روا نمی دارد نجنگد و به دشمنی بر نخیزد زیرا که این نظام ، جز با تجاوز کاران و تبهکاران و ستمکاران ، با کسی دیگری نمی جنگند ، ما خواستار بر قراری این چنین نظام اجتماعی هستیم[1] »

اساسی ترین اصل در اسلام و آئدیولوژی اسلام اصل توحید است و آنرا به عنوان مفاتح جهان ارائه کرده است ، اصل دیگر قیامت و بازگشت (معاد) است همان اصل حرکت در جهان و تکامل که مرگ و حیات و رستاخیز را به فهم بشر نزدیک می سازد ، اصل سوم اصل نبوت است که بیان کننده ئی مکانیسم اجتماعات میباشد و تابعی از تغییرات صلاح و فساد جوامع و روح بشری و در حقیقت انعکاسی است از روح جهانی در برابر متغیری به نام بشریت یا انسان و بسیاری از اصول دیگر .

در اسلام پنج بناء اساسی وجود دارد که اساس و بنیاد عقاید مسلمانان را تشکیل می دهد: که در برگیرنده ی (کلمه – نماز – روزه – زکات- و حج بیت الله) می باشد. که جوهر امارت (خلافت) اسلامی بر بالای آن استوار می باشد. اگر شما یکی از این پایه ها را بلغزانید دین اسلام و خلافت اسلامی در لغزش می افتند.

به همین ترتیب نظام کفر هم دارائی همچون پایه های اساسی و بنیادی طاغوتی خود است. اگر ما آن ارکان و پایه ها را درست تشخیص

[1] ما چه می گوئیم تألیف شهید سید قطب ص 26-27

بدهیم، شما یقین بدانید، که سریع حرکت کردن بر ضـد آن بقـدری آسـان می شود که بسیار زود شکست خورده و به زمین میفتند .

بناً مباحث را که در هشت فصـل گذشـته بیـان کـرده ایم در ادامـه بـه خلاصه آن میپردازیم و بعداً به آن سلسـله مطـالبی خـواهیم پـرداخت کـه مستقیماً بر اساس آن می توانیم یـک جامعـه ی واقعـاً اسـلامی را تهـداب گذاری کنیم .

و بار دیگر تکرار می کنیم که بـرای رسـیدن بـه اهـداف خـویش عجلـه نداریم تـا زمانیکـه تصـاویر فلسـفی ، و منطقی از راه در پیش داشـته را برای شما بـه صـورت واضـح نشـانه گـذاری نکـنیم، و اینکـه چگونـه قـادر خواهیم شد تا مردم حاضر شوند رفتار و سـلوک جامعـه خـویش را کـاملاً تغیر بدهند و روحیه اسلامی را در اجتماعات خویش قبول کنند.

باید اضافه کرد تا زمانی که عدل، انصـاف، ایمـان بـه الله و تـرس از الله در وجود هر انسان نهادینه نگردد و مانند خون در رگ های او جـاری نشود و تا زمانیکه وجود تربیت اسلامی در روان هر مسلمان تحقق نیابـد، ما قدمی را به پیش مانده نمیتوانیم .

بخاطریکـه نظـام اسـلامی در هـوا و خلاء بـه وجـود نمی آیـد، بـرای اسـتقرار نظـام اسـلامی اجتمـاعی اسـلامی لازم اسـت و بـرای اجتمـاع اسلامی افراد باید مؤمـنین شـوند بـه این معنـا کـه دوسـتی و دوشـمنی ، پسند و ناپسند ، داد و گرفت شان به خاطر الله باشد و بس .

روی این همه دلایل برای استقرار نظام اسلامی ، همزمـان بـه برنامـه انسان سازی نیز ارجعیت داده شود . بدین وسیله خواهیم توانست که تـا یک نظام اسلامی را قائیم سازیم

1- اولتر از همه لازم است که بنیاد و پایه های نظـام کفـر کـه اسـاس این نظام بالای آن اسـتوار اسـت را بشناسـیم ، چنانچـه کـه قبلاً در مـورد گرادننده گان این نظام پلید صحبت هـای داشـتیم، و واضـح سـاختیم کـه (The Zionist & Freemasons) ذاتاً دو گروه ئی اند که اساساً منـافع شان علیه آزادی و صلح جهانی گره خورده است و اساسـی تـرین بنیـاد و پایه های نظام کفری را تشکیل می دهند آنها ابتداً کوشش ایجاد این نظام را کردند و حالا با تمام قوت سعی در نگهداری آن را دارند.

رهبران این گروه در غرب نفـوذ زیـادی دارنـد، کـه متأسـفانه در میـان جوامـع مـا نـیز بـا تعین افـراد دسـت نشـانده شـان کـه در متـون قبلی اشخاصی را که در جهانی ساختن این آئدیولوژی کوشش می کنند را ذکـر کردیم . و گفتیم که ازین گروه مردم درمیان صف های ما هم رخنه کـرده

اند حتی در حکومت های ما شریک هستند در رسانه های مـا دسـت بـازی دارند و در میان اجتماع ما صریحاً بـه فعـالیت می پردازنـد و بـد تـر از آن فرزندان ما را تحت تدریس می گیرند.

2- دومین پایه این نظـام را (paper currency) تشـکیل میدهـد. کـه هرگز در موجودیت پول کاغذی نظام عدل و انصاف در میـان افـراد قـایم شده نمی تواند.

و مشـکل اساسـی کـه در پرتـو نظـام پـول جعلی نمـودار می شـود میکانیزم و طرز تجارت با آن است، یعنی هر شخصی کـه از پـول کاغـذی استفاده کند به شکل از اشکال تحت استعمار یهودیان قرار میگیرد که بـه این اساس آنها میخواهند اختیاری نظام خود را در سراسـر جهـان توسـعه بخشند، و به آنچه که در صدد تحقق بخشیدن آن می باشند همانا گسترش و جهانی ساختن سـود خـوری اسـت تـا بـه این شـیوه نظـام سـود را بین المللی سازند. که شروع استعمار جهانی از همین نقطه یعنی قرض دهی برای دولت ها و افراد فروخته شده در داخل ملت ها میباشد که در نهایت به غلامیت قوم ها و ملت ها می انجامد.

به همین جهت الله و رسول صلی الله علیه وسلم بر علیه سود خوری و کسب منفعت ازین طریق اعلان جنگ کرده است. الله جل و عظمـه در سـوره بقـره می فرمایـد «یا أَیهَا الَّذِینَ آَمَنُـوا اتَّقُـوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِی مِنَ الرِّبَا إِنْ کُنْتُمْ مُـــؤْمِنِینَ ،فَـــإِنْ لَمْ تَفْعَلُـــوا فَـــأْذَنُوا بِحَـــرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»(البقره /279)

« ای کسـانیکه ایمـان آورده اید بترسـید از الله و اگر هسـتید از جمله مومـنین تـرک کنید آنچه را که به ربا حاصل کـرده اید و اگر نکردید ، پس خبر دار باشید به جنگی از طرف الله و رسول او »

و همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم عداوت و دشـمنی خـود را با ربا خوران اعلان فرمـوده و خطر و زیـانی که ازین ناحیه به جامعه وارد می آید را چنین بیان فرموده اند : (ا ظهر الربا و الزنا فی قریة فقد احلو بانفسهم عذاب الله) «رواه حاکم»

« هرگاه ربا و زنا در شهری پیـدا شـود اهل آن محل به خواست خـود عذاب الله را به سوی خویش خواسته اند »

قول معروف امیر المؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه اسـت کـه بـه عمـر بن عـاص والی شـام فرمـود: اللـه تعـالی تمـامی انسـانها را از مادران شان آزاد آفریده تو از چه زمانی مردم را غلام خود ساخته یی ؟

و باید گفت کـه این غلامیت اقـوام و ملت هـا زمـانی آغـاز شـد کـه از طریق بانک ها قرضه دادن برای ملت و دولت ها جز برنامه شـان گردیـد. و با همان 10 دینار (سکه طلا) که در بانک وجود دارد بـه هـزاران دالـر را چاپ و نشر میکننـد تـا بـه مـردم قرضـه دهنـد و تمـام حسـاب و کتـاب و جادوگری های خویش را با همان 10 دینار انجام می دهنـد ؛ و بـرای پیش برد این کارهای خود، نیازمند اداره اقتصـاد مـردم انـد کـه مرکـزیت آن از بانک ها سر چشمه می گیرد.

بعـداً توجـه خـود را بطـرف خصوصـی سـازی و تـک فـردی معطـوف ساختند. یعنی در آن چیز هـای کـه تمـام مـردم سـهم مشـترک و مسـاوی دارند را تحت رهبری چنـد دسـت محـدود قـرار دادنـد، کـه بـه این تـرتیب سیاست هـای انحصـار گـری بـه وجـود آمـد و بـه تعقیب آن اتحادیـه هـای سرمایه گذاری خصوصی تاسیس شد . قسـمیکه قبلاً گفـتیم مـواد غـذائی تمام دنیا را 11-12 شرکت خصوصی در انحصـار خـود دارنـد. کـه همـه و همه مغربی الاصل اند و در هر معاملـه ی تجـارتی چی در عرصـه ی طلا، نفت، سمنت و هر آن چیزی که متعلق بـه ضـرویات بشـری باشـد، حتمـاً دست آنها دخیل میباشـد و همـه را تحت اداره ی اتحادیـه هـای انحصـاری خود معامله میکنند و از جانب هم از تقسیم آنها در میـان عـوام جلوگـیری میورزند .

خصوصی سازی , اتحادیه سازی و ساختن کارتل (مافیـا) و در انحصـار در آوردن خزانه هـای زمین ، پایـه هـای اصـلی اسـتراتیژی شـانرا ، بـرای رسیدن به اهداف شان تشکیل میدهد. و برای مدیریت این برنامهای خــود مؤسسات مانند ملل متحد، بانک جهانی و سازمان IMF ، بانک انکشــافی آسیا، بانک های سویس (منحیث مصئون تـرین بانـک بـرای سـرمایه هـای شخصی شان) و تمام بانک های خورد و بـزرگ کـه بـه این نظـام ارتبـاط دارند اختصاص یافته است. و از جریان غلام ساختن افراد هر شخصی کـه بخواهد خود را کنار بکشد، بـاز هم در دام دیگـری یعـنی"income tax[1]" گیر میفتد، که این برنامه هم به نوبه ی خود جز از پایـه هـای اساسـی این نظام را تشکیل میدهد و طوری طراحی شده که کـاملاً ماننـد ربـا و سـود بـرای بشـریت نقصـان میرسـاند، در معاملـه ی سـود ابتـدا شـخص را بـه اشکال مختلف مقروض می گردانند، ولی در این شیوة بدتر از آن اِعمــال می گردد ، شخص زحمت میکشد و مقداری از پـول بدسـت می آورد، بـه مجرد اینکه پول بـه دسـت شـخص رسـید آنهـا حصـه ی خـود را از بین آن

---

[1] مالیه بر عایدات

بیرون می کند ، و گاهی هم پیش از آنکه مزد کارگر برایش پرداخت گردد، حصه از آن تحت نام مالیه از آن بیرون میگردد [1] ، که هدف اصلی انجام این کار های شان همانا به برده گی کشاندن و زیر استعمار در آوردن بشریت می باشد در حالیکه الله حق سبحانه و تعالی همه را آزاد آفریده است .

ما در ابتداء مختصراً پایه های اصلی جریان اقتصاد صهیونستی را اشکار ساختیم که بر اساس آن امور این نظام استور است .

بناً اگر چنان راه حل برای بیرون رفت از داخل این روند اقتصادی داده شود که یکی از اساسات نظام صهیونستی را که قبلاً بیان داشتیم در آن موجود باشد، پس آن نظام را هرگز نظام اسلامی گفته نمی توانیم و هر نامی را که خود می خواهید بالای آن گذاشته می توانید .

هرگاه در داخل یک نظام اعضاء «Freemasons» حضور داشته باشند و در اداره نظام دست بازی کار کنند و یا در میان آن نظام روند پول کاغذی (Paper currency) و یا پول الکترونی جریان داشته باشد و یا بانک ها منحیث اداره کننده و نظارت کننده نظام اقتصادی مردم فعالیت کنند و سرمایه ها عامه در دست چند نفر محدود اداره گردد، روی این دلایل هرگز آن نظام را نظام اسلامی گفته نمی توانیم.

ما امروز حیران ایم که چطور دکتورین، دانشمندان و علمائی دینی ما جریان اقتصادی را که اساس آن بالای پول های کاغذی استوار میباشد را هم حلال و هم شرعی میدانند.

بطور مثال اگر شما نزد یک فقیه و یا عالم دین رفته و برای اخذ فتوا موضوعی را مبنی بر اینکه آیا خوردن گوشت مرغ حلال است یا حرام مطرح سازید ؟

او حتماً در جواب شما می گوید که خوردن گوشت مرغ حلال است .

ولی اگر برایش گفته شود که این مرغ از پول دزدی، چور و چپاول خریداری شده و توسط غیر مسلمان ذبح گریده است.

فوراً همان عالم خوردن گوشت مرغ را که حلال گفته بود فتوایی حرام بودن اش را صادر میکند .

---

[1] مالیات بر عایدات بر اساس فتوای شیخ علامه امین الله حرام است چرا که این پول که از مردم گرفته می شود هرگز برای رفع نیازمندی های سایر مسلمانان به مصرف نه می رسد حتماً یا برای مصارف حکومتی (پول دسترخوان رئیس جمهور ویا وزیرانش) به مصرف می رسد یا برای خریداری موتر های مدل سال و یا برای کرایه سفر اولا و خانواده وزراء و اهل دولت و یا وکلا شوری یه مصرف می رسد و یا اینکه از آن پول اردو ئی ساخته می شود که بر علیه مجاهدین به جبهه کشانیده می شوند (مترجم)

حقیقت بانکداری

وقتی که میخواهیم بالای نظام و اقتصاد اسلامی صحبت کنیم حتماً باید این حدیث مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم را بیاد داشته باشیم که می فرمایند: « در آخر زمان کسانی هستند که سود نمی خورند ولی گرد و غبار سود برایشان می رسد»

پس از محتویات این حدیث مبارک طور بر میاید که باید کاملاً نظام سود و ربا را از داخل جامعه اسلامی بدور سازیم. برای رسیدن به این هدف خود لازم است که نظام اقتصاد اسلامی بغیر روند اقتصاد صهیونستی و کفری روی کار شود و برای مسلمانان چنان نظام پیشکش گردد که بدیل نظام کفری امروزی باشد و هیچ یک از اساسات نظام صهیونستی در میان آن وجود نداشته باشد.

اگر ما فکر کنیم که با کشیدن و مجزا ساختن سود از نظام اقتصاد صهیونستی، اقتصاد اسلامی بر قرار خواهد شد کاملاً حدس و گمان غلطی است ، چرا که در حسابات جاری بانکداری امروزی سود وجود ندارد ولی ما هرگز این نوع بانکداری را بانکداری اسلامی گفته نمی توانیم .

اصلاً ما با اصطلاح بانکداری اسلامی شدیداً مخالف هستیم، چرا که ماهیتاً بنیاد بانک بر اساس قرضه دهی و قرضه گیری گذاشته شده است، تا مردم بطرف سود و ربا خوری کشانیده شوند. این نوع نام گذاری شبیه به آن است که کسی بگوید شراب خوری اسلامی و یا قمار بازی اسلامی ...

در اصل چنین چیزی در شریعت اسلامی وجود ندارد و موجودیت آن نیز ناممکن است.

و در شریعت اسلامی کمبود و نبود مصطلاحات هرگز محسوس نبوده است مثلاً هیچگاه برای لفظ مسجد لفظ (مندر) را استفاده کرده نمیتوانیم . و برعکس مندر را مسجد نامیده نمی توانیم .

زمانیکه ما سخن از تغیر عقیده و مفکور را به میان مگذاریم پس حتماً از مصطلاحات و واژه های که در اسلام وجود دارند باید استفاده کنیم . و ضرورت نیست تا اصطلاحات کفری و غربی به عاریت گرفته شوند. و متوجه باشید هر کسی که از اصطلاحات مانند «Money landing &democracy &Republic &Investing...» و مانند آن صحبت میکنند فقط میخواهند تا در بین مردم هرج و مرج را ایجاد کنند .

بـار دیگـر بـالای این موضـوع می ایم کـه اگـر یـک شـخص تمـام روز مزدوری کند تا رزق حلالی را برای خود کمائی کند و در مقابل این زحمت کشی مزد اش به پول کاغذی پرداخته شود. قطعاً در این مورد ما تردیدی نداریم که دست مزد پـول کاغـذی بـرای اش حلال اسـت. ولی این بـدان معنی نیست که استفاده ازین پول ها شرعاً جایز باشد. چـرا کـه در عقب پول کاغذی طلائی وجود ندارد و کاغذ جعلی بیش نیسـت و همچنـان اداره و تعین ارزش آن نیز تحت نظر رهبران نظام صهیونستی می باشد.

امروز در دنیا بسیار بانکهای وجود دارند که ماهیت کفـری و مهـر کفـر در آنان موجود است. اگر این بانکها شعباتی را در داخل خود فعال سـازند و بگویند که این شـعبات بـر اسـاس بانکـداری اسـلامی فعـالیت می کنـد. یقیناً این سخن خرافات و شوخی بزرگی خواهد بود.

بعضی ها تحت نام مضاربت و مشارکت و با ارایه بعضی فتوا هـا درین مورد می خواهند که روند بانکداری ایجاد کنند و ظاهراً به کار های خویش اسم و رسم اسلامی بدهند مانند اینکه پول را که مؤدع به بانک به امـانت می گذازد صاحب بانـک بـرایش اطمینـان می دهـد کـه این پـول بـه طـور مشترک (در نفع و زیان شریک) به کار انداخته می شـود و بـالای آن پـول تجارت صورت می گیرد و سایر کار های که در نفس خود حلال باشد .

لیکن کار این بانکها نیز مشکوک است. چـرا کـه مـا هیچگـاه حسـابات جاری بانکی که سود در آن وجود ندارد ، را بانکـداری اسـلامی گفتـه نمی توانیم. چرا که بر اساس نظـام پـول جعلی پیش میرونـد. اسـاس، بنیـاد و تمـام فعـالیت هـای آن تحت نظـام کفـری و یهودیـان سـر و سـامان داده میشود گاهی اوقات همین بانکهـای خـورد سـرمایه ی خـود را در بانکهـای بزرگی که در آنها سود دهی و سود خوری جز اساسی بقای شانرا تشکیل میدهد را تحویل میکننـد و مـاه هانـه و یـا سـالانه سـود پولهـای خـود را از بانکها سودی بدست می آورند.

بانکی که در آن حسابات جاری یعنی حسـاباتی کـه در آن سـود وجـود ندارد را بانکداری اسلامی قلمـداد میکننـد، در حالیکـه آن پـول از سـرمایه مردم در نزد شان به ودیعت گذاشته شده است که با آن در عرصـه هـای مختلف سرمایه گذاری میکنند که فی النفس خود حرام می باشند.

و میخواهند تلقین کنند که گویا به این شیوه نظـام اقتصـاد اسـلامی را به وجود آورد اند و سود از میان برداشته شده هرگاه به این رونـد راضـی شویم پس سود را (فایده حلال) شـمرده ایم. بایـد متـذکر شـد کـه فقـط برای گمراه کردن مردم ساده از این الفاظ و اصطلاحات استفاده میکنند.

لذا هر مسلمانی که پول خود را در بانکهای کفری میسپارد او شامل داد و ستد سودی می شود ، ولو که او در حساب جاری پـول خـود را گذاشـته و سـود آنـرا نگـیرد . بـا وجـود آن چـون در بین این جریـان صـهیم انـد و در معاملات بانک پول شان در جریان است لـذا بداننـد کـه روزی میرسـد کـه مورد بازپرس الله جل و عظمه قرار میگیرند.

قسمیکه قبلاً گفتیم این یک بحران بی سـابقهء اسـت کـه تـاریخ تـا بـه امروز شاهد این قسم نظام نبوده است. و ما هم در این مقطع ء تـاریخی وظیفه ی خود میدانیم تا قدم به قدم برنامه های کفار را تشریح و روشـن سازیم تا راه حل برای نجات امت مسلمه اشکار گردد. چرا که تا به حـال مـردم عـام مسـلمان و حـتی علمـائی بـزرگ دین فـریب این روش هـا را خورده اند و فتوای حلال بودن این نظام را داده و میدهند. باز هم میگـویم که آنها ماهیت این نظام را واقعاً درک نکرده و نمی دانند کــه در عقب آن کدام دست ها و برنامه ها فعالیت می کند ، که به همین منظـور مـا قصـد به افشای این نظام پلید صهیونستی را زده ایم و تـا زمانیکـه یکی از پایـه های این نظام به جای خویش محفوظ بماند نظام ما – نظام اسلامی بوده نمی تواند.

مثلاً در سـطل آبی قطـره ی از الکـول (خمـر) بیفتـد بـالای تمـام آب سطل حکم حرام بودن جـاری می گـردد. بـه همین تـرتیب هرگـاه در یـک جامعه عمل خلاف شریعت جـواز(وجـود) داشـته باشـد هرگـز و هرگـز آن نظـام اسـلامی بـوده نمیتوانـد. اینکـه مـا مکـرراً بـالای این موضـوع بحث میکنیم علت این است که متأسفانه بطور گسـترده مسـلمانان فـریب این طوطئـه بـزرگ را خـورده انـد. و آنچـه آرزوی مـا اسـت بـه وجـود آمـدن اقتصادی کاملاً مخالف نظام موجود می باشد و هرگز بـه این کوشـش هم نیستیم که نظام موجود را اصلاح و باز سازی کنیم .

سئوالی دیگری را طوری مطرح میسازیم که برای اولین بار چرا نظام اقتصاد اسلامی را غربیان به معرفی گرفتند ؟

برای حل این سوال باید گفت که از دیر زمانی تا به امـروز در اروپـا و امریکا مسلمانانی زندگی میکنند کـه دارای مبـالغ انگفـتی پـولی انـد. آنهـا میخواستند تا از نظام سود و ربا بدور زندگی کنند. بنـاً هرگـز بـه بانـک هـا مراجعه نمی کردند. یهودیان بـا درک این موضـع گـیری مسـلمانان ، بـازی بزرگی را براه انداختند ، چرا که مسلمانان بـا پـول هـای دسـت داشـته ی شـان مصـروف معـاملات واقعـاً شـرعی در عرصـه ی تجـارت و صـنعت بودند .

بناً برای این که سرمایه های آنها را به طـرف خـود بکشـانند بخصـوص طوطئه ی را در بین آنعده مسلمانانیکه در امریکا و اروپـا زنـدگی داشـتند براه انداختند ، و بطور وسیع شروع به تبلغـات کردنـد مبـنی بـر اینکـه مـا (یهودیان) مطابق شرعیت اسلامی رونـد بانکـداری را ایجـاد می کـنیم کـه کاملاً مطابق به اساسات و عقائد اسـلامی اسـتوار باشـد و زمینـه بـرای سرمایه گذاری شما هر چی بهـتر مسـاعد و فایـده ی بیشـتری در نصـیب شما گردد .

در این برنامه ریزی هدف شان این بود که تجارت در میـان مسـلمانان کاهش پیدا کند و از جانب هم مسلمانان بـا انجـام معـاملات، پـول حلال و مفاد حلالی بدست نیاوردند به همین منظور مسلمانان علاقمنـد نبودنـد تـا پول خود را در اختیار دیگران برای کسب سـود بگذارنـد. چـرا کـه سـود و تجارت ماهیتاً دو پدیده ی متضادی اند.

بناً مسلمان هرگز چیزی را به نام و ماهیئت بانکداری اسلامی به وجود نیـاورده انـد و هـر آنچـه کـه بـه نـام « دموکراسـی ، دسـتور العمـل هـای اقتصادی ، دستور العمل های سیاسـی ، و احکـام قـانونی ... » بـرای مـا برنامـه ریـزی میشـود از طـرف یهـود و نظـام صهیونسـتی غـرب تحمیـل میگردند .

و بالفرض اگر این نظام بانکداری واقعاً اسلامی میبود، پس زیر قیادت برنامه های کفـری عمـل نمی کـرد و مـردم را در سـر درگمی و گمـراهی قرار نمی داد. چرا که آن سلسله برنامه های کـه پایـه هـای اصـلی نظـام کفـری را تشـکیل میدهـد، اصـلاً در مـورد آن بحث و گفتگـو صـورت نمی گیرد.

ولی همیشــه بــالای مضــاربت ، مشــارکت ، ودیعت ، یــا اینکــه فلان موضوع مطابق شرعیت اسـت و فلان موضـوع نیسـت و یـا پـول بدسـت آمده ازین طریق سود شده می تواند و از طریق دیگر سود نیست و... بناً ما می پرسیم آیا در شرایط فعلی حتی شاگرد مکتب و مدرسه نمی فهمد که سود حلال است یا حرام ؟

آیا از کدام اجتماعی مربوط به مسـلمانان شـنیده ایـد کـه ادعـا کـرده باشند نظام عدل و انصافی را که محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب و سلف صالح شان در طول تاریخ بالای آن کار کـرده انـد نبایـد تطبیق گردد ؟

پس شما امت مسلمه متوجه باشید که کفار و همدستان منافق شـان هرگز نمی خواهند تا برنامه های خاص نظام سازی اسـلامی مـورد بحث و گفتگو قرار گیرد.

تدابیر که باید روی دست گرفته شوند

حال بعد از برسی های جوانب مختلف به این نتیجه رسیده ایم که بایـد جلو پیشرفت نظام کفری گرفته شود چون این نظام با این وضعیت بـرای ما غیر قابل قبول می باشد.

و موضوع دیگر اینکه در عدم موجودیت این نظام چه تـدابیری را بایـد مسلمانان روی دست گیرند تا نظام بدیل آنرا به شکل و ماهیت اسلامی روی کار سازند ؟

به صراحت میگویم که کفار خاموش نه نشسته و تبلیغاتی جدیء را به راه انداختــه انــد کــه گویــا زمانــه پیشــرفت کــرده و دو بــاره زمــان توانگری"ثروت واقعی" یعنی طلا و نقره روی کار شده نمی توانـد و شـما قادر به ایجاد آن نیستید که بتوانید به صـورت واقعی ثـروت را عادلانـه در میان مردم تقسیم کنید ، و بعید است جامعه ی بسازید که مردم به دست خود زکات اموال را جمع آوری کرده و به فقرا تقسـیم کننـد. و امـروز در دنیا این همه امپراطوری های بزرگ اقتصادی کـه بانکهـای جهـانی را تحت پوشش خود دارند، نمی توانند به نظامی رجعت کنند که 1000 سال قبـل در جهان حاکم بوده است.

باید دقیق شد که از یک طرف این چهره هـای ناپـاک بـا نظـام دجـالی شان دنیا را به طرف بربادی و فساد می کشانند. و از طرف هم سـدی را در برابر آنعده مؤمنین که میخواهنـد راه و چـاره مقدسـی را بـرای آینـده آزاد و بدور از غلامیت هموار سازند ایجاد میکنند.

در قرآن عظیم الشان در مورد خصـلت و عـدم پـذیرش حـق یهودیـان الله تعالی می فرماید:

«وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَـرَةً قَـالُوا أَتَتَّخِـذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُـوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُـونَ مِنَ الْجَـاهِلِينَ قَـالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يبَينْ لَنَا مَا هِى قَالَ إِنَّهُ يقُولُ إِنَّهَا بَقَـرَةٌ لَا فَـارِضٌ وَلَا بِكْـرٌ عَـوَانٌ بَينَ ذَلِـكَ فَـافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يبَينْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يقُولُ إِنَّهَا بَقَـرَةٌ صَـفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يبَينْ لَنَا مَا هِى إِنَّ الْبَقَرَ تَشَـابَهَ عَلَينَا وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ قَالَ إِنَّهُ يقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ

وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآَنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يفْعَلُونَ»«البقره 67-71»

(و آنوقت که گفت موسی به قوم خود هر آئینه الله می فرماید شما را به کشتن گاوی گفتند آیا ما را مسخره می گیری گفت پناه می گیرم به الله از آنکه باشم از نادانان ، گفتند سئوال کن برای ما از پروردگار خود تابیان کند برای ما چیست آن گاو گفت هر آئینه الله می فرماید که وی گاوی است نه پیر و نه جوان میانه است در میان این و آن پس عمل کنید به آنچه فرموده شدید ، گفتند سئوال کن برای ما از پرودگارت تا بیان کند برای ما چیست رنگ آن گاو ؟ گفت هر آئینه الله می فرماید که وی گاویست زرد پر رنگ آنقدر که خوش می کند بیننده گان را ، گفتند سئوال کن برای ما از پرودگار خود تا بیان کند برای ما چگونه است آن گاو که مشتبه شدند برما و هر آئینه اگر خواسته است الله راه یافتگانیم ،گفت هر آئینه الله می فرماید که وی گاویست نه محنت کشنده که شخم زند زمین را و نه آب می دهد زراعت را سلامت است هیچ خال نیست در وی ،گفتند حالا آوردی سخن درست ، پس زبح کردند و نزدیک بود این کار را نکنند)

یعنی زمانیکه برای یهود آیت و امر الله تعالی به واسطه موسی علیه السلام آمد گفت شما گوساله ئی را ذبح کنید پس ایشان به بسیار سختی قلب و مغرضانه از الله سئوال می کردند که گاو چگونه است ، چه رنگ است ، چرا است ، چه می خورد لاغر است چاق است ... به عوض آنکه امر را بدون چون و چرا می پذیرفتند[1] . که الله تعالی در ادامه می فرماید: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يشَّقَّقُ فَيخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يهْبِطُ مِنْ خَشْيةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يعْلَمُونَ) « البقره 74-75»

(باز سخت شد دلهای شما بعد ازین پس آنها مانند سنگ اند بلکه زیاده تر در سختی ، و هر آئینه از سنگ ها آنست که روان می شود از وی جویها – و هر آئینه از سنگها آنست که می شگافد پس بیرون می آید از

[1] شخصی را از بنی اسرائیل کشته یافتند و کشنده آ ن معلوم نبود اللهی تعالی حکم فرمود که گاوی را ذبح کنند و بعضی وی را بر آن مقتول بزنند تا زنده شود و از قاتلان خود خبر دهد الداستان گاو را به مبلغ خطیر خرید کردند و بزدند و مقتول زنده شد و پسران عم خود را نام برد که ایشان کشتند پس قاتلان را بقصاص رسانیدند از آن باز قاتل را از میراث محروم ساختند (والله اعلم)

وی آب ، و هـر آئینـه از سـنگها آنسـت کـه فـرو می افتـد از تـرس اللـه و نیست بیخبر از آنچه می کنید ، ای مؤمنان آیا امیدی دارید که (یهود) منقاد شـوند بـه دین شـما (و بـه امـر الله) و هـر آئینـه گـروهی از ایشـان می شـنیدند کلام الله را (یعـنی تـورات را) پس بـدل می کردنـدنش دانسـته بعداز آنکه فهمیده بودند او را ،و چون ملاقات کنند با مؤمنان گویند ایمـان آوردیم و چون تنها شوند بعض از ایشان با بعضی گویند آیا خـبر می دهیـد ایشان را با آنچه کشاده است بر شما تا مناظره کنند با شما بآن دلیل نزد پروردگار شما آیا در نمی یابید)

بناً زمانیکه برای مسلمانان از جانب الله تبـارک و تعـالی حکم شـد کـه سود و ربا حرام است پس سوالی باقی نمی ماند و سود به هر شکل کـه باشد حرام است و هیچ کسی و به هیچ عنوانی آنـرا حلال قـرار داده نمی تواند و همچنان نباید در سدد گمراه کردن خود شویم و بهماننـد یهـود راه و چاره ئی برای گریز از احکام الله را جستجو کنیم

پس آیا این نظـام را قبـول می کنیـد ؟ یـا میخواهیـد کـه این نظـام را اصلاح کنید ؟ یا به عوض آن نظام سودی دیگری را مستقر سازید ؟

اولاً باید دانست که امکان ندارد این نظام با ماهیت که دارد قابل تغـیر و اصلاح باشـد. پس چـاره ی بجـز این نـداریم تـا مسـیر بهـتری را اختیـار کنیم . چـرا کـه مـا نمی خـواهیم کـه در تمـام شـئون زنـدگی خـود، ماننـد یهودیان رفتار کنیم.

پس آیا می توانیم به این مقصد خود برسیم ؟

بلی می توانیم !

زیرا الله تبارک و تعالی برای ما کاملاً تضمین کرده که در صورت کـه از الله بترسید و مطابق بـه احکـام قـرآن عمـل کنیـد حتمـاً راه حلی را برایتان پیـدا می کـنیم : مَنْ كَـانَ يـؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيـوْمِ الْآَخِـرِ وَمَنْ يتَّقِ اللَّهَ يجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا2 وَيرْزُقْهُ مِنْ حَيثُ لَا يحْتَسِـبُ وَمَنْ يتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُـوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَیءٍ قَدْرًا»(الطلاق /2-3)

(هر که مؤمن باشد به الله و روز آخرت و هر که بترسد از الله پدید آورد الله بـرای او راهی«مَخلَصی» را ، و رزق دهـدش از آنجا که گمـان نـدارد و هر که توکل کند بر الله پس است او را هر آئینه اللهرسـنده است بمراد خود هر آئینه ساخته است الله هر چیز را به اندازه)

یعنی هر آنکه از الله تقوا[1] اختیار کند و برای رفع مشکلات خویش بـه غیر الله رجوع نکند صبر و توکل به الله کند برای او راه بیرون رفتی از طروق مختلف که اصلاً از آنجا توقع نداشته باشد ایجـاد میشـود. و امـروز منافقـان در حالیکـه در قلب هـای شـان ذره ئی از ایمـان وجـود نـدارد ظالمانه این را می گویند که اگر برای حفظ پول ما هر روز دالـر در بـازار مبادله نشود و یا اگر نظام بانکداری (سـودی) را متوقـف سـازیم ، هرگـز توان اداره کشور از عهده ما بر آورده نخواهد بود و مـا حـتی قـدرت پیش بردن حکـومت را بـرای یـک روز هم نخـواهیم داشـت. در حالیکـه اللـه در جواب شان می فرماید : «إِنَّ هَذَا الْقُرْآَنَ يهْدِی لِلَّتِی هِی أَقْوَمُ»(اسـراء / 9)

(این قرآن به آنچه که پایدار تر « درست » است هدایت می کند)

« یعنی هر آنکه به این دین پایدار بماند الله ایشـان را تنها نمی ماند و همچنان ترسی به دلهایشـان راه نمی دهد « افـرادی را که اسـلام تـربیت می کند همچـون پـولادی آبدیـده ، محکم و اسـتوار ، نیرومند و تزلـزل ناپذیرند و در قبال مشکلات و سختیها مقـاومت بیشـتری دارند و در اداره کار ها و امور همت و اراده کاملی را به کـار می برند بـرای اینکه آنـان از درون و از طریق وجدان نگهبانی می شوند و پشتوانهای از دینشـان دارند و رهبریشان به عهده قرآن می باشد[2]»

و جای دیگر الله تعالی می فرماید: « قُلْ لَنْ يصِـيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»(التوبه/51)

(بگو هرگز نرسد بـرای ما مگر آنچه نوشـته است الله بـرای ما اوست کار ساز ما و بر الله باید توکل کنند مسلمانان)

و الله تعـالی در سـوره حج در جوابشـان بـار دیگر می فرماید :«وَإِنْ يسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيئًا لَا يسْتَنْقِذُوهُ مِنْـهُ ضَـعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُـوبُ»(الحج / 73)

(و اگر برباید از ایشان مگس چیزی را باز گرفتن از آن نتواند ، طـالب و مطلوب ، ناتوانند)

بناً در سایه همین نیرو هر فردی به روزی ، مقام و موقعیت به زنـدگی و سلامتی خود اطمینان می یابد و هیچ قدرت واحـدی نمیتواند در روزی یا

---

[1] مفسیرین در معنی لفظ تقوی تعبیر های مختلفی را ارایه کرده اند که اهم آن : ترک معاصی «گناهان) ، انجام واجبات و دوری از منهیات ، دشمنان آئین خود را دوست و یار خود نداستند ، عدم مخالفت با احکام الله ، و فرمان الله را به دل و جان قبول کردن ، و با اطاعت از الله و دروی از منهات خود را از عذاب الله در امان نگهداشتن ...(مترجم)

[2] برداشتی از مجموعه مقلات شهید سید قطب

امور دنیا و امور آخرت وی تصـرف و دخـالت بکند و او در سـایه قـرآن از همه قدرتها برتر و نیرومند تر است .

درین جا لازم می بینیم کـه از عظمت و حکمت پیمـان عقبـه یـاد آوری کنیم : یک تعداد محدود از مردم انصار هنگام حج با رسول الله صلی اللــه علیه وسلم در مکه دیدار می کنند و بعد از آن هجرت مسلمانان به مدینــه آغاز می شود که این دو پیمان (اول عقبه و دوم عقبه) در تاریخ اسلام از اهمیت و شهرت زیادی بـر خـوردار می باشـد. و در این پیمـان یـک نقطـه عمیق و ژرف را بـرای شـما اظهـار می کـنیم . زمانیکـه مـردم انصـار بـه منظور بیعت با رسول الله صلی الله علیـه وسـلم در موقـع شـب بـه نـزد شان رسیدند . در جریان بیعت «اسعد بن زراره» که در میان بیعت کننـده گان از همه کوچکتر بود ، دست رسول الله صلی اللـه علیـه وسـلم را بـه دسـت گـرفت و گفت : درنـگ کنیـد ای مـردم یـثرب ! کمی فکـر کنیـد ! همگی متوقف شدند و گفتند که چی شده است ؟

او گفت: ما بدین سفر دراز و مشقت نیازمندیم جز آن که می دانیم او فرستاده الله است و بیرون آوردنش از مکـه ، بـه معنـای جـدائی از تمـام عرب و کشته شدن بهترین افراد تان و چشیدن زخم شمشیر است ، پس هرگاه اینها را تاب می آورید او را در میان گیرید که اجرتان بـا اللهسـت و چنانچه بر جان خویش بیمناک اید او را به حال خویش وانهید کـه عـذر این کار کار نزد پروردگار به پذیرش نزدیکتر است[1] .

درین هنگام «براء بن معرور» دست آنحضرت صلی الله علیه وسلم را گــرفت و گفت : آری ســوگند بــه آن کــه تــو را بــه حــق بــه نبــوت بــر انگیخت ،چنان از تو دفاع می کنیم که از همسران و از جان خویش دفـاع می کنیم ،ای رسول الله صلی الله علیه وسلم با ما بیعت کن که به اللــه سوگند ما اهل جنگ و جنگ افـزاریم و نسـل انـدر نسـل آن را بـه مـیراث برده ایم [2].

---

[1] ابن اسحاق می گوید چون مردم برای بیعت گرد آمدند « عباس بن عباده بن نضلة» گفت :آیا می دانید که بر چه چیزی با این مرد بیعت می کنید ؟ گفتند آری گفت : شما با او بر جنگ با سرخ و سیاه مردم (هر که باشند) پیمان می بندید ،اگر می بینید که هر گاه به مصیبتی اموالتان نابود شود و بزرگانتان مقتول شوند ،او را تسلیم خواهید کرد ، هم اینک تصمیم خویش را بگیرید که به الله سوگند اگر چنین کنید ، خواری دنیا و آخرت دامنگیر شما ست واگر می بینید بدانچه او را برای آن فرا خوانده اید به رغم نابودی اموال و کشته شدن بزرگانتان ،وفا می کنید او را در میان بگیرید که به الله این کار ضامن خیر دنیا و آخرت شما است.
گفتند : او را علی الرغم نابودی اموال و کشته شدن بزرگان در میان خود می گیریم آنگاه گفتند : ای رسول الله اگر ما بدین کار وفا کنیم پاداش ما چیست ؟ فرمود : بهشت گفتند : دست بگشا آن حضرت دست گشود وبیعت کردند .

[2] الرحیق المختوم ص 216-221

کعب به نماینده گی از اهل یثرب گفت : آنچـه گفتیـد شـنیدیم و گفت: ای رسول الله سخن بگو و هر چه می خواهی برای خودت و برای اللهیت هر عهدی که میخـواهی از مـا بگـیر. و دنیـا و تـاریخ شـاهد این اسـت کـه ایشان واقعاً حق این بیعت را اداء نموده و به بیعت خویش وفا کردند .

این شهادت و ابراز محبت آسان است کـه هـر کسـی میتوانـد بـه لب جاری سازد حتی هندوان ولی بدانید که مسلمان شدن و مسلمان زیستن کار ساده و آسانی نیست .

خصوصاً در این زمان که فتنه های یهودیان و نصارانیان مانند سـیل بـه سوی ما روان است و این یک امر طبعی شده که مسـلمانان دسـت هـای خویش را به زیر بغل گذاشته راه می روند.

شاید در نزد شما این سئوال پیـدا شـود کـه در آن زمـان یـک رهـبری منظم و قوی وجود داشت ولی درین زمان ما فاقد چنین رهبری هستیم ؟

این سوال شما کاملاً به جای است !

ولی ما زمانیکه از سطوح مختلف جامعه صحبت میکنیم . در مقابل ما بسیاری این نوع مسئولیت ها، رویداد ها و وجایبی وجود دارند کـه انسـانها می توانند آنرا به شکل انفرادی انجام بدهنـد و همچنـان این مسـئولیتها را جماعات از مسلمانان نیز انجام داده می تواند. و به همین ترتیب وظـایف حکومت داران هم است که قسمتی از این مسئولیتها ها را انجام بدهنـد و این دلیل شده نمی تواند که رهبری قوی نداشته باشیم و مسـئولیت هـای خویش را در مقابل الله ، پیامبر و مردم خود ترک کنیم.

اگر به تاریخ نظام کفری توجه کنیم از گذشته تا به امـروز خصوصـاً در 300-400 سال آنها از طریق حکومت های خویش به نظـام سـازی آغـاز نکرده اند. بلکه در ابتداء چند نفر محدودی از یهودیای گرد هم آمدند، بعداً دست به ایجاد انجمنها زدنـد، بـه تعقیب آن کمیتـه هـای را سـاختند کـه در آنجا به بحث و گفتگو می پرداختند . و آهسـته آهسـته در اجتماعـات نفـوذ پیدا کردند که الی امروز سرحد شان به مرز هـای مـا رسـیده و از آن هم جلو تر رفته که حتی کاملاً داخل جامعه ما ، بـا تیـوری پـردازی هـای خـود بعضی از مسلمانان ضیعف الایمان را تحت تاثیر خویش در آورده اند .

و یکی از دها طریقی کـه میتـوانیم این نظـام را برگـردانیم و واژگـون سازیم همین راه است. در ابتداء هر فردی باید خود را یک شخصیت کاملاً اسلامی بسازد، بعداً به تشکیل جماعات بپردازند. بعـد از آن این جماعـات به مرور زمان به مؤسسات و بنیاد های بزرگ اسلامی تبدیل خواهنـد شـد و آهسـته آهسـته این اجتماعـات وسـعت پیـدا کـرده ، و یـک نظـام کـاملاً

اسـلامی و مبتـنی بـه اقتصـاد اسـلامی ایجـاد می گـردد . تـا زمانیکـه این جماعت توان آنرا پیدا کنند که هر یک از پایه های نظام کفری را تشـخیص و از بین ببرد .

آگاه و متوجه باشید هر زمانی که بخواهید علیه این نظـام اسـتاده گی نماید، اگر تنها باشید، و یا جماعی را ایجاد کنید و یا به شکل گروهی عمل کنیم در هر صورت نظام یهودی و کفری از سه طریـق بـالای شـما حملـه آور میشوند .

1- بـالای روزی شــما حملــه می کنــد (یعــنی بــرای شــما مشــکلات اقتصادی را ایجاد می کنند، میزان بیکاری را در میان جامعه های تـان بـالا می برند از کار شما را اخراج می سازند، مانند که در کشور عراق در هـر سه عرصه برای مردم مشکلات را ایجاد کرده اند.)

2- بالای عزت و شخصیت شما حمله می کنند (شما را در بین جامعـه بد نام میسازند در میان مردم نسبت به شما شک و شبه را ایجاد می کنند بـه شـما تهمت میبندنـد و اسـم هـای بنـام تروریسـت، اکسترمیسـت ، اختشاشگر و... می گذارند) .

3- و اگر از این دو طریق نتوانستند که به اهداف خود برسـند، این بـار مستقیماً بالای شما حملات نظامی را آغاز می کنند.

پس ای برادر مسلمان! بدان کـه نظـام آنهـا کفـر اسـت و مطـابق بـه افکار و آئدیولوژی فرعـون بـه پیش می رود ، و بـدون شـک زمانیکـه بـر خلاف آنهـا قـرار گرفتیـد حتمـاً خطـرات مـالی ، تهدیـدات بـه وسـیله خویشاوندان و حتی خطر های جدی علیه جان شما آغـاز میشـود . و پیـام ما برای مومنین این است که کاملاً این فکر را از خـود دور داشـته باشـند که درین جنگ ضرری برای ما نخواهد رسید. اگر میخواهید در مقابل نظام کفر واقعاً بـه مبـارزه برخیزیـد و اعلان جهـاد کنیـد در قـدم نخسـت. بایـد عقیده ی پاک اسلامی داشته باشیم و لازم میبیـنیم کـه هـر مـؤمن بـه این وعد الله جل و عظمه که می فرمايد ایمان داشته باشند : إِنَّ اللَّهَ اشْـتَرَى مِنَ الْمُـؤْمِنِينَ أَنْفُسَـهُمْ وَأَمْـوَالَهُمْ بِـأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يقَـاتِلُونَ فِى سَـبِيلِ اللَّهِ فَيقْتُلُونَ وَيقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيهِ حَقًّا فِى التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيـلِ وَالْقُـرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْـدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِـرُوا بِبَيعِكُمُ الَّذِى بَـايعْتُمْ بِـهِ وَذَلِـكَ هُـوَ الْفَـوْزُ الْعَظِيمُ»(التوبه/111)

(هر آئینه الله از مؤمنـان جانها و مالهـای شـان را خرید بعـوض آنکه ایشـان را باشد بهشت در راه الله کـارزار کنند بکشـند و کشـته شـوند ،وعده الله است که در تورات و انجیل و قرآن به عهده اوست و کیست

که به وعده خود از الله وفـادار تر باشد ، به معامله خـود که انجـام داده اید شادمان باشید که این کامیابی بزرگی است)

معقوله از سلطان (تیپو) شخصتی که در هندوستان در مقابل اشـغال گران انگلیسی جهاد خستگی ناپزیری کرد، طوری است که می گوید : یک روز زندگی کردن به مانند شیر[1]، بهتر از 100 سال زندگی کردن به ماننـد روباه است.

به این معنا که اگر ما به مانند امروز ایشان را دوست خود شمرده بـا ایشـان زنـدگی کـنیم این طایفـه مـا را از گرسـنگی و تشـنگی و در انـواع فساد ها به هلاکت میرسانند .

ولی ما راه حل های را پیشنهاد می کنیم کـه آهسـته آهسـته منجـر بـه انقلاب شده و این نظام را از بنیاد تباه و برباد کند و یک نظـام اسـلامی و صلح سرتاسری را در جهان بر پا سازیم . و پیش از آنکه به راه هـای حـل بپردازیم عقیـده و ایمـان بـه آن عنصـر اساسـی اسـت کـه بـه وسـیله آن انسان میتواند کاملاً تسلیم به حق شود .

«بـدون شـک آن فکـر و آن آرمـان مقدسـی بـه خـود جامـه عملی می گیرد، که ایمان به انجام آن تقویت یابد و بخاطر تحقق آن اخلاص و شـوق در وجود ما موجود بوده و آمـادگی بـرای ایثـار و قربـانی و عمـل در جهت تحقق آنرا داشته باشیم ، و صرف زمانی ممکن است که انسان بـه آزادی و شعور کامل فیصله کند که یقین داشته باشد او و همه چیز او ملـک اللـه حق سبحانه و تعالی است و صرف برای رضای الله جل علی شانه معیـار پسند و ناپسند خود را از بین برده و آنرا تابع پسند و ناپسـند الله گردانـد خود سری و خـود کـامگی را تـرک کـرده، خیـالات، نظریـات، خواهشـات، احساسات و طرز فکر خود را مطابق هدایاتی بسازید کـه الله در کتـاب خود بیان کـرده اسـت، صـرف بـه اللـه وفـادار باشـد و محبت الله را در مقام بلندی در دل خود جـای بدهـد ، خـود را ببینـد ولی اللـه را فرامـوش نکند، وقتی کاری را انجام میدهد احکام الله را باید در نظر داشته باشـد، عدالت را بخواهد اما امانت الله (قرآن) را به یاد داشـته باشـد . و بـرای اثبات وطن دوستی خویش در جهت رفاه، سعادت و خدمت اهل آن کوتاه ئی از خود نشان ندهد[2]»

شما دوران رسول صلی الله علیه وسلم را مطالعـه کنیـد. بـالای آنچـه که تاکید و توجه بیشتر داشـتند سـه موضـوع عمـده بـود و اساسـی تـرین موضوعات در کردار سازی = تـربیت مسـلمین این بـود، کـه ایشـان یـک

[1] یعنی آزاد بودن از قید غلامی یهود و نصارا .
[2] اسلام نظام زندگی تألیف علامه سید ابو علی مودودی رحمة الله تعالی علیه

جامعه و جماعت اسلامی را در 13 سال نخست نبوت ایجاد کردند، که آنها قادر بودند که در مقابل هر گونه سختی و مشکلاتی که فرا روی شان قرار میگرفت ایستاده گی کرده و مقاومت نشان دهند.

آنچه که همیشه برای مؤمنین کراراً تاکید می ورزیدند برحذر داشتن شان از " حب الدنیا و کراهیته الموت" بود.

یعنی هیچ گاه با دنیا محبت نورزید و از مرگ هراس نداشته باشید .

بدون شک که این دین به اشخاص غیرتی و مسلمانانی غیرتی و با شهامت نیاز دارد، و رسول الله صلی الله علیه وسلم برای گزینش چنین افراد برای حفاظت و گسترش این دین فرستاده شده است و این دین برای کسانی باقی مانده که در وجود شان عزت ، غیرت و غرور است ولی ایشان متکبر نیستند. در این دین هیچ مومنی نمی تواند که تحمل توهین به اسلام، توهین به مسلمان، توهین به رسول الله صلی الله علیه وسلم ، اشغال و استعمار سرزمین های اسلامی، ظلم بالای مسلمین را داشته باشد و در صورت برخورد با این تهدیدات از خود هیچ عکس العمل نشان ندهد. و در دل و افکار او هیچ نوع غم و اندوه پیدا نشود، در غیر آن او از دایره ی ایمان کاملاً خارج میشود.

حالا برای تشخیص این نظام، ضرورت است تا طواغیت عصر را بشناسیم . قسمیکه در بیت الله قبل از فتح مکه 360 بت وجود داشت. امروز در جامعه ما همچنان طواغیت زیادی موجود است . و در دلهای اکثر مردم این طاغوت ها جا گرفته اند . به این معنا که کسی پول و دارایی را اللهی خود ساخته ، کسی جایداد و مال را، کسی هم فامیل خود را ، و دیگری کشور خود را ، کسی موتر مرسدِس و لکسس خود را، کسی خانه ها و قصر های خود را، همه این ها به مثل اله در دل های ما برای خویش خانه ساخته اند ، در حالیکه هرگز رب و اله مؤمنین آرزو های شان شده نمی تواند و همچنان هر شکل و صورتی که آنرا دوست بداریم نیز الله مؤمنین شده نمی تواند به مانند کفار قریش که هر آن شکلی که آنرا دوست می داشتند آنرا از سنگ می تراشیدند و می گفتند: هذا ربی «این است پروردگار من» .

برای هر انسانی ضرور است تا از خود بپرسد، اگر واقعاً برای رهای از آتش دوزخ و انجام رسالت خود تلاش میکنیم باید در مقابل این نظام کفری استاده شده و جهادی که بالای من فرض عین است را لبیک بگویم ، تا به سبب آن نظامی برپا شود که در زمین الله عدل و انصاف

استقرار یابد. و باید از همه اولتر متوجه خود شویم و در قدم نخست هر یک از آن بت های که در کعبه دل ما جا سازی شده اند را از بین ببریم .

اساس عقیده مسلمان از ایمان به الله و رسول صلی الله علیه وسلم شروع شده و به ترس و خوف از قیامت و روز حساب دهی ختم می شود .

دین ما یک دین کامل و در عین حال بسیار قابل دقت همه جانبه است، چنانچه که از یک طرف برای ما دستور میدهد که شما به مال دنیا رغبتی نشان ندهید و از طرف هم برای ما میگوید آن قدر مال جمع و کمائی کنید که هم تکافو خودتان شود و هم زکات صدقات و خیرات را با آن اداء کرده بتوانید، تا دیگران نیز از نعمات الله مستفید شوند .

زیرا این کار از توان مسکین و فقیر نیست ، و الله تعالی برای او دادن زکات مال را فرض نگردانیده است .

چنانچه رسو الله صلی الله علیه سلم میفرماید: «المُؤمِن الْقَوِى خيرٌ وَأَحبُّ إِلى اللَّهِ مِنَ المُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وفى كُلٍّ خيرٌ.»(رواه مسلم)

(یعنی در نزد الله مؤمن قوی و نیرومند از مؤمن ضعیف بهتر و محبوب تر است و در هر کدام شان خیر وجود دارد)

یعنی که یک مومن قوی میتواند از هر نقطه نظر قوی باشد از نقطه نظر آداب، اخلاق، رفتار، نظامی ، مال و ثروت ، ذهن ، عقیده ، بدن و...

برای انسان مسلمان واجب است زمانیکه یک برادر مسلمان او چیزی برای خوردن ندارد او را کمک کند و به قول امام شوکانی هرگاه کسی در محل از گرسنگی بمیرد تمام همسایه گان و ساکنین محل مسئول مرگ وی می باشند. و برای مسلمانان واجب است در بخشهای مختلف جامعه طوری سهم گیرند و تصور کنند که او جز جدا ناپذیر از این جامعه است. و مردم بالای من حق دارند و من باید وجیبه خویش را در برابر آنها اداء سازم .

خلافت اسلامی در سال « 1840 میلادی » زمانیکه به سوی تباهی و تجزیه شدن رفت در آن زمان خلیفه مسلمانان از ترکیه عثمانی برای مسلمانان آیرلند کمک های لازمه را می فرستاد تا آنکه انگلیسها را به سرنوشت شوم شان برسانند. و این سر گذشت پر افتخار هیچگاه ی در کتب تاریخ برای ما تدرس نشده است .

و این از اساسات دروس اسلامی است که هر قدری که فقیر و تحت مشقت هم باشد باز هم برای فقیر تر از خود کمک می کند و از هر آنچه که الله برایت داده است بر دیگران نیز حصه از آن را جدا ساز . طوری

که الله تعالی می فرماید : وَالَّذِينَ فِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ وَالَّذِينَ يصَدِّقُونَ بِيوْمِ الدِّينِ... أُولَئِكَ فِی جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ » (المعارج /24-26)

(آنانیکه همیشه به نماز های خویش پایبندند و آنانیکه در اموال ایشان هست مقرر ، برای سائل و محروم «مسکین و فقیر» و آنانیکه باور می دارند روز جزاء را... این جماعت در بوستان ها باشند گرامی کرد گانند)

«وَفِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ »(الذاریات/19)

(و در اموالشان حصه ای بود برای سائل و محروم)

در حدیث می خوانیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: « آن صدقه نزد الله بسیار ارزش و اهمیت دارد که به کسی صدقه بدهی و از این ترس هم داشته باشی که مبادا با دادن آن فقیر شوم »

و برای ما اسلام برنامه میدهد که نسبت به مال جمع کردن و از کسی طلب صدقه کردن ، بهتر این است که مال خود را در راه الله خرچ کنی و صدقه بدهی . ما زمانی به کسی چیزی داده می توانیم که در نزد خود چیزی داشته باشیم . بناً آن ثروت واقعی که امروز یهود همه آنرا جمع آوری کرده باید به دست ما انتقال پیدا کند و به استفاده از آن نظام کاملاً اسلامی بسازیم و این وضعیت را بعد ازین تحت اداره قرآن قرار دهیم.

و به همین ترتیب تجارت یکی از عناصر بسیار مهمی است که این سرمایه را می توانیم به آسانی به دست آوریم. چنانچه که در حدیثی می خوانیم " اگر در دست شما 10 دنیار بود با 9 آن تجارت کنید "

که این خود اهمیت تجارت را نشان می دهد از ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت است زمانیکه حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را که فرمودند : التاجر الصدوق الامین مع النبین و شهداء والصالحین » تجارت پیشه صادق و امین در روز قیامت همراه با انبیاء و شهداء و صالحان حشر می شود.

من تجارت را آغاز کردم تا آنکه کوشش کنم مطابق به این دستور العمل در صف انبیاء قرار گیریم . ولی یهودیان و نصرانیان تجارت را به مانند سود می دانند. قسمی که قرآن در حال شان شهادت می دهد :« قَالُوا إِنَّمَا الْبَيعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»(البقره /275)

(یهودیان می گونید هر آئینه تجارت به مانند ربا (سود) است حالانکه حلال گردانیده است الله تجارت را و حرام ساخته سود را)

و از این جهت ما بالای این موضوع تاکید داریم تا زمانی که مسـلمانان درست عمل نکنند و تا زمانی که یک- یک انسان با معنویات آراسته نباشد و در دل خود 360 بت را نشکند، امکان ندارد تا آن راه هـای را کـه بـرای حل این معضلات و عقاید؛ و از بین بردن این نظام (صهیونستی) پیشنهاد می کنیم را مورد قبول و تطبیق قرار دهد. و این یک موضوعی کاملاً جدی و قابل آن است که بـالای آن دقت عمیقی صـورت گـیرد. چـرا کـه امـروز یکبار دیگر به مانند دوران سلطان صلاح الدین ایوبی در محاصـره نظـامی صـلبیون و یهودیـان گرفتـار شـده ایم کـه در هیچ صـورتی بـرای جامعـه اسلامی و انسانیت قابل قبول نیسـت. و انقلاب و تغـیر جـدئی بایـد آورده شود! و برای تغیر آن مـا بایـد مراحـل را طی کـنیم . کـه اولاً از خـود یـک انسان روحانی و معنوی و مسلمان واقعی بسازیم، بعداً بـا اختیـار نمـودن تقوا به مبارزه آماده شویم و از میان همین مسلمان برای خویش یک امیر مؤمنین ، با تقوا ، صادق و امین را کـه در مـال و جـان مـردم خیـانتی روا نـدارد انتخـاب کـنیم ، کـه در هـر قـدم و هـر حـالت برایشـان بـهماننـد امیرالمومنین عمر بن خطاب رضی الله عنه پاسخگو باشد.(انشاء الله)

و قبل از هـر چـیز این را بایـد بـدانیم کـه پیش از آنکـه مرحلـه عکس العمل را آغاز کنیم . باید یکبار به خود نگـاه کـنیم ، و بـه قلب هـا خـویش بنگریم . و برای خود بگویم که آیا تو آماده تغیر هستی ؟

زیـرا بایـد قیمت این را بـپردازی و در روش زنـدگی فعلی خـود تغـیر بیاوری و مالی را که در نزد خود جمع آوردی کـرده ئی در بین بنـدگان الله مجبوراً آنرا تقسیم کنی و به احکام اللـه تعـالی کـه امـروز بـه آن عمـل نمی کنیم هم از تقسـیم مـیراث، تقسـیم زمین و یـا معـاملات مربـوط بـه پرداخت زکات و... به تک تک آن باید عمل کنیم .

و این عقیـده را از خـود دور سـازیم کـه هم بخـواهیم تـا یـک جامعـه اسـلامی داشـته باشـیم و هم کوششـی در راسـتای تغـیر دادن خـویش را نداشته باشیم ما باید این حکم الله تعالی را که می فرماید: (یا ایهاالـذین آمنو ادخلو فی السلم کافة)

(ای کسانیکه ایمان آورده اید در دین اسلام کاملاً داخل شوید.)

و تمام جنبه های آنرا قبول نموده و به انجام آن خود را تقویت نماید .

بـه 50%ـ -50% کـار بیش نمی رود و شـده نمی توانـد کـه از حـق و زحمات مسلمانان به نام مالیات جزیه جمع آوری کنیم و چند بعد تر بـالای آن مهر اسلام را بزنیم.

لذا اسلام را با تمام جزیات اش و از همـه جـوانب بپـذیریم در غـیر آن نباید از اسـلام دمی زد، بنـاً این وضـعیت و این نظـام صهیونیسـتی هرگـز قبول ما نیست و باید تغیر قطعی در روند آن ایجاد شود.

فصل دوم

چگونگی مبارزه با نظامهای غیر اسلامی رایج
و مسئولیت مسلمانان درین مبارزات

مبحث دهم
مسئولیت مردم درین مبارزات

در فصل نهم مطالع شد که چرا و چگونه باید از امکانات خود استفاده کنیم تا پایه های اصلی نظام کفری که همانا بانکـداری، مقـروض سـاختن، چور و چپاول منابع کشور ها میباشد حمله آور شویم، و این حرکت آسانی نیست چرا که سازمان ملل متحد دست نشانده شان ، بانک جهانی ، بانک آسیایی و امثال آنها مطابق خاست شان تشکیل شده و عملاً بـرای منـافع شان کار میکنند، بناً هرگز شده نمیتوانیم که در جامعه ی زندگی کـنیم کـه هم آرزوی مـا اسـلامی باشـد و هم در رونـد زنـدگی مـا بانکـداری جریـان داشته باشد و یا ادعا کنیم که پول ما بشـکل مضـاربت در بانکهـا در حـال گـردش اسـت و یـا در جریـان حسـابات جـاری قـرار دارد و... همـه این سرمایه ها به شکل از اشکال در جریان سـود خـوری شـامل انـد و دوران دارند، مسلمانان دنبال تابیر باشند تا چگونه از این بنبست های جاری خود و جامعه خود را رهایی بخشند و همین که پروردگار حکم کـرد کـه سـود و ربا حرام است، باید حرام بدانیم و مانند قـوم یهـود در اوامـر الله روش های بی مورد را تیوریزه نسازیم.

در فصل بعـدی مطالعـه میکنیـد کـه هـر فـرد در مقابـل سـایرین بایـد احساس مسئولیت داشـته باشـد، و در وقت تنگی و فاقـه بـه داد دیگـران برسند، چرا هر وقتی که مردم از گشنکی حاضر بـه فـروش اطفـال خـود

شوند مافیایی سرمایه قیمت تیل و گاز را بلند میبرند، هرگاه مراسم عیــد مسلمانان فرا رسد، قیمت مواد ارتزاقی بلند تـر میشـود و یـا فـردی نیت حج رفتن را داشته باشد در تکت طیارات افزونی میاورند، بناً برای بیروت رفت از تمام بحران های حاکم هر فردی باید سرمایه خود را از روند پـول جعلی خارج ساخته و تبدیل بـه طلا و نقـره سـازند و در پهلـوی آن ذکـات مال خود را با طلا و نقره برای مستحقین بپردازد.

در ادامه بـه سـئوالات خـواهیم پـرداخت کـه آیـا نظـام اقتصـاد یهـودی میتواند شکل اقتصاد اسلامی را به خود بگیرد یا نه ؟ و اگر نمی تواند پس شکل اقتصادی اسلام چیست ؟

برای حل این پرسش ابتـداء در محـدوده فـردی یـا منحصـر بـه فـرد (Individual) بحث خواهیم کرد، و بعداً بالای مراحل جمـاعتی ، گـروهی و یا تک حزبی(Social Multitude) خواهیم پرداخت . نخست از همـه بایـد گفت که یک فرد آنچه به تنهائی انجام داده می تواند چیزی کمی نیست. و حتماً در جامعه محسوس و قابل دید می باشـد. یعـنی هـر فـردی میتوانـد تبدیل کننده ی سرنوشت ملت خویش شود ، قسمیکه درین مـورد وجـیزه ئی اسـت کـه می گوینـد « هـر فـرد سـتاره تقـدیر ملت خـود اسـت» کـه میتواند به توکل پروردگـار و اراده ی قـوی و مـتین حـتی در سـطح جهـان فعالیت های مثبت را رقم زند و پدید آورنـده تحـولات مثبـتی باشـد آن هم در صورت که اولاً تغیر مثبت را در وجود خود ایجـاد کـرده باشـد . چـرا از هر چی بیشتر ابتداء از خود باید شروع کرد. و آنچه کـه بایـد انجـام بـدهیم مربوط خود ما میشود. و قـول اللـه حـق سـبحانه و تعـالی اسـت کـه می فرمايد:«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يكُ مُغَيرًا نِعْمَـةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَـوْمٍ حَتَّى يغَـيرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»(الانعام/53)

(این به سـبب آنست که الله هرگز نیست تغـیر دهنـده هیچ نعمـتی که انعام کرده باشد آنرا بر قومی تا آنکه ایشان بدل کنند حالی را که در ذات ایشان است و بسبب آنست که الله شنوا و دانا است)

چرا که هر انسان حق دارد آنچه مربوط به خودش می شود و آنچه در تصرفش است بر حسـب دلخـواه در آن تغیر و تحـول بیـاورد و هـر گونـه طرز و شیوه زندگی می خواهد برای خویش اختیـار کنـد ، کـه ازینجاسـت هرگاه شخص در خود تغیر بیاورد بعد بالای فامیل خویش بـر حسـب تـوان کوشش تغیر آوردن را نماید ، وارد مرحله جدیدی می شویم که آن عبارت از همانا مرحله اجتماعی و گروهی می باشد. و قول الله سبحانه و تعالی

اســـت کـــه می فرمایـــد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يغَـــيرُ مَا بِقَـــوْمٍ حَتَّى يغَـــيرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»(الرعد/11)

(هر آئینه الله تغیر نمی دهد حالتی قومی را تا وقتی که ایشـان تغـیری نیاورند در خویش)

بناً در ابتداء برای هر چه روشن تر شدن هدف خود قدم به قـدم روش اقتصادی و اجتماعی کفار را با نظام اسلامی به مقایسه می گذاریم!

فرق میان اقتصاد کفری و اسلامی

1- بنیاد نظام اقتصاد یهـودی(صهیونسـتی) بـر اسـاس اصـل بانکـداری استوار اسـت. در حالیکـه اسـاس نظـام اقتصـاد اسـلامی بـر اسـاس بیت المال به پیش می رود .

فرق اساسی و بنیادی میان بانک و بیت المال این است که بانـک پـول کاغذی، سود، ربا و قرضه دهی برای مردم و واپس اخذ آن بـا گـرفتن (% 20)ـ سود را اساسی برای خـویش قـرار داده است ، و فـرقی هم نمیکند که از طریق بانک خصوصی یا دولتی اجرا شود چنانچه که اکثراً بانک هـای دولـتی را خصوصـی می سـازند و اکـثر این معـاملات توسـط بانکهـای خصوصی پیش میروند.

ولی بیت المال مفهوم کاملاً متفاوتی را در خـود دارد کـه مسـئولیت و مراقبت آن بدوش حکومت اسلامی میباشد که بر علاوه سـکه هـای طلا و نقره و همچنان پول های زکات جمع آوری شده از مسلمانان ، اموال بیت المال شامل مواد آذوقه (گندم، لوبیا، نخود، شـکر، بـرنج، حیوانـات اهلی و...) و همچنان مواد احتراقیـه (نفت ، گـاز ، تیـل ، ذغـال سـنگ و...) نـیز موجود می باشد . یعنی هر آن چیزی که مربوط بـه منفعت عمـوم مـردم باشد و ثروت واقعی تلقی گردد شامل بیت المال شده میتوانند .

بیت المال خصوصی و یا به شکل اشتراکی شده نمی تواند، بلکـه بیت المال مربوط به دولت و حکومت اسلامی میباشـد، از همین جهت هـر آن چیزی که مربـوط بیت المـال اسـت افـراد مسـتحق جامعـه در آن حـق و حصه ی دارند. و خلافت اسلامی مؤظف است تا به اندازی ضرورت آنهـا را از امکانات بیت المال مستفید سازد .

هر قدر مالیات که از عواید گمرکی به دست میاید و هـر قـدر زکـات و عشر، پول های صدقه که در بیت المال جمع آوری میشـوند. بعـداً در بیت المال محاسبه کلی شده به طور مساویانه برای مسـتحقین آن توزیـع می گـردد. بنـاً مـال و ثـروت در تحت انحصـار فـرد جمـع نشـده بلکـه توسـط

نماینده گان امین مردم در بیت المال جمع آوری شـده و تحت اداره امـیر (خلیفه) مسلمان قرار می گیرد و امیر از هـر سـکه بیت المـال نـزد ملت مسئول می باشد.

ولی نظام بانکداری بر اساس اسناد جعلی بـانکی و رسـید هـای جعلی بدون پشتوانه ثروت واقعی استوار اسـت کـه بـر عکس آن نظـام اقتصـاد اسلامی بر بالای ثروت واقعی یعنی طلا و نقره و هـر آن چـیزی کـه بـرای انسانها موجب خیر رسانی شود قایم و استوار است .

پس با مقایسه ی این دو نظام نتیجه میگیریم که با هم کـاملاً در تضـاد اند و ناممکن است که پول جعلی نظام یهودیان را بـا ثـروت واقعی طلا و نقره که با فطرت انسان قابل سازش است و اللـه تعـالی و رسـول اللـه صلی اللـه علیـه وسـلم بـرای مـا در مـورد آن احکـام را بیـان نمـوده انـد مقایسه کرد .

2- نظام اقتصاد یهود بـالای قـرض دادن بـه سـود بـه پیش می رود و برای آنها فرقی نمی کند که از طریق کریدت کارت سود تادیه شـود یـا از طریق قرضه های تجارتی یا قرضه های شخصـی و یـا از طریـق سـرمایه گذاری های خصوصی حصول گردد.

لیکن بنیاد نظام اسلامی را تجارت و قرض حسنه تشکیل میدهد[1].

3- عایدات نظـام کفـری (صهیونسـتی) از طریـق (Incoming Tax &Taxation &Sales Taxation ...) یعنی مالیات، باج و خراج و مالیات بر عواید و مصـارف مالیـات بـر فـروش می باشـد گه گـاهی هم عایـدات دولت از طریق سود حاصله از روند بانکـداری به دست می آید. در حـالی که در نظام اسلامی چیزی به نـام مالیـات بـرای مسـلمانان وجـود نـدارد. بلکه زکات مال است که در صـورت رسـیدن مـال بـه حـد نصـاب آن اداء زکات آن مال بر شخص فرض گردانیده شده است.

« تا از یک طرف محتاج و درمانده در جامعه ی اسلامی نماند[2] کـه این صورت مسئله مربوط دنیای مادی ما میشود، و از طـرف هم بـا تادیـه ی

---

[1] قرض حسنه آن قرض را میگویند که بدون سود داده شود و اگر شخص توانائی واپس کردن قرضه را نداشته باشد برای او بخشیده شود و برایش حلال گرانیده می شود .

[2] موارد زکاة را الله تبارک و تعالی در سوره التوبه برای ما بیان نموده است « **إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»**
(جز این نیست که زکات مصرف کرده می شود برای فقراء مساکین و مأموران جمع آوری زکات و به آن گروه ی که تالیف کرده می شود دل های شان (متمائیلین به اسلام) و در آزادی گردن ها (آزادی غلام) و در ادای دین مدیون و در راه الله و به مسافران ،این فریضه ای است از جانب الله و الله دانای با حکمت است (التوبه /60).

زکات مال خود را پاکیزه گردانند ، قول الله تعالی است که می فرمایـد « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا »(التوبه/103)
(از اموال شان زکات بستان تا پاک و با بـرکت سـازی ایشـان را بـان زکات)
که به این صورت سـرمایه داران بـه دادن ٪ 2½ آن مـال مسـئولیت و فریضه بزرگ اجتماعی و دینی خود را اداء می کنند و باعث رضامندی الله و سـبب دخـول جنت می گـردد کـه درین صـورت آن مربـوط بـه مـاورای طبیعت میشود، یعنی با انجام دادن هر رکـنی از ارکـان اسـلامی هم امـور دنیوی ما به خوبی سر و سامان میگیرد و هم ارتباط مستقیمی بـا زنـدگی اخروی ما دارند»[1].
در حالیکه مالیات، باج و خـراج از زحمت و عـرق جـبین شخصـی اخـذ میگردد که او با زحمت مزدی را به دست آورده اسـت، تـا لقمـه ی حلالی را برای طفل و خانواده خویش آماده کرده باشد. که امـر و رونـد گـرفتن مالیه در کشور های اسلامی همچنان از امور اجتناب ناپذیر برای اهل دول شناخته شده است .
که یقینن این را گفته می تـوانیم ، امـروزه شـرایط طـوری شـده کـه کفار و صهیونستان سفاک بالای سرزمینهای ما بیرق استعمار آئدیولوژیکی و فرهنگی خویش را به اهتزاز در آورده و از مسـلمانان جزیـه می گیرنـد، در حالیکه روزگاری بود که مسلمانان از کفار که در سـرزمینهای اسـلامی زنـدگی می کردنـد « در بـدل تـامین امـنیت و رفـاه اجتمـاعی و دفـاع از ایشـان در مقابـل متخاصـمین » جزیـه می گرفتنـد. کـه این وضـعیت در سرزمین های خود ایشان نیز غیر قابل تحمل شده و ظلم آشکارای اسـت که مرتکب می شوند، قسمیکه مـردم در آنجـا جـان کنـده و مـزدوری می کنند و برای اطفال و خانواده ی خود روزی پیدا می کننـد . ولی حکومـات ظالم شان ، پیش از اینکه کارگر و یا کارمند به مزد خـویش دسـت یابـد ، حصه ی خود را از آن پول بـیرون آورده و در حسـابات بـانکی خـود داخـل میسازند . چنانچه که آمار نشان میدهد امروزه در امریکا (٪30-٪35) از مالیات مزد کارگران امریکائی گرفته می شود.
یعنی هر شهروند امریکـا بـرای دولت مـردان آن کشـور در طـول یـک سال در حدود سه الی سه ونیم ماه بصـورت رایگـان مـزدوری می کنـد، یعنی مزد یک ساله ی او در حقیقت از 9 ماه است و قطعاً 3 ماه دیگر آن در مالیات و باج و خرا ج حساب میشود. کـه یقینن این وضـعیت را غلامی

[1] اسرار تالیف از نثار احمد منصف

و به برده گی کشیدن می نامند و از آنعده که امریکا را بزرگـترین ممثـل دموکراسـی و تصـویری شـفافی از آزادی و حقـوق بشـر می پندارنـد ، سئوال می کنیم که این وضعیت را شما دموکراسی و مجری حقوق بشــر می دانید ؟

شاید یک تعداد بگوینـد کـه این مالیـات پرداخـتی بـرای هزینـه خـدمات دولت است که برای شهروندان خویش انجام میدهند. مانند خدمات صحی رایگـان، سـهولتهای حمـل و نقـل مسـافرین , امـنیت و... درسـت همین موضوع است که نظام مالیات (باج و خراج) آنقدر پر زرق و برق برای ما و آنانکه ایجادگر این جریان بوده اند معلوم می شود کـه حـتی چشـمان را به خود خیره ساخته اند ، و ناچار همه می گویند! کاملاً این شـیوه درسـت است!!!

ولی این حقیقت نیست، زیرا آنها برای فریب مـردم سـرک هـای زیبـا، تعمیرات زیبا، تفریگاه های زیبا ساخته اند .

چرا که آنها برای توجیه نمودن نظام خود بایـد یـک سلسـله کـار هـا را روی دست میگرفتند، مانند احداث سرک، خطوط ریل، میدانهای هـوایی و امثال آنها تا در نظر افراد احمق پیشرفت های خود را تبارز داده تا چشـم های شان را خیره سازند و هر کدامی را در دام خـود گرفتـار کننـد. ماننـد جادوی سامرِی[1]

و یا از بُعد دیگر مثال را ذکر میکنیم در دو حالت دید چشم انسـانها کم میشود و حقیقت از نظر ها پنهان میماند.

أ- اگر ما در معرض غبار، دود، گرد و خاک قرار گیریم دید چشـمان مـا کم شده و تا زمانیکه از داخل آن بطور کامل بیرون نشـویم حقـایق بـرای ما اشکار نمی گردد .

ب- و یـا تماشـای منـاظر زیبـا کـه چشـم انسـانها از دیـدن آن سـیری احساس نمیکند و یا ساختمان هـا 120 منزلـه کـه انسـان بـا دیـدن آن بـه حیرت می افتد.

دسیسه که کفار در شرایط فعلی چیده انـد از روش دوم گرفتـه شـده است. یعنی چشـمان مـردم را بـا نشـان دادن پیشـرفت هـای خـود خـیره ساخته اند. تا حقایق پشت سر آن از نظر هـا پنهـان بمانـد و مـردم بـدون

---

[1] سامری شخصی بود که بعداز آنکه موسی برای گرفتن تورات از جانب پروردگار به سوی «طوی» یا کوه طور رفت سامری برای بنی اسرائیل گفت من برای اللهئی را آماده می سازم که موسی بسوی کلام وی رفته بناً طلا های زیادی را از بنی اسرائیل درخواست نموده و برای شان گوساله ئی از طلا ساخت که بسیار زیبا بود و هر گاه در آن می دمیدند صدایی از آن بیرون می آمد و هر گاه آنرا به انگشتان خویش می زدند آواز های عجیبی از آن بیرون می آمد (مترجم)

سنجش خود را در دامان آنها انداخته و حلق خود را در زیر خنجر آنها بگزارند .

5- موضوع دیگر اینکه سرمایه در جامعه ی کفری به دست چند نفر محدودی جمع شده . اگر فردی از آنها بمیرد سرمایه به شکل اولی آن برای اهداف که دارند به پسر بزرگ شان به ارث می رسد .

ولی در نظام اسلامی هرگاه شخص فوت میکند سرمایه ی او مطابق به اصول میراث که احکام آن به صورت مکمل در کتاب الله اشاره شده در میان فامیل وی تقسیم می شود .

اصول میراث که در نظام اسلام موجود است در دنیای غرب اصلاً دیده نمی شود . نظام میراث غرب طوری است که بعد از فوت پدر اکثر ثروت برای پسر بزرگ او میرسد و متباقی میان پسران دیگر آن شخص تقسیم می شود، یعنی سرمایه فقط در نزد همان نسل باقی میماند.

ولی در اسلام الله تعالی برای ما قانون مطابق به فطرت ما ساخته که هر گاه کسی فوت کرد. سرمایه و مال شخص متوفی در بین خانم، فرزندان پسری و دختری او، و در صورت نداشتن فامیل برای برادر و خواهر اش به ارث میرسد یعنی در اجتماع ثروت بطور وسیع آن پراگنده می شود. نظام میراث اسلامی دارای شاخ و برگ زیادی است که به هیچ عنوانی با نظام میراث کافران قابل قیاس نیست و هرگز خواهان جمع آوری سرمایه در نزد شخص معینی نمیباشد.

6-چیزی دیگری که در نظام اسلامی از اهمیت خاصی بر خوردار است عبارت از صدقات یا (امر به مصرف) می باشد .

یعنی اسلام امر می کند که مال باید مصرف شود و لیکن اجازه نمی دهد که مال مذکور در اشرافیت ،تنعم یا زندگی بنعمت آسایش ، فراخی و اشباع خواهشات نفسانی به مصرف برسد و بالمقابل امر می کند که این مصرف مقرون به شرط فی سبیل الله یعنی مصلحت و آسایش عمومی باشد و چیزی که زائد از حاجت و ضرورت می ماند درین راه انفاق شود و مصرف درین معنی فی سبیل الله را دارد قول الله تبارک و تعالی است که می فرماید « وَيسْأَلُونَكَ مَاذَا ينْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ»(البقره / 219)

(و پرسان کرده می شود ترا در باره مصرف برای شان بگو آنچه زیاده از حاجت باشد آنرا در راه الله نفقه نماید)

و هرگز در صدقات و خرچ مال ثروت انسان مؤمن ضایع نمی گـردد و به صاحبش مفاد بزرگی را عائـد می سـازد ، اللـه می فرمایـد:وَمَا تُنْفِقُـوا مِنْ خَيرٍ يوَفَّ إِلَيكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ » (البقره/272)

(یعنی اگر چیزی از مال را در راه الله و خیر و فضیلت خرچ کنید آن را برای شما پوره رسانیده می شود و بشما ظلم کرده نمی شود)

که بر عکس در نظـام کفر (صهیونسـتی) در مقایسه با این ویـژیگی اسلام دو راه را در پیش گرفته اند خزانه کردن مال و به سود گذاشتن آن که الله رب العزه در مورد شـان فرمـوده است : وَالَّذِينَ يكْنِـزُونَ الـذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينْفِقُونَهَا فِی سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ، يوْمَ يحْمَى عَلَيهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ »(التوبه 34-35)

(کسانیکه طلا و نقـره «پـول و ثـروت» را خزینه می سـازند و آنـرا در راه الله خرچ نمی کنند پس ای پیامبر آن مردم را به غذاب دردنـاک دوزخ خبره ده ، روزیکه آن اموال در آتش دوزخ گرم کرده شود و باز توسط آن پیشانی ها ،پهلوها و پشت های شان داغ کرده شود و باز برای شـان گفته می شود که این است اموالیکه آنرا برای خود ذخیره می کردید پس گنـاه آنچه را ذخیره می ساختید بچشید)

و در مـورد به سـود گذاشـتن مـال، الله تبـارک و تعـالی می فرماید: يمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيـرْبِی الصَّـدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يحِبُّ كُـلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (البقـره / 275)

(نابود سازد الله برکت سود را و افزون می سازد برکت صـدقات را و الله دوست ندارد هر ناسپاس گنهکار را)

« وَمَا آَتَيتُمْ مِنْ رِبًا لِيرْبُوَ فِی أَمْـوَالِ النَّاسِ فَلَا يرْبُو عِنْـدَ اللَّهِ وَمَا آَتَيتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»(الروم/39)

(و آنچه از ربا میدهید تا در اموال مردم زیاد شود پس در نزد الله زیـاد نمی شود و آنچه از زکات و صـدقه می دهید و رضـای اللهی را در آن می خواهید پس این جماعت صاحبان افزایش هستند یعنی در اموال شان چند برابر افزایش می یابد).

به همین سبب اسـت کـه اسـلام مـا را تشـویق در جهت نفقـه دادن و صدقات نیازمندان می کند ولی ایشان (نظام صلیبی و صهیونسـتی) جـداً مردم را تشویق در جهت ذخیره کردن و خزینه کردن اموال و ثروت هـای شان می کنند چرا کـه هرگـاه شخصـی از بانکهـای شـان پـول خـویش را بیرون کند، از ایشـان سـخت ناراضـی میشـوند. ولی در مقابـل فرامـوش

نکنید که الله از شما راضی می شود چرا که از روند سود خوری پول خود را بیرون ساخته اید.

4- آنها حساباتی دارند تحت نام (long deposit) یعنی حساب های طویل المدت که با دادن یک ساعت یا یک موبایل به شکل تحفه(رشـوت) میخواهنـد پـول هـای شـما را بـه مـدت طـویلی در این رونـد سـود و ربـا نگهداری کنند. تا مانع خرچ و مصرف آن در راه الله شوند.

ولی در نظام اسلامی روشی که در مقابل پول ذکر شده این است که پول نباید در یک منطقه مشخصی جمع آوری و متوقف گـردد. بلکـهماننـد دوران خون بدن انسان در بین مردم و جامعـه در حـال گـردش باشـد. در غیر آن روند مالی یک جامعه به مانند تراکم خون در یـک شـریان یـا وریـد باعث عدم رسید خون به قلب گردیده و در نتیجه انسان تلف می گردد .

5- نظام اقتصادی آنها بر اساس تمایل و دوستی بـا پـول پیش مـیرود. یعنی آنها به حـد نهـایی کوشـش میکننـد تـا در افکـار مـردم خواهشـات و تمایلات جمع آوری پول را ازدیـاد بخشـند. ولی در نظـام اقتصـاد اسـلامی جمـع آوری پـول بـر اسـاس ضـرورت اسـت. اسـلام ضـروریات مـردم را مرفوع می سازد. چنانچه که پیـامبر صـلی اللـه علیـه وسـلم بـرای مـردم گفتند: در دنیا طوری زندگی کنید گویا مسافر اید .

یعنی پیامبر صلی الله علیه وسلم در این احادیث خـود بـرای مـا درس میدهند که از دنیا آنقدر طمع داشته باشید که شب و روز تـان بـه درسـتی سپری گردد . و آرزو ها و خواهشات نفسانی که از ضروریات انسـانها بـه دور است از آنها خود را بدور نگاه کنید. چرا تجربه ثابت سـاخته کـه اکـثر انسانها از بابت سرمایه ی زیاد غرق در فحشا و بدکاری میشـوند و ضـمناً در لذایز بی حد و حصر دنیا خـود را گم کـرده و گمـراهی محض را اختیـار کرده اند. به همین سبب دین اسلام دوستی زیاد با دنیا را ممنـوع و حـرام قرار داده است کـه درین زمینـه اللـه متعـال می فرمایـد :« إِنَّمَا أَمْـوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»(التغابن /15)

(جز این نیست که اموال شما و اولاد شـما امتحـان است و نـزد الله است مزد بزرگ (هر کسی را که ازین امتحان بزرگ کامیاب گردد)

قسمیکه در حدیث دیگری از رسول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم می خوانیم: من ازین نمی ترسم کـه امت من دین خـود را تـرک کننـد و کـافر شوند بلکـه ازین هـراس دارم کـه بـه سـبب حب و دوسـتی دنیـا بـه قتـل یکدیگر خویش بر خیزند »

ولی در نظام غرب برخلاف ؛ وضعیت و قانونی وجـود دارد کـه در نـزد انسانها احساسات پول دوستی، لذت جستن و عیاشی و فحاشی را ترویج و تسـریع می بخشـد . و از این بـابت بـرای شـما تصـویری از خـانواده و زندگی آرام و خوب را می دهنـد. کـه انسـان خوشـبخت کسـی اسـت کـه دارای خـانواده ی کوچـک، خانـه خـوب و فضـائی آرام، مـوتر، و دو طفـل باشد. و آنقدر بالای شـما این احساسـات را شـدید می سـازند تـا شـما از بانکهای آنها قرضه گرفتـه و بـرای خـود نیـاز هـای غـیر ضـروری را آمـاده سازید. و خود به دست خود زندگی تان را در سود سپری کنید.

ولی در نظام اسـلام کـاملاً متضـاد این عقیـده وجـود دارد چنانچـه کـه ضـرب المثلی داریم: " پـایت را بــه انـدازه گلیمت دراز کن " و ضـمناً در قرآن پاک ایزد متعال اصراف کاران را برادران شیطان خوانده است «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»(الاسراء/27)

(هر آئینه اسراف کننده گان هستند برادران شـیطان و هست شـیطان نسبت به پروردگار خویش ناسپاس)

درین جا مغالطه صورت نگیرد کـه منظـور مـا از عـدم اضـافه خـرچی رهبانیت مسیحی و یا اختیـار کردنـد آئـدیولوژی رواقی یـا شـکاکی نیسـت مثال اضافه خرچی به کسی اطلاق میشود کـه 10 جـوره لبـاس ضـرورت داشته باشد، ولی 20 جوره لباس خریداری کند .

ولی پوشید لباس خوب و نیکو کار نیکوئی است قسـمیکه « یکبـار در مجلس که امام ابوحنیفه رحمة الله علیه حضور داشتند کسـی را دیـد کـه لبـاس ژنـده و فرسـوده پوشـیده بـود از وی خواسـت تـا در پایـان مجلس منتظر وی باشد پس از پایان مجلس امام به او گفت : گوشه ی جای نماز را بلند کن و آنچه زیرا آن است بردار آن مرد جا نماز را کنار زد و دید کـه هزار درهم زیرا آن است ابوحنیفه به او گفت این پول ها را بگـیر و بـا آن وضـعیت خـویش را تغـیر بـده آن مـرد گفت من مـرد مرفـه و ثروتمنـدی هستم و مال بسیار دارم و به این پول نیازی ندارم ابوحنیفـه گفت آیـا این حدیث به تو نرسیده که رسول الله صلی اللـه علیـه وسـلم می فرمایـد « إِن اللَّه يحِبُّ أَنْ يرى أَثَرُ نِعْمَتِهِ عَلى عبْده» (رواه ترمذی)

(یعنی الله دوست دارد که اثر نعمات خویش را در بنده خود ببیند)

6- چیزی دیگری که نزد مسـلمانان از اهمیت خاصـی برخـوردار اسـت اینکه همه مسلمانان عقیده دارند هر آن چیز و هر اندازه مال و ثروت که نزدش وجود داشته باشد صاحب اصلی و واقعی آنرا اللـه می دانـد و آنـرا

برای کسب حسنات برای آخرت خویش در راه الله خرچ می کنند و هرگز آنرا مال خود نمی دانند .

طـوری کـه اللـه تعـالی می فرماییـد :« يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُـوا أَنْفِقُـوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يأْتِى يوْمٌ لَا بَيعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَـافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»(البقره /254)

(ای مسلمانان خرچ کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فـروش نیست در آن روز و نه دوسـتی و نه سـفارش و کافران ایشانند ظالمان)

ولی بر عکس عقیده غیر مسلمان طوری است که می گویند هر آنچـه امروز مـا کسـب کـرده ایم و دسـتان مـا صـاحبش اسـت نتیجـه و حاصـل زحمـات خودمـان اسـت . قسـمی کـه در حکـایت قـارون و موسـی علیـه السلام می خوانیم « إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَـى فَبَغَى عَلَيهِمْ وَآَتَينَـاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يحِبُّ الْفَرِحِينَ وَابْتَغِ فِيمَا آَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآَخِـرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِـيبَكَ مِنَ الدُّنْيا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيكَ وَلَا تَبْـغِ الْفَسَـادَ فِى الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يحِبُّ الْمُفْسِدِينَ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُـهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْـدِى أَوَلَمْ يعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَـدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يسْـأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِى زِينَتِـهِ قَـالَ الَّذِينَ يرِيـدُونَ الْحَيـاةَ الدُّنْيا يا لَيتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِى قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَـظٍّ عَظِيمٍ وَقَـالَ الَّذِينَ أُوتُـوا الْعِلْمَ وَيلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيرٌ لِمَنْ آَمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يلَقَّاهَا إِلَّا الصَّـابِرُونَ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَـانَ لَـهُ مِنْ فِئَةٍ ينْصُـرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ» (القصص/76-81)

(هر آئینه قارون بـود از قـوم موسی پس تعـدی کـرد بر ایشـان و عطا کرد بر ایشان و عطا کرده بودیم او را از گنجهای آن قـدر که کلید هـای او گرانی می کرد جماعت صاحب توانائی را چون گفت باو قوم او شاد مشو هر آئینه الله دوست نمی دارد شـاد شـوندگان را ، و بجـوی در آنچه الله عطا کرده است ترا صلاح سرای آخرت و فراموش مکن حصه خود از دنیا (انجام صالحات) و احسان کن قسمکه احسان کرده است الله بر بالای تو و مجو فساد در زمین هر آئینه الله دوست نمی دارد فساد کننده گـان را ، گفت جز این نیست که داده شده است مرا مال فـراوان بنـابر دانشی که نزد من است آیا ندانست که الله هلاک کـرد پیش از وی از قرنها آن قـوم را که توانا تر بـود از وی و بیشـتر بـود در جمعیت و پرسـیده نمی شـوند گنهکاران از گناهان ایشان ، پس بیرون آمد بر قوم خود در آرائش خویش

گفتند آنانکه طلب می کردند زنـــدگانی دنیا را ای کـــاش ما را باشد مانند آنچه داده شده است قارون را هر آئینه وی صاحب نصیب بزرگ است ، و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم وای بر شما ثـواب الله بهـتر است مر آنکس را که ایمان آورده و کار شائیسته کرد و قرین کـرده نمی شـود این سخن مگر صـابران را ، پس فـرو بـردیم قـارون را و سـرای او را بـزمین پس نبود برای او هیچ گروهی که نصرت دهند او را غیر الله و نبود خودش از نصرت داده شدگان)

یعنی زمانیکه موسی علیه السـلام بـرایش گفت خـوبی بکن قسـمیکه الله همراه تو خوبی کرده است ، در جواب گفت که اللـه در حـق من هیچ خوبیء نکرده من این همه را به دست خود کمائی کرده ام و حاصل علم من است که من آنرا به دست آورده ام .

درین جا واقعه معروفی را از اشفاق احمد بیان می کنیم !!!

شخصی نزد وی آمد و گفت که امروز من کار نیکی را انجام داده ام و بالای کسی احسـان بـزرگی را نمـوده ام (بـه فقـیری 100 روپیـه صـدقه دادم یا کسی را نـان داده ام...) او بـرایش گفت تـو آن چـیزی را داده یی که برای تو داده شده بود . پس اینجا صحبت از احسـان نمی آیـد زیـرا تـو احسان کسی دیگری را احسان کرده ای تو خـود احسـانمند بـودی . و این بزرگترین عقیده در اسلام اسـت کـه مـا و همـه چـیز مـا مربـوط بـه اللـه میشود. زمانیکه می گویم " انا لله و انا الیه راجعـون " مـتیقن میشـویم و به این بر می گردیم که هیچ چـیز از آن مـا نیسـت، مالـک همـه چـیز اللـه تعالی است و هر کسی که سرمایه زیاد دارد بداند که مسئولیت اجتمـاعی او در نزد الله ، پیامبر و مردم هم زیاد تـر اسـت و از زره زره آن پرسـان می شود

داستان معروفی از عبدالرحمن بن عوف رضـی اللـه عنـه اسـت : کـه می فرماید زمانیکه به مدینة الرسول آمدیم نزد من یک دنیار هم نبود ولی روزی شـد کـه من از غـنی تـرین فـرد مهـاجرین در میـان انصـار بـودم ، زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم عشره مبشره را یک به یک نام می گـرفت و می گفت کـه من اولین کسـی خـواهم بـود کـه دروازه هـا بهشت بروی من باز می شود بعداً نام های عشره مبشره را هر یـک ذکـر می کردند و می گفتند بعد از من فلانی وارد بهشت می شود ولی نام من را آخرین کسی از عشره مبشـره ذکـر کـرد کـه وارد بهشـت می شـوم ، سئوال کردم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من چرا دیر تـر از همـه با شما ملحق می شوم فرمود ، زیرا الله از هر درهم و دینار که بـرای تـو

در دنیا داده است پرسان می کند و همراه تو محاسبه می کند که همین باعث می شود که نسبت به دیگران به من دیرتر محلق می شوی ، که در روایت دیگری آمده است بعد از آن عبدالرحمن اکثر حصه اموال خود را صدقه می داد»

7- موضوع دیگری که در نظام اسلام بالای آن توجه صورت گرفته موضوع شریک ساختن یگدیگر در اموال است یعنی آنچه دارائی در میان مخلوقات الله تقسیم بکن !

ولی بر عکس اصول اجتماعی نظام غرب بر اساس استثمار، انتفاع ، و بهره برداری از دیگران استوار است از ضروریات و مجبوریت مردم سؤی استفاده کرده تا آنکه برای خویش منفعتی بدست بیاورد؛ اگر غریب، فقیر، مجبور به چنگ شان بیفتد از او مالیات میگیرند، و اگر نسبت به آن مجبوتر و فقیر تری گیر شان افتد، هفت نسل او را قرضدار خویش می سازند ، اگر انسانها از گرسنگی به فلاکت رسیده باشند، آنها قیمت مواد را بیشتر از بیش افزایش میدهند. اگر انسانها از مجبوریت به فروش و کشتن اطفال خویش بپردازند در این حالت قیمت گاز و نفت را همچنان بالا می برند. اگر شخص مسلمانی قصد حج را کند. در قیمت مصارف حج افزودی رونما میسازند تا آنکه مانع رفتن آنها به حج شوند .

و این نظام استثمار و انتفاع است، که امروز تمام مردم در آتش آن می سوزند.

8- موضوع بحث روی بازار یا مارکیت است . که برای روشن تر شدن این موضوع متذکر میشویم، زمانیکه به «جمعه بازار یا بازار شهر» می رویم در آنجا به صد ها دکان خورد و کوچک به نظر ما می رسند .از یکی آن سبزی خریداری می کنیم از دیگری گندم و حبوبات و از دیگری میوه جات ، اگر شما در آنجا 5000 یا 10000 افغانی را خرچ کنید. پول شما میان 10-15 دکاندار تقسیم می شود .

ولی غربی ها برای جلوگیری از این وضعیت (Supper Market) ها را ایجاد کردند، که در زیر یک سقف برای شما همه چیز پیدا می شود ، که ظاهراً این یک سهولت برای مشتریان می باشد ولی با این شیوه روزی را از هزارن نفر دیگر می ربایند.

طوری که یک سوپر مارکیت در تمام دنیا نماینده گی دارد، پس نتیجه چه می شود؟ اگر شما به سوپر مارکیت رفته و به ارزش صد هراز افغانی را مواد مورد ضرورت تان را خریداری هم کنید . پول شما در بین

مردم اجتماع تقسیم نشده بلکه به یک جیب می ریـزد و مفـاد آن مربـوط به یک شخص میشود .
در حالیکه در نظام اسلام اصل اینست که ثروت نبایـد فقـط در دسـت ثروتمندان به گردش در آید که نص صریح قرآن درین مورد اسـت :« کَی لَا یکُونَ دُولَةً بَینَ الْأَغْنِیاءِ مِنْکُمْ»(حشر/7)
(تا در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد)
و همچنان در نظام اسـلامی تقسـیم پـول بـه چنـدین دسـت از اهمیت زیادی بر خوردار است . چـرا کـه در بـازار هـر کس می توانـد تجـارت را انجام بدهد و ازین طریق پول حلالی را بدست بیـاورد و هـر کس بـه قـدر امکـان خـود تلاش بـرای جلب مشـتری میکنـد اکـثر مـردم مصـروف کـار میشوند و پول در بازار دوران پیدا میکند و هر کسی میتوانـد از آن طریـق منفعـتی بدسـت بیـاورد و سـرمایه هم در بین مـردم تقسـیم میشـود ، در حالیکه این کار و برنامه در موجـودیت سـوپر مـارکیت هـا غـیر عملی می باشد .
در حقیقت این قانون حق مالکیت فـردی را تخصـیص زده و مقیـد می سازد و آنرا همیشه خاضع و تابع دولت اسلامی میدارد که برای ضروریات و نیازمندی های حکومت اسلامی و اجتماعی اسـلامی ، هـر گونـه دخـل و تصرفی را در آن بنماید .
9- آنچه که در نظام اسلام از هر چه بیشتر مهم تـر اسـت فـرق بین حلال و حرام در وسائل کسب امور مالی و معیشتی می باشد.
علامه الاعلی مودودی رضی الله عنه درین مورد می فرمایـد : ویـژگی اسلام در بحث نظام اقتصادی این است که اسلام بر پیروانش اجازه نمی دهد تا آنها مال را از راهی که خواهند و بهر ترتیب که خواهند بدست آرنـد بلکه بمراعات مصالح عمومی برای ایشان طریق مشـروع کسـب مـال را از طریق غـیر مشـروع آن تمـیز داده اسـت و این تفریـق بـر قاعـده کلی استوار است که می گوید : هر طریق کسب مال که بدون ضرر رسـانیدن بدیگری ،مفادی از آن بدست نبایـد حـرام و نـا مشـروع اسـت و طرقیکـه افراد منافع را در بین شان به عـدالت و انصـاف مبادلـه می کننـد جـائز و مشروع است این مبدا را اللـه در قرانکـریم چـنین بیـان می دارد « یا أَیهَا الَّذِینَ آَمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَینَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَـارَةً عَنْ تَـرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَـانَ بِكُمْ رَحِیمًا وَمَنْ یفْعَـلْ ذَلِـكَ عُـدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِیهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ یسِیرًا»(النساء /29-30)

(یعنی ای مؤمنان اموال یکدیگر تـان را در بین خـویش بباطل و نـاحق مخورید مگر از راه تجـارتی باشد که رضـایت و خوشـنودی شـما در آن است و هم دیگر را نکشید زیـرا الله بشـما بسـیار مهربـان است و هر که این کار را از روی تجاوز و ستم بکند ، پس بزودی او را در آتش افگـنیم و اجرای این کار بر الله آسان است)

مدلول عمومی این آیت این است کسیکه بخـاطر منفعت شخصی اش بدیگری ضرر برساند مثل این است که او را بقتل رسـانیده در نهـایت راه هلاک را برای خـود بـاز کـرده است پس در هر کـدام از دزدی ، رشـوت ، قمار ، فریب ، غش ، خیانت ، ربا و... دو سبب غیر مشروعیت وجود دارد اگرچه در بعضی آن شـرط تراضی پیـدا می شـود مگر شـرط مهم که ولا تقتلوا انفسکم آنرا در بر دارد موجود نیست[1].

بناً مسلمانان ضـرورت بـه مصـرف غـذا هـای حلال دارنـد ولی یهـود و غربی ها اصلاً به حلال و حرام توجه ندارند و تمیز میان این دو را نیز قایل نیستند و برای شان فرقی نمی کند که پول برای مصرف شـان از طریـق سود به دست آمده و یا از طریق دزدی، قمار، فروش مواد مخدر و... بنـاً این مفکوره در بین جامعه شان عـام شـده اسـت. اگـر مـردم حلال را از حرام تفکیک نمایند خود بـه خـود راه هـای اسـتعمار زدائی را پیـدا نمـوده نظام سود و ربا به مرور زمان در میان شان از بین می رود .

مسلمان به هر نسبتی که غرب زده هم باشد باز هم دارائی عقیـده ی بنیادی و غیر قابل تغیر هستند. اگر به بازار جهت خرید برونـد ، و بخواهنـد از کانسر های بسته بندی شده خریداری نمایـد حتمـاً آنـرا بـالا کـرده می بیند که چیز که در داخل آن موجود است آیا حلال است و یا حرام ؟

ولی امروز متاسفانه که جامعه ی مسلمان را به بن بست سود خـوری ، حرام خوری و بی دینی کشانیده اند، مانند که از استرالیا گوشـت خـوک به بازار کشور هـای اسـلامی وارد می شـود و بـالای آن مهـر حلال را می زننـد؛ و بـالای دین مـا تمسـخر می کننـد!! یعـنی می گوینـد ای مسـلمان بدانید که گوشت خوک حلال است (العیاذ بالله من ذالک)

و به همین شکل این فرهنگ در میان جامعه ما نیز رایج گردیـدهماننـد اینکه چندی پیش ما در تلـویزون مشـاهده می کـردیم کـه« صـاحب بانـک برای مودع می گوید بفرماید این پول که شما به ودیعت گذاشـته بودیـد و این هم مفاد (سود) حلال از آن » چگونه این منافقـان و یهـودی مشـربان سود را مفاد حلال می نامند ؟؟؟

---

[1] اقتصاد از نظر اسلام و نظامهای معاصر ص119-120

در ادامه پیش از اینکه به مرحله (مبارزات) تک فردی یا (Individual) برسیم سه مرحله و عقیده غیر معمولی را برای شما پیش کش می کـنیم که در سطح جهان تا به حال نه مانند آن روش و میتود وجود داشــته و نــه در آینده ها روشی به مانند آن بوجود خواهد آمد!

چنانچه که میدانید در اصول نظـام اقتصـادی اسـلام کـه از سـوی اللـه تعالی و رسول صلی اللـه علیـه وسـلم بـرای مـا بیـان شـده، بـرای خـرچ نمودن اموال سه شیوه پیشنهاد شده است .

أ- اولین طریقی که بطـور بنیـادی بـالای آن تاکیـد صـورت گرفتـه و از ستون های اساسی دین مقدس اسلام به شمار مـیرود کـه بیش از پنجـاه مرتبه با نماز یکجا ذکر گردیده است کـه ادای زکـات میباشـد کـه البتـه در یک سال بالای اموال کـه ذخیـره داریم یعـنی آن مالیکـه بـالای آن تجـارت صورت نمی گیرد 2.5% از آن لازم می گردد ، که دولت اسـلامی سـالانه از اتبـاع خـویش این مقـدار را جمـع آوری می کنـد و آنـرا در راه معین و لازمی خرج می کند.

و قول الله تعالی است که می فرماید : وَأَقِيمُـوا الصَّـلَاةَ وَآَتُـوا الزَّكَـاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (النور /56)

(و برپا دارید نماز را و بدهید زکاة را و فرمانبرداری کنید پغمبر را بُوَد که بر شما رحم کرده شود)

ب- دومین عقیده ی که نظام اقتصاد اسـلامی بـالای آن تاکیـد نمـوده عبارت از پرداخت صدقه یا انفاق از اموال نیکو «یعنی آنچه را که دوسـت داریم »می باشد ، قول اللـه تبـارک و تعـالی اسـت کـه می فرمایـد:« لَنْ تَنَـالُوا الْبِـرَّ حَتَّى تُنْفِقُـوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُـوا مِنْ شَـيءٍ فَـإِنَّ اللَّهَ بِـهِ عَلِيمٌ»(آل عمران /92)

(هرگز نمی یابد نیکوکـــاری را تا آنکه خـــرچ (صـــدقه) کند از آنچه که دوست می دارید و هر چـــیز که خـــرچ کنید پس بدرســـتی که الله بـــوی داناست)

« يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُـونَ وَلَسْـتُمْ بِآَخِذِيـهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُـوا فِيـهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِی حَمِيدٌ»(البقره /267)

(ای مؤمنـان خـرچ کنید از پـاکیزه هـای آنچه کسب کردید و از پـاکیزه های آنچه بـیرون آوردیم بـرای شـما از زمین و قصد مکنید ناپـاک را از آن خـرچ میکنید آن را و نیسـتید گیرنـده آن مگر وقتیکه چشم پوشی کنید در گرفتن آن و بدانید که الله بی نیاز ستوده است)

که در این مورد فیصدی خاصی وجود ندارد. و این چیزی است که اللـه تعالی و رسول وی صلی الله علیـه وسـلم بـار بـار بـالای مسـلمین تاکیـد نمودند که در راه الله صدقه دهید و هر دو لازم یگدیگر خود هستند، چـون الله تعالی امر فرمودند که شـما فی سـبیل اللـه امـوال خـویش را در راه الله خرچ کنید .

ج- موضوع سوم درین مورد «قل العفـو» اسـت ، زمانیکـه از رسـول صلی الله علیه وسلم سوال شد کـه در راه اللـه مـا چـه را خـرچ کـنیم ؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب گفتند قل العفو یعنی:(چـیزی را که از نیاز تو بیشتر باشد آنرا در راه مخلوق الله صدقه کن!)

این موضوع را با ذکرمثالی برای شما واضح تر میسازیم .

کسی نزد شخص عالمی آمده و پرسید ! برای من در مورد زکـات کـه در اسلام مطرح شده معلومات بدهید ، او در جواب گفت: آیا منظورت از زکات محبت است، یا زکاتی که در فقـه اسـلامی مطـرح شـده یـا زکـات فقیر کدام یکی ؟

آن مرد گفت: من از یک نوع زکات که در فقه اسلامی ذکر شده است می دانستم حالا که برایم از سه نوع خبر دادی پس هر سـه نـوع را بـرایم توضح بده !

شخص عـالم گفت در فقـه زکـات آنسـت کـه 2.5% از سـرمایه جمـع آوری کرده را در آخر سال به فقراء و نیازمندان صدقه کنی، زکات محبت آنست که آن 2.5% سرمایه را که برای دادن زکات جدا کرده بودی بـرای خود نگهـدار و بقیـه 97.5% سـرمایه را در راه اللـه تعـالی صـدقه کن و زکات فقر و محبت با الله آنست که آن 2.5% را نیز در راه اللـه صـدقه کنی !

یعنی اگر ما توجه کنیم ! در این حکایت زیبا هـر سـه قـول اللـه تعـالی گنجانیده شده است (زکات، انفاق، و «قل العفو» یا مال خارج از نیاز ما)

در این مثال برای ما واضح شد که زکات در صورت اسـت کـه مـال از ضرورت ما بیشتر باشد . الله تعالی حد اقل زکـات را 2.5 فیصـد تعین و اختیار ادای آن برای انسان داده شـده و بـه نیت انسـان تعلـق دارد کـه از کدام نوع زکات می خواهد بدهد.

در تاریخ اسلام صدها مثـالی را آورده میتـوانیم کـه بنـده گـان مخلص الله هر قدر که از سوی الله برایشان الطاف و مهربـانی می شـد همـه را در راه الله انفاق و صدقه می کردند مانند ام المؤمنین خدیجه بنت خویلـد رضی الله عنها و یا ابـوبکر صـدیق ، عثمـان بن عفـان و سـایر اصـحاب و

سلف صالح و بزرگان دین رضی الله عنهم اجمعین کـه آنهـا هرگـز بـرای آینده خویش سرمایه و مال را ذخیره نکرده و به تشویش نبوده انـد چـون به الله ایمان داشتند کـه روزی را برایشـان حتمـاً می رسـاند . و هرگـز از کسی صدقه را همچنان قبول نمی کردند و به زحمت و مشقت زیادی کار می کردنـد و بـرای خـود پـول حلال و روزی حاصـل از زحمت خـویش را بدست می آوردند.

مراحله مبارزات فردی یا خصوصی

در ادامه این مبحث خویش بـه تمـام آن برنامـه هـا و مبـارزات اشـاره خواهیم کرد که در توانائی هر شخص به صورت منفرد بوده می تواند. اگر شما یکبار سورة های را کـه در دوران مکی بـه رسـول صـلی اللـه علیـه وسلم نازل گردیده اند دقیقا ً بخوانید ! به صراحت در خواهیـد یـافت کـه الله تعالی در آن زمـان خواسـته تـا یـک معاشـرت از مسـلمان را توسـط رسول الله صلی الله علیه وسـلم بنیـاد گـذاری کنـد، و پایـه هـای آن بـر اساس اخلاقایات و معنویات استوار باشد، که به تعقیب آن زمانی آمد کـه اسلام صاحب بزرگترین دولت ها و سرزمین های گردید که اساس و بنیـاد آن بر مبنای آئدیولوژی اسلام بود و پرچم توحید بر فراز آن سـرزمین هـا قرار داشت. و بنیـاد این همـه بـه اسـاس عقایـدی گذاشـته می شـود کـه شامل (توحید، رسالت، اخرت، ایمـان) می باشـد در یـک بخش اساسـی آن تاکید بیش تری روی خط مشی شده که نباید مومنین از همـه وظـایف به دنیای مادی دل ببندند.که نزول سوره تکاثر نـیز بـه مبنـای همین علت می باشد .

«أَلْهَاكُمُ التَّكَـاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَـابِرَ كَلَّا سَـوْفَ تَعْلَمُـونَ ثُمَّ كَلَّا سَـوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ » (تكاثر: 1 – 5)

(شما را غافل کرد از یکدیگر حس افزون طلبی مال تا به گورستان ها رســیدید نخواهید دانست بـــاز میگـــویم نی نخواهید دانســـت، نی نی اگر حقیقت کار را بدانید به علم یقین، غافل نمی شدید.

یعـنی در فرهنـگ اجتمـاعی دین اسـلام حـرص و هـوس دنیـویماننـد داشتن موتر جدید، خانه ی بزرگ، لباس هـای جدیـد و اسـتفاده از آخـرین دیزان سال و... منع شده است. چرا که مصروفیت در این راه ها انسـانها را از یاد الله غافل می سازد . قسمکه الله تبارک و تعـالی می فرمایـد: « اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَـاثُرٌ فِي الْأَمْـوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَـلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُـهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَـرَاهُ مُصْـفَرّاً ثُمَّ يَكُـونُ

حُطَاماً وَفِی الْآخِـرَةِ عَـذَابٌ شَـدِیدٌ وَمَغْفِـرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْـوَانٌ وَمَا الْحَیـاةُ الدُّنْیا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ}(الحدید /20)

(بدانید که زنــــــــــدگانی دنیا بازیست و بیهودگیست و آرائیششست و خودستائی است در میان شما و از یکدیگر زیاده طلبی است در مال ها و فرزندان مانند بارانی که به شگفت آورد زراعت کننـده گـان را رسـتنی او باز خشک شود پس زرد بینی آن را بـاز درهم شکسـته گـردد و در آخـرت عــذاب سـخت است و نـیز آمــرزش ست از جــانب الله خوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره ای که باعث فریب باشد)

و قال تعالی : وَمَا هَذِهِ الْحَیـاةُ الـدُّنْیا إِلَّا لَهْـوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الـدَّارَ الْآخِـرَةَ لَهِی الْحَیوَانُ لَوْ کَانُوا یعْلَمُونَ»(عنکبوت /64)

(این زندگانی دنیا جز بازی و بیهـوده ئی بیش نیست ، و زنـدگانی اگر مردم بدانند در حقیقت دار آخرت است)
و در حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماینـد: «: مَا الـدُّنْیا فی الآخِــرَةِ إِلاَّ مِثْــلُ مَا یجْعَــلُ أَحــدُکُمْ أُصْــبُعَهُ فی الْیم. فَلْینْظُــرْ بِمَ یرْجِعُ؟»(رواه مسلم)
(نیست دنیا در برابر آخرت مگر مثل آنکه یکی از شما انگشت خـود را در دریا داخل کند و باز ببیند که چه را باز می گرداند)
دومین چیزی که اسلام جداً آنرا ممنوع قرار داده و شخصـیت اسـلامی کاملاً باید بدور از آن زندگانی بکند ریاء می باشـد کـه رسـول اللـه صـلی الله علیه وسلم آنرا شرک اصغر(کوچک) خوانده است چـرا کـه در سـورة ماعون الله تعالی مـا را متوجـه سـاخته می فرمایـد: " أَرَأَیتَ الَّذِی یکَـذِّبُ بِالــدِّینِ فَــذَلِكَ الَّذِی یــدُعُّ الْیتِیمَ وَلَا یحُضُّ عَلَی طَعَــامِ الْمِسْــکِینِ فَوَیــلٌ لِلْمُصَــلِّینَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَــلَاتِهِمْ سَــاهُونَ الَّذِینَ هُمْ یــرَاءُونَ وَیمْنَعُــونَ الْمَاعُونَ» (الماعون /1-7)

(آیا دیدی آن شخص را که دروغ می شـمرد جـزای اعمـال را ، پس آن شخص مردیست که باهانت میراند یـتیم را ، و رغبت نمی دهـد بـر طعـام دادن فقیر ، پس وای آن نماز گذارن را که ایشان از نمـاز خـود غفلت می ورزند و آنانکه ایشان ریا می کنند)

پس با مطالعه ی این آیات واضح میشود کـه آن بنـده ی کـه نمـاز می گذارد ،زکات را می دهد ، حج را انجام می دهد از روی ریاء خواهـد بـود ؛ زمانیکه مسکینی در نزد وی میاید با سلوک زشت با او رفتار می کند .

اولاً بایـد گفت کـه فقـیر تـرین و نیازمنـد تـرین طبقـه جامعـه کـه از گرسنگی در روی سرکها نشسته اند مستحق ترین آنها شناخته شـده و بـا آنها کمک مالی صورت گیرد. چرا که نسبت به آنها طبقـه ی پـاین تـری در جامعه وجود ندارد. زیرا حتماً طبقه ی پـائین تـر از آنهـا از گرسـنگی هلاک شده اند .

باید این موضوع را عمیقاً درک کرد چرا توصـل ورزیـدن بـه این عمـل نیـک انشـاءالله در بین جامعـه ی اسـلامی آن چنـان انقلابی را بـه وجـود خواهد آورد کـه آن را یهودیـان در این 200 سـال گذشـته بـالای مسـلمان اعمـال کـرده انـد شـدیداً بـه عقب خواهـد زد و کـاملاً آنـرا منقلب خواهـد ساخت .

طبق بررسی های قبلی که گذشت یکی از برنامه های صهیونیستان این است که آنها سرمایه و پول اصلی که عبارت از طلا و نقره بوده را از بین بردند و پول جعلی و کاغذی را به جای آن رونق بخشیدند، تا بـا آن وسـیله هر زمـانی کـه خواسـته باشـند ارزش پـول جعلی یـک کشـور فقـیر را بـه خواست خود کاهش دهنـد و آنهـا نـاگزیر بـه خواسـته هـای یهودیـان لبیـک گویند. در غیر آن اولین طبقـه مـردمی کـه از این واکنش وحشـیانه متـاثر میشوند همان مساکین و فقرای جامعه اند کـه شـامل یتیمـان ، بیـوه هـا، معیوبین و باز مانده گان شهداء می شود. که اینها کلاً معذور شناخته شده و بالای جامعه، دولت اسلامی حق دارند که یا جامعه آنها را حمایت کنــد و از این وضیعت نجاتشان بخشد و در غیر آن کفـالت تمـامی آنهـا بـه دوش دولت اسلامی خواهد بود .

امروز در بعضی از کشور های اسلامی کـه نظـام زکـات جـاری اسـت ولی برکتی در آن وجود ندارد ، بطور مثل سـالانه در پاکسـتان پـول جمـع آوری زکات مردم بالغ به 7 بلیون روپیه میشـود. ولی خـیر و برکـتی از آن محسوس نیست . چرا که الله تبارک و تعالی می فرماید: «وَمَنْ يبْتَغِ غَــيرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يقْبَلَ مِنْهُ»(آل عمران /85)

(هر که غــیر از اســلام دین (نظــام سیاسی ، اجتمــاعی ، عقیــدتی ، اقتصادی ...) را جستجو و قبول نماید هرگز (اعمال نیک) از ایشان قبـول کرده نشود)

درین جا چند مثالی دیگری را نیز ارایه می داریم !

طوریکه در سال1920م زمانیکه خلافت اسلامی کـاملاً از هم پاشـید و متاعقب آن پول اسلامی همچنان از نظام اقتصادی دور زده شد و به جای آن زمانیکه پول کاغذی(اسناد بانکی) را رایج ساختند. در آن ایام از خلیفه

عثمانی سئوال کرده شد که آیا پرداختن زکات از پول کاغذی(سند بانکی) جواز دارد یا خیر ؟

فتوای که از طرف خلیفه صادر شد این بود که زکات از سرمایه اصلی و واقعی و پول اصلی (پول که در ذات خود ارزش داشته باشد) داده میشود و بس .

پس ازینجا ثابت می شود که در نظام اسلامی اساس و معیار برای ادای زکات همانا استندرد طلا و نقره می باشد. چونکه محصولین زکات در خلافت اسلامی تا آخرین روز ها به اساس طلا و نقره زکات را جمع آوری و به بیت المال تحویل میدادند.

راه حل ها برای بیرون رفت از نظام صهیونستی

حالا به ادامه بحث خویش اولین راه حل را که برای ملت مسلمان می دهیم از این قرار است:

1- پول های زکات خویش را از سرمایه ی خالص و واقعی (طلا و نقره) حساب نموده و تقسیم کنید .

مثلاً شما 100000 افغانی زکات مال خویش را بعد از محاسبه برای یک بیوه زنی مستحق میپردازید[1]، بطور مثال او میخواهد با همان پول مصارف ازدواج دختر خود را روی دست گیرد، ولی مراسم عروسی دختر اش قرار است که شش ماه بعد برگزار شود.

ولی با گذشت این شش ماه در اثر انفلاسیون ارزش پول به 80000 پائین می آید و قیمت ها بلند می رود و این زن باز هم در تلاش می افتد تا 20000 دیگر جستجو نموده تا مصارف ازدواج را پوره کند ، و علت آن اینست که زکات را به پول کاغذی جعلی دریافت نموده است.

اگر این مقدار ثروت برایش به شکل سکه های طلا پرداخت میگردید با گذشت شش ماه به هر نسبتی که قیمت ها تفاوت میکرد باز هم قیمت سکه های طلا با همان اندازه بلند میرفت چرا که ارزش طلا ثابت است[2].

[1] چون دولت اسلامی برای فعلاً وجود ندارد تا اموال زکات را جمع آوری کرده و برای مستحقین آن توزیع نماید لازماً هر فرد به تنهائی می تواند به این کار مبادرت ورزد و خود مستحقین را تشخیص و زکات مال خویش را برایش بدهد.

[2]

امروز در مالیزیا داکتر ماهاتیر محمد[1] بسیار کوشش میکنـد تـا دوبـاره نظام سکه هـای طلا و نقـره را در آن کشـور رایج سـازد و مـردم مـالزی همچنان در این پروسه داخل شده اند . و درین زمینه شرکت های سـاخته شده که سکه های طلا و نقره را ضـرب زده و در بـازار رایج سـاخته انـد. علماء در آنجا فتوا داده و حکومت نیز این را قبول کرده که مـردم زکـات مال خود را باید با طلا و نقره بپردازند.

ولی متأسفانه کـه این برنامـه هـای مثبت در هیچ برنامـه ی تلویزیـونی گزارش داده نمی شود که این چنین برنامه هـا اسـلامی در کشـور مـالزی روی دست است.

حالا بالای هر مسلمان لازم و واجب است تا مقدار زکات قابل تادیــه را به طلا و نقره تبدیل نموده و برای مستحقین بپردازد. شما خــود تصــور کنید!! اگر کسی از طریق چک (اسناد اعتباری بانک) برای شخصی زکـات پرداخته باشد، شخص مستحق باید یک مرحله ی طولانی را سپری کنـد تـا آن پول را از بانک حصول نماید.

ولی اگـر زکـات را از جنس سـکه هـای طلا بدسـت آورده باشـد ، هـر زمانی که خواسته باشد و در هر گوشه ی شـهر کـه باشـد از آن اسـتفاده کرده میتواند و هیچ نوع نقصانی بـرای او محسـوس نیسـت، بـه خصـوص طبقـه ی غـریب و فقـیر جامعـه کـه اساسـاً هیچ آگـاهی از انفلاسـیون و دیفلاسیون ندارند و هیچ ضمانتی در نزد آنها نسبت به این حالات هم وجود ندارد . از جهت دیگر هرگاه زکات از پول کاغذی بـرای شـان تادیـه گـردد، چون در اجتماع فعلی ما تحت نام بیت المال کدام اداره ئی وجود ندارد تا پول ها در آن جا به قیمت اولی آن حفظ و تبادله شوند ، بناً به نقص شان تمام میشود . و هرگاه ما پول زکات خود را به طلا و نقـره سـنجیده و بـه مستحقین آن تادیه نماییم این یک حرکت انقلابی و مطابق ارزشهای قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل نموده ایم و بر اساس آن هیچ قـانونی همچنـان نقض نگردیـده اسـت. و هـر شـخص بـه تنهـائی و منفردانه میتوانـد این اصـل را بـالای خـویش تطـبیق نمایـد. بـدین اسـاس هرگاه همه ساله150 بلیون روپیـه تنهـا در پاکسـتان بـه سـکه هـای طلا و

---

[1] قانون مداری واحترام به آن یکی از نکاتی است که مردم مالزیا در دوران نخست وزیر ماهاتیر محمد، آموخته اند.
او بعد از بیست و چند سال وزارت، خود دوطلبانه قدرت را رها کرد، اما جانشینانش راه او را ادامه میدهند، هنگامی که ماهاتیر محمد کشور مالیزی را تحویل گرفت و مقام نخست وزیری را در آن کشور عهده دار شد، مالزی کشوری عقب افتاده و بازمانده از قافله ی پیشرفت و تمدن بود

نقره تبدیل شوند، پس دور نخواهد بـود کـه پولهـای جعلی ارزش و ثبـات خود را هر چه زود تر از دست بدهد .

امروز شما آگاه هستید که به هر دوکانی که برای خرید مـواد ضـروری مراجعه میکنید بر علاوه پول مروجه ی آن کشور دکاندار پول دالـر را نـیز از ما قبول می کند. و اگر در آینده بتوانیم تا سکه های طلا و نقره را رایج سازیم، بعید نخواهد بود کـه دکانـدار سـکه هـای طلا و نقـره را نـیز قبـول کند .

قسـمیکه قبلاً در مـورد داکـتر ماهـاتیر محمـد شخصـیت اقتصـاد دان اسلامی در مالیزیا اشاره کـردیم، موصـوف در جهـان اسـلام تفکـر غـرب زدائی اقتصادی را به وجود آورده اند و بدون شک تـا مسـلمانان بـا نظـام کفری از طریق تمام راه یک به یک مقابله نکنند و آنها را به شکست وادار نسازند، پول جعلی کاغذی و روند آنرا به رکود مواجه نسازند و دوباره طلا و نقره رایج نشود، پس مطمئیناً به پیروزی چشم گیری نایل نمی شویم .

و از همه اول تر منفعت نظام اقتصاد اسلامی که مبتـنی بـر ارزشـهای طلا و نقره باشد. مفـاد بیشـتر آن بـه طبقـه ی غـریب و فقـر جامعـه می رسد، چنانچه که امروز این طبقــه از ظلم نظـام کفـر بــه فلاکت و هلاکت رسیده اند.

بناً برماست تا در مبارزه خویش استوار بمانیم الی زمانیکه طلا و نقره را اساسی برای تجارت ملی و بین المللی خود قرار بدهیم،

طور مثال هرگاه یک کشور اسلامی با کشور مالزی ارتباط اقتصادی و تجاری بر قرار می کند و اساس تجـارت را سـکه هـای طلا و نقـره قبـول می کنند، طبیعی است که مردمان ساکن در آن جامعه مجبور میشـوند تـا این پروسه را تعقیب نماید زیرا حتمـاً نـزد هـر یـک از ایشـان 5-10 سـکه موجود خواهد بود و لازمست آنرا امتعه خریداری نماید.

در سـطح مبـادلات محلی بصـورت عمـوم می تـوان تـا بـا تشـویق دکانداران به این که تجار عمـده فـروش بـرایش بگویـد شـما بـرای خریـد اموال برای ما سکه های طلا و نقره را بیاورید تا به این تـرتیب حسـاب و کتاب ما روشن تر باشد .

بناً چون دکاندار درین صورت ناچار است تا مواد غذائی و لـوازم مـورد ضرورت خود را از بازار خریداری نماید. پس مجبور می شود تا پول هــای خود را به سـکه هـای طلا و نقـره تبـدیل کنـد. بـه همین تـرتیب دکانـدارن مردم را تشویق می کند که شما برای ما سکه های طلا و نقره بیاورید تــا ما حسابات خود را توسط آن پیش ببریم. در این حالت نه به ضد حکومت

بغاوتی در کار است، نه قوانین نقض می گردند و با نظام جاری تحمیلی (اقتصاد بازار آزاد) نیز در تصادم نیست .

باید خاطر نشان ساخت که امروز در دنیا بیشتر از 20 کشور مسلمان جماعت های ساخته اند که میخواهند دوباره نظام اقتصاد اسلامی را که اساس آن سکه های طلا و نقره باشد روی کار بیاورند. که در نتیجه این کوشش ها در امارت متحده عرب در شهر دبی بانکی ساخته شده که پول مروجه ی سایر کشور ها را با طلا معاوضه کرده و ضمناً سکه های طلا را در بین مردم توزیع مینمایند .

که شاید نزد شما این سئوال پیدا شود که با در نظر داشت اینکه امروزه بیشتر از 4 ملیارد نفوس جهان طلای کافی از کجا آماده خواهد شد تا با ضرب سکه ها مردم به صورت عادی بتوانند معاملات مالی خویش را به پیش ببرند ؟

در جواب باید گفت الله تعالی نظامی را که برای ما انتخاب نموده حتماً برای پیش برد آن امکانات کافی را در اختیار ما گذاشته اند. امروز در دنیا آن قدر معادن طلا و نقره موجود است که نیاز مندی های تمام نسل های را مرفوع ساخته می تواند ، قسمیکه در تحقیقاتی نشان داده شده که معادن طلا در روی زمین به قدری است که بمنظور استخراج آن تنها به 100 سال (1قرن) نیاز خواهد بود.

و در اخیر این بحث خویش باید اضافه نمایم که برنامه را که میخواهیم تطبیق شود کاری نیست که امروز آنرا آغاز نمایم و فردا تمام دنیا آنرا قبول نماید ، بلکه مدت زمانی را در بر خواهد گرفت تا در جهان برای خود جای پیدا کند و بعد خود را جهانی بسازد. و قسمیکه قبلاً نیز گفتیم این حرکت چنان انقلابی خواهد بود که به واسطه آن نظام کفر به لرزه خواهد افتاد و ارزش پول های کاغذی شان به حد اعظمی سقوط خواهد کرد. (انشاء الله)

مبحث یازده هم
اخیتار شیوه های درست برای مؤثریت عمل

در فصل دهم مطالعه شد که هر فردی برای تطبیق شدن احکـام الهی و دسـتوارات پیـامبر گـرامی مکلـف اسـت تـا مطـابق اساسـات اقتصـاد اسلامی عمل کند سرمایداران ، فقرا را بـه هـر شـکل ممکن کمـک کننـد، برای بیوه هـا، مستضـعفین و... صـدقات خـود را بـا طلا بپردازنـد، عمـده فروشان ما در معملات خود کوشش کنند تا پول های واقعی(طلا و نقـره) را رونق بخشـند، بـه همین شـکل مـردم هم تشـویق میشـوند تـا معملات روزمره خود را با آن تنظیم کنند. آهسته آهسته زمینه برای عام شدن طلا در معملات کشور های اسلامی ایجاد میگردد.

در فصل بعدی مطالعه خواهید نمود، ما مانند پیـامبر صـلی اللـه علیـه وسلم و اصحاب جناب شان به فکر ضعفای ملت اسلام باشیم، زمــانی را پیش رو خواهم داشت که در بین مردم اخوت اسلامی رشد پیدا کند، دیگر یتیمی را در جامعه سراغ نخواهیم داشت که بدور از علم و دانش روزگــار سپری کند، چطور بـا ایجـاد مراکـز طعـام المسـکین مـردم در مانـده هـر منطقه تحت پوشش قرار میگیرند؟

با در نظر گرفتن مسئله میراث چقدر مشکلات مردم مرفوع میگردد و صممیت در بین افراد، فامیل ها، اقوام ایجاد میگردد.

با بکار گیری زمین های غیر بایر به هزاران نفر مسلمان مشـغول کـار میشوند، ومشکلات مردم تا حدی مرفوع میگردد.

ما قبلاً ذکر کردیم که محال اسـت تحـولات و تغـیرات اجتمـاعی کـه از مقده به سوی مبداء باشد یعنی از بالا به سمت پائین را حمـل کـنیم، ولی در هر صورت حرکت کـردن از ابتـداء بـه سـوی انتهـا منطقی تـر و نتـایج مثبتی را در پی خواهد داشت .

احکام خاصی را که الله سبحانه و تعالی در مورد موضوعات اقتصادی ارشاد فرمودند، بناً یک فرد میتواند به تنهـائی این احکامـات را بـالای خـود

تطبیق کند و باعث تحـولات بـزرگی در اجتمـاع شـود، در صـورت کـه این تعهد را با خود و با الله سبحانه و تعالی بکند که تغیر را در خـود در فامیـل خود و در جامعه خود به هر صورت که باشد و به هر قیمتی کـه باشـد می آورم !!

به این اساس ما هـر چـه بیشـتر کوشـش می کـنیم تـا راه هـا مبـارزه متفاوتی را برای شما پیش کنیم تا به صورت های مختلـف همـه مـردم در مقابل این نظام کفر بـر خاسـته و دسـت کفـر و ظلم را از بـالای خـویش قطع کـنیم . و این واقعیت را امـروز همـه طبقـات مـردم بـه خـوبی درک کرده اند که همه فساد و بدبختی، قحطی، گرسنگی، تجارت بالای خون ، جان ، اولاد مردم از طـرف کی هـا بـراه انداختـه میشـود. و همچنـان می دانند که تا چه اندازه «IMF ..World Bank ..Federal Reserve Bank ..Switzerland Banks England Bank.......» در تبـاهی، بربـادی ، تصادم ملت ها و دولت ها بر پا نمودن جنگ، پناهان نمـودن سـرمایه هـای به سرقت برده شده یک ملت و بالاخره در برنامه ریزی علیه قتل عام یک ملت سهیم اند.

ولی برای ما مأیوس کننده نیست ! چرا کـه اللـه تعـالی راه حـل هـای بیرون رفت ازین بن بست ها را بیـان داشـته اسـت و در ضـمن نـیز بیـان فرموده اند که هرکز الله و مسلمانان را عـاجز سـاخته نمی تواننـد: « لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ »(النور/57)

(مپندارید آنانکه کـافر شــده اند عــاجز کننــده «مؤمنــان» اند در روی زمین)

« وَلَا يحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يعْجِزُونَ»(الانفال /59)

(و مپندارید آنــانیرا که کــافر شــده اند پیشــگام (قــوی ، بــزرگ ، و پیشرفته) هر آئینه ایشان عاجز کرده نتوانند "مســلمانان را و نصـرت الله را ")

که در آیه بعد همین سوره الانفـال الله تبـارک و تعـالی بـرای مؤمـنین برنامه کاملی را جهت مقابله با کفار بیان می کند و می فرماید شـما آنچه طاقت دارید از وسـائل آمـاده سـازید و متبـاقی آنـرا به الله و لشـکر الله بگزارید:« وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيـلِ تُرْهِبُـونَ بِـهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَـرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُـونَهُمُ اللَّهُ يعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُـوا مِنْ شَيءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يوَفَّ إِلَيكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ » (الانفال /61)

(و مهیا سازید ای مسـلمانان در برابر ایشـان از توانـائی خـود (انـواع اسـلحه ، لشـکر ها مبـارز اعم از علمـاء و دانشـمندان در علـوم معاصر و

مبارزین و جنگجویان) و از آماده داشتن اسپان بترسانید دشمنان الله را و دشمنان خویش را و قومی دیگر را نیز بجز ایشـان (مشـرکین و منـافقین را) شما نمی دانید ایشان را و آنچه خرچ کنید از هر چه باشد در راه الله ، تمام داده شود به شما و شما ستم کرده نشود)

و همچنان راهکار های را که در ادامه بیان می کنیم خاص برای آنــانی است که در قلب های شان نسبت به مسـلمانان و سـایر ملـل کـه دسـت ظلم بالای شان قرار دارد درد و محبت موجـود باشـد ، و در عین حـال بـا شهامت و شجاعت تمام در تطبیق آن ثابت قدم باشند !

ما در فصل قبلی در مورد تادیه ی زکات گفتیم کـه پـول زکـات امـوال خویش را باید به سرمایه واقعی (طلا، نقره، گندم، غله و...) تبدیل کرده و صدقه نماید. تا شخص مسـتحق بـه سـبب انفلاسـیون و دیفلاسـیون بـه وجود آمده متضرر نکردد ، و زکات شما محفوظ بماند و ضمناً مورد قبول الله رب العزت نیز قرار گیرد.

دومین پیغام ما برای آن تعـداد از افرادیسـت کـه اللـه تعـالی در زیـر ساحه ی رحمت خود آنها را قـرار داده دارائی و ثـروت ، زیـادی را نصـیب شان گردانیده است آنها کسانی اند که توانایی دارند تا قســمتی از دارایی های خود را برای مردم مظلوم و فقیر جامعه که حتی برای یک وقت خود غذای کـافی را در اختیـار ندارنـد و بعیـد نیسـت کـه از گرسـنگی بمیرنـد، صدقه کنند. بطور عموم کمک کننده گان برای افراد مظلوم جامعه بــه دو صنف تقسیم میشوند: 1- آن عده از کسانی که الله تعالی برای شان علم قرآن و فهم دین را اعطـاء نمـوده آنهـا هم بـرای طلاب از هـر راه ممکن علم خود را انتقال میدهند.

2- آن عده از کسانی که الله تعـالی بـرای شـان مـال و دارائی زیـادی داده و آنها همچنان مسئولیت خـود را دانسـته و در راه اللـه مـال خـود را خرچ میکنند.

بناً به جز از این دو مرجع، آدرس سومی ء وجود ندارد تا مردم به آنجا مراجعه نمایند .

لذا داشتن دارای حلال در نزد مسلمان مؤمن موضوع مهمی است ، و همچنـان خـوب اسـت کـه مسـلمانان مـال بسـیار داشـته باشـند. ماننـد ذوالنورین عثمان بن عفان رضی الله عنه که سهم و رول شان در نشر و توسعه ی اسلام بسیار مهم و قابل ملاحظه بـود . هرگـاه در صـدر اسـلام اشخاصی مانند ام المؤمنین خدیجـه رضـی اللـه عنهـا و عثمـان بن عفـان

رضی الله عنه، ابوبکر صدیق رضی الله عنه وجود نمی داشت الله بهتر میداند شاید اسلام هرگز به چنین پیشرفت های نایل نمی آمد .

بناً برای اصلاح و بهبودی جامعه موجودیت افراد مال دار و ثروتمند در هر اجتماع بسیار مهم و ضروری می باشد، که امروز توجه دولت های ما باید به طرف آنعده از ملت ها عرب باشند که الله تعالی برای شان بی نهایت سرمایه و ثروت بدون زحمت را اعطاء نموده است.

پس به ادامه مبحث گذشته که ابتداء در مورد زکات صحبت کردیم، حالا بالای طعام المسکین بحث خواهیم کرد.

طعام المسکین :

این موضوع در فرهنگ اجتماعی اسلام بار بار تکرار شده که اگر از شما خطاء یا گناهی سر زد ! و یا اگر می خواهید قلب های نرمی داشته باشید ! و یا اگر می خواهید الله از شما خشنود و در مال شما برکت بیآید ! و بالاخره اگر میخواهید کار نیکی را انجام بدهید! پس برای مساکین طعام بدهید.

چرا که قول الله تبارک و تعالی است که می فرماید « إِنَّ الحَسَنَاتِ يذْهِبْنَ السَّيئَاتِ»(الرعد /114)

(هر آئینه نیکی ها بدی ها را از بین می برد)

و طعام المسکین در جامعه اسلامی آنقدر موضوع حیاتیست اگر نادیده گرفته شود، و متروک قرار گیرد ما شاهد خواهیم بود که به هزاران فقیر و مسکین از گرسنگی جان های خویش را از دست بدهند. و متأسفانه در اجتماع اسلامی حالتی حاکم شده است. که تنها حساب و مصارف خوراک ماهانه ی یک شخص به صدها هزار افغانی میرسد. در حالیکه در همان منطقه مردم از فقر و گرسنگی اطفال شان را یا مفروشند یا به قتل میرسانند و نوجوانان شان خود کشی می کنند. علت آن این است که ما هدف ربانی (طعام المسکین) را به دست فراموشی سپرده ایم. ما هرگز این آرزو را نداریم و نمی خواهیم که شما زندگی آرام را بر خویش نا آرام سازید غذائی خوب نخورید، با خانواده ی خود جهت تفریح به جای نروید، غذای شب را با هم یکجا صرف نکنید و... در حالیکه ضروراً این کار را بکنید !

چرا که فطرت و طبعیت انسان به صورت نسبی به این موارد نیاز و ضرورت دارد . در ضمن باید خاطر نشان ساخت زمانیکه ما آماده برای خرچ کردن پول و ثروت به منظور اشباع خواهشات خود می شویم و از

جمله ی ضروریات جدی و حیاتی ما به شمار نمی آیند ، بلکه ناشی از آرزو های نفسانی ما میباشند در حالیکه زمانی این مصارف لذت بخش میشوند که هرگاه 2000 افغانی را که بالای خویش به مصرف میرسانیم 2000 دیگر را وسایل ضروری از قبیل خوراک و پوشاک برای یتیمان و مسکینان به مصرف برسانیم، تا ضروریات آنها نیز مرفوع گردد.

در غیر این صورت الله تعالی سخت با ما حساب خواهد کرد. چرا که برای یک مسلمان از نقطه نظر اخلاق، احساسات و عواطف بشری جایز و مشروع نیست و ضمناً با فطرت بشری سازگاری ندارد که مصارف غذای یک شبه ی شخصی 2000 افغانی شود، در حالیکه یک خانواده روز تا شام زحمت می کشد و در طول یک ماه دوهزار افغانی عاید اش باشد.

پس زمانیکه با خواهشات خود یتیم و بیوه ی را شریک ساختید، یقین کنید که در مال و دارائی شما برکت، در دل هایتان تقوا، در افکار تان آرامش ، در قلبهای تان سکون پیدا می شود، و هرگز در دار و ندار دنیا غرق نخواهید گشت و گمراه نخواهید شد و این قول موسی علیه السلام را که برای قارون گفت « وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيكَ »

(خوبی کن (در راه الله خرچ کن و ثروت خویش را با دیگران شریک گردان و نصیب و حصه برای آنان تخصیص ده) آنچنانی که الله با تو خوبی نمود) هرگاه ما این امر الله را به ذهن خود بسپاریم هرگز در دنیا به سرنوشت قارون گرفتار نخواهیم شد: الله تعالی درین مورد می فرماید: « وَيطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا) (الانسان /8-9)

(و می دهند (پرهیزگاران) طعام با وجود احتیاج بآن فقیر را و یتیم را و اسیر را ، و می گویند جز این نیست که طعام میدهیم شما را برای رضای الله نمی طلبیم از شما مزدی و نه شکری)

«مَا سَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ»(المدثر /42-43-44)

(و پرسان می کنند (اهل بهشت) که چه چیزی شما را در آورد به دوزخ ، گویند نه بودیم از نماز گذاران ، و نمی دادیم طعام فقیر را)

و در حدیث که از ابی عمرو روایت است و امام مسلم آنرا در صحیحش آورده می خوانیم : « - عَنْ أَبَى عَمرٍو جَرير بنِ عبدِ اللَّه، رضى اللَّه عنه، قال: كُنَّا فى صَدْرِ النَّهارِ عِنْد رسولِ اللَّهِ صَلّى اللـهُ عَلَيـهِ وسَلَّم فَجاءهُ قوْمٌ عُرَاةٌ مُجْتابى النِّمار أَو الْعَباء. مُتَقلِّدى السُّيوفِ عامَّتُهم، بل كلهم مِنْ مُضر، فَتمعَّر وجهُ رسولِ اللَّه صَلّى اللـهُ عَلَيـهِ وسَلَّم، لِما رَأَى

بِهِمْ مِنْ الْفَاقة ، فدخلَ ثُمَّ خرج، فَأَمر بلالاً فَأَذَّن وأَقَـام، فَصـلَّى ثُمَّ خَطب، فَقال: {يا أَيهَـا النـاسُ اتَّقُـوا رَبَّكُمُ الـذي خلقكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِـدةٍ } إِلَى آخِـرِ الآيـة: { إِنَّ اللَّهِ كَـانَ عَليكُمْ رَقِيبـاً} ، وَالآيـةُ الأُخْـرَى الَّتِى فى آخـر الْحشْـر: { يـا أَيهَـا الَّذِينَ آمنُـوا اتَّقُـوا اللَّه ولْتنظُـرْ نَفْسٌ مَّا قَـدَّمتْ لِغَـدٍ} تَصدَّق رَجُلٌ مِنْ دِينَارِهِ مِنْ دِرْهَمِهِ مِنْ ثَوْبِهِ مِنْ صَـاع بُـرِّه مِنْ صَـاعِ تَمـرِه حَتَّى قال: وَلوْ بِشقِّ تَمْرةٍ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ الأَنْصَـارِ بِصُـرَّةٍ كـادتْ كَفُّهُ تَعجـزُ عَنْهَا، بَلْ قَدْ عَجزت، ثُمَّ تَتـابَعَ النَّاسُ حَتَّى رَأَيتُ كَـوْمينِ مِنْ طَعـامٍ وَثيـاب، حتَّى رَأَيتُ وجْـهَ رسـولِ اللَّه صَـلّى اللـهُ عَلَيـهِ وسَـلَّم، يتهلَّلُ كَأَنَّهُ مذْهَبَـةٌ ، فقال رسـولُ اللَّه صَـلَّى اللـهُ عَلَيـهِ وسَـلَّم: « مَنْ سَـنَّ فى الإِسْـلام سُـنةً حَسـنةً فَلَـهُ أَجْرُهَـا، وأَجْـرُ منْ عَمـلَ بِهَـا مِنْ بَعْـدِهِ مِنْ غَـيرِ أَنْ ينْقُصَ مِنْ أُجُورهِمْ شَىء، ...»

از ابی عمرو جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که گفت: ما در اول روز نـزد رسـول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم بـودیم کـه گـروهی خدمتش رسیدند که برهنه بوده و عباهای پشمی خط داری که از قســمت سر پاره می شد، پوشیده بودند. شمشیر های شان در غلاف بود، عمــوم شان و بلکه همه شان از قوم مضر بودند. رسـول اللـه صـلی اللـه علیـه وسلم از گرسنگی ایکه بایشان دید حالشان دگرگون شده بخانه در آمد و باز بر آمده و به بلال دسـتور دادنـد و او اذان داده و اقـامت گفت، سـپس نماز گزارده و خطبه خوانده فرمودند: ای مردم از پروردگار تـان بترسـید، اللهیی که همهء شما را از یک نفس آفرید... تا آخـر آیـه کـه " همانـا اللـه مراقب و نگهبان شما است".

و آیهء دیگـری کـه در آخـر سـورهء حشـر اسـت " ای کسـانیکه ایمـان آوردید از الله بترسـید و بایـد بنگـرد هـر نفس بآنچـه بـرای فـردایش پیش فرستاده است." باید صدقه بدهد مرد از دینارش از درهمش، از لباســش، از پیمـانهء گنـدم و خرمـایش، حـتی فرمـود: اگـر چـه نیم دانهء خرمـا هم باشد. بعد مردی از انصار همیانی آورد که نزدیک بـود دسـتش از حمـل آن عاجز شود، بلکـه عـاجز شـده بـود. پس مـردم بـه تعقیب همـدیگر آمدنـد بحدی که دو انبار از طعـام و لبـاس جمـع شـد تـا اینکـه دیـدم کـه چهـرهء رسـول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم همچـون طلا می درخشـید...(رواه مسلم)

و در حدیث دیگری می خوانیم که صححین آنرا روایت نموده است «- عنْ عبد اللَّهِ بن عَمْرو بن العَـاصِ رضی اللَّه عنهُما أَنَّ رَجُلاً سَـأَلَ رسـول اللَّه صَلّى اللهُ عَلَيهِ وسَلَّم: أَى الإِسلامِ خَير؟ قال: « تُطْعِمْ الطَّعَام، وَتَقْـرَأُ السَّلامَ عَلى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لم تَعْرِفْ » (متفقٌ عليه)

عبد الله بن عمـــرو بن العـــاص رضی الله عنهما گفت که: مـــردی از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید که کدام اسلام بهتر است ؟

فرمود: که طعام بدهی و بر هر کس خواه او را بشناسی و یا نشناسی سلام کنی.

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسـلم بـرای تقسـیم نمـودن غـذا میان فقراء و مساکین ارشاد می فرماید: « عنْ أبی هُريرَة رضی اللَّه عَنهُ قَال: قال رسُولُ اللَّهِ صَلّى اللهُ عَلَيـهِ وسَـلَّم طَعَـامُ الاثْنَينِ كـافی الثَّلاثَـةِ ، وطَعـامُ الثَّلاثَـةِ كـافی الأَربَعَـةِ (متفق عليه)، و فی رواية مسـلم « طَعَـامُ الوَاحِدِ يكفی الاثْنَينِ، وطَعَـامُ الاثْنَينِ يكْفی الأربَعَـةَ وطَعَـامُ الأرْبعـةِ يكفی الثَّمَانِيةَ»(رواه مسلم)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول اللـه صـلی الله علیه وسلم فرمود : طعام دو نفر برای سه نفر و طعام سه نفر برای چهـار نفر کفـایت می کند و در روایت که مســلم از جـابر رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : طعـام یک نفر بـرای دو نفر و طعام دو نفر برای چهار نفر و طعـام چهـار نفر بـرای هشت نفر کفایت می کند)

بناً با در نظر داشت آیات متعدد قرآن و احادیث رسول الله صلی اللــه علیه وسلم طعام المسکین را به سه بخش تقسیم کرده می توانیم .

1- الله تعالی برای شما ثـروت بسـیاری داده اسـت و شـما خـوب می خورید و خوب می نوشید، و به همان اندازه خوب صدقه تقسیم می کنید.

2- نزد کسـی یـک بشـقاب غـذا اسـت نصـف آنـرا می خـورد و نصـف دیگری آنرا برای برادر مسلمان خود صدقه می کنید.

3- کسی که به غیر از یک بشقاب غذا چیزی دیگری در اختیار ندارد بناً آن را برای برادر مسلمان خود میدهد و خود گرسنگی را قبـول می کنـد و آنچه را برای زنـدگی و اشـباع آرزو هـای خـویش کسـب کـرده بـود بـرای دیگری آنرا لازم می داند و آنرا به کسی صدقه می کند که نسبت به خــود نیازمندتر می یابد.

به همین ترتیب هرگاه کسی بخواهد به عقیدهء خالص و قرآنی کوشش تغیر و تحول آوردن در زندگی خویش و اطرافیان خویش را بنماید الله در آن عمل وی برکت و رحمت خود را همراه می سازد و آن عمل را چنان بزرگ و مؤثر در جامعه می گرداند که ایمان و اطمینان به تحقق آرزو ها از مصداق آن خواهد بود.

که درین جا لازم می بینیم حکایت از امیر المؤمین عمر بن عبدالعزیز رحمةالله علیه را بیان کنیم چون ایشان خلیفه مؤمنین و امین جهت حفاظت از بیت المال بودند. روزی به خانه تشریف آوردند دیدند که خانم شان فاطمه غذائی قیمتی ء آماده ساخته بود ، چون از خانم خود پرسیدند: که این را از کجا تهیه کرده ای ؟

خانم شان در جواب گفت: از آنچه که روزانه از بیت المال حق ما می رسید کم کم آنرا پسنداز نمودم و در نتیجه آنقدر شده که برای شما امروز این غذا را آماده ساخته ام .

خلیفه فرمودند : پس آنچه که از بیت المال برای ما میرسد از خرچ و مصرف ما زیاد است که تو آن را توانسته یی که ذخیره کنی ؟ این در حالیست که روز ها گذشته نیز برای ما غذای کافی می رسید . بعد از آن خلیفه دستور دادند که از بیت المال به اندازه به خانه ی ما خرچ تحویل داده شود که تکافوی روزمره ما را کند و نه بیشتر از آن را .

شایان ذکر است که برای صدقه نمودن ضرور نیست. که حتماً پادشاه باشیم در هر موقیعت اجتماعی که قرار داریم باید صدقه بدهیم . که شما شاید شاهد باشید اشخاصی وجود دارند که دست فروش اند و یا بوت دوز ، ولی زمانیکه روز آخر می شود آنچه را کسب کرده اند نصف می کند نصف را به خود نگهمیدارد و نصف دیگر را صدقه می کند. که به این ترتیب باید فرهنگ صدقه دادن را تازه نگهداریم و در هر مکانی که زندگی میکنیم بالای خواهشات خود حاکم باشیم، برای مساکین طعام بدهیم، مال خویش را در بین مردم تقسیم کنیم، و یقین کنید که اگر200 افغانی را روزانه به مصرف برسانیم، قیامت نمی شود که 200 دیگر را صدقه کنیم. چرا طعام المسکین یکی از زیر بناها و اصول بنیادی اقتصاد اسلامی در جامعه بشمار میرود. ما الحمدلله در اینجا شخصی را مثال میدهیم که شهروند پاکستان است، اسم او را کسی نمیداند، الله تعالی ثروت کافی در اختیار اش گذاشته، او هم از دیر زمانی تا به امروز وسیله شده تا روزانه به هزار ها نفر مسکین و فقیر را در مسجد نبی صلی الله علیه وسلم در سعودی طعام دهد. و این سلسله حتی تا جنة البقی امتداد

پیدا کرده و فقرای آن منطقه به لطف پروردگار از صـدقات او بهـره منـد میشوند .

باید گفت در جهان اسلام از این قبیل اشخاص با تقـوا همچنـان وجـود دارند که مخصوصاً در ماه مبارک رمضان در محلـه هـای مختلـف و قریـه جات خویش و یا همسایه های خویش به این روش نیک (طعام المسکین) مبادرت میورزند.

پس برای آوردن مساوات آن عده از اشخاصی که غرق در خواهشـات خود اند، لطفاً متوجه باریکی موضوع شده و بالای خواهشات اضافی خود حاکم شوند تا در بین گروه سرمایدار و فقیر جامعه اعتدال به میان ایــد و به کمک این روش در زندگی مسلمانان تحـول آمـده و از چنـگ یهودیـان و نصرانیا رهایی یابیم .

3- خرچ را به منظـور ارضـای خواهشـات نفسـانی خـویش کم کنیـد و اندازه آنرا در راه الله زیاد بسازید:

اکـثراً این سـئوال را می پرسـند کـه تشـخیص فقـیر واقعی از غـریب نماهای تجار پیشه مشکل است. در ادامه راه حل را از حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم برای شما بیان می کنیم که کسی عین سئوال شما را از رسول کریم صلی الله علیه وسلم کرد : یا رسول الله صـلی اللـه علیه وسلم هنگامیکه ما می خوهیم صدقه نماییم برای ما چه معلوم است که کدام یکی مستحق و کدام یکی مستحق نیست ؟

نبی صلی الله علیه وسلم فرمودند: « بـرای آن شخصـی کـه مسـتحق است بدهید و برای آن شخص که مستحق نیست هم بدهید! تـا آنکـه اللـه تبارک و تعالی همچنان در زمانیکه تو مستحق هسـتی هم بـرای از نعمـات خویش ارزانی نمایـد و زمانیکـه مسـتحق نیسـتی همچنـان تـو را غـرق در نعمات خویش گرداند »

و در حدیث دیگری که امـام محمـد بن اسـماعیل بخـاری در صـحیش روایت نموده اسـت مصـداق بـه این سـخن رسـول الله صـلی اللـه علیـه وســلم می باشــد « عَنْ أبی یزِیــدَ مَعْنِ بْن یزِیــدَ بْنِ الأَخْنسِ رضی الله عَنْهمْ، وَهُوَ وَأَبُوهُ وَجَدّهُ صَحَابِیونَ، قَال: کَانَ أبی یزِیدُ أَخْرَجَ دَنَـانِیرَ یتصَـدَّقُ بِهَا فَوَضَعَهَا عِنْدَ رَجُلٍ فی الْمَسْجِدِ فَجِئْتُ فَأَخَـذْتُهَا فَأَتیتُـهُ بِهَا. فَقـال: وَاللَّهِ مَا إِیاكَ أَرَدْت، فَخَاصمْتُهُ إِلَی رسول اللَّهِ صَلّی اللهُ عَلَیهِ وسَلَّم فَقَالَ: «لَكَ مَا نویتَ یا یزِید، وَلَكَ مَا أَخذْتَ یا مَعْنُ »«رواه بخاری»

از ابو یزید معن بن یزید بن الاخنس رضی الله عنه روایت شده که: (خود و پدر و پدر بزرگش همه صحابی بودند، گفت: پـدرم ابویزید بمنظـور

صدقه دادن چند دیناری را نـزد شخصی در مسـجد گذاشت تا آن را بـرای نیازمندی صـدقه دهـد، سـپس من آمـده و آن مبلغ را گـرفتم و نـزد پـدرم آوردم، پـدرم گفت: بالله من نخواسـتم که این پـول بـرای تو داده شـود و من بحضـور پیـامبر صـلی اللـه علیـه وسـلم آمـده با پـدرم در این مـورد، مخاصمه و از او پیش پیـامبر صـلی اللـه علیـه وسـلم شـکایت بـردم، آن حضـرت صـلی اللـه علیـه وسـلم فرمـود که: ای یزید تو بر اسـاس نیت خویش اجر داده می شوی، و تو ای معن صـاحب پـولی هسـتی که گرفته ای)

بنـابر این حسـاب هر عمل نـزد الله تبـارک و تعـالی بر اسـاس تقـوا و حسن نیت مطـرح می باشد و تمـام اعمـال را الله تعـالی بر اسـاس نیت محاسبه خواهد کرد . چنانچه که ما همیشه دست به دعایم که اللـه تعـالی گناهان ما را عفو کند و ما را در زیر سایه ی نعمت و رحمت خود محفوظ بدارد . چرا که از رحمت و نعمت الله هیچ گاهی مال کم نمی شـود. لیکن اگر از مال خود زکات آنرا بیرون نسازیم و یـا مـال را از طریـق سـود بـه دست آورده باشیم ولو که کلمه بخوانیم، نماز گزاریم ، روزه بگـیریم ولی باز هم مال ما ناپاک باقی مانده و برکت را الله از آن می برد.

قسمیکه الله تعالی درین مورد می فرمایـد :« يمْحَـقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيـرْبِى الصَّدَقَاتِ » (البقره/276)

(نابود می سازد اللـه بـرکت سـود (و آنچـه از راه حـرام بدسـت آمـده باشد) و افزون می گرداند برکت خیرات و صدقات را)

همچنان رسول الله صـلی اللـه علیـه وسـلم بـرای مـا معیـار زنـدگی کردن در یک معاشره را تعین فرموده اند: « که مـؤمن نیسـت آنکـه خـود سیر بخوابد ولی همسایه او چیزی به خوردن نداشته باشد»

باید خاطر نشان ساخت آن خواهشاتی ما کـه مـانع فرمـان بـرداری از الله تعالی می شوند، لازم اسـت بـا آن مبـارزه صـورت گـیرد و مبـارزه و مقابله با آنها بسیار کار ساده ئی است.

مثلاً اگر منسک «پول دوست» بودن ضعف ما است، بـرای معالجـه ی آن صدقه باید داد، اگر ضعف ما این است که نفس اجازه نمی دهد تا مال صدقه کنیم، پس علاج این است که نباید در نـزد خـود مـال را نگهداشـت، لیکن بایـد قصـداً در راه الله خـرج کـنیم، و زمانیکـه انسـان بـه این کـار پرداخت آهسته آهسته نفس شکست خورده و قلب انسان در مقابل امر الله تعالی نرم می شود .

اسلام دینی است که نسبت به خوب خوردن و خوب پیدا کردن ، به خوب تقسیم کردن و زیاد صدقه دادن ارزش و اهمیت داده است. و این را شما یقین کنید ! اگر یک بار در بهترین هوتل که در دنیا وجود دارد غذا صرف کنید، آنقدر به این کار خوش نخواهید شد و لذت نخواهید برد نسبت به این که در بهترین هوتل دنیا شبی غذا خورده ام ، در حالیکه همان مقدار پول را به فقیر و مسکین یا یتیم و بیوه ئی صدقه داده باشید و ایشان در حق شما دعائی خیر نموده باشد.

از اقوال سلف صالح است که می گویند : دست مؤمن دستی است که زیاد نمی گیرد، بلکه زیاد میدهد و هر چه که دارد در راه الله خرچ و صدقه می کند.

برای پند گرفتن بیشتر ذکری از شهامت مجاهدین صدر اسلام را در اینجا می نمایم.

در جریان معرکه ی حق و باطل میان مسلمانان و رومیان چند تن از مجاهدین شدیداً زخمی شدند و هر کدام شدیداً به آب نیاز داشتند، یک تن از مؤمنه ها که وظیفه خدمات صحی و آب رسانیدن را به مجاهدین به عهده داشت ، متوجه این حالت شد آب را به یکی از آنها پیش کرد، مجاهد زخمی متوجه شد که برادر زخمی اش آب صدا میزند، گفت آب را اول به او بدهید که نسبت به من تشنه تر است! وقتی که به نزد او برد نفر سومی صدا می زد که آب، بناً دومی آب خود را به سومی تعارف کرد به همین ترتیب سومی به نفر چهارمی الی که در بین ده نفر زخمی همین سلسله دوران پیدا کرد، شخص آب دهنده دوباره به نفر اولی رسید، متوجه شد که او شهید شده به همین ترتیب نفر دوم نفر سوم و... همه و همه جام شهادت را نوشیده بودند.

سئوالی که در ذهن اکثر مردم دین اینجا مطرح می شود این است که چه علتی این نظام برادر پروری و از خود گذری را از بین برد ؟

در جواب باید عرض شود علت عمده و اساسی آن انتشار سود و ربا در داخل جوامع اسلامی و پذیرفتن آن توسط مسلمان بدون هیچ اعتراضی بود ، که از آن به بعد دعا های مردم همچنان قبول نشد، خوردن رزق و روزی حرام هم رایج گردید. و اکثراً در صف افرادی قرار گرفتند که الله و رسول او با آنها اعلان جنگ نموده است.

موضوع میراث

مشکل دیگر که در اجتماعات ما باعث کشمکش و درگیری ها گردیـده است مسأله میراث می باشد و برای هر یک از وارثین مطابق احکام اللـه تبارک و تعـالی حقـوقی تعین گردیـده اسـت . بنـاً امـروز مصـیبت جـای و جایداد دامن گیر مسلمانان شده است که به سبب آن پدر بـا پسـر درگـیر است و مادر با دختر و باعث شـده تـا تمـام اعضـای فامیـل یکی بـه جـان دیگری بیفتند و با گذشـت هـر روز در محـاکم بـه نـاحق صـدها هـزار نفـر پولهای خویش را صرف دعاوی می کنند.

اگر مطابق احکام اللـه و رسـول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم رفتـار صورت گیرد، هم الله از شما راضی و هم حق بـه حـق دار آن میرسـد و در عین حال سرمایه های ما به ناحق در محاکم مصرف نخواهد شــد و در جامعه امن و امان و رحمت و نعمت الله بر قرار میشود.

موضوع دیگری را که جـداً اللـه و رسـول الله صـلی اللـه علیـه وسـلم تاکید نموده اند و جز برنامه تطبیق عدالت اجتمـاعی در اسـلام می باشـد حق و حقوق زنان در جامعه است که رسول صلی الله علیـه وسـلم بـار بار در خطبه ی حجه الوداع به این مطلب ارزشمند تاکید فرمودنـد کـه بـا زنان خود عادل باشید .

در حالیکـه بخـاطر محـروم سـاختن آنهـا از مـیراث بـالای آنهـا ظلم بیشماری صورت میگیرد، مال و جایدات شان غصب میگردد و حـق کـه از میراث برایشان می رسد پرداخته نمی شود .

درینجا گفتنی ما این است که با قشر زنان جامعه در معاملات خود از الله بترسید از ظلم دست بکشـید، چـرا کـه آنهـا بزرگـترین حـامی شـما بشمار میروند. در هر جامعـه و در هـر خـانواده عنصـر فعـال آنـرا زنـان و دختران تشکیل میدهند. الله رب العزة تاکید فرمـوده انـد کـه مـال کسـی دیگری را به ناحق غصب نکنید. در غیر آن الله تعالی شدیداً حساب خواهد گرفت، چرا که آن مال حـرام اسـت و از آن مـال خـیر و برکـتی بـه شـما نخواهد رسید.

کـه درین جـا مختصـراً بعضـی از موضـوعات را پـیرامون همین بحث خویش از علامه مفتی رشید احمـد لـدیانوی رحمةاللـه علیـه از کتـاب کـه تحت عنوان میرات تألیف نموده انـد نقـل می کـنیم « در بعضـی منـاطق رسم برین است که اگر زن بیوه ازدواج مجـدد نمایـد او را از ارث ازدواج محروم می کنند به همین دلیل بعضی از بیوه ها از ترس محروم شــدن از ارث ازدواج نمی کنند و زندگی را با مشکلات می گذرانند ، و مـدام مـورد ظلم و شکنجه خانواده ی شوهر سابق قرار می گیرند و رنج می برنـد ، و

همچنان در بعضی از مناطق اگر زن از طائفه و فامیل شوهر نباشد بـه او میراث نمی دهند ، در صورتی که این ظلم صریح بر زن اسـت زیـرا اللـه متعال حق او را چه از طایفه شوهر باشد ، یا نباشد تعین کرده است .

گناه بزرگی که خیلی از اهل علم و خانواده های دیندار به آن مبتلا می باشند این است که از خواهران در باره میراث طلب عفو می نمایند و بـه اصطلاح حلالی می گیرند اما این افراد باید بدانند که با این گونه حیلـه هـا نمی توانند از حرام رهائی یابند ، اولاً به این دلیل که خواهران بنا برسم و عرف جاهلیت ، گرفتن حق را معیوب می پندارند ، و از طرفی از طعنه و زخم زبان برادران و نارضایتی آنـان می ترسـند ، رسـم هـای کافرانـه بـر دهانشان مهر سکوت زده و مظلومیت شان را چند برابر کرده است .

پس ای مردم ! به خاطر الله از آه این زنان مظلوم بترسید و بـر خـود رحم کنید ، مبادا شعله دل دردمند شان خـرمن عیش تـان را بـه خاکسـتر مبدل نماید .

حضرت رسول الله صلی الله علیـه وسـلم می فرمایـد: « اتـق دعـوة المظلوم فانه لیس بینها و بین الله حجاب»

از دعای مظلوم بترسید، زیرا میان آن و الله حجـابی نیسـت یعـنی بـه زودی قبول می شود . به هر حال بدانید که اولاً ، بخشیدن و معاف کـردن خواهران با دل ناخواسته شرعاً اعتباری نـدارد، ثانیـاً اگـر یکی از زنـان بـا رضایت خاطر معاف کند باز هم این کار از گناه خالی نیست زیرا این کـار وی تایید و ترویج رسـم جاهلانـه و شـیوه ی کفـار بـه حسـاب می آیـد کـه تقسیم میراث را عیب می دانند ثالثاً این نوع معاف کردن بر خلاف اصول شرعی است ، زیرا این گونه تعبیر هـا کـه من نمی خـواهم ، یـا بخشـیدم یا ... برای معاف کـردن قـرض هـا بـه کـار بـرده می شـود . بـا این گونـه کلمات تملیک صورت نمی گیرد برای تملیک یک چیز کلماتی ماننـد هدیـه ، و هبه به کار می روند البته اینجـا چـون ترکـه مشـترک اسـت از این جهت هبه ی چیز مشترک شرعاً صحیح نیست[1] »

زیرا تقسیم میراث از فرائض است که الله تعالی برای ما لازم گردانید است :« لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَـبْنَ وَاسْـأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىءٍ عَلِيمًا (32)ـ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَـوَالِى مِمَّا تَرَكَ الْوَالِـدَانِ وَالْأَقْرَبُـونَ وَالَّذِينَ عَقَـدَتْ أَيمَـانُكُمْ فَـآتُوهُمْ نَصِـيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَىءٍ شَهِيدًا»(النساء /32-33)

[1] میراث ص20-21

(مردان را هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و زنـان را هست بهـره از آنچه حاصل کـرده اند و بطلبید از درگــاه الله از بخشــایش او هر آئینه الله هست به همه چیز دانا ، و مقرر کردیم وارثان برای هر چیزی از آنچه گذاشته اند پدر و مـادر و خویشـان و کسـانیکه ایشـان را مربـوط سـاخته است عهد های شما پس بدهید ایشـان را بهـره ایشـان هر آئیه الله هست بر همه چیز حاضر)

و الله تعالی می فرماید :« لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَـرَكَ الْوَالِـدَانِ وَالْأَقْرَبُـونَ مِمَّا قَـلَّ مِنْـهُ أَوْ كَثُـرَ نَصِـيبًا مَفْرُوضًا»(النساء/7)

(مردان را حصه هست از آنچه بگذارند پدر و مـادر و خویشـان و زنـان را نیز حصه هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان از آنچه کم باشد از مال یا بسیار حصه مقرر کرده شده است (یعنی مردان و زنـان هـر دو حصه دارند از هر مال که باشد کم بـود یـا بسـیار درین ردَ اسـت بـر اهـل جاهلیت که زنان را حصه نمی دانند)

و از رسول الله صـلی اللـه علیـه وسـلم درین مـورد روایت اسـت کـه فرمود : لتؤدن الحقوق الی اهلها یوم القیامـة حـتی یقـاد للشـاة الجلجـاء من الشاة القرناء»(رواه مسلم)

(شما در روز قیامت حتماً حق صاحبان حقـوق را اداء خواهیـد کـرد آن روز حتی حق گوسفند بی شاخ از گوسفند شاخ دار گرفته خواهد شد)

و در حدیث دیگری که امام ترمذی آنرا روایت کرده است رسـول اللـه صلی الله علیه وسلم می فرماید: «من انتهب نهبة فلیس منا»

(هر کسی مال دیگری را غصب کند از ما نیست) .

پرداخت مزد و معاش در وقت معین

مشکل دیگـری کـه در جامعـه مـا رواج یافتـه عبـارت از نـدادن مـزد و معاش مزدور کـار یـا کـارگر در وقت معین آن می باشـد: کـه درین مـورد رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مـا ارشـاد فرمودنـد: « پیش آنکـه عرق جبین کارگر (مزدور کار) خشک شود باید مزد برایش داده شود. »

حکمت این حدیث مبارک زمانی معلوم می شـود، کـه شـخص کـارگر یقین داشته باشد کار و مزدوری که انجام می دهد مـزد آنـرا هـر چی زود تر دریافت کرده میتواند.

ولی یک تعداد ظلم میکنند معاش و مزد غریب کار و مــامور را 4 الی 5 روز به صورت عام ، دو ماه و سه ماه به صورت خاص(بعضی از ادرات و یا سازمانها) به تعویق می اندازند.

مردم مجبور میشوند از نزد دکاندار مواد خوراکی و مصرفی خویش را بطور قرضه اخذ کنند. و این سلسـله بین دکانـدار و عمـده فـروش ادامـه پیدا میکند و حتی در بعضی از موارد تبدیل به قرض بـا سـود میشـود. لـذا فرهنگ قـرض و قرضـداری در میـان مـردم بـاعث بی اعتمـادی میشـود و انــواع تکــالیف روانی بــرای مــردم ایجــاد می گــردد. در جامعــه نــارامی، مریضی و بد بینی افزایش پیدا میکند، چرا مرد فامیل کـه نـان آور فامیـل اش به شمار میرود هرگاه فکر اش نارام و پریشان باشـد، تـاثیر منفی در طرز رفتار وی با خانواده و اطرافیان او به جا میگـذارد، این فضـاء بـاعث جنگها میان خانم و شوهر میشـود و آن نارامیهـا مسـتقیماً بـالای تربیـه ی اطفال تاثیر بـدی بجـا می گـذارد . و اکـثراً علت تعـدد طلاق میـان زوجین بوده و گاهی هم باعث قتل و جنگ میان اعضای فامیل می گردد.

پس یگانه راه حل به این معظله این اسـت کـه پیش از شـروع کـار از کار فرما تعهد گرفته شود که با تمام شـدن کـار بلا فاصـله مـزد و معـاش خود را خواهانیم.

و از جهت هم کار فرمایان احسان را در نظر بگیرند. طوریکه در ابتــدا همراه شخصی به مبلغ 300 افغانی صحبت کرده اند. در پایـان کـار بـرای او .32 افغانی بپردازند با پرداختن 20 افغانی بیشتر هیچ قیامتی بـالای مـا نمی آید و هرگز با پـرداخت آن فقـیر نخـواهیم شـد مگـر بالمقابـل کـارگر حتماً خوشحال می شود.

چرا که ما هم آرزومندیم که الله تعالی همراه ی ما احسان نماید، اگــر الله تعالی در قبال ما احسان نکنـد هرگـز بـا اعمـالی کـه انجـام می دهیم مـورد مـرحمت قـرار نخـواهیم گـرفت و داخـل جنت نخـواهیم شـد، و از نعمات بی انتهای الله تعالی به آسانی مستفید نخواهیم گشت . و الله رب العزة با آن کسـانی احسـان می کنـد کـه او در زنـدگی بـا مخلوقـات اللـه احسان نموده باشد. احسان جزء از صفات مؤمن است که الله تعــالی در قرآن برای ما بیان نموده اند : «لَیسَ عَلَی الَّذِینَ آَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِیمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَـوْا وَآَمَنُـوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ یحِبُّ الْمُحْسِنِینَ »(المائده /93)

(نیست بر کسانیکه ایمان آورده اند و کار هـای شائسـته کردند گنـاهی در آنچه خوردند چــون پرهیزکــاری کردند و ایمــان آورند بــاز پرهیزکــاری کردند و احسان کردند و الله دوست می دارد احسان کننده گان را)

«وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَـيرًا لِلَّذِينَ أَحْسَـنُوا فِى هَـذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآَخِرَةِ خَيرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ»(النحل /31)

(و گفته شد متقیان را چیست آنچه فرو فرسـتاد پروردگـار شـما گفتند فـرود آورده است بهـترین سـخن آنـان را که احسـان کردند درین سـرای حالت نیک است و هر آئینه سرای آخرت نیکو سرای متقیان است)

و در آیه دیگـری الله می فرماید:« وَإِنْ تَعْفُـوا وَتَصْـفَحُوا وَتَغْفِـرُوا فَـإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»(التغابن /14)

(و اگر در گـذر کنید و روبگردانید و بیامرزید پس هر آئینه الله آمرزگـار مهربانست)

در این زمینـه واقعـه ی جـالبی را از امـام حسـین رضـی اللـه عنـه بـه عرض میرسانیم .

شخصی غلام شان بود، و از نزد او نافهمیده شوربای گرم بــالای امــام حسین ریخت ، بر این یک لحظه حضرت ایشـان بسـیار خشـمگین شـدند، چون که شخص مقابل نوکر و ملازم بود بناً دوباره به خویش حالت عــادی و نورمال گرفت و آن آیه که قبلاً برای شما ذکر کـردیم را بـه یـاد خـویش آوردند زمانیکه به آنجا رسیدن که عفو غلام مطرح شد به تعقیب آن بـرای غلام خـویش گفت بـرو تـرا بخشـیدم و زمانیکـه از آزادی کـردن غلام را خواند، برای غلام خویش گفت برو حالا آزاد هستی.

پس سئوال مهم این است که چرا مردم با وجـود این احکـام اللـه بـاز هم حق میراث یگدیگر را نادیده میگیرند ؟

آیا آنها نمیداننـد کـه در صـورت سـر بـاز زدن از احکـام اللـه و رسـول صلی الله علیه وسلم چه بد بختی بالای او، قوم و ملت اش می آید ؟

آیا بسیاری از مردم به عوض قانون الله نظام سود خـوری را در ملـک خود قاییم ساخته اند و میخواهند تحت سایه ی شیطان زندگی کنند و پول خود را در بانکها انداخته و سـالانه از سـود آن زنـدگی خـویش را بـه پیش ببرند ؟

زمانیکه احکام الله را قبول نکردید در اجتماع فساد رواج پیدا می کند، و هیچ انسـانی در آن معاشـره طبعیتـاً از شـر این فسـاد در امن نخواهنـد ماند، یعنی زمانیکه یک خانه کاملاً آتش گرفتـه شـود هـر کسـی کـه در آن

مسکن گزین باشد به خصوص کسانی که نزدیک آتش قرار دارنـد خواهنـد سوختند.

و این کار شان به مثالی می ماند که کسی بگوید من از بـرقی کـه در شهر آمده استفاده نمی کنم و در عـوض از بطـری اسـتفاده می کنم و از شفاخانه ها که در داخل یک اجتماع انسانی است استفاده نمی کنم بــرای خویش شفاخانه شخصی مهیا می گـردانم یعـنی من می خـواهم بـدور از اجتماع زندگی کنم ، که اینطور امکان ندارد .

پس وقتی که برای تطبیق نمودن برنامه هـای اقتصـاد اسـلامی اقـدام نموده ایم، از همه اولتر از خود شروع کنیم، در قـدم نخسـت مـا بایـد بـه احکـام اللـه سـر تسـلیم فـرود آریم ، سـرمایه و امـوال خـود را در بین نیازمندان تقسیم کنیم ، برای آن عده از مستحقینی کـه این نظـام کفـری مانند اژدهائی گلوی شان را می فشارد همدردی کرده و با تقسیم نمــودن مال خود هم به حکم الله لبیک گویم و همچنان بدین وسـیله بتـوانیم بـرای ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی سهمی گرفته باشیم.

زمین های زراعتی

موضـوع سـومی که می خـواهیم در آن مـورد بحث کـنیم، مسـئله ی زمینهای زراعتی است.

باید اعتراف کـرد در اسـلام قـوانین زیبـا و قابـل تطـبیق در این مـورد وجود دارد، اکثر زمین های که در اختیار اشخاص اند متأسفانه نه خـود بـه کشت آن علاقمندی نشان می دهند و نه کسی دیگری را میگذارنـد کـه در آن کشت کند، پس در این حالت حکم شرعی طوریست کـه هرگـاه بـالای زمین که قبلاً زراعتی بوده سه سال کشت صورت نگیرد، هـر کس اجـازه دارد تـا آن را آبـاد و هـر چی خواسـته باشـد در آن کشـت کنـد و حاصـل بردارد.

روی این دلیل زمین های زراعتی و یا زمین های دولـتی مطـابق سـنت رسول الله صلی الله علیه وسلم همـه ملکیت عامـه شـمرده می شـوند، ولی متاسفانه در جهان اسـلام اشـخاص نـا متعـارف بـا این نظـام خـالص الهی به نام «مافیا های زمین» زمین های الله را متعلق به اقوام و ملیتهـا ساخته اند. در نتیجه این بحران، باعث جنگهـا در میـان مـردم میشـود، در تقســیم زمین مطــابق علم مــیراث عمــل صــورت نمی گــیرد و اکــثراً بایر(لامزروع) گذاشته شده اند، در حالیکه اگر تحت کشت و زراعت قـرار

بیگیرند به لک ها نفر هم مصروف کار حلال شده و هم غذا کـافی بدسـت می آورند.

بناً همه بدبختی و فساد کـه در جامعـه شـیوع پیـدا کـرده در نتیجـه ی قبول نکردن احکامات الله رب العزة می باشد، بار دیگر تکراراً می گـویم و تاکید می داریم. زمین های خـود را کشـت کنیـد، هیچ زمیـنی را مـتروک نگذارید. خصوصاً اشاره ی ما بطرف کسانی است که الله تعـالی در حـق شان لطف کرده و آنها را مالک هزارها هکتار زمین ساخته است، پس آنها بدانند که نسبت به افراد که فاقد زمین اند مسـئولیت چنـد برابـری دارنـد هرگاه خود نمیخواهند و یا رسیده گی به کشت و زراعت زمین هـای خـود را نمیتوانند، پس همان مناطق را برای افرادی که میخواهند و توان کار را دارند تقسیم نمایند. در غیر این صورت زود خواهد بـود کـه اللـه تعـالی از ایشان سئوال کند که از این زمینها چرا استفاده نکـردی و بـه دیگـران هم اجـازه ی کشـت و زراعت را نـدادی تـا مـردم از ظلم اللـه نـا ترسـان بـه هلاکت نمی رسیدند.

رسول صلی اللـه علیـه وسـلم می فرمایـد: (از زمینهـای خـود در راه فلاح و خیر خواهی مردم استفاده کنید یا آنرا تقسیم نمایید، تا کسی دیگـر از آنها استفاده کند).

در اسلام موضوع زمین از اساسی ترین موضوعات بـه شـمار مـیرود. باید در زمین کشت شود و حاصل آن برای مردم توزیع گردد، اگر ما قـادر به کشت آن نیستیم هر کسی آن زمین را گرفت و در آن کشـتی نمـود از آن به بعد ملکیت او محسوب می گردد.

در نظام اسلام قانون در قبال زمین های زراعتی طوری نافذ شده کـه باید از زمین های که به هزاران هکتار طول و عـرض دارنـد عشـر گرفتـه شود، تا برای مظلومین جامعه توضع گردد و غریبی باقی نماند، در حالیکه امروز متاسفانه برخلاف قـانون اسـلام عمـل میشـود کـه هیچ زمین داری حاضر به پرداخت عشر نیست .

موضوع دیگری که میخواهیم مختصـراً بـه آن اشـاره ء داشـته باشـیم اینست که آن عده کسانیکه در بانکها پول ذخیره دارند، پیش از اینکـه طلا به اوج قیمت خود برسد، و پول های مروجه بی ارزش شوند، اگـر از اللـه و روز واپسین میترسند پول های خود را از روند سود خوری بـیرون آورده طلا و نقره خریداری کنند.

و همچنان زمانیکه در حسابات جاری که - سود در آن نیست - سرمایه ی خود را نگهداری کنید، بدون شک که در آن حالت نیز ضرر متوجه شـما

می شـود. زیـر از برنامــه هـای جـادوگری آنهـا تحت نـام انفلاسـیون و دیفلاسیون در امان نخواهید ماند، زیرا آن پولی را که شما زمانی به بانـک تحویل داده اید از آن پول توان خریـداری مـوتری را داشـتید ولی زمانیکـه انفلاسیون رخ می دهد از آن پول بایسکلی هم خریداری کرده نمی توانید.

پس در حد توان و صلاحیت سکه هـای طلا خریـداری نمـوده و بـه کـار بیندازید، چه خرید و فروش زمین باشد یا تجارت چـای، بـوره و... بـاز هم ما مشوره میدهیم تا در معاملات خود از طلا و نقره استفاده کنید.

این مطالبی را که قدم به قـدم مطـرح سـاختیم مربـوط بـه مبـارزات فردی یک شخص مؤمن و متقی میشود. آنـانی کـه ترسـی از الله در دل دارند، و برای پیاده نمودن احکام الله از هیچ نوع خـود گـذری دریـغ نمی ورزند.

در ادامه پیرامون مبارزه و مرحلـه جمعی یـا سـازمان یافتـه در داخـل اجتماع منظم؛ بحث خواهیم کرد. (انشاءالله)

مبحث دوازده هم
استفاده مشترک از امکانات یکدیگر

در فصل یازده هم مطالع شد که طعـام المسـکین در جامعـه اسـلامی آنقدر موضوع حیاتیست اگر نادیده گرفته شـود، و مـتروک قـرار گـیرد مـا شاهد آن خواهیم بود که به هزاران فقیر و مسکین از گرسنگی جان هــای خویش را از دست بدهند.

پس زمانیکه با خواهشات خود یتیم و بیوه ی را شـریک سـاختید، یقین کنید که در مال و دارائی شـما بـرکت، در دل هایتـان تقـوا، در افکـار تـان آرامش ، در قلبهای تان سکون پیدا می شـود، و هرگـز در دار و نـدار دنیـا غرق نخواهید گشت.

الله رب العزة تاکید فرمـوده انـد کـه مـال کسـی دیگـری را بـه نـاحق غصب نکنید. در غیر آن الله تعالی شدیداً حساب خواهـد گـرفت، چـرا کـه آن مال حرام است و از آن مال خیر و برکتی به شما نخواهد رسید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما ارشاد فرمودند: « پیش آنکه عرق جبین کارگر (مزدور کار) خشک شود باید مزد برایش داده شود. »

رسول صلی اللـه علیـه وسـلم می فرمایـد: (از زمینهـای خـود در راه فلاح و خیر خواهی مردم استفاده کنید یا آنرا تقسیم نمایید، تا کسی دیگـر از آنها استفاده کند).

در فصل بعدی مطالعه خواهید نمود کـه انصـار چگونـه پیونـد هـا را بـا بــرادران مهـاجر خــود محکم بســتند، و هــدف هم اســتفاده مشــترک از امکانات مختلف زندگی بود. بناً از این گذشته نیک رسـول الله صـلی اللـه علیه وسلم نتیجه میگیریم که ایجـاد مواخـات از خـود گـذری، بـرادری در داخل یک جامعه اسلامی از امور لازمی و انکار ناپـذیر می باشـد کـه پایـه وحدت اسلامی بالای آن استوار است.

1- باید مراکز بیت المال را ایجاد سازیم ، زمانیکه ما لفـظ بیت المـال را بکـار می بـریم مقصـد مـا بانـک نیسـت، بلکـه بیت المـال عبـارت از مرکزیست که هر چیز را میتوان در آنجا نگهداری کرد.

2- کفالت افراد را ثروتمنان به دوش گیرند.

3- مراکــز طعــام المســکین ایجــاد گــردد، و در هــر مســجدی بــرای مستحقین از طریق نمایندکان آن محل غذا اماده و تقسیم شود.

مبارزات اجتماعی

موضوع محوری ما در ادامه بیان عکس العمل ها در سطح اجتماعی (collective) بر علیه نظام غرب خواهد بود.

که به یقین گفته می توانیم که درین مرحله کار های بسیار مثمر و با نتایج مثبت انجام خواهد شد و هیچ مؤمن خود را درین پروسه ملی و اسلامی تنها احساس نخواهد کرد.

به عنوان بهترین مثال در این مورد دوره ی مکی و دوره ی مدنی رسول صلی الله علیه وسلم را به عنوان مثال ذکر کرده می توانیم، زمانیکه رسول گرامی صلی الله علیه وسلم از مکه مکرمه به سوی مدینه هجرت کردند، دوره ی مبارزات فردی ختم شده بود، چرا با مقیم شدن در آن شهر بنیاد حکومت اسلامی را گذاشتند، و قوانین، مقررات به منظور تنظیم سیاست های داخلی و خارجی مسلمانان وضع شد که شامل میثاق مدینه و میثاق با یهودیان عرب را در بر میگیرد. و چنان بنیان و تهدابی برای نظام اقتصاد اسلامی گذاشته شد که نه قبل از آن چنین روشی وجود داشته و نه بعد از آن تا به امروز مثالی از آنرا ارایه کرده میتوانیم ، ولی متأسفانه با گذشت زمان آن جریانات فراموش اذهان شده است، که ما برای دوباره زنده ساختن آن چند مثالی را ذکر میکنیم .

بناً بحث خود را از«مواخات» یا پیوند برادری میان مهاجرین و انصار آغاز میکنیم : زمانیکه مهاجرین مکه در راه الله و رسول او تمام دارائی، سرمایه و جایداد های خویش را رها کردند و مهاجرت را در پیش گرفتند. با رسیدن آنها به مدینه ی منوره رسول گرامی صلی الله علیه وسلم بین انصار و مهاجرین پیوند برادری را بستند، که به تعقیب آن انصار چنان از ایشان نگهداری و کفالت کردند مانند که یک شخص از فامیل خود مواظبت کند و تاریخ شاهد است که انصار این پیوند را با کمال امانتداری پیش برده و حق این پیوند را اداء کردند. حتی جای، جایداد، اموال و سرمایه های خویش را با مهاجرین تقسیم کردند، تا جائیکه سعد بن ربیع که دو خانم داشت برای عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه « برادر مهاجر» خود گفت برایم بگو کدام یکی از آنها به نظرت زیبا است تا آنرا طلاق دهم تا تو با او نکاح کنی . آنها این همه قربانی ها را به این خاطر دادند تا باشد از آن چی که در زندگی خود بهرمند اند، برادران مهاجر

شان نیز مستفید گردند. و تـا جـائی در این راسـتا کـار و تلاش کردنـد کـه زندگی هر مهاجری معادل زندگی انصار شد.

با بیان این سرگذشت دو درس بزرگی برای ما واضـیح می شـود، یکی اینکه انصار مدینه با رسول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم قـولی کـه داده بودند کاملاً به آن وفا کردند و حق آن عهد را اداء سـاختند. و از جـانب هم مهاجرین غیرت و همت گماشتند و به زود ترین فرصت برای خـود زنـدگی ساختند و نخواستند مدت مدیدی بار دوش انصار باشند. این سیاست خـیر اندیشانه و روش برادرانه یکی از بنیاد های مستحکم اقتصاد اسلامی شد.

بعد از آن همه جریاناتی که سلسله بـه سلسـله بـه وقـوع پیوسـت. و زمانی رسید که نظام اسلامی در اکثر و بیشتر از مناطق جزیـرة العـرب نشر و پخش شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه حجة الوداع برای بـار دوم بـالای مسـلمان اکیـداً ابـراز داشـتند کـه : (مسـلمان بـرادر مسلمان است، مال، جان، ناموس، عزت و شرف او برای تو حرام است[1] , قسمیکه تا به حال حرام بود)

بناً از این گذشته نیک رسول الله صلی الله علیه وسلم نتیجه میگـیریم که ایجاد مواخات از خود گذری، برادری در داخـل یـک جامعـه اسـلامی از امـور لازمی و انکـار ناپـذیر می باشـد کـه پایـه وحـدت اسـلامی بـالای آن استوار است. چرا که در شرایط امروزی انسانها به حدی مادیـات پرسـت شـده انـد کـه ارزشـها ، معنویـات ، اخلاص ... را تمامـاً در آینـه ی پـول و مادیات قیاس میکنند و بر خلاف اخلاص، کردار، ایمان و تقوا ء شـخص را معیار قرار نمی دهند.

اساس و بنیاد این جامعه ی وحشـیانه و فطـرت انسـانهای دد منشـانه امروزی را زمانی می توان تغیر داد کـه بـرادری، روحـانیت و معنـویت ، و اسلامیت خالص را بدور از تمام بدعت ها جایگرین (ماتریالیزم) نمائیم .

پس چگونه به این هدف نهـائی خـود نائـل شـده می تـونیم ؟ و عقیـده برادری و اخوت چه معنی را افاده می کند ؟

واضح است که در اجتمـاع مسـلمانان انـواع زیـادی از سـازمان هـا و مراکز اجتماعیء وجـود دارد . مثلاً مراکـز خیریـه ی مـواد غـذائی، مراکـز تجارتی یا اتحادیه های تجاری، انجمنهای صادراتی و یـا انجمن هـای بـازار، اتحادیه زرگران و یا صرافان، انجمن مساجد و... که ایجاد این انجمن ها و اجتماعات برای بهتر رسیدگی کردن و بهتر و خوبتر تنظیم نموده امــورات

[1] یعنی دست درازی و غصب و تجاوز بالای آن

ایشان می باشد ، و برای سهولت کار خویش به ایجـاد چـنین انجمن هـا و سازمان ها مبادرت می ورزند.

منظور ما از ذکر مطالب فوق این بود که مسـلمانان بـه شـکل دسـته جمعی بـا هم کـار کننـد و بـرای تـرویج بـرادری کـه هـر مسـلمانی بـرادر مسلمان دیگری است تلاش نمایند.

پس برای منظم ساختن امـور مسـلمانان ضـرورت اسـت تـا آن همـه معیـار هـای را کـه در مرحلـه مبـارزه ی خصوصـی بیـان داشـتیم در نظـر بگیریم، بناً تاثیرات آن در اجتماع بزرگ تر شده و معمـول میشـوند. و هـر فردی به تنهایی توان انجام کار مفید را داشته میتواند . ما توقـع کـار هـای خارق العاده را از افراد نداریم، ولی بدون شک نتایجی که از این روش به دست می آید کمتر از امـور خـارق العـاده (معجـزه آمـیز) نخواهـد بـود. و بـرای انجـام این انقلاب بـزرگ اسـلامی و اجتمـاعی ، اصـلاً و اساسـاً هیچ نیازی به کمک دولت و حکومت پیدا نخواهد شد.

یک تعداد ادعا میکنند با ایجاد چنین سازمانهای شـاید کـه در داخـل یـک اجتماع دو نظام « دو قطب» به وجود بیاید.

بلی ! در این چنین جامعه ی که ما زندگی میکنیم ایجـاد قطب مخـالف یک ضرورت اساسی است ، زیرا هدف ما این است تا تصویری از نظام و دین خالص و راستین در وجدان هر یک از این انسانهای مدنی نهادینه شود و ارتباط بین انسانها بر اساس دین، معنویت، روحانیت، برادری بـر مبنـای قرآن تشکیل یابد ، نه تعلقات حزبی ، مذهبی ، سمتی و گـروهی آنهـا کـه بدون شک تمائل به قومیت، لسان، نـژاد .. انـواع شـرک را اولـوهیت می بخشند. و این افکار شرک امیز را وسیله ی قطع علایق انسـان بـه احکـام ربانی می گیرند ، که در نهایت باعث چیره ساختن دشمن بـالای یـک ملت مؤمن گردیده و اسبات استعمار و اسـتثمار را بـالای جمعیت هـای اسـلام مهیا می گرداند. و تجربه نشـان داده کـه انتخـاب همین روش هـای منفی باعث ایجـاد نفـاق، جنگهـا و هـزاران مصـیبت دیگـر در میـان مـردم شـده است. و مقدمه ی برای استعمار و استثمار کفار بالای جمعیت مسـلمانان و در مجموع باعث کم زوری و محرومیت مسلمانان می گردد.

زمانیکه ما از برادری اسلامی صحبت می کـنیم بایـد هـدف مـا واضـح باشد. هدف ما این است که در مرحله ی مبارزات اجتماعی یـا مرحلـه ی که هر فرد مسلمان کامل شده ، و کـار نیکی را بـه دوش می گـیرد، سـه فعالیت عمده را برای نهادینه ساختن آن ضرور می باشد.

ایجاد مرکز اجتماعی برای اداره امور اقتصادی و مالی(بیت المال)

بیت المال عبارت از یک مرکز حقوقی ء است که همـه ئی آحـاد ملت و مردم در آن سهم دارند اما مالک و حافظ اصلی آن و همچنـان مسـئول مصرف آن دولت می باشد و هر فرد بـه تنهـائی نمی توانـد در آن ادعـای مالکیت نماید .

باید خاطر نشان ساخت، زمانیکه ما لفظ بیت المال را بکـار می بـریم مقصد ما بانک نیست، بلکه بیت المال عبارت از مرکزیست که هر چیز را در آنجا میتوان نگهداری کرد. پس برای ایجاد آن ضرور اسـت تـا جمعیـتی از مـردم در محلات مختلـف تشـریک مسـاعی نماینـد تـا منجـر بـه ایجـاد مرکزی تحت نام بیت المال شود. یعنی آنچنان مرکزی باشد تا هر شـخص بتواند در انجا آرد، بوره، چای، برنج، گوشت، پول نقد، زیورات، سکه هـای طلا و... را با اطمینان کامل جهت کمک به مستحقین بسپارد. یعنی بــه آن تعداد از افرادی که باشندگان همان محله باشند و توسط مردم محـل بـه عنـوان نیازمنـد شناسـایی و او جهت اخـذ کمـک بـه مسـئولین بیت المـال معرفی شود.

یعنی هدف ما درین مقطع زمان ایجاد مراکز بیت المال اختصاصــی در هر منطقه می باشد نه بیت المال عمومی که اداره وضع مالی و اقتصادی را در سطح یک کشور انجام بدهد که بالای این موضوع بعداً بحث خـواهیم نمود.

کفالت:

کـه یکی از وسـائل مهم تأمینـات اجتمـاعی در نظـام اقتصـاد- اجتمـاع اسلامی به شمار می رود، که برای آن اصطلاح کفـالت بـه کـار می رود ، که انجام این امر مهم در مرحله خصوصـی و فـردی هم مطـرح بحث بـود که درین جا نیز قابل بحث می باشد و در هر یک از مراحـل مـؤثریت هـای ویژه خویش را دارد.

که اگر همان افرادی که در شورای مسجد سهیم اند و یا آن اشخاصی که با شورای های قریه خود عضویت دارند و یا شورا یـا کمیتـه دکانـداران اقدامی را روی دست گیرند و آن تعداد افرادی که زیاد تر از همه نیازمنــد به کمک اند مانند یتیمان، بیوه ها، مسـاکین، فقـرا کـه در آمـدی کـافی در اختیار ندارند و یا اگر در آمدی هم دارند آنقدر نیسـت کـه کفـایت یـک روز آنها را بکند. بناً افراد خیر خواه کفالت آنها را به عهده بگیرند، مانند سـنت صدر اسلام که انصار کفالت بـرادران مهـاجر خـود را بـه دوش گرفتنـد. و امکان ندارد که تمامی سـاکنان یـک منطقـه فقـیر ، مسـکین و یـا نیازمنـد باشد. ما در هر محلی کـه زنـدگی میکـنیم هرگـاه بـه چهـار اطـراف خـود

نظری بیندازیم متوجه خـواهیم شـد کـه همـه مـردم اطـراف مـا را فقـرا، مساکین، یتیمان و بیوه ها تشـکیل نمیدهنـد و ضـمناً همـه آنهـا پـول دار و سرمایه دار هم نیستند، تعداد محدوی اگر فقیر و مسکین باشـند، تعـدادی هم امیر و سرمایه دار اند. بناً مسئولیت و مکلفیت همان اشخاص امـیر و غنی است که کفالت مسکین، یتیم و فقیر را بـدوش بگـیرد. و یـا از بـرای آزمایش پروردگار جهانیان سرمایداران ، و فقرا را در همسـایگی یگـدیگر قرار داده است. و همچنان اسلام از جمله استفاده ها و رعایتها متقابـل ، تکافل بین فرد و اجتماع و اجتماع و فرد را بر هر یک لازم گرانیده است و میان شان حقوقی قرار داده است .

اولاً هر فردی مؤظف است که اعمال خاص خود را نیکو انجـام دهـد و نیکو نمودن عمـل عبـادتی اسـت بـرای اللـه زیـرا کـه نتیجـه کـار او از آن جماعت بوده و در آخـر بـدان بـر می گـردد :« وَقُـلِ اعْمَلُـوا فَسَـيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»(التوبه /105)

(بگو کار نیک کنید که الله و رسول و مؤمنین کار هـای شـما را بـزودی خواهند دید»

هیچ فردی از اجتماع از رعایت مصالح همگانی معاف نبوده ، هر کسی در اجتماع هم رعیت است و هم نگهبان ، چنانچه رسـول الله صـلی اللـه علیه وسلم می فرماید « همه شما حافظ و نگهبـان بـوده ، همه در بـارة رعیت خـود مـورد سـؤال خواهید بـود» و تعـاون بین همه افـراد به خـاطر مصلحت اجتماع در حدود خوبی و نیکی واجب است .

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»(المائده / 2)

(و با یکدیگر مـدد کنید بر نیکو کـاری و پرهـیز گـاری و با یکـدیگر مـدد مکنید بر گناه و ستم)

و همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم تصویری از برای تعـاون و تکافل بین مؤمنی با مـؤمن دیگر را ترسـیم نمـوده و میفرمایند: « مـؤمن برای مؤمن چون بنائی است که جزوی جزو دیگری را مستحکم می نماید » و این بالا ترین ترسـیمی است که بـرای تعـاون و تکافل در زنـدگی می توان تصویر کرد.[1]

ایجـــاد اجتماعـــات عـــوام (community)ـــ یا کمیته هـــای طعـــام المساکین :

---

[1] عدالت اجتماعی در اسلام ص120

هدف از این پیشنهاد ما این است که در جامعه ی اسلامی هیچ فردی نباید گرسنه شب خواب کند. و ما نمی خواهیم که در یک اجتماع در وقت نان، تعدادی به صرف غذا مصروف شوند در حالیکه تعدادی دیگری در همان اجتماع در کوچه ها مصروف جمع آوری خیرات باشند.

مثلاً در بازار که به تعداد 300-400 دکان موجود و در آنجا به ارزش ملیارد ها افغانی اموال ماهانه تبادله میشود. پس چطور وجدان شان قبول خواهد کرد زمانیکه وقت غذا فرا برسد خود مصروف صرف غذا شوند ولی شخص دیگری در عین زمان و مکان به دلیل گرسنگی زندگی کردن برای اش تنگ گردد. و آیا چطور ممکن خواهد بود که در مسجد یا اطراف مسجد کسانی زندگی کنند که از بس داشتن سرمایه زیاد حساب و کتاب آن برایش معلوم نباشد، در حالیکه در اطراف شان فامیل های زندگی داشته باشند که برای یک وقت شان غذای کافی موجود نباشد.

هر وقت که ما در مورد مراکز خیریه اجتماعی صحبت می کنم، بسیاری از مردم در نقاط مختلف از کشور و جهان اسلام به این عمل مبادرت ورزیده اند. بناً برنامه ریزی کردن آن بسیار ساده میباشد. و باید گفت که نباید از حکومتها وقت توقع ایجاد این چنین برنامه های را داشت، چرا که همه ئی آنها به تاجران خون ملت خویش تبدل شده اند، و هیچ کاری از آنها ساخته نیست.

بعضی اشخاص بطور پراگنده به این روش ها ادامه داده اند که به فقراء و مساکین غذاء میدهند، و برای شان معلوم است که فلان مسکین و غریب صبح که غذا میخورد برای چاشت چیزی ندارد یا چاشت چیزی که میخورد برای شب حیران و پریشان است.

ولی این کمک ها شکل بنیادی ندارد مثلاً اگر شما به یک شهری بروید، در آنجا می توانید برای یک روز خود غذا پیدا کنید، ولی اگر احتمالاً تاجر کمک کننده ، امور خیریه ی خود را متوقف سازد، در آن منطقه شکم فقیر سیر نخواهد شد.

روی همرفته ما پیشنهاد میکنیم تا نظام کمک های خیریه و مراکز اجتماعی در هر محل به طور خاص و در سطح مملکت به طور عام پایه گذاری شوند. تا مردم غذائی خود را با مساکین و غربا شریک سازند، پس به این منظور روشی را باید در تمام جوامع اسلامی بر قرار ساخت تا امکان این موجود باشد که فقرا و مساکین در مسجد یا در خانه های خویش حد اقل دو وقت غذا صرف کنند. و هیچ محلی را سراغ نداشته

باشیم که در آن فقیر و مسکین شب را گرسنه سپری کند باید همه ی مستمندان به بیت المال معرفی شوند و یا هر شخص متمولی مسئولیت مصارف ماهانه ی شانرا به عهده گیرد. و یا به اشکال دیگری آنها را کمک و یاری برسانند. بطور مثال آنها را در کار های مناسبی بگمارند، که درین مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید « هرگاه شخص بیکاری را کسی به کار بگمارد به سبب آن در روز قیامت الله تعالی آن شخص را زیر سایه عرش خویش قرار خواهد داد آنروز که به جز آن سایه دیگر سایه و رحمتی نخواهد بود» یا اینکه اطفال شان را به مکتب بفرستند و کفالت تعلیم و تحصیل آن یتیم و مسکین را که توانائی پیش برد تحصیلات را ندارد به عهده گیرد که از بزرگترین صدقات همین می باشد و یا...

در مرحله مبارزه ی اجتماعی بزرگترین عمل انقلابی این خواهد بود که انجمن های مسلمانان به صورت عموم بوجود آیند و منجر به ایجاد جامعه ی بر مبنای برادری، روحانیت و معنویت شود. و این مهم نیست که این مراکز خیریه مربوط تاجران طلا یا اجتماعات طعام المسکین، یا اتحادیه های تجارتی و یا اتحادیه صرافان باشد.

4- جاری گردانیدن سکه های طلا و نقره به اطمینان کامل و بدون هراس : موضوع دیگر که ما پیشنهاد می کنیم این است که شما به اطمینان خاطر سکه های طلا و نقره را جاری سازید، تا مانند درهم و دینار زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم و یا درهم و دیناری که در زمان خلیفه سوم اسلام عثمان بن عفان رضی الله عنه ضرب زده شده بود از آنها استفاده به عمل آید. در ادامه لازم میدانیم تا اضافه کنیم وزن شرعی که اسلام برای دنیار تعین کرده یک دینار(سکه طلا) معادل 4.25 گرام می باشد که برابر به 0.14991 اونس می شود و مقدار یک درهم شرعی (سکه نقره) معادل 2.97 گرام بوده که مساوی به 10.7 حصه ی یک دینار می باشد ، و این اندازه ئی استندرد برای سکه های طلا و نقره در سراسر کشور های جهان می باشد. که امروز داکتر ماهاتیر محمد به سبب کوشش های خود آنرا در کشور مالزی توانسته است تا حدود و توانائی خویش سکه های طلا و نقره را رونق بخشد که الله ایشان را جزای خیر بدهد که این سکه ها با زمان صدر اسلام هیچ فرقی ندارد.

امروز در جهان اسلام هستند کسانیکه به ملیارد ها ملیارد سرمایه دارند آنها باید روند استندرد طلا و نقره را دوباره جاری سازند تا مطابق به احکام شریعت در هر جامعه مطابق به درهم و دینار معاملات صورت

گیرد. مانند که در اجتماعات خـویش پـول زکـات را بـا معیـار طلا و نقـره بپردازی ، و بر همین اساس تجارت کنند ، و قروض حسنه اعطاء کنند.

که آنعده از سرمایدارن که می توانند برای خود بوتـل آب تولیـد کنـد و در آن نشان شرکت خود را ضرب بزند و یـا آن سـرمایه گـذار کـه در آهن چادر و سایر مواد تعمیراتی مهر شرکت خود را ضرب میزند، بـدون شـک که می تواند سکه های طلا و نقـره را بـا وزن و معیـار شـرعی هم جـاری سازد. که با اطمینان گفته میتوانیم که این سکه ها قابلیت آنـرا دارنـد کـه به زودی جای پول های رایج جعلی را بگیرند و هرگز هیچ غـریب و فقـیری از ناحیه انفلاسیون و دیفلاسیون زیان نبیند ، شاید بپرسید که رایج ساختن آن مشکل خواهد بود؟

ما در جواب میگویم همان طور که دالـر رایج شـد، در کمـترین مـدت سکه های طلا و نقره جای دالر را خواهد گرفت و بهترین بدیل اسلامی به سایر پول ها خواهد بود. و همـان طـوری کـه یهـودیلن طلا هـای مـردم را جمـع آوری و بـرای آن بانـک هـای را سـاختند و از اعتمـاد مـردم سـؤی استفاده کرده در امانات ایشان خیانت کردنـد..، بـر عکس و بـر علیـه این نظام کفر ما میتوانیم در هر منطقه مراکز بیت المال را فعال سـاخته، تـا مردم بتوانند پول های کاغذی خویش را به طلا و نقره تبدیل نمایند، ماننـد که امروز در دبی این روش جریان دارد. و اینکه چـه کسـی این کـار را در دبی انجام می دهد برای ما مشـخص نیسـت ولی مراکـز بـزرگ تبادلـه ی دالر به سکه های طلا و نقره به وجود آمده و مراکز تجارتی را ایجاد کرده اند که در آنها از حسابات طلا (Gold Account) استفاده می شود، یعنی زمانیکه معاملـه تجـارتی عقـد می گـردد بلافاصـله طلا در حسـابات شـان منتقل می شود. و اگر سند بانکی را صادر می کننـد، صـد فیصـد در عقب آن طلا موجـود میباشـد. یعـنی هـر زمـانی کـه مـودع خواسـتار طلا شـود مسـتودع در هـر حـال بـرای او طلا می پـردازد، و این برنامـه کـاملاً بـا حسابات پول کاغذی جعلی فـرق می کنـد، چـرا کـه این حسـابات، بـا طلا محاسبه میگردد. یعنی زمانیکه طلا تحویـل می دهیـد دوبـاره طلا اخـذ می کنید. و این مسئولیت بـدوش سـرمایه داران و تـاجران اسـت، تـا تجـارت خویش را با طلا و نقره انجـام بدهنـد، و انجـام این کـار بـه عهـده فقـیر و بیچاره نبوده و از توان آنها بیرون است .

پس ای امت مسلمان ! شما آگاه و بـا خـبر باشـید کـه تنهـا بـا تـوپ و تفنگ کفار شکست نمی خورند، اگر میخواهید تا زود تر بـه هـدف برسـیم

باید به مراکز اصلی آنها که بنیاد استعمار و استثمار مـردم مظلـوم جهـان از آن جاها منشأ میگیرد ضربه ی کاری وارد سازیم.

پس چطور و چگونه میتوانیم به پیروزی چشمگیری نایل گردیم ؟

زمانی که مـا در جامعـه خـود سـکه هـای طلا و نقـره را رایج سـازیم، زکات خویش را با سکه های طلا و نقره بپردازیم، صـدقات و انفـاق را بـا سکه های طلا و نقـره انجـام دهیم، سـکه هـای طلا و نقـره را در اجتمـاع خویش جاری سازیم. و از جهت هم روش کفالت را در جامعه اختیار کرده و انجمن(سازمان) های بیت المال را در هر محل ایجـاد کـرده و آنـرا ملی سازیم تا اینکـه راه هـای نفـوذ نظـام کفـر غـربی در جامعـه ی مـا بسـته شود ، و منافقین جهان اسـلام در بین جامعـه از فعـالیت بیفتنـد، از آن بـه بعد هیچ یک از کفار برای مؤمنین نگویند که (مرمی یا حساب بانکی!)

داکتر ماهاتیر محمد در سطح بین الملل طرح و برنامه ی داده اسـت. او میگوید که باید ملتها مسلمان در بین خود معاملات گسـترده ی تجـارتی داشته باشند. به طور مثال امارات متحده ی عربی بـا کشـور مالیزیـا هـر چیزی را که وارد و یا صادر می کنند، فرضاً 2 ملیارد دالر مواد خوراکــه از یک کشور صادر و آنرا کشور دیگری وارد می کند، پول این نـوع معـاملات به طلا و یا اموال باالمثل محاسبه شده و برایشان تادیه گردد.

و این طرح نهایت طرح بـزرگ اقتصـادی اسـت کـه از کاندیـد ریاسـت جمهوری امریکا (ران پاول عیسوی مذهب) گرفته تا داکتر ماهـاتیر محمـد (داکتر و عالم اسـلامی) از این سیاسـت و برنامـه ئی اقتصـادی پشـتیبانی می کنند.

باز هم اکیداً ابراز می داریم که در سطح منطقه و جهان کمبود طلا و نقره محسوس نبوده، تنها طلا و مس بلوچستان پاکستان که جدیداً کشف گردیده است به ارزش 2400 ملیارد دالـر بـر آورد شـده ، کـه تنهـا همین مقدار طلا میتواند به چنـدین برابـر بیشـتر طلا مـورد نیـاز جهـان را بـرای ضرب مسکوکات کفایت کنـد. و دیگـر اینکـه همین عقیـده بـرادری تـامین کننده ی نظام اجتماعی مسلمانان است چرا هر فقیر و مسکین که بــرای شب غذای نداشته باشـد بـه این بـاور اسـت کـه حتمـاً بـرادر مـؤمنم پیـدا خواهد شد که نام او را نمی دانم، خانه او را نه دیـده ام و نـه گـاهی او را ملاقات کرده ام ، ولی بخاطر این که در یـک مسـجد نمـاز می خـوانیم، و معتقـد بـه یـک دین و مـذهب هسـتیم و در یـک محـل زنـدگی می کـنیم و همسایه ی او هستم، برایم غذا خواهـد فرسـتاد زیـرا حـق همسـایه آنقـدر

زیاد است، حتی اگر کسی فوت کند و وارثی نداشته باشد بـرای همسـایه او از ارث میراثی میرسد .
پس در همچون یک محیطی اگر کسی مریض شود یا مشکلی بـرای او اتفاق بیفتد، حتماً مردم محل و همسایه ها به کمـک همـدیگر می شـتابند، که به فضل الله در معاشرت ما از اینگونه پیوند برادری تـا حـدودی وجـود دارد. پس برای رسیدگی به این همه امور خیریه اگـر مـا مرکـزی نداشـته باشیم و برای این امور سازمانی را بنـام بیت المـال ایجـاد نکـنیم، بسـیار مشکل خواهد شد تا به افراد نیازمند منطقه رسیدگی شود. و یا حـد اقـل می توانیم در هر مسجدی برای 20-40 نفر دو وقت غذا آماده سازیم.
مثلاً در لاور پندی هوتل داری را مشناسیم که مردم نزد وی می آینـد و هر کسی به قدر توان خود برایش پول میپردازد ، او پول ها را جمع کـرده و با آن غذا برای مسکین، فقیر ، بیوه ، و صد ها نفر که در عقب دکـان او صف کشیده اند توزیع می کنـد، و اللـه تعـالی در کـار هوتـل او بـرکت هم انداخته است و روزانه هزاران نفر از هوتل وی غذا خرید می کنند .
ولی این یک عمل خصوصی اسـت، اگـر مـا این را بـه عمـل اجتمـاعی تبـدیل کـنیم هرگـز از آن پس بـا غـریب و فقـیری در جامعـه بـر نخـواهیم خورد .
شاید یک تعدادی بگویند که در همه جا غربا موجود اند و نمی شـود کـه همه را غذا داد و آنچه که ما میخوریم آنها را نشـاید کـه بـهماننـد مـا غـذا بخورند !
در جواب باید گفت که همه از یک نوع غذا استفاده کنید چه فرقی می کند، همه برادر یکدیگر انـد. چی می دانیـد شـاید کـه اللـه تعـالی از بـرای امتحان شما شخصی را ژنده پوش ساخته باشد ؟
آیا کفران نعمت الله، ترک سنت رسول صلی اللـه علیـه وسـلم را می کنید و آنچه برای خود می پسندید برای برادر مسلمان خود نمی پسندید ؟
آیا از آن غذائی که میخورید می دانید که صـاحب آن الله می باشـد و شما از آنچه که خود مالک آن نیستید دیگران را چگونه محـروم کـرده می توانید ؟
شما یک بار این ارزش های والا را در محیـط خـود اعمـال کنیـد، بعـداً نتیجه خواهید گرفت که در کشور کسی نخواهد بود کـه از گرسـنگی خـود کشـی کنـد؛ هیچ پـدری را نخواهیـد دیـد بـه دلیلی کـه نمی توانـد کفـالت خانواده خود را بکند، و یا علاج مریضی خـانم و اولاد خـویش را کنـد خانـه خود را رها کرده و به مواد مخدر رو آورد.

یک بار اگر این نظام قایم شـود پس از آن بـه شـکل شـاید و بایـد این پروسه جریان پیدا میکند و بدون شک که اللـه تبـارک و تعـالی در این کـار خیر برکت خواهد انداخت. چـرا نظـر بـه تجربـه ی کـه از کشـور سـعودی دارایم در مسجد نبوی اگر یک شخص به کمک و طعام المسـکین مبـادرت نورزد، فوراً شخص دیگری حاضر شـده و این مسـئولیت را بـر عهـده می گیرد .

بلی ! مـا میخــواهیم در هــر مســجد از این روش اســتفاده شــود. و ضرورت به اجازه گرفتن از حکومتهای فاسد را هم نداریم .

درین اواخر شخصتی در شهر ظهور کرده است که اسمش عبدالسـتار می باشـد و ایشـان برنامـه بـزرگی را بـه منظـور طعـام المسـکین بـراه انداخته اند و روزانه تعداد کثیری از فقراء و مساکین را طعام می دهند.

ولی نباید منتظر باشیم که تمام کـار هـا را عبدالسـتار بـه پیش بـبرد و همه را او طعام بدهد و به مشکلات همه گی او رسیدگی نماید ، لازمست تا از استعداد های خود استفاده کنیم بخـاطر کـه هـر انسـان در ذات خـود مبتکر است، و دارائی قـوه خلاقی میباشـد، مثلاً یـک فـردی بـرای نـابودی نظام سود از خود ابتکار نشان می دهد و شخص دیگری در قسمت بهبـود وضع مساکین کار و احساس مسئولیت میکند.

چرا ما به عوض آن تعـداد مراکـزی کـه بـه منظـور فـروش تکت هـای سره میاشت(قمـار) گذاشـته شـده اسـت . امـاکنی را در اختیـار نداشـته باشیم که در آنجا برای مساکین و فقراء مستقیماً کمک صورت گـیرد و یـا طعـام داده شـود و یـا در آنجـا بـه تعلیم آنهـا پرداختـه شـود. و در ممالـک اسلامی الحمدلله انسان های با ایمان ، متقی و پرهیزگار زیـاد انـد کـه بـا همچـون مراکـز همکـاری و کمـک مـالی کننـد. و حـتی بـا اطمینـان گفتـه میتوانیم که در سطح جهان به میلیون ها نفر پیدا خواهند شد که این مرکز را حمایت کنند که برای لحظه ی هم غیر فعال نباشد.

و با احداث این مراکز آن زمان دور نخواهد بود کـه مسـکین و فقـیری ازین ناحیه پریشان خاطر باشد، که اگر روزی من و یا طفل ام بیمار شود برای تداوی و معالجه ما پـولی وجـود نـدارد. و هیچ شخصـی بـه این فکـر نخواهد بود که بعد از شهادت و یا مرگ من، طفل هایم یتیم خواهنـد مانـد و متوجه تعلیم آنها چه کسی خواهـد بـود و آیـا کسـی پیـدا خواهـد شـد تـا سرپرستی شان را به عهده گیرد ؟

زیرا تحقق این برنامه های تامینات اجتماعی که خود مسلمان به برپائی آن اقدام نموده اند باعث آرامش خاطر هر مؤمن در قلمرو، سرزمین اسلامی خواهد شد.

در ظاهر امر انجام این امور در نظر ما کوچک میایند ولی اطمینان باید داشت که تاثیرات گستردة و مؤثر و همه جانبه ئی را در جامعه از خود به جا میگذارد.

واضح است که یهودیان می خواهند تا از راه های مختلف ما را از بین ببرند و نفوس مسلمانان را به حد اقل آن برسانند و قبلاً گفتیم که حکومت های امروز که در هر گوشه ی از دنیا بالای ما قوامیت دارند همه و همه غلامان و همکاران یهودیان میباشند. پس روی این دلایل بار دیگر تکراراً می گوییم که هرگز و هرگز از این نوع امور و برنامه های اجتماعی که هدف آن عافیت و آرامش روحی و روانی انسانها می باشد حکومتها به دوش نمی گیرند ، زیرا آنها در تجارت خود مصروف اند و الله تعالی از ما در قبال یتیم ، بیوه و گرسنه خواهد پرسید .

بناً در شرایط حاضر از نقطه نظر اجتماعی مهمترین رسالت ما رساندن کمک برای افراد است که از تعلیم محروم اند، باید برای شان وسایل تعلیم و تربیه اسلامی را در حدود دستورات قرآن و سنت روسول الله صلی الله علیه وسلم آماده کرد، کسی که بی سر پناه است برایش سرپناه آماده شود. و امروز که این اموری در سطح منطقوی به صورت محدود جریان دارند، ما آرزومندیم تا در سطح ملی و کشوری تسریع بخشیده شود.

باز هم یاد آور میشویم که به هر شیوه ی ممکن بر علیه این نظام جهاد صورت گیرد و آنها از صحنه کنار گذاشته شوند، به اصطلاح خودشان(By pass) شوند. تا همان اهداف والای اسلامی پیاده گردد و آهسته آهسته آنرا توسعه بخشیم . در غیر آن زندگی ما در زیر سایه ی دموکراسی (شرک قرن بیست یکم) به همان مثال مشهور می ماند، که من برق آبی نمی خواهم، برق آبی را از خانه خود قطع کنیم و جنراتور را روشن نموده از برق آن استفاده کنیم، در هر دو صورت برق همان برق است که به خانه ما جریان پیدا میکند .

یعنی کسانیکه ادعاء این را دارند که ما این نظام کفر را نمی خواهیم این نظام باید از بین برود ولی نا آگاهانه در دام های مختلف یهودیان که با چهره های ملایم و مردمی مانند دموکراسی برای ما می آورند گیر می افتند ، که لازمست ما کاملاً باید هوشیارانه عمل کنیم و اهداف ایشان را

از ریشه تشخیص دهیم زیرا آنها می خواهند تا بخشهای اجتماعی در میـان مسلمانان به وجود نیاید و ارتباطات مسلمان بـا یکـدیگر قطـع گـردد و در میان شان فتنه ها ، جنگهای قومی، اختلافات مذهبی دوام داشته باشد .

ولی ما در مقابل باید ارتباطات خویش را بـه حـد اعظم و اعلی آن در میـان مسـلمانان تسـریع و تحکیم بخشـیم. هـر شـخص توانمنـد، کفـالت بازمانـدگان شـهدا را بـه عهـده گـیرد، هـر یـتیمی را بـه مکتب و تحصـیل بفرستیم، مراکز طعام المسکین بسازیم و مراکز داشته باشـیم کـه بـرای مسلمانان قرض حسنه بدهند، زیرا آنهای کـه واقعـاً نیازمنـد انـد ولی نمی خواهند که خیرات جمع آوری کننـد و آرزو دارنـد تـا از قرضـه هـای حسـنه استفاده شود و او شخصی با غیرتی است. همین که موقع برایش مساعد شود در زود ترین فرصت قرضهای خود را میپردازد و آنها مجبور نباشند تا به بانکها یا مراکز که برای مردم قرضه با سود داده میشود مراجعـه کننـد چرا که در فرهنگ آنها است تا مردم ناچـار شـده و مجبـوراً از رونـد سـود خوری استفاده کنند تا مورد لعنت و نفرین الله جل و عظمة قرار گیرند.

دوستان به این باریکی متوجه باشند که هدف ما مردم را خیرات خـــور تربیه کردن نیست، بلکـه میخـواهیم تـا آن کـه آنهـا بـالای پـا هـای خـویش اسـتوار نشـده باشـند، بـرای شـان کمـک شـود. چنانچـه کـه انصـار بـرای مهاجرین انجام دادند. برای آنها قرض حسنه را در نظر گرفتند تا آنها برای خویش کار و تجارتی را پیدا کنند،

در هر محـل و منطقـه ی اللـه تعـالی هم غـنی و هم فقـیر را مسـکن گزین ساخته است مشکل ما فقط اینجاست کـه انسـانها نمی خواهنـد بـا یکدیگر ارتباط قایم کنند و به مشکل یکدیگر رسیدگی نمایند.

باید گفت که بدون شک در پیش برد این برنامه هـا امکـان دارد سـکته گی ها و خیانت های از طرف بعضی از فاسـدان بـراه انداختـه شـود ولی مطمین باشید و شما به کار خود ادامه بدهید، زود خواهـد بـود کـه آنهـا را الله رب العزة تباه و برباد کند .

باید در مبارزات و مرحله اجتماعی، امور طوری برنامه ریزی شود کــه یک تعداد مصروف تربیه ی اطفال نیازمندان خود شـوند، در بخش دیگـری خرج و غذائی ماهانه آنها را بپردازد، و تشکیلات داشته باشیم که افراد بی بضاعت را طور آموزش بدهند کـه آنهـا از غـیرت اسـلامی شـان اسـتفاده کرده و با پول که در اختیار شـان گذاشـته میشـود بـرای خـود پیشـه ی را برنامه ریزی کنند که در آن معیشت امور شان رونق بگیرد و آنها در آینـده

محتاج به صدقات و خیرات از جانب دیگران نباشند، بلکه روزی برسد کـه خود تا حد امکان از مظلومین دست گیری کنند.

هدف بـزرگ مـا از تطـبیق این راهکـار هـا این اسـت تـا نظـامی را در مقابل نظام صهیونیست خون اشام به پا ایستاده کنیم تـا پـیروان شـیطان بدانند که اسلام دارای نظام اقتصادی بسـیار محکمی اسـت. و بدانیـد کـه این روشها قابل الاجرای اند و هر فرد و جماعتی می توانـد این اهـداف را اعمال و تعقیب نمایند. از 1400 سال به این طـرف مسـلمانان این امـور را در پیش گرفته اند و نتیجه هم داده است و عمـل و کـار حـادثی نیسـت اگر تاریخ 1400 ساله اسلام را ورق بزنیم به هزار ها مثـالی از این قبیـل را یافته میتوانیم. اگر امـروز هم بـه شـکل گسـترده ئی این امـور اِعمـال شود خود تصور کنیـد کـه بـه چـه انـدازه بـرادری میـان جامعـه مسـتحکم میشود و به چـه انـدازه از خـود گـذری و مهربـانی در میـان جامعـه رشـد خواهد کرد ؟

و چی مـانع بـزرگی در مقابـل اهـداف یهودیـان ایجـاد خواهـد شـد کـه میخواهند جنگها و فتنه ها را در میان مسلمانان شیوع بخشند و مسلمانان را از فریضه ی جهاد بر علیه شان باز دارند و بـرای جهـان مقـدس اسـلام اسم های بنام ترور ، دهشت افگنی ، مخالفت هـای مسـلح ، و غـیره نـام گذاری کنند زیرا ایشان توانائی این را ندارند تا لفظ جهاد را از قرآن پـاک کنند بناً با استفاده ازین شیوۀ می خواهند مسلمان را به وضعیتی برسانند تا ایشان به حدی در امور دنیوی غرق باشـند کـه حـتی مجـال فکـر کـردن آخـرت و اینکـه جهـاد فـرض عین اسـت را نداشـته باشـند . مـا در فصـل گذشته اشاره داشتیم که از مصارف نفسانی خود بکاهید و پولهای خود را در بیت المال و سازمان های اجتماعی تحویل دهید. تا از آن پول یتمی بـه مکتب برود و فقیری از آن سیر شود و نیازمندی احتیاجش مرفـوع گـردد، که فایده آن اینست کـه هرگـاه وقـتی شـما از دکـانی چـیزی را خریـداری میکنید مسکینی را نخواهید دید کـه در عقب دروازه تـان ایسـتاده باشـد و برای شما بگوید که برایم کمک کن !

بناً باید دانست که بد ترین کـار و پسـت تـرین کـار در اسـلام تقاضـای خیرات است، پس حتماً شما با من موافق خواهید بود که در میـان سـوال گران بعضی از آنها واقعاً نیازمند ولی بعضی دیگری مسلکی و تجار پیشـه اند.

پس زمانیکه در هر محلی کمک و همکاری با نیازمنـدان صـورت گـیرد، به سبب آن نیازمندان واقعی دست از جمع آوری خیرات میکشند و آنهـای

که با وجود که مشکلات شان مرفوع شده است ولی باز هم به این کار زشت مبادرت میورزند پس معلوم است که ایشان نیازمند نه بلکه اشخاص مسلکی اند و خیرات خوری پیشه و تجارت شان شده است .

ایجاد مراکز خیریه مشکل دیگر مردم را نیز حل میسازد، چرا آنهایکه پولهای شان را در بانکها می گذارند، علت این عمل شان این است که مراکزی بخاطر سرمایه گذاری شان وجود ندارد و آنها ناگزیر اند تا سرمایه های خود را در بانکها ذخیره کنند. و بانک داران هم از سرمایه های شان به نفع خود استفاده کرده و آنرا به سود می گذارند.

راه حلی را که برای این مشکل در نظر گرفته ایم ، همانا مراکزی که مسئولیت تبادله ی سکه های طلا را بدوش میگیرند است ، ضمناً میتوانند فرصت های را برای امت مسلمان آماده سازند. تا آنهای که سرمایه های شان در بانکها راکت مانده است هر کدام را با تاجاران بزرگ معرفی کنند تا با هم مشترکاً در تجارت سرمایه گذاری کنند.

با تطبیق این برنامه از یک سو از روند سود خوری بانکها رهای پیدا میکنند و از جهت هم ثروت او در گردش میفتد و دیگر اینکه با چنین سازمانها شریک شده و در صادرات و واردات مواد سهیم میگیرند، و طبیعی است که در تجارب شان افزوده میشود ، راه استفاده ی خرید و فروش اموال را پیدا میکنند، و حتی در آینده ها قادر به این میشوند تا خود شرکت تولیدی را فعال سازند.

مبحث سیزده هم

تطبیق شریعت برای نجات بشریت از ظلم بشر

در فصل دوازده مطالعه شد که چگونه مسلمانان بین خود تعون کنند، مراکز بیت المال تشکیل شود، سرپرستی فامیل های یتیم بدوش گرفته شود، مراکز تبادلات پول های کاغذی به طلا و نقره ایجاد گردد. از طریق این مراکز استعداد ها درک و همچنان آن افرادی که از سرمایه ها خود استفاده کرده نمیتوانند، آنها به تاجران موفق معرفی شوند تا در عرصه های جایز مشترکاً سرمایگذاری کنند.

در فصل بعدی خواهید مطالعه نمود. رسول الله صلی الله علیه وسلم بانی حکومت اسلامی و دولت اسلامی به اجرای شریعت اسلامی در

جامعه ملزم شناخته شد و در ضمن الله تبارک و تعالی رسـول خـویش را آگاه ساخته که به هیچ عنوانی از تطبیق احکام قرآن دست نکشد.

دشمنان الله و رسول امروزه در کشور، دهشـت گـری، خـون ریـزی، قتل مردم بی گناه و ده ها فساد دیگر را مساعد ساخته انـد. و اشخاصـی که مرتکبین این اعمال زشت هسـتند، فـرد فـردی از آنهـا بـرای حکـومت داران معلوم انـد، پس سـوال مـا اینجاسـت کـه روی کـدام دلایـل آنهـا را گرفتار و به پنجه ی قانون نمی سپارند. جلـو رشـوت و احتکـار کـه خطـر ناکترین مصیبت در بین مسـلمانان اسـت گرفتـه نمیشـود، افـراد زورمنـد بخاطر رسـیدن بـه زر و زور از منـابع مخـالف کشـور اسـتفاده هـای سـو میکنند و مرتکب چی جنایاتی که نمیشوند، در حالیکه برای رفاه اجتمـاعی اینکه چی تدابیر روی دست گرفته شود را در ادامه مطالعه خواهید نمود.

فصل سیزده هم

مسئولیت های دولت مردان

قبلاً بالای دو موضوع مهم (عکس العمل خصوصـی ، و عکس العمـل اجتماعی) بحث مفصلی داشتیم .

ولی از این حقیقت هیچ کسی چشم پوشی کرده نمی تواند که هرگــاه خواسته باشیم در سطح گستره ی کشوری و جهانی تغیر و تحـولی عمـده و چشمگیری را بیاوریم، پس ضرورت می افتـد تـا در سـطح رهـبری یـک کشور غیر اشغال شده وظایف و مسئولیت های عمده تری را روی دست گیریم.

بدون شک، نافذ ساختن احکام الله و رسول او صلی الله علیه وســلم و ایجاد زنـدگی مرفـع ، تـامین نظم و امن عامـه، انجـام خـدمات مسـاوی اجتماعی بـرای شـهروندان، تـامین خـدمات صـحی ، تامینـات اجتمـاعی و غیره نیازمندی های اولیـه اتبـاع جـز از وظـایف اساسـی دولت (امـارت و حکومت اسلامی) میباشد.

اگـر قـرار بـرین باشـد کـه مـا بـرای دولت مـداران و حکـومت داران بفهمانیم که برای فلاح و خوشبختی ملت چه کار هـای را بایـد روی دسـت گیرند و چه اموری اِعمال گردد و به کدام کار ها اولیت داده شـود و کـدام امور در طویل المدت انجام گیرد، پس صراحتاً واضـح و اشـکار می شـود که در سطح رهبری اشخاص بی کفایت قرار دارند و نمی داننـد کـه بـرای رفاه عمومی مردم شان کـدام برنامـه هـا را در پیش گیرنـد و از چـه کـار های اجتناب ورزند، و یا به زبان ساده تر آنها درسـت طـرز حکـومت داری را بلد نیستند و به مقامهای که رسیده اند اصلاً متعلق به اشـخاص دیگـری

بـوده و در واقـع اینهـا از جملـه غاصـبان بشـمار میرونـد. بـه این مفهـوم زمانیکه این مسئولیت و امانت بزرگ بر دوش افرادی گذاشته میشود کـه باید آنها توانائی بدوش کشـیدن بـار خلافت و امـارت یـک ملت را داشـته باشـند ، و در اجـرای احکـام شـرعی از کسـی ترسـی نداشـته باشـند ، و همچنان به فن سیاست و حکومت داری آشنا باشند.

پس واضح است امروز افرادی که امور ما را به پیش میبرند اشخاص نا اهل، فاسد و خائینی هستند، لذا حقایق مانند آفتاب آشـکار میگـردد کـه آنچه را در ادامه خواهیم گفت هرگز به آن عمل نمی کنند، ولی هرگاه بــر عکس انسانهای طالب علم و نیکی اند از برنامه های که برایشان پیشنهاد می کنیم استفاده درست خواهند کرد تا نتایج مثبتی در پی داشته باشـد، و هر حاکمی مسلمان باید مانند رسول صـلی اللـه علیـه وسـلم در ارتبـاط امور با مردم به مشوره بپردازند تا بهـترین روش را انتخـاب و بـرای فلاح عامه و بهبود اوضـاع کشـوری مطـابق آن عمـل کننـد. در ادامـه بـالای آن موضوعاتی اشاراتی خواهیم داشت که متوجه دولت مردان میشــود و این برنامه ها باید توسط دولت اجرا گـردد اگـر آنهـا مطـابق این مشـورت هـا عمل کنند، تحولی و انقلاب بـزرگی در زنـدگی مسـلمانان بـه میـان میایـد ولی هرگـاه بـرخلاف مشـورتهای سـالم عمـل کننـد شـما بدانیـد کـه آنهـا حکومتداران خـائین، مـزدور و غلامـان حلقـه بگـوش یهودیـان و صـلیبیون هستند.

از همه اولتر باید بـه قـانون اساسـی سـاخته و پرداختـه ی خـود شـان مراجعه کرد، که در آن واضحاً تصریح شده که هیچ قانونی در مخـالفت بـا احکام شریعت اسلامی وضع شده نمی تواند!

و ضمناً در جای دیگر از قانون اساسی آمـده اسـت کـه : بـرای مـردم اجازه داده شده تا امور زندگی خویش را مطابق بـه احکـام اللـه و سـنت رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش ببرند .

یعنی در آن زمان علماء دست نشانده ی یهود و نصـارا این موضـوع را بخاطر فریب افکار عامه در نظر گرفته بودند تا مسلمانان بـا شـنیدن این مواردی از قانون خاموشی اختیار کنند و هیچ عکس العملی از خود نشـان ندهند. و ضمناً در این قانون ذکـر شـده کـه بـالای مـردم چنـان ریاسـت و حکومتی ساخته خواهد شـد کـه مطـابق احکـام و دسـتورات دین مقـدس اسلام عدالت، برابـری و مسـاوات در اجتمـاع و تـأمین عـدالت اجتمـاعی عمل کند. که این است اصل و اساس قانونی که خود ساخته اند که هرگز به آن عمل نکردند. و امروز متاسفانه که این بخش هـای از قـانون دور از

اذهان مردم نگهداشته شده و بالای آن هیچ بحث و گفتگـوی صـورت نمی گیرد.

پس تاریخ گذشته گـواه بـر این اسـت کـه هیچگـاه نظـامی کـه بنیـاد و اساس آن بالای استعمار، اسـتثمار، سـود خـوری، فتنـه، فسـاد، جنگهـا در میان مردم و بالاخره دشـمنی بـا الله و رسـول صـلی اللـه علیـه وسـلم باشد پیش نمیرود. این مطلب را بخاطری در اینجا ذکـر کـردیم کـه نظـام سود مستقیماً در تصادم با احکام الله و آموزه های رسول گـرامی صـلی الله علیه وسـلم قـرار دارد کـه مـا در بخشـهای گذشـته در این زمینـه بـه تفصیل بحث کردیم .

جالب تـر از همـه این کـه دولت مـردان پیش از شـروع وظیفـه بـالای قرآن عظیم الشان دست میگذارند سـوگند یـاد میکننـد، یعنی مطـابق بـه حکم قرآن عمل میکنیم، بالای آن کتابی دسـت مگذارنـد کـه لنگـر زمین و آسمان است، کوه با آن بزرگی تحمل برداشـت قـرآن را نـدارد : قسـیکه اللـه تعـالی می فرمایـد : لَـوْ أَنْزَلْنَا هَـذَا الْقُـرْآَنَ عَلَى جَبَـلٍ لَرَأَيْتَـهُ خَاشِـعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ »، (الحشر/21)

(اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هـر آئینـه میدیـدی کـه از ترس الله (عظمت کلام الله) پاره پاره می شد)

کتـابی کـه بـرای هـدایت نسـل انسـانی فـرو فرسـتاده شـده و نجـات بشریت از ظلم و تاریکی ها اسـت پس شـما بدانیـد و بفهمیـد کـه از این عمل ناپاک و بدعت آمیز و الحادی اینها، الله تعالی سخت پرسـان خواهـد کرد. و همچنان مطابق اصول و اساسات قـوانین الهی بـه جـرم خیـانت و غداری با ملت مسلمان این فروخته شدگان سخت جواب خواهند داد و از جانب هم در این دنیای مادی اقامـه دعـوی «خیـانت» بـالای کسـی جـاری میگردد که او بر خلاف احکام قانون انجام وظیفه کند. چرا که خود او باید مجری قانون باشد، اگر او اجازه دارد تا مردم را مطـابق قـانون مجـازات کند. پس چی چیز باعث این میشود که در صورت ارتکاب خیانت قانون بر بالای خود او تطبیق نگردد ؟

در حالیکه آنها از جمله کسـانی انـد کـه اولـتر از همـه بـه امـانت داری قسم یاد کرده اند. جالب تر اینکه خود آنها قسم را شکستانده و با مـردم خیانیت را به پیش گرفته و خیانت میکنند. چرا که امروز برای مردم مانند آینه روشن است که حکومت داران حاکم با مردم مسـلمان روش خیـانت

را در پیش گرفتـه انـد و این خیـانت هـا هرگـز از انظـار این ملت مظلـوم پنهان نیست[1].

که البته در قدم نخست مخاطبین اصلی ما آنهای اند که اولـتر از همـه خط به خط قانون اساسی را حفظ کرده اند، و در همین قانون ذکر شـده که هیچ حکم و قانونی نمی تواند در مخالفت با احکام الله و رسول صلی الله علیه وسلم تطبیق گردد.

پس ای امت مسلمان آگاه باشید! کـه این طبقـه از مـردم چنـان اللـه نـاترس انـد کـه در حـق مـردم مظلـوم و رنج دیـده مـا مـرتکب خیانتهـای مکرری میشوند. لذا ما وظیفه ی خود میدانیم تا بـرای شـان بگـویم کـدام امـور را در پیش گیرنـد! اگـر مطـابق آن عمـل نکردنـد. پس لعنت اللـه و رسول صلی الله علیه وسلم و ملائک بالایشان باد !

و اگر این امور را انجام بدهند پس بدون شـک در جامعـه خـیر و فلاح، نظم و امن به وجود می اید.

1- تطبیق احکام شریعت اسلامی:

اولین و اساسی ترین وظیفه دولت حکم به ما انزل الله یعـنی مطـابق به احکام شریعت اسلامی تمام امور را اداره نمودن و مطابق بـه قـرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم حکم نمـودن اسـت. چنانچـه کـه الله تعالی می فرمایـد:« وَأَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْـزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِـعْ أَهْـوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيكَ»(المائده /49)

(و در میان آنها حکم کن بانچه که برای تو فرود آورده شـده از طـرف الله و پیروی مکن خواهش های ایشـانرا و برحـذر بـاش از ایشـان از آنکه گمراه کنند ترا از بعض آنچه فرو فرستاده است الله بسوی تو)

---

[1] در مادهٔ شصت و سوم قانون اساسی افغانستان آمده است : رئیس جمهور قبل از تصدی وظیفه ، مطابق به طرز العمل خاص که توسط قانون تنظیم می گردد حلف آتی را به جا می آورد : بسم الله الرحمین الرحیم
« به نام الله بزرگ جل جلاله سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم ، قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم ، از استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت اراضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بار گاه پروردگار و پشتیبانی ملت ، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانتسان بکار بردم »
و در مادهٔ هفتاد چهارم آمده است : وزراء قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور به جا می آورند.
«به نام الله بزرگ جل جلاله سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را حمایت ، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت حقوق اتباع را حفاظت ، و از استقلال ، تمامیت اراضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم و در همه اعمال خود الله جل جلاله را حاضر دانسته و ظایف محوله را صادقانه انجام دهم »

که ازین آیت واضحاً معلوم می گردد که حکم به قرآن فرض است ، و رسول الله صلی الله علیه وسلم بانی حکومت اسلامی و دولت اسلامی به اجرای آن ملزم شناخته شده است و در ضمن الله تبارک و تعالی رسول خویش را آگاه ساخته که به هیچ عنوانی از تطبیق احکام قرآن دست نکشد که ما امروز شاهد این وضعیت هستم که به نام و عنواین مختلف حکم قصاص ، و قطع الید ، و سایر احکام اسلامی در جوامع اسلامی در اثر فشار های اهل شر و فساد و الحاد تطبیق نمی گردد .

گاهی گروهی به شکل مغرضانه و کینه توزانه می گویند در صورت تطبیق احکام شریعت ما هر سال شاهد قطع دست هزارن نفر و بی سرنوشت شدن چندین فامیل خواهیم بود ، باید در پاسخ این گونه مردم و کسانیکه به جواب فقهی این گونه مردم می پردازند گفت :

که آنها همه فرو آورده جامعه اسلامی نیستند زیرا هرگز ایشان به مبادی و اساسات اسلام ایمان نیاورده اند و اسلام را در زندگی خویش عملی نساخته اند و همچنان دولت اسلامی هرگز در قبال هیچ یک از ایشان مسئولیت های اساسی خویش را بجا نیاورده است . ایشان محصول جامعه ای هستند که اجازه می دهد گروهی بنام نیازمند و گرسنه وجود داشته باشد بدون آنکه فکر اساسی برای رفع مشکل آنان نموده باشند جامعه ای خوراک و پوشاک و مسکن میلونها نفر را تامین نمی کند و روح انسانی را پروش نمی دهد و زندگی را به الله و قانون الهی مرتبط نمی سازند.

همچنان برای تطبیق احکام شریعت بر علاوه آیت متذکره دلایل زیادی است کسانی که ما انزل الله تعالی حکم نمی کنند به کفر ، ستمکاری و انحراف توصیف شده اند و همچنان دلایل قوی و روشن به ضرورت اجرای شریعت و پذیرش حکم الله وجود دارد که موافق خواسته های ما بوده و اجرای آنرا بر بالای ما واجب می گرداند. که ما مختصراً به آن اشاره می نمایم :«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آَمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يرِيدُونَ أَنْ يتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يكْفُرُوا بِهِ وَيرِيدُ الشَّيطَانُ أَنْ يضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيتَ الْمُنَافِقِينَ يصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا فَكَيفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا أُولَئِكَ الَّذِينَ يعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا فَلَا وَرَبِّكَ لَا يؤْمِنُونَ حَتَّى يحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَينَهُمْ ثُمَّ لَا يجِدُوا فِى أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيتَ وَيسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»(النساء/60-65)

(آیا از کسانی که گمان می کنند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان آورده اند تعجب نمی کنی؟ ولی « با وجود تصدیق کتابهای آسمانی» حاکمیت طاغوت را می پذیرند در حالیکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت باور نداشته باشند و اهریمن است که می خواهند ایشان را بسی گمراه گرداند و زمانی که برایشان گفته می شود به آنچه که الله بر پیامبرش نازل نموده بگروید و به سوی او روی بیاورید ، منافقانی را می بینی که به سختی به تو پشت می کنند، اما چرا هر گاه به سبب«بدی» اعمالشان دچار بلائی می شوند به تو پناه می آورند و به الله سوگند می خورند که ما « از آن کار ها » منظوری بجز خیر خواهی و اتحاد مردم نداشته ایم آنان کسانی هستند که الله می داند در دلهای شان چه چیزی قرار دارد از آنان دوری کن « و به حرف های شان توجه مکن» و آنها را نصیحت کن و با کلام رسائی که به درون شان رسوخ کند با آنان سخن بگو و هیچ پیغمبری را نفرستادیم مگر به این منظور که به دستور الله از او اطاعت بشود و اگر آنها آن هنگام که به خود ستم کردند به نزد تو می آمدند و از الله طلب آمرزش می کردند و پیغمبر هم برای آنها طلب آمرزش می نمود بیگمان الله را بس توبه پذیر و مهربان می یافتند اما نه ! به پرودگارت سوگند که آنان مؤمن به شمار نمی آیند مگر آنکه تو را در اختلافها و مشاجرات حکم و داور نمایند و سپس بدون ملال و ناراحتی قلبی از داوری تو کاملاً تسلیم و فرمانبردار باشند)

و همچنان در سوره نور می خوانیم :« وَيقُولُونَ آَمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيحْكُمَ بَينَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ وَإِنْ يكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يأْتُوا إِلَيهِ مُذْعِنِينَ أَفِى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتَابُوا أَمْ يخَافُونَ أَنْ يحِيفَ اللَّهُ عَلَيهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمَ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيحْكُمَ بَينَهُمْ أَنْ يقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ »(النور /47-51)

(منافقـانی هسـتند می گوینـد : بـه اللـه و پیغمـبر ایمـان داریم و از دستوراتشان پیروی می نمائیم اما پس از مدتی گروهی از آنها رویگــردان می شـوند آنهـا در حقیقت مـؤمن نیسـتند هنگامیکـه آنهـا بـه سـوی « فرمانبرادری از » اللـه و پیغمـبرش فـرا خوانـده می شـوند تـا میـان آنهـا داوری کند برخی از آنها رویگردان می شوند ولی اگر حق به جانب باشـند به نهایت گردن کجی و تسلیم به سوی آن می آیند آیا در دلهایشان بیماری «کفر و الحاد» است یا در «حقانیت قـرآن» تردیـد دارنـد؟ یـا می ترسـند الله و پیغمبرش بر آنها ستم روا دارند؟ بلکه خودشان ستمگرند ، مؤمنــان هنگامی که به سوی «فرمانبرداری از» الله و پیغبرش فـرا خوانـده شـوند تا در میان آنها داوری کند ، سخنشان تنها این است که می گویند شــنیدیم و اطاعت کردیم و رستگار واقعی ایشانند)

در سوره احزاب الله تعالی می فرماید :« وَمَا كَانَ لِمُـؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَـةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُـولُهُ أَمْـرًا أَنْ يكُـونَ لَهُمُ الْخِـيرَةُ مِنْ أَمْـرِهِمْ وَمَنْ يعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا»(الاحزاب /36)

(هیچ مرد و زن مؤمنی در کاری که الله و پیغبرش داوری کرده باشند دیگر خود را صاحب الاختیار در آن نمی دانند هر کس هم از دستور اللـه و پیغمبرش سرپیچی کند گرفتار گمراهی آشکاری می گردد)

بناً واضح می گردد که درین آیات الله تعالی به صراحت حکم به قــرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بدون هیچ گونه تاویل و تحریف نموده است و قبـول احکـام اللـه از مسـئولیت هـای هـر فـرد بـه طـوری خصوصی و تطبیق آن از طرف حکومت اسلامی به صـورت عمـوم واجب می باشد و لازم اسـت بگـویم کـه نتـایج نظـام اسـلام تـوام بـا اطـاعت و رعایت احکام الله و رسول صلی اللـه علیـه وسـلم می باشـد در غـیر آن صـورت قسـمیکه اللـه تعـالی می فرمایـد :«وَمَنْ لَمْ يحْكُمْ بِمَـا أَنْـزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (المائده /44)

(و هـر کـه حکم نکنـد بآنچـه فـرو فرسـتاده اسـت اللـه پس ایشـانند کافراند)

و در آیه بعــدی الله تعــالی می فرماید:«وَمَنْ لَمْ يحْكُمْ بِمَا أَنْــزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (المائده/45)

(یعـنی هر که بآنچه الله فـرو فرسـتاده است حکم نکند پس ایشـان ظالمان اند)

و همچنان در آیه بعدی همین سـوره اللـه تعـالی می فرمایـد:«وَمَنْ لَمْ يحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»(المائده /47)

(هر آنکه حکم ننماید به آنچه که الله تعـالی فـرو فرسـتاده است بیگمان ایشان بدکاران اند)

مفسیرین در مورد این آیات می گویند : آیه 44 سوره مائده در مـورد مسلمانان می باشد و آیه 45 در مورد یهویان و آیه 47 در مورد مسیحیان است . عده ای از مفسران می گویند که این آیـات شـامل همه ملتها می شود که بـرای آنها کتـاب نـازل شـده و مسـلمانان و دیگـران را در بر می گیرد که طبرانی نیز به نقل از ابراهیم نخعی می گوید این آیـات در مـورد بنی اسرائیل نازل گردیده اند و همچنین شـامل مسـلمانانی می شـوند که مانند آنها عمل کنند. و همچنین از ابن عباس رضی الله عنه عمـومیت این روایت نقل گردیده است[1] .

2- تأمین امنیت و معیشت :

دومین مسئولیت بزرگ و اساسـی دولت در قبـال اتبـاع تـامین امـنیت سرتاسری می باشد . بـرای روشـن شـدن این موضـوع چنـد مثـالی را از قرآن پاک ارایه می دهیم. الله تعالی چنانچه که بـالای قـوم قـریش لطـف کرده و آنها را از نعمات خود مستفید گردانیده بـود و اللـه تعـالی در جـای می فرماید که در بدل هر نعمت ما باید قریشیان شکر گـذار باشـند از آن جمله فرماید : «فَلْيَعْبُـدُوا رَبَّ هَـذَا الْبَيتِ الَّذِى أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُـوعٍ وَآَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»(قریش/3-4)

(پس باید عبادت کنند پروردگار این خانه را آنکه طعام داد ایشـان را و از بهر آنکه گرسنه بودند و امن داد ایشان را از بهر آنکه ترسان بودند.)

در این آیات متبرکه الله رب العزة به دو نکته ی مهم اشاره کرده انـد. 1- آنهـا را در زمـان گرسـنگی و نـاداری رزق و روزی داده اسـت، 2- از خوف و هراس آنها را مصئون و در امن نگهداشته اند. به این مفهوم یعنی الله تعالی برای شان تامین معیشت و تامین امنیت را آمـاده سـاخته بـود،

[1] براي تفصيلات بيشتر درين مورد مي توانيد به فقه سياسي نوشته دکتور يوسف قرضاوي و نظام الحکم في الاسلام تأليف دکتور محمد يوسف موسي و همچنان به الاحکام السلطانية تأليف ابو يعلي محمد بن الحسين الفراء مراجعه نمايد .

بناً فهمیده میشود کسانیکه در راس امور معیشتی و سیاسی مـردم قـرار میگیرند اولتر از همه باید به این دو اصل مهم و حیاتی توجه کنند. یعنی در سرخط وظایف کسانیکه از جانب الله تعالی بـه صـفت مسـئول تعین می گردند انجام این دو امور ضروری است. تامین معیشت و امنیت" اطعمهم من جـوع و آمنهم من خـوف" همـان نظـامی را کـه اللـه تعـالی بـرای مـا آموزش داده مجری آن حکومت داران فعلی اند، چرا که قـدرت و تـوان و وسائل کافی در اختیـار دارنـد. و همچنـان بـه ارتبـاط موضـوع اول کـه در مورد تطبیق احکام قـرآن بیـان داشـتیم بلافاصـله پیونـد بـه امـنیت و نظم عامـه دارد قسـمیکه اللـه تبـارک و تعـالی در مـورد کیفـر بـد امـنی می فرمایـد:« إِنَّمَـا جَـزَاء الَّذِينَ يحَـارِبُونَ اللّـهَ وَرَسُـولَهُ وَيسْـعَوْنَ فِی الأَرْضِ فَسَاداً أَن يقَتَّلُواْ أَوْ يصَلَّبُواْ أَوْ تُقَطَّعَ أَيدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلافٍ أَوْ ينفَـوْاْ مِنَ الأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْی فِی الدُّنْيا وَلَهُمْ فِی الآخِرَةِ عَـذَابٌ عَظِيمٌ»(المائـده / 33)

(کیفر کسانی که (بر حکومت اسلامی می‌شورند و بر احکام شـریعت می‌تازند و بدین وسیله) بـا اللـه و پیغمـبرش می‌جنگنـد ، و در روی زمین (بـا تهدیـد امـنیت مـردم و سـلب حقـوق انسـانها ، مثلاً از راه راهـزنی و غارت کاروانها) دست به فساد می‌زنند ، این است کـه (در برابـر کشـتن مردم) کشته شوند ، یا (در برابر کشتن مـردم و غصـب امـوال) بـه دار زده شوند ، یا (در برابر راهزنی و غصب اموال ، تنها) دست و پای آنــان در جهت عکس یکدیگر بریده شود ، و یا این که (در برابر قطـع طریـق و تهدیـد ، تنهـا) از جـائی بـه جـائی تبعیـد گردنـد و یـا زنـدانی شـوند . این رسوائی آنـان در دنیـا اسـت ، و بـرای ایشـان در آخـرت مجـازات بـزرگی است)

و در آیــه دیگـری اللـه تبـارک و تعـالی می فرمایـد:« يا أَيهَا وَلَكُمْ فِی الْقِصَاصِ حَياةٌ يا أُولِی الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ »(البقره /178)

(و شما راسـت بسـبب قصـاص زنـدگانی ای صـاحبان عقـل و خـرد تـا باشید که پرهیزکاری کنید)

طوری که الله تعالی ارشاد فرمـوده انـد: « در قصـاص زنـدگی، شـما است » یعنی هر کسی کـه مـرتکب ظلمی میشـود بایـد کیفـر ببینـد، ولی متاسفانه تا به امـروز مـا نشـنیده ایم کـه این حاکمـان زر و زور از تـرس یهودیـان و نصـرانیان حکم اعـدام و یـا حکم قصـاص را در جامعـه تطـبیق کرده باشند. پس اینها مستقیماً بـا قـانون اللـه و رسـول اللـه صـلی اللـه علیه وسلم در تصادم اند. آیا اینقدر زود سوگندی را که دست بالای قرآن

گذاشتند و گفتند که از قانون الله و رسـول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم حفاظت و مؤظبت می کنیم را فراموش کردند؟

پس چگونه اسلام را به بی برنامه گی و عدم تطبیق عـدالت اجتمـاعی متهم می سازند در حالیکه احکام الله هرگز مورد تطبیق قرار نمی گـیرد؟ و چگونـه اسـلام را بـه زن سـتیزی متهم می سـازند در حالیکـه اسـلام در جامعه وجود ندارد ؟ و زن به مسئولیت هـای اساسـی خـویش توجـه نمی کنـد و آنـرا نادیـده و کوچـک می شـمارد ، و چگونـه از اسـلام در مـورد مشکلات جنسـی جوانـان در جامعـه سـئوال می کننـد، در حالیکـه در یـک جامعه اسلامی هرگز زنـان و دخـتران لخت و عـور آرایش و آمـاده در هـر گوشه ای پرسه نمی زنند تا فساد و تباهی و عدم مصئونیت جوانان را بــه بـار می آورد جامعـه اسـلامی هرگـز دارای فیلمهـای رسـوا و شـرم آور و تصنیفها و موسقی بیمار نخواهد بود .

پس لازم است درین مورد نخست از همه اصول نظام اسلامی را اجرا ساخته و به آنها عمل گردد و بعداً دید که آیا ذره ای ازین مشـکلات را می بینید ؟

این دشمنان الله و رسول امروزه در کشور، دهشت گری، خون ریزی، قتل مردم بی گناه و ده ها فساد دیگر را مساعد ساخته انـد. و اشخاصـی که مرتکبین این اعمال زشت هسـتند، فـرد فـردی از آنهـا بـرای حکـومت داران معلوم انـد، پس سـوال مـا اینجاسـت کـه روی کـدام دلایـل آنهـا را گرفتار و به پنجه ی قانون نمی سپارند، چرا حکم قرآن بـالای آنهـا تطـبیق نمی گردد؟ (بالای طفل 5 ساله تجاوز صـورت گرفتـه مجـرم بـه جنـایت خویش اقرار کرده، ولی اعدام نشد و...)

بزرگترین فساد و بی عدالتی از آنجای نشأت می کند، که در آن کشور نظام قضائی عادلانه موجود نباشد، تحقیقات کـه درین مـورد انجـام شـده اسـت، بیـانگر این حقیقت اسـت کـه آلـوده تـرین مـردم در فسـاد، همانـا دستگاه پولیس و قضاء می باشد در حالیکه بایـد مجـری اصـلی قـانون در یک کشور باشند .

بطـور مثـال در کـدام تـرازوی عـدالت، قـانون و انصـاف میگنجـد کـه قاضی از نزد شخصی پنج لک افغانی بگیرد تا بالای دو لک افغانی پولی که دعوی اقامه کرده او را حق به جانب ثابت سازد .

آیا چی فکر می کنید، این همه از فقر ناشی میشود ؟

لا ! این اخلاق بد، ناشی از دوری ما از علم قرآن و حدیث سر چشــمه گرفته از آن بد تر اینکه تعدادی از قضات در لابلای صحبت های شان لفظ

ماشاء الله را استفاده میکنند یعنی چیز را که الله خواسته باشد یعنی هــر آن روشی را کـه چـه در زنـدگی فـردی انجـام میـدهیم و یـا در عرصـه ی اجتماعی از آن بهره مند ایم، ماننـد کـه هرگـاه عضـو دیپـارتمنت شـورای عالی قضات باشیم، یا اینکه وکیل مدافع کسی یا معاون وکیل مــدافع و... یعنی در هر حال و موقف کـه قـرار داریم از الطـاف و مـرحمت اللـه رب العـالمین میباشـیم . پس چطـور شـده میتوانـد کـه بـه ده هـا نفـر قاتـل، رهزن ، دزد، مفسد، قاچاق کننده مواد مخدر دسـتگیر میشـوند، ولی چنـد بعد با دادن رشوت از بند رها می گردند، و دوباره بـه همـان شـغل ناپـاک خود ادامه میدهند.

پس این ماشاءالله گفتنها کجا شدند ؟

این انتقـادات مـا بـه آدرس قضـات ، وکلای مـدافع و سـارنوالان بـر میگردد، که هـر کـدام بـه فکـر زر انـدوزی و بـه فکـر تمویـل کـردن خـود هستند، بنـاً اولـتر از همـه تـامین امـنیت و عـدالت اجتمـاعی مطـرح بحث است تا زمانیکه در کشور امن، عدل و انصاف قایم نباشد، این را واضــحاً می گویم که نظام الهی قایم نمی گردد. چرا که در طول این چندین سال قضات هر روز در محاکم حکم صادر می کننـد، ولی هیچ تغیـری مثبـتی در زندگی مردم رونما نمی گردد و تامین عدالت اجتماعی ، و امـنیت و رفـاه عامه به چشم نمی رسـد . لـذا لازم اسـت تـا این نـوع نظامهـا از بنیـاد و ریشه سرنگون و از داخل تحول قاطع و اساسی در آنها آورده شود.

از همین جهت اســت کــه اللــه تعــالی اولین شــرط را بــرای امــنیت مسـلمانان ایمـان و تطـبیق احکـام قـرآن قـرار داده اسـت طوریکـه می فرمایــد: « الَّذِينَ آمَنُــواْ وَلَمْ يلْبِسُــواْ إِيمَــانَهُم بِظُلْمٍ أُوْلَئِكَ لَهُمُ الأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ»(الانعام /82)

(کسانیکه ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (کمک گــرفتن از قانون های غیر الهی و گردن نهادن به طاغوت اطاعت از کفـر صـلبیون و صهیوننیزم) نیامیخته باشند امن و امان ایشان را سزد و آنان راه یافتگان « راه حق و حقیقت» هستند)

3- از بین بردن رشوت و فساد اداری:

امروز بزرگــترین فتنـه و بی عـدالتی از همین دو موضـوع ناشـی می شود که متاسفانه در سطح رهبری دولت فـردی را یافتـه نمی تـوانیم کـه وظایف خویش را با صداقت و ایمان داری و تعهد به الله تعالی پیش ببرد. هر شخصی که عهده دار حکومت شد از او بجز از خیانت چیزی دیگری را ندیدیم مگر آنانکه به اخلاص کار کردند ولی برایشـان اجـازه تـداوم عمـل

داده نشد که همین امر باعث شده که امروز ما در بن بست و لجنزار بحران های اجتماعی- سیاسی قرار بگیریم که این پدیده زمانیکه در کشور چین به شکل گسترده ی رشد کرده بود و مردم معتاد به این مرض گردیده بودند و این وضیعت برای چینایان تبدیل به بحران عظیمی ، زخم ناسور و دانه ی سرطان شده بود. هر چه کوشش کردن هیچ راه علاجی به آن نیافتند تا اینکه برای کسانیکه آلوده به فساد اداری و رشوت ستانی بودند، جزای مرگ را در نظر گرفتند یعنی هر آنکسی که در اختلاس و رشوت ستانی دستگیر می شدند بلافاصله اعدام می گردیدند.

آیا فکر می کنید که اسلام در برابر رشوه حکم قطعی ندارد تا این پدیده را نابود سازد؟

بدون شک رشوه یکی از راه های خوردن مال به صورت حرام و ظلم بالای مردم می باشد و طبیعی است که یک امر حرام و پدیده منفور در نظام اسلام می باشد طوری که الله رب العزت می فرماید:« وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»(البقره /188)

(مال همدیگر را به ناحق نخورید و آن را به حکام ندهید تا قسمتی از مال مردم را به ناحق نخورند در حالی که شما به گناه آن آگاه می باشید)

و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید : لعنة الله علی الراشی والمرشی فی الحکم»

(لعنت الله بر کسانی که برای صدور حکمی رشوه می گیرند و رشوه می دهند)(احمد و ترمذی)

پس جای شکی نیست که اسلام رشوه را حرام و رشوه خوار را به عذاب شدید تهدید می نماید ، نه تنها کسی را که به اسم و رسم رشوه چیزی حرام را مطالبه کند بلکه به هر اسم و رسم که باشد قسمیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: « من استعملناه علی عمل فرزقناه رزقا فما اخذه بعد ذلک فهو غلول»(ابوداود)

(کسی که کاری را به او واگذار کنیم و حقوقی نیز در مقابل به او می دهیم هر چه اضافه از حقوقش بگیرد «رشوه محسوب شده» طوق گردنش خواهد شد)

و هنگامی که عمر بن عبدالعزیز خلیفه بود هدیه ای به او دادند ولی آن را نپذیرفت به او گفتند پیغمبر صلی الله علیه وسلم هدیه را قبول می

کرد عمر گفت برای پیغبر صلی الله علیه وسلم هدیه بود ولی برای ما رشوه است[1].

و زمانیکه رشوه ناحق حرام است از بین بردن آن نیز واجب می باشد زیرا رشوه و فساد اداری باعث فتنه و فساد در اجتماع شده و بی نظمی و عدم اطاعت را به بار می آورد پس دولت اسلامی برای از بین بردن فتنه و فساد و اجرای واجبی میتوان به هر گونه کیفر توسل جسته تا جائیکه اگر نیاز به اعدام شخص باشد بالای دولت اسلامی واجب است که مجازات اشد را بالای وی تطبیق نماید. این در حالی است که امروز به حدی این مشکل عمیق شده که بالای پروژه ی ساختمانی و یا زراعتی که سرمایه گذاری میشود، یا پولی که به عنوان قرضه گرفته می شود 75-80 % آن دزدی شده و فقط 15-20% باقی مانده ی آنرا بالای پروژه مطلوب به مصرف میرسانند..

قسمیکه چندی قبل برای حفر یک نهر یا بند آب پول تخمین شده 120 میلیارد بود زمانیکه چندین متخصص بالای پروژه کار را شروع کردند پول تخمین شده به 20 ملیارد کاهش پیدا کرد. حال شما خود فکر کنید در هر پروژه اگر 100 ملیارد دزدی شود، پس آینده ی این کشور به کجا کشانده خواهد شد ؟

3- منع احتکار مواد اولیه :

امروز در کشور قحطی مواد خوراکی حاکم است و هر آن چیز را که می بینید و می خورید همه و همه مواد اند که احتکار و یا به شکل قاچاق وارد کشور گردیده اند همه مواد و خوراکه های تولید شده، نگهداری و به بازار ارزه نمی شوند، روی همین دلایل قحطی و قیمتی امروز سرتاسر مملکت را تهدید میکند.

4- از بین بردن هر گونه عصبیت و قوم پرستی در تعین کادر رهبری اجتماع (Nepotism):

کسانی که در مقامات بلند دولتی استاللهم میشوند هر کدام به نوبه ی خود اعضای فامیل خویش را در مقامات دولتی می گمارند که اصلاً اهلیت آن را ندارند در حالیکه شایسته ی مؤمنین واقعی است که دارای تعهد و تخصص در آن رشته باشند تا باشد در آن مقام بصورت شاید و باید آن ایفای وظیفه کنند.

[1] عمر بن عبدالعزیز تالیف عبدالرحمن شرقای

چنانچه که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما تمام اخلاق و سیرت حکمرانان فاسق و فاجر که از جمله بد ترین اند را اشکار ساخته که آنها از جمله اشخاصی اند که مال ملت را سرمایه شخصی خود دانسته و برای مرفوع ساختن ضروریات خویش از آنها استفاده می کند. و صلاحیت حکومات را اشخاص نااهل پیش میبرند که آنها مبتلا به قوم پرستی اند، یعنی برای قوم خویش خدمت می کنند و بس ، و در نظر ندارند که برای فلاح عامه و برای خیر مملکت و جهت منافع ملی و منافع جمعی مسلمین چی فداکاری های باید انجام شود.

و همچنان اگر روند حاکمیت طوری باشد که پسر حکمران از پول زکات و عشری که از مردم جمع آوری میشود، برای خود موتر، خانه و یا برای تداوی امراض و یا برای ادامه تحصیلات خویش به کشور های خارجی به مصرف برساند. بناً هر برنامه ی را که ما برای حکومت پیشنهاد می کنیم هرگز و هرگز قابل تطبیق نخواهد بود. و انتظار نتیجه ی مثبتی از آن را نداریم.

ما توصیه میکنیم که آن چهار اصل را باید به خاطر داشت و آنرا به طریق شاید و باید اِعمال کرد. و هرگاه این چهار اصل در اجتماع تطبیق گردد، یقین کنید که باقی همه رهنموداتی را که در ادامه به آن اشاره میکنیم برای انجام دادن آن به هیچ مشکلی مواجه نخواهیم شد و راه حل ها بسیار آسان میشوند .

و باید دانست که این همه مأموریت ها به قیادت مسلمان قرآنی و متخصص در امور سیاسی نیازمند است که ما الحمدلله از این طبقه اشخاص در جامعه ی خود کمبود نداریم.

ولی برعکس آنچه بدبختی ما درین عصر می باشد وجود رهبران خائین و فاسد و بی علم با پشتیبانی یهود و نصرانی در راس امورات ما قرار گرفته اند، و اگر ایشان اشخاص فاسد و خائین نباشند پس حتماً نا اهل اند و در پهلوی آن جاهل هم میباشند. چرا که هرگز کوشش نمی کنند تا چیزی بیاموزند و یا از اشخاص متخصص مشوره بگیرند، و همچنان استعفا نداده و حکومت را به اهل آن نیز نمسپارند ؛ اگر در این چند ده جوامع مسلمان در چنگال افراد نا اهل گرفتار نمی شد امروز وضع اجتماعی- سیاسی مسلمانان به این شکل باقی نمی ماند و تغییرات مثبی را شاهد می بودیم و طعمه آماده برای یهودیان نمی شدیم . چرا که مقامات دولتی به صفت شارگ های اصلی یک ملت عمل میکنند. اگر صلاحیت در اختیار انسانهای پلید و ناپاک که از طرف CIA معرفی و عملاً

جاسوس یهودیـان را کننـد، در این حـالت اگـر بهـترین فـردی هم در راس حکومت قرار بگیرد چون متباقی افراد پلید اند، نتیجه کار ها منفی میشود .

روی این همه دلایل ما خواهان قایم شدن حکم اللــه در روی زمین ایم و باید قصاص و حکم اعدام در جامعه قابل تطـبیق باشـد تـا هـر فـردی از جامعه به این یقین و باور برسد که در جامعه ی زندگی میکند کـه عـدل و انصاف در بین آن موجـود اسـت، بنـاً آوردن عـدالت اجتمـاعی مسـئولیت شرعی حکـومت داران میباشـد چـرا اگـر مسـئولین انصـاف را در جامعـه عملی کـرده نمی تواننـد پس از آنهـا تـوقعی هیچ خـدمت صـادقانه را هم نداشـته باشـیم و صـد در صـد و بـه هـر شـکل ممکن از صـحنه ی قـدرت سیاسی به کنار کشیده شوند، چرا کـه خـائین انـد و در حـق ملت خـویش جفا می کنند. و زمانیکه ما در برنامه های خویش از نظام اقتصاد اسلامی صحبت به میان می آوریم منظور و هدف ما این است که آیا در آن نظــام سود و ربا موجود است یا خیر ؟

چرا که سود خوری پروسهٔ است که الله و رسول او صلی الله علیــه وسلم با آن اعلان جنگ کرده . پس اگر در یک نظام اجتماعی سود و ربــا از در وارد گردد ، انصاف و عدالت از کلکین خارج میگردد .

پس پیشنهاد اول به منظور به وجود آمدن یک نظـام ثـابت و مسـتحکم اسـلامی مطـابق بـه احکامـات اللـه و رسـول صـلی اللـه علیـه وسـلم چیست ؟

امروز وضیعت در کشور طوریسـت کـه تمـام جریـان اقتصـاد ملی مـا بالای سود میچرخد، اگر بانک دولتی باشد یـا بانـک خصوصـی اسـاس آنهـا بالای پول کاغذی جعلی استوار است. در عقب آنها حتی یـک سـکه ی طلا هم موجود نیست، انفلاسیون را بر اساس کسر مالی در مملکت به وجود می آورند، که ارزش 1000 افغانی را به صد افغانی کاهش می دهنـد کـه در این حالت اصلاً صداقت پولی موجود نیست ، ارزش واقعی پول از بین می رود مثل آنست که کاغذ عادی را رسامی کرده و بر اساس حســاب و کتاب شیطانی خود چاپ می کننـد و آنـرا در بانکهـای دولـتی و خصوصـی دست به دست می کنند، در تمام مملکت پول را طوری تقسیم بنــدی می کنند، که پولدار پولدارتر می شود، بناً از پول حرام هر قدر بـرای غـریب و فقیر زکات تقسیم شود، به حـال شـان مفیـد واقـع نمی گـردد، در کشـور مرکزی به نام بیت المال به چشـم نمیخـورد. و هـر تعبـیر شـان در مـورد اینکه بالای بانک ها اسم بیت المـال را بگذارنـد کـاملاً غلـط و غـیر صـحیح

خواهد بود و حالت حاکم طوری خواهد بود که (Nepotism)ـ یا قوم پرستی به اوج خود برسد، شهزاده گان و وزیر زاده گان برای ماه عسل خویش به دبی و کشور های خارجی سفر های 6 ماه و 1 ساله را برنامه ریزی میکنند. لازماً باید گفت که بدبختی یک ملت زمانی شروع می شود که صاحب زاده گان و قدرت مندان مال ملت را مال شخصی و ذاتی خویش بشمارند و مصرف کردن آنرا حق مشروع خویش تلقی کنند . که امروز ملت ما تا به گلو در آن غرق اند. در طول 5 سال مصرف هر وکیل پارلمان بیشتر از ده میلیون میشود، بدون اینکه کدام دست آورد مثبتی برای ملت خویش داشته باشند ، چنانچه امار نشان میدهد که تقریباً 9 ملیارد مصارف یک دوره ی شواری ملی میشود که شامل پرداخت معاش ، مصارف غذا ، موتر، کارت مبائل ، سفر های خارجی در طول یک سال، کرایه خانه ، پول محافظین، مصارف تداوی خود و خانواده های شان و... را در بر میگیرد .

تمام این مصارف را از حق و حصه ی همین مردم مسکین و بیچاره که در روی سرک از صبح الی خفتن برای پیدا کردن یک لقمه نان حلال تلاش میکنند میگیرند.

کسانی در پارلمان راه میابند که از طرف احزاب و گروه های متنفذ معرفی گردند و او هم در مقابل از منافع کسانی و یا احزابی دفاع میکند که از طرف آنها به پارلمان «دستگاه الحادی غرب[1]» معرفی شده باشد، و یا از کسانی حمایت می کنند، که آنها بیشترین قیمت را برای شان پیشنهاد کرده باشد. و یا اینکه از طرف کسی تهدید شده باشد؛ چه این تهدید از طرف اشخاص ملکی باشد و یا از طرف اشخاص غیر ملکی حال خود نتیجه گیری کنید که وضعیت فعلی حکومت و دولت ما از چه قرار است.

آیا لازم است این نظام را تعمیر کنیم و یا اینکه تغیر بدهیم ؟

پس جواب ما در قبال سئوال مطرح شده اینست که در ابتدا باید دانست و این را درک کرد که نمی توان نظام فاسد و آلوده به شرک را اصلاح کرد، و باید این نظام را تغیر داد و منقلب ساخت و نظام جدیدی را به جای آن حاکم ساخت و این نظام جدید باید طوری باشد که بنیاد آن بر اساس فرهنگ سیاسی اسلامی، عدالت اجتماعی اسلامی ، اقتصاد اسلامی ، نظام خانوادگی اسلامی و بلاخره یک نظام حقوقی اسلامی در پرتو قرآن عظیم الشان و سنت رسول صلی الله علیه وسلم گذاشته

[1] هرگاه دوستان به معلومات بیشتری در مورد پارلمان (شرک سیاسی) ضرورت داشته باشند، لطفاً به گفتمان سوم کتاب اسرار تألیف نثار احمد منصف مراجعه کنند

شود. شاید یک تعداد بگویند که نظام موجوده از محتویات دین گرفته شده است ؟

نخیر! باید دانست که واقعیت دین برای اکثریت مردم معلوم نیست تا آنها درک کنند که معیار متعارف برای حکومت اسلامی چیست . روی همین دلیل است که مردم دنیا، مسلمان ساده در دام و جال دموکراسی این دجال عصر حاضر گیر مانده اند. در ادامه برای حکومت داران تمام آن مراحلی را پیشنهاد می کنیم که بر بنیاد آن می شود حکومت اسلامی را پایه گذاری کرد و این بیانات و پیشنهادات ما امکان ندارد که با برنامه ها و سیاست های باطل گذشته پیوند گردند، باید تغیر قطعی در سیاست های گذشته آورده شود، تا از برنامه های پیشنهادی ما نتایجی مثبت و مطلوبی به دست اید. و چنان تغیرات کلی آورده شود که امروز مثال آنرا نه در سطح رهبری یافته میتوانیم و نه حکمرانی مطابق به اساسات و معیار های متعارف اسلامی به آن عمل میکنند، و از جهت هم باید در ذهن خود این مطلب را گنجانید که نه حکمرانان موجود، نه نظام موجود، نه رسانه ها، نه مردم عام هیچ کدام آماده به این تغیرات بزرگ نیستند بناً به تدریج و آهسته آهسته باید روی این اصول ها کار شود. بعضی از اساسات و شاخصه های بنیادینی موجود اند که برای آسایش عامه ضروری و اساسی میباشند، اگر امور بنیادی تحت اجرا قرار نگیرند، مسلماً که در ملک فساد، بی امنی و قحطی به وجود خواهد آمد که نتایج آن بجز از تباهی و بربادی ملت چیزی دیگر نخواهد بود، در این شبانه روز خطرات جدی از شرق و غرب جهان اسلام را تهدید می کند، پلان های وجود دارد که ما را در بن بست گرسنگی و تشنگی به هلاکت برسانند و زمانیکه از حملات دشمنان ملی و اسلامی صحبتی به میان میاید، این سخن عام شده که کشور باید تجزیه شود بناً اگر سطح خطرات این چنین باشد و حکمراناان هم در طول هر سه ماه دو ماه آنرا در خارج از کشور به بهانه های گوناگون سپری کنند پس در آن صورت برای ما هیچ امیدواری وجود ندارد که این حکمراناان در انجام کار های خویش منافع ملی را در نظر بگرینـد و برای خیر و صلاح مردم و ملت خویش کار کنند و تصمیم بگیرند . و درین زمان هر کسی که سخن از تجزیه افغانستان یا پاکستان و یا هر ملک مسلمان دیگری را به میان می آورد ایشان دشمنان دین اسلام می باشد چهره های شان را بشناسید ! و ایشان دشمنان شما می باشند و در وقت مشکلات دست از حمایتان می گشند، و امپریالیزم غرب به رهبری امریکا و یهودیان و صهیونی مشربان بدانند که در خون

مسلمان آنقدر طاقت است که به مانند آنروز که دست به هم دادند و اتحاد جماهیر شوروی را با تمام قدرت و طاقت که داشت و ابر قدرت عصر خویش بود شکست دهند، و تا هنوز تعدادی زیادی از اشخاص وطن دوست و اسلام دوستی وجود دارد که هرگز اجازه چنین کاری را نمی دهند، و افغانستان ثابت خواهد ماند و پاکستان ثابت خواهد ماند و منحیث دو دوست که فرهنگ و دین شان مشترک است در کنار هم قرار خواهند گرفت و در مقابل طاغوت و لشکر الحاد صف به صف خواهند جنگید ما برادران یکدگیر هستیم و این پیوند را اسلام برای ما شناخته است و هیچ کسی قادر به از بین بردن این پیوند میان ما نخواهند شد. و مردم این حق را دارند که باید بفهمند یگانه علت نا هماهنگ بودن سیاست های ما با همسایگان نزدیک کشوری ما و اختلافات سیاسی-اقتصادی ، نفرت و انزجار از یکدیگر معلول فتنه انگیزی انگیس - امریکا به زعامت تروریزم بین المللی یهود و سازمان ها صهیونستی می باشد. و ایشان هرگز این اجازه را نمی دهند که دو کشور مسلمان و برادر ، در میان خویش روابط دوستانه و برادرانه ای داشته باشند و شما شاهد این حقایق آفتابی در سراسر کشور های جهان هستید .

ولی ما مایوس نیستیم با مردم این مرز و بوم حتماً خوبی خواهد شد. زیرا این ملت بسیار تکالیف و رنج های از جانب بیگانه گان را متحمل گردیده و اگر امروز ضمامداران امور به ایجاد و استقرار نظام اسلامی و امارت اسلامی با نظر داشت تمام اساسات و آموزه های اسلام مبادرت نورزند الله تبارک و تعالی شخص دیگری را پیدا خواهد کرد که با این ملت خوبی کند.

برای آشنای هر چی بیشتر شما با وضعیت کشور مثال کوچکی را ارایه می کنیم تا تفهیم صورت گیرد .

شما یک خانواده ی را در نظر بگیرید که در آن خانه فرزندان با پدر خود زندگی مشترکی دارند در صحن حویلی خانه خزانه و جواهرات دفن است و اینها همچنان خبر دارند که در صحن حویلی شان خزانه ای موجود است ، پدر این خانواده با وجود که می داند خزانه در خانه موجود است. ولی باز هم عوض این که از خزانه های مدفون در خانه خویش استفاده کند، از همسایه های خویش قرضه می گیرد و به منظور اداء کردن قرضه ها از حق غذا و لباس اطفال خویش میکاهد، و اعضایی خانواده ی خویش را از گرسنگی به سرحد مرگ میرساند. و آن پول را که از حق غذا و لباس اطفال به منظور اداء قرضه برداشته است به

عوض آنکه آنرا را به مقـرض رد نمایـد، آن پـول را بـرای خـویش حسـاب بانکی باز می کند، و قرضه ها به شکل اولی باقی میمانـد. آیـا بـا اینگونـه پدر چگونه معامله گردد؟ چون واضح است این پدر برای پسر های خویش هم خائین است و با خود هم خیانت می کند ، و از دید شـریعت اسـلام در نزد الله و رسول او صلی الله علیه وسلم هم مجرم می باشـد و هـر آن چیزیکه انجام میدهد در چند روز محدود باین همه تمام شیرازه ی خانواده را بر هم میزند. که دقیقاً در شرایط امـروز مـا مواجـه بـه همین حـالت و وضعیت هستیم . و به الله جل جلاله سوگند یاد می کـنیم کـه تمـام منـابع مادی را در اختیار ما گذاشته است. اگر در مجموع مسلمانان اتفاق کننـد، نه کمبود وسائل معیشتی داریم، نه کمبود سرمایه و نه کمبود نـیروی کـار و نه هم کمبـود انـرژی بـرای سـوخت ، هـر آن چـیزی کـه توسـط آن می توانیم تا ملت مسلمان را دوبـاره بـه پـا ایسـتاده کـنیم تـا دوبـاره مطـابق اصول شریعت و احکام قرآن اقتصاد ثابت و پایدار برای خـود بسـازیم، بـا ارایه ی چند مثالی این موضوع را برای شما بهتر واضح می سازیم.

دولت بخاطر عواید و در آمد های خود سه وسیله در اختیار دارد.

1- مالیات : الف: مستقیم ب: غیر مستقیم

مالیـات مسـتقیم آن اسـت کـه از هـر شخصـی بـه طـور خصوصـی و جداگانه اخذ گردد، یعنی از در آمد یـک مـاه او فیصـدی معین و مشخصـی باید برای دولت پرداخته شـود، و این پـرداخت طـوری اجـرا می شـود کـه شخص پیش از آن که معاش خود را تسلیم شـود. ده فیصـد مالیـه آن بـه خزانه دولت میریزد . این نوع مالیات بر در آمد اشخاص (income tax) کاملاً یک عمل غیر مشروع، ناجایز، حرام و غیر اسلامی میباشد. چـرا کـه یک فرد پول مکمل عرق ریزی خود را به چشم ندیده، دولت مالیـات خـود را از عواید او منفی کرده است .

مالیات غیر مستقیم : آن است که از عواید اشخاص گرفته نمی شود، بلکه بالای اشیاء مورد ضرورت مـردم در بـازار وضـع می گـردد. یـا اینکـه مالیات بر کار خانه و یا شرکت تولیدی وضع می گردد.

مثلاً ؛ وضع مالیات بر شرکتهای استحصال و تصفیه نفت که با وضع آن در نتیجه قیمت پترول افزایش پیدا میکند بخـاطر کـه صـاحب شـرکت هم مالیه دولتی و هم نفع خود را در نظر گرفتـه تیـل را بـه بـازار عرضـه می کند. و با بلند رفتن مواد سوخت بطور خود کار تمام اشـیا مـورد ضـرورت مردم نیز بلند میروند.

نقص دیگر آن این است ، زمانیکه شخص فقیری صبح تا شام بخــاطر به دسـت آوردن روزی حلال کـار می کنـد، و او فقـط می توانـد بـرای دو وقت فامیل خویش غذا آماده بسازد ، باقی نه تـوان پـرداخت کرایـه خانـه خـویش را دارد و نـه تـوان علاج مریضـی کـه عایـد حـال خـود او یـا اهـل خانواده اش شده باشد و... این جریان اخذ مالیات (باج گـیری) بـه همـان مثال می ماند که طفل از گرسنگی به دم مرگ رسیده، ولی پـدر نـا خـرد به دزدی غذائی ناچیز آنهـا مصـروف باشـد تـا بـا آن بـه عیاشـی و شـراب خوری و قمار بازی، چکر زدن، بـه سـاعت هـا در تلیفـون صـحبت کـردن، سفر دبی رفتن و... بپردازد.

پس با مشاهده ی حالات جاری، با ما صد در صد موافق ایـد کـه دولت مردان با ما همین بازی را انجام می دهند. باید مطمینـاً تصـمیم قـاطع ای بگیریم تا این نظام را تغیر داده بتوانیم.

2- دومین منبع عایداتی بـرای دولت منـابع طـبیعی اسـت، قسـمی کـه امروز مردم کشور سعودی از پرداخت مالیه معاف اند. چـرا کـه حکـومت سعودی تمام عایدات خود را از درک فـروش نفت بـه دسـت می آورد. در نزد آنها منابع وافر طبیعی موجود است، آنرا به فروش رسانیده هم عواید را جهت هزینه های عمومی خـویش را بدسـت می آورنـد، هم بـالای ملت خویش به مصرف می رسانند و از جانب هم ضـروریات دولت و حکـومت را مرفوع می سازند و در ضـمن بـرای کشـور هـای خـارجی قرضـه هـای طویل مدت و کوتاه مدت می پردازند.

دقیقـاً! در کشـور مـا همچنـان الحمدللـه آنقـدر منـابع طـبیعی موجـود میباشد که اگر ما همه آنها را استخراج کنیم و مواد خـام آنـرا در فابریکـه ها به کار اندازیم و از منابع باقی مانـده هم خـود اسـتفاده کـرده و هم بـه خارج صادر کنیم پس هرگز و ابـداً لازم نمی افتـد تـا بـالای مـردم مالیـات اعم به شکل مستقیم و غیر مستقیم وضع شود .

3- سومین منبع در آمد دولت عبارت از ذخیره (Stock & Reserve) موجود از ثروت نزد دولت می باشد:

انگلیس هــا درین مــورد ضــرب المثلی دارنــد (Money save is Money mean) یعنی آنچه که در نزد خود ذخیره داری خود آن نوعی از در آمد بشمار میرود ، اگر سرمایه های ملی ما خـرچ عیاشـی هـای دولت نشود، خیانت که امروز با ما انجام می دهند از آن جلوگیری به عمل بیآید. چنانچه که صرفاً مصارف شورای ملی در طول پنچ سال بـه 9-10 ملیـارد

می رسد و در هر دوره این سلسله جریان دارد. اگر از این اضافه خـرچی ها کاسته شود، مشکلات ما آهسته آهسته حل می شوند.

در اینجـا مثـالی را از رئیس جمهـور ایـران ذکـر می کـنیم، او در حـال حاضر از موتر مدل1977 استفاده می کند و در خانه پدری خـویش کـه از 40-50 سال قبل اعمار شده زندگی دارد. چند پیش عروسی پسر خود را در صحن باغی گرفته بود و مهمانـان را بـا سـیب، کیلـه و انـار همـان بـاغ پذیرائی کرد، او از طرف شب بالای زمین می خوابد.

و یا میتوان از رئیس جمهور کیوبا فدرل کاسترو یاد آور شد او در میان مردم خود زندگی میکند همـراه بـا مـردم یکجـا در روی زمین می خوابـد، تقریباً 50 سال است که امریکا برای وی دسیسه هـای گونـاگون را طـرح میکند تا میان وی و مردم فاصله ایجاد کنند، ولی هرگز به این اهداف خود نرسیدند، زیرا که او توانسته است در قلب مردم خـود جـا بگـیرد و مـردم هم او را دوست دارند.

و هرگاه الگو های از صدر اسلام را ذکر کنیم لازم می افتتد که اشـاره ی به نظام دو خلیفه ی بزرگ و عادل جهان اسلام کنیم.

عمر بن عبدالعزیز رحمة الله علیه یـک حکمـران عـادلی بـود و چنـان دیانت و امـانت داری را اختیـار نمـوده بـود کـه در تحت حکمـروائی او بـه اندازه ی یک دانه خرما کسی به کسی مرتکب خیانت نمیشد[1] .

عمر بن خطاب رضی الله عنه به بهترین وجه ممکن ریاسـت اسـلامی را با عدالت و انصاف نگهداری میکرد. چنانچه که در روز هـای اول ظهـور اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم برای سران از مشرکین مکه گفت: (امیر باید خـادم مـردم باشـد) سـران مشـرک شـروع بـه خندیـدن کردنـد و گفتنـد بسـیار یـک جملـه ی شـاعرانه ی اسـت . ولی هیچگـاه در جامعه عملی نخواهـد شـد. ولی در زمـان خلافت امـیر المؤمـنین عمـربن خطاب رضی الله عنه این گفته ای رسـول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم عملاً دیده شد و برای مردم نشان دادند که باید خلیفه خادم مردم باشد. و در مجموع خلفای راشدین را اگر معیار قرار بـدهیم. اصـول واقعی نظـام اسلامی را درک میکنیم.

ما بخاطر حکمرانان را به عنوان بهـترین مثـال در اینجـا ذکـر کـردیم. چرا که هر زمانی حکمران عادل، امین و با انصاف باشد و مال بیت المال و مال ملت را امانت مردم فکر کرده خرچ کند، در نتیجـه این امـر الهی و معجزه آمیز تمام ملت را بطرف اصلاح میکشاند.

[1] . برای معلومات بیشتر در مورد نظام عدالت عمربن عبدالعزیز به کتاب های سیره و مناقب عمر بن عبدالعزیز رحمة الله علیه مراجعه گردد

سه اصلی را که در فوق بطور فشرده به بحث گرفتیم؛ یعنی :
1- از طریقه گرفتن مالیات
2- از طریقه استفاده از منابع معدنی و ذخایر طبیعی کشور
3- از طریقه کاهش مصارف گزاف و اذفه خرچی های دولتمداران

حال در ادامه اولاً روی منابع طبیعی بحث خود را دنبال میکـنیم . چـرا که پروردگار در اختیار مسلمانان منابع طبیعی وافـری را گذاشـته اسـت و ذخایر بی شمار را در اختیار داریم، پس برای مکیدن خون ملت مظلـوم و فقـیر هیچ دلیلی بـاقی نمی مانـد، تـا از شخصـی کـه بـالای مـوتر سـایکل باربری تمام روز زحمت می کشد و برای اطفال خود دو وقت روزی حلال را کمائی میکند، مالیات وضع نمایم.

در اینجــا لازم اســت تــا مختصــراً در مــورد ارزش و مــیزان معــادن افغانستان اشاره داشته باشیم.

نتایج پژوهشهای زمین شناسان در مورد معادن زیر زمیـنی افغانسـتان که در حدود ٪30 اراضی افغانستان را برسی کرده اند بیشتر از سه هـزار ملیارد دالر تخمین شده است.

این گـروه تحقیقـاتی گفتـه اسـت کـه ذخـایر زیـر زمیـنی مس ، آهن ، نیوبیوم ، لیتیوم ، ذغال سنگ ، و طلا در افغانستان به کثرت وجود دارد[1] .

تخمین ارزش در هزار ملیارد دالر

آهن: 421 میلیارد دلار با ضریب 3= 1263 ملیارد دالر

مس: 274 میلیارد دلار با ضریب 3= 722 ملیارد دالر

لیتیوم: 148 ملیارد دالر با ضریب 3= 444 ملیارد دالر

نیوبیوم: 81 میلیارد دلار با ضریب 3=243ملیارد دالر

کبالت: 51 میلیارد دلار باضریب 3= 153 ملیارد دالر

طلا: 25 میلیارد دلار باضریب 3 = 75 ملیارد دالر

---

[1]. BBC Persian به روز سه شنبه 15 ژوئن 2010 - 25 خرداد 1389 05:46 گرینویچ - لندن

در مجموع   برابر به 2900 ملیارد دالر

که علت عمـده لشـکر کشـی هـایی کـه در افغانسـتان صـورت گرفتـه اسـت همین مـوقعیت جغرافیـائی و معـادن سرشـار طـبیعی این کشـور میباشد ورنه کشور های غربی که تشنة سرمایه اند هیچ گاهی در دفـاع از بشر و بشریت مبارزه علیه تروزیزم«خودشـان» بـه افغانسـتان یـا مـدرن ترین تجهیزات و وسایل نظامی و تخنیکی خویش هجوم نمی بردند !

اگر به بشر و انسان احترام می نماینـد ، بـه فقـرای کشـور هـای خـود توجه کنند به طور نمونه در کشور امریکا بیش از چندین میلیـون انسـان ، در دخمه ها به شکل نهایت غیر انسانی بـدون هیچگونـه امـداد بشـری بـه سـر میبرنـد! امـا علت این لشـکر کشـی وحشـیانه غـرب بـه کشـور مـا ، موجـودیت همین منـابع سرشـار طبیعیسـت نـه افکـار بشـر دوسـتانه این وحشیهای ضد ترقی و آرامش بشریت!

از منابع طبیعی کشور میتوان به صورت نمونه بر علاوه معادن که قبلاً ذکر کردیم از : گاز طبیعی ، نفت ، زغـال سـنگ ، مس ، کـرومیت ،طلـق سلفیت ، گوگرد ، سرب ، جست ، نمک طعام ، منابع غنی یورانیم و سنگ های قیمتی یاد آور شد که هر یک را مختصراً به تشریح می گیریم .

آهن: افغانستان با دارا بودن بزرگـترین معـادن آهن آسـیا و بـا داشـتن خلوص متوسط (62 فیصد) در جهـان بی نظـیر اسـت ، بـه عنـوان مثـال معدن حاجی گگ بامیان با داشتن ذخیره 1.8 ملیارد تن و عیـار اولیـه (80 فیصد) و همچنین وجود سنگ چونه (calcite) در نزدیـک معـدن از اهمیت بسـیار بـالای برخـوردار اسـت کـه کانیهـای اصـلی این معـدن مگنـتیت (magnetite) و هماتیت می باشد.

معدن حاجی علم قندهار نیز با دارا بودن حدود (6 میلیـون) تن ذخـیره و عیار آهن (64 فیصد) از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

ذخایر مس: معادن متعدی از مس در نقاط مختلف افغانسـتان کشـف شده است ولی بزرگترین آن معدن مس عینک در نزدیکی لوگر می باشـد معدن مس عینک که به یقین بزرگـترین معـدن مس جهـان اسـت دارای (11میلیون) تن ذخیره با عیار (10فیصد) مس تخمین زده شده است

سرب: مهمترین معدن سرب در افغانستان عبارت اند از معدن سـرب فرنجل غوربند و معدن سـرب بی بی گـوهر قنـدهار کـه کلاً (69هـزار) تن تخمین زده شده است.

طلا: معادن طلای افغانستان به طـور کلی در سـه منطقـه بدخشـان ، قندهار ، و غـزنی شناسـایی شـده انـد کـه بیش از ppm3 یـا (part per million) طلا دارد.

یـورانیم: افغانسـتان از لحـاظ یـورانیم بسـیار غـنی اسـت و بیشـترین یورانیم کشف شده در نواحی قندهار ، هلمند ، و هرات موجود می باشد ، به گمان اغلب جنـگ طـولانی در هلمنـد نـیز بـه دلیـل غنـای آن منطقـه از لحاظ معدنی می باشد.

ذغال سنگ: امروز اهمیت ذغال سنگ بر همـه روشـن اسـت و در کـار خانه ها و فابریکه های مختلف مـورد اسـتفاده قـرار می گـیرد بـه عنـوان ارزان ترین منبع تأمین کننده انرژی سوخت استفاده وسیعی از آن صورت می گیرد.

معادن فعال ذغال سنگ در افغانستان عبارت از :

1- معدن ایش پشته در (230) کیلومتری شهر کابل
2- معدن کرکر شمال شرق پلخمری
3- معدن کرخ هرات
4- معدن بنگی جنوب شرق خان آباد
5- معدن دره صوف سمنگان

و در اخـیر بایـد یـاد آور گـردیم کـه آیـا امپریـالیزم امریکـا آنقـدر بشـر دوسـت انـد؟ کـه بـه بهانـه دفـاع از حقـوق «3500» نفـری کـه در بلنـد منزلهـای «world trade center» کشـته شـدند! در مقابـل بیش از « 200» هزار انسان بیگناه در عراق و بیش از «100» هزار دیگـر در وطن ما را قربانی کنند؟؟؟؟طبیعی است که نی![1]

باز هم تکراراً میگویم زمانیکه عزیز مصر به سیدنا یوسف علیه السلام پیشنهاد وظیفه را کردند, پیامبر الله در جواب شان گفتند، کـه مـرا مالـک خزائن زمین بگردان چرا که من حفیـظ و علیم هسـتم. یعـنی من توانـائی کامل دارم که از این منابع به صورت درسـت آن حفـاظت کنم و همچنـان آنـرا آگاهانـه اداره نمـایم، یعـنی دو ویـژگی اساسـی بـرای وزرات مالیـه (رئیس کل بیت المال) را الله تبارک و تعالی از زبان یوسف نبی برای ما نقل می کند، چرا که با گرفتن این مسـئولیتها بـه تـامین معیشـت عامـه و ثبات اقتصادی نائل آمدند که در طول چند سال محـدود مصـریان توانـائی این را پیدا کردند که به مناطق دیگر گندم توزیع کنند. کـه از این رونـد هم ملت رازی و آرام شد و هم سطح رهبری مصر، که این همه به لطف الله

[1] نوشته ای از عصمت الله نایب خیل بر گرفته از سایت بی بی سی بخش فارسی و سایت افغانستان جیولوجیست.

و بر اساس کوشش و تلاش وزیر مالیه به انجام رسید. روی این دلایل است که دشمن بالای ما اشخاص احمق، جاسوس و امثال آنها را وزیر مالیه مقرر میسازند. و انسان های با دانش از این امر بیرون نیستند، یعنی کسی که در عرصه ی اقتصاد علم و دانش کافی داشته باشد ولی حفیظ و امانت کار نباشد در این حالت انسان خائین نمی تواند اهداف ملی و اسلامی مردم را تحقق بخشد و از جانب هم هرگز از خزانه های کشور حفاظت نمی تواند. ولو معادن طلا و نقره باشد یا مس، نفت و گاز هرگز استعداد استخراج و استفاده از آن را ندارند.

چنانچه امروز ماشین الات فابریکات ما زریعه ی پطرول و نفت کار میکنند، یعنی بغیر از تولیدات خود کشور ماشین الات ما توسط انرژی که غول های نفت برای ما باید صادر کنند، فعالیت می کند در غیر آن باید دروازه های شان بسته شوند.

و ضمناً امروزه در مناطق بلوچستان جنگهای را شعله ور ساخته اند. ولی برای نابود ساختن مخالفین جداً و شدیداً پیشروی هم نمی کنند تا از ذخایر بی شمار که در بلوچستان وجود دارد کسی نتواند استفاده کند و البته وسائل که برای استخراج منابع به آن نیازمندیم تهیه ی و فعال نمودن آنها از توان انجینران خود ما بلند نیست.

امروز تولیدات گندم پاکستان 5 برابر از روس بیشتر است در حالیکه پاکستان 10 برابر نسبت به روسیه کوچک است در دنیا هر قدر که غله جات، سبزی جات و میوه که صادر می شود اگر در میان 200 مملکت مقایسه صورت گیرد , نسبت به مساحت که دارند میتوانند که تکافوی نفوس خویش را کند و همچنان در رده بزرگترین صادر کننده گان قرار گیرد ولی با وجود این همه کثرت و زیادت روزی این ظالمان وضعیتی را بالای ملت خویش حاکم ساخته اند که مردم از گرسنگی خود و اطفال خویش را به قتل می رسانند و این حالت برای این نیست که الله تعالی برای ما چیزی را نداده است و ما وسائل و زمین برای تولید نداشته باشیم بلکه این همه از برای اینست که حکمرانان ما خائین اند و این برای این است که رؤسای ما انسان های پلید هستند ، و در صدر حکومت جاسوسان یهودیان و CIA گماشته شده اند.

اگر بطور اساسی و بنیادی بالای این موضوع توجه صورت گیرد که با وجود این همه فراوانی و کثرت غذا چرا هر روز تعداد معتادین به مواد مخدره افزوده میشوند و ارقام خود کشی ها روز به روز بلند تر میگردد، بناً یک پاسخ بیشتری نخواهیم داشت، جهان اسلام امروز در عدم رهبریت

درست قرار دارد و آنها اند که سبب فساد گسترده در بین مسلمانان شده اند و حرکات احمقانه ی آنها ملک و ملت را بطرف تباهی و بربادی کشانده است .

پس اگر حکومت داران واقعاً راه صادقت را در پیش میگیرند و حکومت صادقی به وجود می آورند و حاضر اند تا از برنامه های پیشنهادی ما پشتیبانی کنند. پس به پیشنهادات ما توجه داشته باشند.

1- به طور مکمل اعلان صورت گیرد تا تولیدات گندم بیشتر شود و صادرات گندم به جز از چند کشور همسایه کلاً توقف داده شود. چرا که امروز در دنیا وضعیت طوری پیش آمده که قحطی و گرسنگی را یهودیان عام ساخته اند و تا چند سال آینده کمبود غله و گندم به صورت قابل ملاحظه محسوس خواهد بود،

زمانیکه الله تعالی خیر را در قبال ملتی در نظر داشته باشد پس راه های بیرون رفت از مشکلات را برای شان مشخص میسازد. و الله تعالی خیر این ملک ما را انشاءالله بعد از این همه سختی ها میخواهد اگر نمی خواست، پس برای مردم این فتنه ها آشکار نمی شد پس در شرایط کنونی لازم است که به مانند زمان یوسف علیه السلام تا رسیدن قحطی برای خویش غله و گندم ذخیره کنیم و صادرات خویش را تا حدودی توقف بدهیم ، چرا زمانی دور نخواهد بود که از آن ذخایر هم ملت خود را و تا جای همسایه های مسلمان و برادر خویش را در صورت که ضرورت داشته باشند دست گیری کنیم.

2- برای این کشور بند های آبگردان ساخته شود. بزرگترین بند های آب که از 50 سال به این طرف پلان اعمار آن گرفته شده است امروز باید جداً بالای آن کار صورت گیرد و آنها ساخته شود . و دولت چه تضمین را داده میتواند که در چند سال آینده که کمبود شدید آب احساس شود، برای ما آب داده خواهد شد و زمینهای ما بطور کافی سیر آب خواهند گشت.

این در حالیست که حتی یک انسان کور هم میداند که امروز آب از هر طرف بالای ما بند شده و آب های شرین کشور به دریاهای خارج از کشور سرا زیر میشوند و کسی نیست که جلو آنرا بگیرد و برای آینده که تحت تهدید خشکسالی قرار داریم ما را مطمین گردانند ، سالانه آب شیرینی که از افغانستان خارج می گردد، معادل 500 ملیارد دالر تخمین شده است. یعنی هر متر معکب آب شیرین یک دالر ارزش دارد و سالانه 500 ملیارد متر مکعب آب شرین از افغانستان خارج می شود و کسی از

آن استفاده نمی کند، بناً هر سال افغانستان 500 ملیارد دالر را مفت و مجانی از دست می دهد ؛ و ما باید برای تحت اداره در آوردن آبهای شرین خود بند های را اعمار کنیم که این کار لازم و حیاتی برای امروز و آینده کشور ما است.

الف ـ ایران و موضوع آبهای افغانستان

باید افزود که منبع اصلی تأمین آب شرب و کشاورزی در ولایت زرنج رود هلمند است ، رود هلمند از داخل خاک افغانستان پس از گذشتن از ولایات مختلف و از جمله نیمروز به ایران میرسد این رود حاوی آب شیرین است ولی در کل ولایت نیمروز و ولایت سیستان و بلوچستان و زابل ایران تمام چاههای دارای آب شور هستند که مناسب به زراعت و شرب نمی باشند.

مردم نیمروز آب شرب شان را از طریق تانکر و قسمتی از آن را هم ایران تقبل نموده که به جهت کمکهای انسان دوستانه به افغانستان داده شده البته همان طور که هیچ گربه ای محض رضای الله موش نمی گیرد ایران همه اهداف سیاسی بسیاری را دنبال می نماید ، اولین و مهمترین هدف آن در دست گرفتن شریان حیاتی مردم زرنج و به طبع آن دولت افغانستان است ، هدف دوم آن بدست آوردن چماقی است تا افغانستان نتواند آب هیلمند را بروی ایران قطع نماید و هر گاه لازم شد از این حربه بر ضد دولت افغانستان استفاده نماید و هدف سوم و مهم آن جلوگیری از اعمار بند کمال خان می باشد ، بند کمال خال که از گذشته وجود داشته در حال حاضر تخریب گشته که کشور ایران با تمام سعی مداوم خویش کوشش به تأخیر انداختن این امر را دارد .

که ایجاد بند کمال خان علاوه بر تأمین آب شرب مناطق زرنج و قریه های اطراف میتواند با کمک پمپ تمام زمینهای نیمروز را زیر کشت ببرد که با این کار حتم وجود دارد که افغانستان از لحاظ گندم در چند سال بی نیاز خواهد گشت.

دولت ایران بر خلاف تمام فرافکنی ها مدت 30 سال است که بدون کدام حساب و کتاب از آب هیلمند استفاده نموده و علی الرغم تمام موافقتنامه های قبلی که ادعای لازم الاجرا بودن آن را دارد اقدام به حفر حداقل 20 حلقه کانال و نهر بصورت کاملاً آشکار نموده و آب هیلمند افغانستان را نیز به سمت خود انتقال داده است و با احداث خط لوله این آبها به شهر های مختلف ایران از جمله ، زاهدان ، مشهد ، زابل ، و حتی شهر های دور تر انتقال می دهند و همچنان بستن بند بر روی هامون هم

نمونه بارز دیگر خلاف وعـده این رژیم اسـت زیـرا آب اضـافی هیلمنـد در صورت اضافه شدن از هامون بایـد دوبـاره بسـمت افغانسـتان بیایـد و بـه دشت گودزره بریزد اما دولت ایران با احداث بند خـاکی مـانع از برگشـت آب به افغانستان گردیده علاوه بر اینها دولت ایران با همکاری ترکمنستان بر روی هریرو بنـدی احـداث نمـوده بنـام « دوسـتی» کـه این سـد هم از اسـاس باطـل بـوده و قابـل گذشـت و مسـامحه نیسـت زیـرا ایـران و ترکمنستان بدون اطلاع افغانستان که سرچشمه هریرود در آن است نمی تواند یک قرار داد دوجانبه منعقد نمایند ، اما مشاهده نمودیم که حکـومت سراپا دروغ ایران این عمل را انجام داد و هـر چنـد در ظـاهر ترکمنسـتان هم شریک است منتها تمام مخارج آن را ایران پرداخت می کند.

با توجه به خشک شدن آب هیلمنـد درین اواخـر و کمبـود شـدید آب در هامون دولت ایران به همین بهانه آب شرب شـهر زرنج را قطـع نمـوده و در قبـل از سـر گـیری آبرسـانی بـه زرنج خواهـان این اسـت کـه دولت افغانستان با رها سازی آب از بند کجکی بـاعث پـر آبی هیرمنـد و هـامون گردد که این مطلب یعنی رها سـازی آب بـه از بین رفتن 25 هـزار هکتـار زمینهای مردمی در ولایت کجکی خواهد شد و این فاجعه اقتصادی بزرگی برای مردم ما است.

این بند در حـال حاضـر آب شـرب شـهر مشـهد و چنـد شـهر ایـران را تـأمین می نمایـد البتـه این مسـاله یعـنی تجـاوز بـه حقـوق حقـه ملت افغانسـتان خـاص ایـران نیسـت بلکـه تمـام کشـورهای همجـوار از جملـه پاکستان ، و تاجیکستان ، ازبکستان به نوبه خود ازین ناحیه به حقوق ملت افغان دست درازی نموده اند.

همچنان ایران به منظور دستیابی به اهـداف پلیـد و شـوم خـود تقبـل نموده که بطور رایگان قسمتی از برق مصرفی شهر هرات و قسمتی از آب شرب شـهر زرنج را تـأمین نمایـد ، از ابتـدا دولت افغانسـتان و در آن اسـماعیل خـان (زمـانی کـه والی هـرات بـود) این بخشـش سـخاوتمندانه ایران را قبول می نمود زیرا هر چند در کوتاه مدت مفیـد حـال عامـه بـود اما این که مـا نیش کـارد را بـر قلب خـود گذاشـته و دسـته آن را بدسـت ایران داده ایم که هر زمان دلش خواست با فشاری قلب را قطعه قطعـه کند همان گونه که دیدیم چگونه آب زرنج را قطع نمود و چـه در خواسـتی نمود و مطمئن باشید اگر کار احداث بند سلما در چشت هرات آغاز گـردد برق هرات را نیز قطع خواهد نمود.

هم اینک ایران با اجیر نمودن عوامل خود فروخته داخلی و تقرفه افگنی و هزاران نوع بازی سیاسی و کار شکنی مانع از اکمال دو بند مهم و حیاتی برای افغانستان (بند کمال خان در نیمروز و بند سلما در هرات) گردیده است مردم افغانستان به قاطعیت بالای دولت باید فشار بیاورد که این دخالتهای ایران از امورات داخلی ما کوتاه گردد و دو پروژه مهم به اتمام برسد.

ب ـ ازبکستان و موضوع آب آمو

ازبکستان که تمام زندگی آن وابسته به آب آمو است از همین آب برق تولید نموده و به خود افغانستان به فروش می رساند و از چند روز بدینسو بدون اطلاع قبلی به یکباره جریان برق را قطع نموده و خواهان افزایش 50 فیصدی قیمت برق است.

و در ضمن ترکمنستان هیچ دریای مهمی در جهت کشاورزی وجود ندارد و کاملاً وابسته به آبهای است که از خارج به آن کشور سرا زیر است ، اگر نگاهی دقیقی به نقشه منطقه بیاندازیم متوجه خواهیم شد که کانال قره قوم به عنوان شاهرگ حیاتی این کشور است که توسط دولت شوروی سابق احداث شده است آب این کانال از دریای آمو تأمین می گردد و همچنین دریای مرغاب و سدی که این کشور بر روی آن احداث نموده است نقش بسیار مهمی در تأمین آب این کشور دارد.

به هر صورت طبق پیش بینی کارشناسان غالب جنگها در آینده بر سر آب و مخصوصاً آب های مشترک ایجاد خواهد شد و به موقعیت استراتیژیک هیلمند و با توجه به آنچه که بیان شد جنگ میان ایران و افغانستان محتمل خواهد بود پس تنها راه حل این است که ایران در قبال این حجم آب هیلمند راه حلی غیر از ایجاد اختلاف و فتنه انگیزی را در پیش گیرد و اگر ازبکستان از برقی که از آب های خودمان تولید شده است چنین قیمتهای را طلب می کند آیا ما نمی توانیم در قبال آب سر زمینمان از آنها طلب پول و یا امتیازات دیگر سیاسی- اقتصادی داشته باشیم .

ج ـ آب های افغانستان در قسمت جنوب شرقی

همانطور که می دانید زراعت در اقتصاد پاکستان نقش اساسی دارد و مهمترین دریای این کشور دریای سند می باشد که دریای کابل ، پنجشیر ، و غوربند در نهایت به این دریا می ریزد ، با توجه به اینکه سالانه حدود 20 میلیارد متر مکعب آب از دریای کابل وارد پاکستان می شود متوجه خواهیم شد که آبهای افغانستان نقش بسیار مهمی در کشاورزی

این کشور دارد و پاکستان سالانه میلیارد ها دالر با استفاده از آبهای افغانستان در آمد کسب می کند و هزاران باشنده خود را مشغول به کار کرده است.

3- بناً بالای تمام زمینهای قابل زرع ، گندم و غله جات زرع شوند و نباید در کشور هیچ زمینی را سراغ داشته باشیم که در آن کشت صورت نگرفته باشد. و ضمناً مسئولیت به دوش حکومت است که حکم شریعت اسلام را جاری سازد مبنی بر اینکه زمین هر کسی که سه سال متروک و لارزع ماند، باید به شخص دیگری تسلیم گردد و به هر اندازه زمین و ملکیتهای دولتی قابل کشت و زرع که دولت قابلیت استفاده از آنرا ندارد، باید به دهاقین توزیع گردد، آب انشاءالله کم نخواهد شد، هرگاه عدالت ، انصاف در مملکت وجود داشته باشد و بالای کسی ظلم صورت نگیرد ، بارش های با برکتی را هم در پی خواهیم داشت، آب دریا ها به صورت فراوان موجود است و هزاراً هکتار زمین که قابل کشت باشند انشاءالله که سیر آب خواهند شد. بناً بار دیگر تکرار می کنیم که زمین ها را کشت کنید و در شرایط حاضر انجام این امور از جمله مسئولیت های بزرگ دولت بشمار میرود و از طرف دولت لازماً این پروژه ها روی دست گرفته شود.

4- چهارم پیشنهاد ما همچنان برای کشور حیاتی و مهم است که درین زمینه باید از کشور های چین ، هالند ، نیوزیلاند ...درس آموخت زیرا الله تعالی می فرماید:«ْ فَاعْتَبِرُوا يا أُولِى الْأَبْصَارِ»(الحشر/3)

(از تجارب و کارکرد های دیگران برخورد الله با گروه های مختلف» عبرت بگیرید ای صاحبان دید)

و سایر کشورها از برنامه های آنها استفاده میکنند ما میتوانیم که از آنها آموخته و زراعت خود را به شکل اشتراکی تنظیم کنیم کشور چین امروز برای اردو (افواج مسلح) خویش زمین ها را به شکل اشتراکی توضیع نموده است گروها و دسته جات از دهاقین در میان اردو چین موجود اند و همراه با مردم بسیاری از پروژه های بزرگ زراعتی را پیش میبرند . بناً این کار را ما هم در کشور های خویش باید تنظیم کنیم.

جاپان از نقطه نظر جغرافیایی یک کشور کوچک است که تمام فعالیت های خویش را روی صنعت و تکنالوژی متمرکز ساخته است. ولی با وجود آن غله و گندم مورد نیاز خود را تولید می کند و کشور وارد کننده ی نیست، تولیدات فردی گندم چاپان نظر به تولیدات پاکستان 10 برابر زیاد است. یعنی هر دهقان جاپانی ده برابر دهقان پاکستانی کشت و حاصل

می گیرد در حالی که پاکستان دارائی آب و هوائی مناسب برای کشت در چهار فصل می باشد و هیچ نوع کمی را الله تعالی در حق این کشور نکرده است.

نیوزیلاند کشور کوچکی است ولی بزرگترین کشور صادر کننده ی گوشت در جهان بشمار میرود، آنها توانسته اند که بزرگترین رمه های از حیوانات اهلی به خصوص گوسفند را در کشور خود تربیه کنند.

به همین شکل هالند کشور کوچکی است، امکانات زمین زراعتی را ندارند، ولی امروز از جمله ی بزرگترین صادر کنند گان لبنیات در جهان بشمار میروند.

بناً برای ما لازم است که از امکانات دست داشته خویش استفاده ی اعظمی کنیم . ما می توانیم که تولیدات زراعتی خویش را افزایش بخشیم، از محصولات حیوانی از قبیل پوست، پشم ، شیر، گوشت آنها استفاده کنیم به نهایت معادن الله تعالی برای ما ارزانی فرموده است با به کار گیری از هر یک ازین معادن عایدات وافری نصیب مردم ما خواهد شد ، چرا که انجام این برنامه ها بلند تر از توان ما نیست، ما به اندازه ی کافی نیروی کار داریم. و همچنان می توانیم فارم های ماهی را در داخل کشور رونق بخشیم ، فارم ماهی طوری است که در کنار دریا یا در میان دریا پنجره های بزرگی نصب میشوند و به این اساس برای نو زادان ماهی آسیبی هم نمی رسد و آنها در همان جا بزرگ می شوند، زمانیکه همه آنها بزرگ شدند، میتوان دوباره پنجره را بیرون آورد که در آن یک تن یا بشتر از آن ماهی موجود خواهد بود. که از این روش در تمام دنیا استفاده میکنند. حتی به طور خصوصی مردم مصروف این کار اند ، و میتوان در کوچک ترین نهر آبی از این روش استفاده کنید و اصلاً زحمتی در کار نیست در کشور ما الحمدلله دریای های بزرگی وجود دارند و از نهر های بزرگ و کوچکی هم بر خورداریم.

مطلب دیگر اینکه چون کشور ما یک کشور زراعتی و مالداری است بناً ضرورت است تا در این عرصه ها کار های خسته گی ناپذیری را انجام داد، چرا امروز در کشور مالدارای بطور سنتی انجام میشود حتی گاو های ما به اندازه ی گاو های هالند شیر ده نیستند، چرا ؟ بخاطری که آنها برای گاو های خود به اندازه ی کافی غذای مساعد میسازند.

این همه برنامه ها باید در سراسر کشور روی دست گرفته شوند تا این نظام پیشنهادی ما رایج شود، امروز متاسفانه دهاقین ما به انواع تکالیف گرفتار اند، دلیل آن این است که دولت ضروریات عادی آنها را

مرفوع نمی سازند، بناً برای دولت لازم است که مصارف غیر ضــروری را که اصلاً به منافع ملی ما ارتباط نمی گیرد را کم سازند و بیشــترین کمــک ها را به دهاقین اختصاص بدهند تا باشد دهاقین ما به فکــر آرام کــار هــای خود را پیش ببرند، چرا که روز به روز قیمتی به اوج خود میرسد و دهقان بیچاره نمی توانند تا برای یک فصل خــویش کشــتی را آمــاده ســازد، زیــرا همه ای پول های شان در تادیه ی مالیات، بل برق، تیل موتر، ترکتــور و... به مصرف می رسد.

مبحث چهارده هم

آب، معادن، جنگلات دار الاسلام از همه مسلمانان

در فصل سیزده هم مطالعه شد هرگاه دولت مردان اشخاص فروختــه شدی نباشند باید مطابق شریعت اسلامی در تمــام امــور جامعــه اســلامی حکم کنند، امنیت جان و مال مسلمانان را تامین ســازند، تــا در زیــر ســایه آن با اطمینان کامل کار و تلاش صورت گیرد، افرادی کــه مــرتکب تخطی از نظام شریعی مشوند باید اشد مجازات برای شان تعیین گردد، رشــوت خوری یکی از بزرگترین مصیبت های است که مسلمانان جاهل و مــیراثی مبتلا به آن اند، در ایام قیمتی احتکار نمودن اجناس وظیفه حــرام خــوران را تشکیل میدهد به همین ترتیب مصارف یک وکیل در هر سال به لــک هــا

افغانی میرسد و بدتر از آن خود دولت مردان و اعضایی فامیلهای شان از پـول بیت المـال اسـتفاده نادرسـتی میکننـد و شـب و روز در عیاشـی و فحاشی غرق اند. کـه بایـد جلـو این همـه گرفتـه شـود و از مصـارف آنهـا کاست و بـرای محتـاجین جامعـه اسـلامی بـرق، تیـل و سـایر اقلام مـورد ضرورت مجانی توضیع گردد.

در فصل بعدی خواهید مطالعه نمود که انرژی جـز اساسـی زنـدگی را تشـکیل میدهـد ، و بایـد از معـادن ، آب هـای شـیرین و مـزارع و جنگلات مربوط به جهان اسلام استفاده عظمی صورت گیرد.

برای حل این مشکل لازم است تا نظام اقتصاد اسلامی را در جوامع خویش بنیادی و نهادینـه بسـازیم و آن نظـام اقتصـادی را ایجـاد کـنیم کـه خارج از دنیای اقتصادی صهیونیزم عمل کند، اصول بنیادی اقتصاد اسلامی طوری است که باید تمام منابع اداره و چـاپ سـکه و مـیزان توزیـع آن در بازار به دوش حکومت و دولت اسلامی باشد و تحت اداره ی حکومت کار و تلاش کند و صلاحیت و اختیار در نزد بانک های خصوصی نباشد.

هدف ما از بیان این راهکار ها بر پا نمودن یک انقلاب سـبز اسـلامی و ریشه کن کردن نظـام الحـادی غـرب و صـهیونیزم بـه رهـبری امپریـالیزم امریکـا و در نهـایت بـر قـراری حـاکمیت الهی در روی زمین میباشـد ، آن حاکمیتی که عاری از تعصب و ظلم و استبداد باشد، مـا خواهـان زدودن و از بین بردن حاکمیت فعلی بشر بالای بشر هستیم ، و ما دیگر نمیخـواهیم محلی بـرای تطـبیق تیـوری هـا شـرق و غـرب باشـیم و خواسـتار نظـام متحـرکی کـه منبـع آن وحی الهی و سـرلوحه آن (لااله الا اللـه) باشـد میباشیم .

امروز نظام اقتصادی غـرب، بشـریت را بـه دهانـه تبـاهی قـرار داده و فقط معجره می تواند انسانیت را از چنین بن بستی نجات بدهد. چـرا کـه بزرگترین هدف نظام صهیونی این است تا تمام دنیا در تنگنائی گرسنگی ، فقر، لاچاری دست و پنجه نـرم کننـد تـا بـه این شـیوه همـه را بـه هلاکت برسانند. امروز برنامه های را روی دست دارند که به چه اشـکالی نفـوس 6 ملیاردی نفری دنیا را به 1 ملیارد نفر کاهش دهند، یعـنی پلان دارنـد در طی 20 سال آینده به شیوه های مختلف 5 ملیارد نفر را به قتل برسانند، مانند آوردن قحطی، گرسنگی ، فقـر، جنگهـای بـزرگ میـان ملـل، شـیوع امراض مهلک و...

1- بر پا نمودن قحطی و گرسنگی: اعمال برنامه های ایجاد فقر در جهان برایشان آسان می باشد چرا که قبلاً گفتیم که آنها منابع غذائی را تحت اداره ی خود آورده اند و به هر میزانی که خواسته باشند صادرات را به کشور ها کاهش می بخشند .

2- شیوع بیماری ها : چون خود شان دارو های امراض ساری را برای خود تهیه میکنند، بناً به تعقیب آن ویروس بیماری های مانند ایدز ، سیاه سرفه ، انفلونزای خوکی و... را در لابرواتوار ها تهیه و در بین مردم شیوع میبخشند، مانند که ویروس ایدز را در افریقا شیوع بخشیدند که به سبب آن در طول این چند ده به صدها هزار افریقائی به مانند مورچه ها جان دادند. و سالانه بیشتر از 40 میلیون نفر به اثر این ویرس جان های خویش را از دست می دهند، و این تحفه ی است از جنایات غرب و نظام های غربی به ملل فقیر جهان.

بعد از مباحثاتی که برای بیرون رفت از احتیاجات اولیه مطرح شد در ادامه روی مبحث انرژی صحبت خواهیم کرد.

یعنی زمانیکه نیازمندی های اولیه شما مرفوع گردید به تعقیب آن شما معیشت، زندگی و تجارت روزانه خویش را پیش برده می توانید. و یقیناً که هرگاه صنعت، تجارت و کارخانه جات تولیدی بسته شوند، در این صورت حتی ما نان و آب پیدا کرده نمیتوانیم. این مطلب را به سبب ذکر کردیم که امروز در کشور وضعیت طوری است که مردم و دولت به خریداری برق ضعیف و انرژی تولید برق محتاج اند و مشکل ما این است که اصلاً برق به مقدار کافی وجود ندارد .

در حالیکه در طول هشت سال گذشته یک میگاوات برق به کشور داخل نمی شد، صاحبان قدرت این ضروریات را خوب میدانستند، و از این موضوع خوب واقف و با خبر هم بودند که آبادی و پیشترفت کشور و پیشبرد زندگی در آن هر روز جدی تر میشود و برای خویش شکل و اشکال جدیدی می گیرد بناً برق یک انرژی لازمی در حیات انسانی و تامین کننده ی نیازمندی های مردم یک کشور را تشکیل میدهد .

چنانچه که ما قبلاً گفتیم ! شخص با صلاحیت در عرصه ی مالی یک کشور از طرف IMF یا بانک جهانی به این مقام تعین می شود، و آنها ماموریت دارند تا اقتصاد کشور را غیر متحرک و فلج نگهدارند، و هرگز نگذارند که بالای ذخایر نفتی آن کشور کاری انجام شود، بالای استخراج معادن یورانیم ما حتی کسی حق فکر کردن را نداشته باشد و هرگز پایپ

لاین های گاز و انتقال مستقیم آن به خانه هـای مـردم بـه خـود جامعـه ی عملی نگیرد، در حالیکه باید این همه امور در اولیت کاری قرار میداشتند.

در صورت عدم انرژی موتر، تراکتور، بلـدوزر، زراعت، صـنعت همـه و همه از فعالیت میماند و صد ها مشکل دیگری پدید می آید .

آنچه که در ادامه برای حکومات مسلمان بیان می داریم در دو مرحلـه خلاصه می شوند .

الف- برنامه های که باید در داخل قلمرو یک کشور اعمال شود .

ب- دولت بایـد آن برنامـه هـا را خـارج از قلمـرو یعـنی در سـطح بین اللملی اعمال کند.

1- انرژی :

برای تامین انرژی آنچـه از همـه مهمـتر اسـت اینکـه بایـد اسـتخراج و استحصال ذخایر طبیعی شدیداً مورد توجه قرار گیرند. زیرا این مال ورثه ی شهداء مسلمانان است کـه در راه حفـظ آن جانهـای خـود را از دسـت داده اند و مربوط به آن عده از یتیمانی میشود که پدر هـای خـویش را در راه آزادی کشور فدا کرده اند و بطـور عـام از تمـام مـردم این سـرزمین است که در این ملک متولد شده اند و در مجموع متعلق به تمـام کسـانی است که با این سرزمین محبت دارند .

اما آنانیکه از تجزیه شدن و تعصبات نژادی و قومی صـحبت می کننـد و هر کسی که بحث حق من و حق تو را دامن می زند و آنانیکه میخواهنـد به هـر شـکلی باشـد چی از راه پارلمـان و انتخابـات در حکـومت و دولت سهم بگیرند و یا از راه دزدی و خیانت یا از طریق قاچـاق مـواد مخـدر ... چهـره هـای شـان را بشناسـید ! همـه و همـه خـائین بـه این ملت و این سرزمین اند ، بدون شک در بین اعضای یـک خـانواده جنگهـای اتفـاق می افتد، میان دو برادر هم اختلافاتی به میان میایـد ولی هـر آن کسـی کـه از آتش زدن این خانه صحبت می کند او دشـمن اسـلام، دشـمن مسـلمانان، دشمن وطن و دشمن کسانی است که بـرای حفـظ حیـثیت، آبـرو، عـزت سرحدات این کشور شـب و روز زحمت میکشـند و بخـاطر بـیرون رانـدن اشغال گران خون های قیمتی شان را در راه حفظ سرزمین خـویش و در راه الله تبارک و تعالی و حفظ ارزش های که رسول او صـلی اللـه علیـه وسلم به وجود آورده است میریزند.

باید عرض کرد که برای استخراج منابع طبیعی خود ما نیاز داریم تـا بـا همسایه های خود تعاون و همکاری داشته باشیم،ماننـد ایـران، پاکسـتان، تاجکستان، ازبکستان ، ترکمنسـتان و... مـا تـا هنـوز بـا کشـور ایـران هیچ

گونه معاملهء را انجام نداده ایم تا سبب رشد و ترقی کشور ما در عرصه ی سکتور تجارت شود. متاسفانه تا هنوز وسایل کافی برای واردات گاز و پترول از آن کشور را در اختیـار نـداریم، اگـر روزانـه 1000 تـانکر تیـل از ایران واردات داشته باشیم ضروریات انرژی کشور ما به حد کـافی تـامین می شود .

بلی! ما میتوانیم که از عربستان سعودی و یـا از کـویت مـواد نفـتی را وارد کنیم ولی در هر صورت باید حمایت کشـور ایـران را بـا خـود داشـته باشیم، اگـر ایـران راه هـای بحـری خـویش را در نتیجـه جنـگ یـا حـوادث دیگری به روی ما ببندد ما واقعاً درمانـده خـواهیم شـد و فقـط سـرحدات شمالی به روی ما باز خواهد ماند و بس .

امروز نیرو های نظامی ایران در سرحدات بحری و بری خویش آماده اند که هرگاه امری بسته کردن سرحدات برایشان داده شود با تمام نـیرو و توان خود به این کار مبادرت بورزند، ولی مـا بایـد در هـر صـورت مـواد سوخت و تولید انرژی را پیدا کنیم و در هر صورت ممکن ارتباط خود را با همسایگان خود در حد متعـارف حفـظ داشـته باشـیم. چـرا کـه انجـام این امور برای ما ضرورت است و برای رفـاه اجتمـاعی امـر حتمی میباشـد و هدف عمده ما این است که ما باید روند اقتصاد یهود را متروک قرار داده و آنرا کنار بگزاریم، این چند کشور مسلمان همسـایه می تواننـد در میـان خویش منابع تمویل مستقل غذائی و انرژی را آماده بسازند .

امروز ایرانیان میخواهند تا کشـور خـود را از سـاحه ی تجـارت انـرژی بین المللی آهسته آهسته خارج سازند، چرا که خود امروز قادر اند تا برای خود و همسایگان خود تیل مورد ضرورت را استحصال و صادر کننـد . و از جهت هم میخواهند تا از جریان تجارت دالری خود را بیرون سازند، لذا هر زمانی که دالر به تباهی، انفلاس و ورشکستگی برسد، بالای تجارت نفت، مـواد غـذائی و... آنهـا تـاثیری منفی نگـذارد. پس مـا میتـوانیم معـاملات خویش را مستقلانه با کشور ایران انجام بدهیم. و در این مقطع ای زمانی برای ما یک موقع طلائی است کـه بـرای تجـارت نفت خـویش جـاده هـای ترانزیتی و وارداتی نفت را تحت اداره خویش داشته باشیم .

تاکید بیشتر ما بالای منابع و معادن طبیعی و ذخایر نفت و گـاز کشـور خود ما است چنانچه کـه در حـدیث رسـول اللـه صـلی اللـه علیـه وسـلم روایت است: عن رجل من الصـحابه رضـی اللـه عنـه قـال: « غـزوت مـع رسول الله صلی الله علیه وسلم فمعتـه یقـول: النـاس شـرکاء فی ثلاث: فی الکلا، والمـاء ، والنـار» (رواه احمـد ، وابـوداود، ورجلـه ثقـات ، بلـوغ

المرام بشماره 784) (از مردی از صحابه رضی الله عنه روایت است که گفت: با پیامبر صلی الله علیه وسلم به جنـگ رفتم ، پس شـنیدم کـه می فرماید : مردم در سه چیز شریک اند : چرا گاه(جنگلات) ، آب و آتش) .

یعنی سه چیز ملکیت عام مردم بشمار میرود که به مالکیت خصوصـی داده نشود: آتش (منابع سوخت یـا تولیـد انـرژی) آب و جنگلات یـا علاقـه هـای کـه مالـک نـدارد و بـرای صـلاح و فلاح عامـه ی مـردم اسـتفاده می شوند.

این همان چیزیست که در قـرن مـا آنـرا « ملی کـردن منـابع عمـومی ثروت» می گویند و این قـانون را بـا اسـتفاده از ملی بـودن آب و آتش و گیاه « چراگاه و جنگلات » از اسلام میتوان بدست آورد و در حدیثی آمده که چون اینها از منابع عمومی بـوده و از ضـروریات اولیـه زنـدگی هسـتند نمی شود آنها را با مالکیت خصوصی محدود کرد بلکه بایستی بـرای همـه باشد فقه مالکی با استفاده از همین ، معادن را ملی میداند و کسـی حـق تصرف و انحصار را ندارد ، فقه مالکی در مشـهور تـرین اقـوال خـود می گویـد : هیچ یـک از اشـیاء سـه گانـه : معـادن ، فلـزات ، مراتـع چراگـاه و جنگلات از امـوال مبـاح و آزاد نیسـت کـه هـر کسـی پیـدا کـرده و بـر آن مسلط شد ، از آن وی باشد .. بلکه آنها ، ملک همه مسلمانان است ...

بدون شک ، با برگشت دادن مالکیت در این قبیل موافق بـه همگـان و ملی اعلام کردن آنها ، مهمترین عامل فقدان تـوازن اقتصـادی در اجتمـاع از بین میرود برای اینکه این امر موافـق و مـوارد ، قسـمت اعظم ثـروت عمـومی را شـامل می شـود کـه در رژیم هـای سـرمایه داری جنـایت بـار غربی ، شرکتها و افراد آنرا تملک می کنند و از این مالکیت منحوس ، آثار شوم و سوء فراوانی ببار می آید و همین هم عامل اصلی جنگهـای محلی و بین المللی و بازیهای استعمار و امپریالیستی می گردد ...[1]

پس مطابق این حدیث امروز در جهـان اسـلام هـر قـدر منـابع نفـتی و طبیعی که موجـود اسـت و هـر قـدر جنگلات و سـایر منـابع کـه در اختیـار دولت ها قرار دارند، باید متعلق به عامه ی مردم باشـند. چـرا کـه ملکیت اجتماعی بشمار میروند، چون در نظام سیاسی اسلام سـرحد هیچ معنـای ندارد و این سرحدات که امروز در قلمرو خلافت اسـلامی دیـده میشـوند، بنیان گذاران آن صهیونیستان ، انگلیسان و روسـها انـد تـا بـرای اسـتعمار شان این مناطق آماده بهره برداری باشد .

---

[1] صلح جهانی و نظریه اسلام ، شهید سید قطب ص 192،193

این به آن معنی نیست که ما در شرایط فعلی خود را فاقد منابع نفتی سازیم و همه ی آنـرا بـه لیلام بگـذاریم. بلکـه میخـواهیم از ادارات مـا بی نظمی فاحش، فساد فاحش، عدم مدیریت درست و مسـلکی و نبـود یـک برنامه گذاری علمی از میان برداشته شود تا منابع ما از اختیار زور مندان آزاد شده و در اختیار عامه ی مردم به شکل مساویانه قرار بگیرند .

چرا که قبلاً تذکر دادیم که این همه ملکیت پـدری کسـی نیسـت، شـما هیچ گـاهی نمی توانیـد کـه نـور آفتـاب و تنفس آکسـیجن را شخصـی و خصوصی بسازید، بعضی چیز های است که الله تعالی مطابق فطـرت مـا برنامه ریزی نموده تا هر کسی بتواند به حد کـافی از آن مسـتفید شـود و هیچ ممانعتی در استفاده ی مشروع آنها وجود نداشـته باشـد . بـاز هم مـا پیشنهاد میکنیم که این منابع شامل ملکیت دولـتی باشـند امـروز در نظـام غرب سرمایه داری ، استعمار و استثمار مردم به اوج خود رسـیده اسـت، همه چیز ها خصوصی شده اند و در انحصار شرکت های خاصی آمده انـد. حـتی دریاهـا، آب آشـامیدنی و اسـتفاده از ابحـار را خصوصـی و ملکیت شخصی افراد ساخته اند، ترس ما اینست که مبادا روزی آکسـیجن را نـیز خصوصی بسازند .

درینجا لازمست که بالای این سه منبع عمـومی در افغانسـتان تبصـره کوتاهی داشته باشیم

2-آب:

امروز برای همگان این حقیقت معلوم می باشد که افغانستان از نگاه آب شرین و منابع آب شرین از جمله بزگترین و غنی کشـور هـا در سـطح جهان می باشد که مثال آنرا در سطح جهان ما شاهد نیستیم ، افغانسـتان دارای کوه های سر به فلک کشیده کـه بحیث بزرگـترین یخچـال هـا بـرای نگهدارای آب در فصول مختلف می باشد .

ولی با تأسف عمیق باید خاطر نشان ساخت که ازین نعمت بزرگ الله رب العلمین کـه بـالای کشـور مـا ارزانی نمـوده بهـتر اسـت بگـویم اصـلاً استفاده صورت نمی گیرد .

به هزاران ملیارد متر مکعب آب در دریا هـای خروشـان افغانسـتان در همه اوقات و فصول جریان دارد که به جز از اسـتفاده هـای محلی و چنـد بند بـرق آبی کـه کفـایت 30٪ تـأمین انـرژی بـرق افغانسـتان را نمی کنـد استفاده نمی گردد و همه داخل سر زمین همسایگان ما بـه طـور رایگـان می شود .

سالانه به مقدار 500 ملیارد متر مکعب آب شرین از افغانستان خارج می گردد که در مقایسه به پول آن گفته می توانیم سالانه 500 ملیارد دالر از افغانستان بدون هیچگونه بدیل به همسایگان ما داده می شود چرا که هر متر معکب آب شیرین یک دالر ارزش دارد و سالانه 500 ملیارد متر مکعب آب شرین از افغانستان خارج می شود و کسی از آن استفاده نمی کند، بناً هر سال افغانستان 500 ملیارد دالر را مفت و مجانی از دست می دهد در حالیکه اگر ما احصایه درست را ارایه نمایم شاید سالانه در افغانستان 500 هزار نفر از گرسنگی جان های خویش را از دست می دهند یا به کام مرگ نزدیک می گردند.

و از گرسنگی و ناداری والدین به فروش اولاد های خویش اقدام می نماید و گاهی در نتیجه عدم بارش باران زمین های للمی از بین می روند و میشود که با استفاده از این آب ها جلو همه این مصائب که خودمان دست بزرگ در آوردن آن بر بالای خودمان داریم گرفت ، و از آب شیرین که نصیب هیچ کشور دنیا به این قدر نیست استفاده عظمیی را نمائیم تا هرگز مسئول از عدم استفاده آن نزد الله نشویم .

3-- نفت

نفت و گاز از جمله عمده ترین مسئایل اقتصادی قرن 21 می باشد که توجه تمام قدرت های جهان را بی صبرانه به خود جلب کرده و شرکت های بزرگ چندین ملیتی دنیا را رو در روی هم قرار داده است .

که بنا بر تحلیل المار آلت فاتر ، اقتصاد دان آلمانی تنها دو توجیه عقلانی برای جنگ عراق وجود داشت ، نخستین توجیه عبارت است تهدید عراق تحت حاکمیت صدام حسین علیه صلح جهانی ، ارزش های غربی و امنیت ایالات متحده ، اما استدلال دوم اشاره به خواست امریکا برای تسلط بر منابع نفت ، بهای نفت و ارز مبنای معاملات نفت دارد.

که اکنون دلایل کافی در دست است که بنابر آن ها خطر صدام حسین بسیار ناچیز و در حد صفر بوده و مقالات و نوشته های پر شماری در اثبات این امر منتشر شده اند بنابرین باید دلایل واقعی جنگ را در منافع نفتی واشنگتن و راهبرد ایالات متحده امریکا در این زمینه جستجو کرد[1].

افغانستان همچنان از جمله کشور های است که دارای ذخایر سرشار از نفت و گاز و بیشتر از 300 نوع ذخایر منرالی و هایدروکابنی می باشد در اثر تحقیقات مقامات سروی جیالوجی ثابت گردیده است که مقدار

---

[1] یور گن واگنر ،سیاست های خارجی امریکا علل بحران است مقاله های 5 و 6

نفت و گاز افغانستان 18 مرتبه بیشتر از پیش بینی ها که قبلاً درین مـورد صورت گرفته بود می باشد .

در حال حاضر تحقیقات نشان می دهد که در حدود شش میدان بـزرگ نفتی در کشور وجود دارد که میادین به شـکل مثلـثی بین ولایـات شـمالی بلخ ، حیرتان ، و شبرغن موجـود می باشـد و ششـمین میـدان کـه جدیـداً کشف گردیده و تقریباً 1.8 بلیون بیرل نفت و همچنان 16.7 تریلیون کیـو بکفیت گـاز طـبیعی در سـاحات دریـای آمـو کـه مـرز بین افغانسـتان ، و ازبکستان را تشکیل می دهد می باشد.

و طبق خبری که از آژانس پژواک بـه نشـر رسـیده اسـت متخصصـین شوروی وقت تحقیقاتی را که در مورد منابع طبیعی نفت و گاز افغانستان انجـام داده بودنـد نشـان می داد کـه افغانسـتان دارای 120 مليـارد مـتر مکعب گاز و بیش از 15 میلیون تن نفت می باشد ولی تحقیقـات جدیـدی که درین مورد صورت گرفته است این رقم را بیشـتر از 18 برابـر نشـان می دهد که بیشترین آن در مناطق شمالی کشور و ولایات هرات ، هلمند، پکتیکا می باشد.

شش حوزه قبلی که قبلاً کشف شده بود مقدار گاز آن12018 ملیـارد متر مکعب تخمین کرده بودند که مجموعاً بـه مقـدار گـاز کشـف شـده در افغانستان به(2160 ملیارد متر مکعب + 16.7 تریلیـون کیـو بکفیت کـه جدیداً کشف شده است) می رسد.

4- جنگلات و مزارع:

جنگلات و چراگاه های کشور هم برای تزئین و سلامت محیـط زیسـت و هم به منظور بدسـت آوردن عایـدات فـراوان از طریـق توریسـت هـا و پرورش مواشی از اهمیت به سزایی بر خور دار می باشد پارک های ملی بعنوان ثروت طبیعی کشور ها و به خاطر حفظ زیبـائی محیـط زیسـت در تمام دنیا دارائی حقوقی بود و محفوظ می باشـد . افغانسـتان در گذشـته جنگلات انبوه و زیبائی زیاد داشت که باعث تشویق و جلب توریست هـای بیرونی می گردید نگهداشت این جنگلات فواید زیادی به کشور ویرانه ببار می آورد از جهتی از چوب جنگلات در خانـه سـازی ، فرنیچـر در و دروازه سازی و صدور آن بخارج و از جهتی دیگر به منظور زیبائی کشور و محیط زیست و ترغیب توریست ها مهم و مفید می باشد.

کشـور انـدونیزیا سـالانه در حـدود 5 میلیـون دلار بـه شـکل اوسـط از رهگذر مصارف توریستی به دست می آرود .

سکتور زراعت افغانستان دارای تقریباً 7.9 میلیـون هکتـار زمین قابـل کشت ، و 34 میلیون حیوان (بشمول طیور) 30 میلیـون هکتـار علفچـر و 1.3 میلیون هکتار جنگلات طبیعی و انواع متعدد حیـات وحش می باشـد (FAO سال 1382).

بناً با در نظر داشت سهولت های که الله تعالی در اختیـار مـا گذاشـته است باید توجه جدی خود را روی منابع طبیعی خویش معطـوف سـازیم و به استحصال و استخراج آنها بپردازیم، چرا کـه از جـانب اللـه رب العـزت برای ما آنقدر منابع طبیعی داده شده که ما باید در غنی سـازی یـورانیم ، مـواد نفـتی ، زمـرد ، نقـره، مس ، نیوبیـوم ،طلا بـه حـد کـافی سـعی و کوشش نمایم. بخاطر که امروز وضیعت کاملاً بر خلاف شده اسـت تمـام فابریکه های تولیدی ما روز به روز ورشکسـته تـر می شـوند[1]و علت آنـرا کمبود انرژی بـرق عنـوان میکننـد، در حالیکـه همـه آن از فسـاد دسـتگاه دولت و عدم مدیرت درست و مسـئولانه ناشـی میشـود و طـوری در بین مردم شایع میسازند که ما به کمبـود منـابع معـدنی و ذخـایر طـبیعی سـر دچار ایم. در حالیکه بـه فضـل اللـه منـابع تیـل و گـاز در کشـور بـه حـدی فراوان اند که حتی برای چند نسل ما کافی میباشد.

درینجـا لازم اسـت کـه مختصـراً بـالای آب ، آتش« منـابع نفـتی» ، و جنگلات افغانستان صحبتی داشته باشیم : .....ادامه دارد

بناً ما این امور را به لطف الله به سادگی اعمـال کـرده می تـوانیم, و به دنبال آن قسمیکه قبلاً اشاره شـد، نخسـت بایـد فقـیر تـرین طبقـه این ملک را تحت پوشش کمک ها قرار بدهیم یعنی آنهـای کـه از گرسـنگی بـه دم مرگ رسیده اند. ما قبلاً از طعام المسکین و از کفالت صحبت کــردیم و نظـام بیت المـال را پیشـنهاد نمـودیم کـه از طریـق آن می تـوان آن طبقاتی را حمایت کنیم که مصارف گاز شان بیشتر است و توانائی خریـد را ندارند و طبقه ی دیگر که مصرف کم دارند. ولی توانـائی پـرداخت بـل برق و گاز را ندارد و مصرف آنها کمتر از 200 ـ 400 افغانی در ماه بالغ میشود. بناً دولت برای آنها معافیت بدهد .

هیچ قیامت و بی نظمی در جامعه بر پا نخواهد شد که اگر پـول گـاز و برق این طبقه غریب معاف گردد . اینکه به ملیارد ها ملیـارد دالـر از حـق مسکین ، غریب ، بیوه و یتم را قدرتمندان چور و چپاول و درزی می کنند، از جانب هم دولت آنها را معاف می کند[2] ولی مسکین و فقـیری کـه 200 افغانی پـول تحـویلی بـرق را نـدارد معـاف نمی شـود . این 200 یـا 300

[1] سه هزار فابریکه در طور 7 سال حکومت کرزی در هرات ورشکسته شده به ایران انتقال نموده اند

افغانی برای آن عده کسانیکه توان دادن این رقم را نداشته باشند بسیار یک رقم بزرگی است و در صورت که آنها معاف شوند در حق شان خدمتی بزرگی را انجام داده اید. و همچنان جلو آن عده از کسانیکه غرق در فساد اند و هر روز به هزار ها دالر از حق یتم و بیوه را به مانند اژدها در کام خود فرو می برند، گرفته شود و آن مبالغ به شیوه ی عادلانه ی آن میان فقراء و مساکین تقسیم گردد . در شرایط امروزی استفاده از گاز و برق از جمله ی حقوق اساسی شهروندان بشمار میرود تا هر کدام به حد متعارف از آن مستفید شوند، تطبیق این برنامه ها احسانی از جانب حکومتها برای مردم نیست، بلکه جز از مسئولیت های اساسی دولت به شمار می رود .

جالب تر اینکه اگر شخصی بایسکلی را دزدی میکند به 10 سال حبس محکوم می شود ولی در مقابل کسی که آبرو این کشور و ملت را می فروشد ، بصفت رهبر ما تعین می گردد.

موضوع دیگری که قابل غور است اینکه غریب ترین طبقه مردم ما از همان موتر سایکل و جنراتور های تولید برق استفاده می کنند، برای آنها باید پطرول صدقه داده شود چرا آنهای که موتری به ارزش 10-20 لک افغانی را دارند میتوانند CNG برای خویش نصب کنند و از پطرول هم استفاده کرده می توانند. و باید بالای غریب ترین طبقه ی ملت رحم صورت گیرد، آنهایکه برای پیدا کردن روزی حلال صبح در موترسائکل ، ریکشا و یا تکسی خویش 4-5 لیتر پطرول می اندازند تا بتوانند با مصرف کم روزی حلال پیدا کنند پس باید در قدم نخست با آنها کمک صورت گیرد.

چرا زمانی عدالت در جامعه اسلامی تحقق پیدا می کند که از امیران گرفته شود و به فقراء توزیع گردد .

طریق دیگر صدقه و زکات دادن برای فقراء و مساکین این است که از مالیات و تکسها کاسته شود و از بل برق و گاز شان تا مقدار معینی کم گردد، پطرول و گاز برایشان صدقه داده شود و آنهای که واقعاً بی کس و مجبور هستند نام های شان جهت کمک عاجل ثبت گردد .

زمانیکه این امور را در جامعه عام ساختیم و تامینات مواد غذائی و مواد سوخت برایشان آماده گردید، شما یقین کنید که رئیس جمهور ما دیگر نیازمند این نیست تا کچکول گدایی را بطرف امریکایان و یا بانک های چون World Bank و یا سازمانهای چون IMF دراز کند و به بهانه

[2] یکی از دوستان برای ما گفتند که قضیه فساد اداری که از 5 لک دالر پائین باشد در لوی حارنوالی مورد پی گیری قرار نمی گیرد .

های مختلف از آنها پول قرضه بگیرد. چرا امور را که در فوق ذکـر کـردیم با تطبیق آنها عدالت اجتماعی در جامعه عملی میشـود، هـر دو برنامـه در اختیار و توان مـا هسـتند. و در حـد صـلاحیت و اختیـار حکومـات مـا قـرار دارند، اگر دولت مردان این چنین امور را روی دسـت نگیرنـد شـما بدانیـد که آنها بد کار، خائین و فاسد اند . چرا از عهده ی برنامه های که قـدم بـه قدم تا به اینجا توزیـع دادیم، حـتی شخصـی کـه دارای تحصـیلات متوسـط باشد هم می توانند روی این برنامه ها عمل کند.

زمانیکه قانونیت و تعمیم احکام قانون شریعت در کشور تطبیق گـردد، شعار آوردن عدالت و انصاف به وسیله ی قضات که در صدور احکام خود قاطع باشند و حکومت در تطبیق این احکام از هیچ نوع سعی و کوششـی دریغ نورزد حتمی اسـت . و در کشـور نفت، مـواد سـوخت و غـذا بـه حـد کافی هم موجود میباشد. و شما یقین بداریـدماننـد دوره ی یوسـف علیـه السلام هرگاه در تمام جهان قحطی حاکم شود، ولی مـردم این سـرزمین از گرسنگی و تشنگی هلاک نمی شوند .

هر آن کسی که برای خیر و فلاح مردم کار میکند سـرمایه عمـومی را به صورت مساویانه با در نظر داشـت اساسـات کلی عـدالت تقسـیم می کند منابع و ذخایر نفت، گاز ، مواد سـوخت و منـابع تولیـد مـواد غـذائی را برای مردم حفظ و مساویانه تقسیم میکند او پـیرو راه پیـامبر صـلی اللـه علیه وسلم وخلفای راشدین و شخصـتی چـون عمـر بن عبـدالعزیز رضـی الله عنهم اجمعین هستند و باید همراه او با جان و مال کمـک و بـرای اش دعا خیر بفرستیم .

اقتصاد اسلام در تصادم با اقتصاد های غیر اسلامی

از مطالب فوق الذکر حتماً شـما پی بـرده ایـد کـه تاکیـد مـا بـالای آن نظام است کـه منـابع عمـومی را بـه صـورت مسـاویانه در میـان طبقـات مختلف ملت تقسیم کند، منظور ما این نیست که در جامعه طبقات پـائین (غریب) یا متوسط حتماً مبدل به (غنی) گردند. بلکه به حد متعـارف تمـام ضروریات شان رفع گردد .

از نقطه نظر مادی فقیر و غریب بودن یک امر طبیعی اسـت و در هـر عصر و زمانی زیست داشته اند ولی هیچگاه چنین اتفاق نـه افتـاده کـه از گرسنگی و تشنگی بمیرند و هیچگاه چنین نشده بـود کـه کسـی در داخـل سقف خانه خویش مریضی داشته باشد ولی برای انتقال او تا به شفاخانه کرایه ی موتر در نزد اش موجود نباشـد و یـا بـرای اطفـال خـویش لبـاس

خریده نتواند و زمانیکه همه این سهولت ها برای مردم در نظر گرفته شد مردم خود به خود از طبقه غریب و پائین به طبقه متوسط صعود می کنند و باید اکثریت مردم را در اجتماع طبقـه ی متوسـط تشـکیل بدهـد کـه در این صورت بر خلاف امـروز طبقـه غـریب اجتمـاع در اقلیت بـاقی خواهـد ماند یا اصلاً وجود شان محسوس نخواهد بود.

تاریخ شاهد بوده که اشخاصی موجود بودنـد کـه می خواسـتند زکـات بدهند، ولی کسی نبوده که زکات شانرا قبول کند و همچنـان زمـانی را در تاریخ شاهد ایم که مردم زکات میخواستند، ولی کسـی نبـوده کـه زکـات بدهد .

در مـورد اول اشخاصـی حاضـر بـه دادن زکـات بـوده انـد، ولی کسـی حاضر بـه گـرفتن آن نبـود اسـت : بایـد گفت کـه این جریـان از دو حـالت بیرون نیست، اول اینکه مردم آسوده و آرام بـوده انـد و نیـازی بـه زکـات نداشته اند، دوم اینکه مردم آن قدر غیرتمنـد بـوده انـد، کـه کـار و زحمت میکشیدند و نمی خواستند با پول زکات زندگی خود را پیش ببرنـد،. بنـاً از این سرگزشت تاریخی واضح می گردد که در جامعه فرصت های کاری به کثرت وجود داشته است.

در نظـام اقتصـاد اسـلامی نظـر بـه اشـارات قـرآنی و احـادیث نبـوی زمانیکه امور دنیا در دست مومنین قرار بگـیرد روزگـاری خواهـد آمـد کـه اسلام با عزت و شرف خواهد بود، کفالت امور جامعه را افـراد بـا عقیـده در دست خواهند گرفتند. طوری که اصلاً محسـوس نخواهـد شـد کـه فلان شخص برای من کمک کـرده و من محنت گـذار و احسـان منـد او هسـتم، چنانچه که قوم مشهور از امیر المؤمنین عمر بن خطاب رضـی اللـه عنـه در دور خلافت شان فرموده بودند: اگر در کنـار دجلـه سـگی بمـیرد عمـر مسئول آن خواهد بود.

آیا امروز در تمام نظامهای دنیا کسی مثالی داده می تواند که هـزاران میل دور تر سگی از گرسنگی مرده باشـد مسـئولیت آنـرا سـطح رهـبری آنها بدوش گیرد ؟

پس مـا صـراحتاً بـه اللـه قسـم یـاد می کـنیم کـه نظـام اقتصـاد صهیونیستی هرگز به چنین انجام و امری نایل نخواهد آمـد. چـرا کـه بنیـاد آنها لیبرال سرمایداری است که امیر باید امیر تر و غریب بایـد غـریب تـر شود .

چرا که ایشان هیچ مدل اقتصادی دیگری را آدرس ندارند تـا در جوامـع خـویش تطـبیق نماینـد و مـا هم بـه نوبـه ی خـود اعلان میـداریم کـه هیچ انتخابی نداریم بجز از اقتصاد اسلامی !

امروز وضیعت بانکی در انگلند (بریتانیا) طوری است که 97% پـول را بانکهای خصوصـی رهـبری می کننـد، و حکـومت فقـط 3% این مقـدار را تحت رهبری و اداره خویش دارد و اصول بنیادین اسلام طـوری اسـت کـه نبایـد پـول را در چنـد دسـت جمـع کـرد و این اصـول در انگلسـتان کـاملاً برخلاف است .

یعنی درست نظام اسلام در تصادم با نظام الحادی و صهیونستی قرار دارد و عکس برنامه های آنها در اسلام ، برنامه و اصول اقتصادی قبـول و برنامه ریزی شده است .

در نظام اقتصاد اسلامی برای بانکهای خصوصی هیچ جای وجود ندارد. شاید این سخنان ما به حال بعضی از اشخاص بد تاثیر کـرده و غـیر قابـل قبول باشد ، ولی ما به خوش بودن و نبودن آنها فکر نمیکنیم و گفته هـای ایشان را مایه تشویش خویش نمی سازیم ، و جـداً آنچـه اصـول اساسـی اسلام است را بیان می کنیم . تا از منجلاب که امروز کاملاً گیر مانـده ایم نجات پیدا کرده بتوانیم.

و هیچ آن یک از نظام های الحادی در اسـلام گنجـایش نـدارد کـه از آن جمله بنیاد و اسـاس نظـام غـربی بـالای بانکـداری خصوصـی و پـول هـای کاغذی جعلی استوار است و جزء از برنامه های اساسی شان این اسـت، که چگونه بنیاد نظام اقتصاد را تحت اداره یک تعداد افراد بطور خصوصـی بگذارند، شما دقت نماید در نتیجه همین بانکداری که به اساس پول جعلی پیش میرود انفلاسیون در جامعه پیدا می شود، پول که اصـلاً مادتـاً وجـود ندارد و کاغذ رسامی شده را به بازار ارزه میکنند در نتیجـه در بـازار پـول متورم می شود یعنی حجم پول بالا میرود در حالیکه در بانک 100 افغـانی پشتیوانه موجود نیست ولی 2000 افغـانی قـرض داده میشـود و اثـر این برنامه غلط استثمار گرانه پـول بـه بـازار می آیـد، و بـازار هم ظـرفیت و گنجایش پذیرش آنرا ندارد، چرا که بانک بالا تر از صـلاحیت خـود کـاری را انجام داده است. و چونکه جامعه ی ما یک جامعه کاملاً صـنعتی و تولیـدی نیست که ارزش پـول منتشـر شـده را در نتیجـه تولیـد ثـابت نگـه کنـد. و اقلامی که از قبل در بـازار موجـود بـوده انـد، در نتیجـه تـوان جـذب پـول کاهش پیـدا میکنـد، از اهمیت آن کاسـته میشـود و ارزش خـود را آهسـته

آهسـته از دسـت می دهـد. بـزرگ نقصـان بـه طبقـه ی غـریب میرسـد و بزرگترین سود نصیب بانکدار میشود.

در حالیکه اصولاً باید طوری عمل شود که منـابع پـولی آهسـته آهسـته نظر به توانائی جذب آن در بازار به چاپ برسـند و ارزه گردنـد و زمانیکـه پول آهسته آهسته به بازار ارزه شد آن تعداد اقلام قابل تولیـد بـا گذشـت زمان تولید شوند و یا رقم واردات آنها نظر به تقاضا افزایش پیدا کنـد بـه این شکل بطور متوسطه قیمت ها در بازار حفظ می گردد. یعنی زمانیکه وسایل و مواد تولیدی آن قدر نباشد که پـول موجـود بـازار آنـرا خریـداری کند و یا بـر عکس پـول از حـد مـواد و وسـایل تولیـد شـده در بـازار زیـاد نباشد، بناً قیمت اجناس به حالت عادی میمانـد. و زمانیکـه پـول بـا اشـیاء موجود بازار و تولید شـده یـا وارد شـده بـه حـد مـوازی و متناسـب قـرار نداشته باشد و یا افزون بر آنهـا باشـد، بنـاً در این حـالت قیمت جنس بـالا می رود . چرا که بانک پول را بطور وافـری در بـازار ارزه نمـوده اسـت و در نزد مردم پول از حد زیاد است بناً آنها به دنبال جنس می روند و جنس هم قیمت اش روز به روز افزایش پیدا میکند .

و این همه فساد به سبب پول های جعلی بوجـود می آیـد و بانـک هـای خصوصی که لازمـه ی این نظـام می باشـند این جنـایت را در حـق مـردم مظلوم مرتکب شده اند و اگر نظام سیاسی-اقتصادی مطابق به معیار ها و اساسات اسلام قرار نگیرد از این نوع جنایت به مراتب زیـاد تـر خواهـد شد.

قانون بانکداری جدیـد قسـمی اسـت کـه بانـک می توانـد %17-18 از اندوخته های بانکی را حفظ کنند و باقی را به سرمایه گذاری یا به قرضـه بدهند.

اگر این قانون طوری میبود که %90 این امانات مـردم را بانکهـای در نزد خویش نگهداری کنند و بالای %10 آن تجارت خویش را پیش ببرند در این صورت پول در بازار متورم نشده، و طبقه ی مظلوم جامعـه را خطـر قیمتی تهدید نمی کرد، ولی چون بانک عواید اش کم میشود بناً آنها حاضر به چنین کاری نیستند.

پس این مشکل را چگونه حل کرده می توانیم ؟

برای حل این مشکل لازم است تا نظام اقتصاد اسـلامی را در جوامـع خویش بنیادی و نهادینـه بسـازیم و آن نظـام اقتصـادی را ایجـاد کـنیم کـه خارج از دنیای اقتصادی صهیونیزم عمل کند، اصول بنیادی اقتصاد اسلامی طوری است که باید تمام منابع اداره و چـاپ سـکه و مـیزان توزیـع آن در

بازار به دوش حکومت و دولت اسلامی باشد و تحت اداره ی حکومت کار و تلاش کند و صلاحیت و اختیار در نزد بانک های خصوصی نبوده و نباشد.

ما برای شما بیانیه را که در سال 1920م در Bank of England ارایه شده را ذکر میکنیم که در اجتماعی از بانکداران رئیس این مجتمع گفت: « ما بانکداران کسانی هستیم که اجتماعات و شیرازه اجتماعی را تباه و از بین می بریم، تمام انسانیت را تا به امروز در فساد مبتلا کرده ایم و از این به بعد هم دوام می دهیم. اگر خواسته باشید تا در تمامی جهان آرامی و سکون بر قرار گردد، پس لازم است بانکداری خصوصی را متوقف ساخت »

و این سخنرانی را ما ثبت کرده ایم و به صورت صوتی آن را در سایت خویش جمع آوری نموده ایم، اگر خواسته باشد به سایت (www.BrassTacks.pk) مراجعه نموده و خود این جریان را بشنوید . و تمام موضوعات دیگر به تفصیل ، اینکه چگونه زکات جمع آوری گردد و چگونه به فقراء توزیع گردد و... را در صفحه Policy Papers یافته می توانید .

درین متن صوتی بانکدران خصوصی انگلستان برای شما کاملاً واضح خواهد شد که بانکداران خود به این امر اعتراف می کنند که در تباهی و بربادی جامعه دست نابکار شان شامل است .

حال باید مردم خود تصمیم بگیرند، اگر میخواهند تا حق مردم به صورت مساویانه توزیع گردد، انصاف در جامعه قائیم گردد، و عدالت اجتماعی ، و حاکمیت اسلام را بپذیریم و دامن فقر از جامعه برداشته شود باید حتماً بانکداری خصوصی از بین برود .

ولی دولت این روند را از بین نمی برد زیرا که این بانکداران اصولاً و اساساً منابع را در دست دارند و برنامه های ضد اسلام شان جریان دارد و این بانک ها قسمی که قبلاً گفتیم حتماً از یهودیان است و یا دست یهودیان در عقب آن نهفته است به قول الله تعالی « لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا » (المائده/82)

(یعنی به تحقیق بزرگترین دشمنان را از مردم در مقابل مؤمنین ، یهودیان و آنانکه به الله شریک قرار داده اند می یابی)

بناً دشمنی یهود با اسلام واضح و آشکار است و این بانکها هم سلاحی آنها اند و کاملاً در مخالفت با نظام اسلام قرار دارند زیرا منابع تمویل کننده ی آنها همانا بانکهای سود خوری است که مردم با گرفتن قرضه و پرداخت سود به آنها به عواید شان می افزایند در حالیکه الله تعالی می

فرماید که شیطان سود خوران را لمس کرده و در تباهی و بربادی مــردم دیوانه ساخته است .

بناً هـر حکـومت کـه میخواهـد کشـور خـود و ملت خـود را از تبـاهی و بربادی نجات دهد نظام بانکداری خصوصی را بایـد از نطفـه از بین ببرنـد. اگر این کار را نکردند شما بدانید که آنها از جمله وفاداران یهودیان اند.

به عقیده امام شهید سـید قطب کـه می فرمایـد: « مـا مجبـوریم کـه برای خود فقط یک راه انتخاب کنیم ما در روش بین المللی خــود جــز این راه دیگـری در پیش نـداریم و کسـانی کـه خیـال می کننـد مـا می تـوانیم راههای گوناگونی را بپیمائیم و سپس یکی از آنها را اختیار کــنیم در فهم و درک منطق عصر و زبان واقعیت و طبیعت اوضـاع اشـتباه می کننـد ، مـا مجبوریم که برای خود پرچم واحدی برگزینیم و در زیر سایه آن همگام بــا ملتهای که در زیر آن هستند دور هم جمع شویم و هرگز نمی توانیم که بـه طور منفرد و جدا از دیگران به سر بـبریم یـا بـه اردو کـاهی بپیونـدیم کـه وقت آن سپری گشته و در موزه باستان شناسی قرن پیش گذاشته شــده است .... » زمان بلوک شرق و بلوک غرب گذشــته اســت و همچنــان من بعد نمی خواهیم به چنگال امپریالیزم غربی باقی بمــانیم و همچنــان دیگــر نمی خواهیم که به قتلگاه های تصفیه که برای صـاحبان عقایـد مـذهبی در کشور های امپریالیستی غرب وجود دارد کشـانیده شـویم مـا می خـواهیم زنده بمانیم تا به کار ها و وظایفی که در قبال انسانیت داریم عمل نمــایم ما عاشق انتحار در قتلگاه امپریالیزم غرب به رهبری امریکا و بــه دســتور یهودیان نیستیم .

«آنها نمی خواهند کـه واقعـاً اسـلام حکـومت کنـد و هرگـز هم قـدرت تحمل آن را ندارند که اسلام حکومت را به دست بگیرد چرا که اگر اسلام حکومت را در دســت گـیرد ملتهـا را از نـو می سـازد ، در میـان تـوده هـا دگرگونی و انقلاب را ایجاد می کند و آن گاه به ملتهـای جهـان می آمـوزد که تجهیز قوا بر ضد امپریالیسم و استعمار ، یک وظیفه و فریضه اســت و بیرون رانده استعمار گـران نـیز یـک فریضـه اسـت ... کـه بـا هـر دو بایـد جنگید.

البته باید افزود که اسلام دوستان و هوادارانی دارد که فقط در راه آن و نه بخاطر دیگران ، می کوشد و در زیـر پـرچم اسـلام بـر ضـد اسـتعمار خود کامگی ... بـه طـور یکسـان مبـارزه می کننـد ، این هـواداران اسـلام عقیده دارند که اسلام باید به طور کامل حکومت کند تا ثمـره خـود را بــه طور کامل تحویل دهد این هواداران اسلام هوادارانی هستند کـه دوســتی

ظاهری صلیبی ها ،دوستی آنهائی که نه صد سال تمام بر ضد اسلام جنگیده اند آنها را گول نمی زنند این دوستان اسلام نمی خواهند از نام و عنوان آن سوء استفاده کنند بلکه میخواهند به نام اسلام عدالت اجتماعی همه جانبه و کاملی را که اسلام دارد اجرا کنند اینها نمی خواهند بدین وسیله غلام استعمار و خود کامگی بشوند بلکه می خواهند بدین وسیله عدالت ، عزت ، شرافت را در بین مردم عمومی سازند ، اینها از اسلام به عنوان پوششی برای تبلیغات دروغین استفاده نمی کنند بلکه از آن به عنوان سپری نیرومند برای مبارزه در راه حق و عدالت بسط آزادی و برتری ، بهره برداری می نمایند:« وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ »(النور/55)

(الله به کسانی از شما که ایمان آورده اید و کار های شایسته کرده اند و عده کرده که در این سر زمین جانیشین شان کند ، چنانکه پیشنیان شان را نیز جانشین کرد و دینشان را که برای شان پسندیده استقرار دهد و از پی ترسشان امنیت به دل آرد که مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند.)

مبحث پانزده هم
خصوصی سازی، بانک های خصوصی و فعالیتهای این بانکها

در فصل چهارده هم مطالعه نمودید کـه انـرژی جـز از ضـروریات مهم مردم بشمار میرود تا برای استخراج فروش و اسـتفاده آن کوشـش هـای همه جانبه صورت گیرد، به همین شکل از آب هـای شـیرین این سـرزمین استفاده شود، نباید گذاشت که جنگلات و منابع طبیعی مسلمانان به تاراج برده شوند، دیگر اینکه روش اقتصاد اسـلامی کـاملاً بـا اقتصـاد کفـری در تضاد قرار دارد. بناً دشـمنی یهـود بـا اسـلام واضـح و آشـکار اسـت و این بانکها هم سلاحی آنها اند و کاملاً در مخالفت با نظام اسلامی قـرار دارنـد زیرا منابع تمویل کننده ی آنها همانا بانکهای سود خوری است که مردم بـا گرفتن قرضه و پرداخت سود به آنها به عواید شان می افزایند در حالیکـه الله تعالی می فرماید که شیطان سود خوران را لمس کـرده و در تبـاهی مردم را دیوانه ساخته است .

بناً هـر حکـومت کـه میخواهـد کشـور خـود و ملت خـود را از تبـاهی و بربادی نجات دهد نظام بانکداری خصوصی را بایـد از نطفـه از بین ببرنـد. اگر این کار را نکردند شما بدانید که آنها از جمله وفاداران یهودیان اند.

در فصل بعدی مطالعه میکنید اینکه اساس و بنیاد بانک های خصوصـی طوری تنظیم شده که تمـام معیـار هـا خـویش را درین موسسـه بـه بُعـد امتحان می گیرند یعنی از قاچاق مواد مخدر، ربا، تولیـدات غـیر مشـروع، حمـــــایت از فحاشـــــی و... از طریــــق «Fractional Reserve Banking» 100 دالر را به 10-20 شـخص قـرض می دهنـد. بنـاً همچـون نهاد حا ضروراً باید بسته شوند. وزارت خانه هـا امـور مبـادلات خـود را از

روند سود خوری جدا بسازند، و اینکه چگونه پول های جعلی را به پول های واقعی تبدیل کنیم را در ادامه به برسی میگیریم.

در فصل گذشته ما آنچه گنجایش این مختصر را داشت در مورد بانک های خصوصی و خصوصی سازی بحث کردیم :

که به صورت مختصر درینجا نواقص عمده این نظام را بیان می کنیم.

1- بزرگترین و محسوس ترین نقص بانکداری خصوصی جمع شدن پول در چند دست محدود می باشد، که عمدتاً این افراد کسانی اند که می خواهند به نحوه ای جامعه و بازار اقتصاد را تحت اداره خویش در آورند. و زمانیکه اداره ی یک اجتماع به دست چند شخص محدودی افتاد بناً تباهی جامعه از همان نقطه آغاز می شود، حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد آمده است که مطلب آن طوری است: (اداره ی مواد غذایی، نحوه حکومت کردن، تدابیر امنیتی) نباید در دست چند فرد محدود متمرکز گردد .

به قول علامه مودودی که درین زمینه می گوید : «در نظام سرمایه داری زمام امور دولت و اجتماع هنوز بدست ربا خوران (Bankers) است و ایشان کسانی هستند که همه مقدرات جامعه را بمیزان سود می سنجند و اساس و محور اقتصاد شان هم همین ربا است و اعمالیکه قابل مصرف کردن پول است یا نیست ، از طرف آنها تعین می گردد و معیار قضاوت نزد آنها اعمالی نیست که به جامعه مفید ثابت شود و یا اجتماع بآن ضرورت داشته باشد بلکه معیار اولین و آخرین نزد آنها نوع اعمالیست که باعث جلب منفعت – مثل ربا و غیره- در بازار گردد ، به طور مثال به اساس مقیاس مذکور اگر مفاد توزیع شراب نسبت بتوزیع آب زیاتر بود ، آنها در فکر احتیاج مردم نبوده و در آن صدد هم نمی اندیشند و می گذارند تا عامه مردم از تشنگی بمیرند و آنها در جستجوی راه های می شوند که بتوانند برای اشراف و سرمایه داران شراب-خمر- تهیه نمایند.»[1]

2- اینکه اساس و بنیاد بانک های خصوصی طوری اعیار شده که تمام معیار ها خویش را درین موسسه به بُعد امتحان می گیرند یعنی از قاچاق مواد مخدر ، ربا ، تولیدات غیر مشروع، حمایت از فحاشی و... و همچنان تحت نام «Fractional Reserve Banking»

100 دالر را به 10-20 شخص قرض می دهند.

---

[1] ابو الاعلی مودودی ، اقتصاد از نظر اسلام و نظامهای معاصر ص 93-94

3- تمام آن فساد که از ناحیه سـود بـه وجـود می آیـد. و این ناشـی از قبول کردن سود در جامعه می باشد که خود سـود در ذات خـویش شـری است که با قبول آن جامعه به سوی بربادی می رود.

4- در زمینه نظام اقتصاد جهانی : به این مفهوم که اولاً رونـد پـولی را از شکل استندرد(سکه های طلا و نقره) بـه پـول هـای کاغـذ جعلی تبـدیل کردند، و بعداً به شکل کریدت کارتهای بیلانسـی ، بـه تعقیب آن بـه شـکل دیجیتالی و در این اواخر به شکل چپ کارت کـه در زیـر پوسـت جاسـازی می شود میخواهند در جامعه این روند را عام سازند.

باز هم میگویم که ریشه ی این همه جریانات فساد الود بر میگـردد بـه بانکداری خصوصی و بدنبال آن میخواهنـد از طـرق مختلـف بـالای مـردم؛ فقر و ناداری را حاکم سازند و یا از جانب هم برای شـان آن قـدر زنـدگی مادی را تلقین میکنند که آنها تشویق شده و روی دلایـل مختلـف از بانکهـا قرضه همراه با سود را بگیرند.

به تعقیب آن ایجاد «Fractional Reserve Banking» از اهـداف اساسـی شـان می باشـد کـه پیامـد آن انفلاسـیون و دیفلاسـیون در بـازار است .

حـال خـود قضـاوت کنیـد، زمانیکـه یـک شـخص بـه عمـل استشـهادی مبادرت میورزد و سبب کشته شدن 10-15 نفـر میشـود. این عمـل او را یک عمـل تروریسـتی(دهشـتگری) نامگـذاری میکننـد.و همچنـان آنعـده از مجاهدین کـه امـروز در افغانسـتان و عـراق ، فلسـطین ... در مقابـل این نظام الحادی به جهاد پرداخته اند و مصمم اند تا ریشه کفر را از سرزمین اسلام بیرون کنند و حاکیمت جامعه اسلامی را به صاحب حقیقی و واقعی آن واگذار کنند و قـرآن را سـرلوحه تمـام شـئون زنـدگی خـویش گرداننـد برای آنها هم القاب مانند دهشتگر و تروریست را اطلاق میکنند.

در حالیکه این نظام اقتصاد که دهشت و وحشت را در سرتاسر جهان بر پا کرده و به سبب آن میلیون ها انسان نابود شده بالای عاملین آن چـه نام باید گذاشت ؟

جریان اقتصاد صهیونیستی که تا به امروز هزاران و میلیون ها انسـانرا به خاک و خون کشانده و در حال حاضر گشـتار 5 میلیـارد نفـر دیگـر را در سر میپرورانند. حتی با استعمال بمب اتومی به این تعداد افراد را به قتـل رسانده نمیتوانیم. که به سبب برنامه های این نظام پولی از بین می روند .

امروز مردم جهان در بحران کمبود مواد غذائی ، کمبود نفت ، کسر و ورشکستگی پولی دست و گریبان اند ، که عاملین این همه بانکهای خصوصی است و کسانی که در رأس آن قرار دارند . و فرقی هم نمی کند که آنها رهبری federal reserve bank را یا bank of England را و یا بانکهای خصوصی دیگری را در دنیا بدوش داشته باشند. شاید در میان آنها اشخاص پاک دامن و خیر اندیشی موجود باشد. ولی امکان ندارد جلو ضرر که از این ناحیه عاید مردم شده و باعث تفرقه در میان شان میگردد ، و مردم تقسیم به قومها میشوند.

در حالیکه سالیانه مقدار زیادی از صنایع تولیدی ، حبوبات ، و میوه جات را عوض اینکه در بازار عرضه دارند طعمه حریق ساخته و یا در بحر می اندازند با اینکه ده ها میلیون نفر بان احتیاج دارند حقیقت این است که سوزاندن این اشیاء نزد سرمایه دار به مراتب بهتر است از اینکه آنرا در بازار عرضه کند و فقراء و مردم محتاج بتوانند به نرخ کم و ارزان به آن دست یابند.

در حال حاضر شیرازه ی اجتماعی و نظم عمومی ، و رفاه عامه تماماً تباه و برباد شده است. شخصی به نام (هت من) کتابی نوشته تحت نام « The Confession of Economy» (اعتراف در مورد اقتصاد) وی در این کتاب خود به تمام فساد ، و خونریزی های که در طول عمر خویش منحث یکی از گردانندە گان بانک خصوصی، انجام داده است اعتراف می نماید ، و این کتاب در بازار قابل دسترسی است. ما هم به نوبه ی خود این کتاب را به صفت منبع اطلاعات بیشتر برای درک بهتر از فساد بانکداران خصوصی پیشنهاد میکنیم.

دیگر اینکه همیشه بزرگان ما برای ما گفته اند که « پای خود را به اندازه ی گلیم خود دراز کن ! " ولی در شرایط فعلی یهودیان و الحادیون وضعیت ما را طوری ساخته اند که حتی اطفال ما به این فکر اند قرضه ی که دارای سود بیشتری می باشد را در کجا و برای کی باید بدهیم ؟ و برای خریداری فلان شی از کدام منبع قرض بدست آوریم ؟

چگونه تعلیم و تحصیل خویش را و با چی مقدار قرضه بپیش ببریم ، برای خرید خانه، موتر قرضه باید گرفت و... یعنی زمانیکه خواسته باشید تا موتری را خریداری کنید ، پول به اجاره داده می شود و مال به قرضه گرفته میشود، در حال که معاملات در نظام اسلام در طول تاریخ طوری بوده که پول به قرضه داده می شد، و توسط آن پول شخص جنسی را خریداری می کرد، و حالا وضعیت طوری شده که شی به قرضه داده می

شود و پول خود را صاحب جنس با اقساط سودی بدست می آورد. چرا که هزاران نفر برای خرید موتر مبادرت جستند، و مطابق آن همه خواهشات در بازار موتر موجود نبود ، بناً پول به اجاره داده شد .

در حال حاضر خواهشات و آرزو های نفسانی مردم را به غلیان آورده اند ، و هر روز در اذهان شان تلقین میکنند که برای آینده خود و فرزندان تان مجبور اید تا از کریدت کارت های دیجتلی استفاده کنید ، بناً با تحمیل این وضعیت هر انسانی که دارای وجدان بیدار باشد درک میکند که این همه از جمله خواستها و جز از برنامه های صهیونیستی است، که برای دولت جهانی خود و برای اقتصاد بین المللی خود میخواهند فرد، فرد را غلام و فرمانبردار خود سازند یعنی برای مردم بزور میفهمانند که بهتری و خوبی تو در این است تا غلامی ما را قبول کرده تا زندگی خوشی داشته باشی [1]، بشرط که از قرضه های سودی ما استفاده نمائی ، و ما هم به نوبه ی خود شما را به بسیار خوبی و به عنوان غلامان فرمان بردار خود نگهداری کنیم . و این همه برنامه ها را طوری طراحی کرده اند تا مردم فکر کنند که همه و همه مربوط به شیوه ای زندگی نوین و یا تقاضای عصر مدرنیته می باشد ، و شب و روز به فکر این باشند که چگونه زمانی فرا رسد تا زندگی خویش را تبدیل به شیوه نوین سازیم و به اصطلاح خودشان چه زمانی طرز زندگی را «update» نمایم ، که در این صورت پا های ما از گلیم ما دراز تر می شود.

خلاصه اینکه همه فساد های که تا به امروز بر پا شده است، دست مستقیم بانکداران خصوصی در عقب آن موجود بوده و نظام صهیونیستی غرب برای رونق دادن به آن زمینه را مساعد ساخته تا در جوامع ما قدم به قدم تطبیق نمایند . و باید گفت این مصیبت طاعون گونه تنها در کشور ما و همسایه گان ما تطبیق نمی شوند ، بلکه در تمام دنیا به شکل موازی در جریان اند . و این زمانی است که نظام پلید صهونیستی با استفاده از نظام کامپیوتر و روند دیجتلی در تلاش اند تا نظام اقتصاد دیجیتلی خویش را در جهان قائم سازند ، و امروز بشریت شاهد است که به چه سرعتی چپ ها را در زیر پوست مردم جا سازی میکنند، حتی کشور های که

[1] که این سخن شان اشاره به همان حديث از رسول الله صلي الله عليه وسلم مي باشد كه كي مي فرمايند " دجال براي شما مي گويند بهشت همراهي من است خوبي و خوشي همراه من است با من بودن خوشتبختي و آسودگي به بار مي آورد و رسول رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقابل براي امت خويش چنين توصيه مي دارند كه شما اگر چه حاكم بر نفس هاي خويش باشد ،تقوا را اختيار نموده باشيد ،و خود را آماده به مقابله با چنين نيروي دجالي دريابيد ،بازهم راه هجرت و فرار را از دجال پيشه كنيد ، زيرا دجال شما را حتماًبه فساد آلوده مي گرداند .

توانائی تولید مصارف اولیه خویش را ندارنـد، بـه گونـه ی گسـترده از این جریانات استفاده می کنند ، در قدیم الایام غلامی اجتماعی به دو نوع بود:

الف- یک تعدادی در خانه صاحب خود کار می کردند.

ب- یک تعدادی در مزرعه صاحب خود کار می کردند.

یعنی شخصی که در خانه ای بادار خود کار و زندگی میکـرد و خـارج از محدوده ی تصرف آقا و مالـک خـود کـاری را انجـام نمی داد، و مالـک هم بهترین لباس ، غذا ، و رفتار را بـا او می نمـود ، در دسـتان او دسـت بنـد زیبایی می انداخت ، و او در اطاق آقای خویش آزادانـه رفت و آمـد کـرده میتوانسـت و در آنجـای کـه آقـای او بـود و بـاش داشـت وی نـیز در آن میزیست ، ولی ماهیتاً او یک غلام بود.

دوم آن قشر از غلامانی که در مزرعه آقـای خـود مصـروف کـار هـای شاقه بودنـد ، دسـتان شـان در جریـان کـار زخم بـر میداشـت، و در اکـثر موارد باعث قطع دستان شان میشد ، خطر گرسنه گی و تشـنه گی آنهـا را تهدید میکرد، به حسرت به سوی آشپزخانه آقا خـویش می دیدنـد، اگـر چیزی باقی مانده باشد و بیرون بیفتـد من از آن اسـتفاده کـرده و گـذران روز و شب خود را بکنم .

ولی امـروز غلامی اقتصـادی مطـرح بحث اسـت ، در هـر جـای کـه سـرمایه داران سـلطه پیـدا میکننـد، بانکهـای ماننـد (FRB) را تاسـیس میکنند ، و نظام سود خوری خود را با پـرداخت قرضـه هـا تهـداب گـذاری مینمایند به تعقیب آن برنامـه هـای توسـعه یی و انکشـافی را روی دسـت می گیرند و هدف هم مقروض ساختن یک ملت میباشد چه این برنامه هـا در غرب پیاده شود یا در کشور های شرق برای شان فـرقی نمیکنـد، ولی جزی از برنامه های برای پیش برد نظام صهیونیستی در جهان اند، و آقای که درین دوران عرض وجود کرده است ، همانـا گرداننـده گـان این نظـام الحـادی و رونـد اقتصـاد شـیطانی و فسـاد پیشـه گـانی بـه ماننـد Freemasons اند.

یک تعدادی شاید بگویند- برادر! در غرب نظام فعلی بصورت درست و بدون کدام عیبی در حال جریـان اسـت و یـا طـرز زنـدگی شـان بـه طـرز مدرن و نوینی آراسته شده و هر شخصی دارای مـوتر مـدل سـال و خانـه های زیبای اند ؟

ای برادر مسلمان غافل ! باید بخاطر داشت هر کدام از آنها به شکلی از اشکال مقروض یهودیان اند و مانند همان غلامانی میمانند کـه در خانـه های آقایان خود زنـدگی میکردنـد ، پس آقـا هم ظـاهراً بـرای آنهـا زنـدگی

خوبی را آماده ساخته است، چرا که آنها به منظور پیش برد اهداف صهیونی و الحادی خویش به ایشان ضرورت دارند. و متباقی مردم دنیا به همان غلامانی میمانند که در مزرعه و فابریکه ای آقای خود مصروف کار اند، و برای زنده ماندن از پسمانده و دور انداخته ی آقای خویش استفاده میکنند .

روی این همه دلایل است که در شرایط فعلی مومنین به هر شکل ممکن ولو به قیمت جان شان تمام شود با این گونه برنامه ها مخالف اند، چرا که عنصر اساسی و بنیادین بعثت انبیاء و محمد صلی الله علیه وسلم و دین مقدس اسلام این است که انسانیت را از غلامی انسانها باید نجات داد، و بطرف عبد و بندگی الله رب العلمین متوجه شان ساخت .

قول معروف سیدنا عمر بن خطاب رضی الله عنه است که مقابل بد رفتاری پسر عمر بن العاص رضی الله عنه با یک برده برای عمربن العاص والی شام فرمودند: مادران ایشان آنها را آزاد به دنیا آورده اند تو از چه زمانی آنها را غلام خود ساخته یی ؟

آزادی به این معنی نیست که شما دارای بیرق ، قلمرو، سرود ملی ، رئیس جمهور ، ملیت ، دین ، زبان و... مستقلی باشید، بلکه آزدای آن است که ملت بتواند ماشین اقتصادی خود را خود بگردش بیاورند آنرا تحت اداره ی خویش داشته باشند ، آزادی آنست که حاکمیت از الله باشد و ممثل آن خود ملت باشد تا به آن وسیله در حال حاضر از غلامی یهودیان و مشرکین آزاد گردند ، و در تمام این عرصه ها روی پاهای خود بیستند.

پس ای ملت مسلمان ! هشیار و آگاه باشید که اینها در پی بربادی و نابودی ما هستند ، منابع غذائی ما را اداره میکنند، اقتصاد ما را بسوی بن بست می کشانند ، اخلاق اجتماعی و شیرازه ی اجتماعی ما را نابود میسازند... بناً لازم است تا هر کدام به تاریخ گذشته فامیلی خود غور کنیم که بزرگان و پدران ما هرگز ما را با گرفتن قرضه ها بزرگ نساخته اند، در حالیکه امروز هر جوان ما به این فکر است که چگونه قرض و از کجا بگیرند، از کریدت کارتها به چی شکلی استفاده کنند، از بانکها سود بگیرند ، امروز روحیه ی اجتماعی ما کاملاً بدل شده و بدل شدن آن هشدار بزرگی برای یک ملت است و ملت را در قهقرا فاحشی غرق خواهد ساخت ، ما باید سرعت خویش را از ترقی و پیشرفت غرب کم سازیم ، و باید بسوی نظام اقتصادی سالم اسلامی قدم های استواری برداریم که شریعت ما اقتضای آنرا می کند.

امروز غرب مردم ما را به واسطه هیجاناتی گیچ ساخته است و همـه ی آن بر میگردد به بانکداری خصوصی ، سوالی نزد شما پیدا خواهـد شـد که اگر این بانکهای خصوصی از بین بروند، بدیلی برای خدمات اساسـی و ضروری مانند(انتقال پول ، به امانت گذاشتن پول ، اخذ اعتبار چـک نـوت ها و...) را کدام مرجع بدوش خواهد گرفت ؟

شیوه های بیرون رفت از بانکداری خصوصی

در این مورد میخواهیم بگویم که در کشور های مختلف بانکهای دولـتی و ملی موجود انـد، کـه مقصـد شـان کسـب منفعت و سـود نیسـت ماننـد بانکهای خصوصی که هدف شان در هم و بر هم کـردن معـاملات مـردم و به نحوه از آنها سود را بدست آوردن و آنها را مقروض ساختن باشد، و از آن طریق یک اجتماع را تحت اداره خود در بیاورند ، قسـمیکه رئیس بانـک انگلند"ENGLAND BANK" گفته بود که اگر تمام صلاحیت ها و پول های ما از نـزد مـا گرفتـه شـود ، ولی در بـدل فقـط اختیـار و صـلاحیت حفـظ امانات بانکی مـردم بـه مـا داده شـود در همـان شـب می تـوانیم اداره و رهبریت جامعه را به دست گیریم.

یک شخص زیاد تر از محفوظ بودن پول هـای اش در بانـک بـه چـیزی دیگری تشـویش نـدارد، یعـنی هـر زمـانی کـه خواسـته باشـد دوبـاره آنـرا بدست آورده بتواند و یـا توسـط چـک نوتهـا پـول را از بانـک بـیرون کـرده بتوانـد. کـه بانکهـای دولـتی این همـه را بـه بسـیار خـوبی انجـام داده می توانند.

موارد دیگری کـه جامعـه را بسـوی از هم گسـیختگی و پاشـیدگی می کشاند همانـا کریـدت کارتهـا ، Fractional Reserve یـا یـک پـول را بـه چندین شخص به قرضه دادن ، و قرضه دهی با سود است که از اساسـی ترین کار هـای بانکهـای خصوصـی میباشـد . البتـه بایـد گفت کـه بانکهـای دولتی نیز میتوانـد درین مـوارد عمـل کنـد ، کـه در ادامـه بـه آن اشـاراتی خواهیم داشت و ضمناً مشخص خواهیم نمود تـا کـدام کـار هـا را بانکهـای دولتی باید روی دست گیرند و از کدام اموری باید صرف نظر نمایند.

بـرای بـیرون رفت و محفـوظ داشـتن جامعـه خـویش از انفلاسـیون، دیفلاسـیون، فسـاد، بـرهنگی، گرسـنگی و نظـام دیجیتلی صهیونیسـتی و حاکمیت غرب در جوامع اسلامی... باید و حتمـاً بانکـداری خصوصـی را از بیخ و بنیاد از روند زندگی مسلمانان دور ساخت. چرا اگـر شـما پروتکـول ها ، اوراق و اسناد اصلی برنامه های صهیونیسـتان را ورق زده و بخوانیـد

صراحتاً به این موضوعات مواجه خواهید شد که می گویند: « بـرای قـائیم نمودن نظـام جهـانی و دولت جهـانی صهیونیسـتی و تحت اداره در آوردن دنیا باید هر قریه را تحت پوشش برنامه اقتصادی خویش در آوریم و همـه ایشان جداً تحت اداره ما باشند و در آن مکان ها کسی دیگری را اجازه ی باز نمودن بانک خصوصی را ندهید...» و اگر کسـی چـنین کـاری را انجـام بدهد او را با انواع چالش ها و مشکلات مواجه میسـازند تـا بـه این شـیوه منابع پولی تمام جهان را رهبری کنند و اقتصاد جهانی را در قبضه خـویش داشته باشند و حتی در اوراق بانک نوت های خویش اشارات کوتـاه ی بـه این امـور داشـته انـد، و تمـام این گفتـه هـای شـان در سـایتهای انترنـتی مربوطه واضحاً یـافت می شـوند ، و کتب و مجلات کـه مربـوط بـه همین بخشها میشوند در آنها به تفصیل بیان شده است .

اینکه بانکهای خصوصی مستقلاً بـه دور از نظـارت دولـتی فعـالیت می کنند. و نظام اجتماعی را میخواهند دگرگون سازند، بایـد معـترف شـد کـه این یک امـر بسـیار خطرنـاک و در نهـایت وحشـتناکی اسـت، و جامعـه را بطرف دهشت و بی نظمی فاحشی غرق میسازد .

تا به این جا برای ما واضح گردید که اعمال هر گونه سیاست مبنی بـر نظام صهیونی برای ما و جامعه اسلامی زهراگین است.

سئوال مهمی که درینجا مطرح می گردد اینکه در شرایط فعلی منـابع پولی که توسط بانکهای خصوصی اداره میشوند، راه های جلوگـیری از آن چه است ؟

یکی از طریقه های که ایشـان را ازین کـار بـاز می دارد اینسـت کـه برای شان گفته شود کار را توقـف بدهیـد و هیچ معاملـه سـودی را انجـام ندهید ، چرا که بزرگترین منبع پولی بانکها را سود تشـکیل میدهـد، پس بـا این عکس العمل ما دروازه های اکثریت آنها را بسته سـاخته و از بین می روند .

طریق دوم اینستکه برای بانکداران گفته شـود، کـه از این بـه بعـد بـر اساس Fractional Reserve کار کرده نمی توانیـد ، بـه همـان انـدازه پول که نزد شما موجـود اسـت بـا همـان پـول معـاملات خـویش را انجـام بدهید، و اصلاً معامله که بلند تر از پول دسـت داشـته ی شـما اسـت آنـرا انجام داده نمی توانید . بناً تعداد باقی مانده ی شان با مواجه شدن با این مانع بسته میشوند.

اگر باز هم مانع فعالیت های شان شده نتوانیم پس از طریق دیگر وار مبارزه باید شد. آن روش طوری است چون آنها جامعه را بـه قـرض مبتلا

کرده اند و برای مردم قرضه می دهند. بناً حسابات کریدت کارت های خود را مسدود سازید، با اِعمال این روش اکثریت مطلق شان ورشکسته می شوند.

مردم با این عکس العمل های خود بروی آنها راه نجات را میبندند. و از جانب هم برای مردم اشکار میگردد که اساس و بنیاد این نظامها بر اساس سود استوار است و بس، و آنها از طرق مختلف در تلاش کسب سود اند، چرا که سود خوری برای تطبیق برنامه های صیهونیستی غرب در بین مردم یک پدیده ی شر است و پول کاغذی ناپاک تر از آن ، بناً این همه مطالبی که ذکر شد حال خود تصور کنید که به چی اندازه پلید اند، در حالی که تمام نظام اقتصادی آنها بر بالای آن استوار است، پس باید تلاش خستگی ناپذیری روی دست گرفته شود که با دور کردن هر کدام از این پلیدی ها روند فساد الود به رکود مواجه می گردد. و باید خاطر نشان ساخت که فعلاً بشریت در یک مقطع زمانی قرار گرفته که بیرون رفت از این نظام و برگشت بطرف نظام استندرد «طلا و نقره» نا ممکن به نظر میرسد هرگاه در حال حاضر از بین بردن کامل آن امکان پذیر نیست باید به حداقل رسانیده شود ، زیرا ازین نامکن ناپاک تر و پلید تر نظام اقتصادی رایج است که منابع پولی در چند دست محدود متمرکز باشد. لذا مبارزه باید کرد تا این منابع پولی از دست بانکداران خصوصی بیرون و در اختیار بانکهای دولتی آورده شود . و اینکه چرا اصطلاح بانک را در الفاظ خود استعمال میکنیم بخاطر که در این مرحله هنوز هم در داخل آن پولهای جعلی کاغذی موجود خواهد بود، و در قدم های بعدی که پول واقعی « طلا و نقره» جریان پیدا کنند، اسم اش بیت المال میشود نه بانک، در شرایط فعلی انواع بانکهای دولتی یا ملی که در کشور فعالیت دارند، تماماً خدمات را انجام میدهند که برای یک نظام اجتماعی کاملاً ضروری و اساسی است، مانند امانات ، انتقال پول و خدمات قروض حسنه نیز در آن موجود می باشد، بانکهای دولتی چونکه از طرف دولت اداره میشوند و در آن خصوصیات و مایه اصلی برنامه های که امروز جز از فعالیت های انکار ناپذیر بانکهای خصوصی اند نمی باشد، مانند کریدت کارت ، قرضه ها ، وام ها و دروغ گوئی ها ، پول های دیجیتلی (Digital Currency) و همچنان مردم را به آنها تشویق نمی کند.

بناً با عمل بر عکس توسط بانکهای ملی جامعه نسبتاً آرام می گردد، بخاطر که امروز تعداد بانکهای خصوصی رو به رشد اند و حوادث ناگواری هم در انتظار ما است ، لذا ما پیشنهاد میکنیم که هنوز وقت است و

اوضاع قابل اداره شده می تواند و ما باید سرعت خویش به طرف ایجــاد بانک های خصوصی و خصوصی سازی ادارات دولتی را بگیریم و به سـوی میانه روی حرکت کنیم. چرا با کم کردن تقلید از غـرب اوضـاع تحت اداره ی ما قرار میگیرد.

امروز دنیا در نتیجـه ی قـرض هـا ، وام هـا ، انفلاسـیون پـولی و... بـه آتشکده ی بزرگی تبدیل شده است، و برای نجات از این تباهی بـزرگ بـه هر نحوه ای که می شود باید وضیعت تحت اداره بیاید تا حد اقل در داخل این نظام پول کاغذی که فعلاً زنـدگی میکـنیم، موجـودیت خـود را بـا تقـوا حفظ کرده بتوانیم ، در کشـور برنامـه هـای بـرای ثبـات اقتصـادی تهیـه و تدارک شوند، در غیر آن رفته رفته اداره امور از دست ما خارج میشود، و علت آن هم موجودیت همین بانک ها خصوصی خواهد بود.

بانک های دولتی یـا ملی اساسـاً بایـد مسـئولیت بیشـتری را بـه عهـده گیرند ، از همین جهت موجودیت بیشتر آنها به طور نسبی به نفع کشـور و جامعه ای ما می باشد .

ما تا به این جا از سه عنصر بر انگیزاننده فساد در جامعـه میشـود یـاد کـردیم 1 - پـول هـای کاغـذی (Paper Currency)ـ 2- ربـا (سـود) 3- Fractional Reserve Banking .

در ادامــه نخســت از همــه در مــورد ربــا «ســود» و «Fractional Reserve Banking » صحبت میکنیم.

زمانیکه بانکهای دولتی (ملی) جایگزین و بدیل برای بانکهای خصوصـی شد ، و جای آنها را پر ساخت، و یقینـاً در این بانکهـا تمـام پولهـا و دارائی های اشخاص حقیقی ، و پول های دولتی خواهـد بـود، و اکـثریت و بیشـتر شان به جهت دریافت سود از حسابات خویش پول به بانـک هـا (بانـک هـا دولتی) مراجعه خواهند کرد ، و همچنا گردانندہ گان این بانک هـای دولـتی پول های بانک را به سود خواهند داد ، بناً در قدم اول باید در بانکهای ملی و دولتی کار سود خوری را متوقف سازند ، و به تعقیب آن اعلان بدارند تا مطابق به شریعت اسلامی دولت مکلف اسـت بـالای بانکهـای خصوصـی، نظام سـود خـوری را ممنـوع قـرار دهـد و بانکـداری بـدیل را بـرای شـان مشخص سازد و ما اطمینان می دهیم با وجود این (از بین بردن معاملات سودی در تجارت خـویش) بـاز هم بانکهـا دولـتی و خصوصـی میتواننـد تـا سرمایه گذاری های مفیدی را به حـال بانـک و جامعـه خـود برنامـه ریـزی کنند.

زمانیکه تمام دارائی های جامعه در بانک دولتی جمع شد ، و دولت توانست که دارائی و منابع پولی را تحت رهبری خود در آورد، « Fractional Reserve Banking» کاملاً از بین برود ، یعنی از آن به بعد هیچ بانکی حق نخواهد داشت تا برای شخصی قرضه بدهد در حالیکه نزدش پول نباشد ، و آنچه را قرض بدهد که نزدش نقداً موجود است.

در قدم دیگر تجارت و معاملات سودی باید ممنوع قرار داده شوند، نه بانکهای دولتی قرض با سود بگیرند ، و نه برای کسی به سود قرضه بدهند. از جانب هم با پول کاغذی کار های مفید و مشروعی را هم برنامه ریزی کرده میتوانیم که شکل نسبی اقتصاد اسلامی را به خود گرفته می تواند، یعنی با پولهای وارد شده به بانکهای دولتی میتوانیم، بالای تعمیرات رهایشی، منابع زراعتی سرمایه گذاری کنیم و یا برای استخراج و استحصال و واردات نفت سرمایه گذاری شود ، و ده ها مثال مشروع و حلال دیگری وجود دارند که دولت می تواند بدون سود سرمایه مردم را به دوران اندازد ، در وضیعت کنونی حکومت فیصله کند که تمام حسابات جاری که مربوط به ادرات دولتی می شوند، از آنها نه سودی گرفته شود و نه سودی داده شود ، و دولت باید اقدام عملی را در این راستا اتخاذ نماید.

چرا که از حد زیاد با الله و رسول صلی الله علیه وسلم مرتکب مزاح شده اند، چندین صد سال میشود که احکام منع سود خوری نافذ گردیده ، ولی مردم پست فطرت این احکام را در جامعه قابل اجرا نمی دانند، ما برای دولت مردان این مافیایی سرمایه هشدار میدهیم تا این معاملات خویش را به زودی متوقف سازند ، چرا که بی شرمی و بی حیائی از خود حدی دارد، در حدود چند سال است که حتی در داخل دولت ارگان های دولتی نمی خواهند نظام سود خوری را متوقف سازند . از این زیاد سود خوری بس است ! باید جنگ با الله و رسول اش خاتمه یابد ، در غیر آن چنان مصایب را برای خویش خلق خواهید نمود، که برای توبه و استغفار دیر شده باشد.

هیچ قیامتی بر پا نمیشود که حسابات مربوط به وزارت داخله ، وزارت معارف ، وزارت دفاع و... را از روند سود خوری بیرون سازیم .

هر قدر پول که در نزد شما موجود است به همان مقدار اکتفا کنید و بطور محفوظ در نزد خود نگهدارید ، و با اندکی داخل شدن در روند سود همه را برای خود حرام نسازید ، اگر می خواهید پول کاغذی را حفظ کنید، ولی سود خوری را به بسیار زودی متوقف و منموع سازید . در

نظـام بانکـداری فعلی همچنـان حسـابات وجـود دارنـد ماننـد،Saving Current Account...، Account و غیره در Current Account با وجود که با همان پول های کاغذی معاملات انجام میگیرد، ولی سود در آن وجود ندارد. ما بالای آن نام معاملات اسلامی را نمی گزاریم ، ولی به هـر صورت در آن سود وجود ندارد ، یعنی بزرگترین آفت که مانع رحمت اللـه میشود از آن بدور است. بناً اکنون ادارات دولتی به مرضـی سـود خـوری سر دچار اند و در تلاش اند تا به حسابات شان افزوده شـود، مـا میگـویم چـرا بـا آن مقـدار پـول کـه در اختیـار داریـد گـذاره نمی کنیـد ؟ شـما کـه مسئول ایـد تـا در زمینـه ی زدودن سـود اقـدامات جـدی و عملی را روی دست گیرد ، حکومت اگر مؤقتاً در محدوده یی صلاحیت هـای کـه مطـابق بـه همین قـانون اساسـی حاضـر بـرای شـان تفـویض گردیـده اقـدامات مصلحت آمیز را انجام بدهند، انشاءالله حتماً در کارهای شان به مـوفقیت های چشمگیری نایل خواهند شد. مطمیناً در رزق شما هیچ کمی به وجـود نخواهد آمد ، و هیچ قیامتی با دور کردن سود واقع نمیشود ، در حـالی کـه در سود و اشیائی حرام بی برکتی و غضب الله بر حـال جامعـه نـازل می گردد .

بناً لازم می دانیم که: 1- حکومت سود خوری را در تمام دوایـر دولـتی ممنوع قرار دهد.

2- قرضه های که به دولت داده می شود و همچنـان عکس آن ، یعـنی آن قرضه های که دولت دریافت می کند بر اساس سود نباشد .

بسیار این چنین کار های حلال و مشروع که نفع در آن زیاد می باشد ، ماننـد شـراکت ، مضاربت ، سـرمایه گـذاری بـالای کـار هـای حلال ماننـد زراعت ، اعمار بند هـا ، سـاخت فابریکـه هـای تولیـدی و... توجـه خـود را معطوف سازید. به این معنا که در عقب عواید به دست آمـده آن سـود و حرامی موجود نباشد.

اگر شما می گوید که متوقف ساختن پـول جعلی کـار مشـکلی اسـت، پس از کار های ابتدائی و مقدماتی شروع کنید، سود خوری و حرام خوری را از بین ببرید ، الله متعال در کار های بعدی با شما یار و یاور خواهد بود؛ مـردم هم احسـاس آرامی و آزادی خواهنـد داشـت و همچنـان رحمت و فراوانی در جامعه زیاد میشود.

شـایـد بعضـی هـا تشـویش داشـته باشـد کـه درین وضـعیت بـه « Economic prognoses» مواجـه خـواهیم شـد در حالیکـه ناگفتـه نبایـد

گذاشت که ترقی و پیشرفت اقتصادی کاهش پیدا نمی کند بلکه منظم می شود، و در مسیر طبیعی خویش قرار میگیرد.

Economic prognoses عبارت از آن نوع وضیعتی است که ، علل رکود اقتصادی تشخیص می گردد و قیمت کالا ها در بازار به حد طبیعی و اصلی اش میاید. ولی بر خلاف در شرایط فعلی بانکهای دولتی با مواجه شدن با این وضعیت چی می کنند ؟

یقیناً با مواجه شدن در انفلاسیون قیمت سود را بلند می برند ، یعنی اگر قبلاً ٪10 سود می گرفتند ، حالا می گویند که قیمت ها پائین آمده باید ٪15 سود بدهید، تا با این شیوه از تاثیرات انفلاسیون بر بالای شان بکاهند .

یعنی میخواهند کار حرام را که در نتیجه عمل حرام به وجود آمده است توسط حرام دیگری جلوگیری نمایند. که کاریست ناممکن ، محالست و جنون . آن منفعت طبیعی که برای شان عاید می گردد، به آن قناعت کنند بلکه در هر حال سود می خورند و زیان که در نتیجه ی روند اقتصادی چون fractional reserve banking قرضه های با سود ، دچار حال شان می گردد، آنرا از بین ببرند.

و هر که میخواهد که این عمل و تجارت حرام را با ازدیاد مقدار حرام خوری از میان بردارد ، وی احمق است و احمق تر از او خود مردم عام هستند که نمی دانند برای بیرون رفت از این بن بست چه کاری انجام بدهند.

شاید نزد شما سئوال مطرح شود که پس برای پیشبرد برنامه های انکشافی قرضه های بدون سود « قروض حسنه» را از کجا دریافت کنیم ؟

ما قبلاً در زمینه اشاره کرده بودیم ، که در قدم نخست می خواهیم در داخل همین نظام پول کاغذی تغیرات را بیاوریم و آنرا را نسبی به سوی نظام اقتصاد اسلامی سوق بدهیم تا این مرحله مقدمات برای ایجاد نظام اسلامی باشد .

یعنی در ابتدا می توانیم نظام اقتصادی که بر مبنای پول های کاغذی «جعلی» گذاشته شده است را بهتر ساخت و از پلیدی محض آنرا بیرون آورد تا زمینه برای تطبیق برنامه ها اساسی و انقلاب در ساحه ایجاد اجتماع و اقتصاد اسلامی را مهیا کرده بتوانیم . و بعد از آن این پول را به پول واقعی عوض کنیم . که در مورد چگونه گی آن در ادامه تبصره های خواهیم داشت.

ولی حاضراً بحث خود را روی بهبود نظام اقتصاد با استفاده از پولهـای کاغذی ادامه می دهیم . چرا کـه در داخـل این نظـام علایم و ارزش هـای موجود اند، اگر چه فاسد اند ولی به سـوی ثبـات نسـبی میرونـد، و از بی نظمی اقتصادی فاحش در حدودی جلوگیری خواهد شد . سه اصلی را که قبلاً یـاد آور شـدیم 1ـ fractional reserve 2- سـود 3- بانکـداری خصوصی این سه چیز در اولیت قرار دارند و ضرور است تـا بـه نـوبت از روند زندگی مردم خارج گردند در غیر آن ثبات نظام بـرای تحقـق اهـداف ناممکن خواهد بود . در حال حاضر تمام دنیا بر اساس نظام پـول کاغـذی امـورات خـود را پیش میبرنـد و نظـام الحـادی غـرب همچنـان مجبـور بـه استعمال همین پول است تا آنکه ما پایه هـای اصـلی این نظـام را از کـار نیانـدازیم کـه همانـا ، بانکـداری خصوصـی ، سـود خـوری ، fractional reserve banking و پول کاغذی میباشد، تا زمانیکه ما بالای این پایه ها حملات جدی و عملی انجام ندهیم، و مرکز اقتصادی آنها را بـا سـکه هـای طلا و نقـره از هم نپاشـیم، مطمین باشـید کـه نظـام کفـر و صهیونیسـتی کاملاً فلج نخواهند شد و مردم آسیا و افریقا از قید غلامی شـان آزاد نمی شوند. این موضوعات ارزشمند تا به امروز از افکـار مـردم پنهـان داشـته شده اند.

حالا مرحله به مرحله آن موضوعات را بیان می کنیم که در نهـایت بـه ایجاد نظام اقتصاد اسلامی می انجامد و اِعمال هر کدام آن قابـل تطـبیق است و هیچ کدامی از آن ناممکن و مشکل ساز نیستند . و بـا ارج گـذاری به آنها طوفانی بر پا نخواهد شد، اینکـه حکـومت دسـت نشـانده مـردم را احمق ساخته و فـریب می دهنـد، هیچ دلیلی منطقی در این روش از خـود ارایه کرده نمیتوانند.

1431 سال قبـل بـه لطـف اللـه نظـام بـزرگ و کـاملاً اسـلامی بـرای بشریت تقدیم گردید. و تمامی روشـها بطـور واضـیح مشـخص شـد . ولی حالا نظام خبیث یهودیان در رگ های مـا خـون زهـر آگین را داخـل نمـوده است و تلقین می کنند کـه بغـیر آن نظـام دیگـری را نمی تـوان ، در روی زمین قائیم ساخت .

مسئوولیت دولت مردان در بیرون رفت از معزل اقتصادی:

ما تا به این جـا تمـام فـریب و نیرنـگ یهودیـان و یهـود مشـربان را بـه تحلیل گرفتیم و راهای مبارزه ی فردی و اجتماعی که مردم عام میتواننـد آنرا روی دست گیرند را شرح دادیم . حالا چیزی که باقی می ماند اجرا و

تطبیق این مراحل می باشد که از توان مردم عام بلند است و فقط وظیفه و مسئولیت دولت میباشد به شرط که فروخته شده نباشند، تا به هر یک از برنامه های بعدی جنبه ی عملی بدهند و مردم را از این بن بست صهیونیستی بیرون آورده تا انسان به صفت انسان شناخته شود نه حیوان ، و آنها با الگو برداری از پیامبران، انسانها را از بندگی بنده رها سازند. و با تطبیق این برنامه ها اصلاً به اقتصاد و نظم اقتصادی موجود صدمه ی نمی رسد و ورشکسته نمی شوند بلکه روز به روز شاهد رشد آن خواهیم بود .

حال به این سئوال جواب می گویم که ضروریات مردم را چگونه می توانیم رفع نمایم ؟

مردم می توانند از دولت قرضه های حسنه اخذ نمایند ، که این قرضه ها می تواند بشکل شراکت و مضاربت باشد، که شاهد نمونه های زیادی از آنها در سعودی و دبی هستیم که مسئولین آنها این خدمات را به شکل عام برای مردم انجام می دهند.

ضرورت اساسی دیگری مردم نگهداری از اموال و دارائی های شان است و همچنان انتقال آن به هر آدرسی که خود خواسته باشند و از طریق چک نوتها به هر کسی که لازم ببینند آنرا انتقال داده بتوانند و یا تا هر زمانی که بخواهند محفوظ نگهداری شود، که این همه خدمات توسط بانکهای دولتی و ایالتی به شرط که معاملات شان مبنی بر سود نباشد انجام شده میتواند.

بانک کوچکی که تنها دارای یک مرکز و فاقد نمایندگی باشد هم می تواند از عهده این همه امورات بر آید و تمام معاملات خود را بر اساس شریعت اسلامی و بدور از هر گونه معاملات سودی انجام بدهد، آیا بانکهای دولتی با این همه امکانات که در اختیار دارند نمی تواند از عهده ی این همه کار ها بر آیند ؟

زمانیکه بانکها خصوصی از بین رفتند، و جای آنها را بانک دولتی و ملی پر ساخت و معاملات شان بدور از سود استوار شد. ولی چونکه هنوز هم مسما به بانک است ، و در مرکز آن هنوز هم از پول کاغذی استفاده می شود، پس آگاه باشید ! این مراکز بانک ها مطابق اصول و قواعد اقتصاد اسلامی استوار نیست و نظر به فقه اسلامی هر آنچیزی که باعث انجام حرام شود خود هم حرام است .

لیکن باید بخاطر بسپارید زمانیکه ما از این روشها صحبت به عمل میاوریم هنوز در نیمه راه ایم و کاملاً به تبدیلی این نظام نرسیده ایم، این

به مثـالی می مانـد کـه شـما حسـاباتان را از saving account بـیرون کرده به current account داخل نماید . یعنی در این مرحلـه مـا فقـط همان کاری را می کنیم که حسـابات همگیcurrent account شـوند و تمام معاملات حکـومت داخـل current account بیاینـد. و برنامـه هـای خود را بر اساس پول دست داشته تطبیق کنند، و هرگـز مـرتکب اعمـالی نشوند مانند که برنامه ریزی کنند که تا فلان تاریخ پـولی کـه ذخـیره داریم از آن چنین مقدار سودی حاصل می شود و بعداً برنامه ی خـود را تطـبیق میکنیم ، که هرگز در امور شان خیر و برکتی نخواهد بـود و هـر آن چـیزی که حاصل تولید از این نوع سرمایه باشد بقای نخواهد داشت. و هیچ بنـای که به اساس پول سود گذاشته شود آباد نخواهد شد.

بناً ضرور است تا در قدم نخست آنچه که در دست داریم با آن برنامه های خود را تنظیم کنیم ، و سود را بطور بنیـادی از حسـابات خـود بـیرون سازیم .

سئوال بعدی سئوال مهمی است ، این که چرا مـردم از بانکهـای پـول قرضه میگیرند ، و یا بر عکس یک تعداد دیگری سـرمایه و دارائی خـویش را به بانکها میسپارند؟

دلیل آن اینست که آنها احساس بی امنی می کنند. پس زمانیکه اداره ی پول در این سلسله بدوش دولت قرار گرفت ، بناً تـامین امـنیت نـیز از مسئولیت های اساسی یـک دولت واقعـاً اسـلامی می باشـد، قسـمیکه از تامینات غذائی(Food Security) و تامینات انرژی صحبت شد، مسئولیت بعدی حکـومت همانـا تامینـات اجتمـاعی اسـت، کـه در غـرب تحت نـام (welfare state) یا تشکیلات رفاه اجتمـاعی ، یـا دسـتگیری از بینوایـان مشهور است کـه ضـرورت بـه توضـح آن پیـدا نمی شـود. و در غـرب این پروسه خوب جریان دارد یعنی غربیان به مانند غلامـانی انـد کـه یهودیـان ایشان را در خانه های خویش نگهداری میشوند ، ولی بایـد این را دانسـت که یهود به حالی ایشان همچنان رحم نمی کند زیـرا یهـود هرگـز از منـافع خویش در مقابل غیر یهودی نمی گـذرد و در شـش مـاه گذشـته وضـعیت صرفاً در انگلستان طوری شده است که ،15000 نفـر فقـط بـرای اینکـه سود قرضه های خود را اداء کرده نتوانستند به روی سرک انداخته شده و بی خانه شدند ، یعنی خانه های شان توسط بانکهای قرضه دهنده ضبط و مصادره گردیده است ، و این رقم که مـا ذکـر کـردیم صـرفاً مربـوط بـه شش ماه میشود، و این روال از 20 سال به این سو سیر صعودی خود را می پیماید. در پهلوی آن گرسنگی به آنجا نیز سرایت داده انـد ، و مشـکل

بحران غذائی (global food crisis) در سراسر جهان در حال شیوع است، در استرالیا بد تر از این حالت جریان دارد ، در امریکا زیاد تر از همه ای نوع مشکلات محسوس است ، و این بحران در هر جای که پدیدار میشود وضیعت هولناکی را برای هر فرد در پی دارد، مانند که خانه های مردم خالی می شوند، مردم از خانه ها شان به بهانه های مختلف بیرون کشیده شده، و ناچار در سر سرکها می مانند، قرضداران به مانند غول های خون اشام به دنبال هر یک از آنها می افتند. و بدون شک این حالت دچار همان غلامانی هم میشود که در خانه های باداران شان زندگی پر زرق و برقی را سپری می کنند.

و تمام این مشکلات و اینکه بشریت به نهایت تکلیف هستند ناشی از همین نظام بانکداری می باشد. حال برای حکومت برنامه های را پیشنهاد می کنیم که دولت برای تطبیق آن باید اقدام نماید که در برگیرنده ی برنامه های تأمینات اجتماعی (social security) میشود . و منظور از (social security) در واقع ایجاد بیت المال به منظور از بین بردن هر نوع ظلم بانکداران خصوصی و نظام سرمایه داری می باشد.

مثال خوب که علیه بانکداری در غرب داده می توانیم ، کندی (Kennedy) رئیس جمهور امریکا می باشد که برای مقابله و از بین بردن «Federal Reserve Bank» بدون ترس و آشکارا نوعی تعهد را برای مردم سپرده بود. او حکمی را از پارلمان گذشتاند که بر اساس آن چاپ واحد پولی امریکا«dollar» باید از صلاحیتهای اختصاصی حکومت مرکزی باشد، و در این صورت به گرفتن قرضه از بانک فدرال هیچ ضرورتی محسوس نمی شد ، بناً در آن زمان در امریکا دو ارگان وجود داشت تا پول رایج امریکا را چاپ کند ، یکی بانک فدرال و دیگر حکومت « Kennedy» بود ، که هر دو در یک وقت پول را برای کشور امریکا چاپ می کردند ، و چاپ پول توسط Kennedy به این مفهوم بود که او نمی خواست تا از «FRB » قرضه گرفته و حکومت داری کند ، بناً او دالر های کندی "Kennedy dollar's" را که از سکه های طلا ساخته شده بود به دوران انداخت .

هدف ما از ذکر این سرگذشت این که باید دقیقاً استندرد «طلا و نقره» را به مانند ارزش واقعی در مقابل پولهای جعلی وضع و تطبیق کنیم، مانند که "Kennedy"وضع نموده بود ، و یگانه دلیل قتل و ترور رئیس جمهور کندی در امریکا همین موضوع می باشد که او خواست در مقابل بانکداری خصوصی و نظام صهیونستی یهودی استاده گی نماید

ولی با وجـود آن قـانون چـاپ سـکه هـای طلا و نقـره تـا بـه امـروز تحت صـلاحیت دولت امریکـا بـاقی اسـت. هرگـاه رئیس جمهـوری در امریکـا بخواهد که پول چاپ کند، و از بانک فدرال «FRB» قرضه نگیرد می تواند این کار را کند، ولی کسی تا هنوز پیـدا نشـده اسـت کـه همت این کـار را کند و چاپ سکه ها را آغاز نمایـد زیـرا نمی خواهنـد بـه سرنوشـت کنـدی مواجه گردند.و حالا نوبت دولت حاضر است که اقدام به این کار نماینــد و به تاسیس ژندارم بیت المال دولتی اقدام نماید و آن طوری از یک طـرف باید بانکهای ملی را تقویت بخشند چرا کـه تمـام منـابع پـولی و دارائی در انجا اداره می شوند، و اینکه پولهای کاغذی (Paper Currency) در مورد اسـتفاده باشـد تـا هنـوز فـرقی نمی کنـد. در قـدم بعـدی روی هم رفتـه حکومت « بیت المال» را ایجاد کند. چرا که لازمی است تا در پهلــوی این نظام بانکداری ما مرکز بیت المال داشته باشـیم ، کـه معـاملات در آن بـا (طلا و نقره) صورت گیرد، یعنی ضررویات تمام انسـانها در آنجـا را رفـع کرده بتواند، که می توان آنرا "Islamic welfare state " نامید و امثال این گونه اسمها، و در آنجا امورات روی دست گرفته شود کـه مربـوط بـه تشکیلات رفاهی میشود، و ضروریات اساسی مردم خویش را رفـع کـرده بتواند، یعنی بالای شان مانند سایه بانی قرار داشـته باشـد، زمینـه تعلیم و تحصیل برای اطفال شان مهیا شده بتواند، انتظامـات صـحی بـرای شـان موجود باشد ، آب آشامیدنی پاک در اختیار شان قرار بگـیرد ، در خانـه هـا مردم سهولت های تنویر موجود باشد و... که در شرایط فعلی این مــوارد جز از حقوق اساسی هر انسان بشمار مـیرود کـه دولت بایـد بـرای اتبـاع خویش مهیـا گردانـد، موضـوع عکس العمـل جمعی را کـه در فصـل هـای قبلی بیان داشتیم ، که در برگیرنده ی کفالت، طعام المسـکین ، تعلیم ، و بهم پیوستگی اجتماعی بود ، تماماً شامل بیت المال میشوند ، ارگانی کــه مرفوع کننده ی احتیاجات عامه ای مردم است .

بناً تطبیق این برنامه ها در سطح ملی توسط دولت یکی از ضـروریات حتمی مردم پنداشته می شود، و در مصرف آن صداقت و خیانت در نظر گرفته شود و با نام بیت المال و با پول بیت المال مزاح نکنند قسـمی کـه امروز در بعضی از شهر های کشور ها همسایه خویش شاهد این وضعیت هستیم ، و پـول بیت المـال را بـه عنـوان پـول بیت المـال (پـول کـه حـق تمامی مردم در آن است و الله از هر روپیه آن پرسـان می کنـد) دانسـته خرچ گردد ، و دقت ما در این جا است که الحمدالله نزد مـا اللـه تبـارک و تعالی خزاین بیشماری را گذاشته است که ارزش آن از چند هـزار ملیـارد

بالاتر است و بهترین موقیعت استراتیژیک، جیوپلوتیک ، ترانزیتی و محل وصل تمدنهای غرب و شرق را در اختیار داریم. ولی متأسفانه ٪90 خیر این نعمات در راه حرام به مصرف می رسند و نا حق ضایع می گردد و در راه فلاح و آسایش مردم به مصرف نمیرسد ، لذا اگر حکومت سر از امروز کار های را روی دست بگیرد که به ترتیب در متون گذشته ذکر شد، و پاسخگوئی به نیازمندی های مردم را از مسئولیت های اولیه و اساسی خود بشمار بیاورد، شما یقین کنید که در این ملک نه کسی گرسنه خواهد ماند ، نه پسر کسی را بی تعلیم خواهید یافت ، هیچ فامیلی بدون سایه بانی شب و روز اش سپری نخواهد شد . بعد از تاسیس بیت المال لازم است که به مرحله دیگری به بسوی تحقق یک نظام کاملاً اسلامی قدم بگذاریم و آن جاری ساختن سکه های طلا و نقره و انجام معاملات تجارتی بآن می باشد.

سکه های طلا و نقره که امروز ساخته می شوند، آن زمان نیز ساخته می شدند ، ولی حکومت وقت طوری معامله می کرد که سکه های طلا و نقره را با پول کاغذی(paper currency) ارزش مساوی داده بود ، یعنی 1 افغانی معادل 1 سکه طلا ارزش داشت ، که در نتیجه طوری شد که طلا کاملاً غایب گردید و مردم فقط برای استفاده های شخصی و برای ذخیره کردن سکه ها را میخریدند، چون رفته رفته سکه طلا ارزش خود را در بازار های بین المللی از دست داد بناً از آن به بعد کاملاً غایب گردیدند.

در شرایط فعلی هرگاه دولت ها سکه های طلا و نقره را دوباره جاری سازند ، باید در قدم نخست با پولهای کاغذی یکجا در بازار تبادله گردد مانند کندی که در آن وقت هم سکه های کندی روی کار بودند و هم دالر های چاپ شده توسط «FRB» در بازار دوران داشتند. ولی ارزش طلا مساوی با پول های رایج کاغذی نباید باشد، یعنی قیمت سکه های طلا به همان مقداری باشد که ارزش طلا در بازار های جهانی است . پس با این برنامه ریزی ها نتیجه طوری میشود که، فرضاً یک سکه ی طلا ارزش آن مساوی به 1000 افغانی و یا یک سکه نقره ارزشش 100 افغانی تعین شود ، پس زمانیکه در بازار های جهانی ارزش طلا و نقره بلند میروند ، متناسب با آن قیمت سکه ها افزایش میابند و 100 به 120 افغانی تبادله میگردد، بناً مردم هم سکه های طلا و نقره را دیگر ذوب نخواهند کرد و به مانند پول رایج از آن استفاده می کنند. و ضمناً طلا و نقره های باقی مانده که به شکل ذخیره «Reserve» در بانکها هستند ، با تغیر قیم طلا

و نقره در سطح بین المللی ارزش آن نیز به شکل خویش ثابت باقی می ماند و به حیث یک حافظ قوی برای پول های رایج از آن استفاده صورت گرفته می تواند .

طلای خالص که سکه از آن ساخته می شود ، و طلای که در بازار وجود دارد زمانیکه هر دو دارای یک ارزش شدند، بناً از آن به بعد هرگز مردم به ذوب و ساختن اشیائی زینتی از آن استفاده نمی کنند، و به شکل یک ارزش پول ثابت در معاملات از آن استفاده میشود، و آهسته آهسته تمام تمرکز اقتصادی دنیا در معاملات بالای همین پولها خواهد بود.

پس ما صراحتاً اعلان میداریم که اکنون زمان استفاده ی دوباره از سکه های طلا و نقره در جهان فرا رسیده است، و حکومت جداً این کار را تعقیب کند، که حد اقل یک مسلمان به صورت درست بتواند زکات مال خود را از سکه های طلا و نقره تادیه کند و همچنان هر کسی توان ذخیره کردند آنرا داشته باشد تا در وقت ضرورت از آن استفاده کند ، ما در مرحله ی ساخت مراکز اجتماعی این مطلب را بیان داشتیم که باید خود مردم مبادرت به ضرب سکه کنند، و حال برای حکومت داران می گویم ، که در قدم اول مسئولیت شما است که این کار را بکنید ، چرا که به صلاح ما خواهد بود که ازروند (Paper Currency) خود را بیرون کنیم ، و ما امید داریم که به خواست مردم حکومت صادقی روی کار اید که انشاءالله در اولیت کاری شان این برنامه ها گنجانیده شود. و هر حکومت که این کار را نمی کند آنها فروخته شده و جاسوسان سر به کف بانکداران یهودی و نظام الحاد غرب اند.

زمانیکه با تعقیب مراحل مختلف تا این جا رسیدیم پس لازم خواهد بود تا آهسته آهسته (paper currency) یعنی پول کاغذی را از داخل نظام بیرون ساخته و سکه های طلا و نقره را به طور مطلق و یقینی جایگزین آن سازیم ، و در قدم بعدی دروازه های بانکهای دولتی و ملی هم بسته شوند ، و بیت المال به شکل واقعی آن به وجود آورده شود ، تا این روند حرکتی باشد به سوی بیت المال به مفهوم حقیقی آن و به شکلی که در زمان خلفای راشده بود ، و این حرکات و گام های مناسب برای یک جامعه بوده و انشاءالله هیچ بی نظمی و تصادمی را در پی نخواهد داشت. و این روند جای گزینی بیشتر از دو و یا سه سال را در بر نخواهد گرفت در حالی که از پنجاه سال تا به امروز حکومات را دستگاه های صهیونیستی مانع این فعالیتهای شان شده اند که در واقع حل این معضل آن قدر ساده است که فوراً می توانیم در بین جامعه عملی سازیم

، در صورت که از یک طرف از اعمال فساد جلوگیری شود و از جانب هم از خزاین زمین به شیوه های باید و شاید استفاده به عمل آید، برای مردم تامینات غذائی ، امنیتی ، صحی ، اجتماعی و انرژیکی را فراهم سازیم ، نظام استعمار گری که ریشه آن بر میگردد به بانکداری خصوصی باید متوقف شود ، دولت پول را تحت اداره گرفته ، به تعقیب آن پول کاغذی از بین می رود، با از بین رفتن این شی ناپاک ، فراوانی ، کثرت روزی ، سهولت در تجارت و معاملات ایجاد میشود در آمد های سرانه هر فرد افزایش میابد ، و زمان فرا میرسد که بدون هراس و شک به سوی استعمال سکه های طلا و نقره حرکت می کنیم . تا اینجا همه موضوعاتی که حکومت باید در داخل قلمرو خویش اعمال کند را بیان کردیم ، که همه برای ثبات و استحکام هر چه بیشتر اقتصاد داخلی یک کشور ضرور اند و برای تحت اداره در آوردن اقتصاد بازار به دست دولت باید انجام شوند.

مردم مسلمان و دولت مردان با ایمان نه جاسوس متوجه باشند دو مرکز است هر زمانی که همراه با هر کشوری تعلقات خویش را قائیم سازند ، آن ملک بعد از آن رو بطرف تباهی می نهد . که آن دو مرکز عبارت از «IMF & World bank» میباشند.

شما خود به قانون «IMF» مراجعه کنید در آن جا نوشته شده است که « نباید در هیچ کشوری سکه های طلا و نقره جاری گردد، و نباید با سکه های طلا و نقره معاملات خویش را انجام دهند.»

پس لازم به ذکر میدانیم حکوماتی که اقدام عملی در راستای رایج ساختن دوباره ی طلا و نقره را روی دست میگیرند، لازم و ضروری است تا جداً متوجه این دو کانون فساد الود باشند و حتی آنها را نزدیک خود هم نگذارند. اینکه برای رسیدن به هدف خود چه اقدامات دیگری را باید روی دست گیریم در محتویات بعدی این کتاب بیان خواهیم نمود. (انشاء الله)

مبحث شانزده هم
شیوه های رهائی از نظام اقتصاد استعماری غرب

در فصل گذشته مطالعه شد که تمام عوالم و مصایب ملت ها به سبب بانک های خصوصی و سایر ارکان های خصوصی در جوامع به میان آمده است چرا که نظامها را میخواهند بطرف لبرال سرمایداری و بازار آزاد سوق بدهند و فقط سرمایه و قدرت به دست یک تعداد محدود از مردم باشد و دیگران مانند غلامان برای شان کار کنند.

برای بیرون رفت از این مشکلات آنعده از دولتهای اسلامی که دست نشانده یهودیان نباشند، برنامه های را روی دست گیرند که در قدم نخست صلاحیت های سرمایگذاری از بانکهای خصوص خارج و به بانکهای ملی انتقال یابد... آهسته آهسته به ضرب طلا و نقره برسیم. وباید دولت مردان متوجه باشند که هرگز وهرگز صهیونستان در همچو موارد خاموش ننشسته و باعث دخلت های در امور میشوند.

در فصل بعدی مطالعه میکند از همه اولتر دولت باید دالر را رد (Reject) کند ، چرا که بنیاد اقتصاد که بالای دالر گذاشته شده امروز مانند دانه ی سرطان در جهان ریشه دوانیده است ، یعنی به همان شکلی که باید از (IMF & World Bank) فرار کنیم لازم است که به همان شکل از تبادلات دالری نیز فرار نمایم ، و برای جایگزینی دالر به پول بدیل آنرا باید پرداخت ، ولو که مربوط به کشور الحادی دیگری هم باشد و یا پول رایج آن کشور بر بنیاد پول کاغذی استوار است و یاfractional reserve banking وجود داشته باشد که در راس آن نظام های صهیونیستی و صلیبی از آن سود میبرند چرا که امکان زیاد موجود است تا در میان این پولها تصادمات و بر خورد های ایجاد شود.

مسلمانان نباید سرمایه های خود را در اختیار بانک های یهودی بگذارند چرا که با اندک بهانه جویی مانند عربستان سعودی و ایران دارای های شان را مصادره میکنند که جریان این سرگذشت را در ادامه مطالعه میکنید.

ما در بخشهای قبلی تمام آن مواردی را به بحث گرفتیم که حکومت داران بخاطر رهای امت از چنگال یهودیان به آن باید عمل نمایند. و مواردی اند که حکومت باید در روابط به امور اقتصادی- سیاسی خویش در قلمرو حاکمیت با همسایه گان و سایر کشور ها دور و نزدیک تطبیق نمایند.

حساسیت موضوع در اینجاست در سراسر دنیا حکومات که به رسمیت شناخته شده به خصوص کشور های فقیر جهان و شرق آسیا مانند پاکستان ، افغانستان بنگله دیش ... آنها هر زمانیکه برای خویش پلان های اقتصادی- سیاسی را طرح میکنند، همه ی آن بر اساس تعلقات قومی ، مذهبی و سمتی استوار می باشد ، و یا تحت تاثیر و تحمیل های سازمان دیده بان جهانی (The International Monitoring Institution) امور خود را پیش میبرند که بیرون از دخالت (IMF & World Bank) بوده نمیتوانند، چرا که این موسسه ساخته و پرداخته سیاست های این دو بانک جهانی اند. و (IMF & World Bank) بزرگترین نظریه پردازان سیاست گذاری و برنامه ریزی های صهیونیستی در جهان میباشند، که عالی ترین مفکوره های شیطانی را (think tank) که به وسیله آن این گروه ؛ غارتگر ، دهشت گر ، برنامه سازی برای غلام ساختن ملتها ، قتل ، تباهی و بربادی ملتها را در جهان تطبیق می کنند . به این ترتیب سئوال پیدا میشود که آنها از کدام طریق وارد برنامه های کشور های مختلف میشوند ؟

در جواب باید گفت که واضح است! هر زمانی یک کشور غریب و فقری با فلاکت سر دچار گردد و سخت محتاج کمک باشند، در آن شرایط است که از احتیاج بودن آنها استفاده میکنند و این مراکز دهشتگری حاضر به دادن قرضه برای شان میشوند ، ولی مقصد شان صرفاً قرض دادن نیست، بلکه در این موقع یک سیاست و روش خطرناک دیگری که « Stretchable Reform Packag» یعنی ما در مملکت شما و ادارات دولتی که مربوط به بخشهای اقتصادی شما میباشند و از آن طریق شما

نظام اقتصادی و مالی کشور خویش را اداره می کنید را تحت نظر خود میگیریم .

تا بلاخره به این استراتیژی خویش در تمام ادارات مهم و حیاتی آن کشور افرادی را تحت نام مشاور مقرر می کنند ، به خصوص در بانک مرکزی، وزارت مالیه و یا در آن جا های که تعلق کلیدی با در آمد، عواید و مصارف آن کشور داشته باشند، هویتاً شخص گماشته شده توسط آنها مربوط همان کشور میباشد ولی معاش و مزد خود را از طریق این ارگان ها دریافت میکند . به تعقیب آن برای حکومت داران آن کشور شروع به صدور دستورات می کنند ، مانند که باید قیمت تیل یا نفت بلند رود ، گاز به این قیمت فروخته شود ، وسایل و تجهیزات زراعتی را کمتر وارد کنید ، تعرفه های گمرکی بالای ماشین آلات زراعتی و صنعتی بلند بروند ، قیمت مصرف برق بلند شود و... تطبیق این قواعد در یک کشور غریب مانند افغانستان به معنی قطع کمک و همکاری دولت از مردم است، یعنی پائین بودن قیم از طرف دولت خود نوعی از کمک به فقراء و مساکین بشمار میرود. و مالیه بالای مردم بلند میرود ، و حکومت را مجبور می سازند تا تمام مصارف را به دوش مردم بیاندازد ، و قرضی را که برای ترقی و پیشرفت یک جامعه می گیرد ، در مقابل مجبور اند تا سود آنرا بپردازند و به این شیوه کمر یک جامعه را از نقطه نظر اقتصادی میشکنند، که آن کشور تا سالهای سال نمی تواند به همان وضعیت قبلی خود برگردند، بناً هر قوم و ملتی که میخواهد به پای خود بیستد باید از (IMF & World Bank) چنان فرار کنند، قسمیکه آهو از مرگ فرار می کند ، اگر شروط این بانکها را ما قبول کنیم ، به این معنی است که هرگز آن کشور را آزاد نشناسیم ، و این از اساسی ترین موضوعات بود که ما بیان داشتیم ، و نخست از همه به این موضوعات پرداختیم، چرا که بعد از این هر برنامه را که بیان و پیشنهاد می کنیم ، و سخن که از این دو بانک به میان می آید شما از برنامه های آنها به خوبی آگاه باشید .

چرا که گفتیم برنامه های (IMF & World Bank) طوری سنجیده شده که تا هیچ کشوری به سوی پول های استندرد (طلا و نقره) باز نگردد ، و ظاهراً و حقیقتاً ما باید به سوی این معیار حرکت کنیم . جنگی را که اینها می خواهند با ما انجام دهند ما حاضر هستیم تا در مقابل آنها برای رسیدن به اهداف بزرگ الهی و دفاع از حقوق بشریت با مال و جان خود ایستاده شویم .

قول الله رب العلمین است که می فرماید:« وَلَا تَهِنُوا فِی ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُـونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يرْجُـونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»(النساء/104)

(در جستجوی قوم « آنانکه با شما اعلان حـرب نمـوده اند می خواهند تا بالای شما حاکم گردند» سستی نکنید « و بـرای دفـاع در مقابل ایشـان برخیزید» اگر از «جنگ و جراحت» درد می کشید ، آنان نیز به مانند شـما « از کشته شدن هزاران هزار نظامی خویش و از مصـرف ملیـارد ها دالر خویش » درد می کشند و رنج می برند اما شما در مقابل از الله چیزی را امید دارید و می طلبید که آنها به آن امید و طلب ندارند.. «یعـــنی بهشت جاویدان»)

و جای دیگری الله رب العلمین می فرماید:« وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»(ال عمران/139)

(و سست و محزون « از جنایات و خیـانت هـای که کفـار در حق شـما مرتکب شده اند » نشوید اگر مؤمن باشید « و به احکام الله و رســول او صلی الله علیه وسلم پابند باشید» غالب و برتر خواهید بود)

پیشنهاد ما این است هرگاه در تمام دنیا کشـور فقـیر و بیچـاره ای کـه در جنگل (IMF & World Bank) گیر مانده باشد، و بخواهند تا برای رهایی و آزادی خویش ازین لجنزار اقدامی را روی دسـت گیرنـد ، بناً لازم است مقابله را با (IMF & World Bank) در الولیت برنامه های خویش قرار دهند.

پس بـا در نظـر داشـت واقعیت و حقیقت این دو سـازمان چنـد مهم دیگـری را بـرای اسـتوار نگهداشـت حـاکمیت سیاسـی- اقتصـادی کشـور پیشنهاد می کنیم:

1- از همه اولتر دولت بایـد دالـر را رد (Reject) کنـد ، چـرا کـه بنیـاد اقتصاد که بالای دالر گذاشته شده امروز مانند دانـه ی سـرطان در جهـان ریشه دوانیده است ، یعنی به همان شـکلی کـه بایـد از (IMF & World Bank) فرار کنیم لازم است که به همان شکل از تبادلات دالری نیز فـرار نمایم ، و برای جایگزینی دالر بـه پـول بـدیل آنـرا بایـد پـرداخت ، ولـو کـه مربوط به کشور الحادی دیگری هم باشد و یا پول رایج آن کشور بـر بنیـاد پـول کاغـذی اسـتوار اسـت و یاfractional reserve banking وجـود داشته باشد که در راس آن نظام هـای صهیونیسـتی و صـلیبی از آن سـود میبرند چرا که امکان زیاد موجود است تا در میان این پولها تصادمات و بر خورد های ایجاد شود ، و هر کدام به جان دیگـری بیفتنـد تـا بـرای تطـبیق

برنامه های کاملاً اسلامی راه هموار گردد ، قسمیکه در دوران رسول الله صلی الله علیه وسلم میان امپراطوری روم و فارس جنگی در گرفت که مستقیماً به حال مسلمانان مفید واقع شد ، و در میان این دو مسلمانان توانستند برای خود روزنه ی ایجاد کنند. و در وضیعت کنونی همچنان نظامهای مختلف اقتصادی وجود دارند ، که امکان زیاد میرود تا در میان این دو تصادماتی ایجاد گردد ، و پولهای متفاوتی امروز در جهان وجود دارد که می شود میان اینها برخورد و تصادم ایجاد کرد، یک پول را توسط پول دیگری میتوان شکستاند ، و یا با یک پول ، پول دیگر را ضیعف ساخت ، و این عکس العمل ها باید ضروراً روی دست گرفته شوند ، تا حدی که بتوانیم آن پولهای که بنیاد و اساس نظام الحادی و صهیونیستی را تشکیل می دهد رد (Reject) نموده و بالای آنها شدیداً حمله نمایم ، تا آنکه آنرا شکستانده و از بین ببریم ، و نظام اقتصادی حاکم شانرا تباه سازیم . و برای تباهی و براندازی نظام الحادی و سیاسی- اقتصادی غرب فقط به فیر راکت و موشک اکتفا نکنیم ، ما باید به مرکز آنها حمله ور شویم و نظام اقتصادی شانرا تباه و برباد سازیم و برای رسیدن به این هدف آسان ترین راه این است که استعمال پول های رایج آنها را ترک گفته و نپذیریم واضح است که ازین ناحیه شدیداً متاثر می گردند، که برای واضح تر شدن این مطلب مثالی را برای شما ذکر می کنیم .

امروزه برعلیه ی کشور ایران امریکایان یکجا با هم پیمانان شان بزرگترین طوفانی را برپا نموده اند ، و قبل از آن بالای عراق همین گونه برنامه ها چیده شده بود ، دلیل اصلی آن چه بوده می تواند ؟

یقیناً ! چون تجارت نفت و گاز امریکا در سراسر جهان توسط دالر صورت می گیرد ، اکثر کشور ها برای خریداری گاز و نفت در نزد خود دالر ذخیره دارند .

ولی ایران و عراق و در قدم نخست عراق فیصله کرده بود ، که دیگر در معاملات خود از دالر استفاده نمیکند و در صدد تجارت نفت با اروپا بر آمد ، روی این دلیل دشمنان انسانیت (امریکا با تمام همکاران شان به شمول اسرائیل تروریست) بالای آن کشور به بهانه زدودن تروریزم و صدام حسین حمله را برنامه ریزی کردند . به تعقیب آن کشور ایران در طول دو سال گذشته فیصله کرد که دیگر با دالر تجارت و صادرات نفت خود را انجام نمی دهد، بلکه خرید و فروش نفت را توسط یرو (EURO) انجام خواهیم داد، و در این راستا دو کشور بزرگ مانند روسیه و وینزویلا اعلان حمایت خود را از ایران اعلان کردند و این سه کشور بزرگ

استحصال کننده نفت در آینده ها تصمیم دارند تـا تجـارت نفت را بـا پـول واحد اروپا انجام دهند . هرگاه به دنبال آنها کشور های دیگری نـیز بـه این فیصله برسند که برای تجـارت نفت خـویش از پـول واحـد اروپـا اسـتفاده کنند، و از کشور هـایماننـد روسـیه ، ایـران و ونـیزویلا نفت و گـاز مـورد ضرورت خود را وارد کنند ، بناً تمامی کشور ها پول های مبـادلاتی خـود را از دالر به ایرو تبدیل خواهند کـرد ، کـه در نتیجـه دالـر بـه سـقوط مواجـه میشود ، و ورشکسته گی در روند آن رونما میگردد و دوباره بطرف مرکز اصلی خود یعنی بانکهای یهودی امریکا رجعت میکنند ، و اقتصاد امریکا آن قدر ثابت نیست که به ملیارد ها ملیارد دالر را پذیرش داشـته باشـد. اگـر بطرف امریکا 10 بم هستوی را فیر هم کـنیم آن قـدر زیـانی بـرای شـان نخواهد رسید که واحد پول دیگری را بغیر از دالر روی کار سـازیم، امـروز دو شرکت بـزرگ تجـاری نفت در جهـان (London oil exchange) و (New York oil exchange) هر دو را صهیونی ها اداره می کننـد، و بـا دالر امورات خویش را انجام میدهند ، در مقابل ایران که میخواهـد بـا این نظام با استفاده از تحریم دالر مقابله کند، و در حال حاضـر بـه این روش خود جامه عمل نپوشانده است و تا فعلاً یـک طـرحی روی کاغـذ اسـت، و انتظار موقع مناسب بـرای تطـبیق عملی آنـرا دارنـد ولی هـر روز بـا این برنامه ریزی خود کشور امریکا را مورد تهدید قـرار می دهنـد . و این یـک سیاست اساسی است که ما دالر را رد (Reject) کرده و پـول خـارجی (foreign exchange) را جایگزین و تجارت بین المللی خـویش را بـا آن انجام میدهیم ، با وجود اینکه آن پول مربوط به کشور الحادی دیگـری هم باشد. ولی میتوان که توسط آن ابر قدرت جهان الحاد و شرک را به زانـو در آورد ، و یک واحد پولی را با واحد پولی دیگـری در تصـادم قـرار داد تـا یکی از آن دو از بین بروند ، و امکان زیادی میرود تا با حمایت از یکی آنها واحد های پولی دیگری شدیداً صدمه ببینند ، که در هر دو صورت فایده به جهان اسلام میرسد و باید قبل از آن در نزد مسلمانان برای پر نمودن آنی این خلا بدیلی موجود باشد، یعنی باید تا آن زمان پروسه ای تطـبیق سـکه های طلا در جامعه اسلامی تکمیل گردیده باشد .

در تفصیل این موضوع باید اضافه کرد کـه امـروز در کشـور مـا تمـام برنامه های انکشافی و محاسبات تجارتی بر اساس دالـر اسـتوار اسـت و در کشور های همسایه ما همچنان ، در حالیکه در حدود چنـدین دهـه دالـر شدیداً زخمی شده و از هر سو صدمه دیده است ، چنانچه که از یکطـرف امریکا به ملیارد ها دالر را در جنگ عراق به مصرف رسانیده ، و از سـوی

دیگر به گفته ی رئیس جمهور بارک اوباما، در جنگ افغانستان بیشتر از یک ترلیون دالر آن هم به سبب گرفتن قرضه از کشور های ثروتمند- جاپان ، سعودی و... به مصرف رسیده است. دول که برای امریکا پول قرض می دهند، در مقابل دولت امریکا مطابق قرار داد ملزم به پرداخت آن با سود می باشند ، و همه را برای پیش برد برنامه ها و بالای جنگجویان خویش به مصرف می رسانند، و الله تعالی درین مورد افتضاح آور شان می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ينْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَينْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يحْشَرُونَ»(الانفال/36)

(کفار اموال خویش را به مصرف می رسانند تا آنکه باز دارند مردمان را از راه الله ، این خرچ شان حتماً سبب حسرت شان «در دنیا» می گردد و بعداً مغلوب گردیده و در آخرت به سوی جهنم حشر می شوند)

ولی نا گفته نباید گذاشت که برای هر کار حدی باید موجود باشد ، در حالی که امروز امریکا آن قدر مقروض شده که حتی این امیدواری را دولت های قرضه دهنده از دست داده اند، که دولت امریکا توان پرداخت قرضه های شان را خواهد داشت ، و آنروز نزدیک است که دولت چین، جاپان یا عربستان سعودی خرید بیمه ها و ضمانت های امریکا را متوقف سازند ، و بگویند که ما بیشتر از این نمی خواهیم بالای قاره ی امریکا سرمایگذاری کنیم ، شما مطمین باشید که در همان روز دالر امریکا چنان سقوط فاحشی خواهد نمود، مانند که انجنهای طیاره ی از کار بیفتد و به سینه به زمین بخورد.

پس آگاه باشید که دالر امروز از هر طرف اضرار را متقبل شده و در سقوط حتمی قرار گرفته ، که حتی امریکائی ها از این قضیه به خوبی آگاه اند و اگر جهان در معاملات انرژیکی مانند برق ، ذغال سنگ ، نفت ، گاز ، یورانیم و... رو به سوی ایرو آورد و معاملات تجاری خویش را بغیر از دالر انجام بدهند و در پهلوی آن مثل آنکه امریکا 1 تریلیون دالر از کشور چین قرضدار است و زمانیکه آن کشور هم بغیر از دالر از او تقاضایی ایرو را کند و کشور امریکا پول در خواستی را به ایرو تبدیل کرده و قرضه ی خود را بپردازد شما تصور کنید که امریکا به چه وضعیت روبرو خواهد شد .

دول مسلمان عبرت بگیرید!

لذا ما برای دولت خویش و دولت های منطقه پیشنهاد میکنیم تـا تمـام پولهای ذخیره (Reserve) که از جنس دالر نـزد خـویش دارنـد بـه واحـد پولی با ثبات تری تبدیل کنند ، چرا پیش از آنکه مانند سالهای گذشته ما و دولتهـای همسـایه در نتیجـه کـاهش ارزش دالـر در سـطح جهـانی بـه میلیونهای میلیون دالر خسارمند شویم باید جلو آنرا گـرفت. در حـالی کـه امروز ما تمام ذخایر پولی خویش را به دالر تبدیل و نگهـداری میکـنیم ، و بد تر از آن همه ذخایر پولی ما در بانکهای امریکائی نگهـداری می شـوند، و منفعت آن بـه جیب دولت امریکـا ، بانکهـای امریکـائی و صهیونیسـتی میریزد، مانند عربستان سعودی که در هفت سال گذشته هـر قـدر دالـری کـه از درک تجـارت نفت بـه دسـت آورده انـد ، تمـامی آنـرا در بانکهـای امریکائی ذخیره کرده اند ، که تقریباً 2-3 تریلیون دالر مربـوط بـه کشـور سعودی میشود ، عربستان سعودی بالای اقتصـاد امریکـا سـرمایه گـذاری گزافی نموده و در حالیکه بر عکس امریکایان نه در گذشته و نـه در آینـده در حق اعراب چنین کاری را نکرده و نخواهند کرد؛ بلکه بر علیه آنها کـار و برنامـه ریـزی میکننـد و قرضـه هایشـان را نمی پردازنـد. چنانچـه اللـه سبحانه و تعالی می فرماید : وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يؤَدِّهِ إِلَيكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيهِ قَائِمًا ذَلِـكَ بِـأَنَّهُمْ قَـالُوا لَيسَ عَلَينَا فِى الْأُمِّيينَ سَـبِيلٌ وَيقُولُـونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يعْلَمُونَ»(ال عمران/75)

(و از ایشـان کسی است که اگر امین داری او را بیک دینـار بـاز ندهد آنـرا به تو مگر تا وقتیکه باشی بر سر او ایسـتاده و این بسـبب آنست که گفتند نیست بر ما در حق نا خواندگان هیچ راه و دروغ می گویند بر الله و حال آنکه ایشان اینرا می دانند)

در حالیکه هرگز و هرگز بـرای خـدمت گـذاری به ملت اسـلام راضی نمی شـوند و هرگز آرزوی آبـادی مسـلمانان را ندارند بجز از اسـتعمار و استثمار و به غلامی کشاندن ملت مسلمان:« وَلَنْ تَرْضَى عَنْـكَ الْيهُـودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ... »(البقره/120)

(و هرگز خوشـنود نشـوند از تو یهـودان و نه نصـارانیان تا آنکه پـیروی کنی دین ایشان را)

بلی! این روش جز از فطرت و اهداف و برنامه های یهودان می باشد، که متأسفانه از حماقت امت مسلمه استفاده کـرده کـه بـا یهـودان چـنین معـاملاتی را انجـام میدهنـد و بـالای آنهـا اطمینـان میکننـد. بطـور مثـال عربستان سعودی هفت سال تمام به صورت رایگان برای امریکایـان نفت را صادر نموده است ، و بیشتر از بیست و چند سال اسـت کـه امریکـائی

ها این ورثه ی قوم یاجوج و ماجوج سرمایه مسلمانان را به یغما می برند ، در حالیکه جمعاً 90٪ تمام سرمایه گـذاری هـا در امریکـا از سـرمایه ای اعراب و مسلمانان میباشد، و همه ی این بـرای تقـویت نظـام امریکـا بـه انجام رسـیده اسـت . و نتیجـه این همـه خـدمات مسـلمانان بـه خصـوص کشور عربستان سعودی برای امریکایان این شـد کـه بعـد از 11 سـپتامبر دسایس بر خلاف کشور سعودی را به اوج آن رساندن ، و تمام تقصـیرات آن حمله بر دوش عربسـتان سـعودی گذاشـته شـد ، و در امریکـا مقدمـه برای متهم ساختن عربسـتان سـعودی آمـاده شـد، تـا در نتیجـه عربسـتان سعودی به بیشتر از 3 تریلیون دالر ملـزم بـه پـرداخت خسـاره از طـرف امریکا شـناخته شـد ، یعـنی از آن مـدتی کـه اعـراب و دولت سـعودی در امریکا سرمایه گذاری کرده بودند ، و دولت امریکا قرضدار سعودی بـود ، در محکمه قضیه را طوری طرح کردند که فیصله شد امریکا برای جــبران خسارات خود تمام سرمایه ی دولت سعودی را که در بانکهای خود ذخیره داشت ضبط و مصادره کند و به این شکل کشور سـعودی را در قضـیه ی 11 سپتامبر شامل ساختند .

و نا گفته نباید گذاشت که CIA از واقعه 11 سپتامبر به خوبی آگاه بود و خود آنها آنرا طرح و برنامه ریزی نموده بودند ولی چون فایده ی وقــوع آن نسبت بـه نقص آن بـرای دولت امریکـا بیشـتر بـود . روی این دلیـل از کشته شدن بیشتر از سه هزار امریکائی دریـغ نکردنـد. چـرا کـه در مـدت 20-30 سال امریکایـان از کشـور سـعودی نفت اسـتخراج کـرده بـود کـه ارزش آن بالغ به ملیارد ها دالر میشد و همه سرمایه ها در بانکهای یهودی به امانت گذاشته شده بود، و یهودیان قرار نبود تا یـک دالـر را دوبـاره بـه جـانب عربسـتان سـعودی بپردازنـد. یعـنی مالـک تمـام سـرمایه ی امت مسلمان شده بودند. این سر گذشت بـه بی عقلی امت مسـلمه شـهادت میدهد که بخاطر گرفتن سود سرمایه هـای خـویش را در اختیـار یهودیـان گذاشته و امید دارند تا روزی برسد که یهودیان پولهای شـان را بـا امـانت کامل مسترد کند .

علت دومی کــه CIA حادثــه ی 11 ســپتمر را بــه بســیار بــیرحمی و قساوت به انجام رساند این بود تا به قلب آسیا یعنی کشـور مجاهـد پـرور افغانستان حمله کنند و به این بهانه امارت اسلامی را به رهبری ملا محمد عمر مجاهد(رح) متواری سـاختند . و بـه این وسـیله در منطقـه موقعیـتی خوبی برای محـار نمـودن دشـمنان دیرینـه ی شـانماننـد ایـران، عـراق ، چین ، پاکستان ، روسیه داشته باشند.

نقطه عطف در اینجاست که با وجود این سرگذشت کشور هـای دیگـر مسلمان مرتکب حماقت شده و دارای هـای خـود را در امریکـا در اختیـار بانکهای یهودی گذاشتند. در حالیکه بـا انـدک بهانـه جـویی همـان طوریکـه سرمایه ی کشور عربستان سـعودی را مصـادره کردنـد بـه همـان شـیوه میتوانند سرمایه های سایر کشور ها را به کام خود فرو برند، و این کار را با یک کشور نه بلکه با ده ها کشور انجام داده اند، که در حـال حاضـر این حماقت شامل حال کشور های مانند افغانسـتان و پاکسـتان شـده، بطـور مثال چندی قبل حکومت داران پاکسـتانی اعلان کردنـد کـه بـه مقـدار 14 ملیارد دالر در بانک های امریکائی ذخیر دارنـد و دولت افغانسـتان نـیز بـه دنبال آن اعلان کـرد کـه 5.9 ملیـارد دالـر در بانـک مرکـزی ذخـیره پـولی موجود است ، و در حدود 300 میلیون دالر پس انداز در صندق بین پــول در سال 1990 م داشـتند کـه این پـول واقعـاً وجـود نـدارد بلکـه سـند آن موجود است و پول به منظور سرمایه گذاری در بانـک هـای امریکـائی بـه دوران افتاده است.

مثال دیگر را از آن زمان داده می توانیم که در ایـران انقلاب اسـلامی بر پا شد سرمایه ی آن کشور که به ارزش ملیارد ها دالر از دوران شاهی ایران در بانکهای امریکائی امانت بود ، همه را به نفع خود مصادره کردند. و بـدون شـک همـان روشـی اسـت کـه در قبـال هـر کشـوری در پیش میگیرند ، هر ملکی که در مقابل آنها ایستاده شده و از غیرت و مقــاومت در برابر آنها یاد کند ، پس اولین کـاری کـه بـه حـق آنهـا روا میدارنـد، این است که تمام حسابات آن کشور که در بانکهای امریکـائی و صهیونیسـتی موجود باشد مصادره و ضبط میشوند .

بناً ما جداً پشنهاد میکنیم تا کشور های اسلامی در قسمت دارائی های خویش حساس بوده و به عـوض اینکـه در تلاش کمـائی سـود آن باشـند ، باید آنرا به ثروت واقعی (Real Wealth) یعنی ذخایر طلا و نقـره تبـدیل کننـد ، تـا در اختیـار هـر بیت المـال ملت اسـلامی خزایـنی از طلا و نقـره موجود باشد ، امروز در نزد بانک مرکزی ما ذخـایر از طلا و نقـره موجـود است ، ولی این رقم نسبت به پـولی کـه در کشـور در حـال دوران اسـت بسیار کم میباشد ، و بایـد بـه صـورت تقریـبی حـد اقـل نـزد دولت مـا بـه ارزش بیست ملیارد دالر ذخیره طلا موجود باشد تـا اقتصـاد کشـور ثـابت بمانـد . و یقین کنیـد کـه این یـک عمـل مشـکل نیسـت ، بشـرط کـه در مملکت ما خیانت وجود نداشته باشد.

تا به این جا از برنامه های یاد کردیم که در قـدم نخسـت قابـل تطـبیق باشند و اینکه روی کـدام ارزشـها توجـه صـورت گـیرد تـا در آمـد حلال در نصیب یک کشور گردد و آن همه عاید دولت ضایع هم نشود و دیگر به هیچ عنوانی قرضه از طریق (digital currency) گرفته نشـود، و بعـد از آن تمام دارائی دولت و مملکت از کشور به بیرون همچنان صادر نگردد ، کـه در بدل آن برای ما پول دالر ناچیزی داده می شود و آن پول هم دوباره به بانکهای خودشان در امریکا و یا مراکز دیگر صهیونیستی به امانت گذاشته می شود و هر زمانیکه خواسته باشند پول ها و دارائی های ما را به بهانــه های مختلف مصادره می کنند . یعنی چنان یک نظام ناپاک و پلیـدی اسـت که تمام ملت ها و کشور ها را طوری غلام خـویش می سـازند کـه گـوئی آنهـا از خـود هیچ چـیزی ندارنـد و مـردم آن دیـار همیشـه خـود را فقـیر و درمانده احساس میکنند، چرا که آنها تمام دارائی خـویش را نـه اسـتعمال می کنند و نه اجازه استعمال و موقع اسـتفاده از آن بـرای شـان داده می شود، و طبـق برنامـه ریـزی(Stretchable reform package) کـه تحت نظـر (IMF , World Bank) صـورت میگـیرد ، در مقامـات مهم اداری آن کشور افرادی گماشته میشوند که وابسته به آن نهـاد هـا باشـند مانند صدراعظم، وزیر مالیه ، رئیس بانـک مرکـزی ، و یـا رئیس گمرکـات کشــور ، بــه این تــرتیب هیچ راه بــرای پیشــرفت و تــرقی آن ملت نمی گذارند، تا حدی که با فرا رسیدن ایام خوشی و رخصتی بالای مردم قیمت کالا ها و مواد مصرفی مانند غذا، نفت، گـاز و... را بلنـد میبرنـد، و زمـانی که خوشحالی عایـد مـردم می گـردد ، تکس هـای گونـاگونی بـالای مـردم وضع میگردد ، و برنامه ی دیگر آنها طوری اسـت کـه هرگـاه بـه کشـوری قرضهء ی اعطاء کنند. هرگز برای آنها اجازه نمی دهند تا مردم آن کشـور زمینه ی دوباره اداء قرضـه هـای خـود را پیـدا کننـد، آنهـا یک کشـور را در حالتی نگهمیدارند که همیشه بر بالای شان حاکم باشند و آنها را اجازه ای دوباره به پا ایستاده شدن را هم نمیدهند.

بناً در شرایط فعلی آن چه که ضرورت حتمی و مسئولیت بزرگ بـرای کشور و حکومت ما می باشد، باید هر چی زود تر تمـام دالـر هـای کـه در بانکهای مختلف کفار ذخیره دارند، را بیرون سـاخته و آنـرا بـه پـول بـدیل دالر تبدیل نمایند ، و به تعقیب آن پولهای خویش را بــه بانکهـای سـعودی، مالیزی ، امارات متحده ، چین ،جاپان به امانت گذارند.

چرا که کشـور هـای نـامبرده پـول هـای مـا را بـه بهانـه هـای مختلـف مصادره نمی کننـد لـذا در گـام نخسـت معملات خـود را از رونـد تبـادلات

دالری بیرون سازیم . در قدم بعدی ذخـایر طلا خـویش را هـر چـه بیشـتر افزایش بخشیم .

قدم بعدی مـا این باشـد کـه بـهماننـد کشـور هـای روسـیه ، ایـران و ونزیویلا دالر را ترک گفته و برای پیش برد تجارت خارجی خـود ایـرو و یـا بدیل دالر را انتخاب نماییم و این رهکار ها بزرگترین اقدامات بـرای ایجـاد تصادم در میان این دو نظام کفـری خواهـد بـود . اتخـاذ این روش بخـاطر ضرور است که همه امور اقتصاد ، سیاست ، قدرت و ... بشکل باطل آن تحت اداره یهودیان شیطان صفت قرار گرفته است، و دشمنی یهودیان با مسـلمانان در نصـوص قـرآن و گذشـته ی تـاریخی صـدر اسـلام بـرای مسلمانان ثابت شده که آنها هیچ گاه دوسـت مـا نمی شـوند. و هرگـز در اطاعت از ایشان ما به پیروزی و پیشرفت نخـواهیم رسـید قسـیمکه اللـه تبـارک و تعـالی می فرمایـد: یا أَیهَا الَّذِینَ آَمَنُـوا إِنْ تُطِیعُـوا الَّذِینَ کَفَـرُوا یرُدُّوکُمْ عَلَى أَعْقَابِکُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِینَ»(آل عمران/149)

(ای کسانیکه ایمان آورده اید اگر اطاعت از کفار را پیشه کنید ایشــان شــما را مرتد گردانیــده از دین روگــردان می ســازند و شــما به مانند قبل(دوران جاهلیت) از زیان کننده گان خواهید بود)

بـا گـرفتن پنـد از آیت ذکـر شـده داشـتن حسـاب پـولی در بانکهـای امریکایی برای کشور و مـردم مـا بسـیار خطرنـاک انـد ، بخـاطر کـه قبلاً گفتیم که این بانک ها مربـوط یهودیـان صهیونیسـت انـد و از طـرف هم (Roth's chil - Freemason) اداره کننده گـان آنهـا میباشـد کـه گفتـه میتوانیم بانک انگلنـد و فـدرال بانـک امریکـا مربـوط آنهـا میباشـد و تمـام پولهای کشور های اسلامی و غیر اسلامی در همین بانکها ذخـیره انـد. این در حالیسـت کـه بایـد از گذشـته ی عربسـتان سـعودی ، و ایـران عـبرت بگیریم ، چرا که هر وقتی خواسـته باشـند ماننـد سرنوشـت آن کشـور هـا برای ما طوطئه می چینند و تمام سرمایه ی های ما را مصادره میکنند .

روی این همه دلایل ما باید در بین ایرو و دالر تصادماتی را ایجاد کـنیم، چون یکی آن مربوط به کشور های اروپائی میشـود و دیگـری هم مربـوط کشور امریکا ولی با وجود کـه در سـطح رهـبری هـر دو آنهـا صـهیونی هـا قرار دارند ، ولی به هر صورتی هـر کـدام دنبـال منـافع کشـور خـود انـد ، چنانچه که الله جل جلاله در قرآن میفرماید: «بَأْسُهُمْ بَینَهُمْ شَدِیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِیعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا یعْقِلُونَ»(الحشر/14)

(جنگ ایشان در میان خویش سخت است « نسبت به آنچه تظاهر می کنند» می پنداری ایشان را همه یکجا مجتمـع شـده «درحالیکـه در» قلب

های ایشان مرض نفاق و پراگندگی است و این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که « هر یک از ایشان در صدد جلب منافع شخصی خویش اند» و در نمی یابند «حقیقت هستی را»)

چنانچه که جنگ جهانی اول و دوم گواه خوبی آیت متبرکه است. جنگ ها و نفاق ذات البینی در میان شان به نفع جهان اسلام تمام می شود ، مثلاً در بین شرکت های هوایی Boeing و Airbusرقابتهای شدیدی وجود دارد که هر کدام در صدد پیدا کردن بازار خوبتری برای خود میباشند به همین ترتیب ما میتوانیم از این روزنه ها نفوذ کرده و آنها را در رقابت های اقتصادی سر دچار سازیم. و همچنان از بدیل اقتصادی کشور چین و یا از بلوک اقتصادی روسیه و یا بلوک ECU ونزویلا ، برازیل و... استفاده کنیم یعنی از آن تعداد از کشور های که در مقابل امریکا ، این فرعون قرن بیستم آماده گی مقابله را دارند ، و آنها دنبال روشی اند تا در مقابل دالر چطور ایستاده گی کنند. ولی آن راه حل که نزد مسلمانان برای بیرون رفت ازین معضل وجود دارد به نظر آنها نمی آید یعنی ما باید روشهای خود را با آنها شریک سازیم تا به سوی اقتصاد مبنی بر ارزش واقعی (Real Wealth Base Economic) همه و همه در حرکت شویم و برای صادرات و واردات خویش پول ذخیره کنیم، و خارج از پول دالر دارای حسابات بانکی باشیم ، که میشود شامل «Yen» جاپان مقداری از ایرو، ریال سعودی ، دینار کویت و... باشد، و در امور تجارت خویش از همه ی اینها استفاده کنیم. ولی در کوتاه مدت صحبت ما روی وضیعت، موقعیت و انتقال نظام از یک حالت به حالت بهتری است ، و آنچه که باقی میماند مربوط به برنامه های دراز مدت میباشد .

چنانچه که داکتر ماهاتیر محمد در کشور مالیزیا وضعیت اقتصادی را از قهقرا به آسمان بلند ساخت. و همچنان Ron Paul کاندید ریاست جمهوری امریکا روزانه تمام مفاسد اقتصادی دنیا که از آدرس یهودیان صادر میشود را فاش می سازد ، وی تاکید دارد که باید معاملات با طلا و نقره صورت گیرد. و به طور خاص از این ابراز نظر وی مسلمانان پشتیبانی کنند چرا که ما معتقدیم تا بطرف سکه های طلا و نقره بازگشت نکنیم رهای ما از چنگال نظام های کفری نا ممکن است ، و ما وظیفه ی خود میدانیم تا این اهداف خود را تقویت بخشیم و از جمله وظایف خطیر دولت است که در قدم نخست مردم را به سوی تجارت سکه های طلا و نقره متوجه سازند . چنانچه که الله تبارک و تعالی

میفرماید:« ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يكُ مُغَيرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَـوْمٍ حَتَّى يغَـيرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»(الانفال /54)

(این بسـبب آنست که الله هرگز تغـیر هیچ نعمـتی که بر قـومی انعـام کــرده باشد را نــدارد تا آنکه ایشــان در خــویش تغــیر نیاورند « یعــنی تا زمانیکه از احکام قرآن پیروی نکنند»)

«إِنَّ اللَّهَ لَا يغَيرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يغَيرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»(الرعد/10)

(الله حالت هیچ یک ملـتی را تغـیر نمی دهد تا اینکه ایشــان در نفس و «عمل کرد های خویش» تغیری نیاورند.)

باید گفت طرح را که داکتر ماهاتیر محمد پیشنهاد نموده طوریست که یک مملکت مسـلمان در (OIC) یـا بلـوک اقتصـادی مملکت خـویش ، هـر تجارتی را که میخواهد انجام دهـد البتـه بـه عـوض دالـر و ایـرو در جریـان معــاملات از طلا اســتفاده کننــد، یعــنی اســاس تجــارت خــود را (Basing Real Wealth) تعیین کنند .

داکتر ماهاتیر محمد مثالی را در این زمینه ارایـه نمـود: هرگـاه کشـور مالزی با کشور پاکستان وارد معاملات تجارتی میشود، مقدار امتعه ی که از پاکستان وارد میشـود، و یـا مقـداری امتعـه ی کـه بـه پاکسـتان صـادر میگردد، فرضاً به ارزش بیسـت میلیـون ایـرو در بین این دو کشـور تبـاده جنس صورت میگیرد بهتر این است که همه ی آن بر اساس طلا محاسـبه شده و بعداً انتقال گردند . به همین ارتباط سهولت دیگری را کـه پیشـنهاد کرد این بود چون به ارزش بیست میلیون ایرو، طلا بدون شک کـه انتقـال آن بین دوصرف معامله مشکل میباشـد، و از طـرف هم چـون تجـارت دو طرفه صورت گرفته بناً فقط و فقط با اسناد بیلانسـی معـاملات سـنجیده شوند و حتماً مقدار طلائی که پشتوانه خود سند است موجود باشد.

و همچنان برای انجام معاملات کـه در آن حسـابی از طلا را بـاز کـرده بتوانیم یا مرکزی بـرای تبـادلات طلا داشـته باشـیم یعـنی مرکـزی (Gold Exchange Center) که در اسـلام بـرای چـنین مرکـزی اصـطلاح بیت المـال بکـار می رود و این رونـد نبایـد محـدود بمانـد بلکـه چنـدین کشـور مسلمان که تا اندازه ی از ناحیه ذخایر تیل و یا سایر معادن غـنی انـد ، بـا یکدیگر یکجا تجارت کنند کـه ماشـاءالله امـروز در نـزد مسـلمانان دارائی کافی برای پیشبرد این برنامه موجود اسـت ، و مقصـد مـا از تجـارت بین المللی صرفاً محدود به دو یـا سـه کشـور اسـلامی نیسـت. و میتـوانیم بـا کشور های غیر اسلامی نیز این نوع معاملات را گسترش بخشیم . و دیگر

اینکه اکثر کشور های اسلامی خریدار و وارد کننده اند، از این ناحیه نیز در بین شان این نوع معملات مفید واقع میشود.

در پهلوی آن معاملات با کشور های صادر کننده غیر مسلمان طوری برنامه ریزی شود که برای شان گفته شود بشرطی کالا های شما را خریداری می کنیم که معاملات میان ما و شما به اساس دالر نه بلکه با استندرد طلا صورت گیرد ، و بر عکس آن هرگاه کشور مسلمانی امتعه ی را صادر کند باید به جانب مقابل بگوید در صورت صادرات خود را ادامه میدهیم که قیمت آنرا از جنس طلا برای ما بپردازید ، و اگر کشور های اسلامی در این راستا جداً کوشش کنند و بلوک را برای تحقق اهداف خویش بسازند بدون شک در کمترین وقت جای دالر را طلا خواهد گرفت .

بزرگترین اصلحه مسلمانان

بناً مسلمانان برای رسیدن به این اهداف خود از بزرگترین سلاح یعنی نفت و گاز استفاده کنند، زیرا شاه رگ انرژی (نفت و گاز) جهان در نزد مسلمانان است ، که در قدم نخست می توانند تجارت نفت را شرطی برای تبادله ی طلا بگذارند ، و در گام های بعدی از این اسلحه بزرگ خویش استفاده کرده و تحریم بزرگی را بر علیه اروپا و امریکا صادر کنند و کمر اروپا و امریکا را به منظور عدم پیش برد سیاست های امپریالیستی بشکنند .

امروز کشور های اسلامی مانند اندونزیا ، ترکیه، پاکستان ، ایران ، مصر و ... الحمدلله دارای اردوی منظمی حتی اکثراً با نیرو هستوی مجهز اند بناً آن زمان گذشت که در نزد کفار زانو بزنیم و گردن غلامی را فرود آوریم، بلکه لازم است تا سازمانهای بزرگ اقتصادی، بلوکهای اقتصادی و سازمانهای سیاسی داشته باشیم و برای تجارت خارجی و داخلی خویش با هم تفاهم کنیم ، واحد پولی را از جنس سکه های طلا تحت نام دینار و درهم ضرب بزنیم ، و از آن به صفت معیار پولی در معاملات و تجارت خویش استفاده کنیم و این کار مشکلی نیست در قدم نخست کشور های اسلامی با پول کاغذی در بین خود تجارت را ادامه بدهند ، ولی در تجارت بین المللی معیار تجارت خویش را طلا قرار دهند.

چون تا به اکنون مسلمانان در طول تاریخ از این روشها استفاده نکرده اند، بناً یک تعدادی جنبه عملی شدن آنرا نا ممکن فکر میکنند، در حالیکه ماشاءالله در نزد مسلمانان تمام وسائل برای تطبیق این اهداف

موجود است ، چنانچه که عربستان سعودی ، ایران ، عراق ، و سایر کشور های اسلامی ، دارای نفت و طلا فروانی بوده و کشور خویش را به عنوان مرکز معادن جهان گفته می توانیم ، و همچنان سایر کشور های منطقه غنی از ذخایر طلا ، نقره ، یورانیم ، مس و... اند و دیگر اینکه غله جات کافی در اختیار داریم ، و اگر برنامه ها و پروژه های بزرگی را روی دست گیریم انشاءالله توانائی این را پیدا میکنیم تا مناطق مختلفی را تحت پوشش کمک های خود قرار بدهیم و ضروریات شان را مرفوع سازیم ، مشکل فقط در این جاست که یا رئیس جمهور یا وزیر مالیه ما ، و یا سایر ارگان های مهم در این زمینه تصمیم گیری های ، اساسی و سر نوشت سازی برای بهبود اوضاع کشور اتخاذ کنند، چرا که همه غلام و دست نشانده صهیونیزم به رهبری امپریالیزم امریکا اند.

باید گفت در سیاست معروف است که گفته میشود ، برای مدیریت درست مهم برنامه خوب است . و مهتر از آن تطبیق برنامه ها میباشد در حالیکه اشخاص غیر متبحر هم می توانند که این برنامه ها را قابل تطبیق سازند ولی امکان ندارد حتی برنامه های سازنده که توسط اشخاص متهد و متخصص طرح شده هم باشند توسط افراد خائین و جاسوس پیاده گردند.

بیقین که امروز گفتن و تحقیق در مورد چنین مسائل در سطح ملی و بین المللی جرم پنداشته می شود. در حالیکه شکستاندن نظامهای الحادی کار ساده ی میباشد، و در مقابل آن قیام کردن کاری است که هر مسلمان عاقل و دانشمندی انجام داده می تواند ، و باید انجام هم شوند ، و مجبور ایم که اگر شهامت اسلامی در وجود ما موجود است آنرا انجام دهیم ، چرا که دیگر هیچ انتخابی نداریم . شما فکر کنید اگر بلوک اقتصادی کشور های مسلمان ساخته شود ، و تعهد نمایند که تجارت خارجی خویش را یا به اساس طلا و یا مال در مقابل مال انجام می دهند ، مثلاً اگر کشور سعودی برای ما تیل و نفت صادر کند ما در مقابل گندم و محصولات زراعتی و میوه جات صادر میکنیم ، و اگر ایران برای ترکمنستان وسایل صنعتی صادرات دارد، در بدل ترکمنستان منابع معدنی خود را در اختیار ایران قرار بدهد، به همین ترتیب کشور های اسلامی میتوانند نیازمندی های یکدیگر را مرفوع سازند، بناً در تطبیق این برنامه ها هرگز قرض گرفتن و قرضه دادن معنای ندارد ، و سود گرفتن هم ناممکن است ، و حال در زمانی قرار داریم که از روند تجارت دالری (Dollar Economic Base) کاملاً خود را بیرون سازیم .

بعد از آن منفعت های که در اثر این تجارت به خزانه دولت های اسلامی سرازیر میشوند باید سایر نیازمندی های داخلی توسط آنها مرفوع گردند. و با تطبیق آن در داخل ادارات دولتی فسادی که موجود است دور شود، و شما یقین کنید که اگر امروز سالانه دولت یک میلیون عاید هم داشته باشد نه صد هزار آن در نتیجه ای فساد موجود به خزانه ی دولت نمی رسد ، مثلاً زندگی طبقه ی نظامیان کشور را تحت نظر بگیرید ! شاید معاش شان از 20-30 هزار افغانی تجاوز نکند ، ولی خود در بلند ترین مودل مرسدس و BMW , که قیمت هر کدام آن 80 هزار دالر الی 100 هزار دالر می باشد گشت و گذار می کنند ، تمام مردم میدانند که این موتر ها از پولی حرام خریداری شده اند ، و هر نفر از مقامات دولتی در بیرون از کشور به ملیارد ها ملیارد سرمایه پس انداز دارند . و همه ی این سرمایه ها از راه قاچاق مواد مخدر و یا استفاده از کرسی های دولتی و یا در نتیجه ی دزدی عواید دولتی در نصیب شان شده است.

آیا در نزد مسئولین این سئوال پیدا نمی شود که معاش ماه وار فلاً شخص 50 هزار است پس این همه پول را از کجا بدست آورده ؟

در حالیکه هر کدام بهتر از ما از موضوعات با خبر اند ، ولی برای جلوگیری آن هیچ کاری نمی کنند ، چون خود نیز در این خیانت بزرگ در قبال دین ، ملت و کشور شان شریک اند ، و این را نیز بدانید که هر کسی که تحت نام الله ، وطن و ملت به وظایف گماشته می شود، ولو قاضی باشند یا سارنوال و یا وزیر و... همه آنها در خیانت بزرگ دخیل هستند ، دلیلی را که برای عدم گرفتاری و استجواب از سایر خائنین ارایه میدارند این است که برای جلوگیری این خیانت ها در نزد ما وسایل و شواهد کافی موجود نیست، در حالیکه دورغ می گویند ، چرا که به مرحمت الله همه امکانات را امروز در اختیار داریم . و یکبار دیگر اکیداً ابراز می کنیم که جلو این خیانت ها ضروراً گرفته شود چرا که ضرر آن برای کشور و مردم فقیر میرسد که در طول قرنها جبران ناپذیر خواهد بود ، و جزای که برای این نوع جرایم در نظر گرفته شود نباید از اشد مجزات کم باشد ، چرا که حکم قطع الید در ربع دینار همچنان جاری شده می تواند ، در حالیکه در این نوع جرایم فساد در سراسر کشور برپا می شود و قوم ها بطرف جنگ ها خونین کشانده میشوند ، دشمن بالای ما حاکم می گردد ، و بلاخره دین ، فرهنگ ، ثقافت ، غیرت همه و همه از دست ما می رود.

در عصر کنونی از کشور چین تجربـه حاصـل کـنیم ، زمانیکـه چینایـان تصمیم گرفتند تا ملک خویش را آباد سازند مصمم شدند تا دیگر نبایــد در مقابل خائینین کشور تسلیم شوند .

قسمیکه اگر انجنیری قرار داد اعمـار یـا تـرمیم سـرکی را بـه امضـاء میرساند و سرک خراب و بی کیفیتی می بود روی همـان سـرک خوابانـده شده و بلدوزر را از بالایش میگذراندند، که در همان سرک دفن شود. و با اعمال این برنامه هرگز در ساختن سرک دیگر خیانتی تکرار نمی شد ، بـه همین ترتیب در سایر کار های بنیـادی و حیـاتی بـرای ملت خـویش از این روش استفاده میکردند ، تا آنکـه بـه تـدریج خیـانت بـا ملت از دل و دمـاغ خاینین بیرون شد و با تطبیق این برنامه ها شـما یقین داشـته باشـید، اگـر در قدم نخست ٪50 فساد از ادارات مهم دولتی از بین برده شـود ، تـا دو سال آینده به رحمت الله کاملاً آماده رایج ساختن سکه های طلا در کشور خواهیم بود .

بعد از آن قدم مهم دیگری این خواهد بود کـه دولت گـرفتن قرضـه را متوقف سازد. باید گفت برای این قرضه می گیرند تـا وا نمـود سـازند کـه در داخل کشور منابع کـافی تولیـد ثـروت موجـود نیسـت و بـا بیـان دیگـر میخواهنـد بگوینـد کـه مـا پـول کـافی در اختیـار نـداریم، ضـمامدارانی کـه علاقمندی به گرفتن قرضه دارنـد آنهـا در میـان خـود ٪90 آنـرا بـه شـکل حرام تقسیم میکنند ، و امکانات کـه در داخـل کشـور بـرای شـان موجـود است از 10-15 فیصد دیگر آن کار میگیرند و طوری وانمود میسـازند کـه کشور و دولت تا دو سال آینده خود کفاء خواهد شـد، یعـنی عوایـد کشـور فقط کفایت مصارف عادی شان را می کنـد و بس ، در حـالیکه گمرکـات ما عواید خوبی دارند و هر روز افزون تر می شـود ، شـرکت هـای هـوائی رشد میکنند، محصولات زراعتی ما الحمدلله بیشتر شـده اسـت، و تعرفـه ها همه به دولت بر میگردند ، که این فقط به کار گـیری 10-15 فیصـد از امکانات دولتی است که سـالانه بیشـتر از چنـدین ملیـارد دالـر عایـد ازین طریق نصـیب دولت می شـود و حـال خـود فکـر کنیـد اگـر از صـد فیصـد امکانات این کشور کار گرفته شود و استفاده درست از آن صـورت گـیرد چی ترقی ، پیشرفت و سهولتهای در زندگی مردم رونما خواهد گردید ؟

شاید جوی های شیر در کشور روان شود و انبار های از گنــدم رایگــان به خدمت مردم قرار بگیرد .

در شرایط فعلی ملتهـای مسـلمان بـه کمبـود امکانـات معیشـتی مبتلا نیستند، بلکه ما کمبود انسانهای مؤمن و متهد به منافع ملی را داریم ، بــه

معنی واضح تر ما کمبود انسان داریم چرا کسانی که پا در اریکه ی قدرت دارند بطرف انسانیت نه بلکه بطرف حیوانیت روان اند و کاملاً مادی گرائی را انتخاب کرده اند، قسمیکه الله رب العزة می فرماید:
وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْينٌ لَا يبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ »(الاعراف/179)

(و هر آئینه بیافریدیم دوزخ را برای جماعت بزرگ از جنیات و انسانها برای اینکه برای ایشان دلهای است «که ترس الله در آن جا ندارد و آیات رهنمون به نظام جهانرا » بدان نمی فهمند ، و چشمهائی دارند که بدانها « بدبختی و غلامیت ملت خویش را و کشته شدن هزاران هزار برادر مسلمان بی گناه خویش را توسط رژیم اشغالگر صهیونستی و امپریالیستی امریکا و واقعیت و حقیقت حاکمیت الله را بر زمین » نمی بینند ، و گوشهای دارند که بدانها « مواعظ و اندرز های زندگی ساز ناجی بشریت محمد صلی الله علیه وسلم را » نمی شنوند ، اینان همچون چهار پایانند و بلکه پست فطرت تر از حیوات که یقینا « از صلاح دنیا و آخرت خود» بی خبرند)

هرگاه صرفاً ما امکانات خود را تحت اداری خود قرار دهیم ، و بالای مصارف خود احتیاط لازمی را بخرچ دهیم ، و از جمله 65 میلیون هکتار زمینی که الله تعالی برای ما هموار ساخته فقط 8 میلیون هکتار آنرا قابل زرع سازیم که به یقین که برای کشور و ملت ما از حد زیاد می باشد و همچنان از باقی مانده آن می توانیم برای تولیدات صنایع شهرک های ساخته و استفاده ی دقیقی به عمل اریم . و همچنان خزائن بیشمار زمین خویش را استخراج کنیم ، در این صورت هرگز به گرفتن قرضه ضرورتی پیدا نمی کنیم ، چرا که به سبب حماقت های دولت فعلی ملت ما بیشتر از 14 ملیارد دالر قرضدار شده است و اکثر آن را حیف و میل کرده اند، باز هم اکیداً عرض میداریم دولت مردان باید گامهای بزرگی را بردارند و تمام معاملات ملی و بین المللی خود را با دولتهای اسلامی به اساس تعهد و مشراکت به پیش گیرند ، فرضاً برای یک دولت اسلامی پیشنهاد شود که فلان نهر یا بند آب را برای ما اعمار کن ، در آنصورت ما با شما قرار داد استحصال نفت خام یا استخراج مس معادن کشور را به امضاء میرسانیم. و دلیل که ما میخواهیم با ممالک اسلامی روابط اقتصادی-سیاسی خویش را گسترش بخشیم اینست که روز به روز چهره سفاک امریکا و متحدان آن برای مردم مسلمان ما اشکار تر گردد و دشمنی

شان افزون تر میگردد ، در حال حاضر تمامی ممالک عـربی بـه خصـوص عربستان سعودی سرمایه های شان را از امریکا و اروپا خارج میسـازند ، و برای سـرمایه گـذاری در صـدد پیـدا کـردن نقـاط دیگـری از جهـان انـد. کشـور هندوسـتان از این موقـع بزرگـترین اسـتفاده را نمـوده و کمپـاین وسیعی را در جهت جلب توجـه سـرمایه داران عـرب بـراه انداختـه انـد و برنامه های انکشافی بزرگی را روی دست گرفتـه دارنـد تـا توجـه اعـراب سرمایه دار را به سوی هندوستان جلب نمایند ، و میخواهند وانمود سازند که میتوانید از تمام ظرفیت ها و فرصت های تجاری که مـا «هندوسـتان» برای شما مهیا سـاخته می تـوانیم اسـتفاده نمایـد، و در نتیجـه ملیـارد هـا ملیار دالر فائده بدست آورید ، و کم از کم 500 ملیارد دالر که اعراب در بانـک هـای صـلیبی و یهـودی گذاشـته بودنـد حـالاً همـه را بـیرون آورده و میخواهند مشترکن با مشرکین سرمایه گذاری کنند ، ولی حکومتداران مـا نشسته و تماشا می بینند . و اصلاً در صدد جلب سرمایه گذاران عرب هم نیستند، و اصلاً سهولت های برای سـرمایه گـذاران خـارجی را ایجـاد نمی کنند ، و دلیل این ادعا ما آن است که بنیاد این قرار داد ها مربوط کشـور سعودی یا سایر کشور های عربی و یـا ترکیـه می شـود در حالیکـه در این چند سال آخیر دیده نشده تا یکی از این کشور ها با کشور مـا قـرار دادی را به امضاء برسانند و یا کدام پـروژه ی انکشـافی را پیش ببرنـد . امـروز بوروکراسی[1] «تصمیم گیری های به میل دولتمداران بدون در نظر داشـت منافع ملی» در کشور ما به اوج خـود رسـیده اسـت ، و امـنیت تمـام این پروژه ها و قرار داد های بزرگ در کشور را مانع شـده اسـت ، در جریـان این نابسامانی ها ، بی امنی و بی برنامگی های دولت مـا سـرمایه و نفت مسلمانان در اختیار کشور هندوستان قرار گرفته و بزرگترین کمپنی هـای تولیدی و تصفیه نفت هندی زمینه ی صادرات آنرا به کشور های اروپـای و سایر کشور ها مساعد ساخته اند ، و بـرای مـا پیشـنهاد میکننـد کـه بیایـد فلان و فلان مواد صنعتی را از ما خریداری کنید ، در حالیکه همان چیز هـا از برکت اعراب در نصیب شان شده اسـت، در حالیکـه ممکن بـود تـا این سرمایه گذاری ها را ما جذب میکـردیم . بـرای دولت فعلی می گـویم کـه برنامه های خود را طوری مرتب سازند که قـرار داد هـا مختلـف اولـتر از همه نفت را از اعـراب بـه دسـت آورنـد ، کـه بعـداً میتـوانیم آنـرا تصـفیه ساخته و به کشور های دیگری صادر سازیم ، و هرگز این موقـع را نـدهیم که اعراب به سوی هند و یا چین برای صادرات نفت خود بروند .

[1] a system of government in which most decisions are taken by state officials rather than by elected representatives./برگرفته از دیکشنری اوکسفورد

امروز نفت سعودی ، ترکمنستان ، کـویت ، عـراق ... کـاملاً ضـایع می گـردد و هیچ منفعـتی را بـرای ملت مسـلمان بـه تناسـب آنکـه بـه سـود صهیونست هـا و امریکـائی هـا سـفاک تمـام می شـود نـدارد ، و از همین جهت است که مسلمان و ممالک اسلامی غـریب تـرین ممالـک جهـان بـه شمار می آیند ، نه تعلیم علوم جدید را کسـب کـرده ایم ، نـه دانشـگاه ی معیاری به سطح جهانی داریم ، نه صنعت پیشرفته ی ، نه تحقیقات علمی ، و نه اقتصاد نسبی که حد اقل خود کفا بوده بتوانیم ، در حالیکه این همه سهولت ها و پیشرفت های که نصیب غرب گردیـده ناشـی از اسـتفاده از پول و نفت کشور های اسلامی به خصـوص عربسـتان سـعودی ، عـراق و کویت می باشد ، و الله تبارک و تعالی ذخایر و نعمات بیشماری را همـراه با پلان برنامـه ریـزی شـده آن (strategy planning) بـرای مسـلمانان اعطاء کرد ولی متاسفانه که مسلمانان کوشـش فهمیـدن اسـتفاده ی از آن را نکرده اند ، و مسئول اصلی آن خود اعراب و سـایر دول بـه خـواب رفته ی مسلمان اند، چرا که از امکانـات بی شـماری کـه در اختیـار شـان قرار داشته استفاده نکرده اند.

دولت باید سیاست های خارجی خویش را طوری آمـاده سـازد کـه بـه عوض قرضه گرفتن از (IMF , World Bank ,ADB) و بانکهای صلیبی ، صهیونیسـتی، قرضـه بـه وسـیله ی اسـناد و رونـد دیجیتلی از وسـائل و امکانات کشور های اسلامی به قسم شراکت را استفاده کنند، و به ایجـاد پروژه ها در داخل مملکت همت گمارند، بخاطر کـه کشـور هـای اسـلامی برای مـا امکانـات خـوبی را مسـاعد سـاخته میتواننـد، تـاجران و سـرمایه گذاران حاضر اند تا در این خصوص سرمایگذاری کنند ، دولت باید از همه سرمایه گذاران عرب دعوت به عمل آورد و بیشتر از این مشـکل تراشـی نکند ، و با آغاز این معاملات شما شـاهد یـک انقلاب بـزرگی در عرصـه ی اقتصاد داخلی و خارجی و سیاست گذاری های اقتصادی در خارج کشور و اهمیت کشور ما در عرصه سیاست ها اقتصـاد جهـان ، و همچنـان انقلاب بزرگ و غیر قابل باور در عرصه زندگی هر شـهروند (انقلاب اجتمـاعی و سیاسی) بهبود در وضع امنیـتی ، تعلیمی و صـحی خواهـد بـود. و اگـر بـه ساختن یک مرکز مستقل اقتصاد اسلامی کامیابی حاصل کنیم ، انشـاءالله که حتماً روابط کشور های اسلامی با غربیـان از بین میرونـد و مسـلمانان آزادی اقتصادی و سیاسی خود را بدست میاورند.

در حال حاضر توجه بیشتر ما بایـد بطـرف سـاختن یـک مرکـز اقتصـاد اسلامی و ایجاد روابـط بـا آنعـده از کشـور هـای باشـد کـه خلاف روش و

نظام اقتصاد امریکا عمل میکنند ، مانند چین ، روسیه ، ویزویلا ، افریقـای جنوبی ، کوریای شمالی ، کوبا ، ایران و... تمام دارائی هـای ملی خـود را پیش از آن که مصادر و ضبط گردند باید از چنگال امریکایان و صهیونی ها بیرون آوریم. و هیچ گاه نگذاریم که یهودیان موقـع پیـدا کننـد تـا حسـابات بانکی ما را در حلقوم خود فرو برند ، چرا کـه جـزء از برنامـه هـای شـان است و حتماً به آن مبادرت می ورزند. آیا دیوانـه شـده ایم کـه رمـه را در اختیار گرگ گذاریم ، این موضوعات را بیشتر از پنجاه بار به وزرای مالیـه گفته ایم که دالر در حال سقوط (crash) است، باید پول هـای خـویش را به پول رایج دیگری تبدیل کنیم ، چرا که قبلاً هم از این ناحیـه کشـور مـا و هم کشور های همسایه ما به میلیون ها میلیون دالر را از دست داده اند ، ولی باز هم پول مسلمانان مظلوم را بـه خـاطر گـرفتن سـود در بانکهـای یهـودی و صـلیبی بـه امـانت می گذارنـد، و زود اسـت کـه از حمـاقت مـا استفاده نموده و به مانند عربستان سعودی و ایران تمـام حسـابات مـا را به بهانه های مختلف مصادره کنند.

و حال خود شما فکـر کنیـد کـه چـه خیـانت هـای بـا این ملـک و مـردم مظلوم صورت گرفته و یا در حال شکل گیری است. و بـدون شـک کـه از این نوع خیانت ها تمام کشـور هـا و ملتهـای اسـلامی در امـان نـه بـوده و نخواهند ماند . و حال مردم را مخاطب قرار داده و هشـدار میـدهیم ، این حکومتها این کار هـا را بکننـد و یـا نکننـد ، مـا انتظـار داریم کـه حکومـتی اسـلامی بوجـود بیآیـد کـه بـرای اسـلام و ملت خـویش خـائین نباشـد ، و حکـومت داران حفیـظ و علیم باشـند ، و مطـابق دسـتور العمـل اللـه و مطابق روش رسول صلی الله علیه وسلم عمل کنند ، از همه اولتر آنچـه که مربوط به بیت المال مسلمان است تحت اداری خود در آورنـد ، و هیچ دلیلی برای شان باقی نخواهد ماند تـا بـرای خـود بهانـه تراشـی کننـد کـه چطور ممکن است تا دولت و سرمایه و دارائی مسلمانان در نزد یهودیـان قرار داشته باشد ، روی این دلایل چند موضوع را باید بخاطر داشت:

1- لازم است تا از این بـه بعـد دارائی مسـلمانان در اختیـار خودشـان قرار داشته باشد.

2- ساختن یک بلوک[1] از کشور های اسلامی و آن عـده از کشـور هـای که بر علیه نظام صهیونستی و امپریالیستی امریکائی و غربی قرار دارنـد

---

[1] **Bloc** **n.** a group of countries or political parties who have formed an alliance.

و همچنان آن عده از کشور های غریبی که نیاز شدید به کمک دارند ایجــاد گردد .

چرا که غربیان برای اموال صـادراتی مـا قیمت درسـت و صـحی را در نظر نمی گیرند . مثلاً در طول صد سـال از سـال 1878م-1978م قیمت یک بیرل نفت را از 3 دالر پائین تر نگهداشتند ، تا مفاد بیشتر از آن ناحیـه بـرای مسـلمانان نرسـد . در صـورت برنامـه ریـزی هـای دقیـق اسـت که هیچگاه ضرورت نخواهیم داشـت تـا از ایشـان قرضـه اخـذ نمـایم ، و هیچ ملک فقیر مسلمانی را در نقشه نخواهیم یافت و تمام مشکلات داخلی ما به شمول همسایه های ما مرفوع میشود.

3- غربیان «مافیای سرمایه» قیمتی ترین اشیا و لوازم کشور هـای ما را به ناچیز ترین قیمت خریداری می کنند، و بیکاره ترین چـیز هـا خـود را به هر قیمت که بخواهند بالای ما به فروش می رسانند .

مثلاً کشور نایجریا را در نظر میگیریم ، آن کشـور از جملـه کشـورهای صادر کننـده ی نفت بشـمار مـیرود ، ولی در عین حـال از جملـه ی فقـیر ترین کشور ها در جهان است ، چـرا کـه فسـاد گسـترده دامن گـیر شـان شده است به حدی که گوئی دولت هیچ در آمـد نـدارد و همـه عایـدات آن کشور ناپدید میشود، در حالیکـه خریـداران نفت قیمت تیـل را بـه نایجریـا میپردازند ، ولی این پول به دولت نایجریا نمی رسد ، و از طرف هم پولی را که به مصرف می رسانند آنرا دوباره به دست نمی آورند .

روی این دلایل است کـه بـرای دولت مـردان خـود عـرض میـداریم تـا همراه با کشور های اسلامی نشسـت هـا و تـدویر کنفـرانس هـای داشـته باشند و جدولی «Chart» را آماده سازند تا بر اسـاس آن تشـخیص شـود که کدام کشور ها در طول 20-50 سال گذشته دارای اقتصاد ثـابتی بـوده اند ، و صادرات مستمری به مغرب و سـایر کشـور هـا داشـته انـد. بنـاً در قدم نخست ارتباط و مشارکت با آن کشـور حتمی پنداشـته می شـود ، و تعهد در میان اعضایی مرکز اقتصاد اسلامی به امضاء برسد که از این بــه بعد به بهای اندک مال خود را به کشور های غربی صادر نمی کنیم .

در ادامه ی این تحلیل به نقطه ی مهم دیگری اشاره میکـنیم ، و زود و یـا دیـر لازم بـه عملی شـدن آنـرا داریم. و آن مطلب مهم این اسـت کـه پرداخت قروض را برای استعمار گران بکلی بند سازیم چرا که آنهـا بـالای ما هیچ نوع قرضی ندارند هر قدری که بوده از ما حصول نمـوده انـد و مـا نیز پرداخته ایم ، آنها تا به امروز فقط بانک نوت ها و چک بانکهـا را بـرای ما قرضه داده اند و از جانب هم ما هیچ پول فـزیکی حصـول نکـرده ایم و

فقط قرضه های دیجیتلی بوده که مقدار آن در اوراق با قلم سیاه شده و بس، مثلاً آمده است که امریکا به فلان دولت چند ملیارد دالر قرض داد و قسمیکه قبلاً گذشت نه پولی به دولت انتقال شد و نه ثروتی به خزانه ی دولت افزده گشت، فقط به نام قرضدار شان هستند ، نا گفته نباید گذاشت آن قدر پول جعلی را که برای ما وعده کرده اند؛ در مقابل صد برابر آنرا از ما حصول نموده و ما هم پرداخت کرده ایم ، و آن قرض که به نام دولت در اذهان مردم تلقین کرده اند. که هرگاه دولت آماده ی پرداخت قرضه های شان شود، آنها از طریق برنامه های قبلاً طرح شده توسط (IMF , World Bank) در کشور بی نظمی های را دامن می زنند ، یا قیمت کالا و مواد مصرفی را بلند می برند و یا ارزش پولی ما را در بازار پائین آورده و یک دالر را به ارزش 20 دالر بلند می برند ، و یا کشور را بطرف مصیبتی جدید تری میکشانند تا دولت مصروف آن شده و قرضه های خود را پرداخت کرده نتوانند. یعنی با تمام قدرت و توان مانع ما می شوند ، تا قرضدار شان باقی مانده و همه ساله سود آنرا از ما حصول کنند ولی اگر این قرضه ها به طلا (Real Wealth) می بود قادر به پرداخت صد چند آن بوده می توانستیم .

دولت بطور شاید و باید از دادن دوباره قرضه به جانب امریکا امتنا ورزد.

و این موضوع در اعلامیه سازمان پرداخته شده توسط خود ایشان به منظور قانونمند ساختن تصامیم وحشیانه خویش یعنی سازمان ملل متحد (اعلامیه حقوق بشر) آمده است که هر کس حق آزادی مذهب ، مسکن ، خانواده ، کشور، عقیده و آزادی بیان را دارا میباشد.

در خطبه حجة الوداع رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (نه بالای کسی ظلم کنید و نه اجازه بدهید تا بالای شما ظلمی صورت گیرد.)

پس لازم است که مطابق به آیات قرآنی و احادیث نبوی مسلمانان باید اعلان نمایند که در دین ما کار سود و سود خوری کاملاً حرام است نه به سود قرض می گیریم و نه به سود برای کسی قرض می دهیم ، و فقط مقدار پولی را که برای ما تا به حال قرض داده اند باقی میماند ، در حالیکه ما قبلاً همه را پرداخت کرده ایم ، اگر قناعت ندارند حاضر شوند تا محکمه بین المللی را با آنها دایر سازیم ، همه امکاناتی را که تا به امروز از نزد ما برده اند، انواع ظلم و دهشت که در آن اقوام و ملت ما را در طول تاریخ درگیر ساخته اند به میلیون انسانرا به قتل، زخمی و معبوس ساخته اند به هزاران هزار فامیل ها را بی سرپرست، زنان را

بیوه و اطفال ما را یتیم ساخته اند ، و به ملیارد ها دالر سرمایه ی این ملت را به تاراج برده اند و... آیا حساب این همه جنایاتی را که در حق مردم مسلمان جهان مرتکب شده اند را داده می توانند ؟

باید گفت که این همه اقدامات از طرف ما زمانی امکان پذیر خواهد بود که ما تجارت داخلی و خارجی خویش را بر اساس ارزش واقعی(Real Wealth) پایه گذاری کرده باشیم و همراه با آن عده ی از دوستان که با ما در مرکز اقتصادی شریک اند یکجا با هم پولهای خود را به بانکهای مصئون تری مانند کشور چین و یا روسیه انتقال داده باشیم. به دنبال این همه امورات زمانی می رسد که به صیهونیستها بگویم: کدام قرض را از ما تقاضا دارید برای ما قرضه ی نداده اید ؟

هر مقداری که در نزد خود یاداشت دارید ، چند برابر آنرا به بهانه های مختلف از مردم مظلوم ما تا به حال حصول نموده و دیگر میان ما و شما هیچ معامله ی باقی نمانده است . و یا سودی که از ما گرفته اید، معادل تمام پولهای می شود که ادعای اخذ آنرا دارید، قیمت کالا های ما را به درستی پرداخت نکرده ، حکومات ما را به چندین مرتبه از هم پاشانیدید ، مردم ما را در مقابل یکدیگر به کشتن وادار ساختید ، و به ارزش ملیارد ها ملیارد دالر سرمایه های ما را به یغما بردید ، ما را از تعلیم دور ساخته ، آزادی و استقلال ما را صلب ساختید و... آیا انجام این همه کار ها بدیلی برای قرضه های شما نیست ؟

اگر انصاف کرده باشیم به صدها مرتبه بیشتر قرضه های شما را پرداخته ایم ، پس اگر به اندازه ی ذره غیرت و همت در حکومت داران ما موجود باشد ، باید آواز خود را بلند ساخته و بگویند که در طول این پنج قرن گذشته انگلیسها همه دارائی های مسلمانان را حیف و میل کردند ، چرا که حکومات منطقه همه و همه اسلامی بودند بطور مثال در آن زمان کشور هندوستان که یک حکومت اسلامی داشت. به تنهائی ٪25 صادرات جهان از آن کشور صادر میشد ، ولی بعد از آنکه انگلیسها آن کشور را اشغال نمودند و چند سال بعد که بیرون شدند، صادارت هند به ٪1 در تمام جهان کاهش یافت ، و از جهت هم این آگاهی برای کسانی است که می گویند کشور هند در دوره ی استعمار انگلیس رونق بیشتر اقتصادی یافت. در حالیکه این ملک را چنان چور و چپاول و به وضیعت رساندن که گویا قیامتی بر سر مردم آمده باشد . تاریخ را ورق زده و خواهید فهمید که به چه شکلی این ها بنگال را غصب کردند و سلطان تیپو که در هندوستان در راس حکومت اسلامی قرار داشت را به قتل رسانیده و

قاچاق مواد مخـدر را بین المللی سـاختند و هـزاران جنـایت دیگـری را در حق آن مـردم روا داشـتند، حـال نـوبت مـا اسـت تـا بـرای این تروریسـم اقتصادی بگویم که 500 ملیارد دالر و یا 1000 ملیارد پوند در بدل ظلمی که بالای ما انجام داده اید را هر چی زود تر بپردازید .

چنانچه که اسرائیل این قضیه را علیه جرمنها باز نموده است کـه بایـد جبران تمام صدمات و خسـارات کـه آلمانیـان در جنـگ دوم جهـانی بـرای یهودیـان رسـانده انـد را بپردازنـد. در حالیکـه در آن زمـان ملکی بـه نـام اسرائیل وجود نداشت و به رسمیت شناخته نشده بود ، حالا میخواهنـد تـا جبران خسارات یهودیان که تلف شده بودند را بگیرنـد کـه تعـداد شـان از 15 هزار هم کمـتر بـود کـه بعـداً قضـیه ی دروغی شـش میلیـون یهـود را سـاختند و حـالا پـول جرمانـه ی آنـرا از جرمنهـا تقاضـا دارنـد. در حالیکـه مسببین اصلی جنگها هم خودشان بودند که در فصل های اول کتاب حاضر بـه آن اشـاراتی مختصـری داشـتیم . و شـبیه بـه این روش را حکومـات مسلمان بر علیه صهیونیها روی دست گیرند و نگذارند تا حق مسلمانان از این زیاد تر زیر پا گردد . و ضمناً ما از این امتیاز بین المللی خود اسـتفاده کـنیم و از انگلیسـها و روسـها خسـارات جنگی بگـیریم کـه بـه کشـور، حکومـات و سرنوشـت مـا رسـانده انـد، تـا زمانیکـه جـبران همـه ئی این خسارات را نپردازند ما هرگز حاضر به پرداخت قرضه های شان نه شویم .

در قانون اساسی ساخته دسـت غـربی مشـربان و این وطن فروشـان داخلی و معامله گران دین و ارزشـهای اسـلامی ذکـر کـرده اند کـه خلاف احکام الله قانونی به وجـود نخواهـد آمـد. بنـاً در قـدم نخسـت سـود را از جامعه و معاملات خود بدور ساخته و به جنگ با الله و رسول اش صـلی الله علیه وسلم نقطه ی پایان گذاریم ، پس اگر کفار از این به بعد از ما تقاضای سود را میکنند مـا هم بـه صـفت امت مسـلمان از قـوانین اللـه و پیامبر صلی الله علیه وسلم باید با جان و مال دفاع کنیم و در جنگ علنی با آنها وارد میـدان شـویم ، چـرا کـه در هـر لحظـه و در هـر نـوع شـرایط مومنین آماده به جهاد باشـند ، جهـاد در هـر صـورت بـالای هـر مسـلمانی فرض عین است ، کشته شویم و یا بکشیم در هر دو حالت کامیـابی از آن ماست . و این جنگ ما حتمی اسـت، و بایـد درین لحظـه سرنوشـت سـاز تصمیم گـیریم کـه بـرای حفـظ جـان ، مـال ، نـاموس و دین خـود مبـارزه کنیم ؟ یا با الله و رسول او صلی اللـه علیـه وسـلم بـه جنـگ پرداختـه و سود بدهیم و یا سود بخوریم. و باید این آیه کریمه را دست آویز بـه جهـاد

علیه صهیونیزم و امپریالیزم امریکا قـرار دهیم طـوری کـه اللـه تبـارک و تعالی می فرماید:« أُذِنَ لِلَّذِينَ يقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَـوْلَا دَفْـعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يذْكَرُ فِيهَا اسْـمُ اللَّهِ كَثِـيرًا وَلَينْصُـرَنَّ اللَّهُ مَنْ ينْصُـرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَـوِى عَزِيـزٌ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَـوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»(الحج/39-41)

(به کسـانیکه جنگ به آنها تحمیل می شـود بـدان جهت که مـورد سـتم قرار گرفته اند ، اجازه «قتال» داده شد و الله توانا است بر اینکه ایشـان را پیروز کند ، همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود اخراج شده اند و تنها گناهشان این بـوده است که می گفتند : پرودگـار ما الله است ! اگر الله بعضی از مــردم را به وســیله بعضی دیگر دفع نکند ، دیرهـــای راهبــان و کلیســای مســیحیان و کنشت هــای یهودیــان و مســجد هــای مسـلمانان که در آنها نـام الله بسـیار ذکر می شـود ویـران می گردیدند و مسلما الله یاری می دهد کسـانی را که «دین» او را یـاری دهد همانا الله نیرومند و با شکوه و همیشه چیره است آنها که هرگاه در زمین ایشـان را قــدرت بخشــیم ، نمــاز را برپا می دارند و زکــات را می پردازند و امر به معرف و نهی از منکر می نمایند و سر انجام و سرنوشت تمـامی امـور با الله است)

اگر نظام سود را قبول کنیم باید آماده جنگ با الله و رسـول او صـلی اللــه علیــه وســلم باشــیم: «فَــإِنْ لَمْ تَفْعَلُــوا فَــأْذَنُوا بِحَــرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»(البقره/279)

(و اگر چنین نکردند « و سود خـوری و سـود دهی را تـرک نه نمودند» پس ایشان خبردار باشند به جنگی از جـانب الله و رسـول او صـلی اللـه علیه وسلم)

و در نتیجه ی این جنگ بدون شک که تباهی و بربادی دنیـا و آخـرت را خریده ایم. و اگر بر خلاف می خواهید تا نظام سود را از بین بـبریم ، پس در ردیف حزب الله قرار میگیریم و در مقابل مـا صـلیبیان و صهیونیسـتان قرار دارند، اگر برنده شویم غازی ، و اگر کشـته شـویم شـهید ایم. و این کار در شرایط فعلی برای ما لازمی است تا دولت ، ملت ، و دارائی هـای خود را خود تحت اداره داشته باشیم ، چرا که دیگر ماننـد غلامـان زنـدگی کـردن بس اسـت. کـافران از آن زمانیکـه قـادر بـه از بین بـردن خلافت اسلامی شدند تمام کشور های اسلامی را پارچه پارچه کرده و هـر یـک را

جدا جدا به استعمار کشیدند ، و حال زمان این رسیده که ما فیصله کنیم که عزت ، آبرو ، دین ، اسلام ، اقتصاد ، اردو ، سیاست ، ثروت های طبیعی ما را چه کسی باید اداره کند ؟

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيوْمِ الْآَخِرِ يوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آَبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِی اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(المجادله/22)

(نخواهی یافت قومی را که ایمان دارند به الله و روز آخر بـاین صفت که دوستی کنند با کسیکه خلاف کرده است با الله و رسول او و اگر چه آن جماعت باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان آن مومنان که با کافران دوستی ندارند نوشته است الله در دل های ایشان ایمان را و قوت داده است ایشان را بفیض غیبی از جانب خود و در آرد ایشان را به بوستان ها میرود زیر آن جویها جاویدان خوشنود شد الله از ایشان و خوشنود شدند ایشان از الله ایشانند لشکر الله آگاه شو هر آئینه لشکر الله ایشانند رستگاران)

و به همین ترتیب بدست آوردن این همه را آزادی و استقلال یک ملت می نامند و اگر به ندادن این همه ارزش های مدنی ما پا فشاری کردند، باید به زور از آنها حصول شود . و باید بخاطر به دست آوردن این همه ارزش جنگید و هر کدام برای شهید شدن آماده باشیم . آنها از سلاحی های هستوی کشور های اسلامی نمی ترسند در حالیکه اگر برایشان اعلان گردد که ما سود و سود خوری و سود دهی را متوقف و ممنوع ساخته ایم به لرزه میفتند . روزیکه پاکستان ، ایران ، سعودی و سایر کشور های که دارای سلاح های هستوی اند اعلان کنند که ما سود نه می گیرم و نه می دهیم ، شما یقین کنید چندین کشور دیگر در این پروسه با ما یکجا می شوند ، چرا که آنها هم صدمه ی شدید از این ناحیه دیده اند . و امروز شاهدیم که تمام ممالک دالر های شان به دست های شان و می خواهند آنرا به ایرو تبدیل کنند ، به همین قسم تمام کشور ها از سود خوری امریکا و اروپا و متحدان آنها به سطوح آمده اند به مجرد یافتن روزنه ی همه در پی آزاد ساختن خویش از نظام سود خواهند شد .

تمام کشور های اسلامی و کشورهای فقیر که از ناحیه ی نظام امریکائی و صهیونیستی به تنگ آمده اند. اگر همه با هم در مقابل این دجال زمان ایستاده نشوند و عزم برای از بین بردن آنها را اتخاذ نکنند،

هرگــز آنهــا از بین نخواهنــد رفت . و در ادامــه میگــویم اســلام دین بی غیرتان ، و بزدلان نبوده و نیست ، این دین دین شـیر مـردان اسـت و می ماند ، شما حتماً داستان هـای علی بن ابی طـالب و خالـد بن ولیـد رضـی اللـه عنهمـا را شـنیده ایـد و این بـرای شـما ثـابت شـده کـه این دین دین دلیران و پاک بازان فی سبیل الله است که همه جان و مال خــود را از آن الله می دانند

و خویش را تسلیم مقدرات ذات وی سبحانه و تعالی نموده اند .

« إِنَّمَا ينْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِى الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيـارِكُمْ وَظَـاهَرُوا عَلَى إِخْـرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يتَـوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ »(ممتحنه /9)

(الله از مواصلت و « خاموش نشستن در مقابل دشـمنان دین الله» و آنانکه جنگ کرده اند با شما در اجرا و مقدمه دین الله و بـیرون کـرده اند شما را از خانه های شما و با دیگران در بیرون کردن شما معـاونت کـرده اند منعتان می کند ، و هر کسی که با آنها دوستی کند پس ایشان جماعت مشرکین اند).

مبحث هفده هم
بازار اسهام و فساد های نهفته در آن

در فصل شانزده هم مطالعه شد که باید مسلمانان آگاه باشند که دالر امروز از هر طرف اضرار را متقبل شده و در سقوط حتمی قرار گرفته ، که حتی امریکائی ها از این قضیه به خوبی آگاه اند و اگر جهان در معاملات انرژیکی مانند برق ، ذغال سنگ ، نفت ، گاز ، یورانیم و... رو به سوی ایرو آورد و معاملات تجاری خویش را بغیر از دالر انجام بدهند و در پهلوی آن مثل آنکه امریکا 1 تریلیون دالر از کشور چین قرضدار است و زمانیکه آن کشور هم بغیر از دالر از او تقاضایی ایرو را کند و کشور امریکا پول در خواستی را به ایرو تبدیل کرده و قرضه ی خود را بپردازد شما تصور کنید که امریکا به چه وضعیت روبرو خواهد شد.

امروز نفت سعودی ، ترکمنستان ، کویت ، عراق ... کاملاً ضایع می گردد و هیچ منفعتی را برای ملت مسلمان به تناسب آنکه به سود صهیونست ها و امریکائی ها سفاک تمام می شود ندارد ، و از همین جهت است که مسلمان و ممالک اسلامی غریب ترین ممالک جهان به شمار می آیند ، نه تعلیم علوم جدید را کسب کرده ایم ، نه دانشگاه ی معیاری به سطح جهانی داریم ، نه صنعت پیشرفته ی ، نه تحقیقات علمی ، و نه اقتصاد نسبی که حد اقل خود کفا بوده بتوانیم ، در حالیکه این همه سهولت ها و پیشرفت های که نصیب غرب گردیده ناشی از استفاده از پول و نفت کشور های اسلامی به خصوص عربستان سعودی ، عراق و کویت می باشد ، و الله تبارک و تعالی ذخایر و نعمات بیشماری را همراه با پلان برنامه ریزی شده آن (strategy planning) برای مسلمانان اعطاء کرد ولی متاسفانه که مسلمانان کوشش فهمیدن استفاده ی از آن را نکرده اند ، و مسئول اصلی آن خود اعراب و سایر دول به خواب رفته ی مسلمان اند، چرا که از امکانات بی شماری که در اختیار شان قرار داشته استفاده نکرده اند.

در فصل بعدی مطالعه میشود که مشکل اصلی در بازار اسهام زمانی شروع میگردد که دلالان تجارتی(Brokers) با هم مجالسی داشته و یکجـا کار کنند و تمام شرکت هـای کـه در آن کشـور فعـالیت و تجـارت دارنـد و اسهام خویش را برای شریک شدن پیشکش میکنند خرید و فروش اسهام شــان تحت نظــر این دلالان صــورت گــیرد . و رفتــه رفتــه کــار دلالان (Brokers) به آنجا می رسد که هر شرکتی که تصمیم بگیرد تا چنـد فیصـد از سهم متعلق به خود را به فروش رساند باید نزد آنها مراجعه کند.

موضوع دیگری که به آن اشاره میکنیم این است، سـرمایداران مـا بـه عـوض اینکـه در بانکهـا پـول هـای خـویش را جهت بدسـت آوردن سـود مسـپارند ، بایـد بطـور مشـروع سـهمی از شـرکتها را خریـداری کننـد ، و سالانه مفاد (dividend) سهم خویش را بدست آورند . و یا پولهـای خـود را به طلا تبدیل نموده و سرمایه گذاری کنند و مفاد آنرا بـه طلا بسـنجند ، چون که طلا در ذات خود دارای ارزش اسـت و بایـد از مفـاد آن اسـتفاده کرد . و یا با یک دوست خود می توانید شریک شده و مشترکاً تجارت کنید و این امریست که از طـرف اللـه صـریحاً عمـل نیکی خوانـده شـده و در تجارت بدون شک مفاد و نقصـان وجـود دارد . و یـا بـا پـول خـویش زمین زراعتی ، دکان ، و... خریداری کرده و به اجاره بدهید و یا دهقـانی را بـه کار استاللهم نماید و حاصلات آنرا در میان دهاقین و خود به قسم مشروع تقسیم کنید که شرح این همه اخبار در ادامه ذکر میشود.

پیش از تکمیل شـدن این مجموعـه ، چـون بسـیاری از دوسـتان از مـا خواهش نموده انـد کـه در مـورد بـازار اسـهام (Stock Market) بحـثی داشته باشیم. بناً چند نکته را در مورد بازار اسهام (Stock Market) بیان می داریم .

ما به بسیار الفاظ ساده بازار اسهام را برای شما با تمـام خصوصـیات آن بیـان می کـنیم و فـرق نمی کنـد کـه این بـازار (New York Stock Exchange) باشــد یــا (London Stock Exchange) ، این عقیــده و برنامه ی است که صهیونیستان با ساختن نظام بـانکی در نظـر داشـتند و آنرا همراه با نظام بانکی توسـعه و بسـط دادنـد . و این یکی از وسـائل و اسباب اساسی برای اداره نظم اجتماعی و اقتصادی یک جماعت و یا یـک ملت می باشد ، و عین همان برنامه ی است کـه صـهیونیها بـرای رهـبری اقتصاد جهانی به شیوه کریدت کارت و چپ کارت و... ایجاد کرده اند. کـه (Stock Market) هم یکی از شـاخه هـا و شـعبات همین نظـام بـزرگ یهـودی و صهیونیسـتی بـرای تسـخیر جهـان می باشـد ، و این چنـان یـک

موسسه ی است که صهیونی ها بدون هـراس و مشـکل می تواننـد تمـام بازار را تحت نظارت خویش داشته باشند و سطح قیم و ارزش پول را در بازار تعین و تغیر بدهند که در ذیل به توضیع بیشتر آن میپردازیم .

اساسـاً اصـطلاح (Stock)[1] یـا شـریک بـودن در اسـهام بـازار یکی از اصطلاحات ساده ئی است به طور مثال یک شرکت استحصال گاز یا نفت خام ، یا یک شرکت بین المللی ترانسپورت هوائی و یا شرکت های بـزرگ و سـرمایه دار شخصـی و یـا غـیر شخصـی بـه مـارکیت مراجعـه کـرده و سـرمایه خـود را در مـارکیت داخـل می سـازند تـا بـرای خـود منفعت و سرمایه تولید کنند ، چون سرمایه واقعی و کلی مربوط او می باشد ، بنـاً تصمیم میگیرند تا اسهام خود را جهت فروش به بازار عرضه نمایـد و هـر کسی که علاقمند است از آنها سهمی خریداری می نماید، شـاید شخصـی ٪1 از آنرا نظر به توان خود خریداری کند، شخص دیگـری ٪4 و دیگـری ٪ 10 و به همین ترتیب سهام در بین خریداران مختلـف تقسـیم می گـردد و بنیاد شراکت گذاشته می شود ، لذا زمانیکه شرکت فعال شــده و منفعت بدست میاورد آن منفعت نظر به سـهم هـر شـریک بـالای شـان تقسـیم و پرداخت میگردد.[2] تا به این جا که عرض کردیم در این روند مشکلی وجود ندارد و عمل به آن جنبه ی قانونی و شرعی دارد .

موضوع زمانی قابل دقت می شود که در سلسله سرمایه گـذاری هـا بسیاری از اشخاصـی انـد کـه نـزد شـان پـول اضـافی موجـود اسـت و یـا دسترسی بـه پولهـای بیشـتری را دارنـد. پس آنهـا لازم می بیننـد از اینکـه پولهای شان راکت بماند آنرا با یک شرکت بزرگ تولیدی سهیم میسازند و اسهام شرکتی را خریداری می کنند و طبیعی است که هدف شان بدست آوردن منفعت میباشد و سرمایه ی خـود را در یـک شـرکت خـوبی سـهیم ساخته است تا همه ساله منافع خوبی برایش ارمغان بیاورد . و اگر دیــده شود که کار و تجـارت این شـرکت حـرام نیسـت و در هیچ عمـل حـرامی دخیل نیستند پس این روش اتخاذ شده بهترین تجـارت و طریقـه ی بـرای پیدا کردن روزی حلال بشمار میرود.

ولی مشکل اصلی زمانی شروع میگردد که (Stock Market) یا بازار اسهام ساخته شـود و در آنجـا دلالان تجـارتی(Brokers) بـا هم مجالسـی داشته و یکجا کار کننـد و تمـام شـرکت هـای کـه در آن کشـور فعـالیت و تجارت دارند و اسهام خویش را برای شریک شدن پیشکش میکننـد خریـد

---

[1] a supply of goods or materials available for sale or use.

[2] این شرکت را در اصطلاح فقهی به نام شرکت مفاوضه یاد می کنند که اصطلاح معادل آن در علم اقتصاد شرکت های لمتد یا محدود المسؤلیت می گویند.(مترجم)

و فروش اسهام شان تحت نظر این دلالان صورت گیرد . و رفته رفته کار دلالان (Brokers) به آنجا می رسد که هر شرکتی تصمیم بگیرد تا چند فیصد از سهم متعلق خود را به فروش رساند باید نزد آنها مراجعه کند و همچنان هر سرمایه دارئی که خواستار شراکت با شرکتی باشد ناگزیر به این دلالان مراجعه کند . و دلالان در نتیجه همین خرید و فروش مزد خویش را از دو طرف معامله به دست می آورند ، و البته در قسمت (Dividend) (سود سهام شرکت ها) برای دلالان حصه ئی وجود ندارد.

منظور از اصطلاح (Dividend) این است که سالانه شرکت به منفعت سرمایه که در طول سال در حال دوران بوده دست می یابد و آنرا میان سهمداران تقسیم می کنند . یعنی به زبان ساده تر اگر کسی 10 سهم از شرکتی را خریداری نموده باشد در اخیر سال منفعت که از آن ده سهم برایش عاید می گردد بطور خالص حق خود اش می باشد و آنرا (Dividend) می گویند. و پول که عاید دلال می گردد در نتیجه خرید و فروش سهم شرکت می باشد ، به طور مثال شما 20 سهمی از شرکت خویش را به فروش می رسانید و کس دیگری آنرا خریداری می کند وظیفه ی دلال است تا هر دو را با هم معرفی کند، و نهایت کوشش را میکند تا این خرید و فروش انجام پذیرد ، و مزد خود را از جانبین در یافت کند . یعنی خرید و فروخت در بین افراد دیگری انجام میشود ولی دلال به نحوه ئی از معامله منفعت بدست می آورد .

نقص دیگر که متوجه این روند می شود اینست که هرگاه کسی به مارکیت مراجعه می کند حتماً سهمی برای فروش در نزدش موجود می باشد. ولی دلالان می خواهند که از خرید و فروش اسهام مراجعین پول و منفعت بدست بیاورند نه از طریق تجارت که در طول سال انجام می شود ، یعنی اینها می خواهند از طریق خرید و فروش سهم پول و منفعت بدست بیاورند نه از طریق تجارت که در اخیر سال نظر به سهم افراد پرداخت میگردد. از بُعد دیگر در نزد من 20 سهم یکی از شرکتهای استحصال نفت و گاز موجود است و آماده فروش آنها در مارکیت هستم و فوراً به مجرد فروخت یک سهم خویش سهمی را از شرکت دیگری خریداری میکنم ، و تا شام آن سهم را نیز به فروش می رسانم ، و زمانیکه در این خرید و فروش فائده بیشتری که عاید من میگردد یعنی هر زمانی که دیدم در بازار متذکره قیمت و ارزش سهام بلند رفت اسهام خویش را به فروش می رسانم و زمانی که دیدم قیمت و ارزش سهام پایان آمد فروش را متوقف و به خرید اسهام دیگران می پردازم ، و

شخص که در نتیجه این خرید و فروش منفعت بدست اش میاید؛ آن منفعتی نیست که در اثر فعالیت تجاری یکساله (Dividend) شرکت به دست آمده باشد، بلکه منفعت دلالیست که از سهم خویش در اثر خرید و فروش در طول یک روز یک ماه و یا یک سال به دست آورده ایم .

حاصل این برسی ما باز گو کننده ی سه نوع منفعت در قلمرو فعالیت یک دلال میباشد؛

1- منفعت شخصی که سالانه از سهم خویش از طریق شرکت به قسم (Dividend) حاصل می کند .

2- منفعت که به سبب خرید و فروش اسهام بدست میاید.

3- منفعت که این دلالان (Stock Brokers) از خرید و فروش اسهام دیگران در مارکیت حاصل می کنند.

نتیجه طوری میشود که فقط و فقط منفعت از طریقه اول کاملاً مشروع و درست است یعنی آن مفاد تولید شده ی سالانه که از خود سرمایه برای سهمدار پرداخت می گردد ، ولی دو طریقه دیگر آن بغیر از احتکار و قمار بازی ، کاری دیگری نیست .

وضعیت در بازار اسهام

به گونه مثال در مارکیت شایعه پخش می شود که فلان شرکت بزرگ در حال ورشکستگی است، درست با پخش این خبر مفاد غیر قابل پیش بینی برای آن تعداد از دلالان بزرگ که هر روز به هزاران معامله را انجام می دهند می رسد ، چرا که با شایع شدن این خبر اسهام آن شرکت بطور فوری پائین آمده و ارزش خود را از دست می دهند . و به همین شکل به هزاران شایعات دیگر چون نا امنی در کشور و یا شاید گروه مخالف دولت پیروز شود ، و یا کودتای در حال شکل گیری است ، ویا اینکه بی نظمی در کابینه به وجود آمده و شاید سیاستهای حکومت تغیر کند و... با پخش این اخبار دروغین برای تاجران و سهمداران شرکتها ضرر های غیر قابل پیش بینی عاید گردیده و میگردد.

چون عاملین شایعات خود دلالان (Brokers) می باشند و مردم از خوف و ترس ضرر اسهام خویش را به قیمت نازل تری بفروش می رسانند و دلالان مانند گرگ به شکار آنها میپردازند، چرا که خوب می دانند که هیچ تغیری در بازار بوقع نه پیوسته و هیچ سهمی ارزش خویش را از دست نداده است . ولی زمانیکه مردم پی میبرند که این خبر دروغ بوده و

دوباره کوشش به خرید اسهام خود می کنند متوجه شـده انـد کـه اسـهام شان چندین برابر بیشتر قیمت گذاری شده است .

شما شاید بازار اسهام (Stock Market) را از نزدیـک و یـا از طریـق تلویزیون دیده باشید که کـاملاً در آنجـا مـردم دیوانـه میشـوند، هـر کسـی فریاد می کشد و سرو صدا ها بی حد بلند میشوند و به درسـتی تشـخیص نمی شود که اصل موضوع از چی قرار است .

در ادامه این نوع وضیعت بازار را برای شما واضح تر تشریح میکـنیم ، شاید شما با بعضی از اصطلاحات مربوط به این نوع بازار ها آشنا باشـید، مثلا : گفتـه می شـود امـروز مـارکیت بی تـرتیب (bearish) اسـت و یـا مارکیت سر سخت (bullish) شده یا مارکیت تیز شده و... شاید از خـود سئوال کرده باشید که این اصطلاحات چه مفهومی را ارایه می کنند ؟

اولاً اینکه تمام کسانیکه این اصطلاحات را به کار میگیرنـد دورغگویـان حرفوی اند و محض برای رونق اقتصـاد خـود از این نـوع روشـها اسـتفاده میکنند. در این مارکیت چنـد نـوع اشـخاص فعـالیت دارنـد یکی سـهمدران اصیل شرکتها که همه ساله منفعت خود را از سـرمایه و سـهم خـویش از طریق شرکتها بدست می آورند.

دوم کسانی کـه کـار شـان دلالی (Broking) اسـت و هـر زمـانی کـه خرید و فروش اسـهام اتفـاق بیفتنـد آنهـا بـا وجـود کـه در انعقـاد معاملـه موثریت نداشته انـد ، بـا وجـود آن مفـاد خـود را از هـر دو طـرف بدسـت میاورند، و ظاهراً هر قدر خرید و فروشی کـه در بـازار اسـهام انجـام می شود طبعاً به منفعت بیشتر آنها تمام میشود.

سوم آن تعداد از بازیگران یا قمار بازانی هستند که در خرید و فروش اسهام خود شرط می بندند ، یعنی در اصل خود صـاحبان سـهام انـد، ولی می خواهنـد در نتیجـه قمـار و شـرط بنـدی منفعت حاصـل نماینـد، نـه از طریق منفعت سالانه(dividend) و در طول روز هر قدر صحبت از خریـد و فروش اسـهام در بـازار (Stock Market) بلنـد شـود، اساسـاً و بنیـاداً بیشتر از ٪90 آن توسط قمار بازانی به راه می افتد که بر بـالای خریـد و فروش اسهام شرط بندی کرده اند.

بنـــاً اگـــر این یـــک تصـــویر واقعی از (Stock Market) باشـــد پس اصطلاحات که قبلاً ذکر کردیم مفهوم خویش را پیدا می کند یعنی زمانیکه گفته می شود در بازار تیزی آمده به این مفهوم که خرید و فروش اسهام بسیار به سرعت انجام می شود و کمـائی دلالان (Brokeres) بیشـتر تـر گردیده ، زمانیکـه اینهـا بخواهنـد کـه ارزش اسـهام یکی از شـرکت هـا را

کاهش داده تا بدست آورند، و منفعت بیشتری به جیب شان بریزد، لذا در میان مردم شایعاتی را پخش میکنند که باعث تأثر مردم میگردد، مثالی را که قبلاً گفتیم که همانا جنگ میان انگلیسان و نیپالیان بود که از سالهای 1823م الی 1840م شعله ور بود. و از پیامد آن منفعت انگفتی تحویل یهودیان شد. چنانچه که برای Roth's child از قبل خبر رسیده بود که درین جنگ انگلیسان در مقابل نیپالیان پیروز گشته اند ، چون Roth's child ازین واقعه با خبر بود قصداً به بازار انگلند آمده و به فروش اسهام خویش مبادرت ورزیدند و این شایعه را در بازار پخش نمودند که انگلستان در جنگ شکست خورده ، مردم از ترس به افلاس مواجه شدن و از ترس غرق شدن اموال شان تمام اسهامی را که در بازار انگلند داشتند به قیمت های ناچیزی به فروش رسانیدند ، زمانیکه تمام اسهام در بازار متراکم شد و کس دیگری برای خرید اسهام وجود نداشت ، بناً Roth's child آهسته آهسته به خرید تمام اسهام از بازار شروع کردند، چند روز بعد تر به انگلستان خبر رسید که نیپالیان شکست را متقبل شده اند ، قیمت اسهام به ملیارد ها پوند بلند رفت و فقط در یک شب سود به میلیون ها میلیون پوند برای Roth's child رقم خورد.

شاید بعضی ها بگویند که در کشور ما و کشور های همسایه ی ما در تعین قیم و در نرخ بازار این نوع معاملات تاثیر گذار نیست، مثلاً اگر یک سهمدار روزانه 10-20 بار سهم خویش را خرید و فروش نماید و از این ناحیه منفعتی به دست بیاورد چه تاثیری بر بالای بازار خواهد داشت؟ بدون تردید ما با این نظر دوستان موافق ایم ، که فعالیت دلالان و (Brokers) تاثیر چندانی بالای بازار کشور ما ندارد. ولی موضوع مورد بحث در آنجاست آنهای که مصروف تبادله ی صدها هزار سهم که ارزش آنها بالغ به ملیارد ها ملیارد میشود هستند و به همی وسیله اسهام بازار و شرکتها را اداره میکنند، آنها میتوانند تا تمام وضعیت اقتصادی بازار را به وضیعت افتضاح آور آن مبدل سازند، گاهی آنها کاملاً کشور را بطرف فقر میکشانند ، و گاهی هم تمام بانکها را به افلاس مواجه می سازند ، که از این قبیل معاملات را دقیقاً برای اش عنوان نظام قمار بازی را اطلاق کرده میتوانیم و کاملاً این جریانات حرام اند ، و این نوع معاملات شاخه ی از سود خوری و حرام خوری اند . و قسمی که قبلاً نیز یاد آوری کردیم زمان که می گویند بازار تیز شده و یا بر عکس آن ارزش اسهام پائین آمده همه به خرید اسهام می پردازند و زمانیکه این وضیعت به اوج خود رسید تمام پول را از بازار جمع آوری کرده و در مجموع از کشور بیرون

می سازند ، که مثال این وضعیت را قبلاً در واقعه ی بازار بورس نیویـارک که در سال 1929م رخ داده بود عرض داشـتیم . کـه این وضـعیت بـاعث تبـاهی و ورشکسـتگی در تمـام دنیـا شـد و علت اصـلی آن ورشکسـتگی اسهام در بازار بورس نیویارک بود .

تسلیم گیری خصمانه یا (Hostile Taking Over)

باید دانست کـه عمـل ناپـاک دیگـر کـه مربـوط بـه (Stock Market) میشود عبارت از (Hostile Take Over) که ظاهراً به مفهـوم تسـلیم گیری خصمانه می باشد[1].

بطور مثال اگر شما به خانه ئی شخص دیگری داخل شده و بگوئید که تو از خانه بیرون شو چون از این به بعد این خانـه مربـوط من می شـود ، این روش شـما را در اصـطلاح عـام غصـب ناشـی از توسـل بـه زور می گویند.

و یک اصل متعارف و معمولی که در میـان اعمـال (Stock Market) رایج است آنرا «hostile take over» می نامند . مانند که چندین شریک در یک شرکت سهیم باشند و با زحمت زیـاد این شـرکت را بـه پـا ایسـتاد کرده اند و مالکین و سهمداران عمده این شـرکت توافـق می کننـد کـه ٪ 50 از اسـهام خـود را بـه فـروش می رسـانند و ٪50 بـاقی مانـده را نگهمیدارند تا از این طریق تولیدات بیشـتر و همچنـان منـافع خـوبی عایـد شان گردد . چون که این ٪50 از اسهام در بـازار بـزرگ وارد می گـردد و هر کس به اندازه ی توان خود از آن سهمی برای خود خریداری می کند ، مثلاً یکی ٪2 شـخص دیگـری ٪5 کسـی هم ٪6 بـه همین تـرتیب سـهم فروخته شده در بازار در بین چند نفر تقسیم می شود .

سرمایه گذار بزرگ ، یا یک شخص مغرور مانند پـرورده رئیس جمهـور و یا وزرا برحال زورمند و یا هر قدرتمندی دیگـری کـه بفکـر شـما خطـور میکند ، میخواهد با خرید بیشترین اسهام، شرکت را از نزد صاحبان اصلی آن تحویل بگیرد .

شما فکر کنید که یک شرکت دارو سازی است، صاحب آن ٪45 سـهم را در نزد خویش نگهداشته باقی مانده را در بازار به فروش می رسـاند ، رقیب آن شرکت بخاطری که امورات شرکت را تحت اداره خـود در آورد؛

---

[1] 1- an act of assuming control of something, especially the buying-out of one company by another
2- takeover bid-opposed by the company to be bought.

بناً بر علیه آن شـرکت در بـازار شـایعات و دورغ پراگـنی میکننـد و بـا هـر معامله گری تماس بر قرار ساخته و تفـاهم می کننـد تـا شخصـی دیگـری اسهام را خریداری نکند، بنـاً ٪55 از اسـهام ارزه شـده را خـود خریـداری می کند ، ولی با این شکل عرضـه و تقاضـا اسـهام شـرکت اصـلاً صـاحب اصلی آن واقف نمی گردد که آیا ٪55 سهم را یک شخص خریداری کــرده است و یا چندین نفر، در حالیکه اکثراً در همچون معاملات بسـبب جعـل و دروغ و پخش شایعات بر ضـد شـرکت کـه گویـا شـرکت در حـال سـقوط است و یا این شرکت مصروف انجام کار های غـیر قـانونی میباشـد و زود است تا از طرف دولت جایداد اش مصادره گردد و... وقتی که تمام سهم از آن شرکت را یک شخص خریداری کرد؛ و فردای آن روز و یا چنـد بعـد تر وقتی که مالک اصلی به دفتر مراجعه میکند متوجه میشود که رقیب او مالک ٪55 از سهم شرکت شده و قانوناً باید از آن بـه بعـد تمـام امـورات شرکت متعلق به او باشد . یعنی یک شخص نـا اهـل در یـک شـب بسـبب نیرنگ که به کار میبندد مالـک تمـام شـرکت می شـود. ولی در مقابـل آن شخصی که سال های سال زحمت کشیده تا بلاخره خود را مالک شـرکتی ساخته و در پهلوی آن بـه آن رونـق داده و ضـمناً شـرکت خـود را بـه اوج شهرت رسانیده بود اما بعـد از این توطـة بایـد از مقـام اش خلـع شـده و شخصی دیگری همه کـاره آن شـرکت شـود. کـه این جریـان را (hostile take over) می گویند.

لذا ما اعلان میداریم که این نوع معاملات شرعاً حرام اند ، و یک عمل غیر اخلاقی و غـیر عـاطفی می باشـد ، و هیچ تفـاوتی بـا نظـام بانکـداری ندارد، بانکداری نیز به مانند این عمـل یـک نظـام غـیر شـرعی ، اخلاقی و عاطفی است که اسـاس و بنیـاد آنـرا سـود تشـکیل می دهـد ، و (Stock Market) نیز عمل غـیر شـرعی ، اخلاقی ، انسـانی و عـاطفی اسـت کـه اساس آنرا قمار تشکیل میدهد . بناً توصیه ما این اسـت تـا تمـام آن عـده کسانیکه می خواهند سرمایه گذاری کنند نباید در بازار ها به شیوه ی فوق الذکر سرمایه گذاری کنند، بلکه بالای اسهام شـرکت هـا سـرمایه گـذاری نمایند ، و طریقه شرعی آنرا ما برایتان ذیلاً بیان می داریم .

در قدم نخست قبل از بیان راه حل مثالی از وضیعت کانال سـویس را بـه برسـی میگـیریم . در سـالهای 1860م -1870م نماینـدگانی از کشـور فرانسه نزد پادشاه مصر حضور یافتند و در آن زمان پادشاه مصر به مثابه یک والی در خلافت اسلامی عثمانی ایفای وظیفه می نمود .

نمایندگان فرانسوی در اوایل برای حکام مصری پیشنهاد کردند کـه مـا کانال سویس را ساخته و تسلیم شما می نمائیم، چـرا کـه کانـال سـویس یک راه بسیار ضروری و کوتـاه بـرای رسـیدن بـه بحـر هنـد محسـوب می شد ، در غیر آن باید هر کشتی دماغـه امیـد را از کنـار دریـا خـزر از کنـار روسیه و جاپان طی می نمود تا آنکه به بحر هند میرسید و یـا اینکـه تمـام قاره ی افریقا را دور زده تا اینکه به بحر هند خود را برسـانند ، بنـاً کانـال سویس کوتاه ترین راه بحری و ارزان ترین راه برای انتقال اموال از اروپا به سوی کشور هند و شرق آسیا بود .

بعداً چون مصریان را علاقمند یافتند فرانسویان پیشنهاد کردند که شما در ساختن این راه و کانال شریک ما شوید و هر یـک ٪50-٪50 از مخـارج را بدوش گیرید و منفعتی کـه از این ناحیـه عایـد مـا میشـود را مسـاویانه تقسیم میکنیم . چون در آن ایـام در نـزد پادشـاه مصـر سـرمایه ی کـافی موجود نبود ، باز هم فرانسویان به مصریان پیشنهاد کردند که ما حاضر به پرداخت قرضه برای شما ایم ، و شما با کمک آن شرکت که توانائی حفـر کانال را داشته باشد را آماده فعالیت سازید و بعد از پرداخت قرض شـــما شریک ما شده می توانید .

مصریان مطابق قرار داد شرکت حفر کانال را آماده فعالیت سـاخته و به تعقیب آن هر دو کشور مشترکاً کانال را حفر کردند، زمانیکه کـار حفـر کانال به اتمام رسید بزرگترین و پر اهمیت ترین و پر در آمـد تـرین کانـال در سطح جهان شناخته شد ، یعنی امول تجارتی تمام جهـان از این کانـال عبور و مرور میکرد، خصوصاً تمام تجارت امپراطوری بریتانیا کبـیر کـه در آن زمان آفتاب در قلمرو اش غرب نمی کرد منحصر به این کانال شد . و تمام در آمد و یا عواید انتقالاتی بـه مصـریان و شـرکت فرانسـوی کـه در حفر آن سرمایه گذاری کرده بود، پرداخت میگردید .

چـون مصـریان بـرای انجـام این کـار قرضـه گرفتـه بودنـد و سـود این قرضه یک فیصدی گزافی را تقاضا می کرد بناً پرداخت این همه قرضه ها یک امر غیر ممکن به نظر میرسید ، چرا که آن مقدار پولی که از ناحیه ی ترانزیت عاید مصر میشد، تماماً برای پرداخت سود به جانب فرانسه داده می شد .

مصریان در حالتی قرار گرفتند که از یک طرف بـار پـرداخت قرضـه و سود آن بر عهده ایشان سنگینی میکرد و از جـانب هم مصـر یـک کشـور غـریب و مواجـه بـه بهـران اقتصـادی بـود ، بنـاً مجبـور شـدند تـا پیشـنهاد امپراطوری انگلیس را مبنی بر فروش سهم کانال سویس بپزیرند. تا پول

که از این ناحیه به مصر می رسد بتواند برای پرداخت قرضه به جانب فرانسه تحویل گردد .

حکام مصر سهم که در کانال سوئیس داشتند را به بازار عرضه نمودند ، بناً تمام این اسهام را پیش از این که حکام مصری دقیقاً از فروش آن اطلاعی حاصل کنند که مربوط به شرکتهای چند کشور شده در خفا و با نیرنک امپراطوری انگلیس خریداری کرد یعنی امپراطوری انگلیس در اینجا (hostile take over) را انجام داد.

از آن پس کانال سویس در اختیار دو امپراطوری انگلیس و فرانسه قرار گرفت و تعلق مردم مصر از کانال سویس کاملاً قطع گردید و تقریباً 100 سال یعنی تا سال های 1953م کشور مصر بالای کانال سویس هیچ حقی نداشت . در حالیکه تمام تجارت دنیا از طریق همین کانال صورت می گرفت ، ولی به صد ها نفر مصریان روزانه از گرسنگی جان می دانند ، که این بود ، مختصر مثالی از شراکت و قرضه دادن و (hostile taking over) که به چه شکلی اسهام تبادله می شوند در حالیکه مالک اصلی بر علاوه اینکه مفادی از آن نمی برد نقص بسیاری را نیز متقبل میشود .

این وضیعت در سرزمین مصر تا سال 1953م ادامه پیدا کرد تا در همین سال جمال عبدالناصر کانال سویس را کاملاً ملی اعلان کرد . و آن هم بزور قدرت انجام شد چرا که کشور سوسیالیستی روسیه حامی بزرگ جمال ناصر بود و او هم از این موقع استفاده نموده و توانست که به سادگی کانال سویس را ملی سازد . تا در نتیجه فرانسویان بالای مصر حمله نمودند که در جنگ که میان مصر و فرانسه اتفاق افتاد آن جنگ بدون نتیجه باقی ماند تا بلاخره دعوی به محکمه بین المللی راجع شد و فیصله نهائی محکمه طوری شد که کانال سویس برای مصریان واگذار شود. یعنی تا صد سال گذشته به ملیارد ها ملیارد دالر که باید نصیب مسلمانان می شد در نتیجه همان (hostile take over) توسط انگلیسان در جیب فرانسویان و انگلیسان ریخت .

موضوع دیگری که به این بازار ارتباط میگیرد این است که چرا قیمتها در مارکیت به یکبارگی بلند می رود ؟

در جواب سئوال باید گفت تمام قیم امتعه متاثر از این نوعی بازار ها اند، مانند قیمت نفت ، گاز ، لباس ، مواد غذائی و... چون که (Brokers) در یک محل و مکان فعالیت های خود را انجام می دهد، بناً تعین قیم در بازار کاملاً تحت اداره آنها می باشد و متأسفانه که امروز اداره بازار های

بزرگ و مؤثر تعین قیم در جهان بدست یهودیان و صهیونیستان است و گردانندگان عمده آنها همان بانکداران و سرمایه گذاران صهیونی اند. و هر کدام آنها اختیار دارند که با سرمایه ئی دست داشته ی شان انواع فساد ها را در بازار بر پا نمایند.

ما انشاءالله در ادامه تمام راه های مبارزه با این پدیدی شوم را برای شما واضح می سازیم چنانچه که تا به این جا چندین بت شان را شکستانده ایم و این بت شان را نیز می شکنیم .

راه حل چیست ؟

با پرداختن به مثالی برای شما جواب خواهیم گفت : خرید و فروش سهم یک عمل درست و مشروع و هیچ مشکلی در آن وجود ندارد ، و باید گاه گاهی خرید و فروش اسهام برای حفظ تعادل قیم در بازار و همچنان جلوگیری از بهم پاشیدن شرکت تولید کننده اتخاذ شود . و طریقه درست خرید و فروش اسهام در نظام اقتصاد اسلامی طوری است که بازار خرید و فروش اسهام (Stock Market) ساخته می شود . شرکتهای که می خواهند خرید و فروش اسهام را در طول سال انجام دهند در آن مارکیت نماینده گی های را باید برای خود فعال سازند، و در این بازار اسهام در نزد هر نماینده ی از شرکت سهم بشکل فزیکی و مادی آن موجود باشد و به مجرد تسلیم دهی اوراق خرید سهم، شرکتی که سهم را خریداری نموده است باید صاحب آن شناخته شود. این موضوع را به این خاطر بیان کردیم چرا که در حال حاضر در مارکیتهای بزرگ اسهام مانند که پول را دیجیتلی ساخته اند اسهام را نیز دیجیتلی عرضه میکنند در حالیکه مالک اصلی سهم اصلاً خبر ندارد ولی بالای سهم او روزانه ده ها بار معامله صورت می گیرد ، و دلالی که مسئول فروش آن است به بیشتر از چندین بار بالای آن معامله میکند و در بار آخیر به مالک سهم احوال می دهد که سهم تو را فروخته ام و یا خیر .

ولی روش اسلامی با این روش جعلی کاملاً فرق دارد. در این نوع معامله نباید کاغذ و اوراق سهم خرید و فروش شوند، بلکه وقت که سهمی بفروش میرسد تصدیق فروش آن در کاغذ درج می گردد . فرق آن با طریقه اول این است که در آن فقط کاغذ فروخته میشد و سهم به جای خود باقی میماند. اما در طریقه درست و مشروع سهم فروخته می شود و کاغذ تنها ارزش سندی را دارد که در آن خرید و فروش ثبت گردد ، و این قماری که روزانه بالای اسهام شرکت ها انجام می شود در شیوه ی اسلامی هیچ جای تطبیق ندارد.

به این ترتیب هر کسی که بخواهد سهمی را خریداری کند باید به نــزد شرکتهای مراجعه کند که در این بازار دارای دفاتر و نماینده گی ها باشــند و باید با پرداخت پول سهمی به دست آورد ، در این شـیوه فقـط و فقـط تنها ارتباط میان خریدار و فروشنده محدود خواهد ماند و پای هیچ شرکت و یا دلال صهیونی و یا صهیونی مشرب در بین نخواهد آمـد ، فائـده بـزرگ دیگر این روش این است که (Brokers) و یا دلالان که کار شـان خریـد و فروش اسهام در طول روز اسـت آنهـا هم علاقـه میگیرنـد تـا در شـرکتی شریک باشند و تـا از آن طریـق منفعت زیـادی بدسـت آورنـد. و شـاید در پهلوی آنها دلالانی باشند که بخواهند مانند گذشته از موقع استفاده نمــوده و سطح قیم را به یکبارگی به ٪50 افزایش بخشند با این عمل خطر نــاک شان و یا قمار برد و باخت را که میزننـد امکـان بیشـتر دارد کـه بـه نقص شان تمـام شـده و کـاملاً از مـارکیت رانـده شـوند چـرا کـه در این چـنین اوضاعی که در آن نظام اقتصاد اسلامی روی کار باشد هرگز بـه یکبـارگی قیم تفاوت فاحش را نمی پذیرد و نظام اقتصـاد در بـازار ثـابت بـاقی می ماند.

و در واقع این از جمله وظایف دولت است که فعالیتهای دلالان و قمار بازان بازار بورس یا اسهام را ممنوع قرار دهـد و نظـام اسـلامی (Stock Market)، مشـروع و بـدون خیانتکـاری را وضـع کنـد و اقتصـاد مملکت و مردم را رشـد بخشـد و در پهلـوی آن شـرکت هـا هم مسـئولیت دارنـد تـا اسهام خویش را اصلاً در چنین بازار های قمار راجع نسازند بلکـه نماینــده گی های در بازار داشته باشند و با هر خرید و فروشـی کـه در آنجـا انجـام میشود . سرمایداران مسلمان از پیامد های آن واقف و بـا خـبر باشـند. و تقلید نظام غربی را از خـود و اجتمـاع خـود بـدور سـازند، چـرا بزرگـترین بدبختی ما همان است که رسول صلی اللـه علیـه وسـلم در حـدیثی کـه امام بخاری در صحیح اش آورده اسـت میفرمایـد: (عـادت مقلـد طـوری است که اگر مرجع تقلید کوشش داخل شـدن بـه سـوارخ سوسـماری را نماید این ها هم آنکار را می کنند).

و الله تعالی در مورد عدم اتبـاع از کفـار و مسـائل اقتصـادی-سیاسـی شـان می فرمایـد : « وَلَا تَتَّبِـعْ أَهْـوَاءَ الَّذِينَ كَـذَّبُوا بِآَيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُـونَ بِالْآَخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يعْدِلُونَ»(الانعام/150)

(پیروی مکن خـواهش کسـانی که به دورغ نسـبت کردند آیـات ما را و کسانیکه اعتقاد ندارند بـآخرت و ایشـان« کـار هـای شـیطانی و معبـودان ظاهر فریب و باطل خویش را » با پروردگار خود برابر میکنند)

و اگر کوشش تقلید و اتباع از غرب و برنامه هـای شـیطانی ایشـان را نمایم پس طور ذیل به محاسبه الله مواجه می شویم :« وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْـــوَاءَهُمْ بَعْـــدَ الَّذِى جَـــاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَـــكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِى وَلَا نَصِيرٍ»(البقره /120)

(یهودیان و مسیحان هرگز از تو خشـنود نخواهند شد مگر اینکه از آئین (تحریف شـده و خواسـته هـای نادرست) ایشـان پـیروی کـنی ، بگو تنها هدایت الهی است، و اگر خواسته ها و آرزو هـای ایشـان را پـیروی کـنی ، بعد از آنکه علم و آگـاهی یافته ای (و با دریـافت وحی ، یقین و اطمینـان به تو دست داده است) هیچ سرپرست و یـاوری از جـانب الله بـرای تو نخواهد بود)

نتیجه

پس لازم است از این به بعـد سـرمایداران و اقتصـاد دانـان مـا زنجـیر های غلامی را بشکنند و هر برنامه ی اقتصـادی کـه از طـرف غـرب بـرای شان دستور داده میشود آنرا قبـول نکـرده و بـه روش آنهـا عمـل نکننـد ، چون که اساس نظام آنها را سود و قمار تشکیل می دهد ، و این شیوه ی مورد قبول نظام اسلامی نیسـت اسـاس در نظـام اسـلامی عمـل حلال ، تجارت حلال، شراکت به طریق مشـروع ، خریـد و فـروش بـدون دروغ و نیرنگ میباشد .

باید خاطر نشان ساخت این عقیده و طرز فکری را که ما بیان داشتیم بدون یک حامی و پشـتیبان قـوی نمی تـوان بـه آن جامعـه عمـل پوشـاند، دولت باید بلا فاصله و به حیث یک نیروی حامی مردم در این روند مداخله نماید ، چرا که این یک عمل تجربه شده اسـت ، رسـول اللـه صـلی اللـه علیه وسلم نشر و پخش دین را به یکبارگی آغاز نکردند تا اینکه اطمینـان حاصل شد که حد اقل یک نیروی کوچکی تشکیل شده که میتوانـد از خـود دفاع کند، این مرحله 3 سـال و چنـد مـاه طـول کشـید . مـا هم عجلـه ی نداریم، اگر سه سال را معیار قـرار بـدهیم بـه بسـیار فکـر آرام و برنامـه دقیق می توانیم همه این پروسه را با موفقیت بـه پایـان برسـانیم و الا در مقابل مدت زمانی که یهودیان برنامه هـای خـود را بـالای مـا یـک بـه یـک تطبیق کرد اند، باید 10-20 سال در مقابل آنها ایسـتادگی کـنیم. همچنـان به خاطر داشته باشیم که ما بـه نظـام صهیونیسـتی دعـوت بـه مبـارزه را داده ایم که حتماً انشاءالله نظر به آیات مکرر و احادیث نبوی صـلی اللـه

علیه وسلم آنها را از روی گیتی نیست و نابود خواهیم کـرد و روزگـاری را بالای شان خواهیم آورد که در هیچ نقطه ی از جهان نظام صهیونیستی بـر اساس سود و قمار مورد عمال نخواهد کرد . و ما به غیر این کـار دیگـری و انتخاب دیگری نداریم ، و چون که تمام زوایای این نظام ناپـاک و خـبیث و گردانندگان آنرا شناختیم بناً یگانه مسئولیت ما این است کـه هم خـود و هم اجتماع و هم ملک اسلام را از آن مبرا و پاک ساخته و نجات بخشـیم ، و برای این هدف پیام این کتاب باید عام شود. چرا که این پیغام تا به حال به گوش عام از مردم نرسیده . بناً هر فرد مؤمنی که از آن مطلع میشود بطور باید و شاید با ما در این جهاد سـهیم شـده و آنـرا بـه پوهنتـون هـا ، مـدارس ، و مرکـز اسـلامی برسـانند و در صـورت امکـان بـه زبـان هـای مختلف ترجمه کنند تا همه مسلمانان در این موارد آگاهی حاصل کننـد، تـا دشمنان و دوستان خود را خوبتر بشناسیم. خواهش ما از شما خواننده ی گرامی این است که در این مقطع اساس تاریخ هر کـاری کـه مطـابق بـه اصول اسلام است و از توانائی شما بر می آید آنرا انجام بدهید و هرگز به فکر این نباشید که دیگر ها چه می کننـد ، و یـا فلان کس چـرا این کـار را نمی کند شما خود مسئولیت خویش را انجام دهید و پیام ما را به دیگـران که در اطراف شـما هسـتند برسـانید چـرا کـه هـر کسـی مسـئول اعمـال خویش می باشد .

ما شما را تشویق بـه سـاختن سـازمانی بـرای انجـام این اعمـال نمی کنیم چرا که سازمان های زیـادی بـه این نـام و نشـان سـاخته شـدند ولی فقط و فقط نظام اسلامی را بد نام ساختند و بس ، تا این روش خالص و پاک را معیوب جلوه دهند ، شما اگر علاقه به کار گروهی و مشترک دارید همراه با مسلمانان مخلص و محسن که نظر به حدیث رسول الله صـلی الله علیه وسلم که هر عصری از وجود شان خالی نخواهد بود یکجـا شـده همانهای که امروز عملاً در مقابل اسـتعمار امپریـالیزم امریکـا و غـرب بـا مال و جان شان در راه الله جهاد میکنند تا شما هم در این مبـارزه حـق و باطل شریک شده و مسئولیت های فردی خویش را اداء نماید .

همچنـان در هـر مـارکیت ، در هـر محـل ، هـر قریـه، ناحیـه و در هـر مسجدی مردم مسئول اند تا بـرای مسـاکین انتظامـات طعـام را بـدوش گیرند ، و شما در این کار باید قاطعانه عمل کنید.

یعنی بدون مأیوسیت کار ها باید به جلو بروند، چرا که در ابتـداء شـاید کسی با شما همکاری نکرده ، و مردم عدم علاقمنـدی خـود را نسـبت بـه کارتان نشان دهند ، ولی بخاطر پیش برد این راهکـار بـرای فقـیر تـرین و

مسکین ترین طبقه ی جامعه طعام بدهید ، چرا که طعام دادن به مساکین یک عملی مورد قبول دین است .

ما این را نمی گویم که شما از حق و نعمت که الله برای تان ارزانی نموده خویش را محروم گردانید هدف ما اینست که اسراف در امور معیشتی فرد فردی از مومنین نباید صورت گیرد و در عوض نصیبی برای برادر مؤمن مقرر گردد تا سبب گشایش روزی وی نیز گردد .

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید :« هرگاه الله تبارک و تعالی برای شما مالی داد باید اثر نعمت الله بر تو دیده شود »

بناً تظاهر به فقر و خاک نشینی در حالت توانائی مالی انکار نعمت الله به حساب می رود و این عمل نزد الله تعالی کراهیت دارد . و از جانب دیگر اسلام به انفاق و طعام المسکین امر می نماید ، قسمیکه الله تعالی برای رسول خویش صلی الله علیه وسلم می فرماید:« يسْأَلُونَكَ مَاذَا ينْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيرٍ فَلِلْوَالِدَينِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ»(البقره/215)

(از تو می پرسند : چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو آنچه از « مال و دارائی پاکیزه و» پسندیده صدقه و انفاق می کنند از آن پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بیچاره گان و مسافرین در راه)

« وَالَّذِينَ فِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ، لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ »(المعارج/25)

(و آنان «سرمایه داران» در دارائی شان سهم معینی برای سائل و مسکین می باشد)

و همچنان الله تعالی درین مورد می فرماید :« مَثَلُ الَّذِينَ ينْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يضَاعِفُ لِمَنْ يشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ الَّذِينَ ينْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيهِمْ وَلَا هُمْ يحْزَنُونَ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِی حَلِيمٌ يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِی ينْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يقْدِرُونَ عَلَى شَیءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يهْدِی الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ وَمَثَلُ الَّذِينَ ينْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَينِ فَإِنْ لَمْ يصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»(البقره/261-265)

(مثل کسانی که دارائی خود را در الله صرف می کنند ، همانند دانه ای است که هفت خوشه بر آرد و در هر خوشه صد دانه باشد ، و الله برای هر که بخواهد آن را چندین برابر می گرداند و کسانی که اموال خود را در راه الله می دهند و به دنبال آن منتی نمی گذارند و آزاری نمی رسانند اجر شان نزد الله شان ثابت است و آنها نه ترسی دارند و نه اندوهگین می شوند ، گفتاری شایسته و در گذشتن بهتر است از صدقه ای که به دنبالش خود را همچون آن کس که مالش را به ریا به مردم انفاق می کند و به الله و روز جزا ایمان ندارد ، با منت و اذیت باطل نکنید مثل وی به مانند سنگ صاف و لغزنده ای است که بران خاکی باشد و باران شدیدی بران رسد و همه خاکها و بذر ها را فرو شوید و آنرا به صورت سنگی صاف بر جای گذارد ، و از کاری که انجام داده اند سود و بهره ای بر نمی گیرند و الله گروه کفر پیشه را رهنمود نمی نماید.

و مثل کسانی که دارائی خود را برای خوشنودی الله و استوار کردن جانهای خود « بر ایمان و احسان» صرف می کنند همچون باغی است که روی تپه ای باشد و باران شدیدی بران ببارد و در نتیجه چندین برابر میوه دهد ، و اگر هم باران شدیدی بران نبارد و باران خفیفی بر آن ببارد « بسبب خاک خوب و آفتاب مناسب و هوای آزاد باز هم میوه مناسبی بدهد» و آنچه را انجام می دهید الله به آن بینا است)

و همچنان الله رب العزت در سوره الانفال در بیان صفات پنجگانه مؤمنین می فرماید :« إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيتْ عَلَيهِمْ آَياتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ ينْفِقُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»(الانفال/2-4)

(مؤمنان ، تنها کسانی هستند که هر زمانی ذکر نام الله برده شود دلهایشان هراسان می گردد « و در انجام نیکیها و خوبیها بیشتر می کوشند» و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده میشود بر ایمانشان می افزاید ، و بر پروردگار خود توکل می کنند ، و آنان کسانی هستند که نماز به کامل ترین وجه آن می خوانند و از آنچه برایشان اعطاء کرده ایم « به نیازمندان و مساکین طعام می دهند » و می بخشند.)

از امام ترمذی از کعب بن عیاض روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « در هر امتی آزمایش است و آزمایش امت من در مال است»

و همچنان در حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که : «شخصی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم از سختی دل و عدم ترحم بر دیگران شکایت کرد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : یتیمان را نوازش کن و برای مساکین طعام بده »

و در حدیثی که امام بخاری و ترمذی آنرا از انس رضی الله عنه روایت نموده است جناب رسول مقبول صلی الله علیه وسلم فرمود: « اسلام کسی بهتر است که به آشنا و بیگانه سلام گوید و « مساکین و نیازمندان » را طعام دهد»

و در حدیث دیگر از رسول الله صلی الله علیه وسلم در زمینه روایت است که می فرماید: « الله از مردم هر که گرسنه ای در میانشان شب را به صبح آورد بیزار است»

از ابوذر غفاری روایت است که روزی با بهترین عالم صلی الله علیه وسلم همراه بودیم و ایشان فرمودند : قسم به پروردگار آن خانه « اشاره به سوی کعبه نمودند» زیان کار هستند ! ابوذر گفت : یا رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان چه کسانی هستند؟ فرمودند : هم الاکثرون اموالهم یعنی کسانیکه اموال بسیاری دارند ، الا من قال هکذا او هکذا او هکذا «مگر کسانی که چنان کنند ، و چنان کنند و چنان کنند» که به سه طرف پیامبر صلی الله علیه وسلم اشاره نمودند، و منظور از آن اینست که به طرف راست هم خرچ کند و به طرف چپ هم خرچ کند و به هر طرف دیگری که دین تقاضا داشته باشد و آنجا نیازمندان و مستمندان وجود داشته باشد.

از احادیث متذکره به صورت واضح تفهیم می شود که ایشان کسانی هستند که بالای اموال و دارائی خویش مسلط هستند، و گاهی اگر مال بالای شخص مسلط شود یقیناً ذریعه هلاکت انسان می شود به مثال می ماند که او غلام باشد به خدمت مال و دارائی گرفته شود.

و از ابن حزم رحمه الله علیه روایت است هرگاه کسی در نتیجه فقر و گرسنگی در منطقه ای فوت نماید تمامی مردم محل مجرم از مرگ آن شخص می باشند.

و به همین شکل در نظام اسلام حتی مقام روزه در مقایسه با طعام مسکین آمده است یعنی اگر کسی روزه گرفته نمی تواند در عوض مساکین را طعام بدهد و یا اگر کسی قسم خویش را بشکند باید مسکین را طعام بدهد و به صد ها مثال دیگر نیز موجود است و بنیاد و آغاز عبادات اجتماعی و اخلاق اسلام در همین امر خلاصه می شود که

مساکین را طعام بدهید . و طعام مسکین چند نوع صدقه از رزق کـه اللـه برای شما داده است می باشد قسمیکه قبلاً بیان کردیم ، که هر چیزی که از فضـل اللـه بـرای شـما می رسـد بـدون سـئوال و جـواب در راه او بـه مصرف رسانید تقسـیم کـرده و بـه نـام اللـه گرسـنه ای را سـیر کنیـد و برایشان بگوید که سپاس گذار من نباشد بلکه این معامله را با الله انجام داده ام و قیمت آنرا از رب العلمین می خواهم.

سومین کاری که فرداً و شخصاً باید انجام بدهید نجات خویش از روش اقتصادی صهیونیستی است ، تا حد که توان شما می رسد حسابات بانکی خویش را از پول هـای جعلی کاغـذی بـه طلا و نقـره تبـدل کـرده ذخـیره نماید ، و بدون شک این کار را در (luck up) هـای بانـک انجـام داده می توانید و در خانه های خویش نیز نگهداری کرده می توانید ، هر کس در حد توان خود به دخالت در نظام سود صهیونیستان مجبوریت نـدارد بایـد خـود را از نظام آنها بکلی بیرون ساخت در غیر آن از جمله ی همان اشخاصـی محسوب می شوید که باید در روز محشر با ایشان حشر گردیم.

« يا أَيهَا الَّذِينَ آَمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيهُـودَ وَالنَّصَـارَى أَوْلِيـاءَ بَعْضُـهُمْ أَوْلِيـاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يتَـــــوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يهْــــدِی الْقَـــــوْمَ الظَّالِمِينَ»(سوره مائده /51)

(ای مؤمنان! یهودیـان و مسـیحیان را به دوسـتی نگیرید « و به طریقه اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید » ایشـان بـرخی دوست دیگرند « و در دشمنی با شما یکسان و برابرند » هر کس از شما با ایشان دوستی ورزد « و آنان را به سرپرستی بپذیرد و ایشان اتباع نمایند» بیگمان او از زمـره ایشان بشـمار است ، و شک نیست که الله افـراد سـتمگر را « به سـوی ایمان » هدایت نمی کند.)

موضوع دیگری که به آن اشاره میکنیم این است، سـرمایداران مـا بـه عـوض اینکـه در بانکهـا پـول هـای خـویش را جهت بدسـت آوردن سـود مسـپارند ، بایـد بطـور مشـروع سـهمی از شـرکتها را خریـداری کننـد ، و سالانه مفاد (dividend) سهم خویش را بدست آورند . و یا پولهـای خـود را به طلا تبدیل نموده و سرمایه گذاری کنند و مفاد آنرا بـه طلا بسـنجند ، چون که طلا در ذات خود دارای ارزش اسـت و بایـد از مفـاد آن اسـتفاده کرد . و یا با یک دوست خود می توانید شریک شده و مشترکاً تجارت کنید و این امریست که از طـرف اللـه صـریحاً عمـل نیکی خوانـده شـده و در تجارت بدون شک مفاد و نقصـان وجـود دارد . و یـا بـا پـول خـویش زمین زراعتی ، دکان ، و... خریداری کرده و به اجاره بدهید و یا دهقـانی را بـه

کار استاللهم نماید و حاصلات آنرا در میان دهاقین و خود به قسم مشروع تقسیم کنید.

به همین ترتیب هزاران مثال دیگر حلال و مشروعی وجود دارد کــه در قدم نخست هر فرد سرمایدار می تواند به کمـک آن خـود را از این نظـام سود ، قمار و دشمنی با الله و رسول صلی الله علیه وسلم نجات دهد و در عوض کسب و کار حلال و مشروع را پیشه سازد . که در این زمینه در قرآن پاک بسیار آیات زیبا و بشارت دهنده برای امت متقی موجـود اسـت که الله رب العزة می فرمایـد: « وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَـلْ لَـهُ مَخْرَجًا.وَيَرْزُقْـهُ مِنْ حَيثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَـدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَىءٍ قَدْرًا»(الطلاق /2-3)

(و هر که از الله بترسد و پرهیزگـاری اختیـار کند الله راه نجـات « از تنگنائی» را بـرای او فـراهم می سـازد و به او از جـائی که تصـورش نمی کند روزی می رســاند ، هر کس بر الله توکل کند « و کــار خــود را به او واگذارد یعنی به سوی حلال بـرود » الله او را بسـنده است ، الله فرمـان خویش را به انجام می رساند و هر چه را بخواهد بدان دسترسی پیـدا می کند)

«إَن تَتَّقُواْ اللّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَاناً وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (الانفال/29)

« هرگاه کسی از الله بترسد« و به حرام نزدیک نشـود و از مخـالفت فرمان او بپرهیزد » پیدا کند برای شما گشـایش « روزی و بصـیرت عمل » و از گناهـان او در گـذرد و وی را بیـامرزد و الله صـاحب فضل بـزرگ است)

شما یکبار در این راه قدم بگذارید و کوشـش پیـدا کـردن روزی حلالی را نماید حتماً به بعضی دشورای ها مواجه خواهید شد. چرا کـه اللـه شـما را حتماً آزمایش می کند و کوشش کنید از آن آزمایش موفق بدر شــوید . و باید صبر نمود و قلباً بالای الله اطمینان داشت. چونکه شما با یک نظـام ظاهراً قوی مقابلید و بایـد این پریشـانی هـای انـدک و زود گـذر را متقبـل شوید تا به زندگی رحمانی برسیم ، و الله تعالی در این زمینـه بـرای بنـده های مؤمن خویش اطمینان می دهد:« فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يسْرًا.إِنَّ مَعَ الْعُسْـرِ يسْرًا»(الشرح /5-6)

(چرا که به تعقیب سختی ها و دشواری ها آسایش و آسودگی اسـت و مسلّماً در پی سختی و دشواری آسایش و آسودگی است)

و همچنان می فرماید:« لَا يكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آَتَاهَا سَيجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يسْرًا»(الطلاق/7)

(الله هیچ کسی را جز بـــدان انـــدازه که بـــدو داده است مکلف نمی سازد، و الله بعد از هر سختی و نا خوشی گشــایش و خوشی را پیش می آورد)

نا گفته نباید گذاشت که نظر به تجارب این یک راهکار مشکلی نیســت هرگاه چهار نفر از دوسـتان ایمانــاً و وجـداناً بـا هم یکجـا شـوند تمـام این برنامه ها را در محل و منطقه خویش می توانند به خوبی رهبری و برنامه ریزی نمایند.

پس چگونه می تـوانیم در مرحلـه فـردی (Individual) از سـکه هـای طلا و نقره (درهم و دینار) استفاده بمیان آوریم ؟

اولین گام که در این راستا برداشته شود همانا علم و دانش کـافی در اصول اسلامی و اقتصاد اسلامی و همچنان آگاهی کـاملی از برنامــه هــای صهیونیستی و صلیبی دشمن کـه بـر ضـد مـا سـاخته شـده و مبنـای تمـام فساد در روی زمین می باشد را داشته باشیم .

که البته ما در این اثر تا حد توان به این موضوعات اشاره کردیم یعنی در حقیقت اعلانی برای طرز مقابله با این روند را داده ایم کـه مسـئولیت هر شخص است تا این آواز را به نقاط دور دنیـا برسـاند و خـود نـیز از آن استفاده ی عظیمی نماید و به هر کدام جامه ی عمل بپوشانند. و تـا آنکــه هر شخص برای تطبیق این برنامه جداً بـا سـرمایه خـویش داخـل مبـارزه نشود در ذات خود این امر نا ممکن می باشد این کار در مالزی با زحمات شخص خود داکتر ماهاتیر محمد انجام شد و شرکت خصوصی عهـده دارد چاپ و ضرب سکه های معادل به درهم و دینـار (Guarantee coin) یـا سکه های اعتباری شد، بناً بعد از آن مردم خود حاضر بـه خریـد این پولهـا شدند و تمام معاملات خود را بـا این پـول پیش میبرنـد و حسـابات بـانکی شان بر مبنای همین پول میباشد؛ چرا کـه یقین دارنـد هرگـاه بـه بانـک یـا همان شرکتی که توسط دولت ثبت شده مراجعـه کننـد همـان سـکه هـای شـان ارزش یـک سـکه ئی طلا را دارد . بایـد گفت کـه تـا زمانیکـه از این روشها در تمام کشور هـای اسـلامی روی کـار نشـود و یـا یـک سـرمایدار بزرگ ، تاجر بزرگ و یا یک شخصی که مصروف تجارت طلا است و یا یک بانکداداری انجام نشود، پس امکـان توسـعه ی این برنامــه بسـیار محـدود میماند . و یا تا اینکه بانکی سکه های طلا را ضرب زده و نشر کند و تعهـد بسپارد که ما حاضـر ایم تـا هـر زمـانی سـکه هـای کـه بـه قیمت طلا و از

جنس طلا اند را دو باره به نرخ طلا اخذ نمایم . و زمانیکه این چنین یک اداره ای تضمین کننده ی پولی تاسیس شود، مردم هم با اطمینان خاطر از سکه های طلا و نقره استفاده می کنند و یقین دارند که این سکه ها در همه جا بدون ممانعت دارای ارزش اند و در معاملات ما می توانند مورد استفاده قرار گیرد . و در صورت که خواسته باشیم پول خویش را دوباره بدست آوریم بانک حاضر خواهد بود تا پول مورد نیاز ما را بپردازد . درست مانند که امروز در بازار دالر ، ایرو و پوند تباله می شوند . و برای اینکه از جعلی شدن سکه های طلا و نقره جلوگیری به عمل آید و معامله کنند گان از آن مطمین شوند باید اتحادیه و یا مرکز که صلاحیت چک و برسی سکه ها را داشته باشند را در هر موقعیتی ایجاد کنیم در غیر آن ساده ترین طریقه این است که از طرف حکومت این سکه ها بلا تکلیف ایجاد و نشر گردند . چرا که صهیونی ها هم خاموش نخوهند نشست و حتماً بخاطر آوردن بلای بر بالای ما کوشش های مکرری خواهند نمود مثلاً ارزش پول ما را کم سازند و یا بازار و بانکهای ما را ورشکسته سازند، ما پیشنهاد میکنیم که در این حالت لازم است تا در نزد هر شخصی طلا و نقره به طور ذخیره موجود باشد. و اگر حکومت اقدام به این کار را کند ما برای حکومت اطمینان می دهیم که در مواقع خطر ولو از هر نوع آن که باشد مانند خطر نفت، گاز و یا مواد غذائی محفوظ خواهیم ماند، و هیچ آسیبی از این ناحیه برای ما وارد نخواهد شد . چرا که هیچگاه از الطاف الله مایوس نیستیم و در تاریخ اسلام جوانانی بوده اند و هستند که برای احیای شعایر اسلامی حاضر به قبول شهادت اند ، و نزد ما برادران مسلمان موجود است که در سینه های شان درد و محبت اسلام موج می زند و حاضر به انجام هر خدمت به نفع دین و اجتماع خویش اند ، و یگانه راه حل برای بیرون رفت از مشکلات این ملت تاسیس امارت اسلامی است یعنی باید امیری رهبری این ملت را و رهبری مبارزین این ملت را به عهده داشته باشد که الحمدلله در هیچ یک از دوره های تاریخ فاقد آن نبوده ایم. و حتی در صورت فقدان رهبریت بر بالای ملت مسلمان آن قدر اطمینان داریم که تمام برنامه ها را به شکل اجتماعی آن تنظیم خواهند کرد، تا اینکه بتوانند برای خویش یک نظام دفاعی در مقابل صهیونی ها را ایجاد کنند ، و در اخیر برای تمام مسلمانان دعائی خیر می کنیم ، و انشاءالله این خوش خبری را برای ملت مسلمان می دهیم که تا اینجا که الله رب العزة صهیونی ها و دوستان ملحد شان را فاش ساخته و تا این جا راه حل را که برای ما

اشکار ساختند ، پس از این به لطف پروردگار آن وقت دور نخواهد بود که مسلمانان قادر بـه سـاختن نظـام خـالص اسـلامی شـوند. و همچنـان هـر فردی مسئولیت و صلاحیت دارد تا به هر حد که در تـوان دارد این برنامـه را پیش برده ، و این آواز را به تمام دنیا برساند و خاصتاً این رساله را بــه زبان هـا مختلـف ترجمـه کنیـد ، چـون کـه این مشـکلی یـک یـا دو کشـور اسلامی نیست و این فساد و تباهی یهـود دامن گـیر همـه بشـریت و همـه انسانیت است، این صهیونیها بشـریت را میخواهنـد غلام بی قیـد و شـرط خود سازند . و این کتاب به نوبه ی خود پیغام انقلابی بر علیـه رژیم خــون خوار صهیونیستی و امپریالیست غرب به رهبر امریکا است و هـر کس در هر محلی که زنـدگی میکنـد این پیغـام را نشـر و پخش کنـد ، انشـاء اللـه روزگاری را عنقریب شاهد خواهیم بود که یهودیت و صهیونیزم به زانــو در آینـده ، چـرا آن قـدری کـه از بـیرون محکم معلـوم می شـوند از داخـل مستحکم نیستند ، به قول الله رب العزة این نظام بی بنیاد اسـت و بقـای ندارد

« لَا يقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِی قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَينَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِـكَ بِـأَنَّهُمْ قَـوْمٌ لَا يعْقِلُـونَ»(الحشر/ 14)

(یهودیــان هرگز با شــما به صــورت دســته جمعی جز در پس دژ هــای محکم و یا از پشت دیــوار ها نمی جنگند ، عـــداوت و دشـــمنی در میـــان خودشــان شــدت دارد (یعـنی از داخل نظـام فـرو پاشـیده ای دارند) تو ایشــان را « ظــاهراً » متحد و قــوی می بیــنی ولی پراکنــده دل بــوده و هماهنگ نمی باشند این بدان خاطر است که مردمان بیشـعور و نا آگـاهی هستند)......

«رَبَّنَا لَا تُـزِغْ قُلُوبَنَا بَعْـدَ إِذْ هَـدَيتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَـدُنْكَ رَحْمَـةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .رَبَّنَا إِنَّكَ جَـامِعُ النَّاسِ لِيــوْمٍ لَا رَيبَ فِيــهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يخْلِفُ الْمِيعَادَ » (آل عمران/8-9)

« پروردگارا ! دلهای ما را بعد از آنکه به جـانب حـق هـدایت کـرده ای منحـرف مگـردان و از سـوی خـود رحتمی بـه مـا ببخشـای کـه بی گمـان بخشایشگر تویی تو ، پروردگارا ! تو مـردم را در روزی کـه تردیـدی در آن نیست جمع خواهی کرد و مسلماً الله بـر خلاف وعـده خـویش عمـل نمی کند»

«و کان حقا علینا نصر المؤمنین»

السبت، 5 ربيع الاول، 1432 بساعة 2:59
ظهر

يما ابن عبداللطيف بابكرخيل
-أبو مصعب الخراساني-

فهرست مطالب

مقدمه ....
....
فصل اول : مبحث
اول:..
مبحث
دوم:..

مبحث سوم:...
مبحث چهارم:...
مبحث پنجم:...
مبحث ششم:...
مبحث هفتم:...
مبحث هشتم:...
مبحث نهم :...
فصل دوم : مبحث دهم:...
مبحث یازده هم :...
مبحث دوازده هم:...
مبحث سیزده هم :...
مبحث چهارده هم:...
مبحث پانزده هم :...
مبحث شانزده هم:...
مبحث هفده هم :...
خاتمه:...

Economic Terroisim

By

Yama babakarkhil